



جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

- ۱. تحلیل فضایی تحقق‌پذیری طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی شهرستان مشهد و اثرات آن
حمید شایان، مجیدرضا کاتبی، طاهره صادق‌لو، خدیجه بوزرجمهری
- ۲۷. ارزیابی اثرات تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری جوامع روستایی در برابر تغییرات اقلیمی (منطقه مورد مطالعه: روستاهای هدف گردشگری شهرستان سامان)
صادق مختاری چلچله، حسین فراهانی، جمشید عینالی، مهدی چراغی
- ۵۷. تبیین جایگاه حکمروایی خوب شهری با استفاده از روش آمیخته ترکیبی در شهر جدید گلپهار
حامد روشنائی، محمدعلی احمدیان، امیدعلی خوارزمی
- ۸۹. تبیین شاخص‌های مدل شکوفایی گردشگری شهری
امین الله بالیده، مسعود تقوایی
- ۱۲۱. عوامل مؤثر در تعیین رویکرد مدیریتی برندسازی پایدار مقصدهای گردشگری ساحلی (مورد مطالعه بندر بوشهر)
ولی‌اله نظری، محمد غلامی، غلامرضا امینی‌نژاد، حسین مظفری
- ۱۵۳. استراتژی هند برای کاهش تهدیدات روزافزون چین در جنوب آسیا
حمید درج
- ۱۸۷. تحلیل نقش عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری ایران (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)
نگین رسولی، حجت مهکویی، امیر گندمکار
- ۲۲۹. بررسی خطرپذیری سیلاب در محدوده شهری مشهد با استفاده از تکنیک‌های GIS
احمد ذاکریان، ابوالقاسم امیراحمدی، لیلا گلی مختاری
- تغییرات مکانی و زمانی اقلیم گردشگری استان اردبیل با استفاده از دمای معادل فیزیولوژیک (PET) و پیش‌بینی آن با استفاده از معادله رگرسیون چندمتغیره
توحید احمدزاده، پرویز رضائی، یوسف زین‌العابدین عموقین
- ۲۸۵. واکاوی تأثیر گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه بر صلح و امنیت جهانی
هادی شرفی، فریدون اکبرزاده، حسین کریمی فرد، شیوا جلال پور
- ۳۱۵. الگوهای ذهنی مدیران محلی درباره راهکارهای مدیریت مخاطرات محیطی (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های پراشهر بیرجند)
محمد حبیب‌پور، مبینا عثمانی
- ۳۳۷. تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج با استفاده از روش‌های تحلیل فضایی
مهدی احساسی‌خواه، کرامت اله زیاری، عباس رجایی، احمد پوراحمد، حسین حاتمی نژاد

ISSN: ۲۰۰۸-۱۳۹۱



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر محمد رحیم رهنما

سرمدیر: دکتر حمید شایان

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

محمد علی احمدیان - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (دکترای جغرافیای شهری و ناحیه‌ای)	حمید شایان - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای روستایی)
عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)	حسن کامران دستجردی - دانشیار دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای سیاسی)
مهدی پورطاهری - استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)	حسن لشکری - استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکترای آب و هواشناسی)
سیدرضا حسین‌زاده - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)	عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای شهری)
کریم حسین‌زاده دلیر - استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای شهری)	غلامعلی مظفری - استاد دانشگاه یزد (دکترای آب و هواشناسی)
محمد رحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)	سعدالله ولایتی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای زمین شناسی)
شهرام روستایی - استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)	وحید قاسمی - استادیار دانشگاه اروپا، لیسهون پرتغال (دکترای گردشگری و مدیریت مارکتینگ)
حمداالله سجاسی قیداری - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)	خلنظر مجتوف - استاد آکادمی ملی علوم تاجیکستان (دکترای علوم جغرافیا)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر رضا دوستان ویراستار ادبی متن مقالات: زینب درویشی ادیت و سرچ منابع به لحاظ apa: دکتر سیده مریم فضائلی
 مترجم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ویراستار این شماره: دکتر وحید مردانی کلاته قشلاقی
 کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: محبوبه ایران‌پاک شمارگان: ۳۰ نسخه
 نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۸۷۹۴۱۴۴ (۰۵۱۱)
 بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا- سالانه) ۲۰ دلار (سایر کشورها- سالانه)
 نشانی اینترنتی: E-mail: JRD@Ferdowsi.um.ac.ir http://jgrd.um.ac.ir/
 شماره‌ی پروانه: ۱۲۴/۷۲۷ - این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۸، رتبه علمی- پژوهشی دریافت نموده است.
 بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی- پژوهشی" به "نشریه" علمی "تغییر نام" یافتند.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط تدوین مقاله

به منظور ایجاد تسهیل در روند داوری و چاپ مقالات، از کلیه پژوهشگران که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه‌اند، خواهشمند است به نکات زیر توجه نمایند در غیر این صورت مقاله به نویسنده عودت داده خواهد شد:

۱. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<https://jgrd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.

۲. مقاله ارسالی نباید قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیئت تحریریه مجله، انتظار دارد نویسندگان محترم تا زمانی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال ننمایند.

۳. مقالات فارسی با قلم لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 با نرم افزار Word تحت Windows XP تهیه شود. مقالات روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۵/۵ و پایین ۵/۵ و راست ۴ و چپ ۴ سانتی متر) تایپ شده و فواصل بین خطوط به صورت single باشد.

۴. حجم مقاله نباید حداکثر بیست و پنج صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر شود (با احتساب فضای مورد نیاز برای جداول، اشکال، خلاصه، نتایج و فهرست منابع).

۵. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۶۰ حرف بیشتر شود و با قلم لوتوس سیاه ۱۳ تایپ شود.

۶. مشخصات مقاله: نام نویسنده(گان) مقاله با قلم B لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم B لوتوس سیاه ۱۰ و آدرس الکترونیکی نویسنده با قلم Times New Roman 9 باید در زیر عنوان مقاله به صورت وسط چین ذکر شود. ضمناً شماره تلفن تماس و ایمیل نویسنده مسئول مکاتبات در پاورقی آورده شود.

* لازم به ذکر است که بعد از ارسال مقاله به مجله امکان تغییر و یا جابجایی نویسندگان وجود نخواهد داشت.

۷. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 12، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10، عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود.

۸. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم B لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 به صورت تک ستونی صرفاً در یک پاراگراف ارائه شود.

۹. اشکال و نمودارهای مقاله حتماً اصل بوده و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت PDF، Word، Excel) و با دقت 600 dpi ارائه گردد. اندازه قلم‌ها به ویژه در مورد منحنی‌ها (legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، B لوتوس سیاه ۱۲).

۱۰. در متن مقاله به شماره عکس‌ها، جداول و نمودارها اشاره شود و محل تقریبی آنها مشخص گردد.

در تنظیم جداول، منحنی‌ها، اشکال و تصاویر، رعایت نکات زیر الزامی است:

الف- اطلاعات جداول نباید به صورت منحنی و یا به شکل دیگر در مقاله تکرار شوند. شماره و عنوان در بالای جدول ذکر گردد.

ب- هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج- توضیحات اضافی عنوان و متن جدول، به صورت زیرنویس ارائه گردد. نتایج بررسی های آماری، باید به یکی از روش های علمی در جدول منعکس شود و در هر صفحه نباید بیش از دو جدول آورده شود.

د- شکل های هر مقاله شامل منحنی، نمودار، عکس و نقشه بوده و همه به طور یکسان به عنوان شکل شماره گذاری می شوند. شکل ها باید بصورت رنگی یا سیاه و سفید و با کیفیت مناسب و مطلوب تهیه شود و شماره و عنوان آنها در بالا بیاید. عکس ها باید واضح، مطالب آنها خوانا و دارای مقیاس باشند. ذکر مأخذ عکس ها یا شکل هایی که از منابع دیگر اقتباس شده اند الزامی است.

۱۱. معادل انگلیسی واژه های مهم در داخل متن با شماره گذاری مستقیم برای هر صفحه، در پاورقی آورده شود.

۱۲. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۱-۱۲. **صفحه عنوان:** در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (گان) درجه علمی، نشانی دقیق شامل: (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید با علامت ستاره مشخص شود.

۲-۱۲. **چکیده:** شامل چکیده فارسی و انگلیسی مقاله و واژگان کلیدی (سه تا شش کلمه) است. حتی الامکان چکیده مقاله از ۳۰۰ کلمه بیشتر نباشد و بیانگر طرح مسأله، روش تحقیق، ابزار جمع آوری داده ها، تکنیک به کار رفته، یافته ها و نتیجه گیری باشد. چکیده انگلیسی و فارسی در مطابقت کامل با یکدیگر تهیه شود.

۳-۱۲. **مقدمه:** که در بر گیرنده طرح مسأله، اهمیت و ضرورت، اهداف، سوابق تحقیق می باشد.

۴-۱۲. **مواد و روش ها:** که در بر گیرنده محدوده و قلمرو پژوهش، روش تحقیق و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آنها)، سؤال ها و فرضیه ها، معرفی متغیرها و شاخص ها کاربرد روش ها و تکنیک ها می باشد.

۵-۱۲. **مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری:** که در برگیرنده تعاریف و مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری، و ... می باشد.

۶-۱۲. **یافته ها:** ارائه نتایج دقیق یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۷-۱۲. **بحث و نتیجه گیری:** متضمن آثار و اهمیت یافته های پژوهش و یافته های پژوهش های مشابه دیگر، با تأکید بر مغایرت ها و علل آن، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارایه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهاد های احتمالی.

۸-۱۲. **تشکر و قدردانی:** قبل از منابع مورد استفاده ارائه شده و از ذکر افراد (شامل: دکتر، مهندس و...) خودداری شود.

۱۳. **نحوه ارجاعات:** منابع و مأخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود. دقت شود که ارجاعات داخل متن به لحاظ تعداد و محتوی منابع همخوانی داشته باشد.

۱-۱۳. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) باشد، به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده به همان زبان اصلی (فارسی یا انگلیسی) باشد. به عنوان نمونه: (ولایتی، ۱۳۸۷: ۵۰) یا (Woods, 2005: 8) و این حالت برای دو نویسنده نیز صادق می باشد اما برای

ارجاعاتی که بیش از دو نویسنده دارند نام خانوادگی نفر اول آمده و از واژه همکاران به جای سایر نویسندگان استفاده شود؛ به عنوان نمونه برای منابع فارسی (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱) برای منابع لاتین نیز (Gilbert et al, 1994:76)

۱۳-۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر آورده شود:
نمونه فارسی:

۱. نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان کتاب (به صورت ایتالیک باشد)؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر. نحوه درج در فهرست منابع و مآخذ به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.
مثال برای کتاب: توسلی، محمود (۱۳۸۶)؛ اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.

۲. مثال برای نشریه: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان مقاله؛ نام نشریه (به صورت ایتالیک باشد)، دوره، محل انتشار.

مثال برای مقاله: سرور، رحیم (۱۳۸۳)؛ استفاده از AHP در مکانیابی جغرافیایی (مطالعه موردی: مکانیابی جهت توسعه آتی شهر میاندوآب)؛ مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص ۱۹-۳۸.

۱۴. نقل قول ها - مستقیم و غیر مستقیم - نقل به مضمون و مطالب استنتاج شده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه گذاری های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ، و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.

۱۵. مقالات برگرفته از رساله و پایان نامه دانشجویان با نام دانشجو، استاد راهنما و مشاوران و با مسئولیت استاد راهنما انتشار می یابد.

۱۶. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

۱۷. شیوه ارزشیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش از جنبه های نوآوری در حوزه نظریه و روش شناختی کاربردی، شرایط لازم را احراز نمایند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده ای پیشنهاد می کنند. پیشنهاد های داوران محترم به طور کامل، اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.

۱۸. فایل های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارتند از:

الف) فایل مربوط به مشخصات کامل نویسندگان (شناسنامه مقاله) متناسب با بند ۶ شرایط تدوین مقاله به صورت word در یک صفحه

ب) فایل اصلی مقاله: یک نسخه word و pdf از متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان و بدون چکیده انگلیسی.

ج) فایل مربوط به چکیده مقاله: یک نسخه word از چکیده مبسوط انگلیسی به همراه متن فارسی آن بر اساس بنده ۱۲-۲ تنظیم و ارسال گردد

۱۹. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف داده شده پس از سه ماه از مجموعه ی بایگانی مجله خارج شده و مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.

۲۰. مسئولیت ارائه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول ارسال خواهد شد. چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نگردد به معنای انصراف قلمداد شده و به شماره‌های آتی موقوف خواهد شد و چنانچه پاسخی دوباره دریافت نشود مقاله از اولویت چاپ در مجله خارج می‌شود.

آدرس پستی: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای- کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۳ و نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰ تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۲۴

پست الکترونیکی E-mail:jrd@Ferdowsi.um.ac.ir

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

- دکتر محمد اجزاء شکوهی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر هادی اعظمی (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر علی امیری (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه لرستان)
- دکتر ابوالفضل بهنیاfer (دانشیار گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد)
- دکتر مجید پریشان (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور تهران)
- دکتر زهرا ترکاشوند (استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران)
- دکتر علی اکبر تقی پور (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه دامغان)
- دکتر محسن جان پرور (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر حمید جلالیان (دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه خوارزمی)
- دکتر داود جمینی (استادیار گروه ژئومورفولوژی دانشگاه کردستان)
- دکتر مهناز جهادی طرقي (استادیار گروه جغرافیا گرایش ژئومورفولوژی دانشگاه پیام نور تهران)
- دکتر سیدرضا حسین زاده (استاد ژئومورفولوژی دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر مهناز حسینی سیاه گلی (دانش آموخته دکتری گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز)
- دکتر رضا دوستان (استادیار اقلیم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر منصور رضاعلی (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)
- دکتر محسن رضائی عارفی (استادیار جغرافیای طبیعی و برنامه ریزی محیطی دانشگاه فرهنگیان بیرجند)
- دکتر محمد رضا رضوانی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران)
- دکتر طاهره صادقلو (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر مجتبی صادقی (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر فروزان طاهری (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر یونس غلامی (دانشیار گروه جغرافیا و گردشگری دانشگاه کاشان)
- دکتر ربیاز قربانی نژاد (استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)
- دکتر حامد محقق نیا (دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز)
- دکتر حجت مهکویی (دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد)
- دکتر محمودرضا میرلطفی (دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه زابل)
- دکتر هادی ویسی (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور تهران)
- دکتر مجید یاسوری (استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه گیلان)



- ۱-۲۶ تحلیل فضایی تحقق‌پذیری طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی شهرستان مشهد و اثرات آن
حمید شایان، مجیدرضا کاتبی، طاهره صادقلو، خدیجه بوزرجمهری
- ۲۷-۵۶ ارزیابی اثرات تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری جوامع روستایی در برابر تغییرات اقلیمی (منطقه مورد مطالعه: روستاهای هدف گردشگری شهرستان سامان)
صادق مختاری چلچله، حسین فراهانی، جمشید عینالی، مهدی چراغی
- ۵۷-۸۸ تبیین جایگاه حکمروایی خوب شهری با استفاده از روش آمیخته ترکیبی در شهر جدید گلپهار
حامد روشنایی، محمدعلی احمدیان، امیدعلی خوارزمی
- ۸۹-۱۲۰ تبیین شاخص‌های مدل شکوفایی گردشگری شهری
امین الله بالیده، مسعود تقوایی
- ۱۲۱-۱۵۱ عوامل مؤثر در تعیین رویکرد مدیریتی برندسازی پایدار مقصدهای گردشگری ساحلی (مورد مطالعه بندر بوشهر)
ولی‌اله نظری، محمد غلامی، غلامرضا امینی‌نژاد، حسین مظفری
- ۱۵۳-۱۸۶ استراتژی هند برای کاهش تهدیدات روزافزون چین در جنوب آسیا
حمید درج
- ۱۸۷-۲۲۸ تحلیل نقش عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری ایران (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)
نگین رسولی، حجت مهکویی، امیر گندمکار
- ۲۲۹-۲۵۱ بررسی خطرپذیری سیلاب در محدوده شهری مشهد با استفاده از تکنیک‌های GIS
احمد ذاکریان، ابوالقاسم امیراحمدی، لیلا گلی مختاری
- ۲۵۳-۲۸۴ تغییرات مکانی و زمانی اقلیم گردشگری استان اردبیل با استفاده از دمای معادل فیزیولوژیک (PET) و پیش‌بینی آن با استفاده از معادله رگرسیون چندمتغیره
توحید احمدزاده، پرویز رضائی، یوسف زین‌العابدین عموقین
- ۲۸۵-۳۱۴ واکاوی تأثیر گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه بر صلح و امنیت جهانی
هادی شرفی، فریدون اکبرزاده، حسین کریمی فرد، شیوا جلال پور
- ۳۱۵-۳۳۶ الگوهای ذهنی مدیران محلی درباره راهکارهای مدیریت مخاطرات محیطی (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند)
محمد حجی‌پور، مبینا عثمانی
- ۳۳۷-۳۶۲ تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج با استفاده از روش‌های تحلیل فضایی
مهدی احساسی‌خواه، کرامت‌اله زیاری، عباس رجایی، احمد پوراحمد، حسین حاتمی نژاد



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.51430.0>

Spatial Analysis of the Feasibility of the Plan for Organizing Rural Spaces and Centers of Mashhad and its Implications

Hamid Shayan¹

Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Majidreza Katebi

MA in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Tahereh Sadeghlou

Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Khadijeh Bouzarjomehri

Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 23 December 2020 Revised: 25 May 2021 Accepted: 19 June 2021

Abstract

The plan for organizing rural spaces and centers is recognized as one of the appropriate strategies to establish a platform for sustainable development of the environment, hierarchical organization of rural services and facilities, and optimal distribution of the population. This research aims to evaluate the feasibility of the mentioned plan at the level of rural settlements in Mashhad based on the expected services. Therefore, given the importance of this issue, the present research was conducted at 42 villages in the county, which were randomly selected from centers, districts and satellite villages. In this applied research, which is descriptive-analytical in nature, data collection was conducted through a field survey. The statistical population of this research includes 24,636 households domiciling in the studied villages. Using Cochran's formula, a sample of 375 questionnaires was determined. Moreover, Cronbach's alpha reliability coefficient for demographic (0.78), economic (0.81), social (0.82) variables confirmed the appropriateness of the research tool. The collected data was analyzed by statistical methods using SPSS and GIS software. The extent of service feasibility was analyzed based on specificity coefficient at three rural levels. The frequency and dispersion of mean in the above three levels exhibits a great variance between the capitals of centers and the district and the satellite villages. In other words, in terms of the specificity coefficient, there is not a significant difference between the capital of centers and the districts, but it was

1. Corresponding Author: Email: shayan@ferdowsi.um.ac.ir

significantly greater than that of the satellite villages. As for the economic and demographic effects of the plan, there was not a significant difference between the capitals of centers and the district, but the centers surpassed the district in terms of social conditions.

Keywords: Spatial Analysis, Spatial Organization, Service Specificity Coefficient, Rural Centers of Mashhad



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.51430.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

تحلیل فضایی تحقق پذیری طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی شهرستان مشهد و اثرات آن

حمید شایان (استاد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

shayan@ferdowsi.um.ac.ir

مجیدرضا کاتبی (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

majidreza_katebi@yahoo.com

طاهره صادقلو (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

tsadeghlou@um.ac.ir

خدیدجه بوزرجمهری (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

azar@ferdowsi.um.ac.ir

صص ۲۶ - ۱

چکیده

طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی، به عنوان یکی از راهبردهای مناسب به منظور ایجاد بستری برای توسعه پایدار محیط و ساماندهی سلسله مراتبی خدمات و تأسیسات روستایی و توزیع بهینه جمعیت شناخته می شود. هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی میزان تحقق پذیری طرح نام برده، در سطح سکونتگاه های روستایی شهرستان مشهد براساس خدمات پیش بینی شده است؛ از این رو، با توجه به اهمیت این موضوع، تحقیق حاضر در سطح ۴۲ روستای شهرستان که به صورت تصادفی در سه سطح مراکز مجموعه، حوزه و آبادی های اقماری انتخاب شده اند، صورت گرفته است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، از نوع توصیفی - تحلیلی است و آمار و اطلاعات آن از طریق روش های میدانی به دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل ۲۴۶۳۶ خانوار ساکن در روستاهای مورد

مطالعه است که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای به حجم ۳۷۵ پرسش‌نامه انتخاب شد. همچنین ضریب اطمینان آلفای کرونباخ مؤلفه‌های جمعیتی ۰/۷۸، اقتصادی ۰/۸۱ و اجتماعی ۰/۸۲، نشان‌دهنده مناسب بودن ابزار پژوهش بوده است. داده‌ها و اطلاعات به دست آمده با روش‌های آماری در قالب نرم‌افزارهای SPSS و GIS تجزیه و تحلیل شد. با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA)، میزان تحقق خدمات، براساس ضریب ویژگی در سطوح سه‌گانه روستاها تحلیل شد؛ تعدد و پراکندگی میانگین برحسب سطوح سه‌گانه، نشان‌دهنده تفاوت زیادی از این لحاظ، میان مراکز مجموعه و حوزه با آبادی‌های اقماری است؛ به عبارت دیگر، از نظر ضریب ویژگی، اختلاف زیادی میان مراکز مجموعه و مراکز حوزه وجود نداشته، ولی به مراتب بیشتر از آبادی‌های اقماری است. از لحاظ اثرات اقتصادی و جمعیتی طرح، تفاوت چندانی بین مراکز مجموعه و حوزه نیست، اما مراکز حوزه از نظر اجتماعی شرایطی بهتر از مراکز مجموعه دارند.

واژگان کلیدی: تحلیل فضایی، ساماندهی فضاها، ضریب ویژگی خدمات، مراکز روستایی شهرستان مشهد

۱. مقدمه

یکی از اهداف اساسی در بیشتر کشورهای در حال توسعه، دسترسی جغرافیایی هر چه بهتر جمعیت‌های روستایی به خدمات اساسی است (راشتون^۱، ۱۹۸۴، ص. ۲۱۷)؛ زیرا دسترسی مناسب به خدمات، نقشی بنیادین برای کاهش محرومیت و افزایش روابط اقتصادی و اجتماعی در روستاها دارد (بری^۲، ۲۰۰۴، ص. ۱). فراهم آوردن خدماتی که از لحاظ کیفیت، صرف نظر از محل زندگی، دارای سطح اثربخشی و دسترسی قابل قبولی باشد، برای هر دولتی یک تعهد ملی به شمار می‌رود (آستانا^۳، ۲۰۰۴، ص. ۴۵). این امر به‌ویژه در مناطق روستایی در جذابیت اماکن مسکونی و محل‌های اشتغال، تأثیرگذار است (اشمیت^۴، ۲۰۰۶، ص. ۷۸۲). همچنین خدمات و زیرساخت‌ها می‌توانند نقش مهمی در مبارزه با محرومیت‌های اجتماعی در مناطق روستایی ایفا کنند و عاملی تعیین‌کننده برای محدود کردن مهاجرت هستند (هالوران^۵، ۲۰۰۵، ص. ۷). بنابراین

1. Rushton
2. Berry
3. Asthana
4. Schmitt
5. Halloran

می‌توان هدف اصلی طرح‌های خدمات‌رسانی را پایداری، نگهداری، پشتیبانی و تکیه‌گاه زندگی در مناطق روستایی دانست (جین^۱، ۲۰۰۷، ص. ۱۳۲). در کشور ما نیز یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه توسعه روستایی به آن توجه شده است، طرح ساماندهی خدمات‌رسانی روستایی، برای کاهش مهاجرت از روستا، ایجاد زمینه‌های اشتغال و درآمدزایی برای روستاییان، ایجاد تأسیسات زیربنایی و خدمات رفاهی در روستاست (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص. ۲۱۶). در سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۲، وزارت جهاد سازندگی، از طریق شرکت مهندسان مشاور هامون طرح ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی را به‌عنوان مرحله دوم «طرح طبقه‌بندی روستاها و تدوین استراتژی توسعه روستایی کشور» و با هدف ایجاد بستری مناسب به‌منظور توسعه پایدار محیط روستایی، سازماندهی سلسله‌مراتبی خدمات و تأسیسات روستایی و ایجاد نظام استقرار مناسب سکونتگاه‌های روستایی با پراکندگی بهینه جمعیت پایه‌گذاری کرده است (رضوانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۰)؛ اقدامی ریشه‌ای، که در صورت طراحی و اجرای صحیح، افزون بر بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاها، اثر مثبت خود را بر شهرها نیز برجای می‌گذارد و توسعه‌ای یکپارچه را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه ریزی فضایی، با توجه به محدودیت منابع، توزیع بهینه و متعادل خدمات و امکانات بین سکونتگاه‌های مختلف است (تقوایی و نوروزی آوارگانی، ۱۳۸۶، ص. ۶۰). به همین منظور برای خدمات‌رسانی هرچه بهتر به روستاها، از روش سطح‌بندی برای ارتباط میان روستاهای کوچک‌تر با روستاهای بزرگ‌تر هم‌جوار استفاده می‌شود. این پژوهش درصدد آن است تا به‌منظور پاسخگویی به سؤال‌های زیر، با تحلیل فضایی، میزان تحقق‌پذیری طرح سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی و میزان موفقیت آن را در شهرستان مشهد بررسی کند و پرسش‌های آن عبارت هستند از:

۱. آیا بین میزان تحقق اهداف طرح ساماندهی و اندازه جمعیت مراکز، فاصله تا مشهد و سطح مرکزیت آن‌ها رابطه معناداری است؟

۲. اهداف طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی شهرستان مشهد تا چه اندازه محقق شده است؟

۲. پیشینه تحقیق

به منظور رسیدن به روشی عادلانه و متوازن برای دستیابی مراکز سکونتگاهی به خدمات و امکانات، تحقیقات و پژوهش‌هایی در زمینه مکان‌یابی و ارزیابی شرایط استقرار و دسترسی مراکز خدمات روستایی براساس سطح‌بندی روستاها انجام شده است. شکور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نحوه توزیع فضایی امکانات خدمات روستایی و سطح‌بندی روستاهای بخش درودزن مرودشت» دریافته‌اند که علت اختلاف امتیاز شاخص‌ها میان سطوح مختلف سلسله‌مراتب خدماتی منطقه مورد مطالعه را که گویای عمق شکاف و گسیختگی‌های نظام موجود سلسله‌مراتب خدمات در این منطقه است، باید در سطح‌بندی و توزیع نامناسب خدمات روستایی جستجو کرد. تحقیق ریاحی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «تحلیل فضایی نابرابری در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سقز» گویای آن است که نابرابری فضایی خدمات در روستاهای این شهرستان، به دلیل دو عامل درونی (قابلیت‌ها، امکانات و جمعیت) و بیرونی (مکان استقرار و امکان دسترسی) است که سبب مراجعه مستقیم و زیاد مردم روستاهای این شهرستان به شهر برای دریافت خدمات مورد نیاز شده است. رستمی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل توزیع فضایی خدمات در سکونتگاه‌های روستاییان کهگیلویه و بویر احمد» با استفاده از روش‌های فضایی آنالیز ترکیبی و تابع تراکم کرنل نشان داده‌اند که ناپایداری روستاهای مورد مطالعه از یک سو به پراکندگی نامتعادل استان و از سوی دیگر به توزیع نامتناسب خدمات نسبت به پراکندگی فضایی جمعیت روستاها ارتباط دارد. آجودانی و حسینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مطالعه اثرات طرح‌های ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی در توسعه اجتماعی روستاهای اردبیل» از طریق آزمون آماری و در سه بعد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، کاربردی - محیطی میزان تحقق‌پذیری پیشنهادهای ارائه شده در این طرح‌ها را بررسی کرده و در نهایت، مهم‌ترین دلایل محقق نشدن پیشنهادهای مطرح شده را محدودیت اعتبارات عمرانی، ناهماهنگی دستگاه‌ها و سازمان‌های دست‌اندرکار توسعه روستایی و ضعف مشارکت مردم دانسته‌اند. ملکی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی عدالت فضایی در توزیع امکانات و خدمات بهداشتی - درمانی در شهرستان‌های استان خوزستان» به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه بیشتر در شهرستان‌های پرجمعیت و توسعه نیافتگی در شهرستان‌های کم‌جمعیت استان وجود دارد.

صالح پور و افراخته (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی - درمانی از منظر عدالت فضایی» پراکنش خدمات مزبور را در مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نیازهای اساسی و اولیه بهداشتی - درمانی سکونتگاه‌های روستایی به‌طور مطلوب در میان فضاها و روستایی توزیع نشده است. این امر، حاصل نتایج سیاست‌های رشد قطبی است که سبب تمرکز تمام امکانات و قدرت در یک یا چند منطقه و به حاشیه رفتن سایر مناطق شده است. افراخته و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان» با به‌کارگیری روش «تاکسونومی عددی»، و محاسبه درجه برخورداری شهرستان‌ها از امکانات و خدمات با در نظر گرفتن عامل جمعیتی به درجات بی‌عدالتی فضایی ۰/۱۹ و ۰/۸۷۴ دست یافته‌اند که نشان‌دهنده شکاف و نابرابری بسیار زیاد و شدید بین شهرستان‌ها است. این امر به دلیل نداشتن رویکرد جامع توسعه مناطق روستایی در این استان است. پژوهشی درباره چگونگی نحوه ارائه خدمات در مناطق روستایی و لزوم به این نتیجه رسیده است که این کشور نیازمند یک دستور کار جدید با استفاده از فن‌های تحلیل فضایی، برای ارزیابی سطح فعلی دسترسی به خدمات کلیدی در سطح جامعه روستایی است (هیگ^۱، ۱۹۹۷، ص. ۴۴۱). محقق در بررسی «ارائه خدمات روستایی و مهاجرت داخلی در شمال غنا» درباره شناسایی عوامل مهاجرت روستایی - شهری در سطح فردی و جامعه با تمرکز ویژه بر خدمات روستایی به این نتیجه رسیده است که خدمات روستایی سبب کاهش هزینه‌های مربوط به تولید محصول‌های کشاورزی شده، تقاضای کار در مزرعه را کاهش داده و در نتیجه افراد را به سمت مهاجرت سوق می‌دهد (ووترز^۲، ۲۰۱۰، ص. ۱۴). پژوهشگران در بررسی توزیع فضایی و نگهداری امکانات زیربنایی روستایی در منطقه کاجورو، ایالت کادونا نیجریه برای تعیین تنوع مکانی در امکانات زیرساختی روستاهای منطقه از روش تحلیلی استاندارد Z استفاده کرده‌اند و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که جوامعی که به دولت در پروژه‌های زیربنایی کمک می‌کنند، نه تنها در پیشرفت

1. Higg

2. Wouterse

اقتصادی و توسعه مناطق روستایی شریک می‌شوند بلکه در حفظ و نگهداری آن‌ها هم کوشا تر خواهند بود (بلوز و آدفیلا^۱، ۲۰۱۴، ص. ۲۸۷).

بررسی تحقیق‌های مرتبط با کلیات موضوع مورد بررسی نشان می‌دهند که کمتر به عملکرد طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی از منظر توزیع و تحقق بخشی، پرداخته شده است. در نتیجه وقوع نتایج ناهماهنگ با اصول توسعه را نمی‌توان دال بر کوتاهی سازمان‌های متعدد متولی و نظارتی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) دانست. به عبارتی، لازم است نتیجه ناهماهنگ را با آنچه باید روی می‌داده، تطبیق داد تا بتوان به ارزیابی قابل اتکایی از عملکرد سازمان‌های دخیل دست یافت.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و ماهیت کاربردی به دنبال بررسی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری اهداف طرح ساماندهی فضاها و روستایی شهرستان مشهد است، که شامل دو مرحله است:

۱. تعیین شاخص‌ها و ملاک‌های ارزیابی برای تعیین میزان تحقق‌پذیری اهداف طرح ساماندهی مراکز و فضاها و روستایی که با استفاده از تحقیق و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است.
 ۲. مطالعات میدانی که با روش تکمیل پرسش‌نامه انجام شده است.
- هدف تحقیق، ارزیابی خدمات‌رسانی به مراکز روستایی است و چون سه منظومه شهرستان مشهد شامل شهر مشهد، شهر رضویه و شهر ملک‌آباد، جزو مناطق شهری به شمار می‌آیند، در تحقیق مد نظر قرار نگرفته‌اند.

این پرسش‌نامه شامل ۲۵ گویه در قالب ۳ مؤلفه، به منظور دریافت میزان تأثیرپذیری رضایت روستاییان در سه بعد جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی از مقدار خدمات ارائه شده در هر روستا، طراحی شده است. جامعه آماری این پژوهش را سرپرستان خانوارهای ۴۲ روستای منتخب شهرستان مشهد تشکیل داده‌اند که از میان مراکز مجموعه و حوزه روستایی و نیز آبادی‌های اقماری به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. براساس فرمول کوکران و با توجه به ۲۴۶۳۶ خانوار

ساکن در سطح سه گانه روستایی، تعداد ۳۷۵ پرسش نامه در نظر گرفته شد، اما با تعیین حداقل ۷ پرسش نامه، برای کم جمعیت ترین روستاها، تعداد آن ها به ۴۱۰ مورد افزایش یافت (جدول ۱). پس از جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن ها با استفاده از آزمون های ضریب همبستگی خطی و آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و فنون مختلف مانند SPSS، GIS و Excel، موضوع تحلیل و تبیین شد.

برای احراز پایایی از روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هماهنگی درونی پرسش نامه بهره گرفته شد که نشان دهنده هماهنگی لازم میان گویه های مطرح شده است (جدول ۱).

جدول ۱. مؤلفه های شاخص های اثرات طرح سطح بندی و ضریب پایایی آن ها

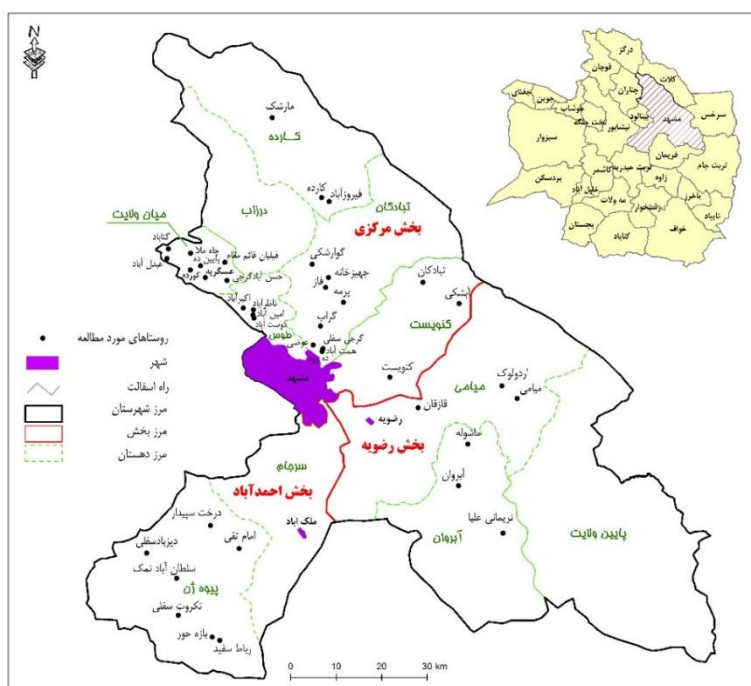
مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۸

مؤلفه	شاخص ها	ضریب پایایی
تأثیرهای جمعیتی	۱- کاهش مهاجرت از روستا؛ ۲- بازگشت مهاجران؛ ۳- مهاجرپذیری روستا؛ ۴- کاهش تمایل به مهاجرت از روستا.	۰/۷۸
تأثیرهای اقتصادی	۱- افزایش اشتغال؛ ۲- رضایت شغلی؛ ۳- افزایش درآمد؛ ۴- میزان رضایت از درآمد؛ ۵- افزایش قیمت زمین؛ ۶- سرمایه گذاری مردم محل در روستا؛ ۷- سرمایه گذاری شهرنشینان در روستا؛ ۸- میزان افزایش بهره وری تولیدات کشاورزی؛ ۹- افزایش سطح زیر کشت؛ ۱۰- ایجاد بازار برای تولیدها.	۰/۸۱
تأثیرهای اجتماعی	۱- مشارکت مردم در تعاونی ها؛ ۲- شرکت در انتخابات شورای روستا؛ ۳- شرکت در انتخابات مجلس؛ ۴- اعتماد به دهیاری شورا و بخشداری؛ ۵- اعتماد به خویشاوندان؛ ۶- اعتماد به هم ولایتی ها؛ ۷- مشارکت در امور عمرانی روستا؛ ۸- همیاری در گرفتاری هم ولایتی ها؛ ۹- کمک در بروز مشکلات روستا؛ ۱۰- عمل به قول و قرار؛ ۱۱- کاهش نزاع بر سر آب و زمین.	۰/۸۲
	کل	۰/۸۰

۳. ۱. منطقه مورد مطالعه

شهرستان مشهد بین ۵۹ درجه و ۰/۳ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۹ دقیقه عرض شمالی با مرکزیت کلان شهر ۳/۵ میلیون نفری مشهد و

مشمول بر سه بخش مرکزی، رضویه و احمدآباد است. جمعیت روستایی شهرستان در سال ۱۳۹۵ در مجموع معادل ۳۶۰۴۹۷ نفر، حدود ۱۰/۶ درصد کل جمعیت شهرستان بوده است. در هر سه بخش به‌ویژه مرکزی تراکم نسبی جمعیت روستایی در مقایسه با تراکم نسبی جمعیت روستایی کل کشور که ۱۲ نفر بوده است، رقم بسیار بالاتری را نشان می‌دهد (جدول ۲).



شکل ۱. پراکندگی روستاهای نمونه در تقسیمات کشوری شهرستان مشهد.

مأخذ: سازمان زمین شناسی همراه با تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۲. مشخصات جمعیتی و سطح مرکزیت روستاهای نمونه، ۱۳۹۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

مرکز مجموعه	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	دهستان	نمونه خانوار	آبادی‌های اقماری منتخب	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	نمونه خانوار
بخش مرکزی								
گرچی	۱۵۱۶۳	۱/۲۵	تبادکان	۶۰	عوضی	۳۶۹	۱/۴۶	۷
سفلی					گراب	۸۳	۲	۷

مرکز مجموعه	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	دهستان	نمونه خانوار	آبادی‌های اقماری منتخب	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	نمونه خانوار
					همت‌آباد (مرکز حوزه)	۱۶۲۸	-۱/۵۵	۷
دوست‌آباد	۸۹۶۹	۴/۷۶	طوس	۳۵	اکبرآباد (مرکز حوزه)	۵۷۴۱	۱۲/۵۹	۲۵
					امین‌آباد	۱۳۴۲	۶/۶۶	۷
					ناظرآباد	۴۳۴	۲/۱۷	۷
فاز	۴۰۹	-۵/۰۷	تبادکان	۷	گوارشکی	۱۲۱	-۰/۹۴	۷
					جهیز خانه	۱۰۹	۰/۷۶	۷
					پرمه (مرکز حوزه)	۲۰۸۹	-۱/۱	۱۳
عسگریه	۱۵۸۴	۱/۷۵	میان ولایت	۷	فیلیان قائم‌مقام	۱۴۸	۴/۲	۷
					حسن‌آباد گرجی	۲۰۵	۱/۲۵	۷
					پایین ده (مرکز حوزه)	۱۶۶۴	۲/۳۸	۷
کارده	۴۸۴	۳/۲۶	کارده	۷	مارشک (مرکز حوزه)	۹۳۲	-۴/۸	۷
					فیروزآباد	۷۹	۰/۰۸	۷
کورده	۳۸۲۰	۸/۲۶	میان ولایت	۱۴	گناباد	۵۱۰	۲/۱۵	۷
					عبدل‌آباد	۴۴۱	۰/۴۸	۵
					چاه ملا	۱۳۱	۱/۲۲	۷
تبادکان	۱۵۹۶	-۰/۰۰۶	کنویست	۸	هندل‌آباد	۱۴۴۷	۱/۱۲	۷
					آبشکی	۱۳۰	۰/۰۸	۷
ده رود	۱۱۸۶۹	۵/۳۲	تبادکان	۳۵				
کنویست	۳۶۹۵	۱/۳۹	کنویست	۱۶	شرشر	۵۷۳	۲/۱۵	۷
بخش احمدآباد								
رباط سفید	۲۰۶۳	۴/۱۶	پیوه ژن	۱۰	بازه هور	۱۲۷۹	-۵/۹۷	۷
					تکروت سفلی	۱۰۴	۰/۲۸	۷
دیز باد سفلی	۳۲۵۴	۰/۹۴	پیوه ژن	۱۶	سلطان‌آباد نمک (مرکز حوزه)	۲۱۱۲	۱/۷۳	۱۰
امام تقی	۹۲۴	-۲/۱۶	پیوه ژن	۷	درخت سپیدار	۲۰۸	۴/۴۹	۷

مرکز مجموعه	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	دهستان	نمونه خانوار	آبادی‌های اقماری منتخب	جمعیت (نفر)	رشد جمعیت ۸۵-۹۵	نمونه خانوار
بخش رضویه								
آبروان	۱۰۶۷	۰/۶۲	آبروان	۶	نریمانی علیا (مرکز حوزه)	۲۴۸۳	۲/۶۳	۱۱
					ماشوله	۹۷	-۵/۱۱	۷
قازقان	۱۹۱۵	۲/۳	میامی	۹	میامی (مرکز حوزه)	۲۳۵۳	۵	۱۰
					اردولوک	۳۹۵	۷/۹۹	۷

این شهرستان با استفاده از موقعیت جغرافیایی طبیعی و انسانی نسبتاً مساعد، توانسته است به قطب جمعیتی شرق ایران و دومین منطقه جمعیتی کشور تبدیل شود. استفاده از منابع طبیعی به همراه جاذبه بالای حرم مطهر امام رضا (ع) موجب شده است تا ضمن آنکه شهر مشهد رشد روزافزونی داشته باشد سکونتگاه‌های روستایی پیرامون آن نیز از نظر تعداد و حجم جمعیت در مسیر رشد قرار گیرند (جدول ۳).

جدول ۳. تراکم نسبی جمعیت روستایی بخش‌های شهرستان مشهد (۱۳۹۵)

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن خراسان رضوی سال ۱۳۹۵

ردیف	بخش	جمعیت (نفر)	وسعت (کیلومتر مربع)	تراکم نسبی
۱	مرکزی	۲۶۸۲۷۷	۳۴۷۸	۷۷/۱۳
۲	رضویه	۵۹۲۳۲	۳۸۶۰	۱۵/۳۴
۳	احمد آباد	۳۲۹۸۸	۱۷۹۲	۱۸/۴۰

۴. مبانی نظری تحقیق

پیشرفت و بهبود سطح زندگی در جوامع روستایی و هدایت آن‌ها به سوی رشد و توسعه، نیازمند توزیع عادلانه خدمات و امکانات است. بنابراین جلوگیری از اثرهای منفی توزیع غیرعادلانه امکانات در جوامع، از وظایف مهم مسئولان و برنامه‌ریزان است. سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی و تحلیل فضایی آن‌ها، الگوی مناسبی برای استقرار خدمات و دریافت

میزان تأثیر آن در توسعه منطقه‌ای به شمار می‌آید. مسائلی همچون کلی‌نگری به ابعاد متفاوت طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و کالبدی در حل مشکلات جوامع انسانی، هماهنگ نبودن در توسعه شهر و روستا و بهره‌برداری از مزایای آن، پاسخگو نبودن ساختار جوامع به‌ویژه جوامع روستایی در کشورهای جهان سوم به نیازهای معاصر، دسترسی به معیارهای منطقی در سرمایه‌گذاری برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی و توزیع متعادل جمعیت، خدمات و فعالیت با توجه به استعدادهای بالقوه و بالفعل در سطوح فضایی همگن، دلایل نسبتاً کافی برای ورود مفهوم سازماندهی فضا از حدود سال ۱۹۵۰ میلادی در ادبیات جغرافیا هستند (غفاری، ۱۳۸۰، ص. ۴۴). با توجه به مطالب مطرح‌شده درباره اهمیت مفهوم فضا، لازم است تا به‌منظور شناخت بنیان و پایه‌های شالوده فضایی، به راهبردهای رویکرد فضایی - کالبدی توجه شود.

در رویکرد فضایی - کالبدی، می‌توان به نظریه‌های «مکان مرکزی»، «قطب رشد» و «راهبرد مراکز رشد روستایی و مراکز روستایی» اشاره کرد. فون تونن^۱، کریستالر^۲، لوش^۳ و گالپین^۴ از واضعان نظریه مکان مرکزی هستند. تونن اولین کسی است که نظریه استفاده از زمین را توسعه داد و شومپتر^۵ از او به‌عنوان یکی از حامیان اقتصادسنجی ستایش کرد (فیچر^۶، ۲۰۱۱، ص. ۴۱۱). پس از وی، کریستالر توسعه‌دهنده یک نظام فضایی سلسله‌مراتبی است و تمایل او به‌سوی منطقه بازاری قلمرو خود است (کاپلو^۷، ۲۰۱۶، ص. ۷۷). درحقیقت اساس نظریه کریستالر بر اهمیت مکان‌یابی یک آبادی مرکزی است که در مقایسه با آبادی‌ها و نقاط اطراف موقعیت تولیدی، توزیعی و یا عرضه خدمات مورد نیاز را داراست (آسایش، ۱۳۸۳، ص. ۵۹). درواقع کاربرد سلسله‌مراتب در توسعه روستایی از قطبی شدن جلوگیری می‌کند و تعالی را در سطح ناحیه، منطقه یا کشور به وجود می‌آورد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۱). از نظر لوش، دستیابی به تعادل با ایجاد نظام مکان مرکزها که حاکمیتی بر فضای بازارها داشته باشند، امکان‌پذیر به نظر می‌رسد (فرید، ۱۳۷۳، ص. ۵۳). گالپین و پیروانش، مکان‌های مرکزی را از

-
1. Von Thunen
 2. W-Christaller
 3. Losch
 4. Galpian
 5. Schumpeter
 6. Fischer
 7. Capello

دیدگاه روستایی تجزیه و تحلیل کرده و از این راه، سلسله‌مراتب عملکردی را به صورت تجربی به دست آورده‌اند. متأسفانه مطالعاتی که بعداً براساس نگرش گالپین به صورت مدل به کار گرفته شدند، از همان استاندارد بالا برخوردار نبودند. به‌ویژه آنکه، معرفی طیف فزاینده‌ای از پارامترهای جامعه‌شناختی که بر نظریه‌هایی از جمله اشاعه نوآوری استوار هستند، به جای روشن ساختن اصول سلسله‌مراتب مکان‌های مرکزی، آن‌ها را مبهم کرده است (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱، ص. ۸۴).

فرانسوا پرو نظریه قطب رشد را در سال ۱۹۵۵ ارائه کرد. تأکید این نظریه بر سرمایه‌گذاری کلان در صنایع بزرگ‌ترین شهرها است (صیدایی، ۱۳۹۱، ص. ۴۹). دیدگاه پرو درباره اینکه توسعه اقتصادی لزوماً نیازمند قطبی شدن فضا است، سبب محدودیت نادرست و مخرب مفهوم قطب رشد شد (لاسوئن^۲، ۱۹۶۷، ص. ۱۳۷). متأسفانه به نظر می‌رسد که تلاش برای استفاده از این مفهوم بسیار فراتر از اصول اساسی آن بوده است (کمپبل^۳، ۱۹۷۲، ص. ۷۹). ولی با وجود انتقادهای فراوان به نظریه قطب رشد، این نظریه به عنوان مکملی برای نظریه مکان مرکزی و به عنوان چهارچوبی برای درک ساختار مناطق اهمیت دارد و مفاهیمی که در آن مطرح می‌شود، به ما درک جالبی از مسائل مربوط به توسعه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌دهد. اهمیت مجتمع‌های صنعتی پیشاهنگ رشد قطبی شده، صرفه‌جویی‌های تجمع و تراوش رشد را یادآوری می‌کند و فهمیدن و درک آن راهنمای مناسبی برای برنامه‌ریزی خواهد بود (اجلالی، ۱۳۷۳، ص. ۴۴). در ایران با اجرای برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۶-۱۳۴۱) که مقارن با اصلاحات ارضی بود، توسعه ناحیه‌ای بر مبنای سیاست قطب رشد مطرح و پی‌ریزی شد (حاج یوسفی، ۱۳۸۰، ص. ۱۱)، اما این فرایند در نهایت موجب تمرکز فزاینده فعالیت‌های اقتصادی و انباشت سرمایه و تمرکز جمعیت در مراکز جمعیتی شد (قنبری، ۱۳۹۰، ص. ۶۴).

در نظریه راهبرد رشد، یکپارچگی و نظم میان سکونتگاه‌های سطح پایین و سطح بالا که روش مناسبی برای انسجام جوامع روستایی به شمار می‌رود، ایجاد می‌شود (شاه^۴، ۱۹۷۴، ص.

-
1. Perroux
 2. Lasuen
 3. Campbell
 4. Shah

۲۱۵). نظریه مراکز رشد به معنای ایجاد سکونتگاه‌های جدید نیست، بلکه معنای حقیقی آن عبارت است از تجدید سازمان الگوی سکونتگاه روستایی، به نفع آن مراکزی که بیشترین امکان بالقوه را برای توسعه و تبدیل به مراکز رشد یا خدمات دارند (جمعه‌پور، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۹). راهبرد مراکز رشد روستایی که ابتدا در مطالعات گروه بتل در سال ۱۳۵۱ شمسی و سپس با تغییراتی در فصل عمران روستایی برنامه پنجم کشور انعکاس یافت، در عمل به‌طور ناقص و محدود اجرا شد و موفقیت لازم را به دست نیاورد (رضوانی، ۱۳۹۰، ص. ۹). در کشور ما راهبرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی به شکل ایجاد و تقویت سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌های روستایی از برنامه چهارم با توجه به تعدد، پراکندگی و کمی جمعیت روستاها مورد توجه بوده است. متأسفانه در اجرای این راهبرد صرفاً ابعاد فیزیکی و کالبدی مد نظر بوده و به ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن توجه لازم نشده است، بنابراین، این راهبرد موفق نبود (رضوانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲). البته باید گفت که این راهبرد، بخشی از رویکرد کالبدی - فضایی توسعه است و این رویکرد نیز جزئی از برنامه جامع توسعه با راهبردهای متنوع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است و هرگز نمی‌توان آن را نسخه نهایی رهایی از عقب‌ماندگی فرض کرد. آنچه مهم است تحقق همین راهبرد مطابق با چهارچوب مصوب در هر منطقه است.

تعدد و پراکندگی روستاها در پهنه وسیع کشور ایران، محدودیت اعتبارات و همچنین توجه به آستانه ارزش، همواره مانعی برای ارائه همه خدمات به تمامی روستاها بوده است. ادامه این وضعیت به رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی انجامیده و نتیجه آن در نابرابری توسعه روستایی قابل مشاهده است. به همین منظور در راستای بهبود توزیع فضایی خدمات و در جهت توسعه نواحی روستایی، طرح‌های ساماندهی روستایی در انواع و با اهداف تقریباً مختلف، تهیه و اجرا شد. این طرح‌ها با طرح ساماندهی جزیره آبادان در سال ۱۳۶۸ آغاز و با طرح‌های ساماندهی و تجمیع روستاهای پراکنده و طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی کشور ادامه یافت (رضوانی، ۱۲۹۰، ص. ۱۷۷). ارزیابی طرح‌های اجرایی به‌منظور دست یافتن به میزان موفقیت طرح و نیز رفع مشکلات آن، از مراحل مهم اجرای هر طرح است. در این تحقیق افزون بر تحلیل میزان تحقق‌پذیری طرح ساماندهی فضاها در مراکز روستایی مورد مطالعه شهرستان مشهد، چگونگی تأثیرگذاری هرکدام از سه مؤلفه جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی و شاخص‌های

مربوط به آن‌ها، بر میزان رضایت ساکنان سطوح سه‌گانه روستایی نیز بررسی شد، تا نتیجه به‌دست‌آمده، در برنامه‌ریزی‌های آینده ساماندهی فضاها استفاده شود.

۵. یافته‌های تحقیق

به‌منظور تعیین سطح برخورداری سکونتگاه‌های روستایی از خدمات، از مدل ویژگی استفاده شد که بر مبنای آن، کمیابی هر خدمت در کل منطقه، موجب امتیاز بالاتر برای روستای برخوردار می‌شود، به‌ویژه اگر تنوع خدمات در آن روستا بیشتر باشد. ریشه این تناسب بر این اصل رفتاری استوار است که در شرایط برابر، احتمال مراجعه بهره‌گیران خدمات به روستایی که دارای خدمات متنوع‌تری است، فزون‌تر است. در جدول شماره ۴، علاوه بر ضریب ویژگی، فاصله روستاهای مورد مطالعه نسبت به شهر مشهد مشخص شده است؛ این امر به تحلیل فضایی سطح‌بندی از نظر تأثیر مراکز بالادست بر میزان تأمین خدمات مورد نیاز روستاهای پایین‌دست کمک خواهد کرد. براساس شکل ۲، بیشترین میزان ضریب ویژگی در سال ۷۵ به روستای متصل به شهر گرگی سفلی تعلق دارد، که در سال‌های اخیر با گران شدن مسکن در شهر مشهد، با افزایش شدید جمعیت، مهاجرت معکوش پدید آمده و نقش خوابگاهی برای شهر یافته است. در روستای رباط سفید، در دهه ۸۰، به دنبال احداث مراکز رفاهی متعدد در حاشیه جاده مشهد - تربت حیدریه، امکانات و خدمات خصوصی و مشارکتی زیادی ایجاد شد، که همین امر سبب افزایش فراوان ضریب ویژگی روستا در سال ۸۵ شد. کاهش ضریب مذکور در سال‌های بعد، تأییدی بر پراکندگی بهتر خدمات کمیاب و در نتیجه دسترسی بهتر سایر مراکز و روستاهای تحت نفوذ آن‌ها به این خدمات خواهد بود. جدول ۴ نشان‌دهنده تغییرات در مقدار ضریب ویژگی خدمات روستاهای مورد مطالعه در سه مقطع ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۷ است که بیشترین آن را در دو سطح مراکز مجموعه و حوزه شاهد هستیم.

جدول ۴. ضریب ویژگی خدمات و فاصله از شهر در روستاهای مورد مطالعه ۱۳۷۵-۱۳۹۷

مأخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۸

سطح	روستا	ضریب ویژگی (سال)			فاصله از شهر		روستا	ضریب ویژگی (سال)			فاصله از شهر
		۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۷				۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۷	
روستای کدام	گرچی سفلی	۷۴/۹۶	۳۷/۰۲	۲۸/۸	۱/۵	آبادیهای اقماری	عوضی	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۵	۲
	دوست‌آباد	۸/۶۷	۸/۳۳	۲۴/۴۵	۳		گراب	۰	۰/۰۶	۰/۱۵	۷
	فاز	۰/۷	۴	۴/۹۵	۱۵		امین‌آباد	۰/۱۵	۰/۶۹	۶/۳۴	۳/۵
	عسگریه	۱۳/۳۴	۲۲/۶	۲۴/۷۱	۲۰		ناظرآباد	۰/۱۵	۰/۳۹	۱/۲۳	۴
	کارده	۲۰/۸۵	۱۹/۵۷	۲۰/۷۹	۴۵		گوارشکی	۰	۰	۰/۰۲	۱۷
	کورده	۱/۳۳	۳/۶۳	۱۸/۳۱	۲۰		جهیزخانه	۰	۰	۰/۰۲	۱۶
	تبادکان	۲/۸۳	۱۱	۲۲/۶۷	۴۳		فیلیان	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۶۵	۲۳
	ده رود	۷/۷	۷/۲	۱۱/۹۸	۰/۵		حسن‌آباد	۰	۰	۰/۰۵	۲۲
	کنویست	۱۶/۳۵	۱۳/۶۳	۲۰/۸۸	۱۲		فیروزآباد	۰	۰	۰/۰۵	۴۲
	رباطسفید	۴۱/۸۷	۱۰۸/۱۳	۴۴/۱۴	۷۹		گناباد	۱/۹۷	۵/۱۱	۱/۷۷	۳۲
	دیزباد سفلی	۳۱/۵۶	۲۶/۳۷	۳۱/۳۷	۷۵		عبدل‌آباد	۰/۰۳	۰/۴۱	۰/۴۸	۳۰
	امام تقی	۱۴/۴۸	۵/۳۲	۴۳/۹۵	۵۷		چاه ملا	۰	۰	۰/۱۱	۲۹
	آبروان	۸/۱۶	۴/۳۴	۲۴/۷۷	۳۳		هندل‌آباد	۰/۰۳	۰/۵۳	۴/۴۳	۴۰
	قازقان	۱۵/۱۵	۸/۸۱	۱۴/۴	۲۵		آبشکی	۰/۱۳	۰	۰/۰۳	۳۵
	همت‌آباد	۶/۵۹	۶/۵۸	۱۹/۱۹	۱		شرشر	۰/۲۵	۰/۰۴	۱/۵۱	۱۹
	اکبرآباد	۱/۲۹	۵/۸۱	۳۹/۵۵	۹		بازه هور	۴/۹۳	۹۱/۱	۱۶/۲۹	۸۰
	پرمه	۱/۳۳	۴/۱۲	۲۰/۴۵	۲۱		تکروت	۰/۰۳	۰/۴۸	۱/۳۳	۸۵
	پایین ده	۴/۶۸	۸/۱	۱۱/۱۸	۲۷		درخت سپیدار	۰	۰/۰۴	۰/۲۹	۶۰
	مارشک	۱/۳۴	۱/۹۸	۱۳/۶۳	۶۸		ماشوله	۰	۰	۰/۰۳	۴۷
	سلطان‌آباد	۱/۶۸	۵/۱۹	۸/۶۷	۷۳		اردولوک	۰	۰	۰/۱۶	۴۸
	نریمانی	۳/۰۲	۳/۷۱	۱۵/۸۹	۶۰		اردولوک		۰	۰/۱۶	۴۸
	میامی	۸/۰۲	۱۲/۱	۳۷/۵۲	۴۵						

۱. به دلیل انتشار نیافتن شناسنامه آبادی‌های خراسان رضوی در سال ۱۳۹۵، از اطلاعات پژوهش میدانی استفاده شد.

تغییرات به وجود آمده در ضریب ویژگی روستاها، صرفاً براساس تغییرات جمعیتی و نیاز آنها نبوده، بلکه عواملی همچون موقعیت جغرافیایی، میزان مشارکت مردم و نیز تصمیمات نهادهای مختلف در آن دخیل بوده است. افزایش تعداد برخی از خدمات خصوصی و مشارکتی مانند مطب، داروخانه، جایگاه مواد سوختی، ترمینال مسافربری و رستوران و یا خدمات دولتی نظیر دبیرستان فنی حرفه‌ای، مراکز آموزش قبل از دبستان و مجموعه‌های ورزشی در روستاهای بیشتری در مقایسه با آمار سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، سبب کاهش عدد ضریب ویژگی در مراکز همچون گرجی سفلی، رباط سفید و روستای اقماری بازه هور و نزدیک شدن آن به ضریب ویژگی سایر روستاها در سال ۱۳۹۷ شده است. با وجود این، هنوز کمبود برخی از خدمات مصوب دولتی نظیر متوسطه دوره دوم، دبیرستان شبانه‌روزی، دبیرستان فنی و حرفه‌ای، کشتارگاه، کتابخانه عمومی، دفتر میراث فرهنگی، بانک و پاسگاه انتظامی و بعضی از خدمات خصوصی و مشارکتی مانند شرکت تعاونی روستایی، پمپ بنزین و جایگاه مواد سوختی در بسیاری از مراکز مجموعه و حوزه دیده می‌شود. افزایش خدمات به‌تنهایی و بدون داشتن تأثیر مثبت در اقتصاد و اشتغال، نقش چندانی در حفظ جمعیت روستاها و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه ندارد. برای مثال، استقرار خدمات دولتی به دلیل موقعیت مناسب جغرافیایی برآمده از قرارگیری در محل اتصال راه‌های به سمت غرب و جنوب، سبب افزایش ضریب ویژگی روستای امام تقی شده، اما این خدمات عموماً نیروهای خود را از شهر مشهد تأمین کرده و تأثیر چندانی در اشتغال و حتی ثبات جمعیتی روستا نداشته و رشد منفی جمعیت در چند سال اخیر در این روستا اتفاق افتاده است. در نمودار زیر ضرایب ویژگی روستاهای مورد مطالعه با یکدیگر مقایسه شده است (نمودار ۱).

در پاسخ به سؤال دوم، ابتدا با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه^۱، میزان تحقق خدمات، براساس ضریب ویژگی در سطوح سه گانه روستاها تا سال ۱۳۹۷ تحلیل شد. بزرگ بودن مقدار F به دلیل بزرگی میزان واریانس بین گروهی به میان گروهی است که نشان دهنده تفاوت زیادی از این لحاظ، میان مراکز مجموعه و حوزه با آبادی‌های اقماری، به دلیل تعدد و پراکندگی میانگین برحسب سطوح سه گانه است. معذور اتا^۲ نشان دهنده تأثیر سطوح سه گانه در تغییر متغیر ضریب ویژگی است. بنابراین تفاوت چندانی از نظر ضریب ویژگی میان مراکز مجموعه و مراکز حوزه وجود نداشته ولی به مراتب بیشتر از آبادی‌های اقماری است (جدول ۶).

جدول ۶. معناداری تفاوت ساماندهی در روستاهای نمونه آزمون F

مأخذ: یافته‌های تحقیقات میدانی، ۱۳۹۸

سطح روستا	جمعیتی	اقتصادی	اجتماعی	اثر کل
مرکز مجموعه A	۶۷/۵	۴۸/۲	۴۴/۹	۵۳/۵
مرکز حوزه B	۶۵/۱	۴۶/۲	۵۰/۵	۵۳/۹
اقماری C	۴۷/۸	۴۰/۱	۴۹/۷	۴۵/۹
کل	۶۲/۶	۴۶/۰	۴۷/۲	۵۱/۹
آماره F	۳۰/۹۴	۱۰/۱۳	۱۵/۵۲	۱۵/۵۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
میانگین معذورات بین گروهی	۱۲۹۹۸/۰۱۵	۲۱۶۵/۶۴۹	۱۳۵۳/۸۰۳	۲۱۵۴/۹۱۷
میانگین معذورات میان گروهی	۴۲۰/۰۹۶	۲۱۳/۸۱۴	۸۷/۱۰۵	۱۳۸/۹۵۴
معذور اتا	۰/۱۲۳	۰/۰۴۷	۰/۰۷۱	۰/۰۷۱
تفاوت‌ها	A, B>C	A, B>C	B, C>A	A, B>C

سپس میزان تأثیر تحقق اهداف طرح بر سه مؤلفه جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی بر حسب سطوح سه گانه روستاها براساس دامنه استاندارد و رایج ۱۰۰-۰ کدگذاری مجدد به شرح ۰=۰، ۲۵=۱، ۵۰=۲، ۷۵=۳ و ۱۰۰=۴ مرتب و بررسی شد. شاخص اثر کل در بازه ۱۰۰-۰ برابر با ۵۱/۹۲ است.

1. ANOVA

2. Eta Squared

نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد که میانگین بُعد آثار جمعیتی و اقتصادی در روستاهای اقماری کمتر از مراکز مجموعه و حوزه است، اما میانگین بُعد اثر اجتماعی در مراکز مجموعه کمتر از روستاهای اقماری و مراکز حوزه است (جدول ۷).

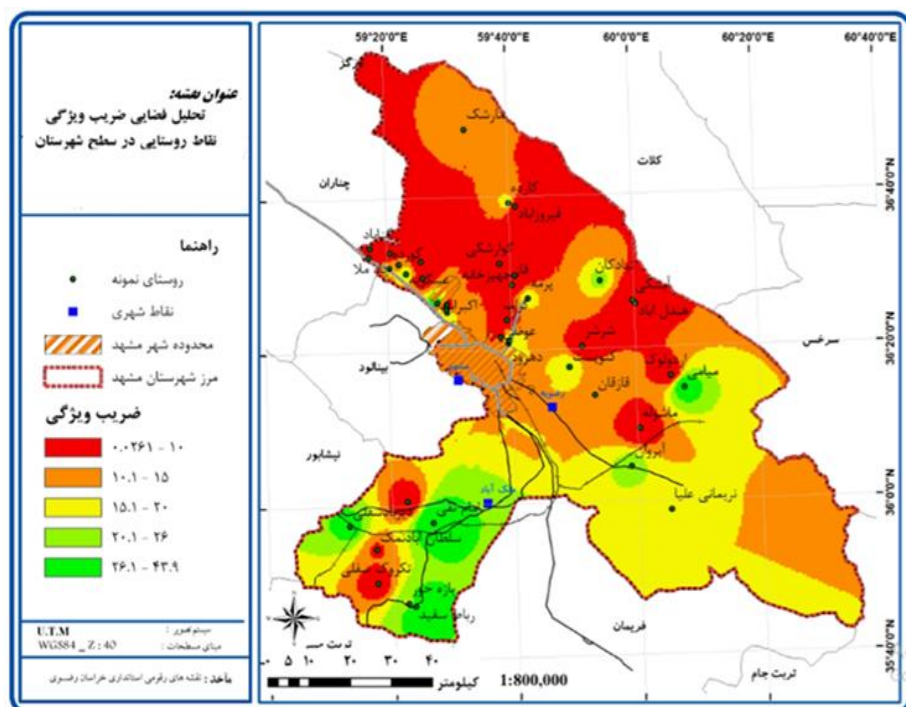
جدول ۷. اثرهای تطبیقی ساماندهی برحسب مرکزیت در مناطق روستایی نمونه شهرستان مشهد

مأخذ: یافته‌های تحقیقات میدانی، ۱۳۹۸

کل	اقماری	مرکز حوزه	مرکز مجموعه	
	C	B	A	
۲۳/۴۵	۲۱/۸۶	۲/۷۵	۱۸/۵۲	ضریب ویژگی خدمات
۲۱۷/۰۷				آماره F
۰/۰۰۰				سطح معناداری
۱۴۶۳۳/۸۴۸				میانگین مجذورات بین گروهی
۶۷/۴۱۵				میانگین مجذورات درون گروهی
۰/۵۱۶				مجذور اتا
A, B > C				تفاوتها

در گام نهایی برای تحلیل فضایی از دستوردرونیابی^۱ در محیط ARC GIS به منظور تهیه نقشه تحلیل فضایی «میزان ضریب ویژگی بر فاصله روستا تا شهر مشهد» استفاده شد، که خروجی آن در شکل ۲ ارائه شده است. بیشترین ضریب ویژگی به رنگ سبز پررنگ و در مرتبه بعد به رنگ سبز کم‌رنگ با داشتن میانگین بالای ۱۵، در سطح وسیعی از دو بخش احمدآباد و رضویه و در بخش مرکزی به صورت لکه‌های کوچکی در شمال شرق و شمال غرب شهر مشهد دیده می‌شود.

۱- درونیابی یا interpolation روش برآورد ارزش پدیده‌ها در مکان‌های نمونه‌برداری نشده با استفاده از مقادیر معلوم در نقاط همسایه است. نقاط همسایه ممکن است به طور منظم یا نامنظم در آن ناحیه پراکنده شده باشند. بنابراین برای تبدیل داده‌ها از نقاط مشاهده‌شده در موضوع‌های پیوسته از درونیابی استفاده می‌شود. خروجی درونیابی می‌تواند به عنوان یک نقشه یا لایه در تحلیل GIS استفاده شود. میزان صحت نتایج درونیابی به دقت مکانی، تعداد و توزیع نقاط معلوم و مدل مورد استفاده بستگی دارد.



شکل ۲. پهنه‌بندی فضایی سطح مرکزیت طبق مدل ویژگی در مناطق روستایی مشهد، ۱۳۹۸

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به میزان متفاوت جمعیت در روستاها، داشتن انتظار توزیع یکسان خدمات در بین همه آن‌ها به دور از منطق است. به‌طور طبیعی روستاهای کوچک‌تر امکانات کمتری خواهند داشت، اما این نمی‌تواند توجیه‌کننده محرومیت ساکنان آن‌ها از خدمات روستایی و به تبع آن زمینه‌سازی برای مهاجرت‌های شتاب‌زده و تشدید مشکلات روستایی و شهری باشد. در صورت طراحی، اجرا و ارزیابی مناسب، طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی تا حد زیادی برطرف‌کننده این مشکل خواهد بود. در این مقاله ضمن بررسی وضعیت توزیع فضایی امکانات و خدمات در بین ۴۲ روستای نمونه شهرستان مشهد در سه سطح مراکز مجموعه، حوزه و آبادی اقماری، میزان تأثیرگذاری خدمات‌رسانی بر ابعاد جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی ارزیابی شده است.

در سؤال اول، معنادار بودن رابطه میان میزان تحقق اهداف طرح ساماندهی با اندازه جمعیت مراکز، فاصله تا مشهد و سطح مرکزیت آن‌ها، براساس آزمون ضریب همبستگی و به تفکیک سطوح، ارزیابی شده است. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که همبستگی ضریب ویژگی خدمات با شاخص فاصله از شهر، در دو سطح مرکز مجموعه و آبادی‌های اقماری، مستقیم و مثبت و معناداری با سطح اطمینان ۹۸ درصد است؛ به عبارت دیگر، با افزایش فاصله این دو سطح از روستاها از شهر، میزان خدمات آن‌ها هم افزایش می‌یابد. این رابطه درباره مراکز حوزه معکوس و منفی با سطح اطمینان ۹۸ درصد است؛ یعنی با دور شدن از شهر از میزان خدمات آن‌ها کاسته می‌شود (نمودار ۱). البته به این نکته نیز باید توجه داشت که چون ضریب همبستگی در سطح حوزه منفی و در دو سطح دیگر مثبت است، بنابراین، ضریب کل، فاقد معناداری است (جدول ۵). اینکه روستاهای اقماری و مراکز مجموعه دورتر، از سطح خدمات بیشتری برخوردار شده‌اند فرایند مثبتی دانسته می‌شود و می‌تواند به عنوان عاملی لازم اما ناکافی در کاهش مهاجرت نقش داشته باشد، ولی مراکز حوزه دورتر، کمتر تجهیز شده‌اند و به این سبب ممکن است بر دافعه این مراکز و خدمات آن‌ها افزوده شود، ولی با وجود این، براساس جدول شماره ۷، درمجموع اثرات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مراکز حوزه قابل توجه بوده است. ضعف طرح ساماندهی در مراکز مجموعه نزدیک به شهر اگرچه به دلیل بهره‌برداری از خدمات شهری است، ولی استمرار این وضعیّت می‌تواند موجب افزایش وابستگی مناطق روستایی پیرامونی به کلان‌شهر مشهد و در نتیجه تردهای نابجا بین آن‌ها شود. همچنین همبستگی ضریب ویژگی خدمات با شاخص حجم جمعیت در دو سطح مرکز حوزه و آبادی‌های اقماری مستقیم و مثبت و معنادار با سطح اطمینان ۹۸ درصد بوده و با افزایش ضریب ویژگی این دو سطح از روستاها، بر جمعیت آن‌ها نیز افزوده خواهد شد؛ اما این رابطه درباره مراکز مجموعه بدون معناداری است.

درباره سؤال دوم، آزمون آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که از نظر میزان تحقق اهداف خدمات‌رسانی، مراکز مجموعه و حوزه، شرایطی نسبتاً نزدیک به هم را داشته (جدول ۶) و تا حد زیادی قادر به تأمین نیازهای خدماتی آبادی‌های اقماری حوزه نفوذ خود هستند. البته صرف وجود تشابه عددی میانگین ضریب ویژگی خدمات در این دو سطح را نباید به معنای هم‌ارزش بودن آن‌ها تفسیر کرد، زیرا همان‌طور که در پاسخ به سؤال اول اشاره شد، عدد ضریب

ویژگی در مراکز مجموعه با فاصله گرفتن از شهر و در مراکز حوزه با نزدیک شدن به شهر افزایش می‌یابد که این امر به عنوان نکته‌ای مثبت برای مجموعه‌ها به شمار می‌رود، زیرا می‌توانند تأمین‌کننده بخش زیادی از خدمات مورد نیاز آبادی‌های دور از شهر باشند. در ادامه، برای درک بهتر موضوع، میزان اثرگذاری خدمات‌رسانی انجام‌شده در هر روستا براساس سه مؤلفه اثرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی ساکنان آن‌ها با آزمون آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه تحلیل شد. براساس نتیجه به دست آمده، میانگین بُعد اثرهای جمعیتی و اقتصادی در روستاهای اقماری کمتر از مراکز مجموعه و حوزه است، اما میانگین بُعد اثرات اجتماعی در مراکز مجموعه کمتر از روستاهای اقماری و مراکز حوزه است. با توجه به بالا بودن سهم اثرهای اجتماعی در روستاهای اقماری نسبت به دو بُعد دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که رضایت ساکنان از وضعیت این روستاها بیش از آنکه به دلیل امکانات و سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها باشد، از شرایط منحصر به فرد هر روستا، شبکه‌های اجتماعی و خویشاوندی و احساس تعلق به روستا اثر می‌پذیرد. هرچند، اگر برای حل مشکلات اقتصادی و اشتغال موجود، به ویژه به قشر جوان توجه کافی نشود، احساس تعلق به روستا به عنوان یک عامل نگهدارنده جمعیت نیز به مرور رنگ باخته و باید منتظر زیاد شدن مهاجرت، افزایش حاشیه‌نشینی و انتقال مشکلات روستا به شهر بود. در ضمن در بسیاری از موارد، در برنامه‌ریزی‌های بالا به پایین، مطالعات اجتماعی کافی انجام نشده و در نتیجه بسیاری از اهالی روستاهای تحت نفوذ، از مراجعه به مراکز سطح بالای تعیین‌شده، خودداری می‌کنند. به همین منظور، از اوایل دهه ۱۹۹۰ با توجه به شکست مدل‌های توسعه کمی و رویکردهای بالا به پایین، ارزش‌ها و روندهای جدیدی در جوامع توسعه یافته به وجود آمده است. در این زمینه، اتحادیه اروپا برای توسعه روستایی، از رویکردهای منطقه‌ای، ساختارهای مشارکتی جدید دولت محلی و مدیریت غیرمتمرکز، حمایت می‌کند (ریوس و دیاز^۱، ۲۰۱۱، ص. ۶۰۹). بنابراین، به نظر می‌رسد که جایگزینی برنامه‌ریزی پایین به بالا، به جای برنامه‌ریزی بالا به پایین و نیز توجه کافی به دیدگاه‌های اجتماعی و مشارکت روستاییان، در کنار مطالعات کالبدی می‌تواند نقشی اساسی در بالا بردن درصد موفقیت طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی ایفا کند.

1. Rios, Díaz

هرچند، براساس آزمون‌های انجام‌شده، اکثر مراکز مجموعه و تا حدود زیادی مراکز حوزه از نظر داشتن خدمات و نیز سرویس‌دهی به حوزه نفوذ خود از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار هستند، این به معنای ایده‌آل بودن شرایط نبوده و تا رسیدن امکانات مراکز مجموعه و حوزه به مرز استانداردها و ضوابط خدمات‌رسانی روستاهای کشور راه زیادی در پیش است. در گروه امور آموزشی، تعداد دبیرستان شبانه‌روزی در هردو دوره متوسطه اول و متوسطه دوم بسیار کم است. در امور بهداشتی هنوز باید کار زیادی درباره جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب و ایجاد مراکز بهداشتی - درمانی انجام شود. کمبود پمپ بنزین و جایگاه سوخت در بخش انرژی، ترمینال و وسایل حمل و نقل در گروه ارتباطات و همچنین دفتر حفظ میراث فرهنگی با توجه به وجود آثار باستانی و امکانات گردشگری در بسیاری از مراکز، دیده می‌شود. احداث دفتر ترویج کشاورزی و حوزه یا پاسگاه انتظامی به اندازه نیاز از دیگر امکاناتی است که کمبود آنها مشاهده می‌شود. در بسیاری از موارد خلأ وجود این خدمات، بیش از آنکه به دلیل کمبود آنها باشد، ریشه در نامناسب بودن نحوه توزیع در سطح مراکز دارد و نیاز به تجدید نظر جدی مسئولان و برنامه‌ریزان در این باره دارد؛ بنابراین، بهینه کردن توزیع خدمات براساس ارزیابی و نیازسنجی، ترغیب مشارکت اجتماعات برای ارزیابی شرایط، توجه به اهداف طرح‌های کالبدی و اجرای دقیق آنها مطابق با نیازها و شرایط فضایی از پیشنهادهای اساسی برای مطلوب‌تر کردن شرایط است.

کتابنامه

۱. آسایش، ح. (۱۳۸۳). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲. اجاللی، پ. (۱۳۷۳). *تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها*. تهران: مرکز مدارک و انتشارات، سازمان برنامه‌و بودجه.
۳. آجودانی، ا. و حسینی، ح. (۱۳۹۴). *مطالعه اثرات طرح‌های ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی در توسعه اجتماعی روستاها (مطالعه موردی استان اردبیل)*. *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۳ (۳)، ۱-۱۵.
۴. افراخته، ح.، ریاحی، و.، جلالیان، ح. و سرایی، س. (۱۳۹۵). *ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان*. *فصلنامه همایش سرزمین*، ۸ (۱)، ۵۷-۸۱.
۵. پاپلی یزدی، م. ح. و ابراهیمی، م. ا. (۱۳۸۱). *نظریه‌های توسعه روستایی*. تهران: انتشارات سمت.

۶. تقوایی، م.، و نوروزی آوارگانی، ا. (۱۳۸۶). تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی دهستان‌های استان چهارمحال و بختیاری. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ۳(۲۴)، ۷۴-۵۹.
۷. جمعه‌پور، م. (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سمت.
۸. حاج یوسفی، ع. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران از آغاز تا دهه ۱۳۵۰. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۲(۶)، ۱۷-۶.
۹. رستمی، ع.، بهره‌مند، س.، و سادات موسوی، س. (۱۳۹۴). تحلیل توزیع فضایی خدمات در سکونتگاه‌های روستائی (مورد مطالعه: استان کهگیلویه و بویر احمد). مقاله ارائه شده در کنگره بین‌المللی جغرافیا و توسعه پایدار، تهران.
۱۰. رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: نشر قومس.
۱۱. ریاحی، و.، مرزی، ح.، و حمیدی، م. س. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی نابرابری در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سقز. *جغرافیا*، ۱۳(۴۴)، ۷۲-۴۷.
۱۲. شکور، ع.، خورسند نیا، م. ع.، و صفرپور، م. (۱۳۹۲). تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی روستاهای بخش درودزن مرودشت. *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۲(۵)، ۷۹-۶۳.
۱۳. صالح‌پور، ش.، و افراخته، ح. (۱۳۹۵). تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی-درمانی از منظر عدالت فضایی (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی استان آذربایجان غربی). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۱(۳۶)، ۱۷-۳۴.
۱۴. صیدایی، ا.، و سادات حسینی، س. (۱۳۹۱). *دیدگاه‌ها و نظریات توسعه روستایی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت‌معلم.
۱۵. غفاری، ر. (۱۳۸۰). کنکاشی در مفهوم سامان دهی نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی. *فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، ۱۰(۳۹)، ۴۴-۴۸.
۱۶. فرید، ی. (۱۳۷۳). *جغرافیا و شهرشناسی*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۱۷. قنبری، ا.، و موسوی، م. (۱۳۹۰). قطب‌های رشد به‌مثابه رویکردی در عدم تعادل‌های ناحیه‌ای ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی*، ۱۱(۳۴)، ۷۲-۵۰.

۱۸. ملکی، س.، احمدی، ر.، و ترابی، ذ. (۱۳۹۴). بررسی عدالت فضایی در توزیع امکانات و خدمات بهداشتی-درمانی در شهرستانهای استان خوزستان. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیایی سرزمین، ۱۲ (۴۶)، ۱-۲۲.
۱۹. مهندسان مشاور DHV از هلند. (۱۳۷۱). رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی (جلد اول). تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه.
۲۱. یاسوری، م.، امامی، ف.، و سجودی، م. (۱۳۹۵). عدالت فضایی بهره‌مندی از امکانات و خدمات در سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های استان گیلان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶ (۴۱)، ۹۵-۱۱۶.

23. Asthana, S., & Halliday, J. (2004). What can rural agencies do to address the additional costs of rural services? A typology of rural service innovation. *Health & Social Care in the Community*, 12(6), 457-465.
24. Berry, S. (2004). *Rethinking the future for rural service delivery*. Ruralnet UK. Retrieved from http://beamends.typepad.com/simons_blog/files/vision2004.pdf
25. Bulus, J. S., & Adefila, J. O. (2014). The study of rural infrastructural facilities in Kajuru area, Kaduna State of Nigeria: A spatial analysis for planning. *International Journal of Humanities and Social Science*, 4(2), 286-295.
26. Campbell, J. (1972). Growth pole theory, digraph analysis and interindustry relationships. *Tijdschrift Voor Economische en Sociale Geografie*, 63(2), 79-87.
27. Capello, R. (2016). *Regional economics* (2nd ed.). New York: Routledge.
28. Fischer, K. (2011). Central places: the theories of von Thünen, Christaller, and Lösch. In *Foundations of location analysis* (pp. 471-505). Boston, MA: Springer.
29. Gane, M. (2007). *Forest strategic management and sustainable development for the forest sector*. Cham: Springer Science & Business Media.
30. Halloran, J., & Vera, K. C. (2005). Basic social services in rural settlements—Village and remote homestead community care-giving: Synthesis report. Retrieved from http://pdc.ceu.hu/archive/00004294/01/1138966400_93475.pdf
31. Higgs, G., & White, S. D. (1997). Changes in service provision in rural areas .Part 1: The use of GIS in analysing accessibility to services in rural deprivation research. *Journal of Rural Studies*, 13(4), 441-450.
32. Lasuen, J. R. (1969). On growth poles. *Urban Studies*, 6(2), 137-161.
33. Ríos-Carmenado, I. D. L., Díaz-Puente, J. M., & Cadena-Iñiguez, J. (2011). La iniciativa LEADER Como modelo de desarrollo rural: Aplicación an algunos territorios de México. *Agrociencia*, 45(5), 609-624.
34. Rushton, G. (1984). Use of location-allocation models for improving the geographical accessibility of rural services in developing countries. *International Regional Science Review*.

35. Schmitt, B., Henry, M. S., Piguët, V., & Hilal, M. (2006). Urban growth effects on rural population, export and service employment: Evidence from eastern France. *The Annals of Regional Science*, 40(4), 779-801.
36. Shah, S. M. (1974). *Growth centers as a strategy for rural development: India Experience*. Chicago: The University of Chicago Press.
37. Wouterse, F. (2010). Internal migration and rural service provision in Northern Ghana. IFPRI discussion papers 952, International Food Policy Research Institute (IFPRI).



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.77763.1176>

Evaluating the Effects of Diversity of Economic Activities on Eesilience of Rural Communities to Climate Change (Study Area: Tourism Villages of Saman County)¹

Sadegh Mokhtari Cholche

PhD student in Geography and Rural Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Hossein Farahani²

Associate Professor in Geography and Rural Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Jamshid Einali

Associate Professor in Geography and Rural Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Mehdi Cheraghi

Assistant Professor in Geography and Rural Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Received: 10 August 2022 Revised: 14 December 2022 Accepted: 20 December 2022

Abstract

The rise of climate changes in the last two decades in Iran reflects growing vulnerability of human settlements. Therefore, today, the intersection of climate change with rural development issues has drawn attention of academic circles to resilience approach that is more comprehensive than previous ones. Diversification of economic activities is deemed a key strategy for strengthening resilience and adaptation to climate change. In this regard, the present study was conducted to evaluate the effects of the diversity of economic activities on resilience of rural communities to climate change. In this descriptive-analytical research, a quantitative approach has been adopted. The statistical population consists of 4519 rural households in 11 villages of Saman county, of which 354 households were selected as a sample using the Cochran formula. The findings were analyzed using structural equations (confirmatory factor analysis) method in Amos software, together with one-sample T-test and Kruskal-Wallis in SPSS software. The results reveal a very low level of diversity of economic activities in the villages of Saman region. As for the dimensions of resilience, the physical dimension has the highest and the economic, individual, social, institutional and ecological dimensions have the lowest

1. The article is extracted from the thesis of the first author of the article at Zanjan University.

2. Corresponding Author: Email: hfarahani@znu.ac.ir

resilience. The conclusion drawn from measuring the desirability of resilience in all dimensions suggests a significant difference between the ideal resilience and the calculated values. Also, the undesirable diversity of economic activities in the studied villages has weakened resilience in different dimensions.

Keywords: Diversity of Economic Activities, Resilience of Rural Communities, Climate Change, Saman County



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.77763.1176>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

ارزیابی اثرات تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری جوامع روستایی در برابر تغییرات اقلیمی (منطقه مورد مطالعه: روستاهای هدف گردشگری شهرستان سامان)^۱

صادق مختاری چلچ (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

sadeghmokhtari8968@gmail.com

حسین فراهانی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، نویسنده مسئول)

hfarahani@znu.ac.ir

جمشید عینالی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

einalia@znu.ac.ir

مهدی چراغی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

mcheraghi@znu.ac.ir

صص ۵۶ - ۲۷

چکیده

وقوع تغییرات اقلیمی دو دهه اخیر در ایران، نشان‌دهنده آن است که سکونتگاه‌های انسانی به شکل فزاینده‌ای آسیب‌پذیر شده‌اند؛ بنابراین، امروزه تلاقی موضوع تغییرات اقلیمی با مسائل توسعه روستایی، توجه محافل علمی را به‌سوی رهیافت تاب‌آوری با نگاهی جامع‌تر در مقایسه با رویکردهای پیشین جلب کرده است. تنوع فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان استراتژی کلیدی برای تقویت تاب‌آوری و انطباق با تغییرات اقلیمی شناخته شده است. در این راستا پژوهش حاضر با هدف ارزیابی اثرهای تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری جوامع روستایی در برابر تغییرات اقلیمی انجام شده است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از رویکرد کمی است. جامعه آماری شامل ۴۵۱۹ خانوار روستایی در ۱۱ روستای شهرستان سامان است و به کمک فرمول کوکران ۳۵۴ خانوار به‌عنوان

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه زنجان است.

نمونه تعیین شده است. به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، از معادله‌های ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی) با استفاده از نرم‌افزار Amos و همچنین T تک‌نمونه و کروسکال والیس با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج به دست آمده از وضعیت تنوع فعالیت‌های اقتصادی نشان داد که میزان تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای منطقه سامان در سطح بسیار پایینی است. از منظر ابعاد تاب‌آوری، بعد کالبدی بیشترین مقدار و ابعاد اقتصادی، فردی، اجتماعی، نهادی و اکولوژیکی از کمترین مقدار تاب‌آوری برخوردار بوده است. استنتاج حاصل از سنجش میزان مطلوبیت تاب‌آوری در همه ابعاد نشان می‌دهد که بین حد تاب‌آوری ایده‌آل و مقدار محاسبه شده تفاوت معناداری است. همچنین با توجه به اینکه در روستاهای مورد پژوهش تنوع فعالیت‌های اقتصادی در سطح مطلوبی نیست، این مسئله موجب کاهش تاب‌آوری در ابعاد مختلف شده است.

واژگان کلیدی: تنوع فعالیت‌های اقتصادی، تاب‌آوری جوامع روستایی، تغییرات اقلیمی، شهرستان سامان

۱. مقدمه

تغییرهای اقلیمی اکنون یک وضعیت اضطراری جهانی شناخته شده است و جوامع در سرتاسر جهان در حال انجام اقدام‌های فوری برای انطباق با این شرایط هستند (محمد و همکاران^۱، ۲۰۲۱، ص. ۱۶۸). تأثیرهای تغییرهای اقلیمی در آینده افزایش می‌یابد و مشکل بزرگی برای معیشت در بیشتر مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه خواهد بود. خشکسالی یکی از اصلی‌ترین تنش‌های بلندمدت است که بر معیشت وابسته به کشاورزی را اثر می‌گذارد و در نتیجه تغییرهای اقلیمی بر شدت آن می‌افزاید. بنابراین ایجاد تاب‌آوری اجتماعی - اکولوژیکی به طور فزاینده‌ای یک مسیر ضروری برای توسعه پایدار در جوامع روستایی شناخته می‌شود (آپیا^۲، ۲۰۲۱، ص. ۴۵). درواقع یکی از راه‌های مقابله با افزایش مخاطرات طبیعی و انسانی، تقویت ظرفیت‌هایی است که به جوامع آسیب‌دیده اجازه می‌دهد تا خود را برای مقابله با عوارض جانبی آماده کنند. در ادبیات این استراتژی، عموماً تاب‌آوری نامیده می‌شود (شرزر و همکاران^۳، ۲۰۱۹، ص. ۶۲). تاب‌آوری به طور گسترده‌ای با عنوان «توانایی جوامع برای مقابله با استرس‌ها و

1. Mohammed

2. Appiah

3. Scherzer

آشفته‌گی‌های بیرونی در نتیجه تغییرهای اجتماعی، سیاسی و محیطی» نامیده می‌شود و با طیف وسیعی از مفاهیم مرتبط و همپوشان از جمله جذب شوک‌ها، مقابله، سازگاری، ظرفیت سازگاری و آسیب‌پذیری ارتباط تنگاتنگی دارد (هیرونس و همکاران^۱، ۲۰۱۸، ص. ۱۲۴).

تاب‌آوری جامعه، بازتاب قابل اعتمادی از ظرفیت جوامع روستایی برای سازگاری با عدم قطعیت است (گوا^۲ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۹۷۵). راهبرد تاب‌آوری وضعیت کنونی منابع موجود برای پاسخگویی جامعه به بلایا، ساختار سازمان جامعه که می‌تواند عموم مردم را برای مقابله با ناملایمات به حرکت درآورد و اثربخشی حاکمیت را هنگامی که مدیریت جامعه و ساکنان برای غلبه بر مشکل‌ها همکاری می‌کنند، اندازه‌گیری می‌کند (یانگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۴۲۶). تاب‌آوری هنگامی که درباره جوامع به کار می‌رود، «توانایی یک جامعه برای آماده‌سازی و برنامه‌ریزی، جذب، بازیابی و سازگاری موفق‌تر با حوادث نامطلوب واقعی یا بالقوه، به موقع و کارآمد، از جمله ترمیم و بهبود شرایط» تعریف می‌شود. به طور کلی تاب‌آوری یک ویژگی مثبت و مطلوب در نظر گرفته می‌شود، زیرا جامعه‌ای که مقاوم باشد ضررهای کمتری متحمل می‌شود و در صورت مواجهه با یک رویداد خطرناک سریع‌تر بهبود می‌یابد (شرزر^۴ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۶۳). تنوع فعالیت‌های اقتصادی به عنوان یک استراتژی کلیدی برای تقویت تاب‌آوری و انطباق با تغییرات اقلیمی شناخته شده است (میاتوویچ^۵ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۸۴). هیچ راه حل جهانی برای تنوع با هدف حمایت از تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی وجود ندارد. استراتژی‌های تنوع، به محیط محلی، تنوع زیستی کشاورزی، عوامل اجتماعی و اقتصادی و نیازها و اولویت‌های خاص جوامع بستگی دارد (مک نالی^۶ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۲۰۸). منطق اساسی برای تنوع فعالیت اقتصادی این است که در صورت شکست منبع اصلی امرار معاش، چندین فعالیت جایگزین معیشت (برای مثال، تجارت خرد، شکار و مهاجرت) برای خانوارها پس‌اندازی فراهم می‌کند (آلویو لویسون^۷، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲۸). تنوع فعالیت‌های اقتصادی در یک منطقه به

1. Hiron

2. Guo

3. Yang

4. Scherzer

5. Mijatović

6. Roesch-McNally

7. Aloba Loison

میزان توزیع یکنواخت فعالیت‌های منطقه‌ای اشاره دارد. تصور می‌شود که تنوع، بر عملکرد اقتصادی منطقه‌ای از طریق افزایش سرریز دانش، پراکنده کردن خطرهای و تقویت پایداری (تأمین فرصت‌ها و حمایت از رفاه ساکنان یک اقتصاد) تأثیر می‌گذارد (شیائو و دراکر^۱، ۲۰۱۹، ص. ۱۵۱).

ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن بر کمر بند زلزله، تنوع آب و هوایی و موقعیت مهم راهبردی، طی دوره‌های مختلف، شاهد حوادث و مخاطرات طبیعی و غیر طبیعی بسیاری بوده است (نوری و سپهوند، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۶). امروزه نواحی سکونتگاهی کشور به‌ویژه نواحی روستایی با مشکل‌های بسیاری متأثر از تغییرهای اقلیمی روبه‌رو بوده است. مشکل‌هایی مانند بیکاری فزاینده، از بین رفتن اراضی مستعد کشاورزی، کاهش تولیدهای کشاورزی و مهاجرت نواحی سکونتگاهی ایران از جمله تهدیدهایی است که به دلیل تغییرات اقلیمی در ایران پدید می‌آید. با توجه به شرایط کنونی کشور ایران و مشکل‌های تغییرات اقلیمی، روستاها بیشتر از شهرها در برابر این مشکل‌ها آسیب‌پذیرتر هستند، زیرا اقتصاد بسیاری از روستاها به کشاورزی و منابع آب وابسته است (غلامی دافچه‌ای، ۱۳۹۶، ص. ۳). طی سال‌های اخیر تغییر اقلیم در استان چهارمحال و بختیاری از جمله مخاطرات طبیعی بوده که بر زیست بوم‌ها اثر گذاشته و پیامدهای پنهان آن به دلیل وسعت و دامنه تأثیرگذاری و البته به دلیل فرصت سوء مدیریت منابع آبی، عیان شده است. در این میان، جوامع روستایی مصرف‌کننده منابع آبی در محدوده مورد مطالعه بیشترین بار تغییرات اقلیمی را بر دوش می‌کشند. کشاورزان به‌ویژه در برابر این تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیرتر هستند زیرا وابستگی گسترده به کشاورزی داشته و ظرفیت‌های محدودی برای سازگاری دارند. مجموع این عوامل باعث کاهش تاب‌آوری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی منطقه شده است و آسیب‌پذیری را بسیار افزایش داده است. در این راستا، پژوهش حاضر به ارزیابی اثرهای تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری جوامع روستایی در برابر تغییرات اقلیمی در روستاهای شهرستان سامان استان چهارمحال و بختیاری پرداخته است.

۲. پیشینه تحقیق

موسومبا^۱ و همکارانش (۲۰۲۲) در پژوهشی با استفاده از دو موج داده (از سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱) برای ۱۷۷۳ خانوار از هشت کشور در جنوب صحرای آفریقا، تنوع معیشت و عوامل آن را بررسی کردند. آن‌ها تنوع معیشت را با در نظر گرفتن مشارکت خانوار در سه فعالیت معیشتی زراعی، دامداری و غیر کشاورزی در نظر گرفتند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان که ۴۰ درصد خانوارها هر سه فعالیت معیشتی را انجام می‌دهند اما در سطوح تنوع، ناهمگونی وجود دارد. همچنین نتایج بررسی عوامل اثرگذار بر تنوع معیشتی خانواده‌ها نشان داد دسترسی به اعتبارات غیرکشاورزی به‌طور مثبت با تنوع معیشتی مرتبط بوده است، زیرا می‌تواند مشارکت در فعالیت‌های غیر کشاورزی را تسریع کند. عامل خشکسالی بر تنوع معیشتی تأثیر منفی داشته و مساحت زمین زراعی تأثیر مثبتی بر تعداد فعالیت‌های معیشتی انجام شده، داشته است.

محمد و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با استخراج داده‌ها از یک نظرسنجی از ۱۱۰۰ خانوار خرده‌مالک در اقلیم نیمه‌خشک شمال کشور غنا، به بررسی ارتباط بین تنوع معیشت و تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که خانوارهای کشاورز خرده‌مالک که ترکیبی از تنوع فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی را انجام می‌دهند در مقایسه با آن‌هایی که از هیچ استراتژی متنوع‌سازی استفاده نمی‌کنند، به‌طور قابل توجهی شانس بیشتری برای تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی دارند.

ابیودون^۲ و همکاران (۲۰۱۹) به‌طور تجربی استراتژی‌های معیشت و تنوع معیشتی خانوارهای روستایی را در ایالت اوندو نیجریه بررسی کرده‌اند. داده‌ها از ۱۲۰ سرپرست خانوار روستایی با استفاده از پرسش‌نامه ساختاریافته جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل لجستیک چند جمله‌ای نشان داد که سن، تعداد اعضای خانوار، سطح تحصیلات و اندازه مزرعه عوامل اصلی بوده‌اند که به‌طور قابل توجهی بر انتخاب پاسخ‌دهندگان برای استراتژی معیشت تأثیر گذاشتند. سرمایه ناکافی، مشکل زیرساختی، دسترسی نداشتن به منابع طبیعی، نبود آگاهی و آموزش و مشکل‌های فرهنگی از محدودیت‌های تلاش برای تنوع بخشیدن به معیشت سرپرستان خانوار شناسایی شد.

1. Musumba

2. Abiodun

در نتیجه، معیشت روستایی از تنوع متوسطی برخوردار بوده است و خانوارها بیش از یک منبع درآمد دارند.

شیائو و دراکر^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی آثار تنوع اقتصادی بر تاب‌آوری را در برابر شوک‌های بلایای طبیعی بررسی کردند. آن‌ها شبه آزمایشی را دربارهٔ سیل ۱۹۹۳ غرب میانه ایالات متحده طراحی کردند تا تأثیر تنوع اقتصادی را ارزیابی کنند. آن‌ها با تطبیق شهرستان‌هایی که آسیب دیده‌اند با شهرستان‌های مشابه دیگری که تحت تأثیر سیل قرار نگرفته‌اند، اثرهای تنوع را بر عملکرد اقتصادی در شرایط معمولی و پس از فاجعه بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که تنوع اقتصادی باعث رشد اشتغال و تسریع بهبود درآمد پس از سیل شده است و به بازیابی زمین‌های ازدست‌رفته کمک کرده است.

پال^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی اثرهای تنوع معیشت در کشاورزی در مناطق تپه‌ای دارجلینگ در ایالت بنگال غربی در کشور هند پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که تفاوت درآمد و تنوع معیشتی بین ارتفاع‌های بالاتر و ارتفاع‌های پایین‌تر وجود دارد. پارامترهایی مانند درآمد حاصل از دامپروری، درآمد حاصل از کارهای حاشیه‌ای و درآمد حاصل از کارگری با تنوع، همبستگی مثبت دارند. همچنین در مزارع خانوادگی مناطق تپه‌ای بنگال غربی، تنوع معیشتی گروه‌های کشاورزی کم است. به این معنا که درک آن‌ها از کشاورزی هنوز یک فعالیت معیشتی ایمن است.

شارما^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی فرایندهای تنوع معیشت بر رفاه خانوارها در ایالت جامو و کشمیر پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تنوع درآمد خانوار، با وجود موقعیت مکانی افزایش می‌یابد. ساکنان دارای تحصیلات عالی و ریسک‌پذیر تأثیر مثبتی بر درآمد متوسط خانوار دارند، در حالی که تعداد کمتر اعضای شاغل در خانوار و زنان سرپرست خانوار تأثیر منفی بر درآمد دارند. این مطالعه نیاز به ایجاد فضای مساعد برای تنوع پویای اقتصاد روستایی در ایالت را نشان می‌دهد.

حاجیان (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان نقش تنوع فعالیت‌های اقتصادی (زراعی و غیرزراعی) در

1. Xiao & Drucker

2. Pal

3. Sharma

آسیب‌پذیری و تاب‌آوری خانوارهای کشاورز روستایی در مواجهه با خشکسالی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان چناران) انجام داده است. نتایج نشان داده است که تنوع فعالیت‌های اقتصادی موجب افزایش تاب‌آوری خانوارهای کشاورز روستایی شده است. به‌طوری که میانگین تاب‌آوری در بین خانوارهای دارای منابع غیر متنوع ۲.۴۰، و خانوارهای دارای منابع درآمدی متنوع ۲.۸۳ است. همچنین تنوع غیرزراعی موجب افزایش تاب‌آوری خانوارهای کشاورز روستایی شده است. اما تنوع زراعی بر تاب‌آوری خانوارها اثر معناداری نداشته است. همچنین تنوع فعالیت‌های اقتصادی تأثیر معناداری بر کاهش آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی نداشته است. تنوع، توانسته بر آسیب‌پذیری اقتصادی خانوارهای کشاورز روستایی اثر گذار باشد، به‌طوری که خانواری که تنوع درآمدی ندارد، در مقایسه با خانوارهای دارای منابع درآمدی متنوع از لحاظ اقتصادی آسیب‌پذیرتر هستند.

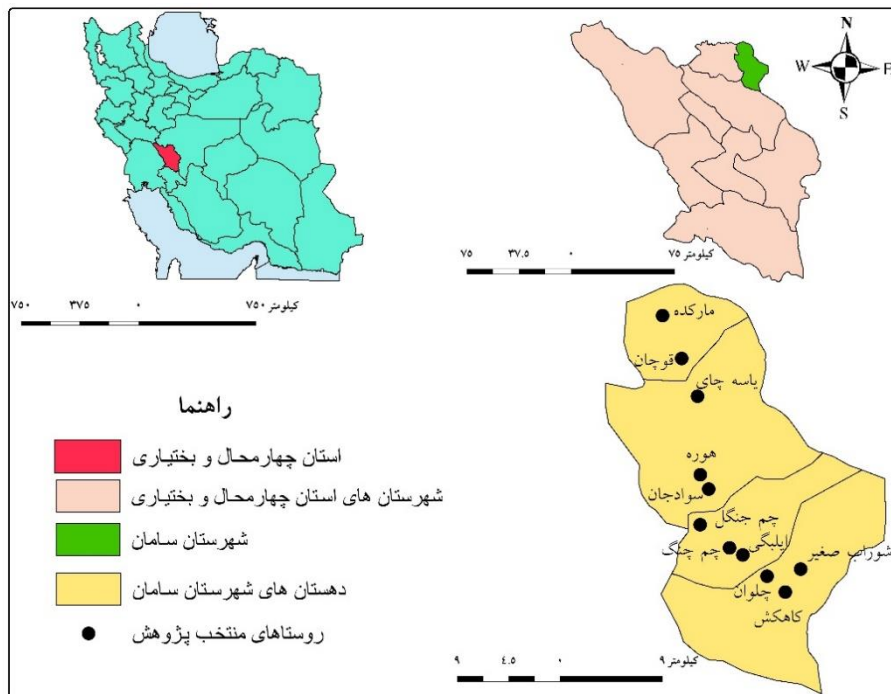
حیدری ساریان و مجنونی توتاخانه (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان نقش تنوع معیشتی در تاب‌آوری خانوارهای روستایی پیرامون دریاچه ارومیه در برابر خشکسالی انجام داده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که رویکرد معیشتی منجر به تاب‌آوری بیشتر خانوارها در شرایط خشکسالی دریاچه ارومیه شده است. در روستاهایی که در معرض خشکسالی شدیدتری هستند، این تنوع معیشتی بیشتر است.

حجم قابل توجهی از تحقیقات درباره تنوع اقتصادی نشان می‌دهد که تنوع به بسیاری از جنبه‌های عملکرد اقتصادی از جمله بهره‌وری، نوآوری پایداری، رشد درآمد و اشتغال سود می‌رساند. با این حال، بسیاری از مطالعات تأثیرهای ناچیز یا حتی منفی را از تنوع اقتصادی تشخیص می‌دهند یا این مطالعات نشان داده‌اند که تنوع تنها بر نتایج اقتصادی خاصی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، گاهی اوقات به نظر می‌رسد که تنوع، مانع تحقق مزیت‌های تخصصی اقتصادی می‌شود. با این حال، هیچ توافقی درباره میزان تأثیر تنوع بر تاب‌آوری وجود ندارد. پژوهش حاضر با شفاف‌سازی و کمی کردن تأثیر تنوع بر تاب‌آوری، این شکاف را برطرف می‌کند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. منطقه مورد مطالعه

شهرستان سامان واقع در استان چهارمحال و بختیاری، در فاصله ۲۲ کیلومتری شمال شرقی شهرکرد مرکز استان و ۸۵ کیلومتری غرب استان اصفهان و متصل به راه غربی شهرکرد به اصفهان قرار گرفته است. وضعیت طبیعی آن تقریباً کوهستانی و دارای تپه و ماهورهای متعدد و سرسبز است (تقیلو، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۷). شهرستان سامان بنابر سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ دارای ۲۳ روستا و جمعیتی برابر با ۳۵,۸۹۵ که از این تعداد جمعیت ۱۳,۴۰۵ نفر ساکن روستا هستند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). روستاهای سامان با برخورداری از پتانسیل‌های فراوان از نظر محیطی و طبیعی مانند کوهستان منحصربه‌فرد، هوای سالم، رودخانه زیبای زاینده‌رود و چشم‌اندازهای اطراف آن و نیز جاذبه‌های گردشگری همچون پل زمان خان، پل هوره، پل کاهکش، روستای پلکانی و بدون کوچه یاسه چا، قنات، دهکده سیاحتی زاگرس و آثار تاریخی و مذهبی و... به‌ویژه در ایام تعطیل میزبان جمعیت زیادی است. مجموع این پتانسیل‌ها، زمینه مناسبی را برای برنامه‌ریزی برای توسعه روستاهای منطقه در اختیار می‌گذارد (تقیلو، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۸).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۲.۳. روش تحقیق

این تحقیق براساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. هدف از این پژوهش، ارزیابی اثرهای تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری جوامع روستایی در برابر تغییرات اقلیمی در روستاهای شهرستان سامان است. جامعه آماری این تحقیق، خانوارهای روستایی شهرستان سامان است؛ از این رو، از میان ۲۳ روستای شهرستان سامان ۱۱ روستا (که جزو روستاهای هدف گردشگری منطقه سامان بوده‌اند) به صورت تصادفی انتخاب شده است. تعداد خانوار این ۱۱ روستا ۴۵۱۹ بوده است که براساس فرمول کوکران تعداد نمونه‌ها، ۳۵۴ خانوار به دست آمد (جدول ۱ توزیع روستاهای نمونه و حجم نمونه در هریک از روستاها را نشان داده است). بر این اساس، ابتدا تعداد خانوارهای هر روستا مشخص شد و سپس پرسش‌نامه‌ها بین هریک از روستاهای منتخب با توجه به تعداد خانوار آن‌ها توزیع شد.

جدول ۱. توزیع روستاهای نمونه مورد مطالعه در محدوده بخش و دهستان‌های شهرستان سامان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

بخش	دهستان	تعداد روستاها	روستاها	تعداد خانوار	درصد پرسش‌نامه	تعداد پرسش‌نامه
مرکزی	سامان	۳	کاهکش	۲۴۸	۵/۵	۱۹
			چلوان	۲۳۳	۵/۲	۱۸
			شوراب صغیر	۱/۰۱۵	۲۲/۵	۷۹
	چما	۳	ایلبگی	۱۵۴	۳/۴	۱۲
			چم چنگ	۶۰۳	۳/۱۳	۴۷
			چم جنگل	۸۰	۱/۸	۶
زاینده رود	هوره	۳	سوادجان	۴۲۹	۹/۵	۳۴
			هوره	۸۱۴	۱۸	۶۴
			یاسه‌چا	۱۹۸	۴/۴	۱۶
	زرین	۲	قوچان	۲۲۵	۵	۱۸
			مارکده	۵۲۰	۱۱/۵	۴۱
	مجموع		۱۱	۱۱	۴۵۱۹	۱۰۰

در این پژوهش از مؤلفه‌های تنوع فعالیت اقتصادی که شامل ابعاد کشاورزی و غیر کشاورزی و همچنین مؤلفه تاب‌آوری شامل ابعاد تاب‌آوری اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، اکولوژیکی، نهادی و فردی استفاده شده است (جدول شماره ۳). برای بررسی پایایی پرسش‌نامه در این پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و مقدار پایایی کل شاخص‌های پژوهش برابر با ۰/۸۲۴ بوده که با توجه به مقدار استاندارد قابل قبول است. به‌منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تاییدی) از نرم‌افزار AMOS و همچنین T تک نمونه و کروسکال والیس با نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

جدول ۲. مؤلفه و ابعاد شاخص‌های پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

مؤلفه	ابعاد	تعداد شاخص	منابع
تنوع فعالیت‌های اقتصادی	فعالیت‌های غیر کشاورزی	شاغلان و منابع درآمدی بخش خدمات، شاغلان و منابع درآمدی بخش صنعت، شاغلان و تعداد واحدهای تولیدی فعال غیرکشاورزی، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیر کشاورزی، سطح گسترش فعالیت‌های گردشگری روستایی، رضایت افراد از درآمد در شغل غیرکشاورزی، برخورداری از مهارت‌های شغلی غیرکشاورزی، مشارکت زنان در فعالیت‌های درآمدزای خانگی (قالی‌بافی، خیاطی، گلدوزی، صنایع دستی و ...)	آلویو لویسون، ۲۰۱۵؛ الیس ^۱ ، ۱۹۹۸؛ لوش ^۲ و همکاران، ۲۰۱۲؛ محمد و همکاران، ۲۰۲۱؛ هاگبلاید ^۳ و همکاران، ۲۰۱۰؛ قاسمی و جوان، ۱۳۹۳؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ اسماعیلی ۱۳۹۴، حاجیان و همکاران، ۱۳۹۷
	فعالیت‌های کشاورزی	منابع درآمدی بخش زراعی، منابع درآمدی بخش باغی، منابع درآمدی بخش جالیز و سبزیجات، منابع درآمدی دامی (گاو، گوسفند و ...)، فروش منابع محصولات فرآوری‌شده دامی (کشک، ماست، دوغ، پنیر و ...)، فروش منابع محصولات فرآوری‌شده کشاورزی (خشکبار، مربا، لواشک، ترشی و ...)، واحدهای تولیدی کشاورزی (کندو، پرورش قارچ، گاو‌داری، شیلات، کرم ابریشم، شترمرغ و ...)، تشکیل بازارچه‌های محلی و موقت فروش محصولات کشاورزی	
تاب‌آوری	تاب‌آوری اقتصادی	میزان ریسک‌پذیری اقتصادی، سطح ارائه تسهیلات بانکی هنگام رخداد مخاطرات، میزان تنوع در منابع درآمدی و مهارت‌های شغلی مختلف، برخورداری از درآمدهای جایگزین هنگام مخاطرات، توانایی تغییر شغل هنگام وقوع مخاطرات، توانایی تطبیق نسبی شرایط اقتصادی خانواده هنگام مخاطرات	سلینی و کوچیا، ۲۰۱۵؛ لی و همکاران، ۲۰۲۱؛ مازور و همکاران، ۲۰۱۹؛ مازولا و همکاران، ۲۰۱۹؛ بسطامی و همکاران، ۱۳۹۵؛ طالشی و همکاران، ۱۳۹۶؛ سید اخلاقی و طالشی، ۱۳۹۷؛ نامجویان و همکاران، ۱۳۹۸؛ نصرالهی و همکاران، ۱۴۰۰

1. Ellis
2. Losch
3. Haggblade

مؤلفه	ابعاد	تعداد شاخص	منابع
	تاب‌آوری فردی	میزان توانایی و تمایل به کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار جدید، سطح روحیه و تلاش مردم برای رفع مشکلات، میزان داشتن پس‌انداز مالی، میزان آگاهی و آمادگی مردم جهت جلوگیری از آسیب محصولات هنگام وقوع مخاطرات محیطی	جردن، ۲۰۱۹؛ لو، ۲۰۱۴؛ پین و همکاران، ۲۰۱۹؛ وزیریان و همکاران، ۱۳۹۹؛ غلامی دافچاهی، ۱۳۹۶
	تاب‌آوری کالبدی	کیفیت مسکن روستایی در برابر وقوع مخاطرات طبیعی، کیفیت شبکه ارتباطی داخل روستا به منظور امداد رسانی هنگام وقوع بحران، کیفیت شبکه ارتباطی بیرونی (ارتباط با روستاها و شهرهای اطراف) به منظور امداد رسانی هنگام وقوع بحران	گوسلینگ رایزمان و همکاران، ۲۰۱۸؛ سن و همکاران، ۲۰۲۱؛ میرزاعلی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سید اخلاقی و طالبی، ۱۳۹۷؛ نامجویان و همکاران، ۱۳۹۸؛ نصرالهی و همکاران، ۱۴۰۰
	تاب‌آوری اجتماعی	میزان همدلی اهالی با یکدیگر و مشارکت مدنی روستاییان در مواقع مخاطرات طبیعی، میزان آگاهی مردم در زمینه واکنش سریع و مناسب هنگام وقوع مخاطرات طبیعی، میزان همکاری گروه‌های داوطلب محله در حین مخاطرات طبیعی، سطح آمادگی و سازگاری اهالی روستا هنگام وقوع مخاطرات طبیعی، میزان مهاجرت روستاییان به دلیل وقوع مخاطرات برای مثال خشکسالی	گریفیث، ۲۰۱۶؛ لی و همکاران، ۲۰۲۱؛ لیو و همکاران، ۲۰۲۰؛ مجیب و همکاران، ۲۰۱۸؛ شریب و همکاران، ۲۰۱۰؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۷؛ طالبی و همکاران، ۱۳۹۶؛ پیران و همکاران، ۱۳۹۶؛ نامجویان و همکاران، ۱۳۹۸؛ نصرالهی و همکاران، ۱۴۰۰
	تاب‌آوری نهادی	میزان پاسخگویی نهادهای خدماتی در صورت وقوع مخاطرات طبیعی، میزان قدرت مدیریت بحران شورای روستا و دهیاری در زمان وقوع مخاطرات طبیعی، میزان تعامل و ارتباط شورا و دهیاری روستا با مردم، احساس تعلق به مکان و مهاجرت	کاتر و همکاران، ۲۰۰۸؛ استیوز و همکاران، ۲۰۱۷؛ بسطامی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نامجویان و همکاران، ۱۳۹۸؛ نصرالهی و همکاران، ۱۴۰۰
	تاب‌آوری اکولوژیک	روند تغییرات منابع طبیعی روستا، موقعیت جغرافیایی (خصوصیات ژئوتکنیک و شیب)، وجود چشم‌اندازهای زیبا و فضای سبز برای جذب گردشگران، سطح کیفیت خاک و جلوگیری از فرسایش خاک، سطح کیفیت هوا، تنوع زیستی میان گونه‌های گیاهی و جانوری در روستا، سطح مراتع با کیفیت قابل استفاده در دامداری، دسترسی به انواع منابع آب کشاورزی و آشامیدنی، تغییرات کاربری اراضی	آجر، ۲۰۰۰؛ بایوال، ۲۰۱۲؛ هرمان، ۲۰۱۵؛ بسطامی و همکاران، ۱۳۹۵؛ طالبی و همکاران، ۱۳۹۶؛ سید اخلاقی و همکاران، ۱۳۹۸؛ نصرالهی و همکاران، ۱۴۰۰

۴. مبانی نظری تحقیق

بیشتر نظریه‌پردازان توسعه، در چهارچوب الگوی توسعه پایدار روستایی «رویکرد متنوع‌سازی» را به‌منظور افزایش سازگاری با بحران‌های بیرونی پیشنهاد کرده‌اند و در این نظریه به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری، وجود تنوع در فعالیت‌های اقتصادی، یکی از امور ضروری جوامع روستایی دانسته می‌شود؛ زیرا به‌کارگیری این رویکرد، ثبات و پایداری را آسان خواهد کرد (حاجیان، ۱۳۹۷، ص. ۳۴). به نظر می‌رسد تنوع فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند عاملی برای کاهش شوک‌های ناشی از مخاطرات طبیعی به‌ویژه تغییرات اقلیمی در مناطق روستایی باشد، زیرا فعالیت‌های اقتصادی متنوع در جامعه روستایی درجه‌ای از امنیت را به وجود می‌آورد که اقتصاد روستایی می‌تواند درمقابل محدودیت‌های اصلی محیط (زلزله، خشکسالی، سزمزدگی و...) و بی‌ثباتی اقتصادی - اجتماعی (به‌ویژه نوسان‌های بازار و قیمت محصولات تولیدی و...) استقامت کند.

۴.۱. تنوع در برابر تخصص‌گرایی

فولکه و همکاران (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که افزایش تنوع، ظرفیت بیشتری را برای سیستم به‌منظور واکنش به اختلال‌ها ایجاد می‌کند و بنابراین تاب‌آوری سیستم را افزایش می‌دهد (فولکه^۱ و همکاران، ۲۰۱۰، ص. ۲۳). همچنین، آندریونی و دوریاویگ بیان می‌کنند که تنوع در یک سیستم «تأثیر اجتماعی - اقتصادی» به‌دلیل شوک‌های غیرمنتظره، مانند بحران‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد (آندریونی و دوریاویگ^۲، ۲۰۱۳، ص. ۱۲۱). در ادامه به موضوع «تنوع در برابر تخصص» که بیشتر در حوزه جغرافیای اقتصادی از آن بحث می‌شود، پرداخته شده است. در حوزه جغرافیای اقتصادی بحثی طولانی درباره تنوع در مقابل تخصص وجود داشته است. دیویس و تونتز استدلال می‌کنند که: «مکان‌هایی با اقتصادهای متنوع از نظر اقتصادی - اجتماعی تاب‌آورتر از مکان‌هایی با پایگاه اقتصادی محدود هستند.» (دیویس و تونتز^۳، ۲۰۱۰، ص. ۲۲۶) استدلال برای این امر این است که انواع مختلف صنایع و مشاغل دارای «کشش‌های مختلف تقاضا، جهت‌گیری‌های صادراتی متفاوت، شدت کار و سرمایه متفاوت، و مواجهه متفاوت با

1. Folke

2. Andreoni & Duriavig

3. Davies & Tonts

رقابت خارجی هستند.» (مارتین و سانلی^۱، ۲۰۱۵، ص. ۱۰)، که اثرهای شوک به منطقه را کاهش می‌دهد (آسیب‌پذیری آن را کاهش می‌دهد) و بهبود اقتصادی را پس از یک شوک افزایش می‌دهد. در اینجا، مفهوم تنوع فعالیت‌های اقتصادی «تفاوت در ساختارهای اقتصادی» را منعکس می‌کند. بنابراین، هرچه اقتصاد منطقه متنوع‌تر باشد، از نظر تئوری هنگام وقوع شوک انعطاف‌پذیرتر خواهد بود. این بدان معناست که برعکس، منطقه‌ای با تنوع اقتصادی کم در برابر شوک‌ها آسیب‌پذیرتر است و بهبود اقتصادی پس از شوک، طولانی‌تر خواهد بود (بارت استمن^۲، ۲۰۱۷، ص. ۹۵).

به گفته میلیزیا و شانزی^۳، هرچه یک منطقه از نظر فعالیت‌های اقتصادی متنوع‌تر باشد، الگوی رشد اقتصادی پایدارتر است و بیکاری در آن کمتر از مناطق تخصصی‌تر است. آن‌ها این ادعا را دارند، زیرا یک اقتصاد متنوع دارای انواع مختلفی از بخش‌های گوناگون است که در زمان‌های مختلف، نوسان‌های اقتصادی متفاوتی را تجربه می‌کنند. با این حال، این بدان معنا نیست که در یک منطقه ممکن است هیچ بخش تخصصی وجود نداشته باشد، بلکه در یک منطقه باید تعداد کافی از تخصص‌های مختلف وجود داشته باشد تا پایدار باشد، زیرا مناطق متنوع‌تر «مایل هستند صنایع بیشتری داشته باشند و این مسئله کمک می‌کند در زمان‌های سخت، نسبتاً سالم بمانند و سطح اشتغال خود را حفظ کنند» (مالیزیا و شانزی، ۱۹۹۳، ص. ۲۲۵).

درمقابل، با استدلال‌هایی تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی یا خوشه‌بندی صنایع را هم برای نوآوری و هم برای رشد اقتصادی مفید دانسته‌اند. ون اورت^۴ و همکاران براساس مطالعه ۲۰۵ منطقه اروپایی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به این نتیجه رسیدند که تنوع فعالیت‌های اقتصادی بسیار با رشد سطح اشتغال مرتبط است، در حالی که از سوی دیگر، تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی با رشد بهره‌وری مرتبط است (ون اورت و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۱۲). در اینجا فرض بر این است که خوشه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی منجر به تبادل دانش و رقابت می‌شود که نوآوری و رشد اقتصادی بخش را تحریک می‌کند. رشد اقتصادی به‌نوبه خود

1. Martin & Sunley

2. Bart Steman

3. Malizia & Shaanxi

4. Van Oort

به قدرت اقتصادی بیشتر و ظرفیت مقاومت در برابر شوک‌های خاص منجر می‌شود که به نوبه خود آن را انعطاف‌پذیرتر می‌کند. با این حال، زمانی که منطقه‌ای فقط به یک بخش اقتصادی وابسته است، ممکن است در برابر شرایط اقتصادی در آن بخش خاص آسیب‌پذیر باشد که باعث می‌شود منطقه از این نظر کمتر تاب‌آور باشد (هوالاچاین و لی، ۱، ۲۰۱۱، ص. ۷۱).

۲.۴. تنوع فعالیت‌های اقتصادی

تنوع معیشت در دهه‌های گذشته مورد توجه بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران بوده است، با این امید که ترویج آن می‌تواند مسیری برای کاهش فقر و رشد اقتصادی ارائه دهد (بانک جهانی، ۲، ۲۰۱۳، ص. ۱۶۳). اصطلاح «تنوع» به فرایندهایی اشاره دارد که در سطوح مختلف اقتصاد اتفاق می‌افتند. اول اینکه «تنوع‌سازی اقتصاد روستایی» به تغییر بخشی از فعالیت‌های روستایی به دور از مزرعه به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشاره دارد که با گسترش اقتصاد غیرکشاورزی روستایی همراه است (تایمر، ۳، ۲۰۰۹، ص. ۲۱۴). دوم آنکه، «تنوع فردی یا خانواری» به استراتژی‌های درآمدی افراد یا خانوارهای روستایی اشاره دارد که در آن بدون توجه به مکان، تعداد فعالیت‌های خود را افزایش می‌دهند. تنوع معیشت یک فرآیند اجتماعی فعال از تنوع فردی یا خانگی است که شامل حفظ و انطباق مستمر مجموعه‌ای از فعالیت‌های بسیار متنوع در طول زمان به منظور تضمین بقا و بهبود استانداردهای زندگی است. اجزای تنوع معیشت روستایی معمولاً براساس بخش (کشاورزی یا غیر کشاورزی)، براساس عملکرد (اشتغال دستمزدی یا خوداشتغالی) یا مکان (در مزرعه یا خارج از مزرعه) طبقه‌بندی می‌شوند.

۵. یافته‌های تحقیق

جدول ۳ ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌گویان را نشان داده است. براساس نتایج به دست آمده از آمار توصیفی، ۲۷۳ نفر از پاسخگویان را مردان و ۸۱ نفر از آن‌ها را زنان تشکیل داده‌اند. بنابراین سهم مردان در پاسخگویی به پرسش‌نامه بسیار بیشتر از زنان است. بیشترین حجم پاسخگویان در رده سنی ۳۵ - ۲۵ و ۳۶ - ۴۵ بوده و کمترین تعداد پاسخگویان مربوط به دو گروه سنی ۶۵

1. Ó Huallacháin & Lee

2. World Bank

3. Timmer

- ۵۶ و بیش از ۶۵ سال است. ازمنظر متغیر تحصیلات بیشترین میزان مدرک تحصیلی پاسخ‌گویان را دیپلم با ۴۲/۹ درصد و لیسانس با ۲۵/۷ تشکیل می‌دهد و کمترین مدرک تحصیلی مربوط به دکتری با ۰/۸ درصد و کارشناسی ارشد با ۶/۵ درصد است. براساس متغیر اشتغال بیشترین فراوانی پاسخگویان در شغل کشاورزی با ۱۴۲ نفر معادل ۴۰/۱ درصد بوده است و در رتبه بعدی افراد بیکار با ۱۹/۵ درصد قرار گرفته‌اند؛ همچنین کمترین نوع شغل، مربوط به کار آزاد و گردشگری است که به ترتیب ۷/۶ و ۸/۲ درصد است.

جدول ۳. تعداد و درصد پاسخ‌دهندگان از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

درصد فراوانی	فراوانی	ویژگی جمعیت شناختی	
۷۷/۱	۲۷۳	مرد	جنسیت
۲۲/۹	۸۱	زن	
۱۵/۳	۵۴	۲۵-۱۸	سن
۲۶/۶	۹۴	۳۵-۲۶	
۲۴/۶	۸۷	۴۵-۳۶	
۱۹/۸	۷۰	۵۵-۴۶	
۹/۳	۳۳	۶۵-۵۶	
۴/۵	۱۶	بیش از ۶۵	
۲۴	۸۵	زیر دیپلم	تحصیلات
۴۲/۹	۱۵۲	دیپلم	
۲۵/۷	۹۱	کارشناسی	
۶/۵	۲۳	ارشد	
۰/۸	۳	دکتری	
۴۰/۱	۱۴۲	کشاورزی	نوع اشتغال
۱۵/۳	۵۴	کارمند	
۸/۲	۲۹	گردشگری	
۷/۶	۲۷	آزاد	
۹/۳	۳۳	کارگر	
۱۹/۵	۶۹	بیکار	

۵. ۱. بررسی سطح تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه

چنانچه در جدول ۶ مشاهده می‌شود با توجه به مقدار (sig) اختلاف میانگین شاخص‌های تنوع فعالیت اقتصادی با ضریب ۹۵٪ معنادار است. بررسی گویه‌های این شاخص نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان درباره وضعیت تنوع اقتصادی در منطقه مورد مطالعه وضعیت یکسانی دارند و تنوع اقتصادی از شرایط خوبی برخوردار نیست و در سطح پایین قرار دارد. براساس نتایج به دست آمده در جدول، میانگین فعالیت‌های کشاورزی ۲/۳۳۹ و میانگین فعالیت‌های غیر کشاورزی ۲/۱۴۶ است.

جدول ۴. آزمون تی تک نمونه شاخص‌های مؤلفه تنوع فعالیت‌های اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

سطح معناداری	Df	T	انحراف استاندارد	میانگین	شاخص	مؤلفه
۰/۰۰۰	۳۵۳	-۰.۲۶/۳۴۰	۰/۴۷۱	۲/۳۳۹	فعالیت‌های کشاورزی	تنوع فعالیت‌های اقتصادی
۰/۰۰۰	۳۵۳	-۲۱/۴۵۹	۰/۴۵۹	۲/۱۴۶	فعالیت‌های غیر کشاورزی	

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود با توجه به مقدار (sig) اختلاف میانگین تمامی شاخص‌های تاب‌آوری، با ضریب ۹۵٪ معنادار است. با توجه به بررسی میانگین پاسخ افراد منطقه درباره متغیرهای شاخص تاب‌آوری، نتایج نشان می‌دهد که متغیرها از وضعیت مطلوبی در بین افراد محلی منطقه برخوردار نیستند. براساس نتایج به دست آمده در جدول، بیشترین میانگین به ترتیب متعلق به تاب‌آوری نهادی (۲/۶۳۴) و تاب‌آوری کالبدی (۲/۵۴۶) و همچنین کمترین میانگین به ترتیب متعلق به تاب‌آوری فردی (۲/۰۱۰) و تاب‌آوری اقتصادی (۲/۱۴۶) است. با توجه به نتایج به دست آمده منطقه مورد مطالعه، از سطح تاب‌آوری پایینی برخوردار است.

جدول ۵. آزمون تی تک نمونه شاخص‌های مؤلفه تاب‌آوری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

مؤلفه	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	T	Df	سطح معناداری
تاب‌آوری	تاب‌آوری اقتصادی	۲/۱۴۶	۰/۶۱۴	-۲۶/۱۱۴	۳۵۳	۰/۰۰۰
	تاب‌آوری فردی	۲/۰۱۰	۰/۶۱۰	-۳۰/۴۸۳	۳۵۳	۰/۰۰۰
	تاب‌آوری کالبدی	۲/۵۱۶	۰/۶۳۴	-۱۴/۳۳۲	۳۵۳	۰/۰۰۰
	تاب‌آوری اجتماعی	۲/۴۱۴	۰/۵۵۳	-۱۹/۹۱۰	۳۵۳	۰/۰۰۰
	تاب‌آوری نهادی	۲/۶۳۴	۰/۶۵۲	-۱۰/۴۷۳	۳۵۳	۰/۰۰۰
	تاب‌آوری اکولوژیکی	۲/۴۳۴	۰/۶۶۷	-۱۴/۴۵۹	۳۵۳	۰/۰۰۰

در آزمون ناپارامتری کروسکال والیس بیان می‌شود که نمونه‌ها از یک توزیع پیروی می‌کنند یا خیر؛ یا به عبارت دیگر، فرض صفر ما برابر بودن میانگین گروه‌هاست و فرضیه مقابل نیز نابرابر بودن این میانگین‌ها در حداقل یک گروه است. این روش برای بررسی کردن دو یا چند گروه نمونه با تعداد نمونه‌های یکسان یا متفاوت به کار می‌رود. آزمون کروسکال والیس یک آزمون ناپارامتری مبتنی بر رتبه است که می‌تواند برای تعیین تفاوت‌های آماری معنادار بین دو یا چند گروه از یک متغیر مستقل بر یک متغیر وابسته پیوسته یا ترتیبی استفاده شود.

با توجه به جدول ۶ روستاهای هوره، شوراب صغیر و چلوان در زمینه شاخص فعالیت‌های کشاورزی به ترتیب دارای میانگین رتبه ۲۰۰/۵۳، ۱۸۸/۹۰ و ۱۸۰/۸۶ هستند که نشان‌دهنده این است که این روستاها در مقایسه با بقیه روستاها از وضعیت بهتری در شاخص فعالیت‌های کشاورزی برخوردار هستند و همچنین روستاهای ایلبگی با میانگین رتبه ۱۳۶/۲۱، چم جنگل ۱۶۳/۶۷ و قوچان ۱۶۵/۱۱ در سطح پایین‌تری از فعالیت‌های کشاورزی هستند و در شاخص فعالیت‌های غیر کشاورزی به ترتیب روستاهای مارکده با میانگین رتبه ۱۹۳/۷۹، هوره ۱۹۰/۲۷، چلوان ۱۸۵/۶۷ و کاهکش ۱۸۵/۱۳ از میانگین رتبه بالاتر و همچنین به ترتیب روستاهای ایلبگی با میانگین ۱۴۹/۱۳، قوچان ۱۵۱/۱۹ و سوادجان ۱۶۸/۵۶ از میانگین رتبه پایین‌تری برخوردار هستند.

جدول ۶. نتایج آزمون ناپارامتری کروسکال والیس برای بررسی ابعاد تنوع اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

میانگین رتبه	تعداد	روستا	شاخص	میانگین رتبه	تعداد	روستا	شاخص
۱۲۷/۲۷	۶۴	هوره	فعالیت‌های غیر کشاورزی	۲۰۰/۵۳	۶۴	هوره	فعالیت‌های کشاورزی
۱۹۳/۷۹	۴۱	مارکده		۱۵۴/۶۲	۴۱	مارکده	
۱۷۰/۷۲	۷۹	شوراب صغیر		۱۸۸/۹۰	۷۹	شوراب صغیر	
۱۶۸/۵۶	۳۴	سوادجان		۱۷۲/۱۶	۳۴	سوادجان	
۱۸۵/۶۷	۱۸	چلوان		۱۸۰/۸۶	۱۸	چلوان	
۱۸۵/۱۳	۱۹	کاهکش		۱۷۸/۴۲	۱۹	کاهکش	
۱۸۲/۲۰	۴۷	چم چنگ		۱۶۶/۱۶	۴۷	چم چنگ	
۱۵۵/۶۶	۱۶	یاسه چای		۱۷۷/۵۹	۱۶	یاسه چای	
۱۵۱/۱۹	۱۸	قوچان		۱۶۵/۱۱	۱۸	قوچان	
۱۷۸/۳۳	۶	چم جنگل		۱۶۳/۶۷	۶	چم جنگل	
۱۴۹/۱۳	۱۲	ایبگی		۱۳۶/۲۱	۱۲	ایبگی	
۳۵۴		مجموع		۳۵۴		مجموع	

اما با توجه به جدول ۷، چون سطح معناداری در دو شاخص فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت‌های غیر کشاورزی بیشتر از ۰/۰۵ است، در کل تفاوت معناداری بین روستاها از نظر مؤلفه تنوع فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد و می‌توان نتیجه گرفت که تمام روستاها وضعیت تنوع اقتصادی مشابه یا نزدیک به هم دارند.

جدول ۷. نتایج آزمون ناپارامتری کروسکال والیس برای بررسی ابعاد تنوع اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

فعالیت‌های غیر کشاورزی	فعالیت‌های کشاورزی	
۵/۸۸۶	۹/۳۶۸	مقدار شاخص کای دو
۱۰	۱۰	درجه آزادی
۰/۸۲۵	۰/۴۹۸	سطح معناداری

با توجه به جدول ۸ روستاهای چم‌چنگ، هوره و چلوان در زمینه شاخص تاب‌آوری اقتصادی به ترتیب دارای میانگین رتبه بالاتر و روستاهای کاهکش، ایبگی و شوراب صغیر از میانگین رتبه

پایین‌تری برخوردار هستند. در زمینه شاخص تاب‌آوری فردی، روستاهای یاسه‌چای، چم‌چنگ و ایل‌بگی از میانگین رتبه بالاتر و روستاهای کاهکش، سوادجان و چم‌چنگ از میانگین رتبه پایین برخوردار هستند. در بحث شاخص تاب‌آوری کالبدی روستاهای چم‌چنگ، چلوان و ایل‌بگی از رتبه بهتری برخوردار هستند و روستاهای کاهکش، شوراب صغیر و سوادجان رتبه پایین‌تری دارند. از منظر شاخص تاب‌آوری اجتماعی روستاهای یاسه‌چای، مارکده و سوادجان، میانگین رتبه بالاتر و روستاهای کاهکش، شوراب صغیر و چم‌چنگ، میانگین رتبه پایین‌تری دارند. درباره شاخص تاب‌آوری نهادی، روستاهای یاسه‌چای، ایل‌بگی و مارکده، میانگین بیشتر و روستاهای کاهکش، شوراب صغیر و چلوان میانگین رتبه کمتری دارند و همچنین درباره شاخص تاب‌آوری اکولوژیک، روستاهای چم‌چنگ، یاسه‌چای و ایل‌بگی به‌ترتیب رتبه میانگین بالاتر و روستاهای کاهکش، شوراب صغیر و قوچان رتبه میانگین پایین‌تری دارند.

جدول ۸. نتایج آزمون ناپارامتری کروسکال والیس برای بررسی ابعاد تاب‌آوری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

روستا	تعداد	میانگین رتبه در تاب‌آوری اقتصادی	میانگین رتبه در تاب‌آوری فردی	میانگین رتبه در تاب‌آوری کالبدی	میانگین رتبه در تاب‌آوری اجتماعی	میانگین رتبه در تاب‌آوری نهادی	میانگین رتبه در تاب‌آوری اکولوژیک
هوره	۶۴	۲۱۳/۸۸	۱۸۵/۹۸	۲۰۲/۹۰	۱۷۵/۱۸	۱۸۸/۲۷	۱۸۶/۵۵
مارکده	۴۱	۱۷۱/۲۰	۱۶۲/۸۵	۱۹۲/۶۱	۲۱۸/۶۸	۲۲۰/۴۰	۲۰۲/۶۶
شوراب صغیر	۷۹	۱۵۸/۰۹	۱۷۱/۲۵	۱۴۰/۱۳	۱۵۷/۶۶	۱۲۳/۶۵	۱۳۸/۳۶
سوادجان	۳۴	۱۶۳/۰۱	۱۵۲/۹۳	۱۶۹/۵۰	۱۸۰/۵۷	۱۹۶/۲۲	۱۷۴/۶۰
چلوان	۱۸	۲۱۱/۳۹	۱۸۶/۵۳	۲۰۷/۳۹	۱۵۷/۷۸	۱۷۶/۱۱	۲۰۷/۱۹
کاهکش	۱۹	۱۴۰/۴۵	۱۲۴/۰۸	۱۲۲/۴۷	۱۳۵/۹۷	۸۸/۴۲	۹۵/۵۵
چم‌چنگ	۴۷	۱۷۱/۸۴	۱۶۷/۴۰	۱۸۳/۲۶	۱۷۳/۳۹	۱۹۵/۶۹	۱۸۲/۰۶
یاسه‌چای	۱۶	۱۸۳/۳۸	۲۸۱/۵۳	۱۷۸/۱۹	۲۷۵/۲۵	۲۴۸/۵۳	۲۶۵/۹۱
قوچان	۱۸	۱۷۵/۶۹	۱۷۶/۱۹	۱۸۴/۷۲	۱۶۴/۸۳	۱۸۳/۸۹	۱۶۶/۱۱
چم‌چنگ	۶	۲۷۶/۰۰	۲۵۹/۶۷	۳۰۴/۰۰	۱۵۹/۱۷	۱۹۶/۰۰	۲۹۳/۶۷
ایل‌بگی	۱۲	۱۴۹/۴۶	۲۲۵/۸۳	۲۰۳/۸۸	۱۸۰/۲۹	۲۳۳/۲۵	۲۱۷/۵۸
مجموع		۳۵۴					

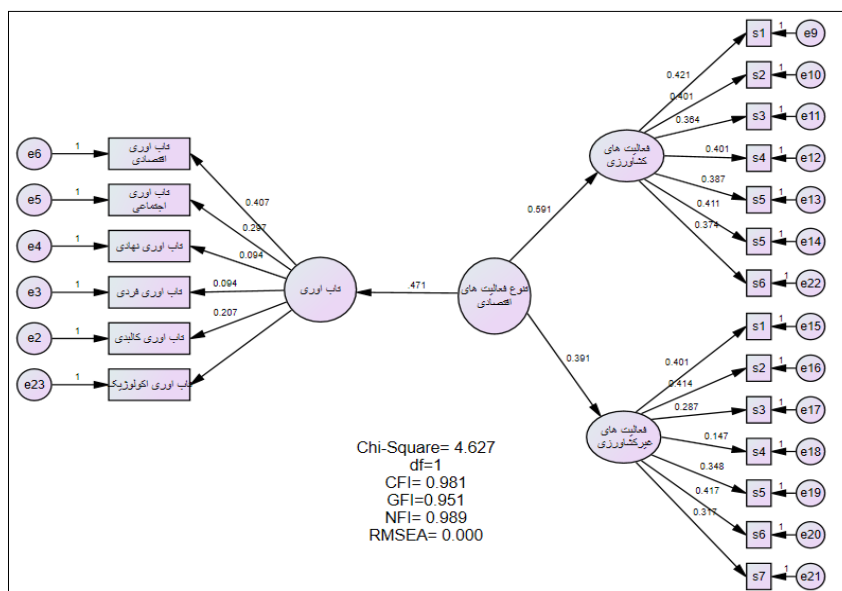
با توجه به جدول ۹ چون سطح معناداری در تمام شاخص‌های تاب‌آوری کمتر از ۰/۰۵ است، درکل تفاوت معناداری بین روستاها از نظر مؤلفه تاب‌آوری وجود دارد و می‌توان نتیجه گرفت که روستاها وضعیت تاب‌آوری متفاوتی دارند.

جدول ۹. نتایج آزمون ناپارامتری کروسکال والیس برای بررسی ابعاد تاب‌آوری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

تاب آوری اکولوژیک	تاب آوری نهادی	تاب آوری اجتماعی	تاب آوری فردی	تاب آوری کالبدی	تاب آوری اقتصادی	
۵۰/۳۸۴	۵۸/۹۰۹	۲۹/۲۹۶	۳۳/۱۹۵	۳۵/۷۶۴	۲۳/۴۱۷	مقدار شاخص کای دو
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	درجه آزادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	سطح معناداری

۵.۲. تحلیل تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه در مدل ارائه‌شده در شکل ۲، مجموع مؤلفه‌های مربوط به تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری خانوارهای روستایی ارائه شده است.



شکل ۲. مدل ساختاری اثرهای تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر تاب‌آوری خانوارهای روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

مدل ارائه شده داده‌ها، درجه آزادی ۱ را تبیین می‌کند. درواقع مقدار درجه آزادی، حاصل تفاضل تعداد نمونه قابل برآورد از تعداد گشتاورهای نمونه است. همچنین با توجه به معیارهای نیکویی برازش در جدول ۱۰ ارائه شده است، کای اسکوئر به هنجار شده نیز که تقریباً نزدیک به یک به دست آمده است، که می‌تواند تأییدکننده برازش مناسب مدل باشد.

جدول ۱۰. برازش مدل براساس آماره‌های آزمون معادلات ساختاری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

Goodness-of-fit measure	Recommended value	Structural model (result)
χ^2 test statistic/df	$3/000 \leq$	1/22
GFI	$0/900 \geq$	0/981
AGFI	$0/900 \geq$	0/991
CFI	$0/900 \geq$	0/985
NFI	$0/900 \geq$	0/989
RMSEA	$0/080 \leq$	0/000
SRMR	$0/050 <$	0/000
TLI	$0/900 \geq$	0/992

براساس تمامی محاسبات و برآوردها در رویکرد SEM به ماتریس واریانس‌ها و کواریانس‌های متغیرهای مشاهده‌شده و ترکیب‌زدایی آن‌ها برمی‌گردد. بر این اساس و با استفاده از پارامترها می‌توان دوباره ماتریس واریانس و کواریانس مشاهده‌شده را بازتولید کرد. واریانس و کواریانس، مسیرهای مدل پژوهش را نشان می‌دهد. این بیانگر وجود رابطه معناداری بین برخی متغیرهای پژوهش است. بر همین اساس، نتایج نشان می‌دهد تنوع فعالیت اقتصادی، تنها بر بعد تاب‌آوری کالبدی اثرگذار است. در بعد تنوع فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی بیشترین اثرهای این بعد، بر بعد تاب‌آوری کالبدی بوده است.

جدول ۱۱. برآورد مقادیر رگرسیون و معناداری ابعاد و شاخص‌های تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیرهای معرفی شده		Estimate	S.E.	C.R.	P
تنوع فعالیت‌های اقتصادی	تاب‌آوری اجتماعی	۰/۱۰۸	۰/۱۰۴	۰/۱۳۷	۰/۱۰۹
	تاب‌آوری اقتصادی	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۱۵۶	۰/۲۴۷
	تاب‌آوری نهادی	۰/۰۴۶	۰/۱۴۵	۰/۲۰۱	۰/۲۰۷
	تاب‌آوری اکولوژیک	۰/۰۷۵	۰/۱۰۲	۰/۲۰۳	۰/۱۰۵

متغیرهای معرفی شده		Estimate	S.E.	C.R.	P
	تاب‌آوری فردی	۰/۰۶۷	۰/۱۱۱	۰/۲۰۷	۰/۲۴۷
	تاب‌آوری کالبدی	۰/۲۸۹	۰/۱۲۴	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰
تنوع فعالیت‌های کشاورزی	تاب‌آوری اجتماعی	۰/۱۰۷	۰/۱۰۴	۰/۱۳۷	۰/۲۷۱
	تاب‌آوری اقتصادی	۰/۰۲۷	۰/۱۰۱	۰/۱۵۶	۰/۲۴۷
	تاب‌آوری نهادی	۰/۰۴۶	۰/۱۴۵	۰/۲۰۱	۰/۱۷۸
	تاب‌آوری اکولوژیک	۰/۰۶۰	۰/۱۰۲	۰/۲۰۳	۰/۱۶۴
	تاب‌آوری فردی	۰/۰۹۲	۰/۱۱۱	۰/۲۰۷	۰/۱۴۷
	تاب‌آوری کالبدی	۰/۲۵۶	۰/۱۲۴	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰
تنوع فعالیت‌های غیر کشاورزی	تاب‌آوری اجتماعی	۰/۰۹۶	۰/۱۲۷	۰/۲۴۷	۰/۲۴۷
	تاب‌آوری اقتصادی	۰/۰۱۵	۰/۲۱۴	۰/۲۵۵	۰/۱۴۷
	تاب‌آوری نهادی	۰/۰۹۸	۰/۲۰۴	۰/۳۱۴	۰/۲۱۴
	تاب‌آوری اکولوژیک	۰/۰۴۷	۰/۱۰۹	۰/۳۴۷	۰/۱۴۴
	تاب‌آوری فردی	۰/۰۵۷	۰/۱۰۲	۰/۳۶۷	۰/۱۴۴
	تاب‌آوری کالبدی	۰/۳۰۷	۰/۱۰۶	۰/۵۰۸	۰/۰۰۰

۶. نتیجه‌گیری

وقوع تغییرات اقلیمی، به‌ویژه خشکسالی‌های دو دهه اخیر در ایران، نشان‌دهنده آن است که افراد، گروه‌ها و سکونتگاه‌های انسانی به شکل فزاینده‌ای آسیب‌پذیر شده‌اند؛ بنابراین، امروزه تلاقی موضوع تغییرات اقلیمی با مسائل توسعه، به‌ویژه توسعه روستایی، توجه محافل علمی را به‌سوی رهیافت تاب‌آوری با نگاهی جامع‌تر در مقایسه با رویکردهای پیشین همچون تنوع فعالیت‌های اقتصادی جلب کرده است. طی سالیان اخیر، تغییرات اقلیمی و خشکسالی، آسیب‌های زیادی به جامعه روستایی زده و بخش وسیعی از دارایی‌ها و سرمایه‌های معیشتی جوامع را در معرض مخاطره قرار داده است. اساساً به هنگام بروز مخاطرات محیطی بزرگ، احتمال آسیب‌پذیری بالا رفته و توان سازگاری با تغییرات ضعیف می‌شود و تلاش جامعه، افراد و خانوارها برای امرار معاش و حفظ دستاوردها و سرمایه‌های معیشتی، دستخوش نوسان و تغییر می‌شود. با افزایش تنوع فعالیت اقتصادی می‌توان تاب‌آوری را افزایش داد و به افزایش ظرفیت سازگاری جامعه در برابر تنش‌ها و شوک‌های محیطی کمک کرد. آنچه مسلم است، جوامع با منابع و خدمات متنوع‌تر، تاب‌آورتر هستند؛ از این‌رو، با شناخت ظرفیت‌ها و توان‌های

جوامع از بعد اجتماعی، اقتصادی، نهادی و محیطی می‌توان به افزایش تنوع فعالیت‌های اقتصادی از بعد فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت‌های غیر کشاورزی کمک کرد.

در این پژوهش وضعیت مؤلفه‌های تنوع فعالیت‌های اقتصادی در دو بعد فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی و همچنین مؤلفه تاب‌آوری در ابعاد اقتصادی، فردی، کالبدی، اجتماعی، نهادی و اکولوژیک در روستاهای شهرستان سامان ارزیابی شده است. نتایج به‌دست آمده از وضعیت تنوع فعالیت‌های اقتصادی نشان داد که میزان تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستاها بسیار پایین است. ازمنظر ابعاد تاب‌آوری، تاب‌آوری کالبدی بیشترین مقدار و ابعاد اقتصادی، فردی، اجتماعی، نهادی و اکولوژیکی تاب‌آوری از کمترین مقدار برخوردار بوده است. استنتاج حاصل از سنجش، میزان مطلوبیت تاب‌آوری در همه ابعاد را نشان می‌دهد که بین حد تاب‌آوری ایده‌آل و مقدار محاسبه‌شده، تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستاها می‌تواند باعث افزایش تاب‌آوری شود در روستاهای مورد پژوهش تنوع فعالیت اقتصادی مطلوب بودن پایینی دارد و این مسئله موجب کاهش تاب‌آوری در ابعاد مختلف شده است. نتایج برخی از پژوهش‌های گذشته که در بخش پیشینه پژوهش به آن اشاره شده است، شامل محمد و همکارانش (۲۰۲۱)؛ شیائو و دراکر (۲۰۱۹)؛ حاجیان (۱۳۹۶) و حیدری ساربان، مجنونی توتاخانه (۱۳۹۵) با پژوهش حاضر در یک راستا بوده است. همه پژوهش‌های یادشده تأکید دارند که بالا رفتن سطح تنوع اقتصادی، ظرفیت بیشتری را به‌منظور واکنش به اختلالات برای سیستم ایجاد می‌کند، در نتیجه تاب‌آوری سیستم در شرایط تنوع فعالیت‌های اقتصادی افزایش می‌یابد.

با توجه به مطالعات میدانی که انجام گرفته، در درجه اول نبود سرمایه‌گذاری دولتی در منطقه مورد پژوهش و همچنین نبود حمایت و تسهیل‌گری نهادها و سازمان‌های دولتی در رابطه با سرمایه‌گذاری خصوصی موجب شده است که تنوع فعالیت‌های اقتصادی در این منطقه بسیار پایین باشد. روستاهای منطقه سامان دارای ظرفیت بسیار گسترده‌ای در کشاورزی و به‌ویژه باغداری است ولی از نظر صنایع تبدیلی، در وضعیت مطلوبی نیست. روستاهای این شهرستان، جدا از اینکه قطب گردشگری استان چهارمحال و بختیاری به شمار می‌روند، قطب تولید میوه استان نیز هستند. این مناطق به دلیل داشتن منابع آب و خاک حاصل‌خیز و شرایط آب و هوایی

مناسب، به یکی از مناطق مهم تولید محصولات باغی کشور تبدیل شده‌اند. برای مثال می‌توان به محصولات همچون بادام، گردو و هلو اشاره کرد، ولی یکی از مشکل‌های مهم این منطقه، نبود صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات باغی است که این امر موجب شده بر ضایعات میوه در این منطقه افزوده شود. راه‌اندازی واحدهای صنایع تبدیلی، جدا از جلوگیری از ایجاد ضایعات در بخش تولیدات باغی، اشتغال قابل توجهی در سطح منطقه ایجاد می‌کند ولی همان‌طور که در بالا ذکر شد، به‌علت نبود سرمایه‌گذاری دولت و همچنین نبود حمایت از سرمایه‌گذار خصوصی ازسوی سازمان‌های دولتی، تاکنون صنایع تبدیلی با تکنولوژی‌های پیشرفته در منطقه ایجاد نشده است. از دیگر مواردی که می‌توان به‌عنوان دلایلی برای نبود تنوع اقتصادی در منطقه بیان کرد، نبودن بازارچه‌های محلی است. با توجه به ظرفیت بالای این منطقه در محصولات کشاورزی، نبود بازارچه‌های محلی باعث از بین رفتن فرصت مناسب در ایجاد تنوع اقتصادی شده است.

بر مبنای آمارها در سال ۲۰۲۰، سفر و گردشگری ۷/۲ تریلیون دلار (۹/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی) را تولید کرده است و ۲۸۴ میلیون شغل را که معادل ۱۰ درصد از مشاغل در اقتصاد جهانی است، با رشد ۳/۳ درصدی در سال ۲۰۲۰ ایجاد کرده است (ترنر، ۲۰۲۱).

بنابراین اهمیت و تأثیرگذاری صنعت گردشگری بر تنوع فعالیت‌های اقتصادی کاملاً روشن است. نتایج گفتگو با ساکنان روستاهای منطقه سامان نشان داده است که با وجود پتانسیل‌های گردشگری در منطقه سامان و نقش تأثیرگذار آن در تنوع فعالیت‌های اقتصادی، متأسفانه گردشگری، نقش مثبت کم‌رنگی در کمک به معیشت خانوار و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در این منطقه داشته است. با وجود تعداد نسبتاً زیاد گردشگران از استان‌های همجوار، همچون استان اصفهان و خوزستان، به‌علت کمبود تأسیسات، نهادها و خدمات کافی گردشگری و نبود برنامه‌ریزی و بهره‌برداری مناسب از پتانسیل‌های گردشگری روستاها، تاکنون منافع حاصل از فعالیت‌های گردشگری به‌منظور منفعت‌رسانی بیشتر به افراد و خانوارهای روستایی، به‌ویژه خانوارهایی با سرمایه اولیه کمتر، رضایت‌بخش نبوده است. به گفته اهالی روستا، بسیاری از جوانان روستا با هدف توسعه گردشگری منطقه و به‌دلیل عرق وطن به دنبال توسعه فعالیت‌های گردشگری در منطقه بوده‌اند، اما به‌دلیل نبود برنامه‌ریزی هدفمند برای این نوع فعالیت‌ها و نبود حمایت‌های دولتی و بروکراسی اداری، بسیاری از آن‌ها نظرهای خلاقانه خود را رها کرده و به

شهرها مهاجرت کرده‌اند.

با توجه به نگرش مثبت بیشتر اهالی روستا در زمینه توسعه گردشگری، در روستاهای منطقه سامان، برای بهبود وضعیت معیشتی مردم با اجرای سیاست‌های مناسب و متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی روستا و با بهره‌گیری مناسب از قابلیت‌های موجود، می‌توان از توسعه گردشگری به عنوان فعالیت‌های مکمل و تنوع‌بخش فعالیت‌های اقتصادی بهره گرفت.

کتابنامه

۱. بسطامی‌نیا، ا.، رضایی، م.، و سرایی، م. (۱۳۹۵). تبیین و تحلیل مفهوم تاب آوری و شاخص‌ها و چارچوب آن در سوانح طبیعی. فصلنامه دانش‌پیشگیری و مدیریت بحران، ۶(۱)، ۳۲-۴۶.
۲. تقیلو، ع.، کیانی، م.، و کهکی، ف. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل اثرات اقتصادی و زیست محیطی گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سامان. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۸(۳)، ۱۰۳-۱۱۴.
۳. حاجیان، ن. (۱۳۹۷). نقش تنوع فعالیت‌های اقتصادی (زراعی و غیرزراعی) در آسیب پذیری و تاب‌آوری خانوارهای کشاورز روستایی در مواجهه با خشکسالی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان چناران) (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۴. حیدری ساران، و.، مجنونی توتاخانه، ع. (۱۳۹۵). نقش تنوع معیشتی در تاب‌آوری خانوارهای روستایی پیرامون دریاچه ارومیه در برابر خشکسالی. نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، ۳(۴)، ۴۹-۷۰.
۵. سایت مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). www.amar.org.ir
۶. نوری، ه.، و سپهوند، ف. (۱۳۹۵). تحلیل تاب آوری سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی با تأکید بر زلزله (مورد مطالعه: دهستان شیروان شهرستان بروجرد). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۱۷(۲)، ۲۷۲-۲۸۵.
۷. نصرالهی، ا.، مؤمنی، م.، صابری، ح.، و احمدی، ف. (۱۴۰۰). ارزیابی تاب‌آوری و مؤلفه‌های آن در برابر مخاطرات طبیعی (مطالعه موردی: شهر ایلام). فصلنامه شهر پایدار، ۴(۱)، ۱۰۵-۱۲۳.

۸. رکن الدین افتخاری، ع.، موسوی، م.، پورطاهری، م.، و فرج‌زاده اصل، م. (۱۳۹۳). تحلیل نقش تنوع معیشتی در تاب‌آوری خانوارهای روستایی در شرایط خشکسالی (مطالعه موردی: مناطق در معرض خشکسالی استان اصفهان). *پژوهش‌های روستایی*، ۵(۳)، ۶۳۹-۶۶۲.
۹. اسماعیلی، م. (۱۳۹۳). *بررسی اثرات تنوع فعالیت‌های اقتصادی بر کیفیت زندگی خانوارهای روستایی (مورد مطالعه: دهستان گل‌مکان شهرستان چناران)* (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۱۰. قاسمی، م.، و جوان، ج. (۱۳۹۳). تبیین رابطه تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی و توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشهد). *پژوهش‌های روستایی*، ۲(۲)، ۲۳۷-۲۶۲.
۱۱. سید اخلاقی، ج.، و طالشی، م. (۱۳۹۷). ارتقای تاب‌آوری جوامع محلی راهبرد آینده برای مقابله با خشکسالی (مورد مطالعه: حوضه آبخیز حبله رود). *نشریه طبیعت ایران*، ۳(۳)، ۶۰-۶۸.
۱۲. میرزاعلی، م.، نظری، ع.، و اونق، م. (۱۳۹۷). سنجش ابعاد کالبدی تاب‌آوری جوامع روستایی در مواجهه با سیل (مطالعه موردی: حوضه آبخیز گرگانرود). *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۳(۷)، ۱۱۱-۱۳۳.
۱۳. وزیریان، ر.، کریمیان، ع.، قربانی، م.، افشانی، ع.، و دستورانی، م. (۱۳۹۹). سنجش و ارزیابی ابعاد مؤثر بر ارتقاء تاب‌آوری جوامع روستایی در مواجهه با خشکسالی (مورد مطالعه: شهرستان سبزوار). *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۱۱(۴)، ۶۳۰-۶۴۵.
۱۴. طالشی، م.، علی اکبری، ا.، جعفری، م.، و اخلاقی، ج. (۱۳۹۶). تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های مناسب ارزیابی تاب‌آوری روستایی در برابر مخاطره خشکسالی (مطالعه موردی: حوضه آبخیز حبله رود). *فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۲۴(۴)، ۸۸۱-۸۹۶.
۱۵. پیران، پ.، اسدی، س.، و دادگر، ن. (۱۳۹۶). بررسی نقش تاب‌آوری اجتماعی در موفقیت فرایند بازسازی (مطالعه موردی: جوامع روستایی درب آستانه و باباپشمان پس از زلزله سال ۱۳۸۵ دشت سیلاخور، استان لرستان). *مسکن و محیط روستا*، ۵۷(۵۷)، ۸۷-۱۰۰.

16. Abiodun, T. C., Olutumise, A. I., & Ojo, S. O. (2019). *Evaluation of Choices of Livelihood Strategy and Livelihood Diversity of Rural Households in Ondo State, Nigeria*. 9.

17. Aloba Loison, S. (2015). Rural Livelihood Diversification in Sub-Saharan Africa: A Literature Review. *The Journal of Development Studies*, 51(9), 1125-1138.

18. Appiah, F. K. (2021). *Enhancing Resilience to Drought and Ecosystem Change in Drylands: Assessing Principles of Building Social-Ecological Resilience in Northern Ghana*. Open University (United Kingdom).
19. Ellis, F. (1998). Household strategies and rural livelihood diversification. *The Journal of Development Studies*, 35(1), 1–38.
20. Guo, Y., Zhang, J., Zhang, Y., & Zheng, C. (2018). Examining the relationship between social capital and community residents' perceived resilience in tourism destinations. *Journal of Sustainable Tourism*, 26(6), 973–986.
21. Haggblade, S., Hazell, P., & Reardon, T. (2010). The rural non-farm economy: Prospects for growth and poverty reduction. *World Development*, 38(10), 1429–1441.
22. Hirons, M., Boyd, E., McDermott, C., Asare, R., Morel, A., Mason, J., Malhi, Y., & Norris, K. (2018). Understanding climate resilience in Ghanaian cocoa communities – Advancing a biocultural perspective. *Journal of Rural Studies*, 63, 120–129.
23. Losch, B., Fréguin-Gresh, S., & White, E. T. (2012). *Structural transformation and rural change revisited: Challenges for late developing countries in a globalizing world*. World Bank Publications.
24. Mijatović, D., Meldrum, G., & Robitaille, R. (2019). Diversification for Climate Change Resilience: Participatory assessment of opportunities for diversifying agroecosystems.
25. Mohammed, K., Batung, E., Kansanga, M., Nyantakyi-Frimpong, H., & Luginaah, I. (2021). Livelihood diversification strategies and resilience to climate change in semi-arid northern Ghana. *Climatic Change*, 164(3–4), 53.
26. Musumba, M., Palm, C. A., Komarek, A. M., Mutuo, P. K., & Kaya, B. (2022). Household livelihood diversification in rural Africa. *Agricultural Economics*, 53(2), 246–256.
27. Roesch-McNally, G. E., Arbuckle, J., & Tyndall, J. C. (2018). Barriers to implementing climate resilient agricultural strategies: The case of crop diversification in the US Corn Belt. *Global Environmental Change*, 48, 206–215.
28. Scherzer, S., Lujala, P., & Rød, J. K. (2019). A community resilience index for Norway: An adaptation of the Baseline Resilience Indicators for Communities (BRIC). *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 36. <https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2019.101107>
29. Timmer, C. P. (2009). *A world without agriculture: The structural transformation in historical perspective*. Aei Press Washington, DC.
30. World Bank. (2013). *Growing Africa: Unlocking the potential of agribusiness*. World Bank.
31. Xiao, Y., & Drucker, J. (2019). Does Economic Diversity Enhance Regional Disaster Resilience? *Journal of the American Planning Association*, 79(2), 148–160.

32. Yang, B., Feldman, M. W., & Li, S. (2020). The status of perceived community resilience in transitional rural society: An empirical study from central China. *Journal of Rural Studies*, 80, 427–438.
33. Andreoni, V., & Duriavig, M. (2013). Economic resilience and land use: The cocoa crisis in the rio Cachoeira catchment, Brazil. *Environmental Policy and Governance*, 23(2), 118–129.
34. Bart Steman. (2017). Exploring the relation between economic diversity and economic resilience in the Netherlands and Europe. Wageningen University and Research.
35. Davies, A., & Tonts, M. (2010). Economic diversity and regional socioeconomic performance: An empirical analysis of the Western Australian grain belt. *Geographical Research*, 48(3), 223–234.
36. Folke, C., Carpenter, S. R., Walker, B., Scheffer, M., Chapin, T., & Rockström, J. (2010). Resilience thinking: Integrating resilience, adaptability and transformability. *Ecology and Society*, 15(4).
37. Malizia, E. E., & Ke, S. (1993). The influence of economic diversity on unemployment and stability. *Journal of Regional Science*, 33(2), 221–235.
38. Martin, R., & Sunley, P. (2015). On the notion of regional economic resilience: Conceptualization and explanation. *Journal of Economic Geography*, 15(1), 1–42.
39. Ó Huallacháin, B., & Lee, D.-S. (2011). Technological specialization and variety in urban invention. *Regional Studies*, 45(1), 67–88.
40. Van Oort, F., de Geus, S., & Dogaru, T. (2015). Related variety and regional economic growth in a cross-section of European urban regions. *European Planning Studies*, 23(6), 1110–1127.
41. Adger, W. N. (2000). Social and Ecological Resilience: Are They Related? *Progress in Human Geography*, 24(3), 347–364.
42. Alobo Loison, S. (2015). Rural Livelihood Diversification in Sub-Saharan Africa: A Literature Review. *Journal of Development Studies*, 51(9), 1125–1138.
43. Baival, B. (2012). Community-Based Rangeland Management and Social-Ecological Resilience of Rural Mongolian Communities.” Doctor of Philosophy, Department of Forest and Rangeland Stewardship, Colorado State University.
44. Cellini, R., & Cuccia, T. (2015). The Economic Resilience of Tourism Industry in Italy: What the ‘great Recession’ Data Show. *Tourism Management Perspectives*, 16, 346–356.
45. Cutter, S., et al. (2008). A Place-Based Model for Understanding Community Resilience to Natural Disasters. *Global Environmental Change*, 18(4), 598–606.
46. Estévez-Mauriz, Laura, Jimeno A Fonseca, Claudiu Forgaci, and Nis Björling. (2017). The Livability of Spaces: Performance and/or Resilience? Reflections on the Effects of Spatial Heterogeneity in Transport and Energy Systems and the Implications on Urban Environmental Quality. *International Journal of Sustainable Built Environment*, 6(1), 1–8.

47. Gößling-Reisemann, Stefan, Hans Dieter Hellige, and Pablo Thier. (2018). The Resilience Concept: From Its Historical Roots To Theoretical Framework for Critical Infrastructure Design. *Universität Bremen* (Nr. 217), 81. <http://www.uni-bremen.de/artec>.
48. Griffiths, M. P. (2016). *Resilience and Community Social Organizations in Rural Myanmar*. Research Summary.
49. Herman, A. (2015). Enchanting Resilience: Relations of Care and People–Place Connections in Agriculture. *Journal of Rural Studies*, 42, 102–111.
50. Jordan, J. C. (2019). Deconstructing Resilience: Why Gender and Power Matter in Responding to Climate Stress in Bangladesh. *Climate and Development*, 11(2), 167–179.
51. Lew, A. A. (2014). Scale, Change and Resilience in Community Tourism Planning. *Tourism Geographies*, 16(1), 14–22.
52. Li, Y., Chuanyao, S., & Huiqian, H. (2021). Rural Resilience in China and Key Restriction Factor Detection. *Sustainability*, 13(3), 1080.
53. Liu, W., et al. (2020). Exploring Livelihood Resilience and Its Impact on Livelihood Strategy in Rural China. *Social Indicators Research*, 150(3), 977–998.
54. Mazur, C., et al. (2019). A Holistic Resilience Framework Development for Rural Power Systems in Emerging Economies. *Applied Energy*, 235, 219–232.
55. Mazzola, Fabio, Pietro Pizzuto, and Giovanni Ruggieri. (2019). The Role of Tourism in Island Economic Growth and Resilience: A Panel Analysis for the European Mediterranean Countries (2000–2015). *Journal of Economic Studies*, 46(7), 1418–1436.
56. Mohammed, K., et al. (2021). Livelihood Diversification Strategies and Resilience to Climate Change in Semi-Arid Northern Ghana. *Climatic Change*, 164(3–4).
57. Mojibul, Mohammad, Hoque Mozumder, Abdul Wahab, and Simo Sarkki. (2018). Enhancing Social Resilience of the Coastal Fishing Communities : A Case Study of Hilsa Fishery in Bangladesh. *Sustainability*, 1–21.
58. Payne, P. R., et al. (2019). Identifying Resilience Dimensions and Thresholds: Evidence from Four Rural Communities in New Zealand. *Resilience*, 7(2), 149–171.
59. Quaranta, G., & Salvia, R. (2014). An Index to Measure Rural Diversity in the Light of Rural Resilience and Rural Development Debate. *European Countryside*, 6(2), 161–178.
60. Sen, M. K., Subhrajit, D., & Golam, K. (2021). Development of Flood Resilience Framework for Housing Infrastructure System: Integration of Best-Worst Method with Evidence Theory. *Journal of Cleaner Production*, 290.
61. Sherrieb, K., Norris, F. H., & Galea, S. (2010). Measuring Capacities for Community Resilience. *Social Indicators Research*, 99(2), 227–247.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.50494.0>

Justifying the Status of Good Urban Governance Using the Mixed Method in the New City of Golbahar¹

Hamed Roshaneri

PhD student, Department of Geography, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Mohammad Ali Ahmadian²

Associate Professor, Department of Geography, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Omid Ali Kharazmi

Assistant Professor, Department of Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 20 September 2022 Revised: 4 January 2023 Accepted: 24 January 2023

Abstract

Today, the underlying driver of urban issues is the problems that the administrative bodies of the cities and metropolises, such as municipalities, struggle with, and the failure in informing the public and clarifying performance, legality, consensus and collective wisdom of authorities, participation, etc., have undermined their performance. This research aims to elaborate on the status of good urban governance using the mixed method in the new city of Golbahar. To investigate the status of good governance dimensions in the new city of Golbahar, 385 questionnaires were distributed among citizens, 48 questionnaires were submitted to municipal and city council experts, and semi-structured interviews were conducted with 10 officials of the new cities. Then, adopting a mixed approach, which merges quantitative (descriptive-analytical) and qualitative methods, the status of good urban governance indicators in Golbahar was evaluated. The results derived from the analysis of good urban governance indicators suggest that their average scores, with the exception of legality, transparency and strategic vision, were below average as reported by citizens (within the relative range of 2.5 to 3.5). Moreover, the results of qualitative analysis revealed that the main flaws and inadequacies plaguing governance in the management system of the new city of Golbahar are lack of motivation and sense of belonging to the place in the citizens, non-transparency of the laws and the citizens' mistrust in the authorities.

Keywords: Good Urban Governance, New Cities, Mixed Method, Golbahar

1. The article is extracted from the doctoral thesis of the first author of the article at Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Corresponding Author: Email: hmadian@ferdowsi.um.ac.ir



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.50494.0>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

تبیین جایگاه حکمروایی خوب شهری با استفاده از روش آمیخته ترکیبی در شهر جدید گلبهار^۱

حامد روشنایی (دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

hamed-roshanaei@mshdiau.ac.ir

محمدعلی احمدیان (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

hmadian@ferdowsi.um.ac.ir

امیدعلی خوارزمی (استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

kharazmi@um.ac.ir

صص ۵۷ - ۸۸

چکیده

امروزه آنچه که به مسائل و مشکلات شهری دامن می‌زند، معضلاتی است که نهادهای مدیریتی شهرها و کلان‌شهرهای کشور مثل شهرداری‌ها با آن‌ها درگیر هستند و نارسایی در اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی عملکردی، قانونمندی و اجماع و خرد جمعی مسئولان، مشارکت و... موجب کاهش عملکرد آن‌ها شده است. هدف از پژوهش حاضر تبیین جایگاه حکمروایی خوب شهری با استفاده از روش آمیخته در شهر جدید گلبهار است. به منظور بررسی وضعیت موجود ابعاد حکمروایی خوب در شهر جدید گلبهار، تعداد ۳۸۵ پرسش‌نامه برای شهروندان و تعداد ۴۸ پرسش‌نامه برای کارشناسان شهرداری و شورای شهر توزیع شد و همچنین با ۱۰ نفر از کارشناسان حوزه شهرهای جدید مصاحبه نیمه‌ساختار انجام شد و سپس با رویکرد آمیخته که حاصل تلفیق روش‌های کمی (روش توصیفی - تحلیلی) و کیفی است، وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در گلبهار ارزیابی شد. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد است.

نشان دهنده این است که همه نمرات میانگین آن‌ها به جز شاخص‌های قانونمندی، شفافیت و بینش راهبردی که از دیدگاه شهروندان در حد پایین‌تر از متوسط گزارش شده‌اند، در محدوده نسبی متوسط - ۵/۲ تا ۵/۳ - هستند. همچنین نتایج تحلیل‌های کیفی نشان داد که بیشتر نقص و نارسایی‌هایی که ابعاد حکمروایی در نظام مدیریتی شهر جدید گلبهار با آن دست‌به‌گریبان هستند؛ نبود انگیزه و حس تعلق مکانی نداشتن شهروندان، شفاف نبودن قوانین و اعتماد نداشتن شهروندان به مسئولان است.

واژگان کلیدی: حکمروایی خوب شهری، شهرهای جدید، روش آمیخته، گلبهار

۱. مقدمه

امروزه شهرها با مشکلات روزافزونی از جمله افزایش جمعیت، حاشیه‌نشینی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، فقر و ... مواجه هستند و در این میان کلان‌شهرها وضعیت نگران‌کننده‌تری دارند. مدیران شهری، به‌ویژه در کلان‌شهرها نیز با انواع مشکلات مدیریتی مواجه هستند و این امر نارضایتی مسئولان رده بالا و شهروندان را به همراه داشته است. کنشگران شهری شامل دسته‌های حکومتی، خصوصی و عمومی، هریک در صورت امکان خواهان افزایش میزان قدرت و نفوذ در جامعه هستند. برحسب میزان قدرت و نفوذ این عناصر می‌توان دو رویکرد حکومت شهری و حکمروایی شهری را تشخیص داد (کاظمیان، ۱۳۷۳، ص. ۳). یکی از عواملی که می‌تواند نقش اساسی در شکل‌گیری یک سیستم مدیریتی قوی در شهرها به‌ویژه در شهرهای جدید ایفای نقش کند، حکمروایی خوب شهری است. حکمروایی خوب، به‌طور کلی به اداره و تنظیم امور محلی و ملی و رابطه شهروندان و حاکمان توجه فراوان دارد و دارای مؤلفه‌هایی از جمله مشارکت، شفافیت، کارایی، اثربخشی، بینش راهبردی و... است که مجموعه آن‌ها در فرایند اداره شهرها مفید و اثرگذار خواهند بود. در این راستا، هدف از این بررسی، تحلیل وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با رویکرد مدیریت شهری در شهر جدید گلبهار است. در دهه‌های اخیر رویکرد حکمروایی خوب شهری، به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه در مدیریت شهرها مطرح شده است. از آنجاکه در نظام فعلی، شهرداری‌ها مهم‌ترین نقش را در برنامه‌ریزی و اداره امور شهری دارند، تحقق این رویکرد در این سازمان

می‌تواند به عنوان راهکاری برای گریز از مشکلات فعلی که گریبان‌گیر شهرهاست، به شمار آید (کاظمی دارافشانی و شفیع، ۱۳۹۴، ص. ۱). رشد شتابان شهرنشینی و بزرگ‌تر شدن مداوم اندازه کلان‌شهرهای ایران، همراه با استمرار مدیریت ناقص و ناتوان حکمروایی شهری، تقاضای روزافزون شهروندان از دستگاه‌های خدمات‌رسان و ...، معضلات مدیریتی کلان‌شهرها را بیشتر کرده است. چنانچه بعضی معتقد هستند: «طی سه دهه گذشته که نقطه عطف تحولات جمعیتی در ایران است، به تدریج اندازه کلان‌شهرها و قطب‌های عمده جمعیتی بزرگ‌تر شده و کشور دچار تعمیق روزافزون شکاف در نظام شهری و گسیختگی شبکه شهری شده و نقش شهرهای میانی و کوچک در ایجاد تعادل از بین رفته است» (رحمانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۲). مشکل قطب‌های بزرگ جمعیتی در کلان‌شهرها صرفاً به اندازه و ابعاد شهر و ... ختم نمی‌شود، بلکه کاهش شاخص‌های کیفی زندگی به دلیل افزایش غیر متعارف جمعیت شهرها، بر مشکلات قبلی می‌افزاید. اگرچه شکوئی بر این باور است که افزایش شتاب‌آلود جمعیت شهری تخریب شدید کیفیت زندگی را در پی خواهد داشت (شکوئی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۶)، و یا اینکه تغییرات جمعیتی در زمره اصلی‌ترین عوامل شهرنشینی و تغییر شهری است (خمر، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۷)، دستاوردهای آن برای کلان‌شهرها مشکلات بیشتری به همراه دارد. باید اذعان داشت که کلان‌شهر مشهد نیز از این پدیده مستثنی نیست. مشکلاتی مانند شهرگرایی ناسالم از قبیل آلونک‌نشینی، کمبود مسکن، تراکم شدید ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و جدایی‌گزینی شدید اجتماعی بین قشرهای مختلف جامعه شهری در سیستم شهری این کلان‌شهر مانند سایر کلان‌شهرهای جهان سوم خلل ایجاد کرده است (شکوئی، ۱۳۹۱، ص. ۴۴۰). شهرهای جدید در مجاورت کلان‌شهرهای بزرگ آن‌چنان که باید در پذیرش سرریز جمعیتی موفق نبوده‌اند. باتوجه به مکان‌یابی شهر جدید گلبهار بر پایه مطالعات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی، همچنین به نظر می‌رسد وضعیت دسترسی و فاصله معقول با مادرشهر مشهد، به نظر می‌رسد که با گذشت نزدیک به دو دهه از شروع احداث آن در دست‌یابی به اهداف، در بازه زمانی پیش‌بینی‌شده، موفق نبوده است و براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر گلبهار در این سال، بالغ بر ۳۶,۸۷۷ تن بوده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، ۱۳۹۵). از پرسش‌های مهم درباره شهر جدید گلبهار این است که چرا

حداقل جمعیت مهاجر شهرستان‌ها و نواحی روستایی روانه شده به سوی کلان‌شهر مشهد، به این شهر که در جوار کلان‌شهر مشهد است، جذب نشده‌اند؟ همچنین چرا بخشی از سرریز جمعیتی مشهد روانه این شهر نشده‌اند و روزه‌روز بر جمعیت حاشیه‌نشین مشهد افزوده شده است؟ یا چرا این شهر جدید از بدو احداث و جمعیت‌پذیری، دچار مسائل و مشکلاتی مانند نبود زیرساخت‌های خدماتی مناسب تفریحی، درمانی، بهداشتی، نبود زیرساخت‌های مناسب تجاری و اقتصادی، نبود امکانات مناسب حمل و نقل درون‌شهری و برون‌شهری، نبود تعامل سازنده و مناسب میان شهروندان و مسئولان مدیریتی شهر (شهرداری و شورای شهر) و... است؟ و پرسش دیگر اینکه چرا عناصر الهام‌بخش هویتی و احساس تعلق خاطر شهروندان در این شهر جدید، ضعف اساسی دارد و فضای طراحی شده برای شهروندان شادابی و نشاطی برای آنان نداشته و شهر شکل خوابگاهی صرف به خود گرفته است و زایا و مولد شغل، آموزش و... نیست؟ یکی از مفاهیمی که می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل و مشکلات این شهر جدید مرتبط باشد؛ حکمروایی خوب شهری است. با این توضیح که این الگو با داشتن مؤلفه‌هایی مانند مشارکت، قانون‌مندی، پاسخ‌گویی و... می‌تواند در کاهش و حل مشکلات پیش روی شهرهای جدید مؤثر باشد. درواقع، اگر شهروندان یک شهر به یکدیگر اعتماد داشته باشند، می‌توانند روحیه مشارکت‌پذیری خود را بالا ببرند و این امر باعث می‌شود تعامل سازنده‌ای میان شهروندان و مسئولان به وجود آید و مردم به شهر زندگی خود، احساس مسئولیت و احساس تعلق خاطر داشته باشند. در این راستا، یکی از مفاهیم مهمی که می‌تواند با این مسائل و مشکلات ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشد، حکمروایی شهری است که اخیراً توجه اکثر صاحب‌نظران حوزه‌های مطالعات جغرافیایی شهری، برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای را جلب کرده است. با این توضیح که در حکومت‌های محلی، حکمروایی شهری مبتنی بر رضایتمندی شهروندان، کمترین پاسخ به حداقل مطالبات حقوق شهروندی بوده و حکمرانان بایستی به آن توجه و متناسب با آن اقدام کنند. بانک جهانی، حکمروایی شهری مطلوب را مجموعه‌ای از روش‌های فردی، نهادی، عمومی و خصوصی می‌داند که امور مشترک مردم را اداره می‌کند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱). با توجه به موارد گفته‌شده، مسئله اصلی تحقیق این است که وضعیت موجود ابعاد حکمروایی خوب شهری در سیستم مدیریتی شهر گلبهار چگونه

است؟ و چه راهکارهایی جهت بهبود آن پیشنهاد می‌شود؟ فرضیه مطرح شده آن است که به نظر می‌رسد وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری از دیدگاه شهروندان و کارشناسان در شهر جدید گلبهار در سطح نامطلوب ارزیابی می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

برایان مک لالین^۱ اولین نظریه‌پرداز است که در سال ۱۹۷۳ مفهوم حکمروایی خوب را مطرح کرد (کاظمی، ۱۳۸۶، ص. ۵). از نظر او «حکومت شهری» باید به روندهای تغییر در شهر پاسخگوتر^۲ باشد، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آن‌ها متناسب‌تر^۳ باشد، به اجتماع مسئول و پاسخگوتر و به‌عنوان بخش مهمی از نظام یادگیری اجتماعی بهتر عمل کند و سرانجام نقش مهمی در پیش‌بینی، کشف و استقبال از آینده ایفا کند. این فرایندها به وجود شبکه ارتباطات در داخل سازمان‌های رسمی حکومت و نظام‌های برنامه‌ریزی آن و همچنین شبکه ارتباطات میان آن سازمان‌ها و اجتماع و نظام‌های شهری آن بسیار متکی است (برک‌پور و اسدی ۱۳۸۸، ص. ۱). مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (هابیتات^۴) مهم‌ترین سازمانی است که به تشریح اصول حکمروایی مطلوب شهری پرداخته است. از نظر این سازمان حکمروایی در جهان شهری‌شده امروز، بسیار پیچیده و دشوار است و عوامل درهم‌تنیده و متعامل کثیری در آن دخیل هستند. مدیران شهری با افراد ذی‌نفع متعدد، منابع و اقدامات به‌هم‌وابسته، اهداف مشترک و مرزهای نامشخص میان بخش خصوصی و عمومی، رسمی و غیررسمی و بخش‌های جامعه مدنی و دولتی سروکار داشته و با چالش هماهنگی بیشتر، مذاکره و ایجاد اجماع بین همه ذی‌نفعان و کنشگران مواجه هستند (هابیتات^۵، ۲۰۰۱، ص. ۱). این نهاد برای تحقق حکمروایی شهری خوب، «رویکرد توانمندسازی»^۶ را برگزیده است. این رویکرد از راهبردهای متعددی تشکیل شده که عبارتند از: تمرکززدایی^۷ از مسئولیت‌ها، منابع و حق تصمیم‌گیری^۸ و سهم کردن

1. Brian Mc Laughlin

2. More Responsive

3. More Relevant

4. Habitat

5. Habitat

6. Enabling Approach

7. Decentralization

8. Subsidiarity

آن با مقامات محلی؛ محاسبه‌پذیری^۱؛ تشویق مشارکت جامعه مدنی به‌ویژه زنان در طراحی، اجرا و نظارت بر تصمیم‌ها و اقدام‌ها و تعیین اولویت‌های محلی؛ استفاده از شمار وسیعی از شرکت‌های بخش خصوصی برای رسیدن به اهداف عمومی؛ ظرفیت‌سازی^۲ تمامی ذی‌نفعان و عاملان شهری برای مشارکت کامل در تصمیم‌گیری و جریان‌های توسعه شهری؛ توسعه امکانات و فناوری‌های ارتباطی و اینترنتی برای حمایت از حکمروایی خوب و توسعه شهری پایدار. در مجموع حکمروایی خوب شهری را می‌توان شیوه و فرایند اداره امور شهری با مشارکت و تعامل سازنده سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی به‌منظور نیل به شهر سالم، باکیفیت و قابلیت زندگی بالا و توسعه پایدار شهری تعریف کرد. جان پیر در سال ۲۰۰۵ در پژوهشی با عنوان «حکمرانی شهری مقایسه‌ای؛ آشکارسازی مسائل پیچیده» بحث می‌کند که رژیم‌ها و قدرت‌های شهری باید به‌عنوان یک مدل خاص تاریخی- فرهنگی حکمرانی شهری تعریف شوند. حکومت تطبیقی شهری، دارای پتانسیل فوق‌العاده‌ای در کمک به دانشمندان در کشف مکانیسم‌های علی و گردانندگان اصلی تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح شهر است (پیر^۳، ۲۰۰۵، ص. ۴۴۷). همچنین کندی استوارد^۴ در پژوهشی با عنوان «طراحی شاخص‌های حکمروایی شهری خوب: اهمیت مشارکت شهروندان و ارزیابی آن در ونکوور»، به ذکر چالش‌های شاخص‌سازی پرداخته و آن‌ها را این‌گونه بر شمرده است: تعریف مفهوم، انتخاب سنج، انتخاب نمونه و ارزیابی شاخص‌ها. همچنین ضمن اشاره به شاخص‌های حکمروایی خوب براساس معیارهای سازمان ملل، مشارکت در انتخابات را در ونکوور از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۵ بررسی کرده و این شاخص را شاخص خوبی برای حکمروایی معرفی کرده است (استورات^۵، ۲۰۰۶، ص. ۱۹۷). نتایج پژوهشی که در زاهدان در سال ۱۳۹۰ با عنوان «بررسی نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در پویایی اقتصاد شهری با تأکید بر حکمروایی خوب شهری» به انجام رسیده، بیانگر این مطلب است که پدیده سرمایه اجتماعی که خود را در انجمن‌های خودجوش مردمی و در نهایت جامعه مدنی نشان می‌دهد می‌تواند در پویایی اقتصاد شهری نقش مؤثری داشته باشد

1. Accountability
2. Building Capacity
3. Pierre
4. Kennedy Steward
5. Stewart

و در این زمینه توانسته است در تحقق حکمروایی خوب شهری گامی به جلو بردارد (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱). در جایی که به نهادهای مدنی و شبکه‌های اجتماعی مردمی توجه شده، آثار مثبت آن در حوزه فعالیت‌های مربوطه (پویایی اقتصاد شهر) جلوه‌گر شده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع موردکاوی^۱ یا مطالعه موردی است. از آنجاکه روش‌های تحقیق کمی و کیفی به‌تنهایی نمی‌توانند پیچیدگی‌های مسائل و عناصر تشکیل‌دهنده نظام‌های تولید کالا و خدمات را بدون نقص مطالعه کنند، ترکیب این روش‌ها استفاده شده و از آن با عنوان «روش تحقیق آمیخته» یاد شده است. در دهه گذشته استفاده از روش‌های تحقیق آمیخته گسترش یافته است (بازرگان هرندی، ۱۳۸۷، ص. ۳۶-۱۹). در این میان روش‌های تحقیق آمیخته به‌عنوان رویکردی از روش‌های کمی و کیفی، موقعیتی را برای پژوهشگران به وجود آورده که براساس آن می‌توانند متدولوژی‌ها، طرح‌ها، مدل‌ها و روش‌های به‌کارگرفته‌شده در یک مطالعه پژوهشی واحد را در کنار هم قرار دهند. انجام مصاحبه‌های تخصصی با صاحب‌نظران با استفاده از مصاحبه ساخت‌یافته و نیم‌ساخت‌یافته، استفاده از تکنیک دلفی برای اطمینان از شاخص‌های استخراج‌شده و شناسایی شاخص‌های نهایی پژوهش از ویژگی‌های آن است. در پژوهش حاضر از روش آمیخته استفاده شده است. با ترکیب یافته‌های کمی و کیفی می‌توان به یک دید کلی درمورد یافته‌ها دست یافت که با هیچ‌یک از روش‌های کمی یا کیفی به‌تنهایی امکان‌پذیر نیست. گذشته از این پژوهش‌های ترکیبی در شفاف‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان جوانب خاص یک پدیده بسیار کمک‌کننده است. در بخش کمی، رقم نمونه براساس فرمول کوکران^۲ ۳۸۵ نفر از شهروندان برآورد شده است و همچنین از ۴۸ نفر از مدیران و کارشناسان شهری، برای بررسی وضعیت موجود مفاهیم حکمروایی خوب شهری و نظام مدیریت شهری در بستر شهر و نهادهای مدیریتی نظرسنجی شده است؛ در بخش استنباطی از تکنیک آماری آزمون آلفای کرون باخ، T-test تک متغیره و ضریب همبستگی تاوی بی-کندال با استفاده از نرم افزار آماری SPSS22 و Excel بهره گرفته شده است. در بخش کیفی به ارزیابی مفاهیم حکمروایی

1. Case Study

2. Cochran

خوب شهری به‌ویژه در شهر جدید گلبهار پرداخته شده است و تعداد ۱۰ نفر از کارشناسان و خبرگان مدیریت شهری و دانشگاهی به‌عنوان نمونه مصاحبه انتخاب شده‌اند که در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

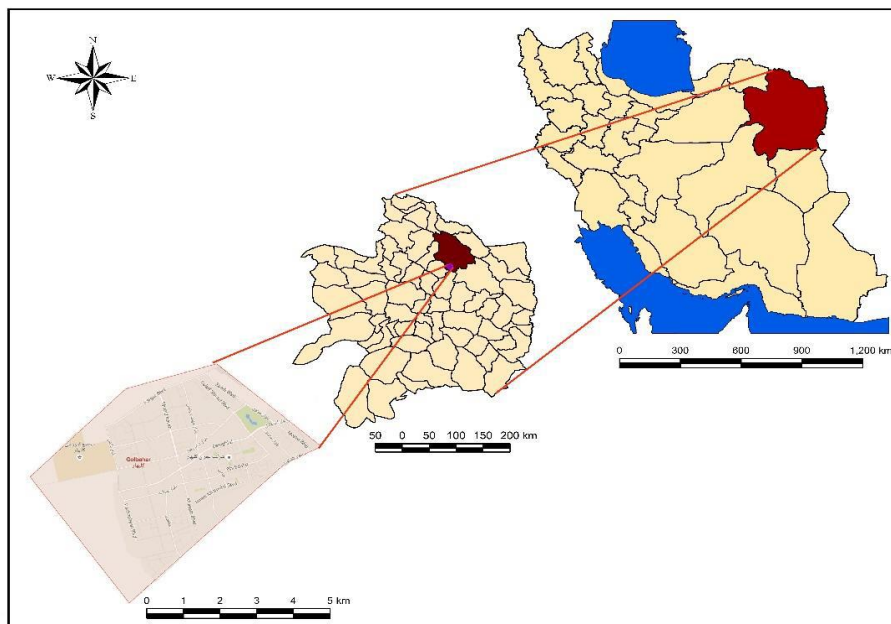
ردیف	گروه سازمانی	سازمان مربوط
۱	معاونت درآمد	شهرداری گلبهار
۲	معماری و شهرسازی	شهرداری گلبهار
۳	روابط عمومی	شهرداری گلبهار
۴	معماری و شهرسازی	شهرداری گلبهار
۵	عمران و سازه	شهرداری گلبهار
۶	گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری	عضویت هیئت علمی و صاحب نظر در حوزه شهرهای جدید
۷	گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری	عضویت هیئت علمی و صاحب نظر در حوزه شهرهای جدید
۸	گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری	عضویت هیئت علمی و صاحب نظر در حوزه شهرهای جدید
۹	گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری	عضویت هیئت علمی و صاحب نظر در حوزه شهرهای جدید
۱۰	گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری	عضویت هیئت علمی و صاحب نظر در حوزه شهرهای جدید

نمونه‌گیری به شیوه گلوله‌برفی^۱ انجام و حجم نمونه با توجه به «اشباع نظری» در نظر گرفته شده است (آریان، ۱۳۸۹، ص. ۱). در این روش به افراد نمونه، آزمودنی^۲ گفته نمی‌شود، بلکه به آنان، شرکت‌کننده^۳، مطلع^۴، یا همکار^۵ گفته می‌شود (عابدی، ۱۳۸۹، ص. ۳). در این مقاله با توجه به اصل اشباع نظری، در مجموع ۱۰ مصاحبه انجام شده است. در تحقیق حاضر، ابزار

1. Snowball
2. Subject
3. Participant
4. Informant
5. Colleague

جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از مصاحبه‌های انفرادی نیمه‌ساختاریافته، به‌همراه برخی سؤال‌های محرک می‌باشد. در مرحله تحلیل داده‌ها از رویه‌های ویژه کدگذاری استفاده شده است. قابل اتکا بودن یافته‌های این تحقیق نیز با جداسازی ذهنیت محقق تقویت شده است. به این صورت که یافته‌های کیفی در دو قالب طبقات توصیفی و فضای نتیجه که خود بر مبنای طبقات توصیفی شکل می‌گیرد، ارائه می‌شوند.

شهر جدید گلبهار به عنوان عرصه پژوهش انتخاب شده است. این شهر در ۴۵ کیلومتری شمال غرب مشهد قرارگرفته است. شهر جدید گلبهار از نظر موقعیت جغرافیایی در ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته و ارتفاع شهر از سطح دریا ۱۲۵۰ متر است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ص. ۱۲). وسعت اراضی محدوده شهری گلبهار حدود ۴۰۰۰ هزار هکتار است و طراحی آن از بافتی خطی - شطرنجی تبعیت می‌کند. محدوده طراحی شده از ۲ منطقه و ۴ ناحیه شهری تشکیل شده است (مهندسان مشاور مهرآزان، ۱۳۷۷، ص. ۳۹). طرح جامع گلبهار برای جمعیت ۲۰۰ هزار نفر و قابل توسعه تا ۴۰۰ هزار نفر در تاریخ ۷ / ۴ / ۱۳۷۲ به‌عنوان اولین مصوبه طرح جامع شهرهای جدید به تصویب شورای عالی شهرسازی ایران رسید. در ادامه روند توسعه و براساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ جمعیت شهر جدید گلبهار ۷۰۳۹ نفر رسیده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵) و جمعیت این شهر تا پایان سال ۱۳۹۳ حدود ۳۵ هزار نفر بوده است. سهم مسکن مهر این شهر، ۴۰ هزار واحد است.



شکل ۱. موقعیت شهر جدید گلبهار

مأخذ: سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۳۵-۴۹

۴. مبانی نظری تحقیق

با توجه به تغییر و تحولاتی که در دهه‌های اخیر و در اثر فرایندهای جهانی شدن به وجود آمده است، حکمروایی نیز ابعاد تازه‌ای یافته که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تمرکززدایی، مشارکت جامعه، حاکمیت چندسطحی و سیاست‌های فرایندمحور اشاره کرد (هابیتات، ۲۰۰۱، ص. ۱۱۶). به‌طور کلی، ابعاد حکمروایی خوب شهری از نظر تحقیقات بین‌المللی به شرح جدول ۱ آمده است.

جدول ۲. شاخص‌های حکمروایی خوب شهری از نظر تحقیقات بین‌المللی

مأخذ: برک‌پور، ۱۳۸۶، صص. ۴۹۹ - ۵۰۱

ویژگی‌های مطرح‌شده برای حکمروایی	سازمان مطرح‌کننده
سیاست‌گذاری قابل پیش‌بینی، آشکار و روشن‌بین، قانونمندی، فرآیندهای شفاف و جامعه مدنی مشارکت‌کننده در امور عمومی	بانک جهانی
مشارکت، قانونمندی، شفافیت، پذیرا بودن و پاسخگو بودن، جهت‌گیری توافقی، عدالت، اثربخشی و کارایی، مسئولیت و پاسخ‌گویی، بینش راهبردی	سازمان ملل
مسئولیت و پاسخ‌گویی، پذیرا بودن و پاسخگو بودن، نوآوری، مدیریت، همکاری بخش‌های خصوصی و دولتی، کنش متقابل شهروندان و حکومت محلی، مدیریت غیرمتمرکز، توسعه منابع انسانی	سند آموخته‌های حاصل از انجام اقدامات نمونه در کشورهای آسیایی
مشارکتی، شفاف، مسئول، اثربخش، عدالت‌پذیر، قانونمند، در نظر گرفتن نظر گروه‌های محروم، در نظر گرفتن اولویت‌ها بر پایه توافق گسترده جامعه	کنفرانس UNDP با عنوان «ارتباط بخش خصوصی و دولتی در مدیریت محیط زیست شهری»
درجه مشروعیت، مسئولیت و کارآمدی	گروه تحقیق مؤسسه بین‌المللی علوم اداری

همچنین در دومین کنفرانس ملل متحد درباره سکونتگاه‌های انسانی، معیارهایی چون پاسخگو بودن، فراگیر بودن، مشارکت‌جو بودن، قانونمدار بودن و شفافیت داشتن، به‌عنوان ویژگی‌های حکمروایی خوب مطرح شد. از برآیند دیدگاه‌های مختلف، حکمروایی خوب، هفت ویژگی به شرح زیر دارد:

- ۱ - پاسخگویی^۱
- ۲ - شفافیت^۲
- ۳ - مشارکت^۳
- ۴ - انصاف و دربرگیرندگی^۴

1. Responsiveness
2. Transparency
3. Participation
4. Fairness and Inclusion

۵ - اجماع‌گرایی^۱۶ - کارایی و کارآمدی^۲۷ - پیروی از قانون^۳ (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸، صص. ۵۲ - ۵۳).

براساس مرور مبانی نظری می‌توان هشت مشخصه اصلی را برای حکمروایی خوب شهری در نظر گرفت: مشارکت، اجماع‌محوری، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی و کارایی، منصفانه و همه‌گیر بودن و پیرو حکومت قانون بودن. این شاخص‌ها که برگرفته از استانداردهای مختلف و منابع گوناگون است به‌صورت جدول زیر و در قالب چارچوب نظری پژوهش بیان شده است.

جدول ۳. ابعاد و شاخص‌های حکمروایی خوب شهری

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۸

ردیف	بعد	شاخص‌ها	منابع
۱	مشارکت	انتخاب شهردار: این شاخص حاکی از آن است که آیا شهردار منتخب بومی است یا خیر. مشارکت رأی‌دهندگان بر حسب جنسیت: شامل درصد کل شرکت‌کنندگان اعم از مرد و زن نیز درصد رأی‌دهندگان زن و مرد در انتخابات نسبت به سطح اقتدار محلی. فراهم کردن فرصت برای مشارکت‌های عام	(صفایی‌پور و سایر همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).
۲	قانونمندی	عملی شدن چهارچوب‌های قانونی به‌صورت عادلانه و بی‌طرفانه حمایت کامل از حقوق بشر و به‌ویژه اقلیت‌ها و اجرای بی‌طرفانه	(تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸، صص. ۴۵-۵۸)
۳	شفافیت	شفاف بودن شهرداری در استفاده از بودجه انتشار گزارش از عملکرد شهرداری به‌صورت شفاف در دسترس و شفاف بودن قوانین شهرداری	(صفایی‌پور و سایر همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶)
۴	پاسخگویی	توجه دولت به شهروندان از لحاظ اصول اخلاقی، قوانین و مقررات، عدالت و برابری، صرفه‌جویی در منابع، کارایی در تولید، مشارکت دادن آن‌ها و توانمند کردن ارباب رجوع	(صفایی‌پور و سایر همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶)

1. Consensus

2. Efficiency and Effectiveness

3. Follow the Law

ردیف	بعد	شاخص‌ها	منابع
		کسب رضایت ارباب رجوع هر دستگاه	
۵	عدالت	ایجاد زمینه‌هایی برای به حداقل رساندن نارضایتی مردم از اوضاع ایجاد حس تعهد به جامعه و داشتن سهم در آن برخورداري همه افراد از فرصت‌های برابر	(حکیمی، ۱۳۷۶، ص. ۴۴. (. بختیاری، ۱۳۸۲، ص. ۷۹)
۶	اثربخشی	حرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت کارآیی اقتصادی بها دادن به نقش شهروندان	(تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸، صص. ۴۵-۵۸)
۷	مسئولیت پذیری	تعهد به انجام کاری و پذیرفتن مسئولیت انجام آن مسئولیت انسان در برابر محیط زیست	-
۸	پیش راهبردی	داشتن برنامه‌های میان‌مدت و درازمدت مناسب شهرداری و شورای شهر برای شهر و شهروندان	(بختیاری، ۱۳۸۲، ص. ۷۹)

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. یافته‌های توصیفی

توصیفاتی از اطلاعات شهروندان و کارشناسان شرکت‌کننده در نظرسنجی در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب سن و جنس

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

جنس	ردیف	فراوانی		درصد		فراوانی	
		شهروند	کارشناس	شهروند	کارشناس	شهروندان	کارشناسان
مرد	۲۳۹	۴۰	۶۲/۱	۸۳/۳	۲۳	کمترین	۲۵
	۱۴۶	۸	۳۷/۹	۱۶/۷	۷۲	بیشترین	۶۰

۵.۲. یافته‌های تحلیلی

۵.۲.۱. تحلیل کمی

بررسی توصیفی وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در گلبهار

از آنجاکه سؤال‌های پرسش‌نامه براساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شده‌اند که حد متوسط عدد ۳ در نظر گرفته شده است؛ بنابراین در تفسیر آن، گزینه بسیار نامطلوب؛ مقدار آن بین (۱ تا ۱/۵)، گزینه نامطلوب (۱/۵ تا ۲/۵)، گزینه متوسط (۲/۵ تا ۳/۵)، گزینه مطلوب (۳/۵ تا ۴/۵) و گزینه بسیار مطلوب (۴/۵ تا ۵) در نظر گرفته شده است. ابعاد ۸ گانه حکمروایی خوب شهری در وضعیت موجود سنجش شد؛ بر این اساس از میان تمام ابعاد حکمروایی خوب شهری شاخص قانونمندی بیشترین میانگین را با عدد ۴۷ / ۳ کسب کرده است. با تأمل در گویه‌هایی که به سنجش این شاخص پرداخته‌اند می‌توان دریافت که گویه «به اجرا گذاشتن چارچوب‌های قانونی به صورت عادلانه و بی‌طرفانه در شهرداری شهر جدید گلبهار» با عدد ۰۸ / ۳ بیشترین میانگین را در بین سایر سنجها کسب کرده است که نشان می‌دهد از دیدگاه شهروندان و کارشناسان شهری در شهر جدید گلبهار مقوله قانون‌گذاری از جایگاه بهتری برخوردار است. درمقابل، ابعاد شفافیت و مسئولیت‌پذیری میانگین یکسانی را با عدد ۴۷ / ۲ کسب کرده‌اند که کمترین میزان نسبت به سایر ابعاد است. از نظر کارشناسان، بعد مشارکت نسبت به سایر ابعاد میانگین ۶۷ / ۲ و بعد جهت‌گیری توافقی با اندکی اختلاف با میانگین ۷۵ / ۲ را گزارش می‌دهد که نشان می‌دهد کارشناسان شهری این دو بعد را در حکمروایی خوب شهری نظام مدیریتی شهر جدید گلبهار کمتر در نظر دارند. درمقابل، بعد عدالت همه‌جانبه با رتبه ۲۹ / ۳، مسئولیت‌پذیری و قانونمندی با رتبه ۲۴ / ۳ بهترین وضعیت را به لحاظ میانگین در حکمروایی خوب شهری کسب کرده‌اند. به‌طور کلی نتایج بررسی ابعاد حکمروایی خوب شهری در نظام مدیریتی شهر جدید گلبهار در وضعیت موجود به شرح جدول ۵ آمده است:

جدول ۵. نتایج بررسی ابعاد حکمروایی خوب شهری در نظام مدیریتی شهر جدید گلپه‌ار در وضعیت

موجود

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

متغیر	میانگین وضعیت موجود شاخص های حکمروایی خوب شهری از دیدگاه شهروندان	میانگین وضعیت موجود شاخص های حکمروایی خوب شهری از دیدگاه مدیران
جهت‌گیری توافقی	۲/۹۰	۲/۷۵
عدالت همه‌جانبه	۲/۷۲	۳/۲۹
قانونمندی	۳/۴۷	۳/۲۴
مشارکت	۲/۸۰	۲/۶۸
اثر بخشی و کارایی	۳/۱۷	۲/۹۲
شفافیت	۲/۴۷	۲/۹۳
مسئولیت‌پذیری	۲/۴۷	۳/۲۴
بینش راهبردی	۲/۴۹	۳/۰۲

آزمون T-Test تک نمونه

در این قسمت به منظور آزمون فرضیه، ابتدا به طور کلی و سپس جزئی، شاخص‌های تحقیق بررسی شدند که در ادامه نتایج آن آورده شده است.

جدول ۶. آزمون فرض آماری مربوط به کل ابعاد حکمروایی خوب شهری

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

نام متغیر	پاسخ دهندگان	درجه آزادی	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار آماره T	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
متغیرهای حکمروایی مطلوب	شهروندان	۳۸۵	۲/۶۵۱	۰/۷۹۲	-۸/۶۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۲۸	-۰/۲۶۹
	مدیران	۴۸	۳/۰۰۵	۰/۴۹۴	۰/۰۷۹	۰/۰۳۸	-۰/۱۳۸	۰/۱۴۹

براساس این جدول، نتایج حاصل از بررسی نظرات شهروندان و مدیران نشان داد که به ترتیب، مقدار آماره T عدد ۸/۶۳۹ - و ۰/۰۷۹ درجه آزادی ۳۸۵ و ۴۸ و در جامعه آماری شهروندان سطح معناداری ۰/۰۰۰ و در جامعه آماری مدیران سطح معناداری ۰/۰۳۸ است.

از آنجایی که سطح معناداری در جامعه آماری شهروندان کمتر از ۰/۰۵ (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) و در جامعه آماری مدیران بیشتر از ۰/۰۵ است و در جامعه آماری شهروندان حد بالا و پایین منفی و در جامعه آماری مدیران حد بالا مثبت و حد پایین منفی است، می‌توان نتیجه گرفت از نظر شهروندان، این اختلاف در جهت منفی است و از نظر مدیران اختلاف معنادار است. بنابراین نتایج حاصل از آزمون فرضیه که در جدول آورده شده است نشان می‌دهد که از نظر شهروندان، مشارکت، اثربخشی و کارایی، شفافیت، قانونمندی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، جهت‌گیری توافقی، عدالت همه‌جانبه و بینش راهبردی از عوامل تعیین‌کننده حکمروایی خوب در نظام مدیریت شهرهای جدید در حد متوسط ارزیابی می‌شود؛ به عبارت دیگر، از نظر شهروندان، وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری، در سطح متوسط (براساس طیف لیکرت؛ گزینه متوسط؛ ۲/۵ تا ۳/۵) و از نظر مدیران هم، وضعیت این شاخص‌ها براساس طیف لیکرت (گزینه متوسط؛ ۳/۵ تا ۲/۵) در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. افزون بر آن، مقدار ضریب همبستگی تاوی بی-کندال مقدار ۰/۰۱۶ به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد که به‌طور کلی مدیران وضعیت شاخص‌ها را بهتر از شهروندان ارزیابی نموده‌اند. به دلیل اینکه مقدار Sig. در این تحقیق ۰/۳۸۶ محاسبه شده است و این مقدار از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است، پس این ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست. باید گفت فرضیه اصلی پژوهش متشکل از هشت فرضیه فرعی بوده است که نتایج محاسبات آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. فرضیات فرعی پژوهش

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

فرضیه	عنوان	از دیدگاه شهروندان			از دیدگاه مدیران		
		تأیید	میانگین	تأیید نشدن	تأیید	میانگین	تأیید نشدن
H1	به نظر می‌رسد مشارکت در سطح نامطلوب ارزیابی شود.		۲/۶۸	*		۸۰/۲	*
H2	به نظر می‌رسد اثربخشی و کارایی در سطح نامطلوب ارزیابی شود.		۲/۹۲	*		۱۷/۳	*

فرضیه	عنوان	از دیدگاه شهروندان			از دیدگاه مدیران		
		تأیید	میانگین	تأیید نشدن	تأیید	میانگین	تأیید نشدن
H3	به نظر می‌رسد شفافیت در سطح نامطلوب ارزیابی شود.	*	۴۷/۲			۹۳/۲	*
H4	به نظر می‌رسد قانونمندی در سطح نامطلوب ارزیابی شود.	*	۴۷/۲			۲۴/۳	*
H5	به نظر می‌رسد مسئولیت و پاسخگویی در سطح نامطلوب ارزیابی شود.		۵۹/۲	*	*	۴۸/۳	*
H6	به نظر می‌رسد جهت‌گیری توافقی در سطح نامطلوب ارزیابی شود.		۹۰/۲	*	*	۷۵/۲	*
H7	به نظر می‌رسد عدالت همه‌جانبه در سطح نامطلوب ارزیابی شود.		۷۲/۲	*	*	۳/۰۲	*
H8	به نظر می‌رسد بینش راهبردی در سطح نامطلوب ارزیابی شود.	*	۴۹/۲			۳/۰۲	*

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود از نظر شهروندان سه بعد حکمروایی خوب شهری یعنی شفافیت، قانونمندی و بینش راهبردی در نظام مدیریتی شهر جدید گلبهار در وضعیت نامطلوب هستند؛ یعنی پایین‌تر از حد نسبی میانگین ۲/۵ تا ۳/۵ گزارش شده‌اند و ابعاد دیگر حکمروایی خوب شهری در محدوده نسبی میانگین و در حد متوسط هستند. در مقابل، از دیدگاه مدیران تمامی ابعاد حکمروایی خوب در وضعیت متوسط و به بالا گزارش شده‌اند. عدم تأیید فرضیه نشان‌دهنده همسو بودن با فرضیه اصلی پژوهش و عدم تأیید هم بیانگر خلاف آن است.

۲.۲.۵. تحلیل کیفی

اینک به منظور تحلیل کیفی وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری، نتایج حاصل از بررسی‌های به عمل آمده از ۱۰ نفر از کارشناسان حوزه شهرهای جدید به شرح زیر است:

یافته‌های حاصل از مصاحبه که اشاره به درک و تجربه مدیران و کارشناسان صاحب‌نظر از وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در شهر جدید گلبهار و موانع پیشرفت آن در

ساختار مدیریت شهری شهر جدید گلبهار در قالب طبقات توصیفی دارد همراه با ارائه راهکارها بررسی می‌شود.

مشارکت

یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که جایگاه مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت امور شهری بسیار مهم است به طوری که موفقیت پروژه‌ها و برنامه‌های شهری به نقش مردم و نحوه دخالت آن‌ها بستگی خواهد داشت و تعیین نیازها، خواست‌ها و اولویت‌بندی پروژه‌ها در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، فضایی و ... با مشارکت مردم امکان‌پذیر است. جدول زیر وضعیت کیفی شاخص مشارکت را نشان می‌دهد.

جدول ۸. طبقات توصیفی و فضای نتیجه وضعیت مشارکت

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
مشارکت	انگیزه نداشتن شهروندان و حس تعلق مکانی نداشتن آنان به شهر	مهاجرپذیر بودن شهر جدید گلبهار و سابقه زندگی طولانی نداشتن شهروندان در این شهر
		یکپارچه نبودن قومی و حس ضعیف هویت شهری
		ازهم‌گسیختگی روابط میان شهروندان و محله‌گرایی ضعیف
	شفاف نبودن قوانین و اعتماد نداشتن شهروندان به مسئولان در شهر جدید گلبهار	نامحرم دانستن مردم از سوی مسئولان در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری و سایر پروژه‌ها
		استفاده ابزاری مسئولان از مشارکت مردم و صوری بودن مشارکت
		تمایل نداشتن سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و مردم برای انجام پروژه‌های شهری به دلیل اعتماد نداشتن آنان

براساس مصاحبه‌های صورت گرفته، وضعیت مشارکت؛ موانع و راهکارهای ارتقای آن در دو طبقه توصیفی دسته‌بندی و منظم شده است. در طبقات توصیفی به دست آمده بیشتر مصاحبه‌شوندگان با بیان مفاهیم مختلف بر این باور هستند که نداشتن انگیزه، حس تعلق مکانی نداشتن شهروندان، شفاف نبودن قوانین و اعتماد نداشتن شهروندان به مسئولان در شهر جدید

گلبهار سبب شده است تا مشارکت در شهر جدید گلبهار سطح ضعیف تا سطح متوسط ارزیابی شود و این عامل تا حدودی مانع از مشارکت شهروندان نیز می‌شود.

اثربخشی و کارایی

جدول ۹ وضعیت کیفی شاخص اثربخشی و کارایی را نشان می‌دهد.

جدول ۹. طبقات توصیفی و فضای نتیجه وضعیت اثربخشی و کارایی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
اثربخشی و کارایی	نا کارآمدی و ناتوانی ساختارهای اداری و اجرایی و قانونی جدید گلبهار	فرایندها و نهادها به دلایل مختلف حمایت لازم را برای به نتیجه رساندن پروژه های شهری ندارند
		نبود شفافیت لازم در قوانین موجود در شهرداری و ... در تصمیم گیری ها
		نبود شفافیت در دستگاه های اجرایی، اعتماد شهروندان را به مجموعه های مدیریتی شهر و شهرداری از بین می برد
		فساد اداری و تخلفات اجرایی
	تضاد منافع و موازی کاری ساختارهای اداری و اجرایی شهر جدید گلبهار	استقرار نداشتن نظام حکمروایی خوب در نظام مدیریتی شهر جدید گلبهار
		اتلاف منابع، سرمایه و پول در پروژه مسکن مهر گلبهار
		عدم توسعه متوازن حقوق شهروندی و همچنین مدیریت یکپارچه شهری ضعیف

یافته های کیفی حاصل از مصاحبه ها نشان می دهد همه متخصصان مدیریت شهری در شهرهای جدید بیان کرده اند که یکی از موانع اصلی برای اثربخشی و کارایی طرح های شهری نا کارآمدی و ناتوانی ساختارهای اداری و اجرایی و قانونی هستند. به عبارتی مشارکت کنندگان معتقد بودند که فرایندها و نهادها به دلایل مختلف حمایت لازم برای به نتیجه رساندن پروژه های شهری را ندارند.

شفافیت

شفافیت به عنوان یکی از ابعاد دیگر حکمروایی خوب در برنامه‌ریزی و مدیریت امور شهری، بااهمیت است. به این دلیل که شفاف نبودن زمینه را برای بروز فساد فراهم می‌کند. جدول ۱۰ وضعیت کیفی شاخص شفافیت را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. طبقات توصیفی و فضای نتیجه وضعیت شفافیت

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

افق افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
شفافیت	نقش ساختارهای قانونی و سیاسی و اجرایی در عدم شفافیت در گلبهار	فرایندها و نهادها به دلایل مختلف شفاف عمل نمی‌کنند
		نبود شفافیت لازم در قوانین موجود در شهرداری و ... تصمیم‌گیری‌ها در سطح مدیران و بدون در نظرگیری رأی و نظر مردم و مشارکت آنها صورت می‌پذیرد.
		شفاف نبودن عملکرد دستگاه‌های اجرایی، اعتماد شهروندان را به مجموعه‌های مدیریتی شهر و شهرداری کاهش می‌دهد.
		از تبعات شفافیت نبودن عملکرد دستگاه‌های اجرایی در مدیریت شهر جدید گلبهار مثل شهرداری و شرکت عمران، می‌توان رفتارهای رانتی در مواردی نظیر کیفیت قوانین و ضعف حاکمیت قانون نام برد.
		نبود شفاف‌سازی از سطح کلان تا خرد در کشور
	ضعف نهادهای مشارکتی در نبود شفافیت در شهر جدید گلبهار	آگاه نبودن شهروندان از حقوق شهروندی خود و بی‌توجهی به آینده خود، زمینه را برای پنهان‌کاری مسئولان فراهم می‌کند.
		نبود نظام حکمروایی خوب در نظام مدیریتی شهر جدید گلبهار زمینه‌های شفاف نبودن را فراهم می‌کند.
		رسانه‌های گروهی مثل رادیو، تلویزیون، مطبوعات و اخیراً هم فضای مجازی در شفاف نبودن نقش دارند.
		پنهان‌کاری مسئولان و ضعف انجمن‌های مردمی زمینه را برای بروز فساد فراهم می‌کند.

همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود همه متخصصان مدیریت شهری در شهرهای جدید بیان کرده‌اند که شفافیت در نهادهای مدیریتی شهر جدید گلبهار وضعیت مطلوبی ندارد و این معضل تنها گریبان‌گیر شهر گلبهار نیست بلکه کل نظام اجرایی کشور با آن درگیر است؛

به عبارتی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که یکی از دلایل شفاف نبودن، ساختارهای قانونی و اجرایی است.

قانونمندی

یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که قانون‌مداری یکی دیگر از ارکان مهم و اساسی حکمروایی خوب شهری است که عموماً به معنای خط مشی زندگی افراد و با هدف برقراری نظم و انضباط در جامعه تدوین و برحسب فعالیت‌ها در جامعه به‌ویژه در جوامع مدرن امروزی به حقوق اداری (حقوق و مقررات شهری و...)، تجاری، کیفری و... تقسیم می‌شود. جدول ۱۱ وضعیت کیفی شاخص قانونمندی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. طبقات توصیفی و فضای نتیجه وضعیت قانونمندی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
قانون‌مداری	آگاهی کافی نداشتن شهروندان از قوانین و مقررات در شهر جدید گلبهار	افراد به اندازه کافی از قوانین آگاهی ندارند و این آگاهی نداشتن و ناآگاهی آن‌ها از حقوق و قوانین شهری و... موجب سوء برداشت آن‌ها می‌شود.
		آگاهی ناکافی از قوانین نتیجه مقاومت شهروندان در برابر پذیرش عمومی قانون است
		از تبعات شفاف نبودن در دستگاه‌های اجرایی مدیریتی شهر جدید گلبهار مثل شهرداری و شرکت عمران می‌توان رفتارهای رانتی در مواردی نظیر کیفیت قوانین و ضعف حاکمیت قانون نام برد.
	نداشتن پاسخگویی مناسب و بی‌اعتمادی شهروندان به قوانین در شهر جدید گلبهار	وقتی که ما در نهادهای اجرایی یک سیستم پاسخگویی مناسب نداشته باشیم، قانون‌مداری مردم کاهش پیدا می‌کند و احساس می‌کنند قوانین ناکارآمد هستند
		قانون باید بی‌طرف باشد و تمام اقشار جامعه را دربرگیرد
		به‌کارگیری برخی نیروهای غیر متخصص در مجموعه ادارات باعث شده است تا پاسخگویی و تکریم ارباب رجوع کاهش یابد
		در نتیجه پاسخگویی نامناسب، بی‌اعتمادی روی می‌دهد و بی‌اعتمادی، قانون‌گریزی و بدبینی مردم را در پی دارد.

با جمع‌بندی دیدگاه‌های کارشناسان و متخصصان در حوزه شهرهای جدید در گلبهار این پژوهش به این نکته رسیده است که در بسیاری از موارد قانون‌مداری نتیجه آگاهی است و مردم نقش اصلی را در این سیستم دارند. آنچه که در این سیستم مهم است احقاق حقوق تمامی ذی‌نفعان و تغییر موقعیت مردان سیاست و مسئولان اجرایی از حالت انحصار به تعامل و مشارکت‌جو است.

پاسخگویی و مسئولیت

براساس مشاهدات و مصاحبه‌های صورت‌گرفته از کارشناسان و مدیران و متخصصان شهرهای جدید، وضعیت پاسخگویی و موانع آن بررسی شده است. جدول ۱۲ وضعیت کیفی شاخص پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. طبقات توصیفی و فضای نتیجه وضعیت پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری	شفاف نبودن و قانون‌گریزی و نقش آن در کاهش پاسخگویی و مسئولیت در شهر جدید گلبهار	برخی مسئولین با قانون‌گریزی به سادگی از زیر بار مسئولیت‌های بزرگ شانه خالی کرده‌اند.
		از عوامل عمده مسئولیت‌گریزی مردم، قانون‌شکنی و سوءاستفاده برخی از مقام‌های مسئول دولتی و اجرایی است.
		نظام اداری سالم نظامی پاسخگو و مسئولیت‌پذیر است و تمام پرسنل و نیروهای همکار وظایف خود را به‌نحو خوبی انجام می‌دهند، مسئولان همه به‌صورت شفاف عمل می‌کنند
		پاسخگویی از تبعات شفافیت و قانون‌مداری است و دلیل ضعف این سیستم در ادارات، نهادینه نشدن فرهنگ پرسشگری در کشور است.
	نبودن شایسته‌سالاری و فساد و نقش آن در کاهش پاسخگویی و مسئولیت در شهر جدید گلبهار	نبودن شایسته‌سالاری در استخدام‌ها و ورود برخی افراد غیر متخصص به پست‌های خدمت‌رسان و محدود کردن بخش‌های خصوصی اقتصادی و... زمینه را برای کاهش پاسخگویی در دستگاه‌های خدمتی شهرها و در نتیجه ضعف سیستم پاسخگویی فراهم می‌کند
		فرهنگ پاسخگویی کاهش یافته است
		رسانه‌ها و مطبوعات مستقل در راستای شفاف‌سازی عملکرد مسئولان وجود ندارد

آنچه که از ابعاد حکمروایی خوب شهری تاکنون دریافت می‌شود این است که یک رابطه متقابل و چندسویه‌ای بین تمام آن‌ها برقرار است؛ به گونه‌ای که ضعف در هرکدام از آن‌ها بر ابعاد دیگر تأثیر می‌گذارد؛ ضعف در شفافیت بر قانون‌مداری تأثیر می‌گذارد، قانون‌گریزی زمینه‌ای برای عدم پاسخگویی فراهم می‌کند و پاسخگویی از ارکان اصلی احساس رضایتمندی افراد است و از عواملی که می‌تواند آن را نتیجه‌بخش نسازد نبود تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری در دستگاه‌های اداری است.

جهت‌گیری توافقی

یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که لازمه اعمال مدیریت صحیح در شهرها و کلان‌شهرها، داشتن نگاهی جامع و علمی به مسائل است. لازمه موفقیت نهادهای مدیریتی شهر عدم تک‌روی در امور و تصمیم‌گیری‌ها و بها دادن به خرد جمعی است. تصمیم‌های خردمندانه هم بر پایه خرد جمعی، مشورت و استفاده از دانش، هوش، حافظه و خرد دیگران گرفته می‌شود. جدول ۱۳ وضعیت کیفی شاخص جهت‌گیری توافقی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۳. طبقات توصیفی و فضای نتیجه وضعیت جهت‌گیری توافقی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
جهت‌گیری توافقی	لزوم هماهنگی میان نهادهای مدیریتی شهر در تهیه طرح‌های توسعه شهری در شهر جدید گلبهار	شهر جدید گلبهار به دلیل شرایط خاص خود، یک نسخه از قبل پیچیده‌ای بوده است. بدون مشورت‌خواهی از شهرداری و شورا (از قبل وجود نداشته است) شرکت عمران ساخت و سازها را شروع کرده است.
		نقطه مقابل وحدت نظر در مدیریت شهری، پراکندگی در دیدگاه‌ها درباره اداره شهر است و معمولاً شهرهایی که با نهادهای مختلف اداره می‌شوند مثل شهر جدید گلبهار، هم شرکت عمران و هم شهرداری و... در اداره آن دخیل هستند
		تفکیک وظایف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و همچنین نظارت و اجرا در بعضی مواقع اتفاق نیفتاده است و این از عوامل اصلی بر سر راه جهت‌گیری توافقی و روند مدیریت یکپارچه شهری است

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
	لزوم اعتماد به شهروندان و تقویت انجمن‌های محلی در راستای خرد جمعی در شهر جدید گلبهار	اجماع نظر کار ساده‌ای نیست. آنچه که کار جهت‌گیری توافقی را در نهادهای مدیریتی شهر جدید گلبهار سخت و دشوار می‌کند وجود چندین طرف با مواضع گوناگون مثل شهرداری، شرکت عمران، بخشداری و... است
		جهت‌گیری توافقی در نهادهای مدیریتی شهر جدید گلبهار بدون در نظرگیری انجمن‌های محلی در شهر و شورای یاری‌های محلات شهر کاری سخت و دشوار است.
		باید اعتماد را در ابعاد اجتماعی و نهادی در شهر جدید گلبهار تقویت کرد و متأسفانه در این زمینه هنوز ضعف‌هایی دیده می‌شود.
		متأسفانه در اداره شهرهای کشور ما، هنوز موازی‌کاری و بروکراسی پیچیده وجود دارد و این باعث سردرگمی شهروندان شده است. شهروندان با دیدن این معضلات کمتر به نهادها اعتماد می‌کنند.

در نتیجه باید گفت، جهت‌گیری توافقی از تبعات یک نظام با مدیریت یکپارچه شهری در یک حکومت با حکمروایی خوب است که برآیند آن عملکرد مناسب دستگاه‌های اجرایی و مدیریتی و بهره‌وری بالای طرح‌های توسعه شهری است، به این دلیل که نبود اجماع در خرد جمعی زمینه را برای بروز فساد و بی‌اعتمادی به قوانین فراهم می‌کند.

عدالت محوری

یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مدیران شهری و کارشناسان برنامه‌ریزی شهری باید ملاحظات عدالتی را در تمام برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری در شهرها و کلان‌شهرهای بزرگ کشور در نظر بگیرند و نگاه عدالتی باید از وظایف غیر قابل انکار آنها باشد. جدول ۱۴ وضعیت کیفی شاخص عدالت را نشان می‌دهد.

جدول ۱۴. طبقات توصیفی و فضای نتیجه وضعیت عدالت محوری

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
عدالت محوری	احساس تبعیض در توزیع امکانات و خدمات شهری در شهر جدید گلبهار	شهروندان از نبودن برخی از امکانات پایه‌ای و مهم گلايه‌مند هستند؛ حتی مسبب اصلی را نهادهای مدیریتی خود شهر گلبهار نمی‌دانند بلکه دولت می‌دانند
		احساس تبعیض در توزیع منطقه‌ای امکانات و خدمات شهری مثل بیمارستان و ...
		با افزایش پیچیدگی مسائل در شهر جدید گلبهار، متأسفانه امکان اداره امور، به‌صورت انفرادی و آمرانه فراهم شده است
		کوشش برنامه‌ریزی شهری در قالب علم جغرافیا فراهم آوردن محیط زیست مناسبی برای زندگی در شهرها است و در این مسیر می‌کوشد تا نحوه توزیع امکانات و خدمات شهری را تحلیل فضایی کند
	لزوم بازبینی طرح‌های جامع و تفصیلی شهر جدید گلبهار در راستای عدالت محوری	برای برقراری عدالت شهری باید طرح‌های توسعه شهر جدید گلبهار به‌روز و بازبینی انجام شود .
		در واقعیت اکنون بعد از گذشت چندین سال این شهر نتوانسته است به اهداف اصلی خود دست یابد و رشد جمعیتی آن نسبت به چشم‌انداز آینده خود بسیار محدود است.
		در شهر جدید گلبهار نیاز به یک سیستم مدیریتی قدرتمند محلی است که بتواند با دیدگاه عقلایی و تکیه بر تیم مشورتی قوی طرح‌ها و پروژه‌هایی را که از قبل برای توسعه شهر در نظر گرفته‌اند به چالش بکشد

همچنان که جدول نشان می‌دهد عدالت فضایی و عدالت اجتماعی در شهرها تأمین‌کننده منافع تمام شهروندان از طریق گسترش منابع و امکانات در تمام سطح شهر، بدون هرگونه تبعیض است و طرح‌های توسعه شهری ابزاری هستند که دولت‌های ملی و محلی، آن‌ها را به‌منظور هماهنگی در گسترش و توسعه شهرها تهیه می‌کنند.

بیش راهبردی

آنچه که امروزه به عنوان هدف نهایی بیشتر طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در دنیا مطرح می‌شود ارتقای وضعیت کیفیت زندگی شهری است و این مسئله حیاتی در طرح‌ها و چشم‌اندازهای بلندمدت از رهگذر بیش راهبردی و استراتژیک نهادهای مدیریتی شهرها انجام می‌شود.

جدول ۱۵. طبقات توصیفی و فضای نتیجه وضعیت بیش راهبردی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۸

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (اجزای کانون توجه)
بیش راهبردی	روزمردگی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های توسعه شهر جدید گلبهار	در بیشتر شهرهای ایران من جمله گلبهار طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری دچار روزمردگی شده‌اند، یعنی فقط بحث التیام موقت به معضلات شهری است.
		شهر گلبهار برای حل معضلات شهری کلان‌شهر مشهد به وجود آمد و هنوز هم آن چنان که باید نتوانست باری از دوش کلان‌شهر مشهد بردارد.
		شهر جدید گلبهار هم که براساس طرح جامع شهری که در سال‌های ۱۳۷۲ - ۱۳۷۴ مهران توسعه خود را ایجاد کرده است و اغلب بدون بیش راهبردی درست بوده است متأسفانه گذر زمان کارایی طرح‌ها را از بین می‌برد و نیاز به بیش راهبردی دارند.
	ثبات نداشتن مدیریتی، علت ضعف بیش راهبردی در نهادها	به منظور اجرای بازنگری طرح‌های توسعه شهر ابتدا باید شرایط و زیرساخت‌های آن فراهم شود و نکات مبهم آن برطرف شود و با یک بیش باز و راهبردی چشم‌انداز توسعه شهر را روشن کرد.
		ثبات نداشتن مدیریت در منطقه گلبهار در بسیاری از موارد موجب ناتمام ماندن فرایندها و طرح‌های بلندمدت توسعه‌ای در محل و از بین رفتن محرومیت در محله‌های شهر می‌شود.

یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که درواقع، پیگیری برنامه‌های درازمدت به‌طور پیوسته و حاکم بودن تفکر و برنامه‌ریزی استراتژیک در نهادهای مدیریتی و اجرایی شهرها وابسته به این است که عمر مدیریتی این نهادها بسیار کوتاه نباشد و با بسترسازی لازم

جهت اعتمادسازی مردم به مجموعه مدیریتی شهر آن‌ها را نیز در هم‌فکری در تهیه طرح‌های استراتژیک شهر دعوت کرد. چراکه استفاده‌کنندگان نهایی از طرح‌ها و برنامه‌های شهر مردم هستند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بنابر هدف پژوهش که تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری با تلفیق روش‌های کمی و کیفی در شهر جدید گلبهار است؛ یافته‌ها نشان می‌دهد، وضعیت کلی شاخص‌های حکمروایی در وضعیت ضعیف تا متوسط ارزیابی می‌شود. با این توضیح که از نظر شهروندان و مدیران، شاخص مشارکت با تحلیل کمی در محدوده متوسط است. در این خصوص تحلیل کیفی نیز نشان می‌دهد در حوزه مشارکت، نبودن انگیزه و حس تعلق مکانی نداشتن شهروندان و شفاف نبودن قوانین و اعتماد نداشتن شهروندان به مسئولان در شهر جدید گلبهار باعث شده است تا مشارکت در شهر جدید گلبهار سطح ضعیف تا سطح متوسط ارزیابی شود. همچنین شاخص اثربخشی و کارایی به حد مطلوب نرسیده است و در وضعیت متوسط است. یافته‌های کیفی مؤید این مطلب بوده و نشان می‌دهد که فرایندها و نهادها به دلایل مختلف حمایت لازم برای به نتیجه رساندن پروژه‌های شهری را ندارند و مسئولان در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری و سایر پروژه‌ها مردم را نامحرم خود می‌دانند که این امر باعث نبودن توسعه متوازن حقوق شهروندی و همچنین ضعیف شدن مدیریت یکپارچه شهری شده است. شفافیت هم به عنوان یکی از ابعاد دیگر حکمروایی خوب در برنامه‌ریزی و مدیریت امور شهری در وضعیت نامطلوب گزارش شده است. از نگاه کیفی یکی از دلایل شفاف نبودن، ساختارهای قانونی و اجرایی است. از دیدگاه کمی قانونمندی نیز در وضعیت نامطلوب گزارش شده است و تحلیل‌های کیفی هم نشان می‌دهد که ناآگاهی کافی شهروندان با قوانین و مقررات و پاسخگویی نامناسب مسئولان و بی‌اعتمادی شهروندان به قوانین در شهر جدید گلبهار در نامطلوب بودن وضعیت قانونمندی نقش دارند. پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری نیز از نگاه شهروندان و مدیران در حد متوسط ارزیابی شده است و دلیل آن از نگاه کیفی، نبودن شفافیت و قانون‌گریزی در شهر جدید گلبهار و نبودن شایسته‌سالاری و فساد و نقش آن در کاهش پاسخگویی و مسئولیت گزارش شده است. جهت‌گیری توافقی که لازمه موفقیت نهادهای مدیریتی شهر است از نظر

شهروندان و مدیران در وضعیت متوسطی است و به حد مطلوب نرسیده است. در این راستا تحلیل‌های کیفی آن را تأیید کرده و نشان می‌دهد لزوم هماهنگی میان نهادهای مدیریتی شهر در تهیه طرح‌های توسعه شهری در شهر جدید گلبهار و لزوم اعتماد به شهروندان و تقویت انجمن‌های محلی در راستای خرد جمعی برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید فراهم شود. براساس تحلیل‌های کمی، عدالت‌محوری هم در حالت مطلوب نبوده است. تحلیل‌های کیفی در این خصوص نشان می‌دهد شهروندان از وجود نداشتن برخی از امکانات پایه‌ای و مهم گلایه‌مند هستند، حتی مسبب اصلی را نهادهای مدیریتی خود شهر گلبهار نمی‌دانند بلکه در برخی موارد مسبب را دولت می‌دانند. در شهر جدید گلبهار نیاز به یک سیستم مدیریتی قدرتمند محلی است که بتواند با دیدگاه عقلایی و تکیه بر تیم مشورتی قوی طرح‌ها و پروژه‌هایی را که از قبل برای توسعه شهر در نظر گرفته‌اند به چالش بکشد.

برای جمع‌بندی مباحث پژوهش باید گفت، شاخص‌های ۸ گانه حکمروایی خوب شهری سنجش شد که بر این اساس از میان تمام ابعاد حکمروایی خوب شهری شاخص قانونمندی بیشترین میانگین را با عدد ۳۷ / ۳ کسب کرده است. درمقابل، ابعاد شفافیت و مسئولیت‌پذیری میانگین یکسانی را با عدد ۴۷ / ۲ کسب کرده‌اند که کمترین میزان نسبت به سایر ابعاد است. از نظر کارشناسان، بعد مشارکت نسبت به سایر ابعاد میانگین ۶۸ / ۲ و بعد جهت‌گیری توافقی با اندکی اختلاف با میانگین ۷۵ / ۲ را گزارش می‌دهد که در وضعیت موجود، رتبه کمی را دارا هستند که نشان می‌دهد کارشناسان شهری این دو بعد را در حکمروایی خوب شهری نظام مدیریتی شهر جدید گلبهار کمتر در نظر دارند. درمقابل، بعد عدالت همه‌جانبه با میانگین ۲۹ / ۳، مسئولیت‌پذیری و قانونمندی با میانگین ۲۴ / ۳ بیشترین میانگین را در مقوله حکمروایی خوب شهری کسب کرده‌اند. در ادامه فرضیه پژوهش مبنی بر نامطلوب بودن وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری از دیدگاه شهروندان و کارشناسان در شهر جدید گلبهار آزموده شد که نتایج تحلیل‌های کمی نشان می‌دهد که بسیاری از شاخص‌ها در سطح متوسط و برخی شاخص‌ها نامطلوب هستند؛ بنابراین به‌طور کلی فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

در ادامه روند پژوهش نتایج تحلیل کیفی مفاهیم حکمروایی خوب شهری در قالب طبقات توصیفی به صورت جدول‌هایی ارائه شد و می‌توان نتیجه گرفت بیشتر نقص و نارسایی‌هایی که

ابعاد حکمروایی در نظام مدیریتی شهر جدید گلبهار با آن دست‌به‌گریبان هستند نبودن انگیزه و حس تعلق مکانی نداشتن شهروندان؛ شفاف نبودن قوانین و اعتماد نداشتن شهروندان به مسئولان؛ ناکارآمدی و ناتوانی ساختارهای اداری و اجرایی و قانونی؛ تضاد منافع و موازی‌کاری ساختارهای اداری و اجرایی؛ آگاهی کافی نداشتن شهروندان از قوانین و مقررات؛ نبودن شایسته‌سالاری و نقش آن در کاهش پاسخگویی؛ روزمرگی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های توسعه شهر و... است. در زمینه بررسی وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری تحقیقات دیگری نیز در ایران انجام شده است که نتایج آن همسو با یافته‌های پژوهش حاضر است. به‌عنوان مثال، موحد و سایر همکاران مقاله‌ای با عنوان «بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری (مورد مطالعه منطقه ۱۹ شهرداری تهران)» در سال ۱۳۹۳ انجام داده‌اند و نتایج حاصل از پژوهش بر پایه مدل تاپسیس و آزمون‌های آماری حاکی از آن است که تنها ۲۴ درصد از محله‌ها دارای وضعیت حکمروایی خوب هستند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به آزمون T-TEST متغیر حکمروایی خوب شهری مقدار ۱۹/۸۶۴۵- از سطح متوسط میانگین‌ها پایین‌تر بوده و این موضوع نیز نشان می‌دهد که در محله‌های نمونه، سطح حکمروایی خوب در حد مناسبی نیست. همچنین در این زمینه حسینی تحقیق دیگری با عنوان «تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تأکید بر نظرات شهروندان و مدیران در تربت حیدریه در سال ۱۳۹۵» انجام داده است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که امتیاز کلی شاخص حکمروایی از نظر شهروندان برابر با ۱/۹۸ و از نظر کارشناسان برابر با ۲/۳۵ است که گویای وضعیت نامطلوب حکمروایی شهری از نظر هر دو گروه است.

به‌طورکلی، موانع مهم موفق نبودن شهر جدید گلبهار را می‌توان پیش‌بینی‌های نادرست جمعیتی، نبودن زیرساخت‌های مناسب، نارضایتی شهروندان و نبودن میل ماندگاری در شهر، نبودن روابط منسجم اجتماعی و حس همسایگی میان شهروندان و شاخص‌های نامناسب کیفیت زندگی دانست.

در راستای ارتقای وضعیت حکمرانی خوب شهری در شهر جدید گلبهار، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- ایجاد و اجرای مدیریت یکپارچه شهری و هماهنگ‌سازی بین سازمان‌های درگیر در مدیریت و خدمت‌رسانی به شهر جدید گلبهار که این مهم در گرو استقرار خرد جمعی در سیستم مدیریت شهری است؛
- ۲- تقویت نقش گروه‌های محلی و سمن‌ها در شهر جدید گلبهار در راستای پذیرش و فرصت‌دهی به شهروندان به مشارکت در سرنوشت خود؛
- ۳- پرهیز از موازی‌کاری سازمان‌ها و نهادهای مدیریتی و خدمت‌رسان به شهروندان شهر جدید گلبهار، حل کردن اختلاف بین آن‌ها، شفاف‌سازی وظایف آن‌ها و ایجاد همکاری متقابل بین شهرداری و شرکت عمران شهر جدید گلبهار؛
- ۴- توجه به صنعت گردشگری به عنوان صنعتی پویا، پاک، زاینده و با قدرت اشتغال‌زایی بالا؛ به گونه‌ای که اکثر شهروندان شهر جدید گلبهار دلیل اصلی مهاجرت خود را به این شهر جدید هوای پاک این منطقه و سکوت و آرامش این شهر بدانند.
- ۵- پیگیری دوباره مسکن مهر و ساختن مسکن‌ها در شهر جدید گلبهار با پیمان‌کاران با وجدان؛
- ۶- فراهم کردن بستر برای استقرار نظام حکمروایی خوب شهری به گونه‌ای که سه نهاد مردمی (گروه‌های محلی)، اقتصادی (بازار و بخش خصوصی) و سیاسی (دولت) در همکاری متقابل با هم به صورت شفاف عمل کنند؛
- ۷- لزوم اهمیت دادن به برنامه‌ریزی‌های مشارکتی و درک اهمیت نقش مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته و تشکیل گروه‌های هم‌فکر و همکار در شهر جدید گلبهار.

کتابنامه

۱. آریان، ع. (۱۳۸۹). معرفی روش تحقیق کیفی - نظریه مبنایی. علوم اجتماعی، (۲۵)، ۸۶-۹۵.
۲. ابراهیم‌زاده، ع.، رهنما، م.، و نگهبان مروی، م. (۱۳۸۴). تحلیلی بر ضرورت شکل‌گیری و نقش شهر جدید گلبهار در تمرکززدایی از مادر شهر مشهد. مجله علمی- پژوهشی صفت، ۱ (۴)، ۲۳-۴۵.
۳. ابراهیم‌زاده، ع.، زارع، م.، و اسماعیل‌زاده، ه. (۱۳۹۰). بررسی نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در پویایی اقتصاد شهری با تأکید بر حکمروایی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه: کلان‌شهر زاهدان). مقاله ارائه شده در اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.

۴. بازرگان هرندی، ع. (۱۳۸۷). روش تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت. نشریه دانش مدیریت، ۲۱ (۸۱)، ۳۶-۱۹.
۵. بختیاری، ص. (۱۳۸۲). *تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک*. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۶. برکپور، ن. (۱۳۸۶). حکمروایی خوب شهری و نظام اداره شهرها در ایران. در *مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری* (صص. ۵۱۷-۴۹۱). تهران.
۷. برکپور، ن.، و اسدی، ا. (۱۳۸۸). مدیریت و حکمروایی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۸. تقوایی، ع.، و تاجدار، ر. (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۲۳ (۲)، ۴۱-۵۷.
۹. حکیمی، م. ر. (۱۳۷۶). حقوق و عدالت. *نقد و نظر*، ۲ و ۳، ۴۴.
۱۰. خمر، غ. (۱۳۹۰). *اصول و مبانی جغرافیای شهری* (چاپ سوم). تهران: نشر قومس.
۱۱. رحمانی، م. (۱۳۹۱). *کلان‌شهر: ویژگی‌ها و مفاهیم*. تهران: انتشارات امید انقلاب.
۱۲. سیف‌الدینی، ف.، نادری مایوان، ر.، احمدی، م.، و زارعی، م. (۱۳۹۷). تحلیل مشارکت شهروندی و رابطه آن با تکالیف و رضایتمندی شهروندان در شهر جدید گلپه‌ار (با تأکید بر مشارکت در کاربری اراضی). *فصلنامه شهر پایدار*، ۱ (۳)، ۳۵-۴۹.
۱۳. شکویی، ح. (۱۳۹۲). *جغرافیای اجتماعی شهرها - اکولوژی اجتماعی شهر* (چاپ هفتم). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۴. شکویی، ح. (۱۳۹۱). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری* (جلد ۱، چاپ پانزدهم). تهران: انتشارات سمت.
۱۵. صفایی‌پور، م.، امانپور، س.، و نادری چگنی، ز. (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب شهری در شهر خرم‌آباد. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، ۵ (۱۷)، ۱۳-۲۴.
۱۶. کاظمی، م. (۱۳۸۶). *مدیریت گردشگری* (چاپ اول). تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. کاظمیان، غ. (۱۳۷۳). *طراحی سیستم مدیریت شهری مناسب شهرهای ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای). دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۸. کاظمی دارافشانی، ا.، و شفیع، ز. (۱۳۹۴). بررسی عملکرد شهرداری‌ها از دیدگاه حکمروایی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر جدید فولادشهر). مقاله ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی

دستاوردهای نوین در مهندسی عمران، معماری، محیط زیست و مدیریت شهری، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.

۱۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. بازیابی از [/https://amar.org.ir](https://amar.org.ir)

۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. بازیابی از [/https://amar.org.ir](https://amar.org.ir)

۲۱. مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (هابیتات). (۲۰۰۱). *شهرها در فرایند جهانی شدن*، گزارش جهانی سکونت‌گاه‌های انسانی (ر. پورخرمدند و دیگران، مترجمان) (چاپ اول). مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

۲۲. موحد، ع.، کمانرودی، م.، ساسان‌پور، ف.، و قاسمی کفرودی، س. (۱۳۹۳). *بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۹ شهرداری تهران)*. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۲(۷)، ۱۷۶-۱۴۷.

۲۳. مهندسین مشاور مهرآزان. (۱۳۷۷). *طرح تفصیلی شهر جدید گلبهار، مرحله اول (جلد اول)*. گزارش مطالعات برنامه‌ریزی و طراحی، وزارت مسکن و شهرسازی.

24. Pierre, J. (2005). Comparative urban governance: Uncovering complex causalities. *Urban Affairs Review*, 40(4), 446-462.
25. Stewart, K. (2006). Designing good urban governance indicators: The importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver. *Cities*, 23(3), 196-204.
26. UN-Habitat. (2001). *Tools to support participatory urban decision-making*. Retrieved from <http://www.unhabitat.org/pmss/listItemDetails.aspx?publication>



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.82657.1284>

Explaining the Indicators of Urban Tourism Development Model¹

Aminollah Balideh

PhD student in Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Massoud Taqvaei²

Professor of Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 29 May 2023 Revised: 17 July 2023 Accepted: 6 August 2023

Abstract

Today, indicators have increasingly become a valuable tool for policy making and monitoring. In this regard, the tourism sector, especially urban tourism, needs to adopt efficient indicators to evaluate and formulate policies and ensure development. Therefore, this study aims to explore the indicators of the development model of urban tourism. This is an applied-developmental and exploratory research, which adopts a descriptive-analytical and survey method. Moreover, the dominant approach that governs the research is theoretical analysis. In this paper, firstly, theoretical literature relevant to the subject are explored from a structural and systematic perspective. Then, using the interview method, the factors influencing the development of urban tourism are extracted. The statistical population consists of elites, specialists and experts in urban management and tourism. Using the purposive sampling method, 154 people were selected as the statistical sample and their views were incorporated in the final analysis. In the next step, structural equation modeling approach based on partial least squares is utilized to validate the designed pattern of urban tourism development. Finally, using Smart-PLS3 software, the second-order confirmatory factor analysis was used to validate the designed model. Using this scientific process, the underlying factors affecting urban tourism were identified in five dimensions (economic, socio-cultural, infrastructural, sustainable and institutional). The results suggest the good fit of the model. As such, the "socio-cultural" (0.81) index had the highest extracted average variance while "economic" index (0.47) gained the lowest value.

Keywords: Development, Urban Prosperity, Urban Tourism, Urban Tourism Development Index

1. This Article is extracted from the doctoral dissertation of Aminollah Balideh, which was authored under supervision of Dr. Masoud Taqvai in Isfahan University.

2. Corresponding Author: Email: m.taghvaei@geo.ui.ac.ir



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.82657.1284>

مقاله پژوهشی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

تبیین شاخص‌های مدل شکوفایی گردشگری شهری^۱

امین الله بالیده (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

balideh.urbanplanning@gmail.com

مسعود تقوایی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

m.taghvaei@geo.ui.ac.ir

صص ۱۲۰ - ۸۹

چکیده

امروزه شاخص‌ها به‌طور فزاینده‌ای به ابزاری مفید برای سیاست‌گذاری و نظارت بر امور تبدیل شده‌اند. در این میان بخش گردشگری و به‌ویژه گردشگری شهری نیز به‌منظور ارزیابی و سیاست‌گذاری درست و رسیدن به شکوفایی، نیازمند استفاده از شاخص‌های کارآمد است؛ از این‌رو در پژوهش حاضر تبیین شاخص‌های مدل شکوفایی گردشگری شهری مد نظر است. نوع پژوهش حاضر کاربردی - توسعه‌ای و اکتشافی است و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. همچنین رویکرد حاکم بر آن از نظر ماهیت، تحلیل نظری است. در این پژوهش ابتدا ادبیات نظری در حوزه مرتبط با موضوع، با دیدگاهی ساختاری و سیستماتیک بررسی شده است؛ در مرحله بعد از طریق روش مصاحبه، مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکوفایی گردشگری شهری در ابعاد مختلف استخراج شده است. جامعه آماری این پژوهش را نخبگان، متخصصان و کارشناسان مدیریت شهری و گردشگری تشکیل داده‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۵۴ نفر به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند و از نظرات آن‌ها استفاده شد. در گام بعد از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری براساس کمترین مربعات جزئی در راستای اعتبارسنجی الگوی طراحی شده شکوفایی گردشگری شهری استفاده شده است. در نهایت به کمک نرم‌افزار Smart-PLS3 از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم به‌منظور اعتبارسنجی الگوی طراحی شده

۱. مقاله حاضر از رساله دکتری آقای امین الله بالیده استخراج گردیده که در دانشگاه اصفهان و با راهنمایی آقای دکتر مسعود تقوایی نگارش یافته است.

استفاده شد. با انجام این فرآیند علمی، مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکوفایی گردشگری شهری در ابعاد پنج گانه (اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیرساختی، پایداری و نهادی) شناسایی شد. نتایج نشان‌دهنده این است که الگوی ارائه شده دارای برازش قابل قبولی است. در این باره بیشترین میزان میانگین واریانس استخراج شده مربوط به شاخص «اجتماعی - فرهنگی» با (۰/۸۱)، و کمترین مقدار آن مربوط به شاخص «اقتصادی» با (۰/۴۷)، بوده است.

واژگان کلیدی: شکوفایی، شکوفایی شهری، گردشگری شهری، شاخص شکوفایی گردشگری شهری.

۱. مقدمه

امروزه صنعت گردشگری یکی از برجسته‌ترین بخش‌های اقتصاد جهانی است که تقریباً ۱۰/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده است (سازمان جهانی گردشگری^۱، ۲۰۱۲، ص. ۵). در این میان گردشگری شهری، سریع‌ترین رشد را در بین انواع مختلف گردشگری نمایان ساخته است (دبیر کل سازمان ملل^۲، ۲۰۱۸، ص. ۵). درواقع در شرایط کنونی شهرها و کلان‌شهرها به‌عنوان یک نهاد جغرافیایی، نقش اصلی را در ارتباط با گردشگری بر عهده دارند (چبلی^۳ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۹۹) و گردشگری شهری یکی از پویاترین شکل‌های گردشگری است (پاناسیوک^۴، ۲۰۲۰، ص. ۳۴)؛ به عبارت دیگر در حال حاضر عوامل مختلفی ازجمله نوآوری در فناوری، رشد سریع اقتصادی، افزایش رقابت بین مقاصد شهری، تغییر الگوی کار و سبک زندگی و همچنین افزایش درآمد برخی اقشار، موجب رشد و تحول سریع گردشگری شهری شده است (آندری و ستیورینی^۵، ۲۰۱۶، ص. ۲۱). ازاین‌رو کارشناسان توسعه و برنامه‌ریزان شهر معتقدند که گردشگری می‌تواند منافع اقتصادی مثبتی را برای جوامع شهری به ارمغان آورد (وانگ^۶، ۲۰۱۹، ص. ۲). درواقع با استناد به رویکردهای مختلف توسعه، فضاهای شهری می‌توانند با شیوه‌های مختلف ازجمله در بخش گردشگری، در توسعه همه‌جانبه فضا مؤثر باشند (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۷). در این میان یکی از مهم‌ترین عواملی

1. UNWTO
2. Secretary-General, U. N
3. Chebli
4. Panasiuk
5. Andari & Setyorini
6. Wang

که می‌تواند در برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری شهری نقش آفرینی کند، استفاده از شاخص‌های شکوفایی و مبنا قرار دادن آن‌ها در فعالیت‌های بخش گردشگری است.

در شرایط کنونی شکوفایی به‌عنوان یک مفهوم پیچیده، در رأس بحث‌های سیاسی در سطح جهانی، ملی و محلی است (ویلینگهام و هولزمن^۱، ۲۰۱۷، ص. ۱۲). شکوفایی ابعاد مختلفی دارد (ابوبکر^۲ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۳۱۷). و درواقع «عبارت از داشتن توانایی برنامه‌ریزی و عمل به فرصت‌هایی است که امنیت مادی، شمول اجتماعی و ثبات را فراهم می‌کند» (وودکرافت^۳، ۲۰۱۹، ص. ۲۲). بنابراین شکوفایی جوهر پیشرفت و تحقق توسعه است (مجمع جهانی شهری^۴، ۲۰۱۲، ص. ۱)؛ و شاخص شکوفایی اندازه‌گیری، کاوش و درک آن را تا حد ممکن نشان می‌دهد (مؤسسه لگاتوم^۵، ۲۰۲۰، ص. ۳۳). در این باره یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شکوفایی، شاخص شکوفایی شهری (CPI)^۶ است؛ که در سال ۲۰۱۲، کمیته اسکان بشر سازمان ملل متحد^۷، آن را با هدف تحقق وضعیتی ورای توسعه پایدار شهری ارائه کرده است (کمیته اسکان بشر سازمان ملل^۸، ۲۰۱۳، ص. ۱۲). درواقع این شاخص امکان تشخیص فرصت‌ها و پتانسیل مداخله در شهرها را در جهت رفاه و شکوفایی بیشتر آن‌ها، برای مسئولین و افراد ذی‌نفع فراهم کرده است (دانش‌پور و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۳). در این میان شکوفایی صنعت گردشگری نیز یکی از هم‌سوترین و مهم‌ترین ابزارها برای تحقق شکوفایی شهری است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۳)؛ ازاین‌رو ارائه مدل شکوفایی گردشگری شهری و تبیین شاخص‌های آن بسیار ضروری و فراهم‌کننده زمینه‌ای جهت تحقق توسعه پایدار گردشگری در شهرها است.

امروزه گردشگری در کشورهای درحال توسعه بیش از روشی منطقی و سازمان‌یافته، براساس خود انگیختگی گسترش یافته است (کاستا^۹، ۲۰۲۰، ص. ۱۹۸)؛ ازاین‌رو آسیب‌پذیری مقاصد

1. Willingham & Hulseman
2. Abubakar
3. Woodcraft
4. World Urban Forum 6
5. Legatum Institute
6. City Prosperity Index
7. UN-HABITAT
8. UN-Habitat
9. Costa

گردشگری به‌ویژه کلان‌شهرها، نسبت به ازدحام جمعیت و رشد کنترل‌نشده افزایش یافته است (راجرسون^۱، ۲۰۱۶، ص. ۲). این مسئله به این معنی است که اگر برنامه‌ریزی صحیحی در این زمینه انجام نشود، این صنعت به‌عنوان فعالیتی زیان‌آور و نامطلوب مطرح خواهد شد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲). به عبارت دیگر با وجود مزایای فراوان گردشگری شهری، چالش‌هایی مانند تخریب محیط زیست، افزایش ترافیک، از دست دادن تنوع زیستی، مسائل امنیتی، مهاجرت‌ها (نرخ بالای جمعیت)، آلودگی، تخریب بناهای تاریخی و تخریب فرهنگ محلی با افزایش گردشگری شهری ممکن است افزایش یابد (دابی‌دوال^۲ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۱۵۴). در این میان سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های گردشگری از سوی مقامات ذی‌صلاح، مستلزم استفاده از ابزارهایی است که رفتار فعالان بازار (به‌ویژه شرکت‌ها و نهادها) را در مقاصد گردشگری و همچنین مشتریان (گردشگران) به‌صورت دقیق تحلیل کند (پاناسیوک^۳، ۲۰۲۰، ص. ۳۴). بنابراین استفاده از شاخص‌ها برای تصمیم‌گیرندگان، بهترین ابزار تشخیصی جهت شناسایی زمینه‌های مداخله و اعمال سیاست‌ها است (بونایوتو^۴ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲). از این‌رو در این شرایط ارائه مدل شکوفایی گردشگری شهری بسیار بااهمیت و کاربردی خواهد بود.

در گذشته سازمان ملل متحد و بانک جهانی هنگام تهیه شاخص‌های ترکیبی، بر سطح ملی متمرکز بوده‌اند. اما در حال حاضر دستور کار سامان‌دهی فضایی بخش‌های مختلف به سطح شهری منتقل شده است. این مسئله اهمیت اتخاذ رویکردهای محلی و متناسب با وضعیت رشد و توسعه و چالش‌های هر مکان را نشان می‌دهد. درواقع امروزه این مفهوم که چالش‌های جهانی باید با پاسخ‌های محلی روبه‌رو شوند، بستری وسیع در مطالعات و پژوهش‌های بخش‌های مختلف فراهم کرده است. از مشکلات موجود در این باره، جمع‌آوری و ارائه داده‌ها برای شهرها در مراحل مختلف توسعه با شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی بسیار متفاوت است که نمی‌توان از آن چشم پوشید؛ چراکه حتی در کشورهایی با سیستم‌های نظارتی بسیار قوی و روش جمع‌آوری داده‌های کارآمد مانند آمریکا و انگلستان نیز تهیه یک مجموعه داده‌های منسجم و قابل اعتماد برای مناطق شهری دشوار است. درباره صنعت گردشگری و به‌ویژه در کشورهای

1. Rogerson
2. Dabeedooal
3. Panasiuk
4. Bonaiuto

در حال توسعه با وضعیتی به مراتب متغیر و آشفته‌تر و همچنین سیستم‌های جمع‌آوری داده ضعیف، چالش‌هایی مانند نبودن ابزارهای کارآمد جمع‌آوری داده‌ها و سنجش وضعیت، حتی بیشتر نمایان خواهد بود. به این دلیل پرداختن به مبحث ارائه شاخص‌های کارآمد و قابل اعتماد در بخش گردشگری شهری بسیار اهمیت دارد.

شکوفایی صنعت گردشگری در کلان‌شهرها، مستلزم چهارچوبی کارآمد به منظور سنجش، برنامه‌ریزی صحیح و نظارت بر این بخش است و نبودن این چهارچوب، آسیب و زیان‌های جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت. در اینجا این سؤال مطرح است که کدام شاخص‌ها می‌توانند نشان‌دهنده وضعیت شکوفایی بخش گردشگری در شهرها باشند. شاخص شکوفایی گردشگری شهری می‌تواند به عنوان یک ابزار کارآمد جهت دستیابی به درک روشن از وضعیت شکوفایی بخش گردشگری و شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آن و همچنین تدوین راهبردهای هماهنگ‌شده و عملیاتی برای شکوفایی این بخش، که با شرایط و الزام‌های کلان‌شهرهای گردشگرپذیر در سال‌های آینده منطبق باشد، کاربرد داشته باشد. از این رو بدیهی است که ارائه مدل شکوفایی گردشگری شهری و استفاده از آن برای کلان‌شهرهای گردشگرپذیر بسیار اهمیت خواهد داشت. بنابراین در پژوهش حاضر به ارائه مدل شکوفایی گردشگری شهری و تبیین شاخص‌های آن پرداخته شده است.

۲. پیشینه تحقیق

پروژه اسکان بشر ملل متحد (۲۰۱۳) در گزارش خود با ارائه شاخص شکوفایی شهری، از ایده شهرهای مردم‌محور پشتیبانی می‌کند. در این گزارش مفاهیم شکوفایی شهری، گرایش‌های شهری و منطقه‌ای و همچنین تغییر شهری در کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته مطرح می‌شود. همچنین رابطه شکوفایی شهری و برنامه‌ریزی شهری و بهبود وضعیت مقررات و نهادهای مرتبط برای تحقق شکوفایی شهری ارائه شده است. ساساکی^۱ (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که رشد اقتصادی محض به‌طور چشمگیری در جنبه‌های منتخب شکوفایی مؤثر نیست و در جهت رسیدن به شکوفایی شهری، توجه صرف به رشد اقتصادی شهرها اشتباهی

1. Sasaki

بزرگ به شمار می‌رود. از این رو دیدگاه‌های جدید به‌طور قابل توجهی بر توسعه منابع انسانی شهرها تأکید می‌کنند. استد^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که بین شکوفایی شهری و نوع حاکمیت شهرها، وضعیت شاخص‌های امید به زندگی و نوآوری ناحیه‌ای رابطه معناداری وجود دارد. الشمنندی^۲ (۲۰۱۷) در پژوهش خود بیان می‌کند که شاخص‌های کیفیت زندگی (QLI)^۳ به‌عنوان بخشی از طرح شکوفایی شهری کمیته اسکان بشر ملل متحد (CPI)، در بهبود برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها و جوامع شهری نقش بسزایی دارند.

سخنور و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق خود دریافته‌اند که هزینه‌های گردشگری و شکوفایی دارای رابطه معناداری هستند. همچنین براساس نتایج این پژوهش، آموزش، ایمنی - امنیت و بهداشت مهم‌ترین عواملی هستند که بر هزینه‌های گردشگری کشور مبدأ تأثیرگذار هستند. وزارت امور شهری و روستایی عربستان سعودی^۴ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که در مناطق شهری، استفاده از فرصت‌های بالقوه جهت افزایش بهره‌وری، توسعه زیرساخت‌ها، عدالت و شمول اجتماعی، پایداری محیط زیست و حاکمیت قوانین شهری ضرورت دارد که در نهایت منجر به شکوفایی شهری می‌شود. نتایج پژوهش ابوبکر و همکاران (۲۰۱۹) نشان دهنده این است که وضعیت محله‌های فقیرنشین از نظر شکوفایی پیچیده و متغیر است. ایشان عقیده دارند که تنها راه مقابله با این وضعیت، تفکیک آن‌ها به واحدهای کوچک و قابل کنترل است و همچنین باید پیوند عملیاتی مداخلات به گونه‌ای مؤثر و کارآمد و براساس الگوهای شکوفایی شهری باشد.

وودکرافت (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که شهرهای شکوفا به‌طور خودکار شهروندان شکوفا ایجاد نمی‌کنند. به بیان دیگر، سطح نابرابری شهری در انگلستان و سراسر جهان موجب توجه به مکانیسم‌های توزیع برخورداری و شکوفایی در شهرها شده است. در این زمینه شکوفایی شهری در حال تبدیل شدن به یک برنامه مهم برای لندن و شهرهای دیگر انگلستان و همچنین در مقیاس جهانی است. ابوبکر و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود دریافته‌اند که از طریق فرآیندهای مناسب ساخت مکان، ایجاد فضاهای سازگار، افزایش انسجام

1. Stead

2. Alshamndy

3. Quality of Life Index

4. Ministry of Municipal and Rural Affairs, Saudi Arabia

اجتماعی و ایجاد احساس تعلق به مکان می‌توان نبود تعادل‌ها را اصلاح کرد و شکوفایی را میسر ساخت. مور و وودکرافت^۱ (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که محور قرار دادن ساکنان محلی و شهروندان، با انعکاس مسائل با ارزش و نگرانی افراد و جوامع در شرق لندن، زمینه را برای توسعه معیارهای شکوفایی آماده می‌کند. نتایج پژوهش مؤسسه لگاتوم (۲۰۲۰) نشان‌دهنده این است که در شرایطی که بیماری کووید ۱۹ بر تمام بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... تسلط یافته است؛ استفاده از شاخص شکوفایی شهری در زمینه شناسایی موارد بااهمیت و اتخاذ تصمیم‌هایی که شکوفایی را برای شهروندان ممکن می‌کند، برای رهبران کشورهای مختلف بسیار سودمند خواهد بود. جمینی و دهقانی (۲۰۲۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که از میان ۱۷ عامل مؤثر بر تاب‌آوری گردشگری، پنج عامل حمایت مالی دولت، سرمایه مالی، تجهیزات بهداشتی، تأسیسات زیربنایی و کنترل بیماری‌ها مؤثرترین عوامل کلیدی و تأثیرگذار بر تاب‌آوری هستند. لاول و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که سه برنامه کلیدی و مرتبط با یکدیگر از قبیل ریشه‌کن کردن فقر شدید، ارتقای شکوفایی و ایجاد انعطاف‌پذیری، با هم شرایط و فرصت‌هایی را برای اهداف توسعه پایدار و عدالت شهری آشکار می‌کنند. دویگنان و پاپالپور (۲۰۲۳) در مقاله خود به این نتیجه رسیده‌اند که شهرهای المپیک به‌طور فزاینده‌ای از اصول گردشگری شهری جدید^۲ (NUT) به‌عنوان بخشی از اهداف توسعه استراتژیک گردشگری میزبان استفاده می‌کنند. به‌منظور انجام این کار، دولت‌ها و سازمان‌دهندگان رویدادها در پی درگیر کردن بازدیدکنندگان با زندگی شهری، فرهنگی و روزمره محلی هستند. ایوارس بایدال و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که شاخص‌ها ابزاری اساسی برای مقاصد گردشگری، در زمینه پیشرفت آن‌ها در مسیر توسعه گردشگری پایدارتر هستند. با این حال، فقدان پیشرفت واقعی و تغییرات سریع فناوری، مسئولان را ملزم به تجدید نظر در سیستم شاخص‌های موجود می‌کند.

ملکی و مدانلو جویباری (۱۳۹۵) در کتاب خود به معرفی شاخص شکوفایی شهری و ارائه سیاست‌های شکوفایی شهرها پرداخته‌اند. محتشمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که ارائه عادلانه فرصت‌ها به‌همراه وجود مؤسسات کارآمد ازجمله عوامل مثبت

1. Moore & Woodcraft

2. New Urban Tourism

و تأثیرگذار و از سوی دیگر حاکمیت ضعیف، وجود فساد و مؤسسات ناکارآمد ازجمله موانع مهم شکوفایی شهری در کشورهای جهان سوم منطقه جنوب غربی آسیا هستند. نتایج پژوهش محمدیارزاده و شمس الهی (۱۳۹۵) نشان دهنده این است که بهبود وضعیت فضاهای عمومی در شهرها می‌تواند موجب پیشرفت وضعیت اقتصادی، آموزشی، سلامت شهروندان، احیای هویت‌های محلی و درنهایت شکوفایی شهری شود. احدنژاد و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود بر ناپایداری کلان‌شهر تبریز تأکید دارند. ایشان در این پژوهش ۱۵ متغیر اصلی را که در آینده شکوفایی شهری کلان‌شهر تبریز تأثیرگذار هستند، معرفی کرده‌اند.

وجه تمایز این پژوهش از سایر پژوهش‌های انجام‌شده این است که در پژوهش‌های پیشین تنها به مسئله شکوفایی و شکوفایی شهری پرداخته شده و برای اولین بار در پژوهش حاضر به شکوفایی گردشگری شهری توجه شده و مدل شکوفایی گردشگری شهری معرفی و شاخص‌های آن تبیین شده است. از سوی دیگر در زمینه شکوفایی، تجمیع متغیرهای مربوط به شاخص‌های روابط و مدیریت، ذیل بُعد نهادی است که برای اولین بار در این پژوهش انجام شده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

نوع پژوهش حاضر کاربردی - توسعه‌ای و اکتشافی و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای - میدانی است و رویکرد حاکم بر آن از نظر ماهیت، تحلیل نظری است. بنابراین با توجه به آن در مراحل مختلف، ترکیبی از روش‌های توصیفی - تحلیلی و پیمایشی استفاده شده است. از سوی دیگر، روش تحقیق پژوهش حاضر را می‌توان به دو بخش کیفی و کمی تقسیم کرد.

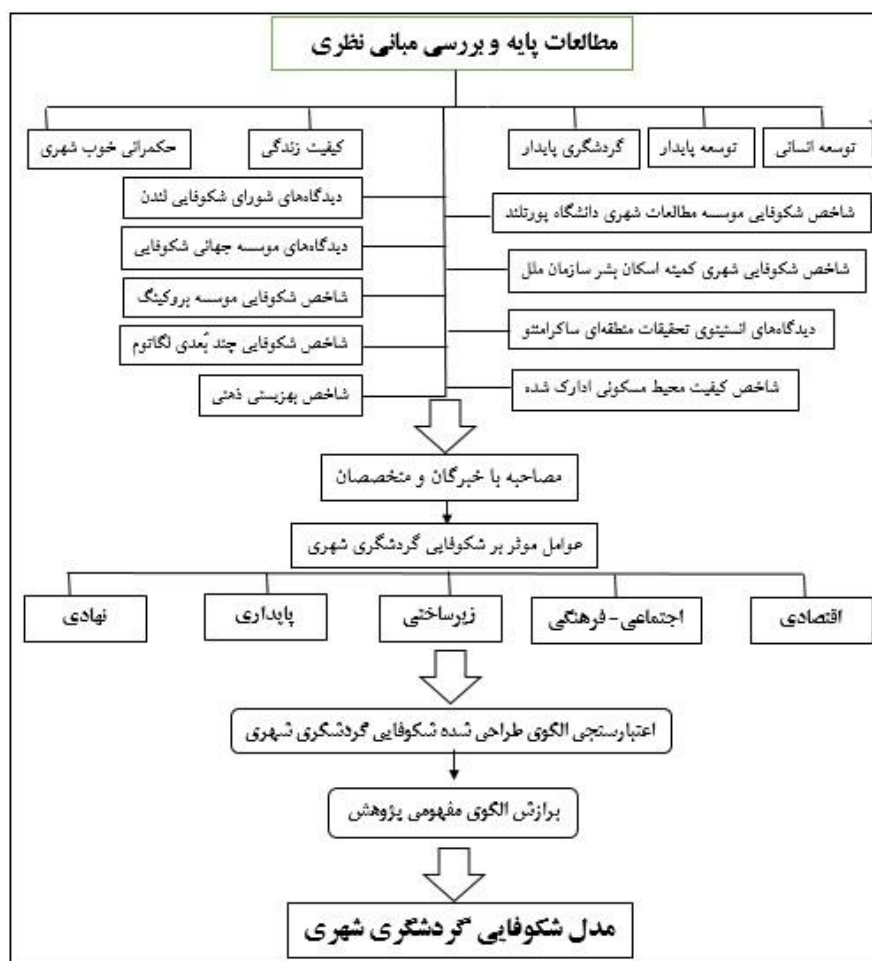
در بخش کیفی، ابتدا ادبیات نظری در حوزه گردشگری پایدار، شکوفایی شهری، توسعه پایدار، حکمرانی خوب شهری، کیفیت زندگی و توسعه انسانی با دیدگاهی ساختاری و سیستماتیک بررسی شده است. در این مرحله محتوای بیش از ۷۰ کتاب، مقاله و گزارش معتبر علمی و همچنین مهم‌ترین شاخص‌های مرتبط با مباحث شکوفایی، پایداری و گردشگری بررسی شده و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری از روش تحلیل محتوا حاصل شد.

در مرحله بعد با استفاده از روش مصاحبه و بهره‌گیری از آرای ۳۰ نفر از متخصصان و کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و گردشگری (که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند)، با لحاظ کردن یافته‌های مرحله اول پژوهش و اخذ دیدگاه‌های متخصصان، یک جمع‌بندی از عوامل مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری حاصل شد. در نهایت براساس نتایج حاصل‌شده از این مرحله، مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکوفایی گردشگری شهری در ابعاد پنج‌گانه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیرساختی، پایداری و نهادی استخراج شد.

بخش کمی، مرحله دوم این پژوهش را تشکیل داده است. در این مرحله از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری براساس کمترین مربعات جزئی^۱ در راستای اعتبارسنجی الگوی طراحی‌شده شکوفایی گردشگری شهری استفاده شده است؛ که به‌منظور تکوین نظریات در مطالعات اکتشافی در مقایسه با رویکرد کواریانس‌محور^۲ کاربرد بیشتری دارد. جامعه آماری این بخش از پژوهش را نخبگان، متخصصان و کارشناسان مدیریت شهری و گردشگری تشکیل می‌دهند. جمع‌آوری داده‌ها با روش نمونه‌گیری هدفمند، از نوع گلوله‌برفی که یک روش غیرتصادفی است انجام شده و اجرای آن تا اشیاع نظری ادامه یافته است. در این مرحله از پژوهش از دیدگاه‌های ۱۵۴ نفر به‌عنوان نمونه آماری استفاده شده است. در پژوهش حاضر علاوه بر استفاده از نرم‌افزار SPSS، به کمک نرم‌افزار Smart-PLS3 از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم به‌منظور اعتبارسنجی الگوی طراحی‌شده استفاده شد. مدل تحلیلی پژوهش حاضر در شکل شماره ۱ ارائه شده است.

1. Partial Least Squares Structural Equation Modeling

2. Covariance-Based SEM



شکل ۱. مدل تحلیلی پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

۴. مبانی نظری تحقیق

۴.۱. شکوفایی شهری

در شرایط کنونی، جستجوی شکوفایی یکی از اهداف اصلی شهرها است. به طور کلی یک شهر شکوفا مکانی است که حق زندگی در آن، با تمام مزایایی که به آن تعلق دارد، اعطا می‌کند. به گفته کمیته اسکان بشر سازمان ملل (۲۰۱۶)، شهر شکوفا مکانی است که برای رفع نیازهای اساسی انسان‌ها، در آنجا خدمات عمومی ضروری ارائه می‌شود و فرصت‌ها و شرایط شکوفایی

در آن فراهم است (سروین ۱ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۲). شهر شکوفا از ادغام شش شاخص مهم ایجاد می‌شود که عبارتند از: بهره‌وری، توسعه زیرساخت‌ها، کیفیت زندگی، مساوات و عدالت اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی، نظارت و قانون که هرکدام زیرشاخص‌هایی را دربردارند. براساس این رویکرد، شکوفایی بر موفقیت، ثروت، رونق، خوشبختی، اعتماد به نفس در آینده و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه دلالت دارد. شکوفایی شهری رویکردی است که ترکیبی از رویکردهای توانمندسازی، مشارکت، حکمرانی خوب شهری، توسعه پایدار، رقابتی نمودن شهرها، برنامه‌ریزی استراتژیک و ... را در خود دارد. به عبارت دیگر، موضوع شکوفایی شهری برآیندی از حرکت به سمت توسعه پایدار شهری است که سازمان ملل آن را برای ایجاد یک ساختار یکپارچه برای ارزیابی وضعیت شهرهای جهان و تجزیه و تحلیل و یافتن مشکلات و معرفی اولویت‌های ضروری، براساس یک چهارچوب علمی مطرح می‌کند (کمیتة اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۲، ص. ۱۱).

از سوی دیگر، مفهوم شکوفایی شهری به‌منظور از بین بردن اشکال ناکارآمد و ناپایدار عملکردهای شهر در قرن گذشته مطرح شده است (وانگ، ۲۰۱۵، ص. ۲). در این میان شاخص شکوفایی شهری مدعی ایجاد سرزندگی و پویایی در شهرها است و بنابراین اهمیت آن برای عصر جدید - عصر جهان شهری - به‌منظور ایجاد یک مرکز خوب و مردم‌محور - برخلاف عملکردهای ناکارآمد و ناپایدار شهر در عصر قبل - غیر قابل چشم‌پوشی است (ویجایا ۲، ۲۰۱۹، ص. ۱۱۰). در یک نمای کلی، یک شهر شکوفا با توسعه سیاست‌های اقتصادی و اصلاحات مؤثر با استفاده از خلاقیت، نوآوری، تحقیق و توسعه علم و فناوری، زمینه رشد اقتصادی و تأمین مشاغل مناسب و فرصت‌های برابر را برای همه شهروندان فراهم می‌کند. به عبارت دیگر شهر شکوفا شهری است که بدون در نظر گرفتن نژاد، قومیت، جنسیت، مذهب و یا وضعیت اقتصادی - اجتماعی، شرایط دسترسی به مسکن و خدمات اساسی، امکانات اجتماعی، کالاهای عمومی و شرایط مناسب محیطی را برای همه شهروندان فراهم کند.

۲.۴. گردشگری شهری

امروزه شهرها به عنوان یکی از پررونق‌ترین مقاصد گردشگری، گردشگران زیادی را در خود جای می‌دهند؛ و به طور کلی از نظر ورود گردشگر و تأثیر آن بر تولید ناخالص داخلی، بزرگ‌ترین مقاصد گردشگری جهان به شمار می‌روند (پاناسیوک، ۲۰۲۰، ص. ۳۳). گردشگری شهری یکی از متداول‌ترین اشکال گردشگری است که امروزه انگیزه‌های زیادی برای انجام آن وجود دارد و به عنوان «مجموعه‌ای از منابع یا فعالیت‌های گردشگری واقع در شهرها و شهرک‌ها و ارائه شده به بازدیدکنندگان از جای دیگر» تعریف می‌شود و با پویایی شهری رابطه دارد. این نوع از گردشگری شامل دیدگاه‌های مختلف ادغام و تعامل، از جمله خطوط اقتصادی و فرهنگی شهرها و همچنین چشم‌اندازهای اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی می‌شود (سوگیموتو^۱، ۲۰۱۹، ص. ۲). بنابراین گردشگری شهری یک پروژه استراتژیک در حال رشد در نظر گرفته می‌شود (آندرونیکیانو^۲، ۲۰۱۹، ص. ۳۴).

گردشگری شهری که بیشتر از آن به عنوان کلان‌شهر نیز تعبیر می‌شود، شامل مقاصدی است که جمعیت گردشگران به آنجا هدایت می‌شود. این به معنای یک منطقه شهری یا به طور گسترده‌تر، یک کلان‌شهر با زیرساخت‌های گسترده شهری از جمله حمل و نقل، اقامت (محل اقامت و پذیرایی)، خدمات فرهنگی، ورزشی و تفریحی، سرگرمی، تجاری، عمومی و سایر خدمات متناسب با نیازهای گردشگران و ساکنان شهرها است (سرافین^۳ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۳۷۵). به عبارت دیگر گردشگری شهری بیشتر در قلب شهرها وجود دارد و بازدیدکنندگان و ساکنان را به استفاده مشترک از خدمات و امکانات و همچنین شرکت در رویدادهای فرهنگی سوق می‌دهد. در واقع، در این شرایط بسیاری از تجربه‌های گردشگری در فضای عمومی مانند بازارها، بناهای تاریخی، موزه‌ها، باغ‌ها و حمل و نقل آشکار می‌شود (آشوورث و پیچ^۴، ۲۰۱۱، ص. ۲). بنابراین، هدف شهرها توسعه این فعالیت سودآور است که نتیجه آن ظهور مقصدهای جدید و افزایش رقابت بین شهرها است (چبلی و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۷۶).

1. Sugimoto

2. Androniceanu

3. Seraphin

4. Ashworth & Page

۳.۴. شکوفایی گردشگری شهری^۱

در شرایط کنونی، به دست آوردن دید کلی دربارهٔ بخش گردشگری و تشخیص محدودیت‌های آن، پیش‌شرط انجام هرگونه برنامه‌ریزی و اعمال تغییرات در این بخش است. این در حالی است که برخی آمارها تنها می‌توانند نشانگر جهت حرکت در زمینهٔ سیاست‌های کلی باشند. با این وجود اقدامات تحول‌آفرین در زمینهٔ شکوفایی بخش گردشگری، نیازمند مداخلات در مقیاس محلی‌تر است. بنابراین استفاده از شاخص‌ها به‌عنوان ابزارهایی استاندارد با امکان مقایسه در طول زمان، مناطق مختلف جغرافیایی و برنامه‌ها، ممکن است بسیار سودمند باشد. از این رو کمیتهٔ اسکان بشر سازمان ملل متحد همواره نسبت به توسعهٔ شاخص‌های جامع‌تر و جدید تأکید داشته است. در پژوهش حاضر براساس مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تحول گردشگری شهری، مجموعه‌ای از شاخص‌ها شناسایی شده که به‌عنوان مدل شکوفایی گردشگری شهری ارائه شده است.

مدل شکوفایی گردشگری شهری از بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعهٔ انسانی، توسعهٔ پایدار، گردشگری پایدار، کیفیت زندگی، حکمرانی خوب شهری، شاخص شکوفایی شهری کمیتهٔ اسکان بشر سازمان ملل متحد^۲ و دیگر شاخص‌های شکوفایی از قبیل شاخص بهزیستی ذهنی^۳، شاخص کیفیت محیط مسکونی ادراک‌شده^۴ (PREQIs)، شاخص شکوفایی چندبعدی لگاتوم^۵، شاخص شکوفایی مؤسسهٔ مطالعات شهری دانشگاه ایالتی پورتلند^۶ (IMS)، شاخص شکوفایی مؤسسهٔ بروکینگ^۷ و دیدگاه‌های شورای شکوفایی لندن^۸، انستیتوی تحقیقات منطقه‌ای ساکرامنتو^۹ (SRRI) و همچنین مؤسسهٔ شکوفایی جهانی^{۱۰} (IGP) در رابطه با شکوفایی حاصل شده است.

1. Urban Tourism Prosperity Index
2. UN-Habitat Prosperity Index
3. Subjective Well-Being indicators
4. Perceived Residential Environment Quality Indicators
5. The multidimensional Legatum Prosperity Index
6. the Portland State University Institute of Metropolitan Studies Index
7. Brookings Institution Index
8. The London Prosperity Board
9. The Sacramento Regional Research Institute
10. The Institute for Global Prosperity

براساس این رویکرد، شکوفایی گردشگری شهری بر موفقیت، پایداری، هدفمند بودن، آینده‌نگری، عدالت محوری و اعتماد به نفس در آینده بخش گردشگری دلالت دارد. به‌طور کلی شاخص شکوفایی گردشگری شهری، امکان کنترل عملکردهای مدیریتی، به‌ویژه ارزیابی و سیاست‌گذاری استراتژیک را برای مدیران بخش گردشگری فراهم می‌کند. مهم‌تر از همه، این شاخص فرصتی برای سنجش تأثیر اعمال سیاست‌های توسعه گردشگری را بر وضعیت کلی گردشگری شهری ایجاد می‌کند. به‌طور کلی شاخص شکوفایی گردشگری شهری از یک سو به‌صورت استراتژیک به‌عنوان ابزاری مؤثر در برنامه‌ریزی و اقدام نهادهای مرتبط با گردشگری شهری کاربرد دارد؛ و از سوی دیگر، نهادهای مرتبط با بخش گردشگری را قادر می‌کند تا با نظارت دقیق، نقاط ضعف و محدودیت‌هایی را که موجب محقق نشدن شکوفایی بخش گردشگری می‌شود شناسایی کرده و درنهایت به ارائه راهکارهایی مؤثر به‌منظور حل مشکلات این بخش به‌صورت بنیادین بپردازند.

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری

در پژوهش حاضر به‌منظور شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر شکوفایی گردشگری شهری، پس از تحلیل محتوای پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه و همچنین بررسی و کنکاش ابعاد مختلف شاخص‌های مرتبط با پژوهش از قبیل شاخص شکوفایی چندبعدی، شاخص بهزیستی ذهنی، شاخص شکوفایی مؤسسه بروکینگ، شاخص کیفیت محیط مسکونی ادراک‌شده، شاخص شکوفایی مؤسسه مطالعات شهری دانشگاه ایالتی پورتلند و غیره از روش مصاحبه استفاده شد. روش‌های کیفی بیشتر به‌منظور کشف ایده‌های قابل اطمینان و نوآورانه و همچنین تدارک دیدن اطلاعات مناسب درباره آن استفاده می‌شود. لذا در این باره ۳۰ نفر از متخصصان و خبرگان از بین استادان دانشگاه، دانشجویان مقطع دکتری، محققان، شاغلان و مدیران بخش‌های خصوصی و دولتی مرتبط با حوزه شکوفایی، مدیریت و توسعه شهری و گردشگری از طریق روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب مصاحبه شدند. با توجه به مشکلات جمع‌آوری داده‌ها، از استفاده از نمونه بزرگ‌تر خودداری شد.

نتایج بخش کیفی پژوهش که بعد از پایش و تحلیل پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان حاصل شد، بیانگر این است که ۷۶/۶ درصد خبرگان و متخصصان - ۲۳ نفر - معتقد بوده‌اند که شاخص اشتغال و متغیرهای آن می‌تواند یکی از شاخص‌های بعد اقتصادی تشکیل‌دهنده شاخص شکوفایی گردشگری شهری باشد. ۷۰ درصد پاسخگویان - ۲۱ نفر - درباره تجمع اقتصادی و متغیرهای آن و ۸۳/۳ درصد نیز درباره رشد اقتصادی و متغیرهای آن اتفاق نظر داشته‌اند. درباره بعد اجتماعی - فرهنگی ۷۳/۳ درصد پاسخگویان به شاخص ایمنی و امنیت، ۷۶/۶ درصد به شاخص رضایت اجتماعی، ۷۰ درصد نیز به شاخص عدالت محوری اولویت داده‌اند. درباره بعد زیرساختی، ۸۳/۳ درصد به شاخص تکنولوژی، ۸۶/۶ درصد به شاخص جاذبه‌ها اولویت داده‌اند و ۹۳/۳ درصد درباره شاخص خدماتی - فرهنگی اتفاق نظر داشته‌اند. همچنین براساس نظر ۷۶/۶ درصد خبرگان و متخصصان در بعد پایداری، به شاخص زیست محیطی توجه شده است؛ از سوی دیگر ۸۰ درصد پاسخگویان نیز درباره شاخص پایداری شهری و متغیرهای آن هم عقیده بوده‌اند. در نهایت در بعد نهادی ۸۶/۶ درصد خبرگان و متخصصان شاخص روابط و ۹۰ درصد ایشان، شاخص مدیریت را در اولویت دانسته‌اند.

جدول ۱. نتایج مصاحبه با خبرگان و متخصصان

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

شاخص	فراوانی (تکرار شاخص در مصاحبه‌ها)	درصد
اشتغال	۲۳	۷۶/۶
تجمع اقتصادی	۲۱	۷۰
رشد اقتصادی	۲۵	۸۳/۳
ایمنی و امنیت	۲۲	۷۳/۳
رضایت اجتماعی	۲۳	۷۶/۶
عدالت محوری	۲۱	۷۰
تکنولوژی	۲۵	۸۳/۳
جاذبه‌ها	۲۶	۸۶/۶
خدماتی - فرهنگی	۲۸	۹۳/۳
زیست محیطی	۲۳	۷۶/۶
پایداری شهری	۲۴	۸۰
روابط	۲۶	۸۶/۶

شاخص	فراوانی (تکرار شاخص در مصاحبه‌ها)	درصد
مدیریت	۲۷	۹۰
مجموع	۳۰	۱۰۰

براساس نتایج به‌دست‌آمده از کنکاش ابعاد، شاخص‌ها و متغیرهای مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری در مرحله مصاحبه و سنجش دیدگاه‌های متخصصان و خبرگان و همچنین با محور قرار دادن یافته‌های بخش اول (بررسی مبانی نظری پژوهش) که شامل بیش از ۷۰ مقاله، کتاب و گزارش معتبر و قابل استناد بوده است و برخی از مهم‌ترین آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده‌اند، در نهایت ۵۳ متغیر در قالب ابعاد پنج‌گانه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، زیرساختی، پایداری و نهادی به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری شناسایی شد.

جدول ۲. عوامل مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

ابعاد	شاخص	متغیرها	منابع
اقتصادی	اشتغال	تعداد کارکنان شاغل در بخش گردشگری؛ اشتغال غیررسمی؛ کارآفرینی	(پاناسیوک ^۱ ، ۲۰۲۰؛ سازمان جهانی گردشگری ^۲ ، ۲۰۱۲؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۴؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۵؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۶؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۷؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۸).
	تجمع اقتصادی	تراکم اقتصادی (تولید بخش گردشگری شهر تقسیم بر مساحت)؛ تخصصی نمودن اقتصاد (نسبت اشتغال در بخش گردشگری بر کل اشتغال شهر)؛ منابع مالی (سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی و دولتی)؛ سرمایه‌گذاری	(مؤسسه شکوفایی جهانی ^۳ ، ۲۰۱۹؛ سخنور و همکاران، ۲۰۱۸؛ بیت ^۴ ، ۲۰۰۹؛ ویلینگهام و هولزمن ^۵ ، ۲۰۱۷)

1. Panasiuk
2. UNWTO
3. IGP
4. Bate
5. Willingham & Hulseman

ابعاد	شاخص	متغیرها	منابع
		خارجی؛ ارزش صادرات بخش گردشگری	
	رشد اقتصادی	متوسط درآمد خانوارهای شاغل در بخش گردشگری؛ تعداد گردشگران ورودی؛ ارزش افزوده؛ درآمد صنایع مرتبط	(کورسیچ و کوکوتوویچ ^۱ ، ۲۰۱۷؛ دادز ^۲ و همکاران، ۲۰۱۶؛ شایونز ^۳ ، ۱۹۹۹)
اجتماعی - فرهنگی	ایمنی و امنیت	مراکز ایمنی و امنیتی؛ احساس امنیت گردشگران؛ بیمه گردشگران؛ نرخ سرقت؛ نرخ قتل؛ میزان جرایم علیه گردشگران.	(هکر و لاوتنهی ^۴ ، ۲۰۲۰؛ فارساری ^۵ ، ۲۰۱۲؛ تنگوی ^۶ و همکاران، ۲۰۱۲)
	رضایت اجتماعی	رضایت شهروندان؛ رضایت گردشگران	(عاشور ^۷ و همکاران، ۲۰۱۵؛ جی‌اس‌تی‌سی ^۸ ، ۲۰۱۳؛ چوی و ترک ^۹ ، ۲۰۱۱)
	عدالت محوری	اشتغال زنان در بخش گردشگری؛ زنان در مدیریت گردشگری؛ توزیع خدمات گردشگری؛ توزیع درآمدهای بخش گردشگری؛ عدالت فضایی در کارآفرینی و اشتغال؛ عدالت فضایی در توزیع جاذبه‌ها	(دی و رومانچک ^{۱۰} ، ۲۰۲۰؛ ابوبکر و همکاران، ۲۰۱۹؛ هاجرا و گوش ^{۱۱} ، ۲۰۱۴)
زیرساختی	تکنولوژی	استفاده از شبکه ICT	(مؤسسه لگاتوم، ۲۰۲۰؛ ونگ ^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۰؛ نی‌یره ^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۰؛ ویجایا ^{۱۴} ، ۲۰۱۹)

1. Kurecic & Kokotovic
2. Dodds
3. Scheyvens
4. Hacker & Loewentheil
5. Farsari
6. Tanguay
7. Ashour
8. GSTC
9. Choi & Turk
10. Day & Romancheck
11. Hajra & Ghosh
12. Wang
13. Nyerere
14. Wijaya

ابعاد	شاخص	متغیرها	منابع
	جاذبه‌ها	جاذبه‌های میراثی؛ جاذبه‌های جدید؛ جاذبه‌های طبیعی و اکوتوریسم	(چبلی ^۱ و همکاران، ۲۰۲۰؛ شبرینا ^۲ و همکاران، ۲۰۲۰؛ سروین ^۳ و همکاران، ۲۰۱۹؛ بوین و تنگوی ^۴ ، ۲۰۱۹؛ آدامو و همکاران، ۲۰۱۸)
	خدماتی - فرهنگی	خدمات اقامتی؛ فرهنگی؛ تجاری؛ غذایی؛ تفریحی؛ بهداشتی - درمانی؛ حمل و نقل	(شبرینا و همکاران، ۲۰۲۰؛ بوین و تنگوی، ۲۰۱۹؛ آدامو ^۵ و همکاران، ۲۰۱۸)
پایداری	زیست‌محیطی	میزان آلودگی‌ها (هوا، آب، صوتی و...); مدیریت پسماند؛ دسترسی به فضای باز؛ پارک‌ها و فضای سبز؛ استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در بخش گردشگری	(دانگی و جمال ^۶ ، ۲۰۱۶؛ سیلوا، ۲۰۱۵؛ مجمع جهانی شهری ^۶ ، ۲۰۱۲؛ شیانتز و کاوانا ^۷ ، ۲۰۰۸)
	پایداری شهری	تراکم جمعیت؛ تنوع کاربری زمین؛ تعداد خانوارهای زاغه‌نشین	(موسیونگام ^۸ و همکاران، ۲۰۲۰؛ موسی ^۹ و همکاران، ۲۰۱۹)
نهادی	روابط	روابط خارجی (سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و ..)؛ روابط بین سازمانی (سازمان‌های دولتی و خصوصی در سطوح مختلف)	(لک ^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۹؛ مک لاگلین و هانراهان ^{۱۱} ، ۲۰۱۷؛ کلدول ^{۱۲} ، ۲۰۱۵)
	مدیریت	مدیریت منابع (مادی و غیرمادی)؛ مدیریت قوانین (فراگیری، کارآمدی، به روز بودن و ..)؛ نظارت بر عملکرد	(مؤسسه لگام، ۲۰۲۰؛ بیسواس ^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۹؛ آینا ^{۱۴} و همکاران،

1. Chebli
2. Shabrina
3. Servín
4. Boivin & Tanguay
5. Adamo
6. Dangi & Jamal
7. Schianetz & Kavanagh
8. Musavengane
9. Musa
10. Lak
11. McLoughlin & Hanrahan
12. Coldwell
13. Biswas
14. Aina

ابعاد	شاخص	متغیرها	منابع
		سازمان‌ها و نهادها؛ برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌ها؛ خلاقیت	۲۰۱۹؛ فریتس و کاک ^۱ ، ۲۰۱۶؛ استند، (۲۰۱۵)

همان‌گونه که در جدول ۲ می‌توان ملاحظه کرد شاخص‌های اشتغال، تجمع اقتصادی و رشد اقتصادی، زیر مجموعه بُعد اقتصادی قرار گرفته‌اند. این امر به آن معناست که سنجش متغیرهای مربوط به هریک از این شاخص‌ها به منظور کسب دیدگاهی واضح از وضعیت شکوفایی اقتصادی بخش گردشگری شهری ضروری است. از سوی دیگر به منظور ارزیابی میزان شکوفایی اجتماعی - فرهنگی بخش گردشگری، سنجش متغیرهای مربوط به شاخص‌های ایمنی و امنیت، رضایت اجتماعی و عدالت محوری ضرورت دارد. در همین راستا با سنجش متغیرهای شاخص‌هایی از قبیل تکنولوژی، جاذبه‌ها و خدماتی - فرهنگی، می‌توان از وضعیت شکوفایی زیرساختی بخش گردشگری مطلع شد. همچنین شاخص‌های بُعد پایداری به دو بخش زیست محیطی و پایداری شهری تقسیم می‌شوند که سنجش متغیرهای آن‌ها بیانگر وضعیت پایداری بخش گردشگری شهری خواهد بود. نکته قابل توجه این است که همان‌گونه که در شاخص شکوفایی شهری ارائه شده از سوی کمیته اسکان بشر سازمان ملل متحد، بعد پایداری در کنار دیگر ابعاد به صورت مجزا ارائه شده است؛ در شاخص شکوفایی گردشگری شهری ارائه شده در پژوهش حاضر نیز پایداری به موازات ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیرساختی و نهادی به عنوان یکی از ابعاد ارائه شده است. در نهایت ارزیابی متغیرهای مربوط به شاخص‌های روابط و مدیریت، نشان‌دهنده وضعیت شکوفایی بُعد نهادی بخش گردشگری شهری خواهد بود.

۲.۴. اعتبارسنجی الگوی طراحی شده شکوفایی گردشگری شهری

جهت اعتبارسنجی الگوی طراحی شده شکوفایی گردشگری شهری از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری براساس کمترین مربعات جزئی^۲ استفاده شد؛ که به منظور تکوین نظریات در مطالعات اکتشافی، کاربرد بهتری در مقایسه با رویکرد کواریانس محور^۳ دارد (هیر و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۹). در پژوهش حاضر با توجه به اینکه مدل «شکوفایی گردشگری شهری» از نوع

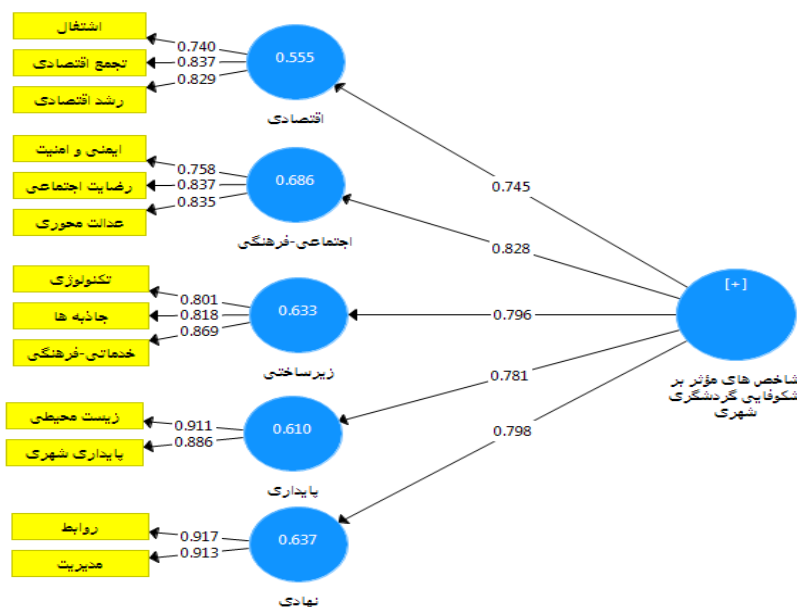
1. Fritz & Koch

2. Partial Least Squares Structural Equation Modeling

3. Covariance-Based SEM

تحقیقات اکتشافی به منظور توسعه تئوری^۱ است، بنابراین از رویکرد کمترین مربعات جزئی استفاده شده است. برای مشخص کردن اینکه آیا شاخص‌های «اقتصادی»، «اجتماعی - فرهنگی»، «زیرساختی»، «پایداری» و «نهادی» می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکوفایی گردشگری شهری استفاده شوند و همچنین اینکه آیا سؤال‌های طراحی شده برای هر شاخص از اعتبار لازم برخوردار هستند، از مدل اندازه‌گیری شکوفایی گردشگری شهری آزمون گرفته شده است. در این راستا با استفاده از نرم‌افزار Smart-PLS3، از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم به منظور اعتبارسنجی الگوی طراحی شده استفاده شده است.

شکل ۲ بیانگر نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم جهت اعتبارسنجی و تأیید روایی سازه الگوی مفهومی پژوهش است. در پژوهش حاضر با توجه به پیشنهاد هیر و همکاران (۲۰۱۹)، نقطه برش بارهای عاملی به منظور قابل قبول بودن برابر با ۰/۷۰۸ لحاظ شده است. در جدول ۲ نتایج بارهای عاملی و سطح معناداری مرتبط با سؤال‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری ارائه شده است.



شکل ۲. شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

همچنین مقادیر جدول ۳ بیانگر بارهای عاملی و مقادیر معناداری سؤال‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری است. در این راستا با توجه به پیشنهاد هیر و همکاران (۲۰۱۹)، بارهای عاملی شاخص‌ها و سؤال‌های انتخاب‌شده در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار هستند. یافته‌ها حاکی از آن است که شاخص‌های «اجتماعی - فرهنگی» (۰/۸۲)، «نهادی» (۰/۷۹)، «زیرساختی» (۰/۷۹)، «پایداری» (۰/۷۸) و «اقتصادی» (۰/۷۴) دارای بار عاملی قابل قبول و معنادار هستند و می‌توانند به‌عنوان شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری استفاده شوند ($P < 0.05$). در ادامه، برازش الگوی مفهومی پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳. بارهای عاملی و سطح معناداری شاخص‌های شکوفایی گردشگری شهری

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

P-Values	شاخص‌ها		سؤال		شماره	شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری
	T-Values	بار عاملی	T-Values	بار عاملی		
۰/۰۰۱	۱۲/۲۷	۰/۷۴	۱۱/۸۶	۰/۷۷	۱	اقتصادی
			۱۸/۷۶	۰/۷۹	۲	
			۴۱/۸۸	۰/۹۰	۳	
			۱۱/۵۷	۰/۶۹	۴	
			۱۸/۴۳	۰/۷۸	۵	
			۳۸/۴۲	۰/۸۹	۶	
			۱۶/۶۶	۰/۷۷	۷	
			۹/۰۱	۰/۶۸	۸	
			۱۰/۲۲	۰/۷۱	۹	
			۱۰/۰۶	۰/۷۰	۱۰	
			۱۵/۳۹	۰/۷۶	۱۱	
			۱۷/۲۹	۰/۸۲	۱۲	
			۳۴/۴۲	۰/۸۷	۱۳	
۰/۰۰۱	۱۸/۱۰	۰/۸۲	۳۸/۳۸	۰/۸۸	۱۴	اجتماعی - فرهنگی
			۴۳/۳۴	۰/۸۸	۱۵	
			۱۲/۸۸	۰/۷۲	۱۶	
			۱۳/۸۳	۰/۷۱	۱۷	
			۱۳/۹۶	۰/۷۵	۱۸	
			۱۲/۵۵	۰/۷۳	۱۹	
			۱۴/۴۳	۰/۷۸	۲۰	
			۱۱/۱۰	۰/۷۵	۲۱	
			۱۵/۳۰	۰/۷۳	۲۲	

P-Values	شاخص‌ها		سؤال		شماره	شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری
	T-Values	بار عاملی	T-Values	بار عاملی		
			۱۶/۳۰	۰/۷۷	۲۳	
			۶/۰۳	۰/۵۶	۲۴	
			۹/۲۴	۰/۷۲	۲۵	
			۱۲/۳۴	۰/۷۹	۲۶	
			۸/۸۷	۰/۷۱	۲۷	
۰/۰۰۱	۲۰/۹۳	۰/۷۹	۱۰/۹۰	۰/۷۱	۲۸	زیرساختی
			۹/۵۷	۰/۶۹	۲۹	
			۱۱/۹۸	۰/۷۳	۳۰	
			۱۴/۲۷	۰/۷۷	۳۱	
			۱۳/۵۵	۰/۷۶	۳۲	
			۶/۸۳	۰/۶۵	۳۳	
			۹/۴۰	۰/۶۷	۳۴	
			۱۰/۷۰	۰/۷۱	۳۵	
			۱۶/۷۱	۰/۸۲	۳۶	
			۱۴/۴۲	۰/۷۹	۳۷	
۰/۰۰۱	۱۷/۰۷	۰/۷۸	۲۱/۵۰	۰/۸۲	۳۸	پایداری
			۱۰/۷۴	۰/۷۱	۳۹	
			۲۰/۸۱	۰/۸۳	۴۰	
			۱۸/۹۵	۰/۷۹	۴۱	
			۱۵/۱۰	۰/۸۱	۴۲	
			۱۲/۸۶	۰/۷۶	۴۳	
			۳۴/۱۶	۰/۸۹	۴۴	
			۴۴/۴۲	۰/۹۱	۴۵	
۰/۰۰۱	۱۷/۲۵	۰/۷۹	۲۱/۹۹	۰/۸۳	۴۶	نهادی
			۱۵/۵۴	۰/۸۱	۴۷	
			۱۸/۵۶	۰/۸۰	۴۸	
			۳۴/۹۲	۰/۸۷	۴۹	
			۱۵/۴۶	۰/۸۰	۵۰	
			۱۲/۰۵	۰/۷۱	۵۱	
			۳۰/۲۷	۰/۸۹	۵۲	
			۵۹/۵۵	۰/۹۱	۵۳	

۳.۴. برازش الگوی مفهومی پژوهش

در این بخش، الگوی مفهومی شکوفایی گردشگری شهری براساس معیارهای پایایی و روایی بررسی شده است تا مشخص شود که آیا ابزاری که براساس مبانی نظری پیشین و دیدگاه افراد

متخصص در این زمینه به دست آمده است، با داده‌های گردآوری شده از نمونه آماری پژوهش تناسب دارد یا خیر؟ بر این اساس، شاخص‌های ارزیابی برازش با استفاده از نرم‌افزار Smart-PLS به این شرح است که پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ برای ارزیابی پایایی و سازگاری درونی ابزار پژوهش؛ شاخص فورنل - لارکر برای ارزیابی روایی افتراقی؛ میانگین واریانس استخراج‌شده برای ارزیابی روایی همگرا استفاده شده است (هیر و همکاران، ۲۰۱۶؛ هیر و همکاران، ۲۰۱۹).

نتایج شاخص‌های برازش ارائه‌شده در جدول ۴ نشان‌دهنده این است که آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری بالاتر از ۰/۷۰ و مورد تأیید هستند؛ همچنین نتایج مرتبط با میانگین واریانس استخراج‌شده نیز حاکی از آن است که همه شاخص‌ها بالاتر از ۰/۵۰ هستند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که ابزار اندازه‌گیری شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری براساس پایایی و روایی همگرا دارای اعتبار لازم هستند. در ادامه نتایج شاخص فورنل - لارکر، برای ارزیابی روایی افتراقی ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های ارزیابی پایایی و روایی همگرا

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

شاخص‌ها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس تبیین شده (AVE)
اقتصادی	۰/۷۲	۰/۸۴	۰/۶۴
اجتماعی - فرهنگی	۰/۷۳	۰/۸۵	۰/۶۵
زیرساختی	۰/۷۷	۰/۸۶	۰/۶۸
پایداری	۰/۷۶	۰/۸۹	۰/۸۰
نهادی	۰/۸۰	۰/۹۱	۰/۸۳
حد قابل قبول	>۰/۷	>۰/۷	>۰/۵

معیار فورنل - لارکر ارائه‌شده در جدول ۵ نیز نشان‌دهنده این است که ریشه دوم میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) شاخص‌های مؤثر بر شکوفایی گردشگری شهری در قطر ماتریس، بیشتر از مقدار همبستگی بین شاخص‌ها با یکدیگر است. به‌عنوان نمونه، میانگین واریانس استخراج‌شده شاخص «اجتماعی - فرهنگی» (۰/۸۱)، بیشتر از مقدار همبستگی آن با

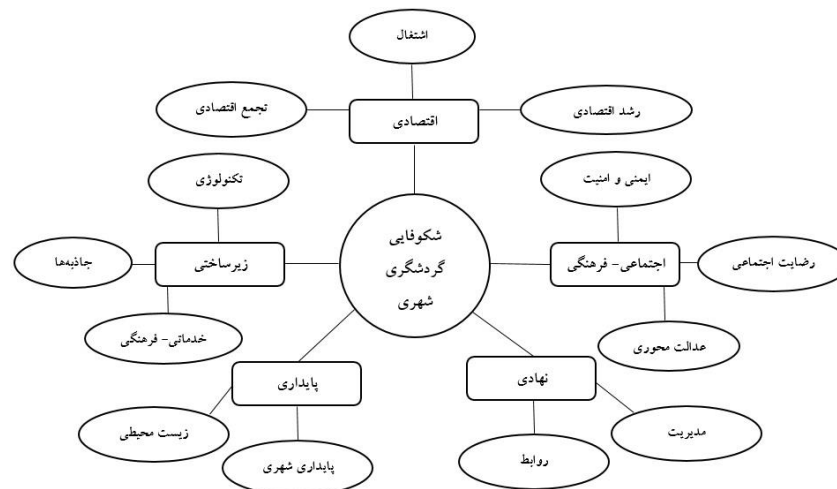
شاخص «اقتصادی» (۰/۴۷)، «زیرساختی» (۰/۴۹)، «نهادی» (۰/۵۹) و «پایداری» (۰/۶۷) است؛ بنابراین براساس معیار فورنل - لارکر، روایی افتراقی تأیید می‌شود. به‌طور کلی نتایج حاصل از روایی و پایایی نشان‌دهنده این است که مدل شکوفایی گردشگری شهری دارای برازش قابل قبولی است.

جدول ۵. روایی افتراقی براساس معیار فورنل - لارکر

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

شماره	شاخص‌ها	اجتماعی-فرهنگی	اقتصادی	زیرساختی	نهادی	پایداری
۱	اجتماعی - فرهنگی	(۰/۸۱)				
۲	اقتصادی	۰/۴۷	(۰/۸۰)			
۳	زیرساختی	۰/۴۹	۰/۵۰	(۰/۸۳)		
۴	نهادی	۰/۵۹	۰/۵۰	۰/۵۹	(۰/۹۱)	
۵	پایداری	۰/۶۷	۰/۴۶	۰/۵۰	۰/۴۷	(۰/۸۹)
توجه: ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده در قطر ماتریس و داخل پرانتز نشان داده شده است.						

در حال حاضر گفتمان سیاست‌های بین‌المللی از چشم‌اندازهای ملی و منطقه‌ای دور شده و بر شهرها به‌عنوان محرک برنامه رشد تمرکز یافته است. درواقع این تغییر ارتباط نزدیکی با سرعت توقف‌ناپذیر شهرنشینی و اهمیت یافتن مبحث گردشگری شهری در کشورهای دارای پتانسیل گردشگری - چه در جهان توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه - دارد. ازاین‌رو طی سال‌های گذشته، سازمان‌های بین‌المللی برای ارزیابی وضعیت توسعه شهری و بخش‌های مختلف آن در ملل مختلف علاقه زیادی به ساخت شاخص‌ها نشان داده‌اند. استفاده از شاخص شکوفایی گردشگری شهری، ارائه‌شده در پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان ابزاری ارزشمند برای از بین بردن اشکال ناکارآمد مدیریت گردشگری شهری به‌واسطه تحقق یک دید سیستمی در این زمینه استفاده شود.



شکل ۳. مدل شکوفایی گردشگری شهری

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر در راستای تبیین شاخص‌های مدل شکوفایی گردشگری شهری انجام شده است. این مطالعه مجموعه‌ای از شاخص‌ها را براساس مهم‌ترین عوامل اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ساختاری به‌منظور اندازه‌گیری و نظارت بر شکوفایی گردشگری در محیط شهری شناسایی کرده است. بررسی مهم‌ترین و مرتبط‌ترین شاخص‌های مربوط به مباحث شکوفایی، توسعه و پایداری شهری و گردشگری از قبیل شاخص‌های توسعه پایداری، گردشگری پایداری، توسعه انسانی، کیفیت زندگی، حکمرانی خوب شهری، شاخص شکوفایی شهری کمیته اسکان بشر سازمان ملل متحد و دیگر شاخص‌های شکوفایی ذکر شده در پژوهش، نگارندگان را به پنج بُعد مدل شکوفایی گردشگری شهری رهنمون کرد. در مجموع این مدل از ادغام ابعاد پنج‌گانه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیرساختی، پایداری و نهادی تشکیل شده است. نتایج نشان‌دهنده این است که برازش مدل شکوفایی گردشگری شهری با توجه به مقادیر روایی و پایایی، تأیید شده و قابل قبول است.

در حال حاضر در شرایط درهم‌تنیدگی تمام ابعاد جامعه و افزایش سرعت تحول‌های همه‌جانبه، روش‌های جدید درک، مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری شکوفایی بخش گردشگری بسیار مورد نیاز است. در این باره مدل شکوفایی گردشگری شهری یک معیار سنجش است که برای

اولین بار در بخش گردشگری شهری امکان ایجاد شاخص‌ها و اطلاعات پایه را فراهم می‌کند. این شاخص هم برای آگاه‌سازی در زمینه تصمیم‌گیری‌های محلی و هم به‌منظور تجهیز جوامع به ابزاری برای نظارت بر پیشرفت و عملکرد تصمیم‌گیرندگان بسیار اهمیت دارد. به عبارت دیگر شاخص شکوفایی گردشگری شهری یک مکانیسم نظارت قابل انطباق با سطح محلی و ملی است که می‌تواند به‌منظور اندازه‌گیری پیشرفت و شناسایی محدودیت‌های شکوفایی گردشگری در شهرها، یک ابزار و چارچوب کلی فراهم کند. از سوی دیگر این شاخص متولیان شهر و گردشگری شهری را توانمند می‌کند تا فرصت‌ها و زمینه‌های بالقوه مداخله به‌منظور شکوفایی این بخش را بهتر شناسایی کرده‌و با برنامه‌ریزی و اقدام متناسب، موجبات شکوفایی بخش گردشگری را فراهم کنند.

پیشنهادهایی که در استفاده و توسعه شاخص شکوفایی گردشگری شهری باید به آن‌ها توجه شود به شرح زیر است:

- داده‌ها باید بر مبنای چهارچوب زمانی و مکانی مشخص و جامع - براساس مجموعه‌ای از تعریف‌های مشخص شده - برای ارائه تجزیه و تحلیلی معنادار در حال و آینده جمع‌آوری شوند.
- تجزیه و تحلیل مقادیر مختلف شاخص شکوفایی گردشگری شهری باید به گونه‌ای باشد که ماهیت و جهت پیشرفت را روشن‌کند. این شاخص باید به متولیان امور امکان دهد تا تغییرات ایجادشده در جنبه‌های مختلف شکوفایی بخش گردشگری را ردیابی و تحلیل کنند.
- در سطح کشور، شهرهای با شرایط گردشگری مشابه را می‌توان به‌منظور مقایسه عملکرد شاخص شکوفایی گردشگری شهری با یکدیگر گروه‌بندی کرد.
- به‌دلیل پیچیدگی تغییرات شهری، تهیه یک چهارچوب فضایی برای ایجاد یک ساختار تحلیلی انعطاف‌پذیر به‌منظور ارزیابی عملکرد بخش گردشگری شهرها در برابر روندهای ملی و منطقه‌ای با استفاده از شاخص شکوفاییدارای اهمیت است.
- با اینکه مبنای شاخص شکوفایی گردشگری شهری عمدتاً براساس داده‌های کمی است، استفاده از تحلیل‌های کیفی به‌منظور تجزیه و تحلیل شاخص‌ها و ارزیابی روند شکوفایی می‌تواند مفید باشد.

پیشنهادهای پژوهش حاضر برای مطالعات آینده شامل موارد زیر است:

- ارائه شاخص‌هایی برای سنجش وضعیت شکوفایی گردشگری مناطق روستایی با در نظر گرفتن شرایط متفاوت آن‌ها
- سنجش تأثیرپذیری ابعاد مختلف شکوفایی گردشگری شهری از تغییرات وضعیت اقتصاد سیاسی کشورها
- ارزیابی میزان اثرگذاری تحریم‌های بین‌المللی بر وضعیت شکوفایی گردشگری شهری در دوره‌های مختلف
- ارزیابی تفاوت شکوفایی گردشگری شهری کلان‌شهرهای دارای پتانسیل گردشگری، با شهرهای کوچک و متوسط گردشگری‌پذیر

کتابنامه

۱. احدنژاد، م.، حاضری، ص.، مشکینی، ا.، و پیری، ع. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۲)، ۳۰-۱۵.
۲. پوراحمد، ا.، حسینی، س.، و صفدری مولان، م. ا. (۱۳۹۵). ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار گردشگری در جوامع میزبان، مطالعه موردی: شهر ساری. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۶(۲۱)، ۱۶۰-۱۷۲.
۳. جمشیدی، ع.، شمس‌الدینی، ع.، و جمینی، د. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل آثار کووید-۱۹ بر صنعت گردشگری در فضاهای پیراشهری مطالعه موردی: شهر جوانرود. نشریه گردشگری شهری، ۹(۴)، ۲۳-۴۵.
۴. دانش‌پور، ح.، سعیدی رضوانی، ن.، و بذرگر، م. (۱۳۹۷). ارزیابی مناطق یازده‌گانه شهر شیراز به لحاظ شاخص شکوفایی شهری با استفاده از مدل FAHP. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۳)، ۳۲-۱۷.
۵. محتشمی، ن.، مهدوی‌نژاد، م. ج.، و بمانیان، م. ر. (۱۳۹۵). عوامل رشد و موانع بازدارنده شکوفایی شهری. مقاله ارائه‌شده در دومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در عمران و مدیریت شهری، تهران.
۶. محمدی‌ارزاده، س.، و شمس‌الهی، ب. (۱۳۹۵). نقش فضاهای عمومی در تحقق شکوفایی شهری و توسعه پایدار. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۶(۲۳)، ۱۱۱-۱۲۴.

۷. مطیعی لنگرودی، س. ح.، شریفی، ا.، و رضائیه آزادی، م. (۱۳۹۲). امکان‌سنجی توسعه گردشگری در نواحی روستایی از دیدگاه گردشگران (بخش تخت سلیمان شهرستان تکاب). *فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی*، ۸ (۲۴)، ۱-۱۷.
۸. ملکی، س.، و مدانلو جویباری، م. (۱۳۹۵). شکوفایی شهری (جلد اول، چاپ اول). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

9. Abubakar, A., Romice, O. R., & Porta, S. (2019). *Regenerating slums: Re-assessing city prosperity as a motive towards incremental urban management*. Paper presented at the Research Presentation Day, University of Strathclyde, Glasgow.
10. Abubakar, A., Romice, O. R., & Mbretta, S. A. (2019). Slums and prosperity: A complex, dynamic pathway of intervention, *Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research*, 13(2), 314-330.
11. Adamo, G. E., Ferrari, S., & Gilli, M. (2019). Creativity as a source of differentiation in urban tourism: The case of Torino city. *International Journal of Tourism Research*, 21(3), 302-310.
12. Alshamndy, A. A. (2017). *Quality of life indices as components of city prosperity initiatives & their role in enhancing livability & sustainability of egyptian cities*. Paper presented at the 1st International Conference on Towards a Better Quality of Life, Technische Universität Berlin Campus El Gouna, Egypt.
13. Androniceanu, A., Gherghina, R., & Ciobănașu, M. (2019). The interdependence between fiscal public policies and tax evasion. *Administratie si Management Public*, (32), 32-41.
14. Aina, Y. A., Wafer, A., Ahmed, F., & Alshuwaikhat, H. M. (2019). Top-down sustainable urban development? Urban governance transformation in Saudi Arabia. *Cities*, 90, 272-281.
15. Andari, R., & Setiyorini, H. P. D. (2016). Green tourism role in creating sustainable urban tourism. *South East Asia Journal of Contemporary*, 2(2), 18-26.
16. Ashworth, G., & Page, S. J. (2011). Urban tourism research: Recent progress and current paradoxes. *Tourism Management*, 32(1), 1-15.
17. Ashour, M. A., Eid, Y., & Khalifa, M. A. (2015). *Urban development management towards improved city prosperity*. Paper presented at the International Conference on Economics, Management and Social Study (ICEMSS) Cairo, Egypt.
18. Bate, R. (2009). What is prosperity and how do we measure it? Retrieved from <https://www.aei.org/research-products/report/what-is-prosperity-and-how-do-we-measure-it/>
19. Biswas, R., Jana, A., Arya, K., & Ramamritham, K. (2019). A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management*, 8(2), 225-236.

20. Bonaiuto, M., Fornara, F., Ariccio, S., Cancellieri, U. G., & Rahimi, L. (2015). Perceived residential environment quality indicators (PREQIs) relevance for UN-HABITAT City Prosperity Index (CPI). *Habitat International*, 45, 53-63.
21. Boivin, M., & Tanguay, G. A. (2019). Analysis of the determinants of urban tourism attractiveness: The case of Québec City and Bordeaux. *Journal of Destination Marketing & Management*, 11, 67-79.
22. Council, G. S. T. (2013). *Global sustainable tourism council criteria and suggested performance indicators for hotels and tour operators*. Retrieved from <https://ocm.iccrom.org/documents/global-sustainable-tourism-council-gstc-industry-criteria-suggested-performance>
23. Chebli, A., Othmani, M. C., & Said, F. B. (2020). Market segmentation in urban tourism: Exploring the influence of personal factors on tourists' perception. *Journal of Tourism and Services*, 20(11), 74-108.
24. Choi, H. C., & Turk, E. S. (2011). Sustainability indicators for managing community tourism. In *Quality-of-life community indicators for parks, recreation and tourism management* (pp. 115-140). Dordrecht: Springer.
25. Coldwell, W. (2015). *Tourism or propaganda: How ethical is your north korean holiday?* Retrieved from <https://www.theguardian.com/travel/2015/oct/08/north-korean-tourism-ethics>
26. Costa, C. (2020). Tourism planning: A perspective paper. *Tourism Review*, 75(1), 198-202.
27. Day, J., & Romanchek, J. L. (2020). Sustainable tourism for destinations: Insights from the GSTC destination criteria 2.0 for sustainable tourism. *Tourism Insights*. Paper 1.
28. Dangi, T. B., & Jamal, T. (2016). An integrated approach to “sustainable community-based tourism. *Sustainability*, 8(5), 475.
29. Dabeedool, Y. J., Dindoyal, V., Allam, Z., & Jones, D. S. (2019). Smart tourism as a pillar for sustainable urban development: An alternate smart city strategy from Mauritius. *Smart Cities*, 2(2), 153-162.
30. Dodds, R., Ali, A., & Galaski, K. (2018). Mobilizing knowledge: Determining key elements for success and pitfalls in developing community-based tourism. *Current Issues in Tourism*, 21(13), 1547-1568.
31. Duignan, M. B., & Pappalepore, I. (2023). How do Olympic cities strategically leverage new urban tourism? Evidence from Tokyo. *Tourism Geographies*, 25(2-3), 425-449.
32. Farsari, I. (2012). The development of a conceptual model to support sustainable tourism policy in north Mediterranean destinations. *Journal of Hospitality Marketing & Management*, 21(7), 710-738.
33. Fritz, M., & Koch, M. (2016). Economic development and prosperity patterns around the world: Structural challenges for a global steady-state economy. *Global Environmental Change*, 38, 41-48.
34. Habitat, U. N. (2013). *State of the world's cities 2012/2013: Prosperity of cities*. Rutledge for United Nations Human Settlements Program (UN-Habitat).

35. Habitat, U. N. (2012). *State of the world's cities 2012/2013: Prosperity of cities*. United Nations Human Settlements Program (UN-HABITAT), Nairobi.
36. Hajra, R., & Ghosh, T. (2014). Formulation of methodological approach for sustainable tourism using 'GSTC' criteria: A case study of Sagar Island, India. *International journal of Innovative Research and Development*, 3(1), 305-309.
37. Hacker, J. S. & Loewentheil, N. (2012). *Prosperity economics building an economy for all*. Retrieved from <https://isps.yale.edu/research/publications/isps12-020>
38. Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C., & Sarstedt, M. (2016). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)*. New York: Sage publications.
39. Hair, J. F., Risher, J. J., Sarstedt, M., & Ringle, C. M. (2019). When to use and how to report the results of PLS-SEM. *European Business Review*, 31(1), 2-24.
40. Woodcraft, S. (2019). *Rethinking prosperity for London: When Citizens lead transformation*. Institute for Global Prosperity.
41. Ivars-Baidal, J. A., Vera-Rebollo, J. F., Perles-Ribes, J., Femenia-Serra, F., & Celdrán-Bernabeu, M. A. (2023). Sustainable tourism indicators: What's new within the smart city/destination approach? *Journal of Sustainable Tourism*, 31(7), 1556-1582.
42. Jamini, D., & Dehghani, A. (2022). Evaluation and analysis of resilience of rural tourism and identification of key drivers affecting it in the face of the Covid-19 pandemic in Iran. *Journal of Research & Rural Planning*, 11(4), 99-116.
43. Kurecic, P., & Kokotovic, F. (2017). Examining the "Natural Resource Curse" and the impact of various forms of capital in small tourism and natural resource-dependent economies. *Economies*, 5(1), 6.
44. Lavell, A., McFarlane, C., Moore, H. L., Woodcroft, S., & Yap, C. (2023). Pathways to urban equality through the sustainable development goals: Modes of extreme poverty, resilience, and prosperity. *International Journal of Urban Sustainable Development*, 15(1), 215-229.
45. Legatum Institute. (2020). Prosperity Index, A tool for transformation. Retrieved from www.prosperity.com
46. Lak, A., Gheitasi, M., & Timothy, D. J. (2020). Urban regeneration through heritage tourism: Cultural policies and strategic management. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 18(4), 386-403.
47. Moore, H. L., & Woodcraft, S. (2019). Understanding prosperity in East London: Local meanings and "sticky" measures of the good life. *City & Society*, 31(2), 275-298.
48. Ministry of municipal and rural affairs, Saudi Arabia. (2018). *Future Saudi cities program*, UN-Habitat. Retrieved from https://unhabitat.org/sites/default/files/documents/2020-05/saudi_cities_report_-_excutive_summary_english.pdf

49. Musa, H. D., Yacob, M. R., & Abdullah, A. M. (2019). Delphi exploration of subjective well-being indicators for strategic urban planning towards sustainable development in Malaysia. *Journal of Urban Management*, 8(1), 28-41.
50. Musavengane, R., Siakwah, P., & Leonard, L. (2020). The nexus between tourism and urban risk: Towards inclusive, safe, resilient and sustainable outdoor tourism in African cities. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 29, 100254.
51. Nyerere, V. C. Y., Ngaruko, D., & Mlozi, S. (2020). The mediating role of strategic planning on the determinants of sustainable urban tourism: Empirical evidence from Tanzania. *African Journal of Economic Review*, 8(1), 198-216.
52. Panasiuk, A. (2020). Policy of sustainable development of urban tourism. *Polish Journal of Sport and Tourism*, 27(2), 33-37.
53. Rogerson, C. M. (2016). Climate change, tourism and local economic development in South Africa. *Local Economy*, 31(1-2), 322-331.
54. Shabrina, Z., Buyuklieva, B., & Ng, M. K. M. (2021). Short-term rental platform in the urban tourism context: A geographically weighted regression (GWR) and a multiscale GWR (MGWR) approaches. *Geographical Analysis*, 53(4), 686-707.
55. Servín, M. R., Servín, M. Á., Velázquez, J., & Pacheco, V. M. (2019). City prosperity index applied to Encarnación and Asunción, Archnet-IJAR. *International Journal of Architectural Research*, 13(2), 331-347.
56. Schianetz, K., & Kavanagh, L. (2008). Sustainability indicators for tourism destinations: A complex adaptive systems approach using systemic indicator systems. *Journal of Sustainable Tourism*, 16(6), 601-628.
57. Sugimoto, K., Ota, K., & Suzuki, S. (2019). Visitor mobility and spatial structure in a local urban tourism destination: GPS tracking and network analysis. *Sustainability*, 11(3), 919-928.
58. Seraphin, H., Sheeran, P., & Pilato, M. (2018). Over-tourism and the fall of Venice as a destination. *Journal of Destination Marketing & Management*, 9, 374-376.
59. Sokhanvar, A., Aghaei, I., & Aker, Ş. (2018). The effect of prosperity on international tourism expenditure. *Tourism Review*, 73(1), 44-54.
60. Stead, D. (2015). What does the quality of governance imply for urban prosperity? *Habitat International*, 45, 64-69.
61. Sasaki, R. (2014). *Urban prosperity without growth? Sustainable city development with focus on human flourishing* (Master's thesis). Lund University.
62. Secretary-General, U. N. (2018). *International year of sustainable tourism for development, 2017: Report of the Secretary-General*. Retrieved from <https://digitallibrary.un.org/record/1639810?v=pdf>
63. Scheyvens, R. (1999). Ecotourism and the empowerment of local communities. *Tourism Management*, 20(2), 245-249.

64. Tanguay, G. A., Rajaonson, J., & Therrien, M. C. (2013). Sustainable tourism indicators: Selection criteria for policy implementation and scientific recognition. *Journal of sustainable Tourism*, 21(6), 862-879.
65. UNWTO. (2012). *Global report on city tourism—cities 2012 project*. UNWTO, Madrid. Retrieved from <https://www.e-unwto.org/doi/book/10.18111/9789284415300>
66. UNWTO. (2012). *1st global summit on city tourism: Catalysing economic development and social progress*. Paper presented at the Haliç Congress Centre, Istanbul, Turkey.
67. UNWTO. (2014). *3rd global summit on city tourism: Looking for new paradigms*. Retrieved from <https://www.unwto.org/archive/europe/press-release/2014-12-15/3rd-global-summit-city-tourism-looking-new-paradigms>
68. UNWTO. (2015). *4th global summit on city tourism*. Retrieved from <https://www.unwto.org/archive/global/event/4th-global-summit-city-tourism>
69. UNWTO. (2016). *5th UNWTO global summit on city tourism*. Retrieved from <https://www.tourismoptimizerplatform.com/en/blog/5-unwto-global-summit-on-city-tourism>
70. UNWTO. (2017). *6th global summit on urban tourism*. Retrieved from <https://www.unwto.org/archive/asia/event/6th-global-summit-urban-tourism>
71. UNWTO. (2018). *International year of sustainable tourism for development*. Retrieved from <https://www.unwto.org/tourism4development2017>
72. Wang, J., Huang, X., Gong, Z., & Cao, K. (2020). Dynamic assessment of tourism carrying capacity and its impacts on tourism economic growth in urban tourism destinations in China. *Journal of Destination Marketing & Management*, 15, 100383.
73. Wang, W. C. (2019). The effect of early-life outdoor experiences on residents' attitudes towards sustainable tourism within an urban context. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 25, 1-9.
74. Wong, C. (2015). A framework for 'City Prosperity Index': Linking indicators, analysis and policy. *Habitat International*, 45, 3-9.
75. Willingham, E., & Hulseman, P. (2017). *Prosperity and industrial development: Review of concepts and measurements, northwest economic research center publications and reports*. Retrieved from https://pdxscholar.library.pdx.edu/nerc_pub/34
76. World Urban Forum 6. (2012). *Prosperity for sustainable cities: Balancing ecology, economy and equity*. Retrieved from <https://lamphuncity.go.th/wp-content/uploads/2017/12/World-Urban-Forum-6.pdf>
77. Wijaya, I. (2019). Opportunity to use city prosperity index for Indonesian municipal development planning process. *Geographia Technica*, 14, 108-117.
78. World Travel and Tourism Council. (2017). *Travel & tourism impact 2017 world*. Retrieved from <https://wtcc.org/>
79. Woodcraft, S., & Anderson, B. (2019). *Rethinking prosperity for London, When citizens lead transformation*. London: Institute for Global Prosperity.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.83170.1297>

Determinants of Management Approach to Sustainable Branding of Coastal Tourism Destinations (Case Study: Bushehr Port)

Valiollah Nazari ¹

Assistant Professor, Geography Education Department, Farhangian University,
Tehran, Iran

Mohammad Gholami

Assistant Professor of Geography, Payam Noor University, Tehran, Iran

Gholamreza Amininejad

Assistant Professor of Geography, Payam Noor University, Tehran, Iran

Hossein Mozafari

MA in Geography and Urban Planning, Payam Noor University, Tehran, Iran

Received: 27 June 2023 Revised: 21 September 2023 Accepted: 27 September 2023

Abstract

Coastal cities have huge potentials for tourism, which can help improve conditions for tourism. Therefore, branding for urban tourism destinations is of vital importance. These destinations attempt to gain wider support in social, environmental, and management domains, and to determine the branding management strategies of destination for the development of tourism in their region. This calls for identifying factors involved in determining the optimal management approach. Therefore, this research was conducted to determine the sustainable branding management approach to coastal tourism destinations by exploring their determinants in Bushehr port using a descriptive-analytical and mixed method approach. The statistical population consisted of 60 managers and experts and the tested sustainable brand indicators were used for the study. Also, in this paper, the resource-based approach in sustainable branding of Bushehr port is defined as a set of assets and potentials used to identify and address existing threats and opportunities. The research findings confirm the determinants of the tourism brand management approach in Bushehr port based on awareness-raising, understanding, loyalty, advantage, identity, and economic and strategic quality of brand together with the "value", "rarity", "inimitability", "irreplaceability" and "internal capacities" factors. Moreover, given the tendency of local people and the government for the economic development of Bushehr province, especially Bushehr port, and the quantitative and qualitative research conducted in this city, it seems that Bushehr port has capacities for participatory, development-oriented and community-

1. Corresponding Author: Email: v.nazari@cfu.ac.ir

oriented management. Therefore, informed by the results of this research, the optimal management approach for this area will be the one driven by resource, cooperation and community.

Keywords: Branding, Bushehr, Tourism, City, Sustainable Developm



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.83170.1297>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶
عوامل مؤثر در تعیین رویکرد مدیریتی برندسازی پایدار مقصدهای گردشگری ساحلی
(مورد مطالعه بندر بوشهر)

ولی‌اله نظری (استادیار گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

v.nazari@cfu.ac.ir

محمد غلامی (استادیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

gholami556@pnu.ac.ir

غلامرضا امینی‌نژاد (استادیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

gh.amininejad@pnu.ac.ir

حسین مظفری (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

hosseinmozaffari.bu@gmail.com

صص ۱۵۱ - ۱۲۱

چکیده

شهرهای ساحلی گزینه‌های مناسبی برای بهره‌برداری از توان‌ها و ظرفیت‌های گردشگری دارند که می‌توانند به بهبود وضعیت گردشگری کمک کنند؛ از این رو، برندسازی برای مقصدهای گردشگری شهری، از اهمیتی حیاتی برخوردار شده است. این مقصدها می‌کوشند حمایت‌های گسترده‌تری در زمینه‌های اجتماعی، محیط زیست، مدیریت و... به دست آورند و شیوه‌های مدیریت برندسازی مقصدها را برای توسعه گردشگری منطقه خود تعیین کنند. این امر مهم نیازمند شناسایی عوامل مؤثر در تعیین رویکرد مطلوب مدیریتی است؛ از این رو، پژوهش پیش رو با هدف تعیین رویکرد مدیریت برندسازی پایدار در مقصدهای گردشگری ساحلی، از طریق شناسایی عوامل مؤثر در بندر بوشهر انجام شده و به روش توصیفی - تحلیلی و ترکیبی در جامعه آماری ۶۰ نفری مدیران و کارشناسان انجام شده و در آن

از شاخص‌های آزمون‌شده برند پایدار بهره‌گیری شده است. همچنین در این مقاله، رویکرد مبتنی بر منابع در برندسازی پایدار مقصد بندر بوشهر، به‌عنوان مجموعه سرمایه‌ها و قابلیت‌هایی تعریف شده‌اند که به‌منظور شناسایی و واکنش به تهدیدها و فرصت‌های موجود در دسترس و مفید هستند. یافته‌های مهم پژوهش نشان‌دهنده تأیید عامل‌های تبیین‌کننده رویکرد مدیریتی برند گردشگری در بندر بوشهر براساس آگاهی‌بخشی، درک‌پذیری، وفاداری، مزیت، هویت، کیفیت اقتصادی و راهبردی برند هستند و بر مبنای «ارزشمندی»، «کمیابی»، «تقلیدناپذیری»، «جانشین‌ناپذیری» و «قابلیت‌های داخلی» در نظر گرفته شدند و قابل شناسایی و تبیین هستند. همچنین با توجه به گرایش مردم محلی و دولت، برای توسعه اقتصادی استان بوشهر به‌ویژه بندر بوشهر و پژوهش‌های کمی و کیفی انجام‌شده در جامعه مقصد، به نظر می‌رسد بندر بوشهر از ظرفیت‌های لازم برای مدیریت مشارکتی، توسعه‌محور و اجتماع‌محور برخوردار است؛ بنابراین، براساس نتایج این پژوهش، رویکرد مدیریتی مطلوب برای این منطقه، مبتنی بر منابع، مشارکتی و اجتماع‌محور تشخیص داده شده است.

واژگان کلیدی: برندینگ، بوشهر، گردشگری، شهر، توسعه پایدار

۱. مقدمه

گردشگری، صنعت برتر و پاک هزاره سوم، به دلیل مبادلات و اشتراکات فرهنگی - اجتماعی بالای آن یکی از پایدارترین صنعت‌های پویای جهانی است. از طریق این صنعت، بسیاری از کشورهای جهان در عرصه اقتصاد جهانی سهم بسزایی را به خود اختصاص داده و این صنعت باعث تنوع، حرکت بخشی و پویایی خاصی به سبک‌های مکانی از سطح محلی تا ملی شده است. برای رونق و شکوفایی بیش از پیش گردشگری، برندسازی به‌عنوان یک اصل اساسی در سطح جهانی پذیرفته شده است. درحقیقت مبنای بازاریابی در همه سطوح، برای یک محصول، کالا، مکان و ... از طریق برند آن است که در سطح جهانی امکان مطرح شدن دارد؛ بنابراین توجه بسیاری به توسعه گردشگری از طریق برندسازی شده است. گردشگری به‌عنوان یک صنعت پاک، متشکل از مواجهه و پیوند سالم ابعاد انسانی و فرهنگی را در بین مکان‌های مختلف است (ضرغام بروجنی و بارزانی، ۱۳۹۱، ص. ۲۵). مناسب‌ترین الگو برای بسط روابط انسانی در راستای تقویت توسعه و ارتقای شاخص‌های دخیل در توسعه در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی را می‌توان در گردشگری و تلاش برای پیشرفت شرایط گردشگری یافت. امروزه پیشرفت

تکنولوژی‌های ارتباطی، جهانی شدن و توسعه مؤلفه‌های کیفیت زندگی، منجر به توجه و پیشرفت شرایط گردشگری شده است. به دلیل اهمیت این مقوله در کمک برای برقراری توازن و توسعه در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی؛ از آن با عنوان یک صنعت نیز نام برده می‌شود. صنعتی که با توجه به اهداف و اصول آن به عنوان یکی صنعت سبز و حتی صنعت پاک نام برده می‌شود. به اعتقاد صاحب‌نظران و آمارهای جهانی، صنعت گردشگری پس از سوخت‌های فسیلی و اتومبیل، سومین ابرصنعت جهان به شمار می‌آید (کرباسی‌ور و یاردل، ۱۳۸۸، ص. ۴۶). به دلیل تکیه نداشتن این صنعت به مباحث تمرکزگرایانه و قطبی‌گرایانه و با توجه به داشته‌ها و ارزش‌های واقعی هر مکان و با به کارگیری آن‌ها در ارتقای رشد و توسعه مکانی، شاید بتوان، این صنعت را یکی از عادلانه‌ترین صنایع در توسعه محلی و منطقه‌ای و حتی ملی دانست. اهمیت موضوع وقتی مشخص می‌شود که افزون بر منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه گردشگری، منافع راهبردی - سیاسی، تکنولوژیکی، اکولوژیکی و مهم‌تر از همه، سلامت‌محوری آن را نیز می‌توان در راستای توسعه گردشگری در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کرده و با یک هدف‌گذاری درست برای توسعه مناسب هر یک از این بسترها چشم‌انداز تهیه کرد (مسگری، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۵). برای داشتن چنین رویکرد جامع و البته تحقق‌پایداری در توسعه گردشگری، یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها تعیین و ساخت برند گردشگری است که ممکن است به برنامه‌ریزی استراتژیک برای بازاریابی و شناسایی دارایی‌ها و میراث گردشگری در مکان یا پهنه فضایی خاص منجر شود. اهمیت نام تجاری، زمانی به بهترین شکل درک می‌شود که عواقب نبودن آن آشکار شود. نداشتن برند به این معنی است که مشتری ممکن است از مقصد گردشگری یا ماهیت آن آگاه نباشد (نساجی کامرانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۶۸)؛ یعنی مشتری در فرایند تصمیم‌گیری برای انتخاب مقصد سفر، مقصدی را با موقعیت متفاوتی در ذهن خود در نظر می‌گیرد. نبودن برندسازی نیز به معنای نبود تصویر بصری، احساسی، منطقی و فرهنگی از مقصد است که نمی‌تواند گردشگران بالقوه را برای داشتن احساس خاصی به یک مقصد گردشگری و سفر به آنجا برانگیزد. برندسازی یک موضوع بسیار مهم در بازار امروز است. با وجود محصولات و خدمات بسیار زیادی که مصرف‌کنندگان می‌توانند از بین آن‌ها انتخاب کنند، آن‌ها به زمینه‌ای برای تصمیم‌گیری نیاز دارند.

برند گردشگری یک مکان یا یک عرصه فضایی به نام شهر می‌تواند در این تصمیم‌گیری بسیار دارای اهمیت باشد. نبودن برندسازی مقصد، منجر به از دست دادن گردشگران بالقوه می‌شود. برای موفقیت برند، نیازها و انتظارات مشتریان که درواقع گردشگر خواهند بود، باید به‌خوبی درک شود. در این صورت می‌توان نوعی یکپارچگی در استراتژی برند ایجاد کرد و آن را به مکان‌هایی که میزبان بیشترین گردشگران هستند گسترش داد (تاج‌زاده نمین و مشرفی، ۱۳۹۲، ص. ۴۹). این فرایند، نیازمند شناخت مؤلفه‌هایی است که می‌تواند به سازندگان برند در ساخت برند بسیار کمک کند تا گردشگران به مقصد مورد نظر، حس تعلق کرده و به دارایی‌ها و ارزش‌های مکانی آن مقصد وفادار باشند. به اعتقاد بسیاری از محققان، برند، نشان‌دهنده هویت اصلی مقصد در عرصه گردشگری است. در برندسازی گردشگری، هدف اصلی می‌تواند خلق یک هویت رقابتی باشد که مقصد را برای برجسته شدن در میان رقبای خود توانمند می‌کند. این ماهیت مقصد، به‌گونه‌ای که بازدیدکنندگان بالقوه مشاهده می‌کنند، است که به آن مقصد، هویت رقابتی می‌بخشد؛ از این رو، اصطلاح‌های «برند» و «هویت رقابتی» نیز به‌صورت مترادف استفاده می‌شوند (دهدشتی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۸۷).

شهرهای موفق دنیا برای اینکه بتوانند خود را در بازار رقابتی شهر معرفی کنند و در این رقابت دوام بیاورند، ابتدا باید دارایی‌ها و منابع فعلی خود را بشناسند و بتوانند با شناخت و استفاده کامل از آن‌ها، برند خود را ارتقا دهند تا بتوانند بر سلامت جسمی و روانی ساکنان و رضایت آن‌ها از محیط مسکونی در شاخص‌های مهم برنامه‌ریزی مانند کیفیت زندگی، نرخ جابه‌جایی و پیش‌بینی تقاضای مسکن مؤثر باشند. همان‌طور که افراد، سرمایه و دانش به موقعیتی برای رقابت تبدیل می‌شوند، تکامل مکان‌ها به‌عنوان برند به حمایت از محیطی که قادر به ایجاد فرصت‌های جدید و منابع قابل توجه است، کمک می‌کند (خادمی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۴۹). در این راستا، در پژوهش حاضر کوشش شده است تا عوامل مؤثر در رویکرد مدیریتی برندسازی پایدار در مقصدهای گردشگری ساحلی با محوریت بندر بوشهر شناسایی، ارزیابی و تحلیل شود. بندر بوشهر با دارا بودن ظرفیت‌های فراوان در حوزه گردشگری شهری و ساحلی، در راستای ساخت و توجه ویژه مدیریتی به برندسازی شهری، یکی از شهرهای با اولویت بالا در سطح کشور است و از این طریق می‌توان زیرساخت‌های گردشگری، شهری و ساحلی را تقویت کرده

و بازارهای داخلی و خارجی را جذب کرد. درواقع وجود بسترهای ملموس و ناملموس فرهنگی، طبیعی و مصنوعی در بندر بوشهر مانند دریا، ساحل، معماری و ابنیه تاریخی، خوراک، بازار، اکوتوریسم و ژئوتوریسم، موسیقی محلی، مردم و مهمان‌نوازی، خرده‌فرهنگ‌ها، آیین‌ها و آداب و رسوم، شخصیت‌های مردمی و مشاهیر و سایر ظرفیت‌های موجود می‌تواند بستر مناسبی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی از طریق ساخت برند ویژه بندر بوشهر با توجه به شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ساخت این امر باشد؛ بنابراین در این پژوهش کوشش شده است تا مؤلفه‌های مؤثر در ساخت برند گردشگری بندر بوشهر، از منظر مدیران، شناخته شده و تحلیل و ارزیابی شوند. رویکرد برندسازی پایدار در مقصدهای گردشگری، بیش از هر چیز، توسعه جوامع محلی، کارآفرینی، اشتغال در مقصد و رضایت گردشگر را در نظر دارد که با اصل عدالت اجتماعی و بهره‌مندی اقتصادی مرتبط هستند؛ از این رو، بندر بوشهر به عنوان شهری بکر با ظرفیت‌های بالای محیطی، سیاسی، اقتصادی، و دارای ظرفیت‌های بالای گردشگری ساحلی به عنوان مورد مطالعه انتخاب شده است.

۲. پیشینه تحقیق

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نویسنده	سال	موضوع	نتیجه‌گیری
ایمانی خوشخو و ایوبی یزدی	۱۳۸۹	عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند در مقصد گردشگری شهر یزد	در مطالعات انجام شده در ۳۰ سال گذشته، علاوه بر تصویر برند که به عنوان مهم‌ترین عامل در ارزیابی برند مقصد گردشگری از سوی گردشگران پذیرفته شده است، وفاداری به برند، کیفیت درک شده و آگاهی از برند مقصد گردشگری تأثیر مستقیمی دارد. اثر وفاداری به برند از نظر اهمیت و تأثیر بر ارزش ویژه برند شهر یزد مهم‌ترین عامل تأثیرگذار به شمار می‌رود.
مسگری	۱۳۹۲	عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند گردشگری در استان آذربایجان غربی	به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر ارزش ویژه برند آذربایجان غربی، تصویر برند مقصد در اولویت اول و اولویت‌های بعدی آگاهی از برند مقصد، وفاداری به برند مقصد و کیفیت درک شده از مقصد است. خانواده، قیمت و تبلیغات و تبلیغات در اولویت آخر هستند.

نویسنده	سال	موضوع	نتیجه‌گیری
جلالیان و همکاران	۱۳۹۸	تحلیل ارزش ویژه برند مقصد گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر مریوان)	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثرگذاری تصویر برند بر آگاهی از برند و وفاداری نسبتاً قوی و نشان‌دهنده عملکرد قوی و مطلوب مؤلفه‌های تصویر در شهر مریوان است و عوامل طبیعی و انسانی مطلوب در گسترش برندسازی شهر مریوان اثرگذار است.
ربانی و همکاران	۲۰۲۰	Explanation the Strategic Pattern of Urban Branding in the Tourism Industry	یافته‌ها نشان می‌دهد که انتظارات ذی‌نفعان، محدودیت‌های مالی، درک نکردن مدیران، تبیین راهبرد برندسازی شهری و فرایند آن به‌عنوان عامل اصلی مؤثر در برنامه‌ریزی راهبردی برندسازی گردشگری شهری در صنعت گردشگری به شمار می‌رود.
ریچی و ریچی	۱۹۹۸	برندسازی گردشگری	یک چهارچوب منسجم و پذیرفته‌شده برای استفاده از نام تجاری برای مقاصد ضروری است.
کونک نیک و گارتنر	۲۰۰۷	ارزش ویژه برند مقصد مبتنی بر مشتری	آن‌ها ارزش ویژه برند و استفاده از آن در مقاصد گردشگری را بیان کرده‌اند. نتایج این تحقیق که چهار بعد آگاهی، وفاداری، کیفیت درک‌شده و تصویر مقصد را به‌عنوان ابعادی در نظر می‌گیرد که بر ارزش ویژه برند مقصد تأثیر می‌گذارند، بیانگر وجود رابطه مثبت بین ابعاد پیشنهادی است. با این حال، تصویر مقصد حیاتی‌ترین مؤلفه‌ای است که بر ارزش ویژه برند تأثیر می‌گذارد.
ویلیام گارتنر و ماکاگونک نیک	۲۰۰۷	ارزش ویژه برند مبتنی بر مشتری	تصویر ذهنی تنها بعد مهم ارزش ویژه برند مبتنی بر مشتری نیست. برعکس، ابعاد آگاهی، کیفیت و وفاداری نیز باید برای ارزیابی کامل‌تر مدل بررسی شود.
کاراوکا و همکاران	2019	City branding. Features of urban image design	نتیجه فرایند برندسازی شهر، جذب سرمایه‌گذاری است، نه تنها در حوزه گردشگری بلکه در حوزه تجاری و فرهنگی و اجتماعی، از این رو، ایجاد یک محیط شهری زیبا و جذاب نیز شهروندان را متحد می‌کند و باعث افزایش ظرفیتهای گردشگری می‌شود

نویسنده	سال	موضوع	نتیجه گیری
کنگ چی لی و سد دونگ	۲۰۱۷	عوامل مؤثر بر رضایت گردشگران اروپایی در شهر ناهارنگ: درک کیفیت مقصد	اگرچه عواملی مانند اقامت، خدمات غذایی، فروشگاه‌های خرده‌فروشی و سوغات و جاذبه‌های مقصد تأثیر زیادی بر رضایت گردشگران داخلی دارند. اما در این تحقیق مشخص شده است که بزرگ‌ترین عامل مؤثر بر رضایت گردشگران اروپایی، صمیمیت و مهمان‌نوازی مردم محلی شهر ناهارنگ است.

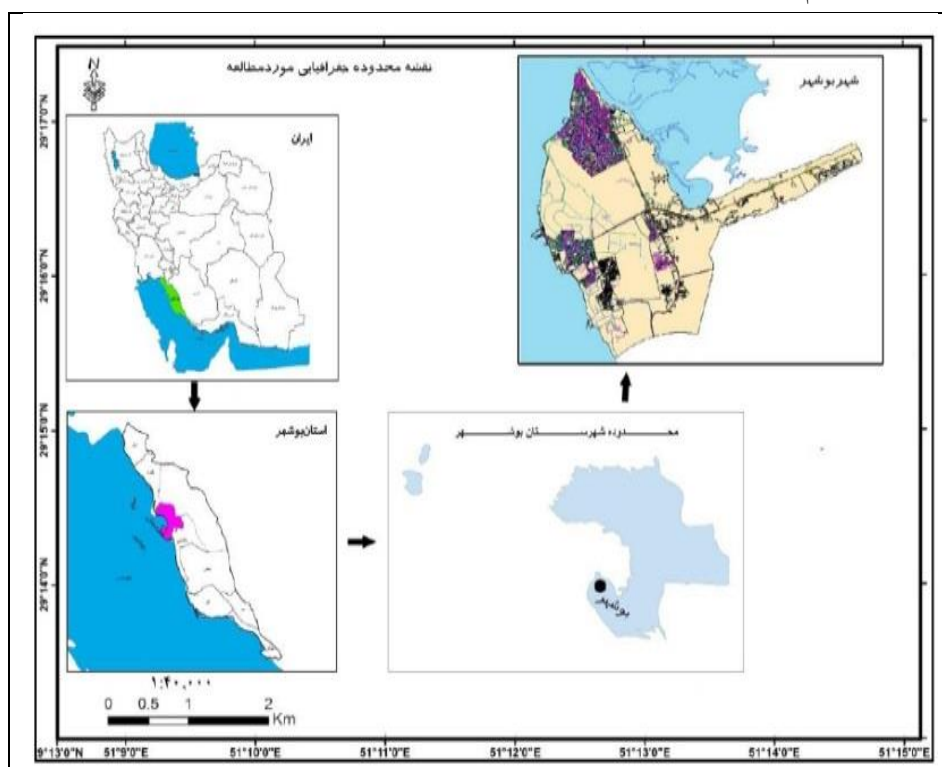
۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف تعیین رویکرد مدیریت برندسازی پایدار مقصدهای گردشگری ساحلی از طریق شناسایی عوامل مؤثر در بندر بوشهر انجام شده و به روش توصیفی - تحلیلی و ترکیبی در جامعه آماری ۶۰ نفری مدیران و کارشناسان انجام شده و در آن از شاخص‌های آزمون‌شده برند پایدار بهره‌گیری شده است. جهت جمع‌آوری داده‌ها به منظور تحلیل و بررسی عوامل مؤثر در تعیین رویکرد مدیریتی برندسازی پایدار بندر بوشهر از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. سؤال‌های پرسش‌نامه‌ها در مؤلفه‌های شناساندن و تبلیغ جاذبه‌های گردشگری، برنامه‌ریزی و ایده‌پردازی، توسعه، زیرساخت گردشگری، مشارکت جوامع محلی و خصوصی، توسعه پایدار گردشگری، توسعه اقتصادی، بسامد گردشگری، توسعه اشتغال و کارآفرینی، آگاهی محیط‌زیستی، منابع انسانی، امنیت گردشگری، حقوق شهروندی، بهبود استانداردها با رویکرد آگاهی‌بخشی، درک‌پذیری، وفاداری، مزیت، هویت، کیفیت اقتصادی و راهبردی برند، و بر مبنای «ارزشمندی»، «کمیابی»، «تقلیدناپذیری»، «جانشین‌ناپذیری منابع» و «قابلیت‌های داخلی» در نظر گرفته شدند. متخصصان پژوهش روایی پرسش‌نامه را تأیید کردند و پایایی آن نیز با نرم‌افزار تأیید شده است.

۳. ۱. محدوده مورد مطالعه

استان بوشهر با وسعت ۲۳۱۶۷ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و در شمال خلیج فارس در ۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه و ۳۰ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۶ دقیقه موقعیت جغرافیایی و ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی قرار دارد. این استان از شمال با استان خوزستان، از شرق با استان کهگیلویه و بویراحمد، از شرق با استان فارس، از جنوب شرق با استان هرمزگان

و از جنوب و غرب با خلیج فارس به طول ۷۰۵ کیلومتر همسایه است. خط ساحلی طولانی آب و هوای بوشهر بیشتر گرم (کویری)، گرم و مرطوب در نواحی ساحلی و گرم و خشک در داخل است و میانگین دمای سالیانه آن ۲۴ درجه سانتیگراد، بیشترین مقدار در تابستان حدود ۵۰ درجه و کمترین مقدار آن در تابستان مقدار ۶ درجه است. بارندگی در بوشهر کم و متغیر است و می‌تواند بسیار بیشتر یا کمتر از میانگین بارندگی سالانه (۲۱۷ میلی‌متر) باشد. شهرستان بوشهر با ۱۳۸۶ کیلومترمربع وسعت و ۲۹۸۵۹۴ نفر جمعیت، تقریباً ۶ / ۲ درصد از مساحت کل استان را به خود اختصاص داده و در طول جغرافیایی ۴۰ و ۵۰ تا ۱۰ و ۵۱ شرقی و ۶ و ۶ قرار دارد. ۵۱ مختصات جغرافیایی. عرض جغرافیایی ۲۸ تا ۴۶ و ۲۹ شمالی. این شهرستان از دو بخش مرکزی و خارگ، ۴ شهر و ۲ روستای بوشهر، خارگ، چغادک و عالی‌شهر تشکیل شده و دارای آب و هوای گرم و مرطوب است.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهر بوشهر

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

بندر بوشهر مرکز استان بوشهر است. بوشهر در سال ۱۳۹۵ خورشیدی بالغ بر ۲۲۳۵۰۴ نفر جمعیت داشته است و پرجمعیت‌ترین شهر استان بوشهر و سومین شهر پرجمعیت جنوب ایران به شمار می‌رود. بوشهر بندری شبه‌جزیره‌ای در بخش مرکزی شهرستان بوشهر است که از سمت شمال، غرب و جنوب به خلیج فارس می‌رسد، این بندر در ارتفاع ۱۸ متری از سطح دریا و در منطقه ساحلی خلیج فارس واقع شده و آب و هوای نیمه‌بیابانی گرم دارد.

جدول ۲. جدول آمار توصیفی مدیران

مدیران و کارشناسان	تعداد پرسش‌نامه بررسی شده	درصد پاسخ‌دهندگان
استاندار	۳	۴/۹۸٪
سازمان مدیریت	۴	۶/۶۴٪
میراث فرهنگی	۴	۶/۶۴٪
بنادر و دریانوردی	۶	۹/۹۶٪
شورای شهر	۱	۱/۶۶٪
شهرداری	۱۴	۲۳/۲۴٪
آموزش و پرورش	۸	۱۳/۲۸٪
پارک علم و فناوری	۵	۸/۳٪
حفاظت محیط زیست	۷	۱۱/۶۲٪
فرهنگ و ارشاد اسلامی	۸	۱۳/۲۸٪

۴. مبانی نظری

۴.۱. گردشگری شهری

گردشگری شهری، به تفریح و مسافرت داوطلبانه با اهداف خاص فراغتی، درمانی، علمی و ... در راستای بهره‌برداری از مواهب طبیعی، انسانی و اکولوژیکی در پهنه فضایی شهرها گفته می‌شود. شهرها، امروزه با داشتن آثار تاریخی و اجتماعی و فرهنگی از یک سو و مواهب طبیعی بکر و زیبا از سوی دیگر، مرکز و قلب تپنده گردشگری در سطح جهان به شمار می‌روند (خاکی، ۱۳۹۰، ص. ۲۳). گردشگری شهری اشاره به توانمندی‌های شهری در جذب، ساماندهی و توزیع فضایی گردشگران در راستای بهره‌مندی آن‌ها از پتانسیل‌ها و استعدادهای گردشگرانه طبیعی و

انسانی در محیط خود دارد. مناطق شهری بیشتر به دلیل دارا بودن جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری از مقاصد گردشگری مهم در نظر گرفته می‌شوند. شهرها بیشتر دارای جاذبه‌های متنوعی هستند که گردشگران زیادی را به خود جذب می‌کنند، مانند موزه‌ها، بناهای تاریخی، تئاترها، استادیوم‌های ورزشی، پارک‌ها، پارک‌های تفریحی، مراکز خرید، مناطق با معماری تاریخی و مکان‌های مرتبط با افراد مشهور و رویدادهای مهم. همچنین حتی اگر جاذبه‌های گردشگری در مناطق غیرشهری باشند، شهرها را می‌توان در متن پراکندگی این فرایند قرار داد، زیرا در ارتباط با محیط خود شهر، تبلور فضایی را تشکیل می‌دهند. در این فضا، کارکرد نزدیک شهر و پیرامون آن در کنش‌های فضایی از اهمیت اساسی برخوردار است، اما بخش بزرگی از گردشگری در شهرها متمرکز است. زیرا اقامت، خدمات غذایی، ارتباطات، حمل و نقل و سایر خدمات گردشگری در مکان‌هایی از شهرها هستند که بازدیدکنندگان از حاشیه شهر و خود شهر از آنها استفاده می‌کنند (پایک^۱، ۲۰۰۴، ص. ۱۰). گردشگری شهری، تولید منطقه گردشگری، پیرامون تعامل بین گردشگران و صاحبان خانه است و همچنین سفر به مناطق شهری با اهداف مختلف و بازدید از اماکن گردشگری و استفاده از امکانات و خدمات مرتبط با گردشگری است که آثار متفاوتی بر منطقه شهری دارد. فعالیت گردشگران در فضاهای شهری، موزه‌ها، تئاترها، نمایشگاه‌ها، مراکز تفریحی و... است. افزون بر این، توسعه زیرساخت‌های گردشگری به تغییر و بهبود شکل و عملکرد مناطق شهری منجر می‌شود. اماکن گردشگری شهری، مکان‌هایی هستند که منابع گردشگری در آن قرار دارند و الگوی رفتاری گردشگران تابعی از منابع گردشگری است که تبلور آن مکان گردشگری را تشکیل می‌دهد. الگوی رفتاری در محیط شهری متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که بیشتر تابعی از فضای شهری است و با توجه به پدیده‌های اجتماعی تغییر می‌کند؛ بنابراین، تغییر نکردن پدیده‌های شهری مرتبط با گردشگری ممکن است ثبات نسبی الگوی رفتاری را فراهم کند (ایمانی خوشخو و ایوبی یزدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰). فضای شهری (فضاهای عمومی) یک سکوی جمعی است که در آن افراد فعالیت‌ها و مراسم عملکردی را انجام می‌دهند و اعضای جامعه را به هم متصل می‌کند و صحنه‌ای است که در آن زندگی جمعی به نمایش گذاشته می‌شود. فضای شهری (خیابان‌ها، میادین و

1. Pike

پارک‌ها) فضایی است که ما با غریبه‌ها به اشتراک می‌گذاریم و درواقع فضایی برای سیاست، مذهب، تجارت، ورزش، همزیستی مسالمت‌آمیز و برخوردهای فردی است؛ بنابراین تنها بخشی از فضای شهری است که اجتماع و وجود شهروندان را می‌پذیرد و مردم آگاهانه یا ناآگاهانه در آن پا می‌گذارند و به تعامل در مناطق شهری می‌پردازند و همچنین بافت معماری و سبک تاریخی بناها را رعایت می‌کنند. درخواست برای فضاهای شهری عمومی، سهولت دسترسی به شبکه حمل و نقل، خوابگاه‌ها و هتل‌ها، رستوران‌ها، پارک‌ها، خیابان‌ها، بازارها و اقامت در مراکز گردشگری شهری و ایجاد احساس امنیت برای همه بسیار مهم است. موقعیت مکانی فضاهای شهری، مفهوم گردشگری شهری به معنای سفر به شهر با انگیزه‌های مختلف، براساس جاذبه‌ها، امکانات و امکانات متنوعی است که جذابیت و انگیزه ایجاد می‌کند و یکی از مهم‌ترین انواع گردشگری به شمار می‌رود. در بسیاری از کشورهایی که در این زمینه موفق هستند، شهرها با توجه به اقلیم، عملکرد، پیشینه تاریخی، مذهبی و پتانسیل‌های گردشگری به‌عنوان پایه توسعه گردشگری پذیرفته شده‌اند. گردشگر شهری افزون بر بازدید از مراکز و مکان‌های مختلف گردشگری در داخل یا اطراف شهر، شاهد نمایش رویدادهایی است که در یک جامعه روی می‌دهد؛ بنابراین، همان‌طور که فعالیت و حضور انسان در فضای شهری باعث بهبود کیفیت و درک فضا در طراحی شهری می‌شود، فعالیت‌های مختلفی که افراد در فضاهای شهری انجام می‌دهند جاذبه مهمی برای بازدیدکنندگان ایمن در گردشگری شهری است.

۲.۴. اهمیت برندسازی برای مقصد گردشگری

برند گردشگری قبل از سفر یک مقصد اطلاعاتی را به بازدیدکننده می‌دهد تا مقصد را بشناسد، آن را از رقبای خود متمایز کند و انتظارات آن‌ها را از سفر بعدی شکل دهد. حتی اطلاعات بعد از سفر نیز متأثر از برند مقصد است (ریچی^۱، ۱۹۹۸، ص. ۷). کلارک شش مزیت برندسازی در گردشگری را به شرح زیر فهرست کرده است:

- ۱- به کاهش تعداد گزینه‌های انتخاب مقصد هنگام تصمیم‌گیری کمک می‌کند؛
- ۲- به کاهش تأثیر انتزاع کمک می‌کند، زیرا آشنایی با ویژگی‌های فیزیکی و معنای نمادین برند مقصد، اثر ناملموس بودن را خنثی می‌کند؛

1. Richy

۳- میان تأثیرات مقصد در طول زمان، ثبات و همبستگی ایجاد کرده، ضامن برآورده شدن انتظارات گردشگران از مقصد است؛

۴- مکانیزم ارزشمند ریسک اجتماعی، ریسک روانی و ریسک اقتصادی را برای کاهش ریسک عملکرد فراهم می‌کند؛

۵- تقسیم‌بندی روشن بازار را آسان می‌کند.

کشورها معمولاً به دلایل مشابه شروع به برندسازی کرده‌اند. مهم‌ترین این دلایل ایجاد موقعیتی متمایز و خاص برای مقصد به منظور ترغیب گردشگران به هزینه بیشتر و بالابردن سطح زندگی ساکنان است. به لطف توسعه گردشگری، مدیریت تصویر مقصد و جذابیت گردشگری، می‌توان رفاه اقتصادی ساکنان را افزایش داد و تصویر مثبتی ایجاد کرد (ضرغام بروجنی و بارزانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۸). هیچ شهری از ایران به عنوان برند خصوصی در سطح ملی و بین‌المللی شناسایی نشده است. با طراحی و تبیین استراتژی برندسازی شهر به شاخص‌های موفقیت برند شهر دست خواهیم یافت. برندسازی شهر برای توسعه سیاست‌ها و سیاست‌های شهری ضروری است، زیرا از یک سو توسعه اقتصادی را دنبال می‌کند و از سوی دیگر به عنوان کانالی در تعیین هویت شهر عمل می‌کند و فرایندهای برندسازی شهر را توضیح می‌دهد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۲). یک برند شهری رقابت برای منابع، توسعه سرمایه‌گذاری و گردشگری را افزایش می‌دهد و برای نشان دادن خروجی‌های کلیدی جامعه مانند تنوع فرهنگی صادراتی بسیار مهم است. یک برند می‌تواند یک شهر را به مکانی تبدیل کند که مردم می‌خواهند زندگی، کار یا بازدید کنند؛ بنابراین، داشتن هویت مشخص برای شهر حیاتی است (هرستین^۱، ۲۰۰۸، ص. ۱۲).

۳.۴. برند گردشگری

برندسازی بسیار پیشتر از انقلاب صنعتی و از دهه ۱۹۵۰ در حوزه محصولات مصرفی به کار می‌رفت، اما فکر استفاده از استراتژی‌های برندسازی از سوی مقصدهای گردشگری (با مفهوم امروزی) ریشه در دهه ۱۹۹۰ دارد (مورگان^۲، ۲۰۱۱، ص. ۱۳). برند مقصد، مجموعه ادراکاتی است که فرد درباره یک مکان دارد (خواه بر مبنای تجربه، شنیده‌ها یا پیش‌داوری‌ها) و بر

1. Herstein

2. Morgan

نگرش‌های احساسی او درباره مقصد تأثیر می‌گذارد. برند مقصد آمیخته‌ای از مشخصه‌های محوری مکان است که تمایز و به یاد ماندنی بودن را در پی دارد. برند مقصد، جوهره ماندگار مکان است که آن را از تمامی مکان‌های دیگر و رقبا متفاوت می‌سازد. مهم‌تر آنکه برند مقصد در نگاه شاهدان آن قرار دارد و باید معتبر و واقعی باشد، نه مصنوعی. ضمن آنکه برندسازی مقصد، فرایندی است که مقصد با آن پرورش و توسعه می‌یابد و مشخصه‌های محوری خود را به مخاطبان اصلی‌اش ارائه داده و به این ترتیب، شهرت خود را ایجاد، تقویت یا حتی تغییر می‌دهد (آنوتو^۱، ۲۰۰۹، ص. ۱۵). به‌طور کلی، هدف از برندسازی، خلق هویتی متمایز و به‌یادماندنی در بازار است که منبع ارزش برای مصرف‌کنندگان به شمار می‌رود (پایک^۲، ۲۰۰۴، ص. ۲۳). هویت برند نشانگر ارزش‌ها و جوهره جامعه مقصد است که بخش مهم آن را ترکیب تداعی‌های برند (تصویر) و ویژگی‌های آن (وعده‌ها یا فواید یا عملکرد مقصد) تشکیل می‌دهد (ورایسیمو^۳، ۲۰۱۷، ص. ۶). در این میان، «برندهای موفق مقصد» از تأمین مالی خوب و از چشم‌اندازی مبتنی بر تحقیقات گسترده ذی‌نفعان، مصرف‌کنندگان و رقبا برخوردارند. آن‌ها توسط مدیرانی آینده‌نگر، نوآور، مبتکر و متعهد و یا از طریق مشارکت و اتحاد گسترش می‌یابند. بهترین برندها انعطاف‌پذیرند و از حمایت گسترده ذی‌نفعان داخلی برخوردارند (مورگان و پریدچارد^۴، ۲۰۰۴، ص. ۴). برند، اشاره به داشتن هویت، لگو، نشان یا اعتبار خاص برای مقصد گردشگری دارد که از طریق آن به سیاست‌گذاری در عرصه‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی می‌پردازد و در راستای آن به شهرت جهانی می‌رسد. درحقیقت مجموعه‌ای از عوامل، منجر به شکل‌گیری برند گردشگری شده که از طریق آن مقصد گردشگری به شناسایی بازارهای هدف برای خود پرداخته و کوشش در کسب اعتبار و شهرت جهانی و مشتریان دائمی برای خود دارد. تیلده هدینگ و همکارانش در کتاب مدیریت برند خود توضیح می‌دهند که با بررسی بیش از ۳۰۰ مقاله در نشریه‌های مختلف، توانسته‌اند حداقل چهار دیدگاه متفاوت را در بحث تجزیه و تحلیل برند و برندسازی شناسایی کنند:

1. Unwto
2. Pike
3. Verissimo
4. Morgan & Pritchard

۱. نگاه اقتصادی به تعریف برند و نحوه برندسازی

این همان نگاهی است که حسابداران و مدیران مالی به برند دارند. برای آن‌ها، نام تجاری بخشی از دارایی‌های نامشهود سازمان است و در ترازنامه ظاهر می‌شود و هنگام قیمت‌گذاری کسب و کار به آن توجه می‌شود.

۲. نگاه هویتی به تعریف برند و نحوه برندسازی

از این نظر، برند بخشی از هویت کل سازمان را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل، سازمان سعی می‌کند با شروع از تعریف هویت خود، برندی متناسب با آن هویت ایجاد و توسعه دهد.

۳. زاویه دید به برند و برندسازی از نگاه مصرف‌کننده

در این دیدگاه، هنگام تعریف برند، به آنچه مصرف‌کننده با دیدن و شنیدن نشانه‌های مرتبط با آن برند مرتبط می‌کند، توجه می‌شود.

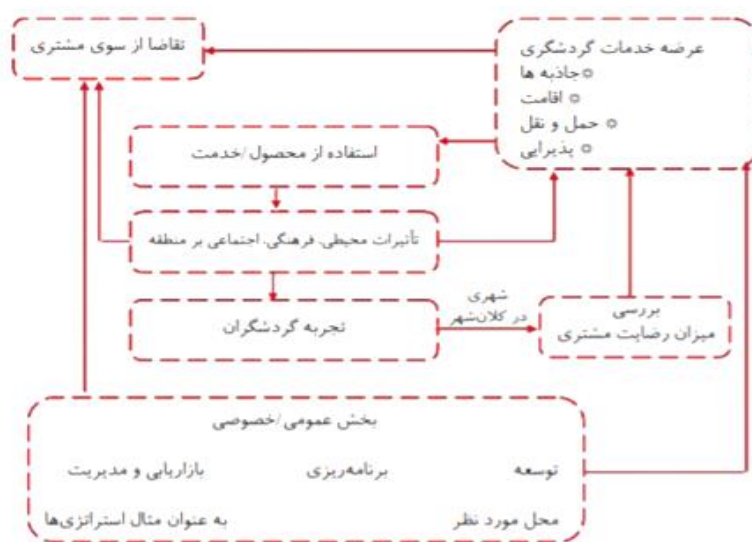
۴. جهت نگاه به برند و برندسازی از دید شخصیت‌پردازی

با فرض اینکه یک برند شبیه انسان باشد و تمام خصوصیات یک انسان را داشته باشد، چه شخصیت انسانی را می‌توان به آن برند نسبت داد؟ یا به عبارت دیگر، اگر مردم به برند ما به عنوان یک شخص نگاه کنند، چه شخصیتی باید ببینند و بشناسند؟ شخصیت‌های انسانی درون‌گرا یا برون‌گرا هستند. آن‌ها خلاق هستند و ریسک می‌کنند. آن‌ها همچنین محافظه‌کار و مقلد هم هستند. آن‌ها شاد و سرزنده هستند. رسمی و مرده هم هستند. آن‌ها وحشی و رام‌نشده هستند. آن‌ها مطیع و آرام هم هستند. هر خصیصه‌ای که به یک فرد نسبت می‌دهیم می‌تواند در یک برند نیز اعمال شود (کیم، ۲۰۱۲، ص. ۷).

۴.۴. پیامدهای گردشگری شهری

بخش گردشگری در دنیا بسیار توسعه‌یافته است؛ بسیاری از کشورها توانسته‌اند وضعیت خود را به میزان قابل توجهی بهبود بخشند و در رفع بسیاری از مشکلات از جمله بیکاری، پایین بودن درآمد سرانه و کمبود درآمد ارزی موفق بوده‌اند. با توجه به اثرهای مهم فعالیت‌های گردشگری بر اقتصاد مناطق توریستی، به این حوزه فعالیت اهمیت زیادی داده می‌شود. پیچیدگی و شدت زندگی شهری، علاقه بسیاری از مردم را به طبیعت افزایش می‌دهد، در حالی که به

مناطق با منابع طبیعی ارزشمندتر بیشتر توجه می‌شود. به این ترتیب روندهای گردشگری در این مسیر شکل می‌گیرد تا از آرامش و زیبایی طبیعت بهره‌مند شود. گردشگری در تمام نقاط جهان روبه‌رشد است و این رشد در کشورهای در حال توسعه بیشتر خواهد بود. اروپا، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، آسیای شرقی و اقیانوسیه حدود ۸۰٪ از گردشگران را به خود اختصاص خواهند داد و به این ترتیب تسلط خود را در حجم گردشگر ادامه خواهند داد. در این مدت، گردشگران بین‌المللی به آفریقا باید ۵/۵٪ در سال افزایش یابد و گردشگران به جنوب آسیا بیش از ۶٪ رشد خواهند کرد. گردشگری یکی از منابع اصلی اشتغال در سراسر جهان است که طبق آمار سازمان جهانی گردشگری، تقریباً ۷ / ۷۶ میلیون نفر در جهان به‌طور مستقیم در این بخش مشغول به کار هستند و اگر مشاغل غیرمستقیم اقتصادی نیز به این موارد اضافه شود، این میزان به حدود ۲۳۴ میلیون نفر خواهد رسید. که ۸٪ از کل مشاغل در جهان است. طبق اعلام شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC)، این صنعت تأثیر چشمگیری بر اقتصاد جهانی داشته است. این حوزه در سال ۲۰۱۷، ۲۹۲ میلیون شغل ایجاد کرد و پیش‌بینی می‌شود سهم صنعت جهانگردی در تولید ناخالص داخلی جهانی افزایش یابد و تا سال ۲۰۲۷، ۳۸۰ میلیون شغل ایجاد کند. این به معنی ۱۱٪ مشاغل در جهان است.



شکل ۲. چهارچوب گردشگری شهری

مأخذ: نوربخش و اکبرپور سراسکانرود، ۱۳۸۹

اولین شرط موفقیت هر شهری در توسعه گردشگری، وجود زیرساخت‌های شهری مناسب و وجود مدیریت هوشمندانه و مدبرانه در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و موارد مشابه است. شرط دوم، وجود مدیریت موفق شهری و شرط سوم برای تضمین موفقیت سیاست توسعه گردشگری شهری، هماهنگی و تنظیم جاذبه‌های شهر و ایجاد امکاناتی است که دسترسی به جاذبه‌ها را آسان‌تر کند.

۴.۵. برندسازی و گردشگری

مفهوم برند زمانی پدید می‌آید که سایت‌ها و پروژه‌های گردشگری در سطح جهانی برای اهدافی مانند جذب گردشگر، سرمایه و استعداد رقابت کنند. امروزه اکثر شهرهای بزرگ دنیا سازه‌های خود را برندسازی می‌کنند و نمادهایی را برای ایجاد و تبلیغ برند شهر خود در ارتباط با تمامی مکان‌ها، ساختمان‌ها و سایر جاذبه‌های آن شهر در ذهن مخاطبان می‌گذارند. مطالعات در زمینه برندسازی در دهه ۱۹۴۰ آغاز شد، اما اولین تحقیق درباره برندسازی مکان تا حدود نیم‌قرن بعد انجام نشد. می‌توان گفت که مسائل آکادمیک برندسازی مکان نسبتاً جدید است. اما در عمل این موضوع از دهه ۷۰ و با تحقیقات هانت در سال ۱۹۷۵ شروع شده است. وضعیت بازار به دلیل جهانی شدن و پراکندگی و تغییر شکل بازار و افزایش تعداد محصولات موجود و همچنین شیوه‌های مختلف و تحولات رسانه‌ای مورد توجه شرکت‌ها، به برندسازی بیش از پیش اهمیت می‌دهند (هسینگ^۱، ۲۰۱۶، ص. ۲۲). درواقع عرصه گردشگری یکی از بزرگ‌ترین بسترها برای تحقق رقابت‌گرایی و پویایی مکانی است که در سایر عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کمتر می‌توان شاهد آن بود. در صورت تحقق برند مکانی، می‌توان شاهد رقابت‌گرایی در حوزه‌های مختلفی برای توسعه گردشگری بود. همان‌طور که هاوز (۲۰۰۵) بیان می‌کند، مدیریت حس از طریق کنترل محرک‌ها و پیامدهای حواس، پاسخ به حل این معما است. زیرا دنیای بیرونی را برای فرد، تجربه‌های حسی می‌سازد؛ بنابراین کنترل حواس، کلید کنترل ذهنیت است و برای ایجاد تجربیات خوشایند از مقصد، ایجاد تجربیات حسی خوشایند ضروری است. پس در ساخت برند، نخستین مباحث می‌تواند به مباحث روان‌شناختی و درک افراد از برند در مقصد گردشگری مربوط شود. درواقع مقدمه ورود به شهرت در این حوزه نوع تصویر مقصد و درک

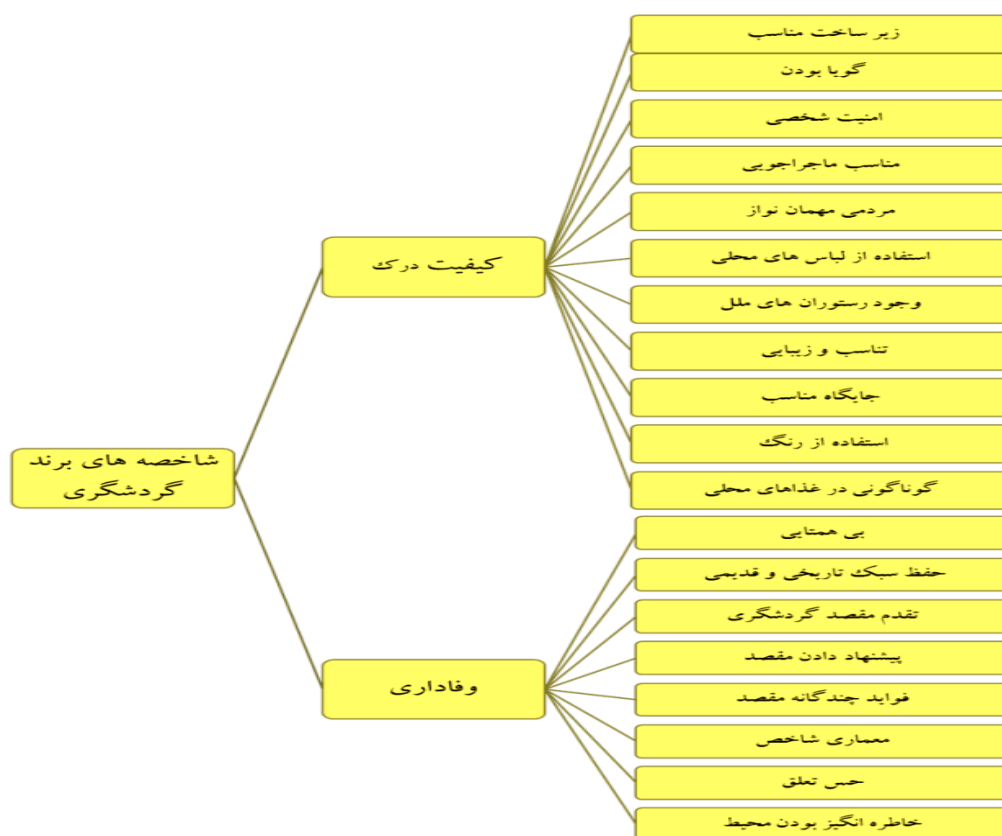
1. Hsing

و آگاهی از آن است (چاو^۱، ۲۰۱۷، ص. ۳). آگاهی از برند یکی دیگر از شاخص‌های مهمی است که در برندسازی اهمیت فراوانی دارد. آگاهی به همه اقداماتی که برای شناساندن برند و جاذبه‌های مرتبط با آن است، اشاره دارد. این شناسایی و بازنمایی براساس اهداف مقصد می‌تواند سطح محلی تا بین‌المللی داشته باشد (هاریگان^۲، ۲۰۱۸، ص. ۱۱). هدف از بازاریابی مقصد گردشگری افزایش آگاهی از مقصد گردشگری با ایجاد یک برند منحصربه‌فرد است. آکر آگاهی از برند را قدرت خریدار بالقوه برای خواندن و تشخیص تعلق برند به یک کلاس محصول خاص می‌داند. همچنین چندین سطح را برای آگاهی از برند از آگاهی از برند تا تسلط برند معرفی کرد. برند غالب زمانی است که برند تنها نامی در آن کلاس محصول باشد که مصرف‌کننده در ذهن خود می‌خواند. آگاهی از برند (شناخت) و توانایی یادآوری گردشگران بالقوه درباره گردشگری است. برند مقصد گردشگری است. گاهی اوقات برند نشان‌دهنده میزان تجسم برند در ذهن مصرف‌کنندگان است و در سطوح مختلف قابل اندازه‌گیری است. به طور کلی، آگاهی از برند دو سطح شناخت برند یا یادآوری برند را فراهم می‌کند. روش‌های مختلف اندازه‌گیری آگاهی از برند، برند خود را از سوی مشتری به یاد می‌آورند. اولین مرحله، شناخت برند است (آیا تابه‌حال این برند را دیده‌اید؟)، سپس یادآوری ذهنی برند (چه مارک‌هایی را از این خط تولید به یاد دارید؟)، سپس بالاترین برند در ذهن (اولین برندی که به ذهنتان می‌رسد) و در نهایت نام تجاری تنها برندی که به یاد مانده؟ آگاهی از برند می‌تواند برای برند ارزش ایجاد کند. برای مثال، شناخت یک مشتری با نام می‌تواند حس آشنایی ایجاد کند. به دلیل پیچیدگی، خدمات ارزش بیشتری در مقایسه با کالا دارند، بنابراین آشنایی می‌تواند نقش مهمی در ترغیب مشتریان به خرید یک برند خدمات ایفا کند (تاج‌زاده نمین و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۴۰). هانا و رولی، هویت برند مکان را «ماهیت» برند مکان می‌دانند. به عبارتی آن‌ها هویت برند را ویژگی‌هایی می‌دانند که برند مکان را «آنچه که هست» می‌سازد. هویت برند بُعد مرکزی فرایند برندسازی است که مکان را مشخص می‌کند. ذی‌نفعان به دنبال چه هستند؟ هویت برند مکان از طریق عناصر استراتژیک مختلف مانند زیرساخت برند گسترش می‌یابد. هویت برند مکان براساس

1. Chow

2. Harrigan

هویتی ایجاد می‌شود که مکان را منحصربه‌فرد می‌کند. درواقع شاخص‌هایی که در نقش ساخت برند اثر دارند خود نوعی پتانسیل یا نتیجه هستند. تحقق هرکدام از آن‌ها می‌تواند در رشد و توسعه برند اثر ماندگاری داشته باشد. کیفیت تصویر، وفاداری، کیفیت درک، مزیت برند و هویت برند و همچنین ارزش اقتصادی برند از جمله پرتکرارترین شاخص‌های برند در گردشگری هستند که همواره در مطالعات مختلف به آن‌ها اشاره شده است. در این بین البته جنبه‌های روان‌شناختی شاخص‌ها مانند آگاهی، درک، مزیت و تصویر از برند بیشتر در مطالعات پرداخته شده است (سوروسو^۱، ۲۰۱۹، ص. ۱۱).



شکل ۳. گزیده‌ای از شاخص‌های برندسازی در گردشگری

مآخذ: رضوانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ضرغام بروجنی و همکاران، ۱۳۹۶

۵. یافته‌های تحقیق

به‌منظور تعیین رویکرد مدیریتی برای برندسازی پایدار مقصد گردشگری ساحلی، تئوری مبتنی بر منابع با تکیه بر «ارزشمندی»، «کمیابی»، «تقلیدناپذیری» و «جانشین‌ناپذیری» و «قابلیت‌های داخلی» در نظر بوده و گام‌های زیر برداشته شده است.

جدول ۳. اهداف برندسازی پایدار بندر بوشهر

ردیف	هدف	اولویت
۱	توسعه و تقویت اقتصادی بندر بوشهر با هدف توسعه پایدار گردشگری	خیلی زیاد
۲	ایجاد مشاغل متنوع در راستای گردشگری	زیاد
۳	مخارج پایین مصالح و انرژی برای توسعه گردشگری	زیاد
۴	توسعه پایدار گردشگری دریایی	خیلی زیاد
۵	توسعه پایدار گردشگری ساحلی	خیلی زیاد
۶	توسعه پایدار گردشگری تجاری	زیاد
۷	توسعه پایدار گردشگری سلامت و پزشکی	کم
۸	توسعه پایدار گردشگری فرهنگی	زیاد
۹	توسعه پایدار گردشگری ورزشی	کم
۱۰	برقراری امنیت بالا با توسعه گردشگری	زیاد
۱۱	اصلاح نهادهای تصمیم‌ساز جهت مدیریت در حوزه گردشگری	زیاد
۱۲	تعریف طرح‌های مختلف با هدف گسترش گردشگری	زیاد
۱۳	کاهش ریسک سرمایه‌گذاری با ایجاد برند گردشگری بوشهر	کم
۱۴	ارائه نظرهای نو در سرمایه‌گذاری گردشگری	خیلی زیاد
۱۵	کاهش هزینه‌ها در بخش گردشگری	زیاد
۱۶	توسعه کارآفرینی در بخش گردشگری	زیاد
۱۷	توسعه اشتغال در بخش گردشگری	زیاد
۱۸	افزایش حضور گردشگران داخلی	خیلی زیاد
۱۹	افزایش حضور گردشگران خارجی	زیاد
۲۰	افزایش مدت اقامت گردشگران	زیاد
۲۱	بهبود زیرساخت‌های سواحل	زیاد
۲۲	حفظ چشم‌انداز بکر سواحل و جزایر بوشهر	زیاد
۲۳	ارائه خدمات گردشگری با کمترین تأثیرات اکولوژیکی	کم
۲۴	ایجاد فرصت جهت مشارکت بخش خصوصی در توسعه گردشگری	زیاد

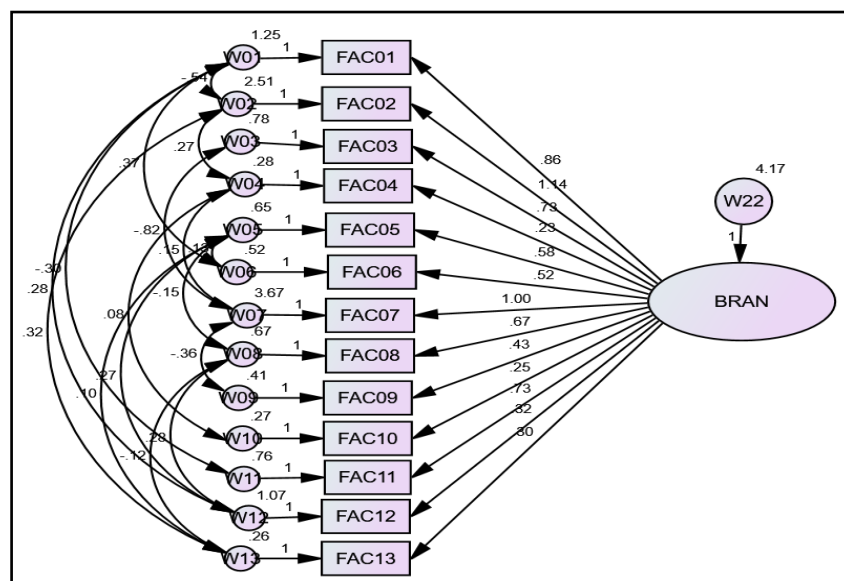
ردیف	هدف	اولویت
۲۵	افزایش مشارکت و هم‌افزایی جامعه محلی در فعالیت‌های گردشگری	کم
۲۶	ایجاد انگیزه در مدیران، جهت توسعه برند گردشگری بوشهر	خیلی زیاد
۲۷	رعایت حقوق شهروندی	کم
۲۸	تجسم ارزش برند در ذهن جامعه مهمان	کم
۲۹	ایده‌پردازی جهت ماندگاری برند	زیاد
۳۰	ایده‌پردازی جهت حفظ ارزش برند	کم
۳۱	ایجاد حس تعلق بین جامعه مهمان و میزبان	زیاد
۳۲	اصلاح استانداردهای کیفیت در ایده‌پردازی برند مقصد گردشگری	کم
۳۳	آموزش نیروی انسانی کارآمد در حوزه گردشگری	کم
۳۴	توسعه زیرساخت‌ها و مبللمان شهری بوشهر	کم
۳۵	توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در بندر بوشهر	خیلی زیاد
۳۶	تعریف شعار و ساخت هویت بصری (گرافیک و المان) برند گردشگری بوشهر	زیاد
۳۷	افزایش تبلیغات و معرفی هدفمند جاذبه‌های گردشگری بندر بوشهر	زیاد
۳۸	ساخت تصویر منحصربه‌فرد از بندر بوشهر	زیاد
۳۹	معرفی شهر شاخص با مؤلفه روابط اجتماعی (خون‌گرمی و مهمان‌نوازی)	خیلی زیاد
۴۰	معرفی بندر بوشهر به عنوان «پایتخت فرهنگی خلیج فارس»	زیاد

تحلیل مدل برندسازی گردشگری از منظر مدیران

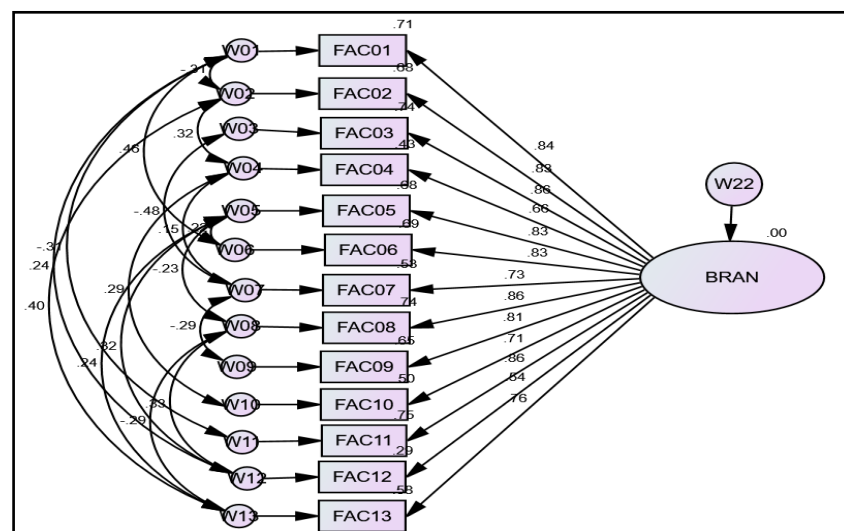
جدول ۴. نقش و نماد زیرمؤلفه‌های مدل برندسازی گردشگری از منظر مدیران

مؤلفه یا سازه	نماد در مدل	نقش
توسعه زیرساخت گردشگری	FAC01	متغیر آشکار (نشانگر)
برنامه‌ریزی و ایده‌پردازی	FAC02	متغیر آشکار (نشانگر)
توسعه اقتصادی	FAC03	متغیر آشکار (نشانگر)
حقوق شهروندی	FAC04	متغیر آشکار (نشانگر)
مشارکت جوامع محلی و خصوصی	FAC05	متغیر آشکار (نشانگر)
منابع انسانی	FAC06	متغیر آشکار (نشانگر)
شناساندن و تبلیغ جاذبه‌های گردشگری	FAC07	متغیر آشکار (نشانگر)
توسعه پایدار گردشگری	FAC08	متغیر آشکار (نشانگر)
توسعه اشتغال و کارآفرینی	FAC09	متغیر آشکار (نشانگر)
امنیت گردشگری	FAC10	متغیر آشکار (نشانگر)
بسامد گردشگری	FAC11	متغیر آشکار (نشانگر)

نقش	نماد در مدل	مؤلفه یا سازه
متغیر آشکار (نشانگر)	FAC12	آگاهی محیط‌زیستی
متغیر آشکار (نشانگر)	FAC13	بهبود استانداردها
سازهٔ مکنون درون‌زا	BRAN	برندینگ گردشگری



شکل ۴. ضرایب استاندارد شده در مدل گردشگری



شکل ۵. ضرایب استاندارد شده در مدل گردشگری

جدول ۵. ضرایب مسیر و ضریب تعیین زیرمؤلفه‌ها در مدل نهایی گردشگری از منظر مدیران

نشانگرها	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد شده	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	ضریب تعیین	p	نتیجه
شناساندن و تبلیغ جاذبه‌های گردشگری	۱.۰۰۰	۰/۷۲۹			۰/۵۳۴	۰/۰۰۱	تأیید
توسعه زیرساخت گردشگری	۰/۸۶۲	۰/۸۴۴	۰/۱۲۰	۷/۱۵۵	۰/۷۱۳	۰/۰۰۱	تأیید
برنامه‌ریزی و ایده‌پردازی	۱/۱۴۱	۰/۸۲۷	۰/۱۶۳	۶/۹۹۵	۰/۶۸۴	۰/۰۰۱	تأیید
توسعه اقتصادی	۰/۷۲۷	۰/۸۵۹	۰/۱۱۹	۶/۱۰۲	۰/۷۳۹	۰/۰۰۱	تأیید
حقوق شهروندی	۰/۲۲۶	۰/۶۵۷	۰/۰۳۸	۵/۹۳۵	۰/۴۳۱	۰/۰۰۱	تأیید
مشارکت جوامع محلی و خصوصی	۰/۵۸۱	۰/۸۲۶	۰/۰۸۳	۷/۰۲۲	۰/۶۸۳	۰/۰۰۱	تأیید
منابع انسانی	۰/۵۲۲	۰/۸۲۸	۰/۰۷۴	۷/۰۷۳	۰/۶۸۶	۰/۰۰۱	تأیید
توسعه پایدار گردشگری	۰/۶۷۲	۰/۸۶۰	۰/۰۹۳	۷/۲۵۳	۰/۷۳۹	۰/۰۰۱	تأیید
توسعه اشتغال و کارآفرینی	۰/۴۲۹	۰/۸۰۸	۰/۰۷۱	۶/۰۴۱	۰/۶۵۳	۰/۰۰۱	تأیید
امنیت گردشگری	۰/۲۵۴	۰/۷۰۹	۰/۰۴۱	۵/۹۵۷	۰/۵۰۳	۰/۰۰۱	تأیید
بسامد گردشگری	۰/۷۳۰	۰/۸۶۳	۰/۱۰	۷/۳۱۴	۰/۷۴۵	۰/۰۰۱	تأیید
بهبود استانداردها	۰/۲۹۵	۰/۷۶۴	۰/۰۴۶	۶/۴۶۰	۰/۵۸۴	۰/۰۰۱	تأیید
آگاهی محیط زیستی	۰/۳۲۴	۰/۵۴۰	۰/۰۷۳	۴/۴۶۳	۰/۲۹۱	۰/۰۰۱	تأیید

نتایج جدول ۵ ضرایب مسیر استاندارد شده و استاندارد نشده مدل برندینگ گردشگری را نشان می‌دهد. همچنین در این جدول، ضریب تعیین هریک از مؤلفه‌ها ذکر شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود تمامی نتایج در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

– مؤلفه شناساندن و تبلیغ جاذبه‌های گردشگری با ضریب استاندارد شده ۷۲۹/۰ قادر است ۵۳/۴ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.

- مؤلفه توسعه زیرساخت گردشگری با ضریب استاندارد شده ۶۶۸/۶ قادر است ۷۱/۳ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه برنامه‌ریزی و ایده‌پردازی با ضریب استاندارد شده ۸۲۷/۸ قادر است ۶۸/۴ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه توسعه اقتصادی با ضریب استاندارد شده ۸۵۹/۸ قادر است ۷۳/۹ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه حقوق شهروندی با ضریب استاندارد شده ۶۵۷/۶ قادر است ۴۳/۱ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه مشارکت جوامع محلی و خصوصی با ضریب استاندارد شده ۸۲۶/۸ قادر است ۶۸/۳ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه منابع انسانی با ضریب استاندارد شده ۸۲۵/۸ قادر است ۶۸/۶ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه توسعه پایدار گردشگری با ضریب استاندارد شده ۸۶۰/۸ قادر است ۷۳/۹ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه توسعه اشتغال و کارآفرینی محلی با ضریب استاندارد شده ۸۰۸/۸ قادر است ۶۵/۳ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه امنیت گردشگری با ضریب استاندارد شده ۷۰۹/۷ قادر است ۵۰/۳ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه بسامد گردشگری با ضریب استاندارد شده ۶۸۳/۶ قادر است ۷۴/۵ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند. یافته‌های حاصل در سطح ۰۰۱/ معنادار است.
- مؤلفه بهبود استانداردها با ضریب استاندارد شده ۷۶۴/۷ قادر است ۵۸/۴ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.
- مؤلفه آگاهی محیط زیستی با ضریب استاندارد شده ۵۴۰/۵ قادر است ۲۹/۱ درصد از واریانس مدل نهایی برندینگ گردشگری را تبیین کند.

برازش مدل پیشنهادی گردشگری

در جدول ۶ نتایج شاخص‌های برازندگی برای مدل گردشگری با رویکرد عوامل مؤثر از دیدگاه جامعه و همچنین عوامل مؤثر بر برندینگ گردشگری از منظر مدیران دولتی و همچنین دست‌اندرکاران حوزه گردشگری در بخش خصوصی آورده شده است و بیانگر برازش کاملاً مناسب مدل اندازه‌گیری شده عوامل گردشگری است.

جدول ۶. شاخص‌های نیکویی برازش مدل گردشگری از منظر جامعه

شاخص	مقدار	دامنه قابل قبول
آزمون نیکویی برازش مجذور مای (CMIN)	۵۹/۲۹۶	$P > ۰/۰۵$
درجه آزادی (df)	۳۳	
ارزش P	۰/۰۰۳	
نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF)	۱/۷۹۷	$CMIN/DF < ۵$
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۸۳	$GFI > ۰/۹$
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۹۵	$CFI > ۰/۹$
ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۳۷	$RMSEA < ۰/۰۸$
احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE)	۰/۹۱۸	$PCLOSE > ۰/۰۵$

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، اکثریت شاخص‌های ارائه‌شده، نشان‌دهنده برازش مناسب مدل برندینگ گردشگری است. براساس جدول بالا، مقدار شاخص نیکویی برازش مجذور کای (CMIN) برابر با ۵۹/۲۹۶ با درجه آزادی ۳۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۳ هست. شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF) برابر با ۱/۷۹۷، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۸۳، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۹۵ به دست آمده است. همچنین، شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۳۷ و احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE) متناظر با آن نیز برابر با ۰/۹۱۸ است که حکایت از برازش مناسب مدل مذکور دارند؛ ازاین‌رو، مدل ارائه‌شده برای برندینگ گردشگری با ۹۵ درصد اطمینان قابل تعمیم به جامعه پژوهش است.

جدول ۷. شاخص‌های نیکویی برازش مدل تأیید عاملی گردشگری ازمنظر جامعه

شاخص	مقدار	دامنه قابل قبول
آزمون نیکویی برازش مجذور کای (CMIN)	۱۴۰/۴۸۴	$P > ۰/۰۵$
درجه آزادی (df)	۳۳	
ارزش p	۰/۰۰	
نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF)	۴/۲۵۷	$CMIN/DF < ۵$
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۶۲	$GFI > ۰/۹$
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۷۹	$CFI > ۰/۹$
ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۷۵	$RMSEA < ۰/۰۸$
احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE)	۰/۰۰۱	$PCLOSE > ۰/۰۵$

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، اکثریت شاخص‌های ارائه‌شده نشان‌دهنده برازش مناسب مدل برندینگ گردشگری است. براساس جدول فوق، مقدار شاخص نیکویی برازش مجذور کای (CMIN) برابر با ۱۴۰/۴۸۴۲۹۶ با درجه آزادی ۳۳ و سطح معناداری ۰/۰۰ هست. شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF) برابر با ۴/۲۵۷، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۶۲، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۷۹ به دست آمده است. همچنین، شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۷۵ با و احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE) متناظر با آن نیز برابر با ۰/۰۰۱ است که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل مذکور است؛ ازاین‌رو، مدل ارائه‌شده برای برندینگ گردشگری با ۹۵ درصد اطمینان قابل تعمیم به جامعه پژوهش است.

جدول ۸. شاخص‌های نیکویی برازش مدل برندینگ گردشگری ازمنظر مدیران

شاخص	مقدار	دامنه قابل قبول
آزمون نیکویی برازش مجذور کای (CMIN)	۵۰/۵۰۸	$P > ۰/۰۵$
درجه آزادی (pdf)	۴۹	
ارزش p	۰/۴۱۴	
نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF)	۱/۰۳۱	$CMIN/DF < ۵$
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۰۴	$GFI > ۰/۹$
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۹۸	$CFI > ۰/۹$

شاخص	مقدار	دامنه قابل قبول
ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۲۱	$RMSEA < ۰/۰۸$
احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE)	۰/۷۱۴	$PCLOSE > ۰/۰۵$

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، بیشتر شاخص‌های ارائه‌شده از برازش کاملاً مناسب مدل برندینگ گردشگری است. براساس جدول بالا، مقدار شاخص نیکویی برازش مجذور کای (CMIN) برابر با ۵۰/۵۰۸ با درجه آزادی ۴۹ و سطح معناداری ۰/۴۱۴ است. شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF) برابر با ۱/۰۳۱، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۰۴، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۹۸ به دست آمده است. همچنین، شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۲۱ با و احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE) متناظر با آن نیز برابر با ۰/۷۱۴ است که نشان‌دهنده برازش کاملاً مناسب مدل بیان‌شده است؛ ازاین‌رو، مدل ارائه شده برای برندینگ گردشگری با ۹۵ درصد اطمینان قابل تعمیم به جامعه پژوهش است. به‌منظور معرفی مؤلفه‌های مدل برندینگ گردشگری در نرم‌افزار AMOS از گزینه‌های ذیل در جدول ۹ استفاده شده است. نقش و عنوان هر نماد در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۹. رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌های برندینگ گردشگری ازمنظر مدیران

رتبه	میانگین رتبه	مؤلفه‌ها
۱	۱۲/۴۷	شناساندن و تبلیغ جاذبه‌های گردشگری
۲	۱۲/۲۱	برنامه‌ریزی و ایده‌پردازی
۳	۱۱/۱۰	توسعه زیرساخت گردشگری
۴	۸/۶۲	مشارکت جوامع محلی و خصوصی
۵	۸/۵۷	توسعه پایدار گردشگری
۶	۸/۴۹	توسعه اقتصادی
۷	۸/۳۷	بسامد گردشگری
۸	۵/۰۹	توسعه اشتغال و کارآفرینی
۹	۵/۰۰	آگاهی محیط زیستی
۱۰	۴/۹۹	منابع انسانی
۱۱	۲/۱۳	امنیت گردشگری
۱۲	۱/۹۹	حقوق شهروندی
۱۳	۱/۹۸	بهبود استانداردها

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج نشان می‌دهد که توسعه ساختارهای زیربنایی در توسعه یافتگی صنعت گردشگری استان بوشهر مؤثر است. امروزه نهادها و سازمان‌ها در تمامی حوزه‌های گردشگری شامل حمل و نقل، آژانس‌های مسافرتی، ارتباطات، هتل‌داری، مراکز آموزشی و تحقیقاتی گردشگری به همکاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک روی می‌آورند. توسعه بندری، ساحلی و دریایی در کنار دیگر موارد توسعه در استان بوشهر مورد توجه است. رسیدن به این مرحله مستلزم رشد روزافزون مدیران و سازمان‌های دولتی در حوزه‌های ساختار و مدیریت، منابع انسانی، تجهیزات و فناوری، سیستم‌ها، روش‌ها و ارائه محصول و خدمات است. اما تعریف و تحقق این مرحله از اهداف و خواسته‌های بنگاه‌های گردشگری در منظر کاری یکی از الزامات و شرایطی است که ثبات و بقای آتی سازمان‌ها به این دیدگاه بستگی دارد. مفهوم گردشگری شامل زنجیره‌ای از بخش‌های مختلف مانند امکانات اقامتی، امکانات پذیرایی و وسایل نقلیه حمل و نقل است که برای ارائه فرصت‌های خدماتی به گردشگران ایجاد شده‌اند. یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد آگاهی عمومی نسبت به مزایای گردشگری در سواحل و بنادر خلیج فارس و همچنین به‌کارگیری افراد آموزش‌دیده در بخش‌های مرتبط با گردشگری در توسعه صنعت گردشگری استان بوشهر مؤثر است. فرهنگ و تأثیرگذاری فرهنگی از اهداف توسعه صنعت گردشگری است و یکی از اهداف سازمان جهانی جهانگردی نیز همبستگی جهانی برای حل تعارض‌ها و اختلاف‌ها در قالب گردشگری است. شناخت روزافزون گردشگران از مقاصد گردشگری، ارائه گزینه‌های جدید و فرصت‌های جدید برای کسب تجربیات منحصر به فرد، وجود جاذبه‌های گردشگری غنی در بندر بوشهر، بدون ساختارهای زیرساختی مناسب، نمی‌تواند باعث جذب گردشگران و ایجاد رضایت آن‌ها شود؛ به عبارت دیگر، داشتن زیرساخت‌های مناسب، بخشی از محصول گردشگری آمیخته با بازاریابی است که امکان جذب گردشگران بیشتری را برای بازدید از جاذبه‌های گردشگری فراهم می‌کند؛ بنابراین با بهبود آن‌ها می‌توانیم در جذب گردشگران بیشتر موفق باشیم؛ بنابراین تحقیقات کنونی نشان می‌دهد که می‌توان با فعالیت‌های تبلیغاتی، تصویر بهتری در مقایسه با رقبای سایر مناطق گردشگری ارائه داد. با توجه به اینکه تبلیغات و آگاهی از برند و عوامل تصویر بر ارزش ویژه برند به عنوان مهم‌ترین عنصر ایجاد آگاهی و تصویر برند تأثیر می‌گذارد، پرداخت هزینه برای

افزایش ارزش برند اهمیت دارد. باید به تبلیغات و سایر ابزارهای تبلیغاتی مانند روابط عمومی، مصاحبه‌های خبری و فعالیت‌های تبلیغاتی توجه داشت و مدیران شرکت‌ها باید بکوشند آن‌ها را به صورت جامع‌تری اجرا کنند. مدیران می‌توانند از طریق تبلیغات و همچنین خانواده، برای افزایش آگاهی جوانان از برند مورد نظر بکوشند؛ زیرا با افزایش سطح آگاهی جوانان، وفاداری آن‌ها به برند نیز افزایش می‌یابد و به شناخت سریع‌تر و بهتر تداعی‌های برند کمک می‌کند که در نهایت منجر به افزایش ارزش ویژه برند می‌شود. به منظور بهبود تصویر ذهنی برند مقصد، مدیریت مقصد باید اقدام‌های احتیاطی لازم را انجام دهد که این اقدام‌ها شامل موارد زیر است:

- تسهیل و بهبود سیستم‌های حمل و نقل شهری، بین شهری و هوایی

- بررسی و بازسازی قوانین اجتماعی و فرهنگی

- بهبود زیرساخت‌های شهری

- بهبود برنامه‌ریزی اشتغال و سیاست‌های توسعه کسب و کار

- راه‌اندازی دفتر نمایندگی یونسکو

- بندر بوشهر به عنوان شهر یادگیرنده یونسکو

پیشنهاد‌های پژوهش عبارت است از:

- ایجاد کمیته برندسازی گردشگری شهری متشکل از: فرمانداری شهرستان بوشهر، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر، شورای اسلامی شهر بوشهر، شهرداری بندر بوشهر، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر و دیگر دستگاه‌های مرتبط، به ریاست استانداری بوشهر برای تسهیل در روند برندسازی گردشگری شهری؛

- معرفی و ثبت بندر بوشهر به عنوان شهر خلاق یونسکو در یکی از حوزه‌های خوراک، ادبیات

و موسیقی

- تعریف شعار، رنگ، نشانه (لوگو)، نشانه نوشته (لوگوتایپ)، مسکات و المان‌های گرافیکی و تجسمی مرتبط با فرهنگ بومی استان بوشهر برای تولید محتوای گرافیکی، صوتی و تصویری و تجسمی در برندسازی گردشگری بوشهر با عنوان «بوشهر، پایتخت فرهنگی خلیج فارس» و ارائه آن‌ها در سطح کشور؛

- واگذاری نظارت بر عملکرد ارگان‌ها برای اجرای دقیق دستورالعمل‌های برندسازی گردشگری
- بوشهر به اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری؛
- اجرای دستورالعمل‌های برندسازی گردشگری شهر بوشهر زیر نظر شورای اسلامی شهر و شهرداری بندر بوشهر
- ایجاد سازمان گردشگری شهرداری بندر بوشهر برای پیشبرد اهداف برندسازی گردشگری شهری بوشهر و توسعه فرهنگ گردشگری در شهر.

کتابنامه

۱. ایمانی خوشخو، م.، و ایوبی یزدی، ح. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند در مقصد گردشگری شهر یزد. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری*، ۵ (۱۳)، ۱۳۷-۱۱۳.
۲. تاج‌زاده نمین، ا.، و اسمعیل مشرفی، ف. (۱۳۹۲). اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارزش ویژه برند در مقصد گردشگری از دیدگاه گردشگران داخلی. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری*، ۸ (۲۴)، ۵۸-۳۵.
۳. جلالیان، س. ا.، سعیدی، م.، و ویسیان، م. (۱۳۹۸). تحلیل ارزش ویژه ی برند مقصد گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر مریوان). *مجله پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۷ (۲)، ۲۴۸-۲۳۳.
۴. خادمی، م.، امیرخانی، ف.، و فتحی، ه. (۱۳۹۷). سنجش ارزش ویژه برند مکان و تأثیر آن بر دل‌بستگی شهروندان؛ تحلیل نقش میانجی رضایت از مکان. *مدیریت بازاریابی*، ۱۳ (۳۸)، ۶۳-۴۷.
۵. خاکی، غ. (۱۳۹۰). *روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی*. تهران: انتشارات بازتاب.
۶. دهدشتی شاهرخ، ز.، تقوی فرد، م.، و رستمی، ن. (۱۳۸۹). مدلی برای سنجش تأثیر قابلیت اعتماد برند بانک‌ها بر تعهد وفاداری مشتریان. *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، ۵ (۲۰)، ۸۹-۶۹.
۷. ربانی، ر.، جلالی، م.، و مهرمنش، ح. (۱۳۹۹). تبیین الگوی راهبردی برندسازی شهری در صنعت گردشگری. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۱۱ (۴۲)، ۱۷۱-۱۸۸.
۸. ضرغام بروجنی، ح.، و بارزانی، ه. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی برند گردشگری در ایران. *فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین*، ۳ (۱)، ۸۰-۶۳.
۹. کرباسی‌ور، ع.، و یاردل، س. (۱۳۸۸). ارزیابی ارزش ویژه نام و نشان تجاری و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مصرف‌کننده (ارائه الگوی تحلیلی). *فصلنامه مدیریت*، ۸ (۲۱)، ۲۸-۱۴.

۱۰. کروی، م.، یوری گهر، ف.، محمودزاده، س. م.، و محمدیان محمودجیق، ن. (۱۴۰۰). واکاوی برندسازی و مدیریت برند گردشگری ایران در اسناد پایه و فرادستی ج. ا. ایران. *مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۶ (۵۶)، ۸۲-۴۵.
۱۱. مسگری، م. ا. (۱۳۹۲). *بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند گردشگری استان آذربایجان غربی با استفاده از تکنیک MADM* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده). دانشگاه پیام‌نور کرج، ایران.
۱۲. نساجی کامرانی، م.، کریمی، ا.، محمودی میمند، م.، و درویش، ح. (۱۳۹۶). تبیین مدل عوامل مؤثر بر ارتقای برند گردشگری جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۵ (۴)، ۹۵-۱۰۶.

13. Clarke, J. (2000). Tourism brands: An exploratory study of the brand's box model. *Journal of Vacation Marketing*, 6(4), 329-345.
14. Herstein, R., & Jaffe Eugene, D. (2008). Sports hospitality as a business strategy. *Journal of Business Strategy*, 29(6), 336-343.
15. Hsueh, W. C., Jie Ling, G., I-Yin, Y., & Kuo-Ping, H. (2017). Building brand equity through industrial tourism: *Asia Pacific Management Review*, 22(2), 70-79.
16. Kyung Hoon, K., Kim, Kang, S., Kim, J. H., & Suk Hou, K. (2008). Brand equity in hospital marketing. *Journal of Business Research*, 61, 75-82.
17. Morgan, N., & Pritchard, A. (2004). Meeting the destination branding challeng. In N. Morgan, A. Pritchard, A., R Pride, R. (Eds.), *Destination branding: Creating the unique destination proposition* (pp. 59078). Oxford: Butterworth-Heinemann.
18. Murphy, P., Pritchard, M. P., & Smith, B (2000). The distinction product and its impact on traveler perceptions. *Tourism Management*, 21, 43-52.
19. Pike, S. (2004). *Destination marketing organizations*. The Netherlands, USA & UK: Elsevier Ltd .
20. Pike, S. (2008). *Destination Marketing: An integrated marketing communication approach*. MA, USA: Butterworth-Heinemann.
21. Rabani, R., Jalali Seyyed, M., & Mehrmanesh, H. (2020). Explanation the strategic pattern of urban branding in the tourism industry, *Journal of Strategic Management Studies*, 11(42), 171-188.
22. Zaslavskaya, T. V. A. Y., & Smolenskaya, E. (2019). City branding: Features of urban image design. In *IOP Conference Series: Materials Science and Engineering*. Purpose-led Publishing

-
23. UNWTO. (2009). *Handbook on tourism destination branding*. Spain: The World Tourism .
 24. UNWTO. (2018). *Tourism highlights*. Spain: United Nations World Tourism Organization .
 25. Veríssimo, J. M. C., Tiago, M. T. B., Tiago, F. G., & Jardim, J. S. (2017). Tourism destination brand dimensions: An exploratory approach. *Tourism & Management Studies*, 13(4), 1-8.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.82103.1272>

India's Strategy to Mitigate China's Growing Threats in South Asia¹

Hamid Dorj

PhD Candidate in International Relationships, Guilan University, Rasht, Iran

Received: 19 July 2023

Revised: 31 August 2023

Accepted: 28 November 2023

Abstract

In recent years, China has been increasingly seeking to increase its economic and military power. Beijing has also begun to expand its relations with Islamabad, which is deemed as a strategic threat by India. In this regard, India has forged a strategic alliance with the United States as a leverage to mount pressure on China and undermine its power while highlighting its regional isolation. Thus, the main research question raised here is, “What strategy does India adopt to mitigate China's growing threats in South Asia?” The research hypothesis is that in the wake of long-term border disputes and conflicts with China, India always feels threatened by this country's prowess, the modernization of its army, and Beijing's cooperation with Islamabad, as Delhi's most important rival and enemy in South Asia. Therefore, by forging a strategic alliance with Washington, Delhi is taking steps toward neutralizing China's growing power and ultimately controlling and isolating this country in the region, which can help balance the regional power of India with China in South Asia. The findings suggest that India is concerned about the growing economic and military power of China and the expansion of this country's cooperation with Pakistan and its transformation into a dominant Asian power. Hence, to avoid being surrounded by China and Pakistan in the region, Delhi attempts to expand its relations with Washington. These measures are part of India's strategy to ensure deterrence against the China-Pakistan axis and alleviate its concerns in South Asia. A qualitative research method has been used for data analysis in this research.

Keywords: China, India, America, South Asia, Threat Balance.

1. Corresponding Author: Email: hamid.dorj@phd.guilan.ac.ir



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi: <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.82103.1272>

مقاله پژوهشی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

استراتژی هند برای کاهش تهدیدات روزافزون چین در جنوب آسیا

حمید درج (دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران)

hamid.dorj@phd.guilan.ac.ir

صص ۱۸۶ - ۱۵۳

چکیده

چین در سال‌های اخیر برای افزایش روزافزون قدرت اقتصادی و نظامی خویش کوشیده است. همچنین پکن، روابط خود را با اسلام‌آباد، به‌نحو افزایش‌دهی گسترش داده و هند این امر را تهدیدی راهبردی دانسته است. در این باره، هند با ایجاد اتحادی راهبردی با آمریکا، به‌عنوان اهرمی برای فشار به چین و تضعیف و انزوای منطقه‌ای آن استفاده می‌کند. به این ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که هند برای کاهش تهدیدهای روزافزون چین در جنوب آسیا چه راهبردی را دنبال می‌کند؟ فرضیه پژوهش این است که هند به‌دلیل اختلافات و درگیری‌های مرزی طولانی‌مدتی که با چین داشته، همواره از قدرت‌یابی این کشور، مدرنیزه شدن ارتش چین و همچنین همکاری‌های پکن با اسلام‌آباد به‌عنوان مهم‌ترین رقیب و دشمن دهلی در جنوب آسیا، احساس خطر می‌کند؛ بنابراین، دهلی با برقراری اتحاد استراتژیک با واشنگتن در جهت خنثی‌سازی قدرت روبه‌افزایش چین و درنهایت کنترل و انزوای منطقه‌ای این کشور می‌کوشد که این امر می‌تواند به توازن قدرت منطقه‌ای هند با چین در جنوب آسیا کمک کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هند از قدرت روزافزون اقتصادی و نظامی چین و توسعه همکاری‌های این کشور با پاکستان و تبدیل آن به یک قدرت مسلط آسیایی همواره نگران است؛ بنابراین، دهلی برای جلوگیری از محاصره نشدن از سوی چین و پاکستان در منطقه، خواهان گسترش مناسبات با واشنگتن است. این اقدام‌ها بخشی از استراتژی هند برای بازدارندگی علیه محور چین و پاکستان و کاهش نگرانی خود در جنوب آسیا به شمار می‌رود. برای تحلیل داده‌های این پژوهش، از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: چین، هند، آمریکا، جنوب آسیا، موازنه تهدید

۱. مقدمه

دو کشور هند و چین به دنبال توسعه قلمروی نفوذ و قدرت‌یابی در جنوب آسیا و دیگر مناطق آسیا هستند. هند و چین در تلاش برای ایجاد نظم و موازنه قدرت منطقه‌ای در جهت تأمین اهداف و منافع خود و هم‌پیمانان منطقه‌ای برآمده‌اند که این امر باعث شده است تا هر دو کشور یکدیگر را تهدیدی در برابر توسعه قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود بدانند. کشور چین از طریق مجموعه اقداماتی در صدد تغییر توزیع توانمندی‌ها در جنوب و جنوب شرق آسیا به نفع خود برآمده است. این کشور از طریق طرح «یک کمربند - یک راه»^۱، برای دگرگونی ژئوپلیتیکی و اقتصادی مناطق مهم آسیا می‌کوشد و در این راستا، با به‌کارگیری استراتژی «رشته مرواریدها»^۲ در پی ایجاد شبکه‌ای از امکانات تجاری و نظامی در امتداد خطوط دریایی است تا در حوزه دریایی و به‌ویژه اقیانوس هند، توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهد. پکن نیز روابط نزدیکی با اسلام‌آباد ایجاد کرده است به این امید که محور چین - پاکستان به‌عنوان وزنه تعادلی برای همکاری ایالات متحده و هند عمل کند. این‌گونه سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌طلبانه چین، بر ترس و نگرانی‌های امنیتی هند از محاصره ژئوپلیتیکی و انزوای منطقه‌ای افزوده است که این امر می‌تواند به سد کردن نفوذ دهلی و حذف آن از معادلات منطقه کمک کند. برخلاف چین، منطقه جنوب آسیا در صدر اولویت استراتژیک هند قرار دارد. هند در صدد کسب موقعیت هژمونی در این منطقه است تا با آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر به‌ویژه چین در جنوب آسیا مقابله کند. این در حالی است که چین به دلیل دارا بودن صنایع عظیم اقتصادی و نظامی و همچنین نیروی انسانی بسیار، در حال حاضر به سرعت رو به پیشرفت و توسعه بوده است. افزایش قدرت اقتصادی و نظامی چین می‌تواند این کشور را به یک هژمون منطقه‌ای در آسیا تبدیل کند که این امر نیز به گونه‌ای طبیعی، مخالفت ایالات متحده را در پی دارد؛ زیرا این کشور نمی‌خواهد قدرتی همسنگ در سایر مناطق دنیا درمقابل خود ببیند. قدرت و نفوذ روزافزون چین در نظام بین‌الملل، قدرت یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا را تهدید می‌کند و این امر تأثیر بسزایی بر سیاست‌ها و منافع ایالات متحده در مناطق مختلف دنیا از جمله جنوب آسیا داشته

1. One Belt - One Way

2. String of Pearls

است؛ بنابراین، افزایش قدرت و نفوذ روبه‌رشد چین و ایجاد تهدیدات استراتژیک برای هند در جنوب آسیا باعث برقراری ائتلاف و اتحاد دهلی با واشنگتن با هدف مهار قدرت و نفوذ منطقه‌ای پکن شده است و در این راستا، هر دو کشور می‌خواهند از طریق کنترل و انزوای منطقه‌ای چین، معادلات و نظم منطقه‌ای را در راستای اهداف و منافع خود و متحدان منطقه‌ای در جنوب آسیا شکل دهند. بنابراین، سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که هند برای کاهش تهدیدات روزافزون چین در جنوب آسیا چه راهبردی را دنبال می‌کند؟ این پژوهش در چهارچوب نظریه موازنه تهدید شکل گرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

درباره سیاست‌ها و اقدامات هند و چین با همدیگر در جنوب آسیا پژوهش‌های زیادی به زبان فارسی و انگلیسی انجام شده است. در ادامه به چند نمونه از آن‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد، اشاره می‌شود.

کریمی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با نام «کنشگری امنیتی چین و هند در منطقه جنوب آسیا»؛ بیان کرده است که مجموعه‌ای از منافع استراتژیک، اقتصادی و امنیتی - نظامی، دو کشور چین و هند را به کنشگران امنیتی در جنوب آسیا تبدیل کرده است و هرکدام از این کشورها می‌کوشند نظم منطقه‌ای در جنوب آسیا را براساس منافع خود شکل دهند. واگنر (۲۰۱۶) در مقاله خود با عنوان «نقش هند و چین در جنوب آسیا»؛ نوع نگاه و عملکرد دو کشور چین و هند در منطقه جنوب آسیا را تحلیل و بررسی کرده است. به باور وی نقش هند در مقایسه با چین در این منطقه ضعیف‌تر است؛ چراکه هند توانمندی اقتصادی، سیاسی و نظامی کمتری در مقایسه با چین دارد که این امر باعث گسترش قلمروی نفوذ چین در این منطقه شده است. فریمن (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست منطقه‌گرایی چین و روابط هند و چین در جنوب آسیا»؛ معتقد است که تفوق سیاسی و نظامی چین در جنوب آسیا، به موازات ابتکار یک کمربند - یک راه؛ منافع و امنیت هند را تهدید می‌کند. وی به این نتیجه می‌رسد که چین برای جلوگیری از تنش‌های آینده با هند و جلب مشارکت این کشور در ابتکار یک کمربند - یک راه؛ نیاز به بازسازی و تجدیدنظر در

سیاست خارجی خود در منطقه دارد. پاردسی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی چینی دولت هند در دوره مؤدی در مدیریت رقابت نامتقارن» بیان کرده است که هند در دوره مؤدی، از استراتژی ترکیبی در برابر رقیب نامتقارن خود یعنی چین استفاده کرده است. این استراتژی شامل همکاری‌های بانکی در سطوح چندجانبه، رقابت در سطح منطقه‌ای، مقابله با طرح‌های ابتکاری یک‌جانبه چین مانند ابتکار کمربند - جاده و بازدارندگی در هیمالیا و اقیانوس هند است. اگرچه تاکنون تحقیقات و پژوهش‌های زیادی درباره سیاست‌ها و اقدامات هند و چین در جنوب آسیا نگارش یافته است؛ ولی بیشتر این تحقیقات با تکیه بر رویکرد قدرت نرم دو کشور انجام شده است؛ درحالی‌که مقاله پیش رو، بیشتر با رویکردی واقع‌بینانه و با تکیه بر عناصر سخت قدرت هند و چین در جنوب آسیا شکل گرفته است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع هدف کاربردی و روش آن از نوع کیفی است. در این تحقیق به توصیف، مطالعه و تجزیه و تحلیل آنچه هست؛ نیز پرداخته می‌شود؛ بنابراین، این تحقیق از لحاظ روش اجرا از نوع «تحقیق‌های توصیفی - تحلیلی» است. با توجه به ماهیت موضوع مورد پژوهش، روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی است. بدین گونه که اطلاعات مورد نیاز برای کتاب‌ها و مقالات استخراج و طبقه‌بندی شده و سپس به شیوه کیفی، به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

استفان والت^۱، نظریه‌پرداز مشهور، نظریه «موازنه تهدید» را در چهارچوب کلی واقع‌گرایی تدافعی مطرح کرده است. والت با مطالعات خود درباره روند تشکیل اتحادها و ائتلاف‌ها در قرن بیستم و به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و دوم و همچنین دوران جنگ سرد بر این باور است که دولت‌ها نه بر مبنای منطق توازن قوا؛ بلکه بر مبنای توازن تهدید عمل می‌کنند. والت با این پرسش آغاز می‌کند که امنیت در برابر چه چیزی؟ وی بر این باور است که امنیت بیش از آنکه

1. Pardesi

2. Stephen Walt

در برابر قدرت مطرح شود؛ در برابر تهدید مطرح می‌شود. والت در نقد والتز از تمایز بین قدرت و تهدید بهره گرفته است. به باور والت، تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها است و بر این اساس دولت‌ها به‌ضرورت از قدرتمندترین دولت‌ها نمی‌ترسند؛ بلکه از دولتی می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کند. درواقع، هنگامی که دو یا چند دولت، تهدید مشترک قریب‌الوقوع داشته باشند؛ برای حفاظت از خود در شکل یک ائتلاف به یکدیگر می‌پیوندند. والت ائتلاف‌ها یا اتحادها را تعهدهای رسمی یا غیررسمی بین دو یا چند دولت برای همکاری امنیتی به‌منظور افزایش قدرت و نفوذ برای تأمین امنیت اعضا دانسته است (درج و بصیری، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۵). والت با تأکید بر متغیر قدرت توضیح می‌دهد که دولت‌های قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید به شمار می‌روند؛ زیرا نمی‌توان تضمینی در برابر نحوه استفاده آن‌ها از قدرت خود داشت. بر این اساس، افزایش قدرت یک دولت، به افزایش احساس تهدید از سوی دیگران و به‌کارگیری اقدامات موازنه‌ای می‌انجامد؛ ازاین‌رو، وی قدرت را یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری موازنه می‌داند. دیگر متغیر مؤثر در ایجاد موازنه از دیدگاه والت، متغیر مجاورت و نزدیکی جغرافیایی است. وی ظرفیت تهدیدزایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه معکوس می‌بیند؛ به گونه‌ای که هرچه فاصله جغرافیایی دولت‌ها نزدیک‌تر باشد، آن‌ها به هم تهدیدزاتر خواهند بود و هرچه فاصله آن‌ها از یکدیگر بیشتر باشد، تهدیدزایی و ترس آن‌ها از یکدیگر کمتر خواهد بود. متغیر سوم از دید والت، قدرت تهاجمی دولت‌هاست. بدین معنی که در صورت ثابت ماندن دیگر متغیرها، دستیابی دولت‌ها به توانایی نظامی ویژه یا توانایی سیاسی خاص، مانند ایدئولوژی یا گفتمان دامن‌گستر، آن‌ها را تهدیدزاتر می‌کند. چهارمین متغیر تأثیرگذار در ایجاد موازنه، نیت‌های تهاجمی دولت‌هاست. این متغیر آشکارکننده آن است که هرچه از نظر دیگران نیت‌های تهاجمی قدرتی آشکارتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که آن‌ها به موازنه روی آورند (اخوان‌کاظمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۴). براساس نظر والت کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند؛ بلکه آن‌ها در پی توازن دادن درمقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن، تهدید به شمار می‌آید. والت در این باره می‌گوید: «دولت‌هایی که تهاجمی شناخته شوند؛ موازنه دیگران علیه خود را بر می‌انگیزند» (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۶۵). در این راستا می‌توان گفت از آنجایی که گسترش قدرت اقتصادی و نظامی چین در آسیای جنوبی و دیگر

مناطق مختلف جهان، تهدیدی بالقوه برای هند و آمریکا دانسته می‌شود؛ واشنگتن و دهلی با برقراری روابط استراتژیک، در تلاش برای مهار و انزوای منطقه‌ای چین برآمده‌اند و از این طریق، خواهان شکل‌گیری معادلات و موازنه قدرت به نفع خود و متحدان منطقه‌ای در جنوب آسیا هستند.

۵. یافته‌های تحقیق

۵. ۱. جهش‌های پرشتاب اقتصادی و نظامی چین

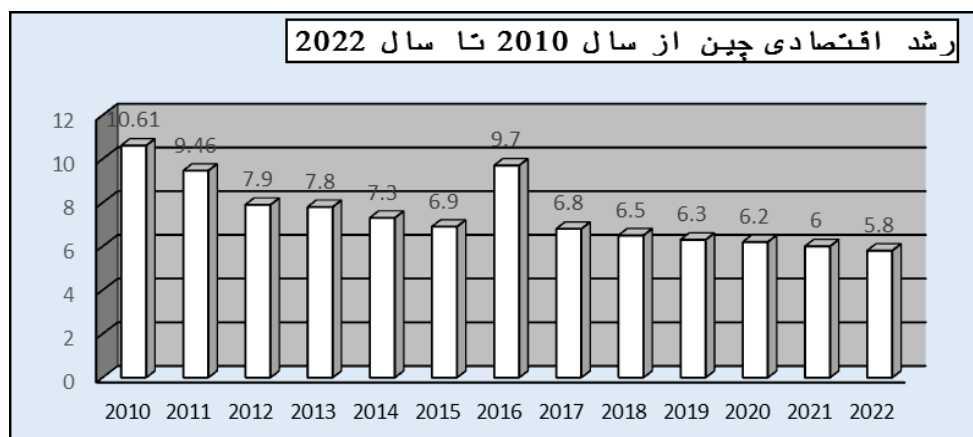
اقتصاد چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ رشد اقتصادی پرشتاب خود را آغاز کرد و با سیستم توسعه اقتصادی خاص خود توانست در سه دهه اخیر به‌طور متوسط رشد اقتصادی ۱۰ درصدی را تجربه کند. چین با این نرخ رشد خیره‌کننده توانسته است به دومین اقتصاد جهان براساس شاخص تولید ناخالص داخلی تبدیل شود (گارنات^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۴۲۳). در سال ۱۹۷۹ با انجام اصلاحات اقتصادی در چین، درحالی‌که هنوز سیستم و سبک قدیمی کمونیسم بر کشور حاکم بود، حرکت به‌سوی سرمایه‌داری شتاب بالایی به خود گرفت، سیستم اشتراکی به‌تدریج کنار گذاشته شد و به کشاورزان آزادی بیشتری داده شد و از سویی، اقتصاد چین به روی تجارت خارجی باز شد. پس از انجام اصلاحات اقتصادی مبتنی بر بازار، تولید ناخالص داخلی چین رشد روزافزونی را تجربه کرد. اهداف اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ^۲ با نام «نوسازی چهارگانه»، شامل اصلاحات کشاورزی، صنعت، علم و فناوری و ارتش بود که در جریان اجلاس سوم کنگره یازدهمین حزب کمونیست چین آن‌ها را مطرح و از آن‌ها دفاع کرد (محروق و حاجی کریم‌جباری، ۱۳۹۷، ص. ۸۸). به این ترتیب، از سال ۱۹۷۶ به بعد و به‌ویژه دهه ۸۰ میلادی رشد اقتصادی چین روند روبه‌جلوی خود را در پیش گرفت. به‌طوری‌که در سال ۱۹۹۲، از مجموع ۸ / ۲۲ تریلیون دلار تولید ناخالص جهان، ۲ درصد آن سهم چین بود. این رقم نسبت به ۱۵ درصد از مجموع ۶ / ۷۴ تریلیون دلار تولید ناخالص جهان در سال ۲۰۱۵، افزایش یافته که در مقایسه با کاهش نسبی سهم ژاپن و آمریکا به‌عنوان مهم‌ترین رقبای منطقه‌ای و جهانی چین، ارزش استراتژیک افزایش تولید ناخالص ملی چین آشکارتر است. چین در سال

1. Garnaut

2. Deng Xiaoping

۲۰۰۹، آلمان را که بزرگ‌ترین صادرکننده جهان بود پشت سر گذاشت و در سال ۲۰۱۰ از دومین اقتصاد جهان یعنی ژاپن پیشی گرفت. این کشور در سال ۲۰۱۱، با ۱۱ تریلیون دلار سهم ۸ / ۱۴ درصدی از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داد و در رتبه دوم ۱۰ اقتصاد برتر دنیا پس از آمریکا قرار گرفت. نرخ رشد اقتصادی آن ۷ / ۶ درصد در سال ۲۰۱۶ بود و سریع‌ترین رشد اقتصادی جهان را به نام خود ثبت کرد (مدرس و صفی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص. ۱۶).

تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۹، به ۱۴,۴۵۷,۲۶۷ دلار افزایش پیدا کرد و موفق شد خود را به جمع کشورهای دارای درآمد بالاتر از حد متوسط جهان برساند. بر پایه پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، چین تا ۱۱ سال دیگر به اقتصاد نخست جهان تبدیل خواهد شد (سینائی و دانش، ۱۴۰۰، ص. ۹۹). تحلیلگران اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند چین همچنان تا سال ۲۰۲۵ میلادی براساس شاخص تولید ناخالص داخلی از ایالات متحده پیشی گرفته و به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد. طبق سنجشی که براساس برابری قدرت خرید انجام شده است، تولید ناخالص داخلی اقتصاد چین براساس برابری قدرت خرید در سال‌های ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ با حفظ رتبه نخست جهانی به ترتیب به ۳۶,۱۱۲ و ۶۱,۰۷۶ تریلیون دلار افزایش خواهد یافت (تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۹). شکل ۱ نشان می‌دهد که رشد اقتصادی چین هیچ‌گاه از ۸ / ۵ درصد پایین‌تر نخواهد آمد و براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول از آینده اقتصادهای بزرگ جهان تا سال ۲۰۳۰، چین از نظر تولید ناخالص داخلی از آمریکا جلو خواهد افتاد.



شکل ۱. رشد اقتصادی چین از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲

مأخذ: زارعی و موسوی‌شهیدی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۱۱

امروزه چین نزدیک به سه تریلیون دلار ذخیره ارزی دارد که همچنان این کشور، رتبه نخست را در این باره دارد. این حجم قدرت اقتصادی نمی‌تواند برای کشوری مانند آمریکا مسئله بی‌اهمیتی باشد. به‌ویژه که پکن به‌خوبی می‌تواند در موارد لازم با تکیه بر اهرم ذخیره ارزی خود، اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار دهد و بحران اقتصادی دیگری شکل بدهد (غماوات^۱ و هوت^۲، ۲۰۱۶، ص. ۸۷). چین اهداف روشن خود را تا سال ۲۰۴۹، که صدمین سالگرد تولد جمهوری خلق چین است، تعیین کرده است. هدف راهبرد چین دستیابی به ایده «جوان‌سازی بزرگ ملت چین» تا سال ۲۰۴۹ و تجدید نظر در نظم بین‌المللی است تا برای نظام استبدادی و منافع ملی این کشور سودمندتر باشد (جین^۳، ۲۰۲۲، ص. ۱۲۵). در سال‌های اخیر، فرایند توسعه در چین از حوزه اقتصاد به سایر حوزه‌ها گسترش یافته است. یکی از پراهمیت‌ترین حوزه‌هایی که شتاب توسعه و نوسازی در آن بحث‌ها و واکنش‌های زیادی را برانگیخته، حوزه نظامی است. سیاست‌های اعلانی و اعمالی چین در این حوزه نشان از تلاش رهبران آن برای نوسازی و ارتقای سریع نیروی نظامی دارد. دولت چین اهداف رسمی دیپلماسی نظامی خود را در کتاب‌های سفید دوسالانه خود تعریف می‌کند که این اهداف عبارت هستند از: ۱. نوسازی دفاع ملی و نیروهای مسلح؛ ۲. ارتقای درک و اعتماد متقابل؛ ۳. معرفی ارتش چین به‌عنوان یک نیروی صلح‌آمیز (آسمانی، ۱۴۰۱، ص. ۹). نوسازی و تکمیل نیروهای عظیم ارتش آزادی‌بخش خلق چین از بدو پیروزی انقلاب کمونیستی مورد توجه بوده و گاه با کمک خارجی و گاه براساس تکیه به توان داخلی تعقیب شده و با اینکه سیاست‌های داخلی و خارجی چین در چهار دهه گذشته تحولات و فراز و نشیب‌های بسیار داشته است؛ اما هیچ کدام از رهبران کشور شامل میانه‌رو یا تندرو، درباره لزوم ادامه برنامه مذکور تردیدی نکرده‌اند. در این دوره طولانی، سهم زیادی از صنایع ملی به بخش نظامی و تسلیحاتی اختصاص یافته و ارتش چین را در ردیف بزرگ‌ترین و پر هزینه‌ترین نیروهای مسلح در دنیا قرار داده است. اکنون نیروی زمینی چین از نظر تعداد نفرها در دنیا در ردیف اول و نیروی دریایی و هوایی آن در ردیف سوم هستند و

1. Ghemawat

2. Hout

3. Jain

قدرت هسته‌ای استراتژیک آن نیز اگرچه چندان بزرگ نیست؛ اما نیرویی در حال بالندگی و قادر به بازداشتن دشمنان از حمله هسته‌ای ناگهانی به کشور است (شامباو^۱، ۲۰۰۳، ص. ۱۶۴). اگرچه در عصر جهانی شدن، باور به کاهش اهمیت نیروی نظامی است؛ اما این ادعا درباره این قدرت در حال ظهور تا اندازه‌ای انطباق ندارد و این امر به دلیل چند عامل است: نخست اینکه به موازات افزایش توان اقتصادی و جهانی شدن چین ملاحظات امنیتی به‌ویژه در حوزه تأمین امنیت انرژی برای این کشور افزایش یافته است؛ دومین عامل ریشه در جهانی شدن نظامی‌گری چین و ارتباط آن با حوزه تجاری دارد؛ به این معنا که چین به موازات افزایش تولیدات نظامی، با رویکردی تجاری بر میزان صادرات آن‌ها افزوده و به همان میزان از واردات خود در این حوزه کاسته است و در نهایت اینکه با وجود تعقیب سیاست تنش‌زدایی منطقه‌ای از سوی چین، تحولات و تنش‌های یک دهه اخیر، به‌ویژه در دریای چین جنوبی، حساسیت‌های چین را برای احتمال درگیری نظامی در آینده افزایش داده است (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶، صص. ۷۴-۷۵). در پی افزایش ثروت اقتصادی چین، این کشور در طی دهه اول قرن بیست و یکم، نیز بودجه نظامی و هزینه‌های تحقیقات علمی خود را افزایش داده است. اگر بودجه نظامی چین در سال ۲۰۱۳، ۱۷۰ میلیارد دلار بوده است؛ باز هم میزان بودجه نظامی ایالات متحده در سال، چهار و نیم برابر میزان بودجه نظامی سالیانه چین است؛ اما اگر افزایش نسبی بودجه نظامی چین با متوسط نرخ رشد دهه گذشته ادامه یابد تا سال ۲۰۳۵ میلادی، میزان بودجه نظامی سالیانه چین از میزان بودجه سالیانه نظامی ایالات متحده بیشتر خواهد بود (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۱۷-۱۸). براساس آمار مرکز پژوهش‌های صلح استکهلم (سیپری)، در سال ۲۰۱۸ چین با اختصاص ۲۵۰ میلیارد دلار برای بودجه دفاعی خود، پس از آمریکا، در جایگاه دوم دنیا قرار گرفت. این رقم، افزایش ۵ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۱۷ و رشد ۸۳ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۰۹ را نشان می‌دهد. همچنین در سال ۲۰۱۹، این رقم به ۲۶۱ میلیارد دلار رسید که ۵ / ۱ درصد در مقایسه با سال پیش از آن رشد داشت و ۸۵ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۰ است (آسمانی، ۱۴۰۱، ص. ۱۱).

1. Shambaugh

چین همچنین برنامه‌ای را برای مدیریت زباله‌های فضایی تدارک دیده است؛ چراکه تنها در سال ۲۰۱۴ این کشور ۳۰ ماهواره خود را به دلیل برخورد زباله‌های فضایی از دست داده است. افزون بر ۱۳۰ ماهواره‌ای که سلطه فضایی چین را در آینده‌ای نه‌چندان دور رقم خواهند زد؛ این کشور برنامه‌های دیگری مانند ارسال کاوشگرهایی به مریخ و مشتری، یک ایستگاه فضایی بزرگ، موشک‌های ۱۳۰ تنی، سفینه‌های فضایی الکتریکی و سامانه‌های پرتابگر قابل استفاده مجدد نیز در دستور کار خود دارد (لین^۱ و سینگر^۲، ۲۰۱۵، ص. ۶). رشد اقتصادی چین توانسته بر تمایل دولت پکن برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ دریایی بیفزاید و این موضوع را می‌توان در اهداف، مأموریت‌ها، استراتژی، تسلیحات، فناوری و ... به‌وضوح مشاهده کرد. بر این اساس، استراتژی و قابلیت‌های نظامی دریایی چین از دفاع از سواحل نزدیک تا عمق ۳۰۰ کیلومتری آب‌های پیرامونی، به استراتژی و قابلیت‌های نظامی دفاع از دریاها و نزدیک و سپس استراتژی و قابلیت دفاع از دریاها دور گسترش یافته است و در پی آن، چین در صدد کسب انواعی از سلاح‌هایی است که نیروی دریایی این دولت بتواند نیرویی مؤثر برای دفاع از پهنه وسیعی از آب، از سواحل تا فراسوی دومین زنجیره جزایر دوردست در اقیانوس آرام تبدیل شود. چین قصد دارد مدرنیزاسیون ارتش را تا سال ۲۰۳۵ کامل کند و ارتش آزادی‌بخش خلق را تا سال ۲۰۴۹ از طریق مدرنیزه کردن و تغییرات ساختاری و فرماندهی به یک ارتش در سطح کلاس جهانی تبدیل کند. در طول دهه گذشته، چین توانایی خود را برای رسیدن به اهداف امنیتی منطقه‌ای و فراتر از قابلیت‌های احتمالی تایوان افزایش داده است. ناوگان دریایی ارتش آزادی‌بخش خلق، بزرگ‌ترین ناوگان منطقه‌ای است که نیروی مدرن، انعطاف‌پذیر و درحال پیشرفت‌های بیشتر است. این ناوگان به‌سرعت در حال جایگزینی سیستم‌های کهنه یکپارچه با سیستم‌های چندجانبه پیشرفته و بزرگ است که دارای سلاح‌های پیشرفته ضدکشتی و ضدهوایی و ضدزیردریایی هستند (هدایتی‌شهیدانی و رمضان‌پورشلمانی، ۱۳۹۸، صص. ۸۱-۸۰).

نیروی نظامی دریایی ارتش آزادی‌بخش خلق، هم‌اکنون دارای ۷۷ کشتی جنگی، بیش از ۶۰ زیردریایی، ۸۵ جنگنده دریایی مجهز به تجهیزات موشکی، یک ناو هواپیمابر، ۵۵ دستگاه کشتی

1. Lin

2. Singer

دو منظوره خشکی و دریایی است (کرونین^۱، ۲۰۱۶، ص. ۱۶). تأمین امنیت دریایی و حفظ حاکمیت چین در دریای سرزمینی، دفاع از حقوق و منافع چین در آب‌های دوردست و مشارکت و همکاری بین‌المللی از جمله مأموریت‌هایی است که به نیروی دریایی این کشور محول شده است. همچنین نیروی هوایی چین بزرگ‌ترین نیروی هوایی در آسیا و سومین در جهان است و شامل بیش از ۲۷۰۰ هواپیما (بدون سرنشین و جنگی) می‌شود. سرمایه‌گذاری بر نسل‌های جدید هواپیماهای نظامی و هواپیماهای بدون سرنشین، نیروی هوایی این کشور را وارد مرحله تازه‌ای کرده است و فاصله نظامی آن را با ایالات متحده کاهش داده است. در زمینه تسلیحات هسته‌ای، فرایند نوسازی برای موشک‌های دوربرد این کشور، با جدیت دنبال می‌شود. بُرد موشک‌های دوربرد این کشور بیش از ۱۳ هزار کیلومتر است (گزارش سالانه به کنگره^۲، ۲۰۱۷، صص. ۳۲-۲۸). در این باره باید گفت سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه نظامی که در پی رشد و توسعه فزاینده این کشور در بخش اقتصاد اتفاق افتاده است و طیفی از افزایش قابلیت‌های نیروی دریایی و هوایی، افزایش توانایی‌های راداری و سیستم‌های پیشرفته موشکی و تسلیحاتی را در بر می‌گیرد؛ توانایی نظامی و تسلیحاتی چین را به کل منطقه آسیای شرقی و جنوب آسیا گسترش داده و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و جنگنده‌ها و زیردریایی‌های خریداری‌شده از روسیه قابلیت‌های این کشور را از آسیا فراتر می‌برد.

۵.۲. نگرانی هند از محاصره شدن از سوی چین و پاکستان در جنوب آسیا

چین و پاکستان همیشه متحدان نزدیکی بوده‌اند و این روابط سنتی در پی همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و متغیرهای مختلف، ابعاد تازه و گسترده‌ای پیدا کرده است. محور چین و پاکستان همچنین یک نقش مرکزی در ژئوپلیتیک آسیا، از خیزش هند تا چشم‌اندازهای افغانستان پس از ایالات متحده و از تهدید تروریسم هسته‌ای تا نقشه جدید معادن، بندرها و خطوط لوله، ایفا می‌کند. چین بزرگ‌ترین امید اقتصادی پاکستان و قابل اطمینان‌ترین شریک نظامی اسلام‌آباد به شمار می‌رود. پاکستان نیز در قلب بلندپروازی‌های ژئواستراتژیک چین، از برخاستن به عنوان یک قدرت دریایی جهانی تا برنامه‌های کلان برای مسیر راه ابریشم جدید

1. Cronin

2. Annual Report to Congress

که حوزه‌های انرژی خاورمیانه و بازارهای اروپا را به کلان‌شهرهای آسیای شرقی پیوند می‌دهد، قرار دارد. پاکستان همچنین میدان نبردی برای مقابله چین با ستیزه‌جویان اسلام‌گرا دانسته می‌شود. برای دهه‌هاست که دو کشور، یکدیگر را «دوستی برای تمام فصول» خوانده‌اند (هدایتی شهیدانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۴۰). روابط چین با پاکستان، در جایگاه کشوری که از آن به‌عنوان دروازه این کشور به جهان خارج یاد می‌شود؛ ریشه در چند دهه گذشته دارد که در لوای شعار «دشمن دشمن من، دوست من است» و در اساس، نتیجه مقابله با هند و محصول جنگ‌های تاریخی میان سه کشور، یعنی جنگ‌های ۱۹۶۲ میان چین و هند و جنگ‌های هند و پاکستان در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ بوده است (اسمال^۱، ۲۰۱۵، ص. ۲۷). وانگ^۲، وزیر امور خارجه چین، در مارس ۲۰۲۲، با تأکید بر اهمیت روابط پکن با اسلام‌آباد، روابط چین و پاکستان را «نشکن و محکم» توصیف کرد و همچنین تأکید کرد که هرگونه مداخله در این رابطه «خط قرمزی است که هیچ‌کس نمی‌تواند از آن عبور کند» (مرتازشویلی^۳، ۲۰۲۲، ص. ۵۴۰).

والت بر این باور است که دولت‌ها در نظام آنارشیک بین‌الملل، به‌جای موازنه در برابر قدرت و توانمندی‌های اقتصادی و نظامی یکدیگر، در برابر تهدیدات و آنچه تهدید تلقی می‌کنند؛ با یکدیگر متحد می‌شوند. بنابراین از آنجایی که تهدیدات مشترک خارجی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری روابط استراتژیک هستند؛ چین و پاکستان همواره با تهدید مشترکی به نام هند روبه‌رو بوده و روابط استراتژیک دو کشور بر مبنای محاسبات واقع‌بینانه ژئواستراتژیک برآمده از این تهدید شکل گرفته است. به عبارت دیگر، به‌طور سنتی روابط چین و پاکستان سد استراتژیک دیگری در مقابل هند بوده است. حفظ امنیت و تمامیت ارضی پاکستان در مقابل هند، سنگ‌بنای سیاست خارجی این کشور بوده و این مسئله آسیب‌پذیری دفاعی این کشور را به‌سوی گسترش و تحکیم روابط نظامی با چین برانگیخته است. وجود چنین تهدید مشترکی چین و پاکستان را به دوست، متحد و شرکای استراتژیک قابل اعتماد و همیشگی تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که از یکدیگر به‌عنوان «رفقای دوران خوشی و ناخوشی» سخن می‌گویند (محروق، ۱۳۹۶، صص. ۸۹-۹۰). همچنین هرگونه تلاش چین برای گسترش نفوذ خود در افغانستان، به همکاری با

1. Small

2. Wang

3. Murtazashvili

پاکستان نیاز دارد. به‌ویژه در زمانی که محور آمریکا - هند در حال تقویت شدن است؛ محور چین-پاکستان می‌تواند نقش اساسی در جلوگیری از به انزوا رفتن پکن ایفا کند (پروایز^۱ و سینگ^۲، ۲۰۱۷، ص. ۱۴۶). از این‌رو، چین برای رسیدن به اهداف خود در پی گسترش روابط با افغانستان و پاکستان بوده و نفوذ هرچه بیشتر آن در این کشورها، منجر شده است که هند ازسوی چین احساس تهدید کند و دهلی نو دربارهٔ چین واکنش نشان دهد (تقی‌زاده انصاری و باقرنیا، ۱۴۰۰: ۱۸). در نگاه چینی‌ها یک پاکستان قدرتمند و مستقل از نفوذ هند و وابسته به قدرت نظامی چین، عنصری اساسی در حفظ موقعیت چین در برابر هند به شمار می‌رود (سهگل^۳، ۲۰۰۳، ص. ۱۶۳).

چین از کشور پاکستان برای ایجاد یک کریدور ارتباطی استفاده می‌کند تا با ایجاد ارتباط میان غربی‌ترین قلمروی خود با جهان پیرامون، هم مسئلهٔ توسعهٔ اقتصادی داخلی در سرزمین‌های غربی چین را تسریع کند و هم نفوذ خود را در منطقهٔ جنوب آسیا افزایش دهد. مجموعهٔ این عوامل باعث شده است که با وجود برتری ژئوپلیتیک هند در جنوب آسیا، این کشور خود را در معرض تهدیدات عمده‌ای ازسوی دو کشور پاکستان و چین ببیند؛ زیرا این دو کشور با نزدیکی استراتژیک به یکدیگر در تلاش هستند و در هر دو سوی قلمروی هند بر نفوذ و تثبیت قدرت خود می‌افزایند؛ این امر به شکل ویژه‌ای باعث شده است که مسیر دسترسی هند به انرژی در معرض خطر باشد و در پی آن، امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا نیز متأثر شود. به همین علت، کشور هند در سال‌های اخیر کوشیده است که به‌سمت همکاری منطقه‌ای با ایران حرکت کند و در این فرایند موفق شده است با انعقاد قرارداد همکاری با ایران در زمینهٔ توسعهٔ چابهار، یک واکنش ژئوپلیتیک به توسعهٔ بندر گوادر در پاکستان نشان دهد (بدیعی ازنده‌ای و همکاران، ۱۴۰۱، صص. ۱۵۵۸-۱۵۵۷). چین پاکستان را به‌مثابهٔ اهرمی برای کنترل هند می‌داند و سرمایه‌گذاری عظیمی نزدیک به ۶۰ میلیارد دلار برای کریدور اقتصادی و بندر گوادر کرده است که نقش مهمی در پروژهٔ قدرت دریایی چین دارد. ارزش استراتژیک پاکستان برای چین غیرقابل جایگزین است؛ چراکه پاکستان، نقش مهمی در تلاش‌های ضدتروریسم چین و ایجاد یک مسیر انرژی امن دارد.

1. Parvaiz

2. Singh

3. Sahgal

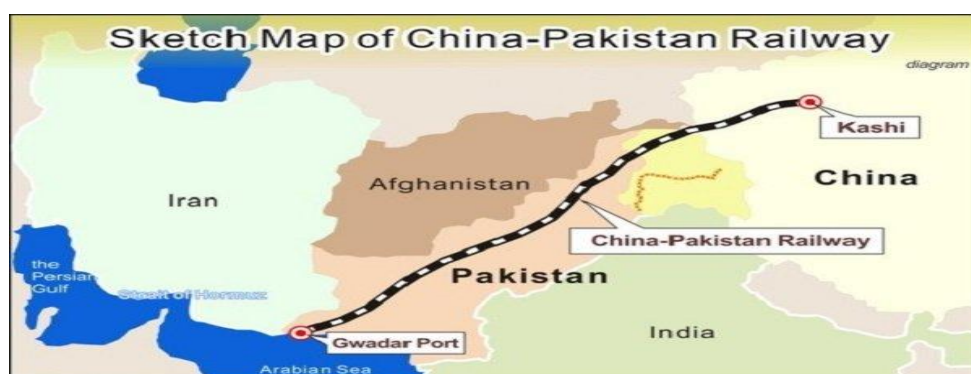
دهلی به همکاری استراتژیک چین و پاکستان مظنون است و آن را در راستای محاصره شدن خود می‌بیند (همیانی، ۱۴۰۱، ص. ۷۷). کریدور اقتصادی چین و پاکستان که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد؛ ۶۲ میلیارد دلار ارزش دارد و قرار است جنوب غربی چین را به پاکستان متصل کند. این کریدور شامل چهار طرح ابتکاری مختلف است. طرح نخست شامل پروژه‌های زیربنایی مانند ساخت تونل ۱۲۵ مایلی چین و پاکستان، بهبود بزرگراه‌ها و راه‌آهن‌های موجود در سرتاسر پاکستان، ساخت مسیر راه‌آهن به کاشغر در استان سین‌کیانگ چین و ارتقای فرودگاه‌ها است؛ طرح دوم شامل پروژه‌های انرژی، مانند نیروگاه‌های زغال‌سنگ و خطوط لوله گاز و نفت و همچنین پروژه‌های بادی، خورشیدی و برق آبی در سراسر پاکستان می‌شود و سومین طرح، توسعه بندر گوادر است که معین‌الحق^۱، سفیر پاکستان در چین، آن را جواهری در تاج و تخت کریدور اقتصادی چین و پاکستان نامیده است. اگر تمام پروژه‌های این کریدور اقتصادی به نتیجه برسد؛ چین، به‌ویژه از طریق بندر گوادر، یک پایگاه استراتژیک قوی و طولانی‌مدت در جنوب آسیا به دست خواهد آورد. پاکستان از حضور استوار چین به‌عنوان سنگری در برابر هژمونی هند و انزوای این کشور در جنوب آسیا اطمینان به دست خواهد آورد (چترجی میلر^۲، ۲۰۲۲، ص. ۶).

چند عامل باعث نزدیک شدن چین و پاکستان و شکل‌گیری پیوند استراتژیک میان آن دو کشور شده است. چین و پاکستان تصمیم دارند تا فضای استراتژیک هند را در آسیای جنوبی محدود کنند و چین برای سرکوب استقلال‌طلبان ایغور در سین‌کیانگ از پاکستان کمک می‌خواهد؛ پکن می‌تواند با حضور در منطقه گوادر برای ایجاد موازنه دریایی با ایالات متحده در خلیج فارس و در صورت مسدود شدن تنگه مالاکا، از خلیج گوادر برای دسترسی به آسیای غربی استفاده کند؛ بنابراین رقابت با هند و ایالات متحده، مهم‌ترین هدف پکن در توسعه بخشیدن به مناسبات خود با اسلام‌آباد است (هدایتی شهیدانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۴۱). چین روابط خود را با پاکستان، همانند اهرم فشاری بر روابط هند و آمریکا می‌داند و در تلاش است تا با حضور زیاد در پاکستان، به‌ویژه بندر گوادر ضمن رصد اقدامات

1. Moinul Haq

2. Chatterjee Miller

نیروی دریایی آمریکا در دریای عمان و خلیج فارس، اقدامات آمریکا را در منطقه خنثی کند. دو کشور چین و پاکستان، توافقاتی برای ایجاد پایگاه نظامی حیوانی انجام داده‌اند. این پایگاه که در مجاورت بندر گوادر ساخته خواهد شد؛ در کنار افزایش مؤثر ظرفیت اعمال قدرت دریایی چین در حوزه تلاقی دریای عمان و اقیانوس هند، در مقابله با تفوق دریایی ایالات متحده و ناوگان روبه‌رشد دریایی هند، به تحکیم بیش از پیش اتحاد پاکستان و چین منجر می‌شود که مؤلفه‌ای کلیدی در رقابت قدرت در منطقه جنوب آسیا به شمار می‌رود. درواقع، چین با تأسیس این پایگاه، باعث نظامی شدن هرچه بیشتر پاکستان و افزایش رقابت هند و چین و نگرانی بیشتر هند و در نتیجه نزدیکی هرچه بیشتر هند به ایالات متحده می‌شود (تقی‌زاده انصاری و باقرنیا، ۱۴۰۰، صص. ۱۸-۱۷).



شکل ۲. موقعیت کریدور چین - پاکستان

مأخذ: خبرگزاری مهر، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۷

بنابر عقیده تحلیلگران پاکستانی، بندر گوادر پتانسیل بالایی دارد تا پایه همکاری نظامی قوی چین و پاکستان، برای کنترل و نظارت بر طرح‌های توسعه طلبانه هند در اقیانوس هند، دریای عربی و خلیج فارس و هرگونه همکاری استراتژیک هند و آمریکا شود. در صورت تکمیل، این بندر به دارایی استراتژیک بزرگ پاکستان به‌مثابه بندری مانند بندر گراچی که همواره هند آن را تهدید کرده است؛ تبدیل می‌شود و می‌تواند به پاکستان کمک کند تا ترس از انزوایی را که از زمان استقلال داشته است، پایان دهد. بندر گوادر همچنین بخشی از استراتژی رشته مروارید

چین^۱ به شمار می‌رود و می‌تواند هم از امنیت دو کشور در برابر هند محافظت کند و هم در راستای سیاست استراتژیک دریایی چین عمل کند (علی‌خان^۲ و احمد^۳، ۲۰۱۵، ص. ۲۵۷). برخی معتقدند کمک چین به ساخت بندر گوادر در پاکستان از نظر هند به‌عنوان بخشی از «طرح شیطان‌ی چین در مقابله با افزایش قدرت و نفوذ هند در امور جهان» به شمار می‌رود؛ چنانچه گویی تئوری قدیمی چین که می‌کوشید با ایجاد پُست‌های دیدبانی در سراسر مرزهای هند - از تبت و میانمار تا پاکستان و دریای عرب - این کشور را احاطه کند؛ احیا شده است (بهاتی^۴، ۲۰۰۳، ص. ۱۰۶). گوادر به‌احتمال گزینه مناسبی برای در تنگنا گذاشتن هند از سوی چین و پاکستان است. بدین صورت که قدرت اقتصادی، نظامی و امنیتی چین و پاکستان در راستای این همکاری، بیشتر شده و دو کشور را در صورت جنگ احتمالی با هند و متحدان آن در آینده مجهزتر می‌کند (تقی‌زاده انصاری و باقرنیا، ۱۴۰۰، صص. ۱۶-۱۷). به این ترتیب، گوادر یک اهرم استراتژیک برای چین است که در شرایط حساس می‌تواند از آن علیه هند بهره گیرد. هند بر این باور است که ساخت و بهره‌برداری از بنادر در بنگلادش، میانمار، سریلانکا، پاکستان با چین، براساس استراتژی رشته مرواریدها باعث محاصره هند می‌شود. چینی‌ها با ساخت بنادر در اقیانوس هند می‌توانند از این زیرساخت‌ها برای اهداف تجاری و نظامی استفاده کنند (هادیان‌جزی و بازوند، ۱۴۰۰، صص. ۱۵۷-۱۵۶).

اهمیت ژئوپلیتیکی جنوب آسیا فراتر از اقتصادهای جوان و در حال رشد سریع آن است. نزدیکی آن به منطقه اقیانوس هند، آن را به یک مسیر دریایی حیاتی برای تجارت و دروازه‌ای به خاورمیانه و شرق آسیا تبدیل کرده است. چین در کشورهای جنوب آسیا بندرهایی ساخته و آن‌ها را «بندر دوستی» نامیده است. این بندرها شامل بندر گوادر در پاکستان و بندر هامبانتوتا در سریلانکا است و برنامه‌هایی برای ساخت دیگر بندرها در میانمار و بنگلادش نیز در حال اجرا است. ناظران، نگرانی‌هایی را درباره این تحولات بندری پیرامون هند با

۱. استراتژی رشته مرواریدها یک استراتژی ژئوپلیتیکی در مورد اهداف احتمالی چینی‌ها در منطقه اقیانوس هند است. این استراتژی به شبکه‌ای از امکانات تجاری و نظامی چین در امتداد خطوط دریای این کشور تا بندر سودان در شاخ آفریقا اشاره دارد.

2. Ali khan & Ahmad

3. Ali khan & Ahmad

4. Bhatti

هدف اعمال فشار بر دهلی مطرح و ادعا کرده‌اند که چین قصد خفه کردن هند را دارد (شهید^۱ و سکیب^۲، ۲۰۲۳، ص. ۱۰۸). راه‌اندازی یک کمربند - یک راه، در سال ۲۰۱۳، کمابیش هیچ تردیدی را برای قصد چین، نه‌تنها برای تغییر شکل نظم منطقه‌ای در جنوب آسیا، بلکه حتی نظم بین‌المللی باقی نگذاشته است. تنش‌های بعدی در مرز مورد مناقشه هند و چین، تنها شواهد اضافه‌ای را از این قصد چین ارائه می‌کند. با این اوصاف، چین در مقایسه با دیگر قدرت‌های خارجی مانند ایالات متحده، تا حدودی بازیگر جدیدی در آسیای جنوبی است و تا همین اواخر، چندان درگیر نبود و مرکزی برای اقتصادهای آسیای جنوبی بود (خاویر^۳، ۲۰۱۹، ص. ۳۲).

با وجود این، همسایگان هند در جنوب آسیا، یک کمربند - یک راه را به‌عنوان فرصت‌های توسعه‌ای به آن‌ها می‌دانند که هند به‌دلیل کمبود ظرفیت و ادغام نشدن اقتصادی با بقیه جنوب آسیا، توان ارائه این فرصت‌ها را نداشته است. در نتیجه، چین از طریق اجرای طرح یک کمربند - یک راه، نظم اقتصادی جدیدی را در جنوب آسیا ایجاد می‌کند که در آن بسیاری از کشورها، روابط اقتصادی مهم‌تری با چین برقرار می‌کنند تا با هند. حتی مقامات هند نیز چین را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری خود می‌دانند. در کنار تغییرات در نظم اقتصادی جنوب آسیا، تغییر روزافزونی در نظم سیاسی این منطقه نیز روی داده است، تا جایی که کشورهای کوچک‌تر آسیای جنوبی بیشتر با منافع چین سازگار شده‌اند. برای مثال، نپال جریان پناهجویان تبتی به این کشور را محدود کرده است و حزب کمونیست حاکم نپال، دارای روابط نزدیک با حزب کمونیست چین است که از جمله آن‌ها می‌توان به پیوندهای فعال حزب به حزب که نمونه آن، برگزاری جلسات آموزشی از سوی حزب کمونیست چین برای کمونیست نپال است؛ اشاره کرد. سریلانکا و مالدیو هرکدام در مقاطع مختلف، از سوی نیروهای قدرتمند چینی هدایت شده‌اند که به نفع احزاب چینی تصمیمات اقتصادی گرفته‌اند (خاویر^۴ و جیکوب^۵، ۲۰۲۳، ص. ۵).

1. Shahid
2. Sakib
3. Xavier
4. Xavier
5. Jacob

در سال ۲۰۱۴، راجاپاکسا^۱، رئیس جمهور سریلانکا، با وجود نگرانی هند، به یک زیردریایی چینی اجازه داد در بندر کلمبو پهلو بگیرد. سریلانکا نیز در دسامبر ۲۰۱۷، بندر هامبانتوتا را به مدت ۹۹ سال به چین واگذار کرد. افزون بر این، سریلانکا به چین اجازه ساخت مناطق ویژه اقتصادی را داد. موقعیت استراتژیک این بندر، تنها چند مایل دریایی از خط دریایی اصلی جاده ابریشم دریایی چین در اقیانوس هند است که تنگه مالاکا را به چین متصل می‌کند. اگرچه در حال حاضر از بندر هامبانتوتا به عنوان بندر تجاری در آینده استفاده می‌شود؛ اما این بندر می‌تواند یک اسکله دریایی برای چین در اقیانوس هند باشد. بندر هامبانتوتا این امکان را به چین می‌دهد تا ناوگان خود را در اقیانوس هند بسیار نزدیک به حوزه نفوذ دهلی در بخش جنوبی هند منتقل کند که این امر یک تهدید امنیتی جدی برای جنوب شرقی هند به شمار می‌رود (تی لی^۲ و تونگ^۳، ۲۰۲۱، ص. ۱۶). در مجموع، روابط محکم اقتصادی و نظامی چین با کشورهای منطقه جنوب آسیا از جمله بنگلادش، میانمار، سریلانکا، پاکستان و بهروزرسانی امکانات بندری، خطوط ریلی و تأسیسات هوشمند راداری براساس طرح‌های رشته مرواریدها و یک کمربند - یک راه از جمله تلاش‌های هستند که به تقویت نفوذ پکن در منطقه انجامیده است. نگرش غالب در هند به رفتارهای چین در عرصه بین‌الملل، به‌ویژه طرح کمربند - راه، کاملاً بدبینانه است. دهلی این استراتژی و اقدامات به‌ظاهر خیرخواهانه را اسب تروای پکن برای تحقق تمایلات استراتژیک می‌دانند و بر این باور است که راهبردهای اقتصادی چین، پوششی برای اهداف امنیتی، نظامی و سیاسی این کشور برای تفوق بر منطقه است.

۵.۳. اتحاد راهبردی آمریکا و هند در مقابل تهدیدات روزافزون چین

منطقه جنوب آسیا که متشکل از هشت کشور افغانستان، بنگلادش، بوتان، هندوستان، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا است؛ به‌خاطر اختلافات بعضی از کشورهای منطقه بر سر حوزه نفوذ و حدود مرزی، داری امنیت منطقه‌ای شکننده‌ای است. این منطقه ژئوپلیتیک ۵۱۳۴۶۴۱ کیلومتر مربع از مساحت کره زمین را داراست که براساس آخرین برآورد سازمان ملل در ۲۲ ژانویه ۲۰۲۱ بیش از ۱,۹۵۲ میلیارد نفر از جمعیت جهان را در خود جای داده است. براساس برآورد

1. Rajapaksa

2. Thi Le

3. Thy Thuong

صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۰، بیش از ۳۳۲۶ میلیارد دلار از تولید ناخالص داخلی جهان از آن کشورهای منطقه جنوب آسیا است (بدیعی‌ازندهی و همکاران، ۱۴۰۱ ب، ص. ۱۵۴۶). یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد جنوب آسیا، برتری هند به‌مثابه یک بازیگر سیاسی و اقتصادی در کنار پیوندهای تاریخی و فرهنگی غالب آن با این منطقه است. این موضوع کاملاً برخلاف آسیای جنوب شرقی است؛ جایی که از لحاظ تاریخی، چین کم و بیش به‌طور مساوی با هند مبارزه کرده است (خاویر^۱ و جیکوب^۲، ۲۰۲۳، ص. ۵). هند یک قدرت هژمون منطقه‌ای در جنوب آسیا به شمار می‌رود که با بیشتر کشورهای منطقه هم‌مرز است. این کشور همچنین از نظر جمعیتی، بزرگ‌ترین کشور در جنوب آسیا است که بزرگ‌ترین اقتصاد و قدرتمندترین ارتش را دارد. هند بیشتر نگرش پدران به همسایگان کوچک‌تر خود دارد و حفظ اهرم دیپلماتیک خود را بر سایر کشورهای جنوب آسیا در اولویت قرار می‌دهد. دهلی می‌ترسد که چین با اعمال فشار بر کشورهای کوچک‌تر دارای مرزهای دریایی، در جنوب آسیا مانند بنگلادش، مالدیو و سریلانکا، بر منطقه اقیانوس هند و سواحل بین قاره‌ای تسلط یابد. سیاست داخلی هند در شمال شرق این کشور بی‌ثبات است. چهار ایالت شمال شرقی هند، از طریق یک کریدور باریک چهارده مایلی به آن متصل هستند و همچنین با چین هم‌مرز هستند. هند از سال ۱۹۵۸، زمانی که قانون اختیارات ویژه نیروهای مسلح را در منطقه تحمیل کرد؛ نگران سرکوب شورش‌ها در منطقه بوده و بسیار نگران دخالت چین و کمک به گروه‌های مختلف شورشی است (چترجی میلر^۳، ۲۰۲۲، صص. ۱۱-۱۲).

1. Xavier

2. Jacob

3. Chatterjee Miller



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی جنوب آسیا

مأخذ: خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ آذر ۱۳۹۶

نفوذ روبه‌رشد اقتصادی و نظامی چین در جنوب آسیا به‌طور طبیعی دلیلی برای نگرانی هند و ایالات متحده در نظر گرفته می‌شود و پکن، یک «رقیب استراتژیک» برای هر دو کشور توصیف می‌شود. این امر باعث شده است تا هر دو کشور با توسعه همکاری‌ها و تقویت توانایی دفاعی هند، ابزارهای دفاعی مناسبی برای سد کردن نفوذ چین در منطقه جنوب آسیا فراهم کنند. در این میان، تقویت قدرت دریایی هند که برای نظارت بر مسیرهای انتقال انرژی در جنوب آسیا حیاتی است؛ از اهمیت بسزایی برای واشنگتن برخوردار است (چابرا^۱ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳۲۳). رابطه هند با آمریکا یک گزینه استراتژیک برای جلوگیری از تهدید و در تنگنا گذاشتن دهلی از سوی چین به شمار می‌رود. در همین راستا، هند در سطح کلان در تلاش است تا با شکل‌دهی به ائتلاف‌های موازنه‌کننده، نفوذ روزافزون چین را در منطقه مهار کند. بیشتر سیاست‌گذاران آمریکا بر این باورند که در منطقه شرق آسیا و آسیای جنوبی، چین قدرت تهدیدکننده‌ای برای منافع این کشور است. اقدام به برقراری روابط گسترده دوجانبه و چندجانبه با کشورهای واقع در این منطقه، مانند هند، ازجمله سیاست‌ها و راهبردهای آمریکا برای فشار بر چین و مهار قدرت این کشور در منطقه است. هند به‌وضوح یک شریک مطلوب در راهبرد

1. Chhabra

ژئواستراتژیک آمریکا برای مقابله با چین در اوراسیا در سطح گسترده‌تر است (ناظم‌الرعا^۱ و هالیدی^۲، ۲۰۱۲، ص. ۱۳۸).

سائول کوهن^۳ بر این باور است که آمریکا می‌کوشد تا با گسترش روابط با هند مانع از بروز شرایطی شود که در آن چین در منطقه جنوب آسیا برتری استراتژیک داشته باشد؛ بنابراین، از نظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، برای آمریکا و هند ممانعت از ایجاد و تثبیت برتری چین در منطقه جنوب آسیا، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این در حالی است که چین به دنبال آن است که جایگاه خود را به عنوان تنها قدرت مسلط در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی در آسیا تثبیت کند؛ امری که واکنش آمریکا و هند را در پی داشته است. از نگاه واشنگتن، این راهبرد چین در نقطه مقابل منافع جهانی آمریکا است و همین امر، ضرورت مداخله آمریکا در مسائل جنوب آسیا را افزایش داده است؛ امری که در نهایت به بروز تنش‌های ژئوپلیتیک در منطقه جنوب آسیا دامن می‌زند و شکاف‌های میان هند و چین و متحدان منطقه‌ای آنان را گسترش می‌دهد (بدیعی ازنده‌ای و همکاران، ۱۴۰۱ ب، ص. ۱۵۵۸)؛ بنابراین، با توجه به اینکه قدرت‌یابی روزافزون چین در جنوب آسیا تهدیدی استراتژیک برای هند و ایالات متحده به شمار می‌رود؛ بنابراین، این امر باعث نزدیکی هرچه بیشتر دهلی و واشنگتن برای مقابله‌جویی و مهار پکن به عنوان تهدیدی مشترک علیه آن‌ها در منطقه شده است. هند و ایالات متحده با نزدیکی به یکدیگر می‌کوشند تا مانع از برهم‌زدن توازن قوا در آسیا از سوی چین شوند و از این طریق، معادلات و نظم منطقه‌ای را در راستای اهداف و منافع خود شکل دهند.

مدرن‌سازی ارتش چین نیز مسئله‌ای است که از دوران جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، به آن توجه ویژه در آمریکا شده است. غلبه دیدگاه طرفداران اعمال سیاست مشت آهنین در مقابل چین بر کابینه بوش که ایجاد موازنه نظامی به‌ویژه در حوزه‌های استراتژیک دریایی را مهم‌ترین ابزار و راهکار برای مدیریت خیزش چین به شمار می‌آورند؛ بیانگر این است که هند و آمریکا می‌توانند به عنوان شرکا و متحدان قدرتمند، موازنه را در مقابل چین در این منطقه برقرار کرده و نگرانی‌های مشترک در این زمینه را تا حد زیادی کاهش دهند. غلبه این دیدگاه بر کابینه

1. Nazemroaya

2. Halliday

3. Saul Cohen

بوش باعث شد که در این دوره، سیاست مشت آهنین و به پیروی از آن، همکاری‌های نظامی در صدر اولویت همکاری‌های هند و آمریکا قرار گیرد و هند از دیدگاه آمریکا به عنوان یک شریک قابل اعتماد در مقابله با چین به شمار رود (گارامور^۱، ۲۰۱۰، ص. ۱۲). والت بر این باور است که افزایش ترس دولت‌ها از یک دولت است که به شکل‌گیری ائتلاف‌های توازن‌بخش می‌انجامد و دولت‌ها از دولتی بیشتر می‌ترسند که تهدیدآمیزتر دریافت شود؛ از این رو، در گذشته هرگاه پاکستان به چین نزدیک شده است، ایالات متحده به تقویت روابط خود با دهلی برای ایجاد موازنه در برابر چین پرداخته است (هاشم^۲، ۲۰۱۷، ص. ۹). به باور بسیاری از محققان طرح یک کمربند - یک راه می‌تواند نشانه‌ای آشکار از قصد چین برای به حداکثر رساندن نفوذ خود در سطح جهانی باشد. این طرح، مکانیسمی است که پکن منافع ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خود را با هدف نهایی، یعنی جایگزینی هژمونی آمریکا دنبال می‌کند (پارپا^۳، ۲۰۲۰، ص. ۲).



شکل ۴. موقعیت جغرافیایی یک کمربند - یک راه

مأخذ: اندیشکده جریان، ۱۱ تیر ۱۴۰۰

بسیاری از تحلیلگران سیاست خارجی، ابتکار یک کمربند - یک راه را بیشتر از دریچه ژئوپلیتیک می‌بینند و آن را کوشش پکن برای به دست آوردن اهرم سیاسی بر همسایگان خود و

1. Garamore
2. Hashim
3. Parepa

فراتر از همسایگان نزدیک می‌دانند (علی^۱، ۲۰۲۰، ص. ۵۰). بنابراین هند ابتکار طرح کمربند - راه چین را در راستای تلاش‌های پکن برای ترسیم هژمونی خود در آسیا می‌داند و نگران این موضوع است که پکن به پروژه اتصال به‌عنوان یک سرمایه سیاسی نگاه می‌کند و احساس می‌کند که هدف این ابتکار و حضور چین در جنوب آسیا، محاصره این کشور است (همیانی، ۱۴۰۱، ص. ۷۷). از لحاظ امنیتی، رد پای چین در همسایگی هند به دلیل تنگ کردن حلقه محاصره ژئوپلیتیکی، تهدید بزرگی برای دهلی نو است. همان‌طور که راجا موهان^۲، محقق ارشد هند در امور بین‌الملل، نوشته است: «ابتکار طرح کمربند - راه، به‌طور گسترده نفوذ تجاری، اقتصادی، و امنیتی چین را در همسایگی هند تقویت خواهد کرد و برتری منطقه‌ای دهلی را به حاشیه خواهد برد. این ابتکار فقط درباره اتصال خشکی اوراسیا و حوزه دریایی اقیانوس هند و آرام از طریق یک کمربند زمینی و راه ابریشم دریایی نیست؛ بلکه شامل صادرات سرمایه چینی، نیروی کار، فناوری، استانداردهای صنعتی، معیارهای تجاری، استفاده از یوان، توسعه بندرهای جدید، مراکز صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی و تأسیسات نظامی تحت نظارت پکن است» (چگنی‌زاده و رضوی، ۱۴۰۱، صص. ۱۸-۱۶).

هند نگران است که پکن از طریق ابتکار یک کمربند - یک راه و با استفاده از ابتکار عمل «دیپلماسی تله‌بدهی»؛ ضمن توسعه نفوذ خود، سلطه سنتی دهلی نو در حیات خلوت او را به چالش بکشد. در همین زمینه، نارندرا مودی^۳، نخست‌وزیر هند، این پروژه را طرح جدیدی از «استعمار» معرفی کرده است که چین با آن تصمیم دارد تا از طریق بدهکار کردن کشورهای همسایه هند، برای ایجاد بندرها و توسعه زیرساخت‌ها، منافع و امنیت خود را تأمین کند؛ به‌طوری که سریلانکا و پاکستان در سال‌های اخیر در سازمان ملل بر حمایت‌های همه‌جانبه از چین پرداخته‌اند که این می‌تواند به محاصره و انزوای هند در منطقه کمک کند (اختیاری امیری و شفقت‌نیا آباد، ۱۴۰۲، ص. ۱۵).

به‌طور کلی، چین در پی آن است تا از طریق ابتکار یک کمربند-یک راه، قدرت و نفوذ اقتصادی خود را در سطح منطقه و بین‌الملل افزایش دهد. در همین راستا، در سال‌های اخیر

1. Ali

2. Raja Mohan

3. Narendra Modi

چین نفوذ خود را در کشورهای همسایه هند و منطقه خاورمیانه افزایش داده است. از طرفی، چین در تلاش است تا با توسعه بندرها و پایگاه‌های نظامی، ضمن توسعه نفوذ خود در جنوب و جنوب شرقی آسیا، حضور هند را در منطقه اقیانوس هند به چالش بکشد؛ از این رو، هند در راستای امنیت و منافع خود، برای کاهش نفوذ و تهدیدات چین در منطقه و نظام بین‌الملل به سوی گسترش و راهبردی کردن روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از جمله ایالات متحده رفته است؛ بنابراین، آمریکا می‌کوشد با افزایش نقش هند در مناسبات منطقه جنوب آسیا و درگیر کردن آن در برقراری نظم منطقه‌ای از نقش و تأثیر چین در این منطقه بکاهد و از این طریق، با همکاری راهبردی با هند که عضو جنبش غیرمتعهدها است؛ حلقه‌ای بر مدار چین با هدف انزوای منطقه‌ای این کشور ایجاد کند.

در امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا مسئله اقتصاد و تجارت جهانی اهمیت بسیار زیادی دارد. در این فرایند، توسعه قدرت اقتصادی و نظامی چین، زمینه‌ساز همگرایی منافع ژئوپلیتیک آمریکا و هند شده است؛ به گونه‌ای که آن‌ها تلاش می‌کنند با گسترش همکاری‌های چندجانبه امکاناتی متناسب با تهدید فزاینده نفوذ چین در منطقه جنوب آسیا به وجود آورند و مانع برتری یافتن پکن در این منطقه ژئوپلیتیکی شوند. همین مسئله باعث شده است که چین از رویکردهای منطقه‌ای آمریکا و هند احساس خطر کند و تمایل این کشور برای گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با سایر کشورهای واقع در جنوب آسیا و دیگر کشورهای پیرامونی افزایش یابد (بدیعی‌ازنده‌ای و همکاران، ۱۴۰۱ الف، ص. ۳۸۶). دولت ترامپ به‌طور فعال «استراتژی هند و اقیانوس آرام» را برای گسترش شبکه مشارکت ایالات متحده در منطقه اقیانوس هند دنبال می‌کرد. دولت بایدن نیز که به طرح استراتژیک و سیاست محاصره خود اهمیت می‌دهد؛ از سیاست استراتژیک دولت ترامپ در منطقه هند و اقیانوس آرام دست نمی‌کشد؛ بلکه بر این اساس، توجه بیشتری به همکاری اروپا و هند و دیگر شرکای سنتی واشنگتن برای مهار و انزوای منطقه‌ای پکن و روسیه در خاورمیانه خواهد داشت (وانگ^۱ و هو^۲، ۲۰۲۲، ص. ۴۳۹).

1. Wang

2. Hu

از نظر والت، افزایش ترس دولت‌ها از یک دولت است که به شکل‌گیری ائتلاف‌های توازن‌بخش می‌انجامد و دولت‌ها از دولتی بیشتر می‌ترسند که تهدیدآمیزتر دریافته شود؛ از این رو، از نظر هند، منطقه اقیانوس هند عمق استراتژیک این کشور به شمار می‌رود و هرگونه تلاش چین برای نفوذ در این پهنه آبی به مثابه یک تهدید نگریسته می‌شود. هند می‌کوشد با بهره‌گیری از مزیت‌های خود در دو سطح کلان و منطقه‌ای به ایجاد ائتلاف و موازنه در منطقه اقیانوس هند بپردازد و به این ترتیب، سیاست مهار نفوذ چین در این منطقه از جهان را پیگیری کند. در سطح کلان، کشور هند می‌کوشد با گسترش مناسبات خود با ایالات متحده و با ایجاد یک ائتلاف غیررسمی با این کشور که از نظر تلاش برای مهار نفوذ پکن با هند هم‌نظر است؛ به ایجاد تعادل با قدرت دریایی در حال گسترش چین و نفوذ اقتصادی این کشور در منطقه اقیانوس هند و مناطق پیرامونی بپردازد (بدیعی‌ازنده‌ای و همکاران، ۱۴۰۱ الف، صص. ۳۸۲-۳۸۱). در مجموع، راهبرد آمریکا را برای اتحاد با هندوستان به منظور مقابله با قدرت‌گیری چین می‌توان عامل اساسی در ایجاد بی‌ثباتی بیشتر در منطقه آسیا - اقیانوسیه ارزیابی کرد. به‌ویژه اینکه حضور نظامی و همکاری‌های تسلیحاتی آمریکا با دهلی‌نو، کشور چین را ترغیب می‌کند تا با جدیت بیشتری، توسعه و تقویت نظامی خود را دنبال کند. این مسئله، سرآغاز رقابت تسلیحاتی بزرگ و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه خواهد شد.

۶. تجزیه و تحلیل

جنوب آسیا یکی از مناطق جغرافیایی جهان است که به سبب برخورداری از عوامل اقتصادی، جمعیتی، سیاسی و امنیتی، اهمیت فراوانی در ساختار اقتصادی و سیاسی جهان دارد. هند بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی این منطقه است و چین نیز یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی و اقتصادی جهان است که در همسایگی این منطقه جغرافیایی است. پس از جنگ جهانی دوم، چین و هند همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در این منطقه راهبردی داشته‌اند و کم و کیف و ترتیبات امنیتی دهلی و پکن، تعیین‌کننده شرایط منطقه جنوب آسیا است. به باور برخی اندیشمندان سیاسی، به نظر می‌رسد، حداقل در کوتاه‌مدت، این روند تداوم داشته باشد و بر سرنوشت کشورهای واقع در این منطقه نیز تأثیرگذار باشد. اهمیت چندبعدی این منطقه به

اندازه‌ای زیاد است که دو کشور هند و چین پیوسته می‌کوشند با استفاده از تمام ابزارها و فرصت‌های موجود در جنوب آسیا، به برتری و قدرت هژمون دست یابند. چین در آرزوی تبدیل شدن به یک قدرت تأثیرگذار قوی در منطقه همسایه خود است. هند نیز برای حفظ و کسب موقعیت مسلط در مناطق اطراف خود، در حال رقابت است و مناطق اطراف این دو کشور تا حد زیادی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند؛ بنابراین، جنوب آسیا یکی از مناطقی است که هم هند و هم چین آرزو دارند به آن نفوذ کنند؛ به عبارت دیگر، رقابت چین و هند به این دلیل است که هر دو قدرت در جنوب آسیا، دارای محاسبات استراتژیک هستند. برای هند، هدف اساسی، تحکیم موقعیت قدرت منطقه‌ای خود برای تضمین امنیت سرزمینی خود و همچنین ایجاد سکوی پرشی محکم برای تبدیل شدن به یک مرکز قدرت جدید در جهان است. به این ترتیب، هند و چین یکدیگر را منشأ تهدید دانسته و در این راستا، برای مهار نفوذ و قدرت منطقه‌ای یکدیگر، در جنوب آسیا می‌کوشند. درحالی‌که هند سیاست «نگاه به شرق» خود را برای تقویت حضور در منطقه استراتژیک چین، یعنی جنوب شرق آسیا دنبال می‌کند؛ چین نیز به‌طور تهاجمی حوزه نفوذ خود را در جنوب آسیا ایجاد می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که چین توانسته است میزان صادرات خود را به این منطقه، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ نزدیک به ۷ برابر افزایش دهد و به‌جز افغانستان، نپال و بوتان، روابط تجاری بیشتری با کشورهای منطقه در مقایسه با هند داشته باشد. بر همین اساس، استراتژی‌هایی مانند تلاش برای توسعه روابط با پاکستان و نفوذ در سواحل جنوبی این کشور مد نظر است. در این میان، پکن برای کنترل هرچه بیشتر هند، اقدام به حمایت نظامی و امنیتی از پاکستان کرده است و از این طریق، نفوذ خود را در این کشور توسعه داده است. تسط چین بر شاهراه‌های ارتباطی شرق و غرب جهان با جنوب آسیا نوعی برتری ژئواستراتژیک به این کشور خواهد داد. هم‌اکنون کنترل و مهار هند در سراسر منطقه جنوب آسیا و اقیانوس هند و حتی در برخی موضوعات جهانی در اولویت پکن قرار دارد.

هند برای رویارویی با چالش‌های استراتژیک فزاینده چین، اقدامات خود را برای حفاظت از منافع خود در اقیانوس هند، توسعه زیرساخت‌های دریایی خود و در عین حال تشدید تلاش‌ها برای توسعه مناسبات با کشورهای آسیای شرقی و اقیانوسیه و ازسویی برقراری اتحاد راهبردی با ایالات متحده افزایش داده است و در این راستا، برای کنترل و انزوای

منطقه‌ای چین در جنوب آسیا می‌کوشد. از آنجایی که یکی از اهداف پکن، ساخت نظم چین محور در جنوب آسیا و به حداقل رساندن نقش قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده از ایجاد نفوذ در منطقه است؛ بنابراین، دهلی می‌کوشد تا با برقراری اتحاد راهبردی با واشنگتن از گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی چین در جنوب آسیا به‌عنوان حیاط خلوت خود جلوگیری کند و از طریق محاصره و مهار منطقه‌ای پکن به اهداف و منافع منطقه‌ای هند و متحدان آن در جنوب آسیا جامه عمل پوشاند. هند نیز می‌کوشد اشکال متفاوتی از مناسبات و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه را برای مقابله با تهدیدات روزافزون پکن در منطقه شکل دهد. در این میان، دهلی از طریق برقراری اتحاد و ائتلاف با برخی از کشورهای آسیای شرقی و اقیانوسیه مانند استرالیا، ژاپن، فیلیپین و ویتنام برای مهار و کنترل چین در جنوب آسیا اقدام می‌کند و در این میان، در صدد دستیابی به هژمون منطقه‌ای برآمده است که این امر ضمن کاهش تهدیدات روزافزون چین، کمک شایانی به کاهش قلمروی قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی پکن در جنوب آسیا خواهد کرد.

به این ترتیب، براساس نظریه موازنه تهدید، تهدیدها را می‌توان براساس چهار شاخص ارزیابی کرد. شاخص اول؛ قدرت یا توانایی‌ها که شامل جمعیت، قدرت اقتصادی، وسعت کشور و عوامل ژئوپلیتیک قدرت می‌شود؛ شاخص دوم؛ مجاورت جغرافیایی؛ شاخص سوم؛ قدرت تهاجمی و شاخص چهارم؛ نیت تهاجمی است. درباره توانایی‌ها باید گفت که هرچه توانایی‌های کشور تهدیدکننده بیشتر باشد، میزان تهدید دریافت‌شده نیز بیشتر است. درباره معیارهای عمده‌ای که برای اندازه‌گیری توانمندی‌های یک کشور و مشخص کردن جایگاه آن در سلسله‌مراتب قدرت استفاده می‌شود؛ می‌توان به میزان تولید ناخالص داخلی و هزینه‌های نظامی اشاره کرد. مسئله بعدی نزدیکی جغرافیایی است. والت پتانسیل تهدیدزایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه معکوس می‌داند و معتقد است دولت‌های مجاور برای ایجاد تهدید بزرگ‌تری توانمند هستند. از نظر والت، کشورها تهدید را هر اندازه نزدیک‌تر باشد به شکل بیشتر و بهتری درک می‌کنند. در زمینه توانایی‌های تهاجمی نیز باید گفت که بین نیت تهاجمی و میزان تهدید ارتباط مستقیمی وجود دارد. به این معنا که هرچه مقدار توانایی نظامی یک کشور بیشتر باشد؛ میزان نگرانی و تهدید به همان میزان افزایش می‌یابد.

بر این اساس، با تکیه بر مفروضات نظری موازنه تهدید می‌توان گفت مجاورت جغرافیایی چین به هند، رویکرد تجدید نظرطلبی چین و تلاش این کشور برای تغییر توازن قدرت، از طریق به چالش کشیدن قدرت کشورهای بزرگ یا روبه‌رشد، مانند هند؛ قدرت روزافزون اقتصادی و نظامی چین، از طریق راه‌اندازی پروژه‌های اقتصادی و توسعه پایگاه‌های نظامی و در نهایت، نفوذ در مناطق مختلف از جمله جنوب آسیا با هدف تسلط بر این منطقه؛ همگی منجر به احساس تهدید و محاصره هند از سوی چین شده است؛ بنابراین، هند در پاسخ به این تهدیدات و ازسویی، خنثی‌سازی تهدیدات برآمده از محور چین - پاکستان، برای برقراری روابط استراتژیک با ایالات متحده برای فشار به پکن و انزوای منطقه‌ای آن در جنوب آسیا می‌کوشد که این امر می‌تواند به برقراری موازنه قدرت به نفع دهلی کمک کند. بنابراین، دولت‌ها فقط زمانی در مقابل هر قدرتی واکنش نشان می‌دهند که از افزایش قدرت آن احساس تهدید کنند و این واکنش اغلب به‌صورت توان‌بخشی و جلوگیری از تهدید آن بازیگر است.

۷. نتیجه‌گیری

دو کشور هند و چین با وجود تلاش برای برقراری صلح و رقابت بدون تنش، به دلیل نیازهای داخلی و تلاش برای دستیابی به منافع خود، در برقراری روابط مؤثر و بدون تنش دچار دشواری بوده‌اند. رشد و توسعه چین در دهه‌های اخیر بحث‌ها و واکنش‌های فراوانی را برانگیخته است. این کشور از دهه ۸۰ میلادی با در پیش گرفتن سیاست‌هایی واقع‌گرایانه در عرصه‌های داخلی و خارجی به موفقیت‌های زیادی دست یافته که کسب این موفقیت‌ها ضمن به چالش کشیدن جایگاه ابرقدرتی و هژمونی آمریکا، چین را قدرتی بزرگ و تأثیرگذار و به کاندیدای ابرقدرتی در قرن بیست و یکم تبدیل کرده است. چین پس از انجام اصلاحات اقتصادی و تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی بزرگ، افزایش قدرت نظامی و تسلط بر همسایگان را در اولویت قرار داده است که این امر تهدیدی راهبردی برای هند به‌عنوان همسایه جنوبی آن به شمار می‌رود. چین نیز روابط خود را با پاکستان گسترش داده و به‌ویژه پس از آزمایش موفقیت‌آمیز هندوستان در زمینه هسته‌ای، به برنامه‌های

هسته‌ای پاکستان کمک کرده است. نزدیکی روزافزون این کشور به پاکستان باعث شده است که هند خود را از هر دو سمت شرق و غرب در معرض تهدید نفوذ فزاینده چین بیابد؛ زیرا دو کشور چین و پاکستان با نزدیکی استراتژیک به یکدیگر در تلاش هستند تا در هر دو سوی قلمروی هند به گسترش نفوذ و تثبیت قدرت خود بپردازند و این امر به شکل ویژه‌ای باعث شده است تا هند در محاصره و تنگنای چین و پاکستان باشد. پاسخ هند به این تهدیدات روزافزون، تلاش برای گسترش قدرت نظامی و افزایش سطح همکاری‌های نظامی و امنیتی با ایالات متحده بوده است. در این میان، آمریکا با نگرانی از توسعه‌طلبی اقتصادی و سیاسی چین، به دنبال آن است که با تقویت موقعیت هند در منطقه، باعث ایجاد توازن قدرت در منطقه جنوب آسیا شود و به این ترتیب، قدرت و نفوذ چین را در شمال اقیانوس هند محدود کند.

برطبق نظریه والت، کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند؛ بلکه آن‌ها در پی توازن بخشی در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن تهدید به شمار می‌رود. به این ترتیب، رشد اقتصادی و نظامی چین در چند دهه اخیر به‌طور پیوسته موجب بازتعریف موقعیت آن در سطوح منطقه‌ای و جهانی شده، بازتعریفی که تهدید و نگرانی بازیگران مختلف و به‌خصوص قدرت‌های بزرگی چون هند و آمریکا را فراهم کرده است. چین همچنین از طریق اجرای طرح‌هایی همچون یک کمربند - یک راه و رشته مرواریدها، خواهان تغییر ژئوپلیتیک منطقه و شکل‌گیری معادلات و نظم منطقه‌ای به نفع خود است که این امر تهدیدی راهبردی برای کشورهای جنوب آسیا از جمله هند و موقعیت هژمونیک ایالات متحده در سطح بین‌الملل به شمار می‌رود. اجرای این طرح‌ها و پروژه‌ها از سوی چین، ضمن قرار دادن هند در یک تنگنای ژئوپلیتیکی و ایجاد چالش‌هایی برای این کشور برای دستیابی به رهبری منطقه‌ای، می‌تواند کاهش قدرت و توان بازیگری دهلی و واشنگتن را در معادلات بین‌المللی به دنبال داشته باشد؛ بنابراین، ایالات متحده و هند از طریق همکاری‌های گسترده با یکدیگر می‌کوشند تا با کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای چین، این کشور را در منطقه آسیا ضعیف و منزوی کنند و از این طریق، مانع از برهم زدن توازن قوا در آسیا از سوی چین شوند. این دو کشور، با هدف مقابله با رشد فزاینده اقتصادی و نظامی چین در منطقه، به توسعه روابط و همکاری‌های نظامی و اقتصادی می‌کوشند و از این طریق از قدرت‌یابی روزافزون چین در شرق آسیا و تسلط بر این منطقه

جلوگیری می‌کنند. هند، نقش محوری در استراتژی آمریکا برای عقب راندن خیزش چین دارد. ایالات متحده، به دلیل منافع مشترک در اقیانوس‌های هند و آرام، هند را به عنوان تأمین‌کننده ویژه امنیت در اقیانوس هند می‌داند. همزمان با آن، نارضایتی هندوستان از حضور نیروی دریایی چین در اقیانوس هند و برگزاری رزمایش‌های نظامی در آن، در حال افزایش است؛ بنابراین، دهلی با ایجاد اتحاد راهبردی با آمریکا در تلاش برای کنترل و مهار چین به عنوان تهدیدی مشترک علیه آن‌ها در منطقه برآمده‌اند و در راستای شکل‌گیری توازن مطلوب قدرت، به نفع خود و هم‌پیمانان منطقه‌ای در جنوب آسیا عمل می‌کنند. هند ضمن برقراری اتحاد استراتژیک با واشنگتن، راه حل مهار چین را نیز از طریق ائتلاف با برخی از کشورهای آسیای شرقی و اقیانوسیه مانند استرالیا، ژاپن، فیلیپین و ویتنام پیگیری می‌کند که این امر می‌تواند نقش بسزایی در کاهش قدرت پکن و افزایش توان بازیگری دهلی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد.

کتابنامه

۱. آسمانی، ح. (۱۴۰۱). دیپلماسی نظامی و سیاست خارجی چین، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۲۱)، ۱-۲۵.
۲. اختیاری‌امیری، ر.، و شفقت‌نیاآباد، ج. (۱۴۰۲). سیاست هند در قبال ابتکار یک کمربند-یک راه. پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۲۲)، ۵-۳۱.
۳. اخوان‌کاظمی، م.، رستی، ف.، و شاه‌ملکی، ح. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۴)، ۱-۲۶.
۴. ارغوانی‌پیرسلامی، ف.، و پیرانخو، س. (۱۳۹۶). چالش‌های هویتی قدرت نوظهور چین. فصلنامه سیاست جهانی، ۶(۳)، ۶۵-۱۰۲.
۵. اندیشکده جریان. (۱۴۰۰). ابتکار کمربند و راه. بازیابی در ۱۱ تیر ۱۴۰۰ از <https://jaraian.com/1400/belt-and-road-initiative/>
۶. بدیعی‌ازندهی، م.، زارعی، ب.، و برزگرزاده‌زرنندی، م. (۱۴۰۱ الف). تأثیر رقابت ژئوپلیتیک هند و چین بر چگونگی امنیت منطقه جنوب آسیا با تأکید بر مداخله‌گری آمریکا. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۴(۱)، ۳۷۵-۳۸۹.

۷. بدیعی‌ازنده‌ای، م.، زارعی، ب.، و برزگرزاده‌زرنندی، م. (۱۴۰۱ ب). تأثیرگذاری ژئوپلیتیک انرژی بر تأمین امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا با تأکید بر نقش هند و چین در قرن ۲۱. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۴(۴)، ۱۵۶۱-۱۵۴۵.
۸. تقی‌زاده انصاری، م. (۱۳۹۵). چین از ثروت به توسعه‌طلبی دریایی. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۲۲)، ۱۸۵-۱۶۳.
۹. تقی‌زاده انصاری، م.، و باقرنیا، ن. (۱۴۰۰). ماهیت رقابت هند و چین در حوزه جنوب آسیا. *فصلنامه مطالعات شبه‌قاره*، ۱۳(۴۱)، ۲۶-۹.
۱۰. چگنی‌زاده، غ. م.، و رضوی، ح. (۱۴۰۱). ابتکار کمربند-راه و آثار راهبردی آن بر مناسبات هند و چین (۲۰۲۲-۲۰۱۳). *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۴(۲)، ۳۲-۱.
۱۱. خبرگزاری مهر. (۱۳۹۷). بندر گوادر پاکستان، شمشیری دو لبه در برابر ایران. بازیابی در ۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ از <https://www.mehrnews.com/news/4271251/>
۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی. (۱۳۹۶). هند به دنبال تقویت نقش خود در سارک/ اجرای قرارداد حمل و نقل با نپال و بنگلادش. بازیابی در ۲۹ آذر ۱۳۹۶ از <https://www.irna.ir/news/82769794/>
۱۳. درج، ح.، و بصیری، م. ع. (۱۴۰۰). تأثیر رقابت منطقه‌ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۳(۱)، ۲۶۴-۲۴۳.
۱۴. ربیعی، ح.، نقدی، ج.، و نجفی، س. (۱۳۹۶). بحران سوریه و امنیت ملی ایران از دیدگاه نظریه موازنه تهدید. *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۹(۳۰)، ۸۸-۶۱.
۱۵. روشن، ا.، و فرجی، م. ر. (۱۳۹۶). روابط هند و چین. *فصلنامه روابط خارجی*، ۹(۲)، ۲۵۸-۲۲۳.
۱۶. زارعی، ب.، و موسوی‌شهیدی، س. م. (۱۳۹۹). همکاری‌های ژئواکونومیکی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی چین و آمریکا در منطقه آسیا-پاسفیک در قرن بیست‌ویکم. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۲(۳)، ۱۱۳۰-۱۱۰۳.
۱۷. سینائی، و.، و دانش، ا. (۱۴۰۰). اقتدارگرایی یا دموکراسی؛ ساختار دولت و توسعه اقتصادی در چین و هند. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۹(۲)، ۹۷-۱۲۶.
۱۸. کریمی، م. (۱۴۰۱). کنشگری امنیتی چین و هند در منطقه جنوب آسیا. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۱۱(۴۱)، ۱۵۳-۱۲۵.
۱۹. محروق، ف. (۱۳۹۶). واکاوی اهمی نقش و جایگاه پاکستان و ایران در معادلات استراتژیک چین. *فصلنامه روابط خارجی*، ۹(۳)، ۹۸-۷۱.

۲۰. محروق، ف.، و حاجی کریم جباری، م. ر. (۱۳۹۷). مدل توسعه چین. فصلنامه سیاست، ۵(۱۷)، ۸۷-۱۰۳.
۲۱. مدرس، م. و.، و صفی‌نژاد، ا. (۱۳۹۸). نقش ناسیونالیسم اقتصادی در استمرار روند اصلاحات در اقتصاد سیاسی چین (۲۰۱۷-۱۹۷۶). فصلنامه سیاست جهانی، ۸(۳۰)، ۷-۳۰.
۲۲. وثوقی، س. رستمی، ا. ح.، و یزدانی، ع. (۱۳۹۷). تأثیر قدرت‌یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۸(۳۰)، ۷-۳۸.
۲۳. هادیان‌جزئی، ن.، و بازوند، م. (۱۴۰۰). رشد چین و سیاست خارجی آمریکا و هند در قبال یکدیگر از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۴(۵۴)، ۱۷۴-۱۴۹.
۲۴. هدایتی‌شهیدانی، م.، و رمضانپور شلمانی، ج. (۱۳۹۸). رویکرد ایالات متحده نسبت به استمرار توسعه اقتصادی نظامی - چین (مطالعه موردی دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ). فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۶(۶۲)، ۷۱-۹۱.
۲۵. هدایتی‌شهیدانی، م.، پاک‌زاد، ف.، و پاک‌زاد، ز. (۱۳۹۷). عوامل همگرایی و واگرایی در روابط اقتصادی سیاسی، هند - چین (۲۰۱۵-۲۰۰۱). فصلنامه راهبرد سیاسی، ۲(۶)، ۵۳-۲۹.
۲۶. همیانی، م. (۱۴۰۱). تحول در سیاست خارجی هند: از سیاست عدم تعهد تا چندهم‌سویی. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۶(۱۴۱)، ۵۵-۸۸.

27. Ali, M. (2020). China's Belt and Road Initiative in South Asia and beyond: Apprehensions, Risks and Opportunities. *IPRI Journal*, 12(16), 26-52
28. Ali Khan, Z., & Ahmad, S. (2015). New Trends in Sino-Pak Defence and Strategic Relations since 9/11: Indian Concern. *Journal of South Asian Studies*, 30(2), 247-263
29. Annual Report to Congress. (2017). *Military and Security Developments Involving the People's Republic of China*. Office of the Secretary of Defense.
30. Bhatti, M. A. (2003). China and South Asia. *Journal of Strategic Studies*, 23(1), 90-122.
31. Chatterjee Miller, M. (2022). China and the Belt and Road Initiative in South Asia. *Council on Foreign Relations*, (41), 1-38
32. Chhabra, T., Doshi, R., Hass, R., & Kimball, E. (2021). *Global China: Assessing China's Growing Role in the World*. Brookings Institution Press.
33. Cronin, P. M. (2016). *Power and Order in the South China Sea*. Center for a New American Security.
34. Freeman, C. P. (2018). Chinas' regionalism foreign policy and China-India relations in Asia South. *Journal of Contemporary Politics*, 21(4), 81-97

35. Garamore, J. (2010). *Flournoy Notes India's Growing Role as Security Partner*. American Forces Press Service, Retrieved from <https://www.defense.gov/news/ewsarticle.aspx?id=59868>
36. Garnaut, R., Song, L., & Fang, C. (2018). *China's 40 Years of Reform and Development: 1978–2018*. Press The Australian National University.
37. Ghemawat, P., & Hout, T. (2016). Can China's Companies Conquer the World: The Overlooked Importance of Corporate Power. *Journal of Foreign Affairs*, 95(2), 86-98
38. Hashim, A. (2017). *Pakistan in the crosshairs of Trump's Afghan strategy*. Retrieved from <https://www.aljazeera.com/news/2017/08/pakistan-crosshairs-trump-afghan-strategy-170824052758366.html>
39. In, A. (2022). China's Strategic Challenges to India. *CLAWS Journal*, 15(1), 119-128
40. Lin, J., & Singer, P.W. (2015). *China Shows off Its Deadly New Cruise Missiles*. Popular Science, Retrieved from <http://www.popsci.com/china-shows-its-deadly-new-cruise-missiles>
41. Murtazashvili, J. (2022). China's Activities and Influence in South and Central Asia, United States-China. *Economic and Security Review Commission*, (26), 519-587.
42. Nazemroaya, M. D., & Halliday, D. J. (2012). *The Globalization of NATO*. Clarity Press, INC.
43. Pardesi, M. S. (2021). India's China strategy under Modi continuity in the management of an asymmetric rivalry. *Journal of International Politics*, 59(1), 44-66.
44. Parepa, L.-A. (2020). The Belt and Road Initiative as continuity in Chinese foreign policy. *Journal of Contemporary East Asia Studies*, 1(2), 175-201.
45. Parvaiz, A., & Singh, B. (2017). Sino-Pakistan Relationship, Changing South Asian Geopolitics and India's Post Obama Options. *Journal of South Asia Research*, 37(2), 133-146.
46. Sahgal, A. (2003). China's Search for Power and Its Impact on India. *Korean Journal of Defense Analysis*, 15(1), 155-182.
47. Shahid, R., & Sakib, N. (2023). Sino-India Rivalry in South Asia The Politics of Strategic Hedging by the "Non-Nuclear Five. *Journal of Indo-Pacific Affairs*, 105-122.
48. Shambaugh, D. (2003). *Modernizing China's Military: Progress, Problems, and Prospects*. California: University of California Press.
49. Small, A. (2015). *The China-Pakistan Axis: Asia's New Geopolitics*. Oxford: Oxford University Press.
50. Thi Le, H. N., & Thy Thuong, N. L. (2021). India–China Competition in South Asia Under Prime Minister Narendra Modi's Administration. *The Journal of Indian and Asian Studies*, 2(1), 1-26.
51. Wagner, C. (2016). The Role of India and China in South Asia. *Journal of Strategic Analysis*, 40(4), 307-320.

52. Wang, B., & Hu, D. (2022). The Establishment of Biden Administration's Iranian Nuclear Policy: Motivation, Content and Prospects. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 15(4), 433–446.
53. Xavier, C. (2019). Converting Convergence into Cooperation: The United States and India in South Asia. *Journal of Asia Policy*, 26(1), 19-50
54. Xavier, C., & Jacob, J. (2023). *Studying China's Themes, Partners and Tools in South Asia*. The Centre for Social and Economic Progress.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.83556.1305>

Analysis of the Role of Factors Affecting the Efficiency of National Division System in Iran (Case Study: Kermanshah Province¹)

Negin Rasouli

Ph.D. Student in Political Geography, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Hojat Mahkouei²

Associate Professor, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Amir Gandomkar

Associate Professor, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Received: 22 July 2023 Revised: 24 November 2023 Accepted: 13 December 2023

Abstract

Administrative division is one of the important strategy of governments for the political organization of a country. Administrative divisions and decentralization are vital for spatial organization, regional development and balance in Iran. Given the territorial expanse and the territorial model of the country's administration, which is of a simple type, the country's administrative division is influenced by the directives and plans communicated by the capital. A historical survey of the country's provinces shows that after the Islamic Revolution, some new provinces have emerged , but in terms of quality, no proper and desirable development trend has been in place. Kermanshah province, as one of the western provinces of Iran, consists of 14 cities, 31 urban centers, 86 rural areas and 2,793 villages in administrative division of Iran . The primary goal of this paper is to identify the most influential parameters among the four political, geographical, economic and social factors underlining the efficiency of the national administrative division in Kermanshah province. The main question raised here is “Which of the four political, geographical, economic and social factors underlining the efficiency of the national administrative division in Kermanshah province wields the greatest impact?” Therefore, using a quantitative method, this descriptive-analytical research was conducted. Also, data analysis was carried out using factor analysis and one-sample T-test. The sample size consisted

1. This Article is extracted from a Doctoral Dissertation entitled "Analysis of the Role of Political Factors in the National Administrative Division of Kermanshah Province" Under the Supervision of Dr. Hojat Mehkouei at Islamic Azad University, Najafabad Branch.

2. Corresponding Author: Email: hojat_59_m@yahoo.com

of 95 experts and specialists in the field of administrative divisions in the governorate of Kermanshah province. The findings suggest that among the four factors investigated in this article, economic factors have wielded greatest negative impact on the efficiency of the national administrative division in Kermanshah province.

Keywords: Political Organization of Space, Administrative Divisions, Kermanshah Province, Iran



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.83556.1305>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

تحلیل نقش عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری ایران

(مطالعه موردی: استان کرمانشاه^۱)

نگین رسولی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)

naazaninzahra@gmail.com

حجت مهکویی (دانشیار گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، نویسنده مسئول)

hojat_59_m@yahoo.com

امیر گندمکار (دانشیار گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)

aagandomkar@gmail.com

صص ۲۲۸ - ۱۸۷

چکیده

تقسیمات کشوری یکی از راهکارهای مهم حکومتها برای سازماندهی سیاسی فضای کشور به شمار می‌رود. تقسیمات کشوری و تمرکززدایی، شرط ضروری برای ساماندهی فضایی و توسعه و تعادل منطقه‌ای در کشور ایران مطرح می‌گردد. در ایران با توجه به گستره سرزمینی و الگوی سرزمینی اداره کشور که از نوع بسیط می‌باشد، نظام تقسیمات کشوری، متأثر از دستورات و برنامه‌های صادره از پایتخت می‌باشد. بررسی تاریخی استانهای کشور، نشان می‌دهد که از بعد انقلاب اسلامی، از نظر عددی، تعداد استانها افزایش یافته‌اند ولی از نظر کیفی، روند مناسب و مطلوبی در توسعه آنها دیده نمی‌شود. استان کرمانشاه به عنوان یکی از استانهای غربی کشور در راستای نظام تقسیمات کشوری دارای ۱۴ شهرستان، ۳۱ مرکز شهری، ۸۶ دهستان و ۲۷۹۳ آبادی دارای سکنه می‌باشد. هدف اصلی در مقاله، شناخت

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو با عنوان تحلیل نقش عوامل سیاسی در نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با راهنمایی دکتر حجت مهکویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد می‌باشد.

تأثیرگذارترین عامل از میان عوامل چهارگانه سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه می‌باشد. سوال اصلی مطرح شده این است که از عوامل چهارگانه سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری در استان کرمانشاه کدام عامل بیشترین تأثیرگذاری را داشته است؟ بنابراین با روش کمی و با ماهیت روش توصیفی-تحلیلی این تحقیق انجام شده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل یافته‌های مقاله از روش تحلیل عاملی و آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. حجم نمونه مورد نظر، ۹۵ نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه تقسیمات کشوری در فرمانداریهای استان کرمانشاه بوده‌اند که به سوالات پاسخ داده‌اند. نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی از میان عوامل چهارگانه مورد بررسی در این مقاله، بیشترین تأثیرپذیری نامطلوب را از نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه داشته است.

واژگان کلیدی: سازماندهی سیاسی فضا، تقسیمات کشوری، استان کرمانشاه، ایران

۱. مقدمه

سازماندهی سیاسی فضا یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین وظایف مسئولان کشورها به شمار می‌رود. این امر به منظور مدیریت بهینه و پایدار شدن سرزمین و تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی اقتصادی با هدف حفظ و تداوم یکپارچگی در سطوح ملی، محلی و منطقه‌ای انجام می‌شود. تقسیمات کشوری یکی از راهکارهای مهم حکومت‌ها برای سازماندهی سیاسی فضای کشور است. در دوران معاصر می‌توان به عواملی مانند شاخص‌های علمی و قانونی، شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی، جغرافیای قدرت و حمایت، اقلیت‌های اکولوژیک، محیط استراتژیک و فضاهای پیرامونی کشور اشاره کرد. آشکار است که میزان تأثیرگذاری این عوامل در شکل‌گیری واحدهای سیاسی - اداری در دوره‌های مختلف یکسان نبوده است. تقسیم‌بندی فضایی ایران به مناطق مختلف، امری است برای کنترل و اداره بهتر کشور، که نتیجه و حاصل برنامه‌ریزی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، به‌ویژه دولتمردان سیاسی است. اما اکنون، حاصل این فرایند، نابرابری شدید منطقه‌ای در ایران بوده که این نابرابری‌ها و نبود تعادل در زمینه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی به‌ویژه زمانی که با چالش‌های فرهنگی و سیاسی ترکیب می‌شود، عمیق‌تر می‌شود و تقسیمات کشوری با مشکلاتی همراه می‌شود.

تقسیمات کشوری از مهم‌ترین مسایل سیاسی است که یک نظام سیاسی باید برای انجام برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی، فضایی، زیست‌محیطی و... همچنین اداره بهتر سرزمین و بهره‌برداری بیشتر، به آن توجه کند. نظام تقسیمات کشوری تشکیل‌دهنده واحدهای حکومت محلی در محدوده‌های سیاسی واحدهای برنامه‌ریزی هستند و توسعه ملی بر مبنای واحدهای فضایی تقسیمات کشوری استوار است. از این رو، بین نظام تقسیمات کشوری و توسعه ملی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. هدف از تقسیمات کشوری که مورد توجه تمام نظام‌های سیاسی است، تسهیل در ارائه خدمات و امکانات برای مناطق مختلف یک کشور و همچنین تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی در کشور است. توسعه و تقویت شهرهای متوسط، سیاستی است که با هدف تمرکززدایی انطباق دارد و در درازمدت به ایجاد شرایطی منجر می‌شود که توان فعالیت‌های تولیدی را در درون این کانون‌ها تقویت می‌کند (احمدی‌پور، منصوریان، ۱۳۸۵، ص. ۲۶). استان کرمانشاه به عنوان یکی از استان‌های غربی کشور که از نظر موقعیت راهبردی دارای اهمیت است، در نظام تقسیمات کشوری با چالش‌هایی مواجه است. این استان به دلیل وجود تنوع‌های قومی و مذهبی، یکی از استان‌های دارای شرایط خاص کشور است که موقعیت استراتژیکی آن، واقع شدن در محور تهران - بغداد، موقعیت این استان را چند برابر ویژه کرده و باعث شده که شرایط خاص مدیریتی که بیشتر به دلیل دیدگاه امنیتی است بر آن حاکم شود و بر طبق همین دیدگاه تقسیمات انجام گرفته در استان به گونه‌ای بوده است که ترکیب شهرستان‌ها نه تنها از لحاظ قومی و مذهبی متنوع باشد، بلکه ترکیبی از چند قوم و مذهب باشد تا زمینه واگرایی‌های قومی و مذهبی را کاهش دهد، این نوع سازماندهی سیاسی فضا نتوانسته سبب انسجام اجتماعی گروه‌های جمعیتی مختلف در پیشبرد اهداف توسعه‌ای استان باشد (رحیمی، سلطانی، بهرامی‌جاف، ۱۴۰۰، ص. ۲۹۴). با توجه به آمارهای موجود درباره وضعیت توسعه‌یافتگی استان کرمانشاه، مسئله اصلی در این مقاله این است که کارآمدی تقسیمات کشوری استان کرمانشاه چه وضعیتی دارد؟ آیا تقسیمات کشوری استان کرمانشاه بر روند توسعه‌یافتگی این استان، با توجه به عوامل چهارگانه سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر بوده است؟

۲. پیشینه تحقیق

محمودی (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان نقش تقسیمات کشوری در توسعه فضایی استان کرمانشاه (طی دوره دو دهه اخیر)، بیان کرده است که هدف اصلی تقسیمات کشوری، تقسیم کشور به واحدهای همگن برای رشد متوازن است تا از این طریق مدیریت و اداره قلمرو ملی، آسان‌تر شده و ارائه خدمات مناسب‌تر انجام شود. بر این مبنا، تقسیمات کشوری بر ساختار اداری - مدیریتی سرزمین، تسریع توسعه و رشد متوازن ملی تأکید بسزایی دارد. هدف اصلی در این پایان‌نامه، بررسی چگونگی تأثیر نظام تقسیمات کشوری بر توسعه فضایی استان کرمانشاه (طی دوره دو دهه اخیر) بوده است و سؤال اصلی برای رسیدن به این هدف این بوده که تقسیمات کشوری در دو دهه گذشته در استان کرمانشاه چه تأثیری بر توسعه فضایی این استان داشته است؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که تقسیمات کشوری در دو دهه گذشته در استان کرمانشاه موجب تحول‌های فضایی و نبود تعادل ناحیه‌ای در سطح این استان شده است. اعظمی و دبیری (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان تحلیل عناصر تهدید سیاسی - امنیتی در نظام تقسیمات کشوری ایران، بیان کرده‌اند که تقسیمات کشوری یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای حکومت در سازماندهی سیاسی فضا به شمار می‌رود. نقش و کارکرد تقسیمات کشوری و ارتباط مستقیم آن با بقاء ملی، تسهیل اعمال اراده حکومت، کنترل فضای سرزمین، و... نشان‌دهنده اهمیت کارکرد سیاسی - امنیتی نظام تقسیمات کشوری است. اما در ایران وجود بعضی از عوامل تهدیدآفرین در نظام تقسیمات کشوری باعث ضعف و ناکارآمدی تقسیمات کشوری موجود در عمل به وظایف خود شده است. در این میان تهدیدهای سیاسی و امنیتی به دلیل ماهیت خود دارای اهمیت بسزایی هستند. در این پژوهش ۷ عامل، شامل افزایش تمرکز سیاسی - اقتصادی، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور، شکل‌گیری رقابت‌های محلی و ناحیه‌ای، شکل‌گیری حفره‌های دولت، رخنه عوامل غیر رسمی در نظام تقسیمات کشوری، بی‌توجهی به مشارکت مردم، تک عامله بودن قانون تقسیمات کشوری به عنوان مهم‌ترین عناصر تهدید سیاسی - امنیتی نظام تقسیمات کشوری تجزیه و تحلیل شده‌اند.

کاظمی‌نیا و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان آسیب‌شناسی وضع موجود تقسیمات کشوری در ایران، با نگاه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، بیان کرده‌اند که تقسیمات کشوری و توسعه

متوازن، مهم‌ترین مسائل مرتبط با امنیت پایدار کشور هستند. با تأملی در وضعیت موجود در تقسیمات کشوری ایران، که از یک طرف متأثر از نبود هماهنگی میان بخش‌های مرتبط با موضوع و از طرف دیگر به دلیل رعایت نکردن شاخص‌ها در قانون و همچنین ناکارآمدی قانون فعلی است، در خیلی از موضوع‌ها، موانع زیادی را برای تحقق سند ۱۴۰۴ به وجود آورده است. این مقاله با هدف بررسی آسیب‌شناسی وضع موجود تقسیمات کشوری در ایران با روش کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه) انجام شده است. نتایج یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند که با توجه به وضعیت کنونی تقسیمات کشوری، برای تحقق و رسیدن به اهداف سند ۱۴۰۴، موانع متعددی وجود دارد.

قادری حاجت و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان تبیین نظری رابطه سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی، بر این باور هستند که سازماندهی سیاسی هر کشوری در قالب تقسیمات کشوری انجام می‌شود؛ تقسیمات کشوری فرایندی است که در آن، مرزها سرزمین را محدود کرده است. هر حکومت برای اداره بهتر سرزمین و آسان شدن خدمات‌رسانی برای ایجاد توسعه و ایجاد یک عدالت فضایی در کشور نیازمند تقسیم‌بندی سیاسی فضا است. در این پژوهش که از نوع بنیادی است با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری می‌شوند و سپس با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این مسئله پرداخته خواهد شد که آیا سازماندهی سیاسی فضا رابطه‌ای با عدالت فضایی دارد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که اصول و معیارهای اصلی سازماندهی سیاسی فضا را می‌توان در مباحثی چون افزایش احساس رضایت، سهولت در دسترسی به خدمات و خلق فرصت‌های برابر شهروندان و نواحی دسته‌بندی کرد. از آنجایی که عدالت فضایی به عنوان یک خروجی در پی برابری نسبی قدرت، فرصت و ثروت در راستای کسب حداکثر مزیت‌ها متناسب با ظرفیت‌ها در راستای ارتقای منزلت شهروندان است، با در نظر داشتن اصول و رویکردهای سازماندهی سیاسی فضا و عدالت فضایی می‌توان ادعا کرد که ارتباط آن‌ها از نوع تعاملی است.

- بوبا و همکاران ۱ (۲۰۱۷)، مقاله‌ای با عنوان «تمرکز سیاسی و مسئولیت دولت»، درباره تمرکززدایی قدرت سیاسی به رشته تحریر درآورده اند. در این مقاله از این صحبت شده است

که چه عواملی تعیین می‌کند که در مناطق ناهمگون، قدرت باید متمرکز و یا غیرمتمرکز باشد و اینکه مرزهای سیاسی بر چه اساسی باید ترسیم شود. همچنین به مقایسه و بررسی مزایای سیستم متمرکز بر فدرال پرداخته شده و به این نتیجه رسیده است سیستم فدرال تنها در صورتی که نواحی جغرافیایی ناهمگون باشد، مناسب خواهد بود.

هالاس و همکاران ۱ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «اصل برابری فضایی در تقسیم اداری کشورهای اروپای مرکزی»، به‌طور کلی بر مفهوم عدالت در علوم اجتماعی پرداخته‌اند. کوشش در تفسیر این مفهوم در زمینه‌ای جغرافیایی و به‌ویژه در زمینه‌ای فضایی است. این مقاله از مفهوم دسترسی برای تعریف اصل برابری فضایی استفاده کرده است. هدف اصلی مقاله پیشنهاد رویکردی برای ارزیابی سطح برابری فضایی در تقسیم اداری یک قلمرو است. به‌منظور تحقق این هدف، مقاله به‌صورت نظری از مفهوم برابری فضایی بحث کرده و آن را با سایر مفاهیم مرتبط مانند کارایی فضایی مرتبط دانسته است. این مقاله بعضی از معیارهای برابری فضایی را پیشنهاد داده و از قلمرو چهار کشور اروپای مرکزی (اتریش، جمهوری چک، مجارستان، اسلواکی) به‌عنوان نمونه‌ای از کاربرد اقدام‌های پیشنهادی و تأیید رویکرد پیشنهادی استفاده کرده است. تجزیه و تحلیل براساس تقسیم‌بندی اداری چهار کشور است و در سطوح سلسله‌مراتبی مختلف که توسط نامگذاری واحدها برای آمار سرزمینی تعریف شده، انجام شده است.

اوستروم ۲ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مدل دامنه مدیریت سیاسی سرزمین»، انتشاریافته در مجله Land Use Policy به بررسی انگیزه، الزام‌ها و اهداف سیاسی برای توسعه سرزمین پرداخته‌اند. سرزمین شامل مؤلفه‌های مربوط به اطلاعات عمومی اداره زمین از جمله زمین، آب، زیر سطح و بالاتر از سطح زمین است که علاوه بر این به‌عنوان استاندارد برای نگهداری بالقوه آینده شرح داده شده است.

- یاکامازاکی و همکاران ۳ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی کارایی زیست‌محیطی تقسیمات اداری ۴۲ کشور براساس آثار زیست‌محیطی و تولید ناخالص منطقه‌ای» بیان کرده‌اند که برای گذار به یک جامعه پایدار، هر دولت محلی باید وضعیت فعلی را در بخش اداری خود

1. Marian Halas, Pavel Klapka, Vladimír Bačík, Michal Klobučník

2. Osterum

3. Junya Yamasaki, Norihiro Itsubo, Akito Murayama, Ryoichi Nitani

به‌درستی شناسایی، اندازه‌گیری و منتشر کند. این مطالعه، ارزیابی کارایی زیست‌محیطی فعالیت‌های انجام‌شده در سطح محلی در سراسر جهان را براساس شاخص‌های ارزش اقتصادی و بار زیست‌محیطی در یک سال (۲۰۱۵) انجام داده است. حوزه‌های هدف ارزیابی، بخش‌های اداری ۴۲ کشور بود که بیشتر اعضای OECD بودند. شاخص کارایی زیست‌محیطی (بدون بعد) با تقسیم واحدهای پولی شاخص زیست‌محیطی USD بر GRP در هر منطقه به صورت کمی تعریف شده است. نتایج ارزیابی نشان داده است که میانگین ارزش کارایی زیست‌محیطی در همه مناطق ۴۲ کشور ۲ / ۳۰ بوده است. از میان این کشورها، شهرهای اصلی (واحد تقسیم اداری) با سه ارزش برتر شامل پاریس (۱ / ۲۱۳)، لندن (۳ / ۱۵۴) و دویلین (۸ / ۱۴۱) هستند. نتایج برای هر بخش بر روی نمودارها و نقشه‌ها به‌منظور درک موقعیت آن‌ها از دیدگاه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی تجسم شد. هرگز چنین ارزیابی در سطح محلی و تحت شرایط مشابه در سطح جهانی انجام نشده است. این مطالعه بینشی را ارائه می‌دهد که به ایجاد یک روش استاندارد برای حسابداری زیست‌محیطی دولت‌های محلی کمک می‌کند.

از آنجا که تقسیمات کشوری و سازماندهی سیاسی فضا یک موضوع مهم در توسعه فضایی - سرزمینی کشورها است، تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در این باره در داخل کشور و در خارج انجام شده است. متغیرهایی مانند توان‌های زیست‌محیطی، عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی، در تقسیمات کشوری مد نظر هستند. با بررسی هریک از پیشینه‌ها، مشاهده می‌شود که تقسیمات کشوری در تغییرات و تحولات عدالت فضایی سرزمین نقش اساسی دارد. ایجاد امنیت، برقراری عدالت و توازن فضایی، دسترسی و ارائه خدمات، ساماندهی مرزهای اداری - سیاسی، محیط زیست و ... از متغیرهایی هستند که در هرکدام از آثار پیشینه پژوهش شده‌اند؛ اما آنچه که وجه تمایز و نوآوری این موضوع در این مقاله را نشان می‌دهد، تحلیل نقش عوامل چهارگانه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه بوده است که با بررسی پیشینه‌های انجام‌شده، پژوهشی که به‌طور خاص این عوامل را بررسی کرده باشد، یافت نشد. در این مقاله که با روش کمی انجام گرفته، این نتیجه حاصل شد که عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را بر کارآمد بودن نظام تقسیمات کشوری در استان کرمانشاه داشته است؛ به عبارت دیگر، نظام تقسیمات کشوری نتوانسته است عوامل چهارگانه را ساماندهی

کند و وضعیت اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری را بر کارآمد بودن تقسیمات کشوری در این استان داشته است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع با روش کمی و ماهیت توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در کار میدانی، تعداد ۹۵ نفر برای حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۱ از جامعه آماری مرتبط با موضوع از میان کارشناسان فرمانداری‌های استان کرمانشاه، به‌طور هدفمند و در دسترس، انتخاب شده‌اند. همچنین برای تجزیه و تحلیل یافته‌های مقاله از روش تحلیل عاملی و آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. هدف اصلی در این مقاله، شناخت عوامل چهارگانه سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه است. سؤال اصلی مطرح‌شده این است که از عوامل چهارگانه سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری در استان کرمانشاه کدام عامل بیشترین تأثیرگذاری را داشته است؟ در پاسخ به این سؤال، انگاره به‌دست‌آمده این است که از بین عوامل چهارگانه سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر کارآمدی نظام تقسیمات کشوری در استان کرمانشاه، عامل اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری را دارد.

۴. مبانی نظری

۴.۱. فضا و سازماندهی سیاسی

فضا در کل، شامل، محیط انسانی، محیط طبیعی، ساخت‌های مصنوعی، مردم و جامعه است. اما سیاست همه قوانین و مقررات، بخشنامه‌ها، استراتژی‌ها، سیاست‌های عملی و برنامه‌های

۱. Daryle Morgan: جدول مورگان روشی ساده برای محاسبه حجم نمونه زمانی است که حجم جامعه مشخص باشد. جدولی که به نام جدول مورگان معروف است یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است. استفاده و کارکرد این روش بسیار ساده است. فرض کنید حجم جامعه ۱۰۰ نفر باشد براساس جدول فوق در برابر جامعه به حجم ۱۰۰ نمونه‌ای برابر ۸۰ نفر به عنوان حداقل نمونه مورد نیاز معرفی شده است. به عنوان مثالی دیگر اگر حجم جامعه ۱۱۰ نفر باشد حداقل نمونه مورد نیاز ۸۶ نفر است. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر حجم جامعه من بین ۱۰۰ تا ۱۱۰ نفر مثلاً ۱۰۵ نفر باشد چطور حجم نمونه را تشخیص دهیم؟ پاسخ ساده است حداقل حجم نمونه شما بین ۸۰ تا ۸۶ خواهد بود (صفری شالی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵).

توسعه را در بر می گیرد. با توجه به تعریفی که از سیاست شد، می توان نتیجه گرفت که قوانین نیز نباید ثابت باشد و باید جنبه پویا داشته باشند، تا بتواند در برابر کنش فضا واکنش مناسب را از خود نشان دهد. از طرف دیگر گروه انسانی مقیم، به عنوان بخشی از فضا، خود موجودی دینامیک است، که با توجه به شرایط زمانی و مکانی نیازهای متفاوتی برای آن ایجاد شده که فضای ثابت و استاتیک نمی تواند جوابگوی نیازهای آن باشد. بنابراین سیاست هر کشور باید آنچنان پویا و به روز باشد، که نیازهای جامعه انسانی و فضای زیست آن ها را به طور بهینه و روزآمد برآورده کند. فضای جغرافیایی از یکسو عرصه فرمانروایی و اعمال اراده سیاسی حکومت و تجلیگاه آرمان ها و ارزش های ایدئولوژیک آن است و از سویی دیگر حکومت، مسئولیت اداره، تنظیم و تنسيق امور آن را به عهده دارد و متناسب با مقتضیات و شرایط آن و نیز دینامیسم فضایی مربوط، سیاست گذاری و نظام تصمیم گیری خود را شکل می دهد. تحقق فرایندهای مزبور، یعنی اعمال اراده سیاسی بر فضا و مردمان آن، مدیریت امور فضا، تأثیرپذیری سیاست ها از مقتضیات و دینامیسم فضا، با الگوی سلسله مراتبی مدیریت سیاسی فضا ارتباطی نزدیک دارد (حافظ نیا، احمدی پور، قادری حاجت، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۹).

به صورت منطقی سازمان و ساختار سیاسی فضا در هر کشوری می بایست تسهیل کننده توسعه در همه ابعاد باشد. زیرا ساماندهی سیاسی فضا رابطه تنگاتنگی با الگوهای رشد و توسعه اقتصادی و الگوهای کالبدی فضایی دارد. این سازماندهی با دو هدف بهینه سازی مکان ها و بهینه سازی کارکردها و فعالیت ها انجام می پذیرد. از سوی دیگر، آمایش سرزمین نیز عبارت است از تنظیم روابط بین انسان، سرزمین و فعالیت های انسانی در سرزمین، برای استفاده مناسب و پایدار از کلیه امکانات فضایی سرزمین که برای بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع در طی زمان است (حاصلی، افراخته، کریمی پور، عبداللهیان، ۱۳۹۸، ص. ۴۴). دولت ها از برنامه ریزی زمین برای مدیریت توسعه زمین در حوزه های قضایی خود استفاده می کنند. با این کار، واحد دولتی می تواند برای نیازهای جامعه برنامه ریزی کند و از منابع طبیعی محافظت کند. برای این منظور، ارزیابی سیستماتیک پتانسیل آب و زمین، گزینه های دیگر برای استفاده از زمین و شرایط اقتصادی و اجتماعی، به منظور انتخاب و اتخاذ بهترین گزینه های استفاده از زمین است. برنامه استفاده از زمین که اغلب یکی از عناصر یک طرح جامع است، چشم انداز امکان توسعه آینده در

محلها، مناطق، شهرها یا هر منطقه برنامه‌ریزی شده مشخص را فراهم می‌کند. درواقع آمایش استفاده بهینه و عقلانی و پی بردن به ارزش‌های فضا به منظور کارکردهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی است و بنابراین تقسیم کار سرزمین از جنبه‌های مهم آن شمرده می‌شود که از تنظیم کنش متقابل بین عوامل انسانی و عوامل محیطی به منظور ایجاد سازمان سرزمینی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه از استعدادهای انسانی و محیطی حکایت دارد (رحیمی، سلطانی، بهرامی-جاف، ۱۴۰۰، ص. ۲۸۶).

یکی از واقعیت‌های استراتژی توسعه که دارای نمود فضایی است گسترده نبودن و توسعه مواهب آن در عرصه جغرافیایی کشورها به گونه‌ای همسان است و این خود نشان‌دهنده ماهیت و ذات توسعه یعنی تمرکز طلب بودن آن است. از سال ۱۳۲۷ به بعد اکثر کشورهای درحال توسعه با مطالعات و برنامه‌ریزی منطقه‌ای به دنبال توسعه متعادل و کاهش شکاف توسعه بین مناطق بوده‌اند. در استراتژی توسعه منطقه‌ای، شناخت وضع موجود از حیث ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، طبیعی، جغرافیایی و تلاش برای بهره‌گیری مطلوب از مواهب طبیعی و استعدادهای انسانی (منابع فیزیکی و نهادی) منطقه از گام‌های بنیادی برای سازماندهی فضا به شمار می‌آید (عاطفی، رومینا، قربانی‌نژاد، ۱۳۹۹، ص. ۲۴). باید اشاره کرد که واژه «سازماندهی» برگرفته از واژه «organization» با ریشه یونانی «organon»، به معنای ابزار، آلات و ادوات است و در یک موجود زنده یا ارگانیسم، بخشی است که نقش مشخص دارد. بدیهی است که این واژه اصولاً کاربرد فیزیولوژیکی و تشریحی (آناتومیک) خود را از دست داده است. اما زمانی که سخن از سازماندهی در معنای اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کلمه باشد (همچنان که در اوایل سده نوزدهم معمول بوده) باز واژه با معنای اولیه خود ظاهر می‌شود، یعنی لازم می‌آید تا عوامل گوناگون تشکیل‌دهنده یک مجموعه ارگانیکی، هریک به پیروی از نظم ویژه و مرتبط با سایر مجموعه‌ها برای رسیدن به هدفی واحد به ایفای نقش پردازند (لاکوست و بئاتریس، ۱۳۹۱، ص. ۳۸۴).

سازماندهی سیاسی فضا اگر مهم‌ترین موضوع دولت‌های مدرن نباشد، بدون تردید یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین موضوعها است که عوامل سیاسی، اجتماعی، تاریخ و فرهنگ یک جامعه را به کمک می‌طلبد. سازماندهی سیاسی فضا تقسیم‌بندی یک پهنه سرزمینی براساس

عوامل و محدوده‌های همگن اجتماعی، محیطی، اقتصادی، سیاسی و اداری به‌منظور اداره و مدیریت بهینه سرزمین و بهره‌برداری مطلوب و منطقی از منابع در راستای برقراری توسعه پایدار و به‌منظور ایفای نقش سیاسیات. انتخاب یک نظام تقسیمات کشوری متشکل از زیرمجموعه‌ها و تقسیم کارکردهای اداری مربوط به آن چیزی نیست که به‌سادگی به مصلحت اداری مربوط شود. آنچه که در اینجا اهمیت دارد پیوندهای عاطفی و سیاسی میان مردم و مکان است (مویر، ۱۳۷۹، ص. ۲۵).

۴.۲. تقسیمات کشوری

تعدیل‌های تقسیمات اداری، مانند تراکم، ارتقاء و لغو، مجموعه‌ای از آثار نامشخص بر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مناطق اداری ایجاد می‌کنند. تعدیل تقسیمات اداری اغلب به‌عنوان یک ابزار اداری برای حل مشکلات مربوط به توسعه اقتصادی یا تثبیت تضادها بین یک شهر اصلی و شهرهای مجاور آن استفاده می‌شود. تنظیم دقیق مناطق اداری می‌تواند برای حل مشکلات منطقه‌ای و ارتقای توسعه منطقه‌ای استفاده شود (لی، لیو، کای، ۲۰۲۲، ص. ۱). تقسیمات کشوری در هر فضای جغرافیایی از فرایندی پویا و مستمر پیروی می‌کند. ضرورت‌ها و نیروهایی که در جریان توسعه ملی جوامع بشری تولید می‌شوند، همیشه ساختارهای سیاسی - فضایی موجود را زیر سؤال می‌برند و آن‌ها را وادار به انعطاف و اصلاح یا دگرگونی می‌کنند؛ بنابراین حکومت‌ها ناگزیر از اعمال تغییرهایی در تقسیمات کشوری برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده خود در عرصه سیاست داخلی و نیز عمل به تعهدها و وظیفه‌های خود در نظام برنامه‌ریزی برای توسعه سرزمین هستند. توسعه سرزمین دارای مثلی سه ضلعی است که اضلاع آن عبارت هستند از تقسیمات کشوری، ساختار اداری و میزان اختیارات (ریاحی، افراخته، صالح‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۲۰).

تقسیمات کشوری یکی از ابزارهای حکومتی در اداره و کنترل فضای جغرافیای کشور است و تنها درباره کوچک‌ترین کشورهاست، که امکان دارد از پایتخت یک کشور، بدون داشتن یک یا چند طبقه واسط اداری، به‌طور کامل و مستقیم بر سرزمین کشور حکومت کرد (مویر، ۲۰۰۰،

۲۵۱). نظام تقسیمات کشوری بستر شکل‌یابی نظام مدیریت سرزمینی و تشکیلات اداری، تقسیم سرزمین به واحدهای کوچک‌تر اداری و اختیارهای نسبی نظام‌های اداری است. دولت‌ها از نظر اداری - سیاسی، قلمرو کشور را به واحدهای کوچک‌تر تقسیم می‌کنند. محدوده کشور در نقاط روستایی به آبادی و در نقاط شهری به شهر و در شهرهای بزرگ به محله، ناحیه و منطقه تقسیم می‌شوند. این نظام سلسله‌مراتبی اداری را تقسیمات کشوری می‌نامند که در هر کشوری با در نظر گرفتن سابقه تاریخی، فرهنگ، شرایط جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی و متغیرهای دیگر، متفاوت است. فرایند تقسیمات کشوری در ایران بر پایه شاخص‌های تراکم جمعیت بوده است. درواقع تقسیمات کشوری یکی از ابزارهای مهم حکومت برای سازماندهی سیاسی فضای کشور بوده که در ایران نیز سابقه دیرینه‌ای دارد (احمدی‌پور، میرزایی‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۶۶).

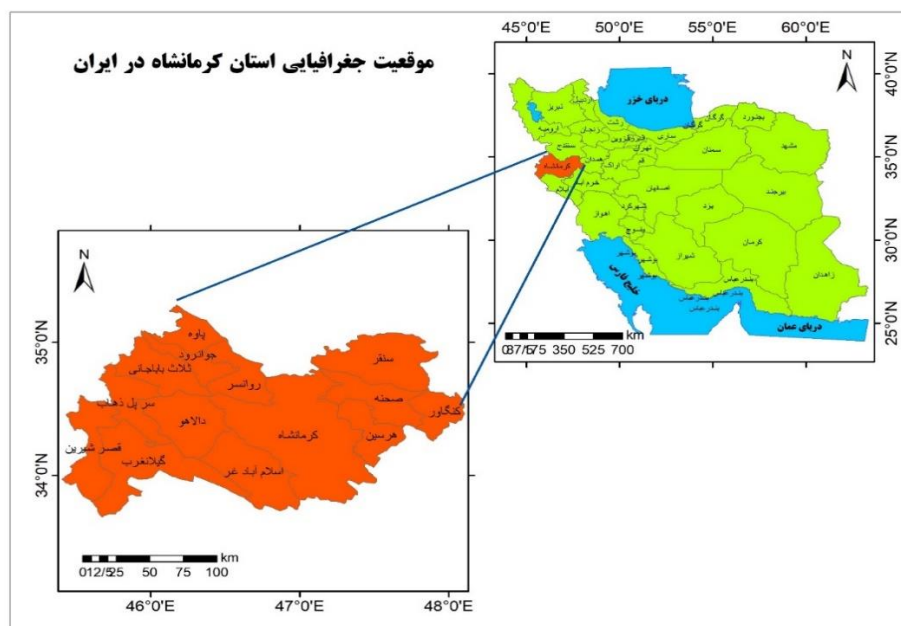
تقسیمات کشوری، سلسله‌مراتبی اداری - سیاسی در تقسیم هر کشور به واحدهای کوچک‌تر به منظور سهولت اداره و تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی است. این تقسیم‌بندی گاه بر مبنای تاریخ و فرهنگ، اوضاع جغرافیایی و جمعیت و گاه براساس ملاحظاتی سیاسی انجام می‌گیرد. گسترش هرچه بیشتر جوامع و توسعه جغرافیایی و جمعیتی حوزه‌های انسانی یکی از الزام‌هایی است که حکومت‌ها را به تجدیدنظر و برقراری تقسیمات کشوری جدید براساس مواردی مانند قومیت‌ها و اعمال سیاست‌های اقتصادی و سیاسی خاص، ناگزیر می‌کند. تقسیمات کشوری یکی از ابزارهای حکومتی در اداره و کنترل فضای جغرافیایی کشور است. کارکرد تقسیمات کشوری را به صورت «تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین رده سیاسی» می‌توان بیان کرد. کارکرد تقسیمات کشوری در بعد سیاسی به سطح‌بندی قدرت در فضای سرزمینی، در بعد اداری به تمرکز یا نبود تمرکز در حیطه اختیارها و در بعد جغرافیایی به نحوه تقسیم‌بندی فضای سرزمینی بر مبنای عوامل قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، جمعیتی و ... است (رحیمی، سلطانی، بهرامی‌جاف، ۱۴۰۰، ص. ۲۸۷).

۵. معرفی محدوده مورد مطالعه

۵.۱. استان کرمانشاه

کرمانشاه یکی از استان‌های غربی ایران است. این استان ناحیه‌ای کوهستانی است که در بین فلات ایران و جلگه میان‌رودان و در بین مدار جغرافیایی ۳۹° ۲۰' ۴۵" تا ۵۸° ۱' ۴۸" طول جغرافیایی

شرقی و ۳۳۳۷۸ تا ۳۵۱۷۱۸ عرض جغرافیایی شمالی قرار گرفته است. وسعت استان کرمانشاه ۲۴۶۳۶۰۰ هکتار است و در ارتفاع ۱۳۲۲ متری از سطح دریا واقع شده است. جمعیت استان در سرشماری ۱۳۹۵ برابر با ۱۹۴۵۲۲۷ نفر بوده است که از این تعداد، ۱۳۵۵۰۹۴ نفر در مناطق شهری و ۵۸۶۶۲۱ نفر در مناطق روستایی زندگی می‌کرده‌اند (سبزقبایی، دشتی، جعفرزاده، بزم آرابلشتی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹-۳۸)؛ (حیدری ساربان، باختر، زیارتی، ۱۳۹۷، ص. ۶۲). استان کرمانشاه دارای ۵ مرز رسمی با کشور عراق است و تنها استانی است که با هر دو بخش اقلیم کردستان عراق و بخش عرب‌نشین کشور عراق دارای مرز مشترک است. این استان از طریق مرزهای خود به دو استان حلبچه و دیاله در کشور عراق متصل می‌شود. مرزهای استان کرمانشاه با کشور عراق عبارتند از گذرگاه مرزی خسروی، گذرگاه مرزی پرویزخان، شوشمی، شیخ‌صله و سومار.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی استان کرمانشاه در ایران

مأخذ: نگارندگان

۶. یافته‌های تحقیق

۶.۱. بررسی آمار توصیفی و سؤال‌های پرسشنامه

۶.۱.۱. جنس و سن پاسخگویان

بررسی توزیع فراوانی افراد پاسخگو به سؤال‌های پرسشنامه در جدول ۱ نشان می‌دهد که ۲۵ نفر زن و ۶۱ نفر مرد براساس جنس خود، پاسخ داده‌اند. با توجه به جدول ۱، ۱۹ نفر در گروه سنی ۳۰ - ۲۵ سال، ۳۶ نفر در گروه سنی ۴۰ - ۳۰ سال، ۲۸ نفر در گروه سنی ۵۰ - ۴۰ سال و ۱ نفر بالای ۵۰ سال براساس سن خود پاسخ داده‌اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی جنس و سن پاسخگویان

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

گروه سنی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	جنس - سن
۲۵-۳۰	۲۰	۱۹	۲۶/۳	۲۵	زن
۳۰-۴۰	۳۷/۹	۳۶			
۴۰-۵۰	۲۹/۵	۲۸	۶۴/۲	۶۱	مرد
+۵۰	۱/۱	۱			
مجموع	۸۸/۴	۸۴	۹۰/۵	۸۶	مجموع
بدون جواب	۱۱/۶	۱۱	۹/۵	۹	بدون جواب
جمع کل	۱۰۰	۹۵	۱۰۰	۹۵	جمع کل

با توجه به جدول ۲، پاسخگویان به سؤال‌های پرسشنامه، ۴۲ نفر دارای مدرک کارشناسی، ۳۸ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳ نفر دارای مدرک دکتری بوده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی مدرک تحصیلی پاسخگویان

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۴۲	۴۴/۲
کارشناسی ارشد	۳۸	۴۰
دکتری	۳	۳/۲
مجموع	۸۳	۸۷/۴
بدون جواب	۱۲	۱۲/۶
جمع کل	۹۵	۱۰۰

همان گونه در جدول ۳ مشاهده می شود پاسخگویان به سؤالهای پرسشنامه ها ۱۴ نفر دارای مدرک مدیریت، ۷ نفر دارای مدرک جغرافیا، ۷ نفر دارای مدرک علوم سیاسی و ۵۱ نفر دارای مدرک سایر رشته ها بوده اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی رشته تحصیلی پاسخگویان

مأخذ: یافته های نویسندگان

		فراوانی	درصد فراوانی
رشته	مدیریت	۱۴	۱۴/۷
	جغرافیا	۷	۷/۴
	علوم سیاسی	۷	۷/۴
	سایر	۵۱	۵۳/۷
	مجموع	۷۹	۸۳/۲
	بدون جواب	۱۶	۱۶/۸
جمع کل		۹۵	۱۰۰

بررسی سابقه کار پاسخگویان پرسشنامه ها در جدول ۴ نشان می دهد که ۳۷ نفر از افراد پاسخگو دارای سابقه کار زیر ۱۰ سال، ۳۳ نفر دارای سابقه کار ۱۰ - ۲۰ سال، ۱۴ نفر دارای سابقه کار بالای ۲۰ سال بوده اند.

جدول ۴. توزیع فراوانی سابقه کار پاسخگویان

مأخذ: یافته های نویسندگان

		فراوانی	درصد فراوانی
سن	زیر ۱۰ سال	۳۷	۳۸/۹
	۱۰-۲۰ سال	۳۳	۳۴/۷
	بالای ۲۰ سال	۱۴	۱۴/۷
	مجموع	۸۴	۸۸/۴
	بدون جواب	۱۱	۱۱/۶
جمع کل		۹۵	۱۰۰

در جدول ۵ توزیع فراوانی افراد هر شهرستان استان کرمانشاه که پرسشنامه را تکمیل نموده اند، نشان داده شده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی شهرستان پاسخگویان

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

کارمندان فرمانداریها		فراوانی	درصد فراوانی
شهرستان	صحنه	۶	۶/۳
	گیلان غرب	۳	۳/۲
	هرسین	۴	۴/۲
	سرپل	۶	۶/۳
	اسلام‌آباد غرب	۶	۶/۳
	دالاهو	۶	۶/۳
	قصرشیرین	۵	۵/۳
	روانسر	۴	۴/۲
	پاوه	۴	۴/۲
	کرمانشاه (استانداری)	۱۰	۱۰/۵
	سنقر	۴	۴/۲
	ثلاث باباجانی	کارمند	۵
		مأمور	
		نیروی انتظامی	۱۰
	جوانرود	۶	۶/۳
	کنگاور	۶	۶/۳
	تازه‌آباد	۱۰	۱۰/۵
	جمع کل	۹۵	۱۰۰

۶.۱.۲. بررسی فراوانی سؤالات عامل‌های پرسشنامه

بررسی توزیع فراوانی افراد پاسخگو به سؤالات عامل‌های پرسشنامه‌های مورد مطالعه در جدول ۶ نشان‌دهنده آن است که گزینه بسیار کم ۱۸۰ مرتبه، گزینه کم ۱۹۴ مرتبه، گزینه متوسط ۳۳۳ مرتبه، گزینه زیاد ۲۶۸ مرتبه و گزینه بسیار زیاد ۱۵۲ مرتبه انتخاب شده‌اند.

جدول ۶. فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به عامل سیاسی در سؤال‌های پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

سؤال	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	فراوانی	۲۲	۱۲	۲۵	۲۸
	درصد فراوانی	۲۳/۲	۱۲/۶	۲۶/۳	۲۹/۵
۲	فراوانی	۱۴	۲۹	۳۵	۱۲
	درصد فراوانی	۱۴/۷	۳۰/۵	۳۶/۸	۱۲/۶
۳	فراوانی	۱۰	۱۷	۳۱	۲۷
	درصد فراوانی	۱۰/۵	۱۷/۹	۳۲/۶	۲۸/۴
۴	فراوانی	۱۲	۹	۲۱	۲۸
	درصد فراوانی	۱۲/۶	۹/۵	۲۲/۱	۲۹/۵
۵	فراوانی	۱۲	۱۰	۳۲	۲۶
	درصد فراوانی	۱۲/۶	۱۰/۵	۳۳/۷	۲۷/۴
۶	فراوانی	۱۳	۲۱	۲۴	۲۰
	درصد فراوانی	۱۳/۷	۲۲/۱	۲۵/۳	۲۱/۱
۷	فراوانی	۱۱	۱۰	۲۲	۲۷
	درصد فراوانی	۱۱/۶	۱۰/۵	۲۳/۲	۲۸/۴
۸	فراوانی	۱۷	۱۳	۱۹	۲۱
	درصد فراوانی	۱۷/۹	۱۳/۷	۲۰	۲۲/۱
۹	فراوانی	۱۸	۱۷	۳۱	۱۵
	درصد فراوانی	۱۸/۹	۱۷/۹	۳۲/۶	۱۵/۸
۱۰	فراوانی	۲۰	۲۱	۳۳	۱۷
	درصد فراوانی	۲۱/۱	۲۲/۱	۳۴/۷	۱۷/۹
۱۱	فراوانی	۱۳	۱۴	۳۱	۲۴
	درصد فراوانی	۱۳/۷	۱۴/۷	۳۲/۶	۲۵/۳
۱۲	فراوانی	۱۸	۲۱	۲۹	۲۳
	درصد فراوانی	۱۸/۹	۱۲/۶	۳۰/۵	۲۴/۲
	مجموع	۱۸۰	۱۹۴	۳۳۳	۲۶۸
					۱۵۲

توزیع فراوانی پاسخگویان به سؤال‌های عامل جغرافیایی در جدول ۷ نشان‌دهنده آن است که گزینه بسیار کم ۶۵ مرتبه، گزینه کم ۶۲ مرتبه، گزینه متوسط ۱۵۲ مرتبه، گزینه زیاد ۱۶۵ مرتبه و گزینه بسیار زیاد ۸۹ مرتبه انتخاب شده‌اند.

جدول ۷. فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به عامل جغرافیایی در سؤال‌های پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

سؤال	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۱۲	۱۰	۲۶	۳۰	۱۷
	درصد فراوانی	۱۰/۵	۲۷/۴	۳۱/۶	۱۷/۹
۲	۴	۲۰	۳۰	۳۱	۹
	درصد فراوانی	۲۱/۱	۳۱/۶	۳۲/۶	۹/۵
۳	۱۶	۶	۲۴	۲۸	۲۰
	درصد فراوانی	۱۶/۸	۲۵/۳	۲۹/۵	۲۱/۱
۴	۱۰	۱۵	۳۳	۲۱	۱۶
	درصد فراوانی	۱۵/۸	۳۴/۷	۲۲/۱	۱۶/۸
۵	۹	۱۵	۳۰	۲۳	۱۸
	درصد فراوانی	۱۵/۸	۳۱/۶	۲۴/۲	۱۸/۹
۶	۱۴	۱۱	۲۹	۳۲	۹
	درصد فراوانی	۱۱/۶	۳۰/۵	۳۳/۷	۹/۵
مجموع	۶۵	۶۲	۱۴۲	۱۶۵	۸۹

طبق جدول ۸ فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به سؤال‌های عامل اقتصادی، نشان‌دهنده آن است که گزینه بسیار کم ۹۶ مرتبه، گزینه کم ۱۰۱ مرتبه، گزینه متوسط ۱۷۷ مرتبه، گزینه زیاد ۱۳۰ مرتبه و گزینه بسیار زیاد ۶۳ مرتبه انتخاب شده‌اند.

جدول ۸. فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به عامل اقتصادی در سؤال‌های پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

سؤال	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲۶	۱۵	۲۷	۱۴	۱۳
	درصد فراوانی	۱۵/۸	۲۸/۴	۱۴/۷	۱۳/۷
۲	۱۳	۲۰	۲۸	۲۲	۱۲

سوال		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۳	فراوانی	۱۳/۷	۲۱/۱	۲۹/۵	۲۳/۲	۱۲/۶
	درصد فراوانی	۱۲	۱۷	۳۴	۲۲	۹
	فراوانی	۱۲/۶	۱۷/۹	۳۵/۸	۲۳/۲	۱/۱
۴	فراوانی	۱۵	۱۸	۲۳	۲۵	۱۲
	درصد فراوانی	۱۵/۸	۱۸/۹	۲۴/۲	۲۶/۳	۱۲/۶
۵	فراوانی	۱۰	۱۴	۳۸	۲۱	۱۲
	درصد فراوانی	۱۰/۵	۱۴/۷	۴۰	۲۲/۱	۱۲/۶
۶	فراوانی	۲۰	۱۷	۲۷	۲۶	۵
	درصد فراوانی	۲۱/۱	۱۷/۹	۲۸/۴	۲۷/۴	۵/۳
	مجموع	۹۶	۱۰۱	۱۷۷	۱۳۰	۶۳

فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به سؤال‌های عامل اجتماعی در جدول ۹ ارائه شده است. طبق این جدول، گزینه بسیار کم ۸۷ مرتبه، گزینه کم ۱۴۱ مرتبه، گزینه متوسط ۲۱۸ مرتبه، گزینه زیاد ۱۵۱ مرتبه و گزینه بسیار زیاد ۶۰ مرتبه انتخاب شده‌اند.

جدول ۹. فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به عامل اجتماعی سؤال‌های پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

سؤال		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	فراوانی	۲۲	۱۷	۲۶	۲۳	۶
	درصد فراوانی	۲۳/۲	۱۷/۹	۲۷/۴	۲۴/۲	۶/۳
۲	فراوانی	۸	۳۰	۲۷	۲۰	۹
	درصد فراوانی	۸/۴	۳۱/۶	۲۸/۴	۲۱/۱	۹/۵
۳	فراوانی	۱۲	۲۱	۲۵	۲۷	۹
	درصد فراوانی	۱۲/۶	۲۲/۱	۲۶/۳	۲۸/۴	۹/۵
۴	فراوانی	۱۲	۱۹	۳۵	۲۰	۷
	درصد فراوانی	۱۲/۶	۲۰	۳۶/۸	۲۱/۱	۷/۴
۵	فراوانی	۱۳	۲۱	۳۰	۲۳	۷
	درصد فراوانی	۱۳/۷	۲۲/۱	۳۱/۶	۲۴/۲	۷/۴
۶	فراوانی	۵	۱۷	۴۱	۱۹	۱۲
	درصد فراوانی	۵/۳	۱۷/۹	۴۳/۲	۲۰	۱۲/۶

سؤال	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۷	۱۵	۱۶	۳۴	۱۹	۱۰
	۱۵/۸	۱۶/۸	۳۵/۸	۲۰	۱۰/۵
	۸۷	۱۴۱	۲۱۸	۱۵۱	۶۰
	مجموع				

۶.۱.۳. تحلیل عاملی

به منظور انجام تحلیل عاملی بر داده‌های مورد مطالعه، ابتدا آزمون KMO بر آن‌ها انجام می‌شود تا مشخص شود که انجام تحلیل عاملی بر آن‌ها مناسب است یا خیر. با توجه به جدول ۱۰ که نتایج این آزمون را نشان می‌دهد، از آنجاکه مقدار KMO بیش از ۰/۶۷ است، بنابراین استفاده از تحلیل عاملی مناسب است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون KMO و بارتلت

آزمون KMO (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy)			۰/۶۷
آزمون همبستگی بارتلت	کرویت بارتلت		۹۰۰/۹۳
	Df		۴۶۵
	سطح معناداری		۰

با اعمال تحلیل عاملی به روش چرخش واریمکس بر داده‌های مورد مطالعه مشخص شد که ۱۰ عامل در مجموع بیش از ۹۰ درصد واریانس تجمعی را تبیین کرده است. عامل اول ۲۲/۳، عامل دوم ۷/۷۵، عامل سوم ۶/۷۴، عامل چهارم ۶/۰۲، عامل پنجم ۵/۷۴، عامل ششم ۴/۵۶، عامل هفتم ۱/۳۱، عامل هشتم ۱/۳، عامل نهم ۱/۱۶، عامل دهم ۱/۰۶ درصد از واریانس را دربردارند. در جدول ۱۱ مقادیر واریانس‌ها نشان داده شده است. طبق واریانس و واریانس تجمعی ۱۰ عامل اصلی مشخص شده نیز عامل اول ۱۰/۸۹، عامل دوم ۸/۳۸، عامل سوم ۷/۲۶، عامل چهارم ۷/۱۵، عامل پنجم ۶/۹۶، عامل ششم ۶/۱۱، عامل هفتم ۵/۶۳، عامل هشتم ۵/۶۲، عامل نهم ۵/۵۸، عامل دهم ۵/۱۶ درصد از واریانس داده‌ها را تبیین می‌کند.

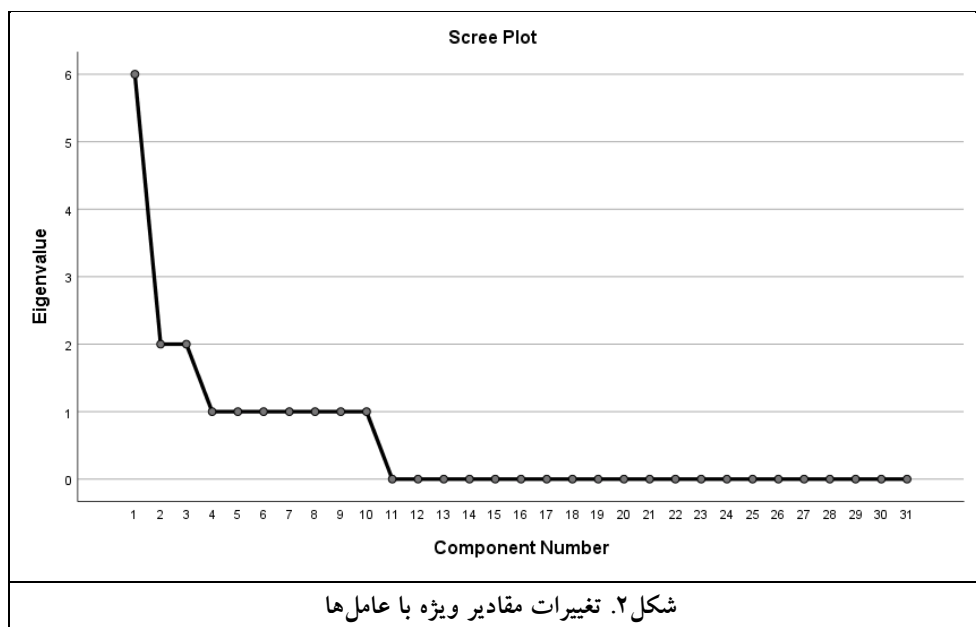
جدول ۱۱. آماره‌های مربوط به مؤلفه‌های استخراج‌شده از تحلیل عاملی برای ۱۰ عامل

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

عامل	مقادیر ویژه اولیه			مجموع استخراج بارهای مربع شده			مجموع واریانس‌ها پس از دوران		
	مجموع	% از کل واریانس توضیح داده شده	% از کل واریانس تجمعی	مجموع	% از کل واریانس توضیح داده شده	% از کل واریانس تجمعی	مجموع	% از کل واریانس توضیح داده شده	% از کل واریانس تجمعی
۱	۶/۹۱	۲۲/۳	۲۲/۳	۶/۹۱	۲۲/۳	۲۲/۳	۳/۳۷	۱۰/۸۹	۱۰/۸۹
۲	۲/۴	۷/۷۵	۳۰/۰۶	۲/۴	۷/۷۵	۳۰/۰۶	۲/۶	۸/۳۸	۱۹/۲۸
۳	۲/۰۹	۶/۷۴	۳۶/۸۱	۲/۰۹	۶/۷۴	۳۶/۸۱	۲/۲۵	۷/۲۶	۲۶/۵۴
۴	۱/۸۶	۶/۰۲	۴۲/۸۳	۱/۸۶	۶/۰۲	۴۲/۸۳	۲/۲۱	۷/۱۵	۳۳/۷
۵	۱/۷۸	۵/۷۴	۴۸/۵۸	۱/۷۸	۵/۷۴	۴۸/۵۸	۲/۱۵	۶/۹۶	۴۰/۶۶
۶	۱/۴۱	۴/۵۶	۵۳/۱۴	۱/۴۱	۴/۵۶	۵۳/۱۴	۱/۸۹	۶/۱۱	۴۶/۷۸
۷	۱/۳۱	۴/۲۵	۵۷/۴	۱/۳۱	۴/۲۵	۵۷/۴	۱/۷۴	۵/۶۳	۵۲/۴۲
۸	۱/۳	۴/۲	۶۱/۶	۱/۳	۴/۲	۶۱/۶	۱/۷۴	۵/۶۲	۵۶/۰۴
۹	۱/۱۶	۳/۷۶	۶۵/۳۶	۱/۱۶	۳/۷۶	۶۵/۳۶	۱/۷۳	۵/۵۸	۶۳/۶۳
۱۰	۱/۰۶	۳/۴۳	۶۸/۷۹	۱/۰۶	۳/۴۳	۶۸/۷۹	۱/۶	۵/۱۶	۶۸/۷۹
۱۱	۰/۹۹	۳/۲	۷۲	-	-	-	-	-	-
۱۲	۰/۹	۲/۹۱	۷۴/۹۱	-	-	-	-	-	-
۱۳	۰/۸۸	۲/۸۴	۷۷/۷۵	-	-	-	-	-	-
۱۴	۰/۸۴	۲/۷۳	۸/۴۹	-	-	-	-	-	-
۱۵	۰/۷	۲/۲۶	۸۲/۷۶	-	-	-	-	-	-
۱۶	۰/۶۳	۲/۰۳	۸۴/۷۹	-	-	-	-	-	-
۱۷	۰/۵۵	۱/۷۸	۸۶/۵۷	-	-	-	-	-	-
۱۸	۰/۵۳	۱/۷۳	۸۸/۳۱	-	-	-	-	-	-
۱۹	۰/۵۱	۱/۶۷	۸۹/۹۸	-	-	-	-	-	-
۲۰	۰/۴۶	۱/۴۸	۹۱/۴۷	-	-	-	-	-	-
۲۱	۰/۴۱	۱/۳۲	۹۲/۸	-	-	-	-	-	-
۲۲	۰/۳۵	۱/۱۲	۹۳/۹۲	-	-	-	-	-	-
۲۳	۰/۳۲	۱/۰۵	۹۴/۹	-	-	-	-	-	-
۲۴	۰/۲۹	۰/۹۵	۹۵/۹	-	-	-	-	-	-

عامل	مقادیر ویژه اولیه			مجموع استخراج بارهای مربع شده			مجموع واریانس ها پس از دوران		
	مجموع	% از کل واریانس توضیح داده شده	% از کل واریانس تجمعی	مجموع	% از کل واریانس توضیح داده شده	% از کل واریانس تجمعی	مجموع	% از کل واریانس توضیح داده شده	% از کل واریانس تجمعی
۲۵	۰/۲۶	۰/۸۶	۹۶/۷۹	-	-	-	-	-	-
۲۶	۰/۲۲	۰/۷۱	۹۷/۵	-	-	-	-	-	-
۲۷	۰/۱۹	۰/۶۲	۹۸/۱۳	-	-	-	-	-	-
۲۸	۰/۱۸	۰/۶	۹۸/۷۳	-	-	-	-	-	-
۲۹	۰/۱۵	۰/۵	۹۹/۲۳	-	-	-	-	-	-
۳۰	۰/۱۳	۰/۴۲	۹۹/۶۶	-	-	-	-	-	-
۳۱	۰/۱	۰/۳۳	۱۰۰	-	-	-	-	-	-

تغییرات مقادیر ویژه با عامل‌ها را می‌توان در شکل ۲ مشاهده کرد. این شکل برای تعیین تعداد بهینه عامل‌ها به کار می‌رود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود از عامل دهم به بعد مقادیر ویژه کم می‌شود؛ بنابراین می‌توان ۱۰ عامل اول را به عنوان عواملی که بیشترین تأثیر را بر تعیین مقدار واریانس دارند تعیین کرد.



از آنجا که هدف تحلیل عاملی، کاهش متغیرها و تبدیل آن‌ها به عامل‌های جدید است؛ بنابراین بارعاملی تک‌تک متغیرها در جدول ۱۲ نشان داده شده است. در هر عامل گویه‌هایی که بیشترین مقدار را داشته‌اند نشان‌دهنده تأثیر بیشتر آن‌ها در آن عامل بوده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در عامل اول گویه‌های E1, E2, E3, E4 بیش از سایر گویه‌ها تأثیر داشته‌اند. با توجه به اینکه گویه‌هایی که مربوط به عوامل اقتصادی هستند بزرگ‌تر از سایر گویه‌ها هستند و از این رو نتیجه‌گیری می‌شود که عامل اول عامل اقتصادی می‌باشد. با توجه به سؤال‌های عامل اقتصادی می‌توان بیان نمود که در عامل اول بزرگ‌ترین مشکل در تقسیمات سیاسی استان کرمانشاه می‌باشد.

برای عامل دوم، گویه‌های P10, E6, S5, P11, G6, P8, G1, G2 بیشترین نقش را داشته‌اند. با توجه به اینکه عوامل سیاسی و جغرافیایی به صورت مشترک بیشترین تأثیر را داشته‌اند، گویه‌های جغرافیایی و سیاسی که بیشترین تأثیر را داشته‌اند نشان‌دهنده آن هستند که گویه‌هایی که مربوط به تقسیمات کشوری هستند تأثیرگذارتر از سایر گویه‌ها بوده‌اند؛ از این رو، عامل دوم تقسیمات کشوری است که ضعف در سیستم تقسیمات کشوری بزرگ‌ترین مشکل آن است. در عامل سوم به ترتیب گویه‌های P1, P4, P7, E1 بیشترین تأثیر را داشته‌اند. با توجه به اینکه گویه‌های عوامل سیاسی نقش بیشتری داشته‌اند، از این رو عامل سوم به عنوان عامل سیاسی انتخاب می‌شود. گویه‌هایی که در این عامل تأثیرگذار بوده‌اند نشان‌دهنده آن هستند که مشکل‌های سیاسی در این استان وجود دارد که بیش از سایر فاکتورها تأثیرگذار بوده و باعث انتخاب این عامل به عنوان عامل سوم شده است.

جدول ۱۲. ماتریس عاملی دوران یافته

عامل‌ها	مؤلفه‌ها									
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	عامل هشتم	عامل نهم	عامل دهم
P1	۰/۲۱۲	-۰/۰۳۷	۰/۷۲۴	۰/۰۱۷	۰/۱۶۸	-۰/۰۴۲	-۰/۰۳۴	۰/۰۵۷	-۰/۰۲۹	-۰/۰۵۸
P2	۰/۲۶۱	۰/۲۴۶	۰/۲۸۰	۰/۲۹۸	-۰/۰۲۵	۰/۱۷۵	-۰/۰۸۸	۰/۲۲۱	-۰/۰۵۴۲	-۰/۱۶۴
P3	۰/۱۵۱	۰/۱۷۲	۰/۴۱۲	۰/۴۴۲	۰/۴۴۹	-۰/۱۰۰	۰/۰۱۳	۰/۱۹۱	-۰/۰۸۰	-۰/۰۰۱
P4	۰/۰۲۹	۰/۱۷۳	۰/۶۵۳	۰/۰۵۳	۰/۰۲۲	۰/۳۵۴	-۰/۲۲۳	۰/۰۹۷	-۰/۰۷۳	۰/۲۳۲
P5	۰/۱۳۲	۰/۰۹۸	۰/۱۱۰	۰/۷۶۹	۰/۰۷۵	۰/۰۱۴	-۰/۰۸۶	-۰/۰۲۹	۰/۰۶۷	۰/۱۶۵

مؤلفه‌ها										عامل‌ها
عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	عامل هشتم	عامل نهم	عامل دهم	
۰/۳۸۸	۰/۰۴۱	۰/۰۶۱	۰/۰۸۷	۰/۰۷۷	۰/۴۷۸	-۰/۱۱۲	۰/۳۲۹	-۰/۰۳۰	۰/۳۶۰	P6
۰/۱۰۴	-۰/۰۸۴	۰/۴۹۴	۰/۲۶۳	-۰/۳۵۶	۰/۳۴۵	۰/۲۷۵	۰/۱۸۱	۰/۲۵۸	۰/۱۷۸	P7
۰/۰۳۴	۰/۳۹۱	۰/۲۱۳	۰/۳۱۳	-۰/۲۶۸	۰/۱۶۹	۰/۱۶۱	۰/۳۹۰	۰/۰۸۹	۰/۲۵۲	P8
۰/۲۴۳	۰/۱۶۲	-۰/۰۱۰	۰/۳۱۰	۰/۴۱۰	-۰/۱۱۶	۰/۱۵۰	۰/۲۵۱	-۰/۳۰۲	۰/۴۳۰	P9
-۰/۰۱۹	۰/۷۴۹	۰/۱۳۶	۰/۱۸۰	۰/۰۳۸	-۰/۰۴۶	۰/۲۲۰	-۰/۰۲۱	-۰/۱۵۵	۰/۲۱۵	P10
۰/۱۶۹	۰/۴۹۹	-۰/۰۲۲	۰/۱۷۹	۰/۳۵۵	-۰/۱۷۵	-۰/۰۳۲	۰/۲۳۹	-۰/۰۱۵	۰/۲۳۴	P11
۰/۰۱۶	۰/۰۷۱	۰/۱۲۲	-۰/۱۰۷	۰/۰۶۰	۰/۱۱۵	۰/۰۱۲	۰/۸۹۸	۰/۰۴۵	۰/۰۳۱	P12
۰/۱۴۹	۰/۳۸۰	۰/۱۷۵	-۰/۰۹۶	۰/۳۲۲	۰/۴۵۵	-۰/۰۴۲	۰/۳۵۹	-۰/۰۵۹	-۰/۲۴۳	G1
۰/۰۱۶	۰/۳۲۲	۰/۱۰۵	۰/۰۹۴	۰/۶۲۰	۰/۰۹۶	۰/۳۴۵	۰/۰۱۵	۰/۰۱۴	-۰/۰۸۶	G2
۰/۰۱۸	-۰/۰۹۹	۰/۰۱۴	۰/۱۲۹	۰/۱۲۵	۰/۰۷۸	-۰/۱۴۰	۰/۱۳۸	۰/۸۷۲	-۰/۰۱۰	G3
۰/۱۹۳	-۰/۱۱۳	۰/۱۰۶	۰/۰۰۹	۰/۷۰۸	۰/۱۶۷	-۰/۱۲۸	-۰/۰۵۰	۰/۱۹۸	۰/۱۳۶	G4
۰/۰۸۳	-۰/۰۵۵	۰/۰۹۹	۰/۰۸۸	۰/۰۷۷	۰/۸۳۳	۰/۰۰۴	۰/۰۵۶	۰/۰۶۲	-۰/۰۷۸	G5
۰/۲۷۱	۰/۴۲۸	۰/۲۸۰	-۰/۱۰۷	۰/۱۸۸	-۰/۰۲۶	۰/۲۶۵	-۰/۳۶۰	۰/۴۴۰	۰/۱۲۰	G6
۰/۳۷۲	۰/۰۹۴	۰/۴۱۰	-۰/۰۴۱	۰/۰۵۶	۰/۰۳۱	۰/۱۹۴	-۰/۰۶۴	۰/۱۹۳	۰/۱۰۲	E1
۰/۷۸۷	۰/۰۱۹	-۰/۰۱۷	۰/۲۹۹	-۰/۰۸۳	۰/۰۸۲	۰/۱۳۵	-۰/۰۵۱	-۰/۰۴۶	۰/۱۱۹	E2
۰/۵۸۴	۰/۰۶۱	۰/۱۵۲	۰/۰۵۴	۰/۲۶۴	-۰/۰۸۵	۰/۱۵۸	۰/۰۸۸	-۰/۱۵۱	۰/۰۷۱	E3
۰/۵۶۸	۰/۲۶۴	۰/۲۳۶	۰/۰۸۸	-۰/۱۰۶	۰/۰۱۲	۰/۲۶۰	۰/۰۳۵	۰/۱۷۴	-۰/۲۸۹	E4
۰/۶۰۴	۰/۱۵۵	-۰/۰۳۰	۰/۲۷۵	۰/۳۱۶	۰/۱۴۹	-۰/۰۴۵	۰/۰۸۲	-۰/۰۲۳	-۰/۰۵۰	E5
۰/۴۳۷	۰/۷۱۰	-۰/۱۱۰	۰/۰۳۳	-۰/۰۲۲	-۰/۰۱۸	-۰/۱۵۳	۰/۲۰۶	-۰/۰۱۹	-۰/۰۰۳	E6
۰/۵۲۲	۰/۲۸۵	۰/۳۳۱	-۰/۰۸۱	۰/۲۱۳	۰/۲۱۰	-۰/۱۶۸	۰/۰۱۸	-۰/۰۸۲	-۰/۰۴۵	S1
۰/۳۱۱	۰/۱۴۹	۰/۲۸۵	۰/۲۷۳	۰/۰۹۷	-۰/۳۷۱	-۰/۳۳۶	۰/۰۲۵	۰/۲۰۶	-۰/۰۰۴	S2
-۰/۱۲۸	-۰/۰۶۳	۰/۱۴۶	-۰/۰۱۴	۰/۰۳۰	-۰/۰۲۴	-۰/۷۰۸	۰/۰۲۳	۰/۰۸۸	-۰/۰۳۵	S3
۰/۰۲۲	۰/۱۳۹	۰/۰۷۷	۰/۰۷۹	۰/۰۳۳	-۰/۰۴۳	۰/۰۶۹	۰/۰۰۱	۰/۰۸۷	۰/۸۵۰	S4
۰/۱۸۲	۰/۵۰۸	۰/۰۱۳	۰/۴۶۱	۰/۱۰۹	۰/۱۷۷	-۰/۰۰۱	-۰/۲۱۷	-۰/۲۳۵	-۰/۱۲۹	S5
۰/۳۰۱	۰/۱۲۲	-۰/۱۳۰	۰/۶۱۷	۰/۰۱۲	۰/۰۸۳	۰/۴۰۹	-۰/۰۹۷	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰	S6
۰/۱۷۹	-۰/۰۲۴	۰/۲۷۹	۰/۰۶۸	۰/۳۳۷	-۰/۳۰۱	۰/۵۲۸	۰/۱۳۵	۰/۰۴۵	۰/۱۲۱	S7

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

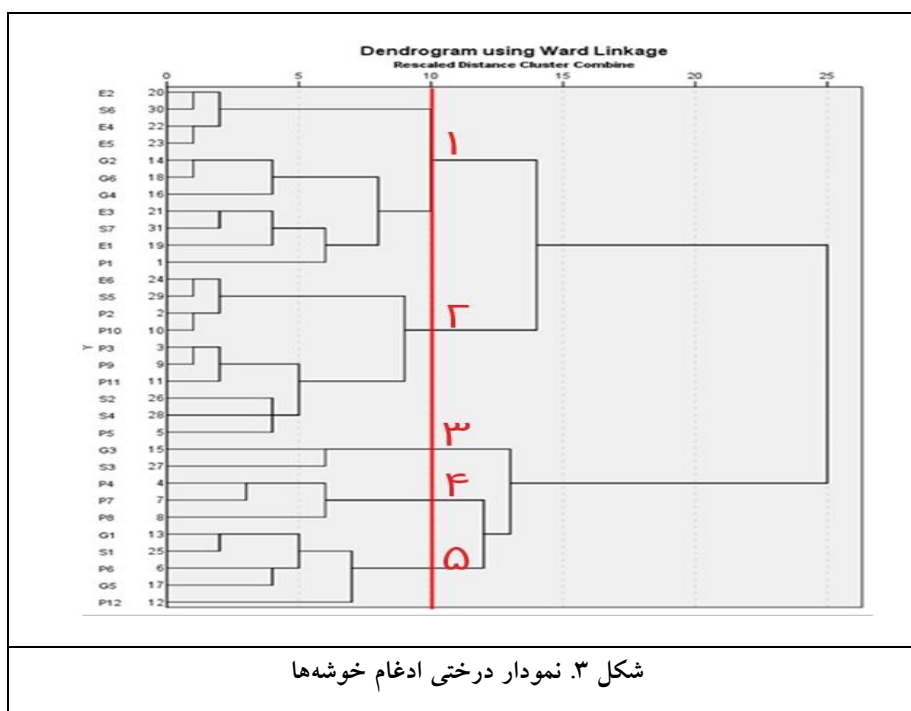
تحلیل خوشه‌ای

با انجام تحلیل خوشه‌ای بر گویه‌های مورد مطالعه، مشخص شد که هریک از ۳۱ گویه در کدام یک از خوشه‌ها قرار دارند. با توجه به اینکه خوشه‌بندی به روش ادغام شده یا تقسیم شده انجام گرفته است؛ از این رو، گویه‌هایی که دارای بیشترین شباهت هستند در یک خوشه قرار می‌گیرند. در جدول ۱۳ نشان داده شده که هریک از گویه‌ها در چه خوشه‌ای قرار دارند. دندروگرام حاصل از آن نیز در شکل ۴ نشان داده شده است. با توجه به اینکه ۱۰ عامل اولیه بیش از ۶۸ درصد از واریانس‌ها را تبیین می‌کرد، بنابراین خوشه‌بندی نیز بر مبنای ۱۰ عامل انجام شد. بر این اساس گویه‌های مورد نظر در ۵ خوشه قرار گرفتند. گویه‌های E2, E4, E5, G2, G4, G6, E3, S7, E1, P1 در خوشه اول قرار گرفتند. گویه‌های E6, S5, P2, P3, P10, P9 در خوشه دوم قرار گرفتند. گویه‌های G3 و S3 در خوشه سوم؛ گویه‌های P4, P7, P8 در خوشه چهارم و گویه‌های G1, S1, P6, G5 و P12 نیز در خوشه پنجم قرار گرفتند.

جدول ۱۳. نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای

Agglomeration Schedule						
Stage	Cluster Combined		Coefficients	Stage Cluster First Appears		Next Stage
	Cluster 1	Cluster 2		Cluster 1	Cluster 2	
1	20	30	52.000	0	0	8
2	24	29	105.000	0	0	9
3	2	10	158.500	0	0	9
4	22	23	214.500	0	0	8
5	14	18	270.500	0	0	15
6	3	9	329.000	0	0	7
7	3	11	391.167	6	0	19
8	20	22	454.167	1	4	26
9	2	24	517.917	3	2	25
10	13	25	581.917	0	0	18
11	21	31	647.917	0	0	16
12	4	7	719.417	0	0	21
13	26	28	796.917	0	0	17
14	6	17	875.417	0	0	18
15	14	16	954.750	5	0	24
16	19	21	1035.417	0	11	20
17	5	26	1117.250	0	13	19
18	6	13	1201.500	14	10	23
19	3	5	1292.500	7	17	25
20	1	19	1386.083	0	16	24

Agglomeration Schedule						
Stage	Cluster Combined		Coefficients	Stage Cluster First Appears		Next Stage
	Cluster 1	Cluster 2		Cluster 1	Cluster 2	
21	4	8	1482.583	12	0	27
22	15	27	1580.083	0	0	28
23	6	12	1682.933	18	0	27
24	1	14	1795.064	20	15	26
25	2	3	1913.514	9	19	29
26	1	20	2037.527	24	8	29
27	4	6	2178.302	21	23	28
28	4	15	2331.627	27	22	30
29	1	2	2492.724	26	25	30
30	1	4	2739.806	29	28	0



شکل ۳. نمودار درختی ادغام خوشه‌ها

۶.۲. بررسی عامل‌های پرسشنامه

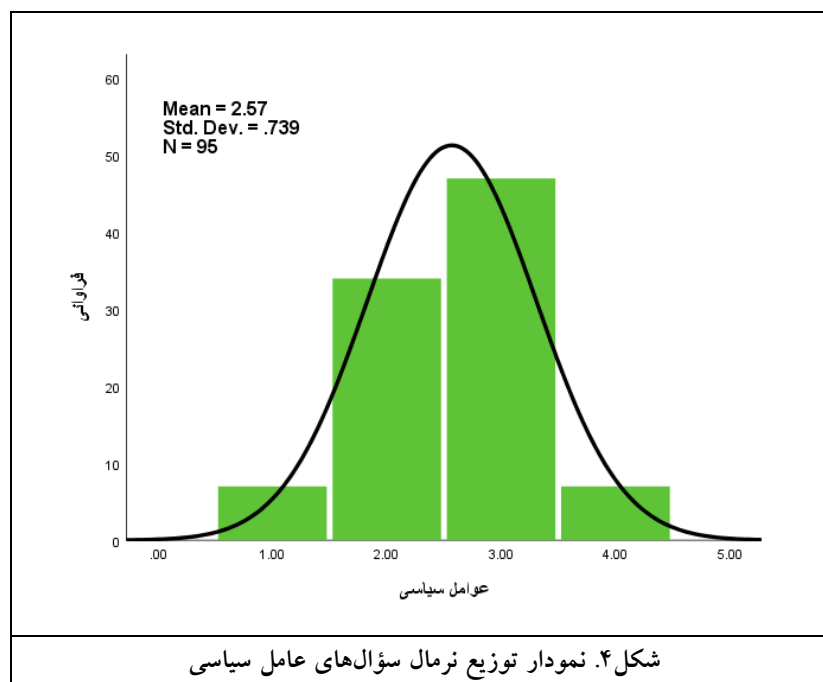
۶.۲.۱. عامل سیاسی

سؤال‌های عامل سیاسی پرسشنامه در جدول ۱۴ ارائه شده است. نتایج بررسی‌های انجام گرفته درباره توزیع سؤال‌هایی که مربوط به عامل سیاسی بودند در شکل ۴ نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود این نوع سؤال‌ها از توزیع نرمال برخوردار بوده‌اند.

جدول ۱۴. سؤال‌های عامل سیاسی پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

عامل سیاسی	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
تصمیم‌ها و اقدام‌های نمایندگان مجلس در ادوار مختلف نمایندگی، چقدر در تقسیمات کشوری استان تأثیر داشته است؟					
توسعه دیگر استان‌های کشور چقدر در توسعه امنیتی این استان نقش داشته‌اند؟					
برنامه‌ریزی‌های مناسب در بخش‌های مختلف، چقدر در توسعه سیاسی استان نقش داشته‌اند؟					
موقعیت جغرافیایی استان چقدر در توسعه سیاسی آن نقش دارد؟					
مشخص بودن حد و مرز ساختار سیاسی و مسائل سیاسی چقدر در توسعه سیاسی استان نقش داشته است؟					
ساختار قدرت (گرایش‌های حزبی) در کشور چقدر در توسعه سیاسی استان نقش دارد؟					
وجود امنیت در منطقه، چقدر در توسعه امنیتی استان نقش دارد؟					
وحدت و مشارکت بین دولت و مردم چقدر در توسعه امنیتی - سیاسی استان نقش دارد؟					
نوع نظام سرزمینی کشور که از نوع بسیط (متمرکز) است چقدر در عدالت فضایی - سرزمینی ایران تأثیرگذار بوده است؟					
نظام سرزمینی کشور که از نوع بسیط (متمرکز) است چقدر در عدالت فضایی - سرزمینی استان تأثیرگذار بوده است؟					
چقدر نظام تقسیمات کشوری ایران را کارآمد می‌دانید؟					
نظام تقسیمات کشوری استان را چقدر در توسعه سیاسی - امنیتی استان، کارآمد می‌دانید؟					



فرض صفر: با توجه به عامل سیاسی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با حد متوسط اختلافی ندارد.

فرض تحقیق: با توجه به عامل سیاسی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد متوسط اختلاف دارد.

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای بر سؤال‌های عامل سیاسی در جدول‌های ۱۵ و ۱۶ نشان می‌دهد که با توجه به بزرگ‌تر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵، فرض صفر پذیرفته و فرض تحقیق رد می‌شود. با توجه به اینکه فرض صفر رد نشده بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نمونه با جامعه برابر است و اختلاف معنادار ندارد.

جدول ۱۵. نتایج خلاصه آماری عامل سیاسی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
۹۵	۳/۰۱	۰/۶۵	۰/۰۶

جدول ۱۶. آزمون t نمونه‌ای بر روی عامل سیاسی با میانگین جامعه ۳

میانگین جامعه = ۳						عوامل سیاسی
95% Confidence Interval of the Difference		اختلاف میانگین	Sig.	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
۰/۱۵	-۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۷۶	۹۴	۰/۲۹	

فرض صفر: با توجه به عامل سیاسی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با حد مطلوب اختلافی ندارد.

فرض تحقیق: با توجه به عامل سیاسی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد مطلوب اختلاف دارد.

طبق جدول ۱۷ و با توجه به میانگین جامعه ۵ نتیجه‌گیری می‌شود که با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵ فرض صفر رد و فرض تحقیق پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به اینکه میانگین نمونه به‌دست‌آمده ۳/۰۱ و میانگین جامعه ۵ است؛ بنابراین، به‌دلیل کوچک‌تر بودن مقدار میانگین نمونه از میانگین جامعه به‌دست‌آمده نتیجه گرفته می‌شود که طبق عامل سیاسی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از شرایط مطلوب فاصله دارد.

جدول ۱۷. آزمون t نمونه‌ای بر عامل سیاسی با میانگین جامعه ۵

میانگین جامعه = ۵						
95% Confidence Interval of the Difference		اختلاف میانگین	Sig.	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
-۱/۸۴	-۲/۱۱	-۱/۹۸	۰	۹۴	-۲۹/۳۶	عامل سیاسی

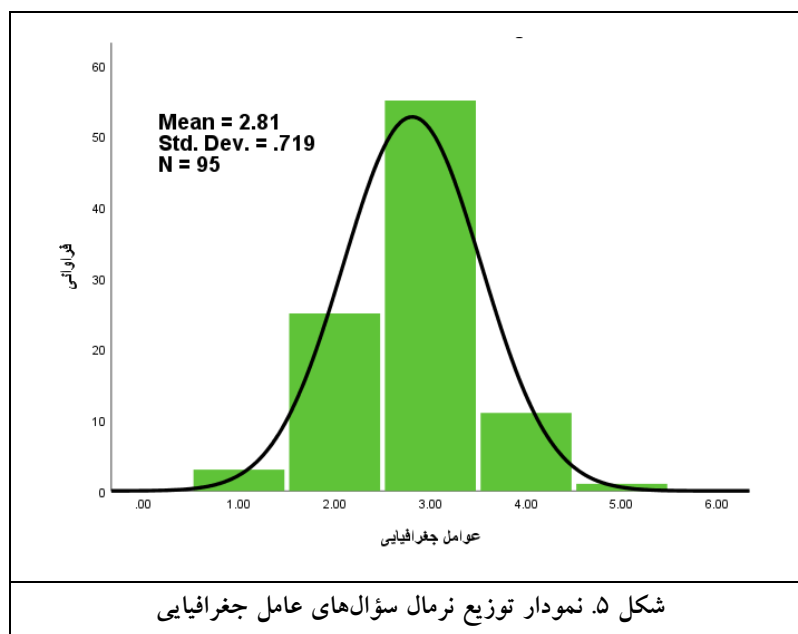
۶.۲.۲. عامل جغرافیایی

سؤال‌های مرتبط با عامل جغرافیایی در جدول ۱۸ درج شده است. توزیع فراوانی این سؤال‌ها در شکل ۵ نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود سؤال‌هایی که مربوط به عامل جغرافیایی بودند از توزیع نرمال برخوردار هستند.

جدول ۱۸. سؤال‌های عامل جغرافیایی پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

عامل جغرافیایی	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
موقعیت جغرافیایی استان را چقدر مناسب ارزیابی می‌کنید؟					
موقعیت ژئوپولیتیکی استان کرمانشاه چقدر در توسعه آن نقش داشته است؟					
فاصله مکانی استان کرمانشاه از تهران چقدر در توسعه نیافتگی استان نقش داشته است؟					
حوزه نفوذ (دسترسی) جغرافیایی استان کرمانشاه را در نظام تقسیمات کشوری استان چقدر مؤثر می‌دانید؟					
نقش وضعیت جغرافیای طبیعی استان کرمانشاه را در تقسیمات کشوری آن، چقدر مؤثر می‌دانید؟					
تقسیمات کشوری را در وضعیت مناسب شهرها و روستاهای استان کرمانشاه، براساس موقعیت‌های شمال، جنوب، شرق و غرب استان چقدر مؤثر می‌دانید؟					



فرض صفر: با توجه به عامل جغرافیایی نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با حد متوسط اختلافی ندارد.

فرض تحقیق: با توجه به عامل جغرافیایی نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد متوسط اختلاف دارد.

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای با میانگین جامعه ۳ بر سؤال‌های عامل جغرافیایی در جدول‌های ۱۹ و ۲۰ نشان می‌دهد که با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵، فرض صفر رد و فرض تحقیق پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به اینکه میانگین نمونه به‌دست‌آمده ۳/۲۴ و میانگین جامعه ۳ است م و به‌دلیل بزرگ‌تر بودن مقدار میانگین نمونه از میانگین جامعه به‌دست‌آمده، نتیجه گرفته می‌شود که عامل جغرافیایی در نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد متوسط بالاتر است.

جدول ۱۹. نتایج خلاصه آماری عامل جغرافیایی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
۹۵	۳/۲۴	۰/۶۸	۰/۰۷

جدول ۲۰- آزمون t نمونه‌ای بر روی عامل جغرافیایی با میانگین جامعه ۳

میانگین جامعه = ۳					
t	درجه آزادی	Sig.	اختلاف میانگین	95% Confidence Interval of the Difference	
				حد پایین	حد بالا
۳/۴۲	۹۴	۰/۰۰۱	۰/۲۴	۰/۱	۰/۳۸

فرض صفر: با توجه به عامل جغرافیایی نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با حد مطلوب اختلافی ندارد.

فرض تحقیق: با توجه به عامل جغرافیایی نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد مطلوب اختلاف دارد.

طبق جدول ۲۱ و با توجه به میانگین جامعه ۵ نتیجه گرفته می‌شود که با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵ فرض صفر رد و فرض تحقیق پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به اینکه میانگین نمونه به‌دست‌آمده ۳/۴۲ و میانگین جامعه ۵ است؛ بنابراین به‌دلیل کوچک‌تر

بودن مقدار میانگین نمونه از میانگین جامعه به دست آمده نتیجه گرفته می شود که طبق عامل جغرافیایی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از شرایط مطلوب فاصله دارد.

جدول ۲۱. نتایج آزمون t نمونه‌ای بر عامل جغرافیایی با میانگین جامعه ۵

میانگین جامعه = ۵						
95% Confidence Interval of the Difference		اختلاف میانگین	Sig.	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
-۱/۶۱	-۱/۸۹	-۱/۷۵	۰	۹۴	-۲۴/۹۶	عامل جغرافیایی

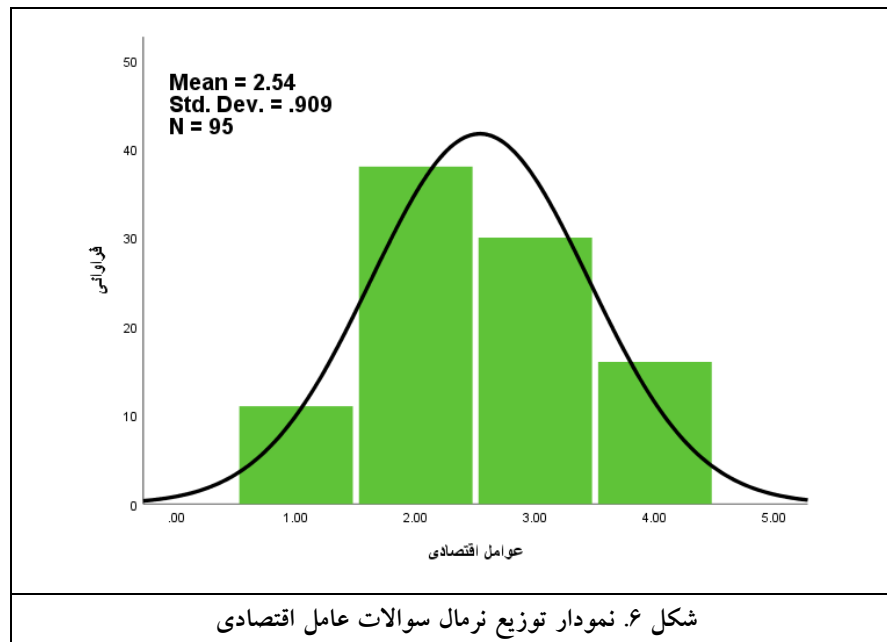
۶.۲.۳. عامل اقتصادی

سؤال‌های مرتبط با عامل اقتصادی پرسشنامه در جدول ۲۲ ارائه شده است. نمودار توزیع نرمال سؤال‌های عامل اقتصادی در شکل ۶ نشان می‌دهد که سؤال‌های این عامل دارای توزیع نرمال است.

جدول ۲۲. سؤال‌های عامل اقتصادی پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

عامل اقتصادی	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی چقدر در توسعه اقتصادی استان کرمانشاه نقش داشته است؟					
تقسیمات کشوری استان کرمانشاه چقدر در سرمایه‌گذاری در تأسیسات زیربنایی و روبنایی تأثیرگذار بوده است؟					
دیپلماسی اقتصادی با کشورهای همسایه غربی چقدر در توسعه اقتصادی استان کرمانشاه نقش داشته است؟					
تقسیمات کشوری استان کرمانشاه، چقدر بر وضعیت اقتصادی روستاهای استان تأثیرگذار بوده است؟					
تقسیمات کشوری استان کرمانشاه چقدر در توسعه وضعیت اقتصادی استان، مؤثر بوده است؟					
تقسیمات کشوری استان کرمانشاه در روابط اقتصادی با دیگر استان‌های کشور چقدر مؤثر بوده است؟					



فرض صفر: با توجه به عامل اقتصادی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با حد متوسط اختلافی ندارد.

فرض تحقیق: با توجه به عامل اقتصادی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد متوسط اختلاف دارد.

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای بر سؤال‌های عامل اقتصادی در جدول‌های ۲۳ و ۲۴ نشان می‌دهد که با توجه به بزرگ‌تر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵، فرض صفر پذیرفته و فرض تحقیق رد می‌شود. با توجه به اینکه فرض صفر رد نشده؛ بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود میانگین نمونه با جامعه برابر است و اختلاف معنادار ندارد.

جدول ۲۳. نتایج خلاصه آماری عامل اقتصادی

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
۹۵	۲/۹۳	۰/۸۳	۰/۰۸
عامل اقتصادی			

جدول ۲۴. آزمون t نمونه‌ای بر عامل اقتصادی با میانگین جامعه ۳

میانگین جامعه = ۳						
95% Confidence Interval of the Difference		اختلاف میانگین	Sig.	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
۰/۱	-۰/۲۳	-۰/۰۶	۰/۴۴	۹۴	-۰/۷۶	عامل اقتصادی

فرض صفر: با توجه به عامل اقتصادی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با حد مطلوب اختلافی ندارد.

فرض تحقیق: با توجه به عامل اقتصادی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد مطلوب اختلاف دارد.

طبق جدول ۲۵ و با توجه به میانگین جامعه ۵ نتیجه گرفته می‌شود که با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵ فرض صفر رد و فرض تحقیق پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به اینکه میانگین نمونه به‌دست‌آمده ۲/۹۳ و میانگین جامعه ۵ است؛ بنابراین به‌دلیل کوچک‌تر بودن مقدار میانگین نمونه از میانگین جامعه به‌دست‌آمده نتیجه گرفته می‌شود که طبق عامل اقتصادی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از شرایط مطلوب فاصله دارد.

جدول ۲۵. آزمون t نمونه‌ای بر عامل اقتصادی با میانگین جامعه ۵

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

میانگین جامعه = ۵						
95% Confidence Interval of the Difference		اختلاف میانگین	Sig.	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
-۱/۸۹	-۲/۲۳	-۲/۰۶	.	۹۴	-۲۴/۲	عامل اقتصادی

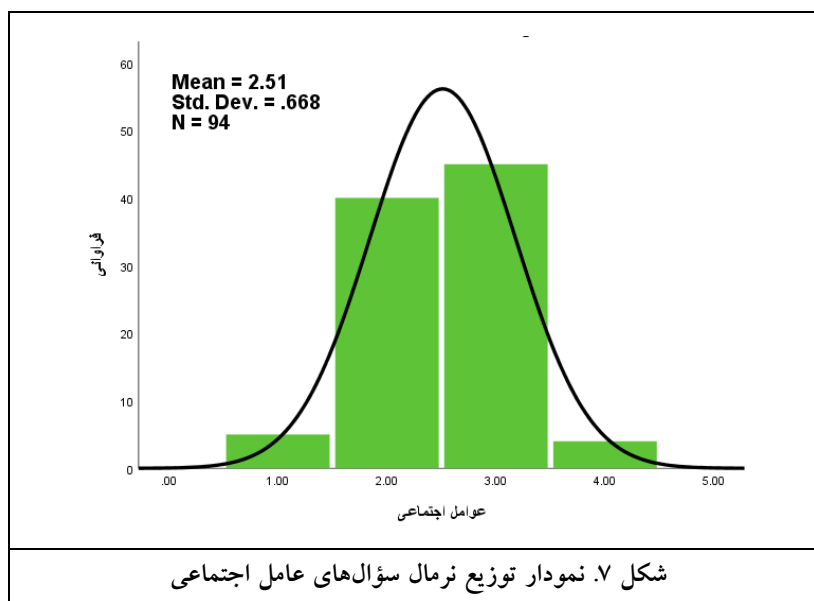
۶.۲.۴. عامل اجتماعی

سؤال‌های مرتبط با عامل اجتماعی پرسشنامه در جدول ۲۶ نشان داده شده است. نمودار توزیع نرمال این سؤال‌ها نیز در شکل ۷ ارائه شده است. با توجه به این شکل، توزیع سؤال‌ها عامل اجتماعی از توزیع نرمال دارد.

جدول ۲۶. سوالات عامل اجتماعی پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

عامل اجتماعی	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
میزان جمعیت شهرهای استان کرمانشاه چقدر در تقسیمات کشوری استان (استاندارد میزان جمعیت برای تقسیمات کشوری رعایت شده) تأثیرگذار بوده است؟					
میزان توجه به تفاوت‌های فرهنگی در سطح محلی چقدر در تقسیمات کشوری استان مؤثر بوده است؟					
تقسیمات کشوری استان کرمانشاه در مهاجرت شهروندان استان به دیگر شهرهای ایران چقدر مؤثر بوده است؟					
تقسیمات کشوری استان کرمانشاه در مهاجرپذیری شهروندان به استان چقدر مؤثر بوده است؟					
نقش سیاست‌های جمعیتی در سلسله‌مراتب شهری در استان کرمانشاه را چقدر مؤثر می‌دانید؟					
سلسله‌مراتب سکونتگاهی (شهر و روستا) براساس تقسیمات کشوری استان کرمانشاه در توسعه اجتماعی استان تأثیرگذار بوده است؟					
نقش کارشناسان متخصص برای توسعه شاخص‌های اجتماعی در استانداری و فرمانداری‌های استان کرمانشاه را چقدر مؤثر می‌دانید؟					



فرض صفر: با توجه به عامل اجتماعی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با حد متوسط اختلافی ندارد.

فرض تحقیق: با توجه به عامل اجتماعی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد متوسط اختلاف دارد.

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای بر سؤال‌های عامل اجتماعی در جداول ۲۷ و ۲۸ نشان می‌دهد که با توجه به بزرگ‌تر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵، فرض صفر پذیرفته و فرض تحقیق رد می‌شود. با توجه به اینکه فرض صفر رد نشده است، بنابراین نتیجه گرفته می‌شود میانگین نمونه با جامعه برابر است و اختلاف معنادار ندارد.

جدول ۲۷. نتایج خلاصه آماری سؤال‌های عامل اجتماعی

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
۹۴	۲/۹۳	۰/۵۳	۰/۰۵
عامل اجتماعی			

جدول ۲۸. آزمون t نمونه‌ای بر روی عامل اجتماعی با میانگین جامعه ۳

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

میانگین جامعه = ۳						
95% Confidence Interval of the Difference		اختلاف میانگین	Sig.	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
۰/۰۴	-۰/۱۷	-۰/۰۶	۰/۲۳	۹۳	-۱/۱۹	عامل اجتماعی

فرض صفر: با توجه به عامل اجتماعی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه با حد مطلوب اختلافی ندارد.

فرض تحقیق: با توجه به عامل اجتماعی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از حد مطلوب اختلاف دارد.

طبق جدول ۲۹ و با توجه به میانگین جامعه ۵ نتیجه گرفته می‌شود که با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵ فرض صفر رد و فرض تحقیق پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به اینکه میانگین نمونه به‌دست‌آمده ۲/۹۳ و میانگین جامعه ۵ است؛ بنابراین، به‌دلیل کوچک‌تر بودن مقدار میانگین نمونه از میانگین جامعه به‌دست‌آمده نتیجه گرفته می‌شود که طبق عامل اجتماعی، نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه از شرایط مطلوب فاصله دارد.

جدول ۲۹. آزمون t نمونه‌ای بر عامل اجتماعی با میانگین جامعه ۵

میانگین جامعه = ۵						
95% Confidence Interval of the Difference		اختلاف میانگین	Sig.	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
-۱/۹۵	-۲/۱۷	-۲/۰۶	۰	۹۳	-۳۷/۱۴	عامل اجتماعی

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

۶.۳. مقایسه بین معیارهای مورد مطالعه

بررسی و مقایسه بین عامل‌های مورد مطالعه با آزمون واریانس با مقادیر تکراری^۱ بیانگر آن است که در مقایسه با حد مطلوب، تمام عامل‌های مورد مطالعه از حد مطلوب پایین‌تر هستند. درمقایسه با حد متوسط نیز عامل‌های سیاسی و جغرافیایی از حد متوسط بالاتر هستند و اختلافشان نیز معنادار است. درمجموع می‌توان بیان کرد که از بین عوامل مورد مطالعه، اثرگذارترین عامل، عامل اقتصادی بوده است. از نظر مطلوبیت نیز عامل جغرافیایی درمقایسه با سایر عوامل وضعیت مطلوب‌تری دارد. با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده در جدول ۳۲ که کمتر از ۰/۰۵ است نتیجه‌گیری می‌شود که تفاوت بین عامل‌های مورد مطالعه معنادار است.

جدول ۳۰. میانگین و انحراف استاندارد ۴ عامل با آزمون Repeated Measures

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

معیار	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
عامل سیاسی	۳/۰۱	۰/۶۵	۹۴
عامل جغرافیایی	۳/۲۳	۰/۶۸	۹۴
عامل اقتصادی	۲/۹۲	۰/۸۲	۹۴
عامل اجتماعی	۲/۹۳	۰/۵۳	۹۴

جدول ۳۱. نتایج آزمون کرویت ماچلی

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

اثرات درون گروهی	ماچلی	درجه آزادی	سطح معناداری
زمان	۰/۸۵	۵	۰/۰۱

جدول ۳۲. تحلیل واریانس مکرر مربوط به ابعاد سه‌گانه

مأخذ: یافته‌های نویسندگان

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
عامل گروهی	۳۴۴۴/۱۹	۱	۳۴۴۴/۱۹	۲۹۳۶/۴۳	۰
خطا	۱۰۹/۰۸	۹۳	۱/۱۷	—	—

1. Repeated Measure

۷. نتیجه‌گیری

اگر آمایش سرزمین را بتوان به‌خوبی اجرا کرد، توسعه فضایی متوازن شکل می‌گیرد. درواقع سازماندهی فضا از طریق سیاست‌های اجرایی در قالب سازماندهی سیاسی فضا، نمایان می‌شود. برای توسعه متوازن، رعایت سلسله‌مراتب سکونتگاه‌های انسانی، ضرورت دارد. تقسیمات کشوری فرایندی است که سلسله‌مراتب سکونتگاه‌های انسانی را اجرا می‌کند. از طریق تقسیمات کشوری، شاهد توسعه کالبدی فضا خواهیم بود. در سازماندهی سیاسی فضایی ایران به‌دلیل ناهمگن بودن حوزه‌های تقسیماتی و به‌تبع آن نبود انطباق با الزامات منطقه‌ای و همچنین سیستم حکومتی متمرکز که موجب تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها در مرکز و نبود تعادل در ابعاد مختلف در سطح سرزمین شده است، باعث کارا نبودن تقسیمات فعلی در تهیه و اجرای برنامه‌های آمایش شده است. نمونه این قبیل مسائل در کارا نبودن تقسیمات استانی (سازماندهی سیاسی فضا) در استان کرمانشاه دیده می‌شود. موضوع سازماندهی سیاسی فضا، با متغیرها و مؤلفه‌هایی مانند محیط طبیعی، جمعیت و مشخصات آن، نیروی انسانی کارآمد و چگونگی برقراری توازن فضایی سروکار دارد. درواقع جانمایی عناصر جغرافیایی و آمایش محیطی در روند توسعه، با توجه کردن به این عوامل، انجام پذیر است.

در این مقاله با بررسی نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه، می‌توان بیان کرد که با توجه به نتایج حاصل از آزمون t با توجه به میانگین جامعه، ۳ عامل سیاسی در نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه دارای حد متوسط است؛ ولی با توجه به میانگین جامعه ۵ از حد مطلوب فاصله دارد. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که عامل سیاسی در نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه تأثیرهای مطلوبی نداشته است. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل عاملی و آزمون t و با توجه به میانگین جامعه ۳ نشان می‌دهد که عامل جغرافیایی در نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه، دارای حد بالاتر از متوسط است. همچنین با توجه به نتایج حاصل از تحلیل عاملی که نشان داد عامل دوم به‌صورت مشترک عامل سیاسی و جغرافیایی است و گویه‌هایی که مربوط به تقسیمات کشوری بوده بیش از سایر گویه‌ها تأثیرگذار بوده است، درمجموع بیانگر آن است که در سیستم تقسیمات کشوری استان کشوری استان کرمانشاه ضعف وجود دارد. همان‌طور که در گویه‌های عامل اقتصادی برای بررسی این عامل آمده است؛ بررسی شده است که در استان کرمانشاه

سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی چقدر در توسعه اقتصادی این استان تأثیرگذار بوده است؛ یا با توجه به دیپلماسی اقتصادی، چقدر کشورهای همسایه مانند ترکیه و عراق، برای مثال در ایجاد بازارچه‌های مرزی یا سرمایه‌گذاری در تولیدهای کارخانه‌ای اقدام کرده‌اند؛ یا اینکه تقسیمات کشوری استان کرمانشاه، چقدر بر وضعیت اقتصادی روستاهای این استان تأثیرگذار بوده است. در پاسخ بیان شد که تقسیمات کشوری نتوانسته است وضعیت اقتصادی را در این استان توسعه دهد. علاوه بر نتایج یافته‌های این مقاله، برای نشان دادن نامناسب بودن وضعیت اقتصادی در استان کرمانشاه می‌توان به نتایج دیگر پژوهش‌های انجام‌شده نیز اشاره کرد. برای مثال حشمتی جدید و همکاران (۱۴۰۰) بیان می‌کنند که پس از ارزیابی شرایط موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی استان می‌توان گفت پیوند طرح‌های آمایشی و نگرش سیستمی به توسعه و امنیت پایدار استان کرمانشاه، ضعیف و در اولویت برنامه‌ریزی‌های راهبردی متولیان امر نیست. این موضوع موجب غلبه تنگناها و موانع توسعه‌ای بر پتانسیل‌های استان شده که در بلندمدت موجب تهدید و ناامنی همراه با کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش خشونت خواهد بود. رحیمی و همکاران (۱۴۰۰) نیز بیان کرده‌اند که نوع تقسیمات کشوری فعلی استان، سبب شده که جدایی قومی و مذهبی بیشتر به چشم آید. به عنوان نمونه، تقسیمات فعلی سبب گشته که مناطقی که دارای بافت فرهنگی و مذهبی غیرمسلمان هستند درون‌گراتر باشند و کمتر به سایر مناطق استان سفر کنند و مناطقی که مسلمان سنی‌مذهب هستند در سایر مناطق استان در انزوا قرار گیرند، این نوع تقسیم‌بندی سبب شکل‌گیری تعارض و نزاع بین این مناطق و ارتباط نداشتن مناسب سکونتگاه‌ها می‌شود. به بیانی دیگر نوع تقسیمات کشوری انجام‌گرفته در استان، به لحاظ آرایش گروه‌های قومی و مذهبی در راستای اجرای مطلوب برنامه‌های آمایش سرزمین، نه تنها موثر نبوده بلکه سبب کندتر شدن فرایند توسعه در این استان شده است. بنابراین از بین عوامل چهارگانه سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی، از نظر افراد پاسخگو که کارمندان فرمانداری‌ها و استانداری کرمانشاه بودند، عامل اقتصادی بیشترین تأثیرپذیری نامناسب را از نظام تقسیمات کشوری استان کرمانشاه دارد؛ به عبارت دیگر، عامل اقتصادی بر کارآمد بودن نظام تقسیمات کشوری تأثیرگذاری مطلوب نداشته است.

کتابنامه

۱. احمدی پور، ز. و منصوریان، ع. (۱۳۸۵). تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۵). *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۲(۱)، ۸۹-۶۲.
۲. احمدی پور، ز. و میرزایی تبار، م. (۱۳۹۰). نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا. *فصلنامه آمایش محیط*، ۴(۱۲)، ۴۷-۶۲.
۳. حاصلی، م.، افراخته، ح.، کریمی پور، ی. و عبداللهیان، ح. (۱۳۹۸). واحدهای هیدرولیک، مبنایی مناسب برای تقسیمات سیاسی-اداری و برنامه‌ریزی مکانی فضایی (مطالعه موردی: حوضه آبریز کرخه). *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۴(۶۱)، ۶۵-۴۳.
۴. حافظ‌نیا، م.، احمدی پور، ز. و قادری حاجت، م. (۱۳۸۹). سیاست و فضا (چاپ اول). مشهد: انتشارات پژوهشکده امیرکبیر.
۵. حیدری ساربان، و.، باختر، س.، زیارتی، م. (۱۳۹۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار کشاورزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای استان کرمانشاه). *فصلنامه جغرافیا پایدار محیطی*، ۱(۲۷)، ۷۴-۵۹.
۶. رحیمی، ب.، سلطانی، ن. و بهرامی جاف، س. (۱۴۰۰). بررسی نقش تقسیمات کشوری در روند اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین استان کرمانشاه. *فصلنامه آمایش سیاسی فضا*، ۳(۴)، ۲۹۶-۲۸۶.
۷. ریاحی، و.، افراخته، ح. و صالح پور، ش. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر ناکارآمدی نظام تقسیمات کشوری در سطح محلی (مورد مطالعه: شهرستان ارومیه). *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۶(۳)، ۱۴۷-۱۱۹.
۸. صفری شالی، ر. (۱۳۹۶). *راهنمای تدوین طرح تحقیق (پروپوزال نویسی)* (چاپ هفتم). تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
۹. سبزقبایی، غ.، دشتی، س.، جعفرزاده، ک. و بزم‌آرابلشتی، م. (۱۳۹۵). ارزیابی الگوهای چشم‌انداز شهری برای اندازه‌گیری اثرات شهرنشینی بر ساختار چشم‌انداز (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). *فصلنامه جغرافیا و پایداری محیطی*، ۶(۲۱)، ۵۰-۳۵.
۱۰. عاطفی، ح.، رومینا، ا. و قربانی نژاد، ر. (۱۳۹۹). الگوی نظری توسعه فضایی در مناطق مرزی تلفیقی. *فصلنامه فضای جغرافیایی*، ۲۰(۷۲)، ۳۷-۱۹.
۱۱. لاکوست، ا.، بتاتریس، ژ. (۱۳۹۱). *عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک* (ع. فراستی، مترجم). تهران: نشر آمن.

۱۲. مویر، ر. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی (د. میرحیدر، مترجم) (چاپ اول). تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

13. Li, J., & Liu, Di., & Cai, M. (2022). Water pollution and administrative division adjustments: A quasi-natural experiment in Chaohu Lake, China. *PloS One*, 17(3), e0257067.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.83614.1308>

Analysis of Flood Risk in the Urban Area of Mashhad Using GIS Techniques¹

Ahmad Zakarian

PhD student in Geomorphology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Abolghasem Amirahmadi²

Professor of Geomorphology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Leila Goli Mokhtari

Associate Professor of Geomorphology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Received: 11 November 2023 Revised: 6 February 2024 Accepted: 3 April 2024

Abstract

This paper aims to investigate flood risk in the Mashhad urban area and the role of flood channels in controlling floods. To achieve this goal, the AHP method was used in the ArcGIS software. The parameters included distance from the river, slope, density of canals, distance from canals, precipitation, vegetation, road and pathways, elevation classes, drainage density, distance from roads and land use. Then, by developing the required layers of the urban limits, the weight of each layer was determined based on its importance at the time of flooding. After the final weighting, the layers were compared (AHP) using Expert Choice software, and the resulting matrix was transferred to Idrisi software to determine the final coefficient for each layer. Finally, by applying these coefficients through the Weighted Overlay tab in ArcGIS software, the flood risk zoning map in Mashhad urban area was drawn. According to the results, out of the total area of Mashhad, 6.32 sqm have a very low flood risk, 23.82 sqm have a low risk, 260.06 sqm have a medium risk, 41.88 sqm have a high risk and 2.04 sqm have a very high risk. About 1% of the entire urban area has a very low risk, 7% has a low risk, about 77% of has a medium risk, 12% has a high risk and 3% has a very high risk. The results suggest that 0 to 3-degree slopes, which chiefly have urban application, provide suitable grounds for exploitation. Therefore, the areas particularly relevant to exploitation are those with

1. The article is extracted from the doctoral thesis of the first author of the article at Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

2. Corresponding Author: Email: amirahmadi1388@gmail.com

proper conditions in terms of slope and vegetation. In light of the role of flood channels in flood control, it was found that the floor risk is lower in areas with higher canal density.

Keywords: Risk, Flood, GIS, Mashhad



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.83614.1308>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

بررسی خطرپذیری سیلاب در محدوده شهری مشهد با استفاده از تکنیک‌های GIS^۱

احمد ذاکریان (دانشجوی دکتری ژئومورفولوژی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

ahmad.zakerian43@gmail.com

ابوالقاسم امیراحمدی (استاد ژئومورفولوژی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)

amirahmadi1388@gmail.com

لیلا گلی مختاری (دانشیار ژئومورفولوژی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

l.mokhtari@gmail.com

صص ۲۵۱ - ۲۲۹

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی میزان خطرپذیری سیلاب در محدوده شهری مشهد و نقش کانال‌های سیلابی هنگام وقوع سیلاب است. برای رسیدن به این هدف از روش AHP در محیط نرم‌افزار ArcGIS استفاده شد. پارامترهای شامل فاصله از رودخانه، شیب، تراکم کانال‌ها، فاصله از کانال‌ها، بارش، پوشش گیاهی، جاده و راه ارتباطی، طبقات ارتفاعی، تراکم زهکشی، فاصله از مسیرها و کاربری اراضی بود. سپس با تهیه لایه‌های مورد نیاز محدوده شهر، اقدام به تعیین وزن هر لایه براساس میزان اهمیت آن، زمان بروز سیلاب شد. پس از وزن‌دهی نهایی، لایه‌ها به صورت دو به دو (AHP) با نرم‌افزار Expert Choice مقایسه و ماتریس حاصل از این مقایسات به نرم‌افزار Idrisi منتقل و ضریب نهایی برای هر لایه تعیین شد. در نهایت با اعمال این ضرایب از طریق منوی Weighted Overlay در نرم‌افزار ArcGIS نقشه پهنه‌بندی خطر سیلاب در محدوده شهری مشهد مشخص شد. بنابر نتایج، از

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه حکیم سبزواری است.

کل مساحت محدوده شهری مشهد، در مجموع ۶/۳۲ کیلومتر مربع دارای خطر سیلاب خیلی کم، ۲۳/۸۲ کیلومترمربع خطر کم، ۲۶۰/۰۶ کیلومترمربع خطر متوسط، ۴۱/۸۸ کیلومترمربع خطر زیاد و ۲/۰۴ کیلومترمربع خطر خیلی زیاد است. حدود ۱٪ از کل محدوده شهری دارای خطر خیلی کم، ۷٪ دارای خطر کم، ۷۷٪ از کل محدوده شهری دارای خطر متوسط، ۱۲٪ دارای پتانسیل زیاد و ۳٪ از محدوده شهری مشهد دارای پتانسیل خیلی زیاد است. نتایج نشان می‌دهد که شیب‌های ۰ تا ۳ درجه که بیشتر، کاربری شهری دارند مکان مناسبی برای استحصال هستند. بنابراین مناطق با استحصال خیلی خوب، مناطقی هستند که از لحاظ شیب و پوشش، شرایط مناسب‌تری دارند. با توجه به نقش کانال‌های سیلابی در سیلاب، مشخص شد در نقاطی که تراکم کانال‌ها بیشتر بوده، احتمال وقوع سیلاب کمتر است.

واژگان کلیدی: خطرپذیری، سیلاب، GIS، مشهد

۱. مقدمه

امروزه گسترش بی‌رویه شهرها و توسعه ساخت و سازها و برنامه‌های توسعه شهری باعث تخریب و تغییر شکل طبیعی رودخانه‌های شهری شده است (قنوتی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۷۰). با رشد سریع شهرسازی و ایجاد و توسعه زیرساخت‌های شهری، سیلاب‌ها در نواحی شهری بیشتر شده‌اند (باتاچاریا^۱، ۲۰۱۰). شهرسازی، خطر سیلاب را به علت افزایش اوج و حجم دبی بیشتر کرده و زمان رسیدن دبی را به اوج نیز کاهش می‌دهد (نیروپاما^۲، ۲۰۰۷، ص. ۲۷). مسیل‌ها و رودخانه‌های شهری، به عنوان فضاهای پنهان شهری، فرصت‌هایی هستند که بی‌توجهی رها شده‌اند و با وجود پتانسیل‌های فراوانی که دارند، استفاده کامل و بهینه‌ای از آن‌ها نمی‌شود؛ به‌طوری که در بیشتر شهرها، آن‌ها را تهدیدی برای شهر دانسته‌اند و به همین دلیل، به طرق مختلف می‌کوشند آن‌ها را مهار کنند (رجایی، ۱۳۸۲، ص. ۲۶۰). سطوح قابل نفوذ اولیه، با توسعه شهر به صورت سطوح غیر قابل نفوذ درآمده و زهکشی جریان‌های آبراهه‌ای حتی در بارش‌های کوتاه‌مدت باعث ایجاد سیلاب و آب‌گرفتگی در بعضی از مناطق شهری می‌شود

1. Bhattacharya

2. Nirupama

(کمسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه^۱، ۱۹۸۴؛ مکنزی^۲، ۲۰۱۲؛ گراهام^۳، ۲۰۱۴). انسداد و یا تغییر مسیر آبراهه‌ها بدون توجه به اصول ژئومورفولوژیکی در تقاطع بزرگراه‌ها و یا خیابان‌های اصلی و فرعی شهر با عرض و ارتفاع بسیار کم، موجب پس‌زدگی آب می‌شود (ایستمن^۴، ۱۹۹۷؛ شیک^۵، ۱۹۹۹، ص. ۳۲۷). توسعه شهرها بر مبنای طرح‌های جامع شهری است. رویکرد اصلی این طرح‌ها، حل مسائل و مشکلات کالبدی شهر با بهره‌گیری از اقدامات موضعی و بدون توجه به عوامل سبب‌ساز مسائل و مشکلات مورفولوژیکی و مورفودینامیکی زمین شهری است؛ هرچند که شناخت فضای فیزیکی سطح زمین برای توسعه و استقرار هرگونه ساخت و ساز و تغییر، بسیار مهم است (کادیر^۶، ۱۹۹۶؛ یاهایا^۷، ۲۰۰۸؛ وایکر^۸، ۲۰۱۷). عواملی مانند شرایط حوضه زهکشی، میزان فرسایش و رسوب، شرایط حریم آبراهه‌ها و روش حمل رسوبات و تقابل آن‌ها با اصول ژئومورفولوژیکی در مدیریت آبراهه‌های شهری باید مد نظر باشد (صادقی و همکاران، ۲۰۱۱؛ اوزتورک^۹، ۲۰۱۱). عکس‌العمل جریان آب‌های سطحی، رابطه نزدیکی با شکل و ابعاد بستر دارد و تغییر در شکل و ابعاد بستر می‌تواند انعکاس وسیعی را در ایجاد طغیان‌های شهری به دنبال داشته باشد (ناپرادین^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ ریچارد^{۱۱}، ۲۰۱۴). در این صورت مطالعه، شدت، مدت و یا محاسبه حجم طغیان‌های حاصل از بارندگی شدید و یا به‌طور کلی مطالعه خصوصیات دینامیک آب‌های جاری باید حداقل همزمان و یا از طریق مطالعات ژئومورفولوژیکی باشد (محمودی، ۱۳۷۶، ص. ۳۹۲). درباره سیلاب شهری مطالعات بسیاری انجام شده که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

قهرودی تالی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان آسیب‌پذیری ناشی از سیلاب شهری (مطالعه موردی: تهران، درکه تا کن)، با استفاده از داده‌های اقلیمی و هیدرومتری، نقشه‌های

1. ESCAP (Economic and Social Commission for Asia and the Pacific)
2. Mackenzie
3. Graham
4. Eastman
5. Schick
6. Cadier
7. Yahaya
8. Waikar
9. Ozturk
10. Napradean
11. Richard

توپوگرافی و داده‌های کاربری و نیز با استفاده از تحلیل شبکه عصبی چند لایه (MLP) نقشه آسیب‌پذیری مناطق شهری ۲ و ۵ تهران را تهیه کردند.

رستمی و کرد (۱۳۹۵) به اولویت‌بندی سیل‌خیزی زیرحوضه‌ها در مناطق شهری ایلام پرداختند. در این تحقیق ایلام به پنج زیرحوضه تقسیم شده و تأثیر اراضی غیرقابل نفوذ و میزان مساحت بر اندازه رواناب به روش کارتر بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که زیرحوضه شماره ۲ که در شمال و شمال‌شرق حوضه واقع شده است، دارای بیشترین رواناب است. ناپ رادم و همکاران (۲۰۰۶) نقشه پهنه‌بندی خطر سیل‌گیری را برای حوضه‌های آبریز کوچک، در نزدیکی دریای بابا در دره استورو تهیه کردند.

فرناندز و لوتز (۲۰۱۰) با کمک GIS و سیستم تصمیم‌گیری چندمعیاره، اقدام به ارزیابی و پهنه‌بندی خطر سیلاب در یکی از استان‌های کشور آرژانتین کردند. این دو از پارامترهای فاصله تا کانال‌های زهکشی، ارتفاع منطقه، شیب منطقه، عمق آب زیرزمینی و کاربری اراضی استفاده کردند. ایشان با وزندهی به هر یک از این عوامل پنج‌گانه به کمک سیستم تصمیم‌گیری چندمعیاره، منطقه مورد نظر خود را در پنج پهنه با خطر زیاد، خطر متوسط تا زیاد، خطر متوسط، خطر کم و خطر خیلی کم پهنه‌بندی کردند.

شهر مشهد در نیمه جنوب غربی دشت کشف رود، به علت گسترش بر سطح دشت تراکمی و مخروط‌افکنه‌های آبرفتی، تحت تأثیر شرایط توپوگرافی، شیب و زهکشی ضعیف، همیشه هنگام بارش‌های شدید، دچار سیلاب‌های ناگهانی یا آب‌گرفتگی بافت بوده است. تشدید خطر سیل و آب‌گرفتگی معابر، منجر به افزایش هزینه‌های نگهداری شهر و خسارات احتمالی جانی و مالی می‌شود. برنامه‌ریزی شهری جامع، از آثار زیان‌بار سیلاب‌های شهری تا حد ممکن جلوگیری کرده است. (احمد زاده ۱۳۹۴). سیلاب‌های شهری از جمله بحران‌هایی با منشأ طبیعی هستند که گاه عوامل انسانی و انسان‌ساخت بر شدت آن‌ها می‌افزاید. پهنه‌بندی سطوح شهری به دلیل خطرپذیری و وقوع سیلاب شهری را می‌توان بخشی از مراحل پیشگیری و آمادگی یا ترکیب این دو، قبل از وقوع بحران سیلاب دانست.

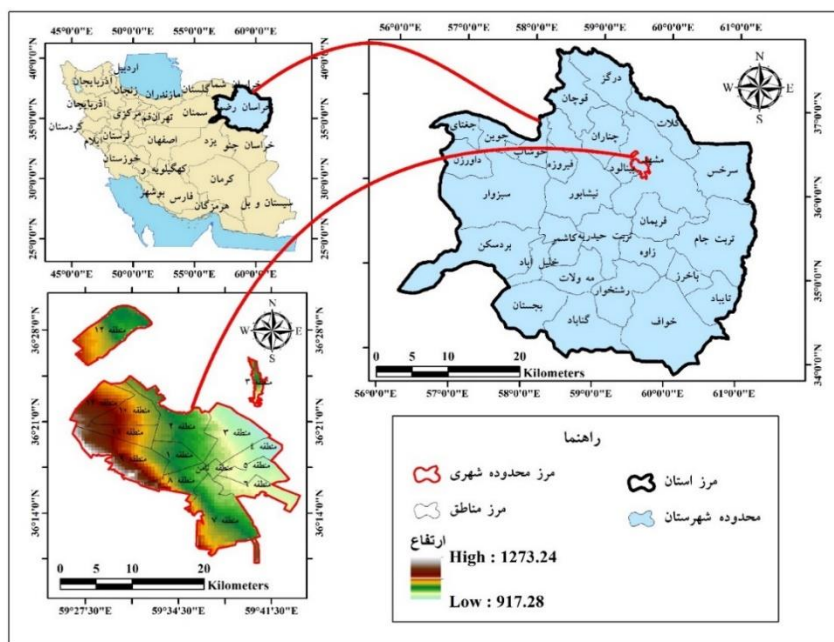
با توجه به موقعیت شهر مشهد در حوضه کشف رود، اختلاف ارتفاع در نقاط شمال و جنوب شهر و قرارگیری آن بین آبراهه‌هایی که از کوه‌های بینالود سرچشمه گرفته و به کشف

رود منتهی می‌شوند، هنگام بروز سیلاب، در محیط شهری است که دارای ۱۸ مسیل اصلی با جمع طول ۱۲۹۲۹۵ با دبی ۱۲۴۰ SM است (آمارنامه مشهد، ۱۳۹۲). این پژوهش به‌طور خاص با هدف ارزیابی خطر سیلاب شهری مشهد و با استفاده از لایه‌های اطلاعاتی گردآوری‌شده در محیط GIS و تکنیک AHP وزن‌دهی در نرم‌افزار اکسپورت جویز انجام شده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

۲.۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه

شهر مشهد مرکز استان خراسان رضوی، در شمال شرقی ایران، به فاصله ۹۶۶ کیلومتری تهران قرار گرفته است. مشهد در ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۶۰ درجه ۳۶ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۸ دقیقه عرض جغرافیایی گسترده شده است. این شهر بین دو رشته‌کوه بینالود و هزارمسجد قرار گرفته و ارتفاع آن از سطح دریا ۹۸۵ متر، وسعت آن حدود ۲۰۴ کیلومترمربع و جمعیت آن حدود ۲۴۲۷۳۱۶ نفر است. از نظر موقعیت نسبی، شهر الکترونیک مشهد به‌عنوان مرکز استان خراسان رضوی از شمال به اراضی تبادکان و طوس، از جنوب و غرب به اراضی شهرستان طرqbه - شان‌دیز (بینالود) و از شرق به کنویست و میامی محدود می‌شود (شکل شماره ۱).



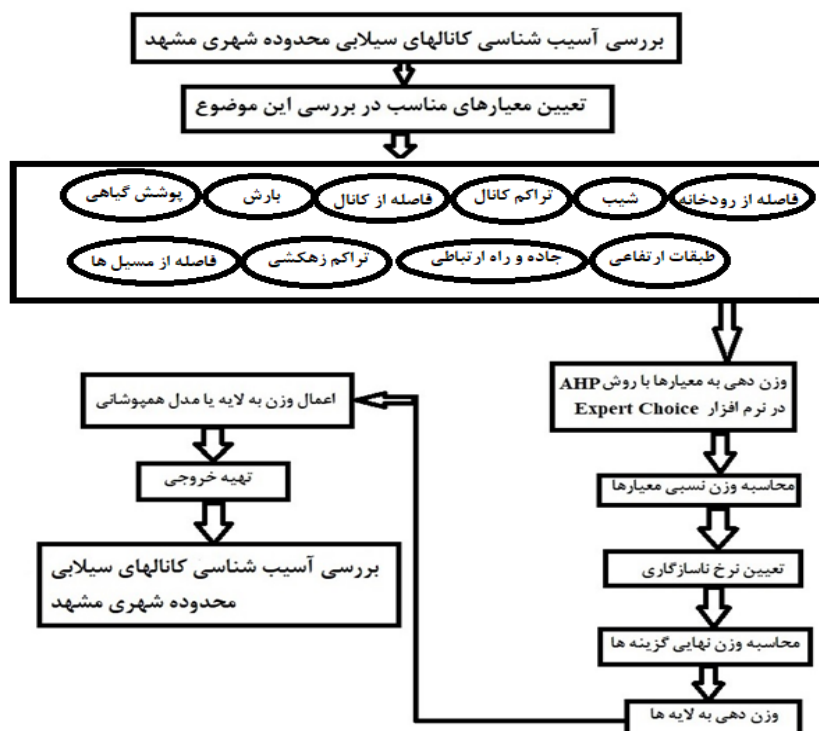
شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه

در این پژوهش برای بررسی نقش کانال‌های سیلابی در سیل‌خیزی در شهر مشهد، فاصله از رودخانه، شیب، تراکم کانال‌ها، فاصله از کانال‌ها، بارش، پوشش گیاهی، طبقات ارتفاعی، جاده و راه ارتباطی، کاربری اراضی، تراکم زهکشی و فاصله از مسیل‌ها، از قابلیت نرم‌افزارهای Excel، Expert Choice و Arc GIS استفاده شده است. در ادامه، براساس شرایط محیط شهری و ویژگی‌های لایه‌ای اطلاعاتی مورد بررسی، معیارهای مؤثر در جمع‌آوری آب‌های سطحی مشخص شد و سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) با توجه به اهمیت و ارزش هر معیار بر معیار دیگر، مقایسه زوجی بین معیارها در نرم‌افزار (Expert Chioce) انجام شد. سپس وزن نهایی هر معیار محاسبه شد. وزن‌های نهایی به‌دست‌آمده در محیط (GIS/Arc Map) بر تک‌تک لایه‌ها اعمال شد و در نهایت نقشه نواحی مستعد جمع‌آوری آب‌های سطحی به دست آمد. ریاضی‌دانی به نام توماس ال‌ساعتی^۱ (۱۹۸۰)، روش AHP، را به‌عنوان روشی علمی و مؤثر برای حل مشکلات تصمیم‌گیری چندمعیاره توسعه داده است (کارمن و روزمن، ۲۰۰۵). این تحلیل از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه است، زیرا

1. Thomas L. Saaty

امکان فرموله کردن مسائل را به صورت سلسله مراتبی فراهم می کند. این روش ابزاری قدرتمند و انعطاف پذیر برای بررسی کمی و کیفی مسائل چندمعیاره است که خصوصیت اصلی آن براساس مقایسه زوجی است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱). هنگام استفاده از روش AHP در مشکلات مهندسی باید محتاط عمل کرد. شواهد نشان می دهد که از توصیه های ساخته شده با این مدل نباید به معنای واقعی کلمه استفاده کرد. درحقیقت، مقادیر، اولویت های نهایی نزدیک به هم هستند و کاربر باید دقیق باشد (تریانتافیلو و من، ۱۹۹۵). مهم ترین محدودیت روش AHP این است که وابستگی های احتمالی را بین عوامل و گزینه ها در نظر نمی گیرد (صحت و پریزادی، ۱۳۸۸). در فرایند AHP می توان گزینه های مختلف را در تصمیم گیری دخالت داد و امکان تحلیل حساسیت روی پارامتر وجود دارد. یکی از مزایای بالای این روش، محاسبه نرخ ناسازگاری بوده که با مشخص شدن آن، امکان تجدید نظر در قضاوت ها به وجود می آید. ورودی روش تحلیل سلسله مراتبی ماتریس، مقایسه زوجی بوده که درایه های آن میزان اهمیت نسبی معیارها را بیان می کند. تصمیم گیرنده، ابتدا باید همه معیارهای مربوط را ارزیابی و مقایسه کند، سپس نتایج را با یک مقیاس استاندارد به مقادیر کیفی تبدیل کند. فرایند سلسله مراتبی شامل مراحل زیر است (شکل شماره ۲):

- ۱- ایجاد سلسله مراتب
- ۲- محاسبه وزن
- ۳- محاسبه نرخ ناسازگاری



شکل ۲. معیارهای سلسله مراتبی برای جمع‌آوری آب‌های سطحی

در روش AHP، عناصر در سطح نسبت به یکدیگر به صورت زوجی مقایسه شده و وزن‌دهی می‌شوند. مقایسه و وزن‌دهی به عناصر در یک ماتریس $k \times k$ ثبت می‌شود. مقایسه زوجی به صورت ارزش‌گذاری عنصر سطر نسبت به ستون انجام می‌شود و برای ارزش‌گذاری نیز معمولاً از یک مقیاس فاصله‌ای از ۱ تا ۹ استفاده می‌شود. هرچه مقدار ارزش داده شده بیشتر باشد، نشان‌دهنده اهمیت و ارجحیت بیشتر عنصر سطر نسبت به عنصر ستونی است. به طوری که ارزش ۹ بیانگر کاملاً مهم‌تر و ارزش ۱ بیانگر با ارجحیت و اهمیت یکسان است (کرم، ۱۳۸۷). جدول ۱ مقادیر ترجیحات را برای مقایسه زوجی نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقایسات زوجی

مأخذ: عظیمی حسینی، ۱۳۹۰

مقدار عددی	ترجیحات
۹	کاملاً مرجح
۷	ترجیح خیلی قوی
۵	ترجیح قوی
۳	کمی مرجح
۱	ترجیح یکسان
۲،۴،۶،۸	ترجیحات بین فواصل

۲.۲. محاسبه وزن

در این مرحله برای محاسبه وزن عوامل، اول، اعداد متعلق به هر ستون با یکدیگر جمع می‌شوند، سپس هر عنصر ماتریس به جمع عوامل تقسیم می‌شود که حاصل آن به وجود آمدن اعداد به صورت نرمال شده است. در آخر میانگین هر ردیف محاسبه می‌شود و عدد به دست آمده، معرف وزن هر عامل است (عظیمی حسینی، ۱۳۹۰).

محاسبه نرخ سازگاری (CR^1)

نرخ سازگاری در روش AHP، شاخصی است که سازگاری مقایسه‌ها را نشان می‌دهد. این نرخ، گویای درجه صحت و دقت ارزش‌گذاری‌ها در مقایسات زوجی است، چنانچه نرخ مذکور برابر و کمتر از $0/1$ باشد، می‌توان ارزش‌گذاری‌ها را در مقایسات زوجی، خوب و صحیح دانست، در غیر این صورت، روش‌گذاری و مقایسات باید دوباره انجام گرفته یا اصلاح شود (کرم، ۱۳۸۷). شاخص سازگاری (CI^2) برطبق فرمول ۱ به دست می‌آید. در هر مرحله از فرایند سلسله‌مراتبی برای مقایسه زوجی معیارها و زیرمعیارها، نرخ ناسازگاری برای هر ماتریس در نرم‌افزار Expert Choice محاسبه شد.

$$CI = \frac{\lambda_{max} - n}{n(n-1)}$$

فرمول ۱:

$$(n/n-1)$$

1. Consistency Rate
2. Consistency Index

روش وزن‌دهی جمعی ساده

روش‌های وزن‌دهی جمعی ساده (SAW1)، متداول‌ترین فنون مورد استفاده در کار بر مسائل مرتبط با تصمیم‌گیری چندصفتی فضایی هستند. تصمیم‌گیر، به‌طور مستقیم وزن‌هایی از اهمیت نسبی را به هر صفت اختصاص می‌دهد. سپس وزن اهمیت تخصیص یافته به هر صفت در نمره مقیاس‌بندی شده آن صفت، در گزینه مد نظر ضرب شده و با جمع حاصل ضرب‌های مذکور، در رابطه با تمامی صفات، امتیاز یا نمره کل در رابطه با هر گزینه به دست می‌آید (مالچفسکی، ۱۹۹۹).

فرمول ۲ (تریانتافیلانو و من، ۱۹۹۵):

$$A_i AHP = \sum_{j=1}^n a_{ij} w_j$$

a_{ij} = وزن گزینه i نسبت به j

w_j = وزن معیار j

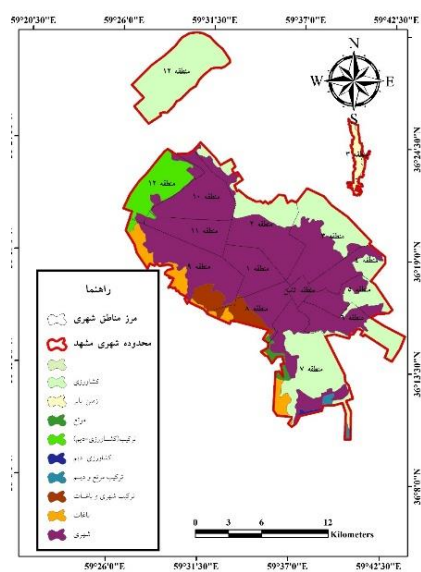
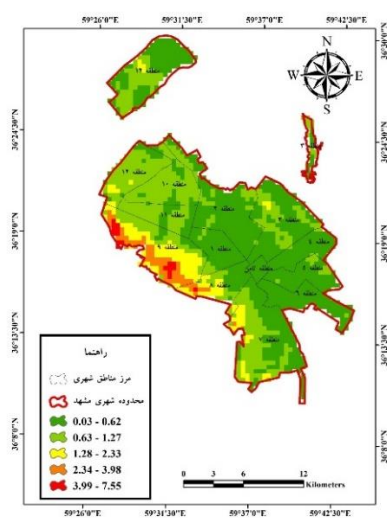
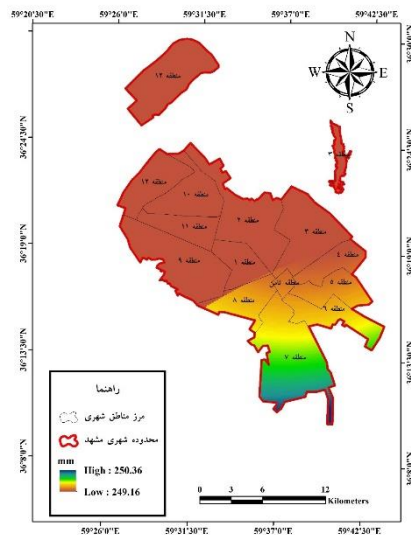
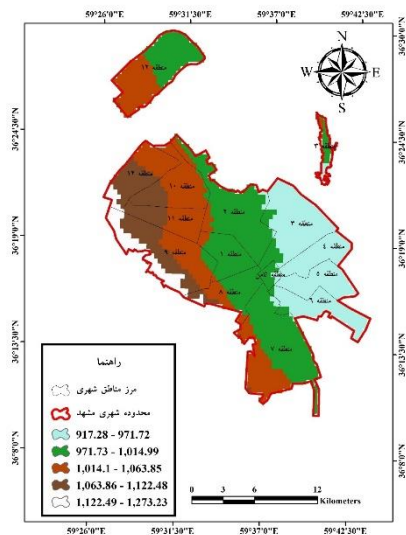
روش مبتنی بر SAW را می‌توان با استفاده از هر سیستم GIS که دارای قابلیت‌های همپوشی است، عملیاتی کرد. فنون همپوشی، امکان ترکیب لایه‌های مرتبط با نقشه معیار ارزیابی را برای تعیین نقشه مرکب (نقشه‌های خروجی) فراهم می‌آورند (مالچفسکی، ۱۹۹۹).

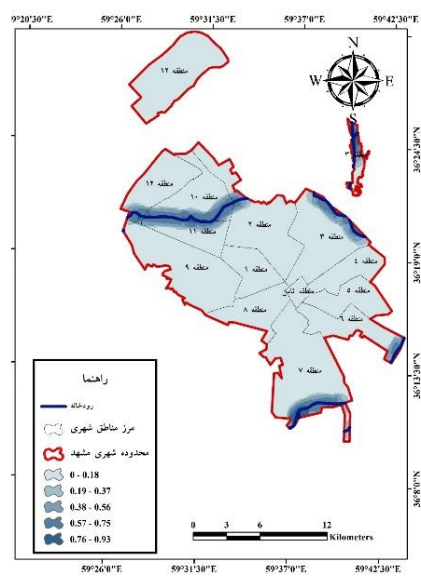
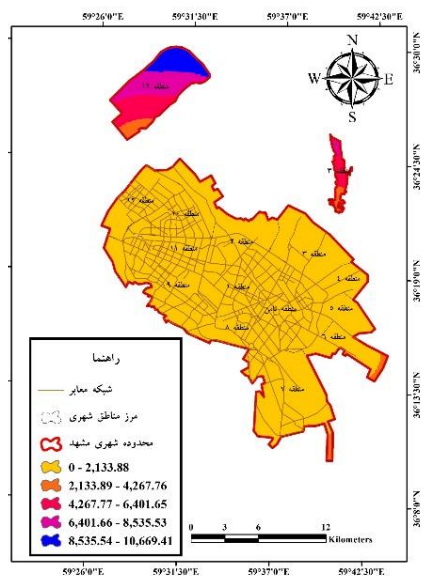
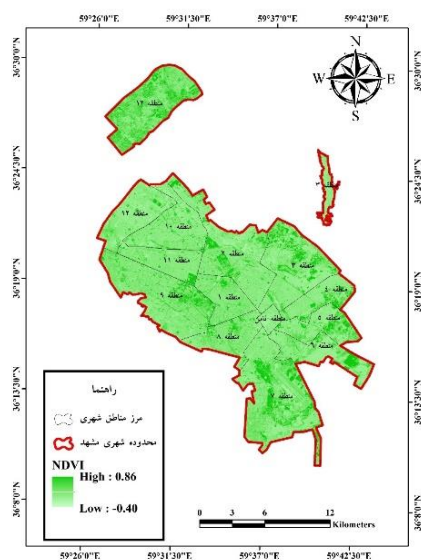
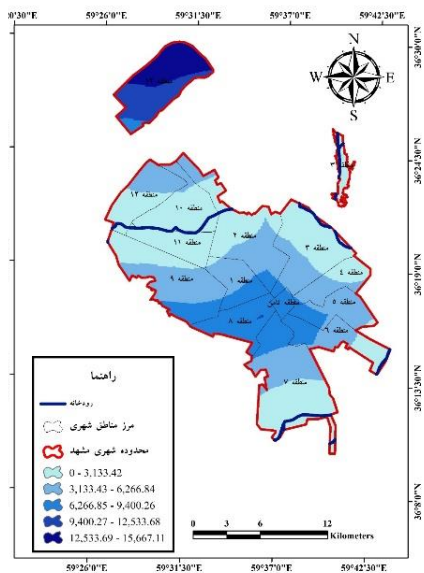
۳. یافته‌های پژوهش

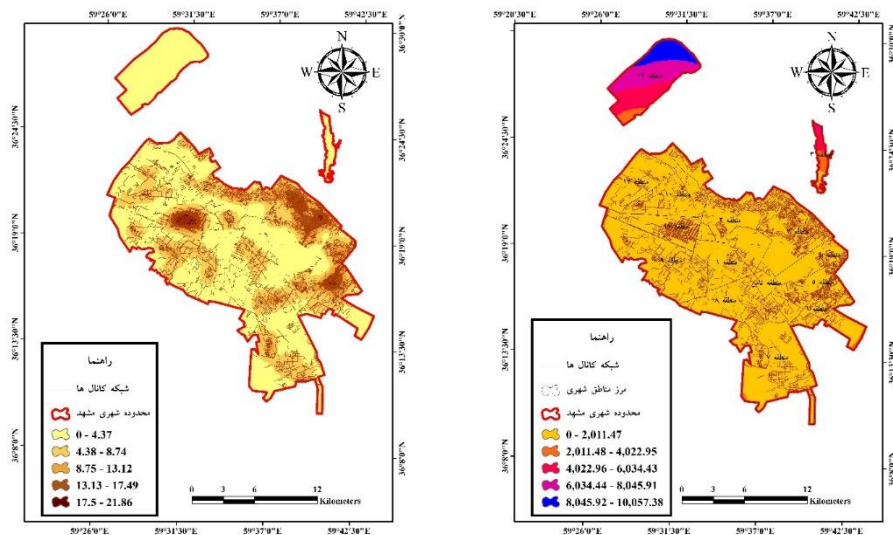
برای انجام این پژوهش، داده‌های مربوط به بارش، کاربری اراضی، راه‌های ارتباطی، مسیل‌ها، تراکم زهکشی، رودخانه، شیب، ارتفاع و پوشش گیاهی و تصاویر ماهواره‌ای منطقه، از سازمان‌های مربوط تهیه و با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS 10.3، لایه‌های اطلاعاتی مربوط به نقشه‌های بارش، کاربری اراضی، فاصله از راه‌های ارتباطی، فاصله از مسیل‌ها، تراکم زهکشی، فاصله از رودخانه، شیب، ارتفاع و پوشش گیاهی منطقه مورد مطالعه ایجاد و در نهایت نقشه‌های مربوط تهیه شد.

1. Simple Additive Weighting

2. Malczewski







شکل ۳. لایه‌های اطلاعاتی مورد استفاده جهت تهیه نقشه پهنه بندی سیلاب

۳.۱. ساختن سلسله‌مراتبی در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی

در اولین اقدام برای ساختار سلسله‌مراتبی مربوط به موضوع مشخص شده در این باره، یک سلسله‌مراتب، شامل هدف، معیارها و زیرمعیارها وجود دارد. تبدیل موضوع یا مسئله مورد بررسی به یک ساختار سلسله‌مراتبی مهم‌ترین قسمت فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی به شمار می‌رود (حکمت‌نیا و میرنجف موسوی، ۱۳۹۰)؛ زیرا در این قسمت، تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی آن‌ها را به شکلی ساده که با ذهن و طبیعت انسان مطابقت داشته باشد، تبدیل می‌کند. در نهایت ماتریس مقایسه زوجی تشکیل می‌شود. به اندازه اهمیت عوامل، از شماره ۱ تا ۹ عددگذاری شده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. اعداد مقایسه دو به دو فاکتورها

مأخذ: زبردست، ۱۳۷۰

تعریف	شدت اهمیت
اهمیت برابر	۱
اهمیت برابر تا اهمیت متوسط	۲
اهمیت متوسط	۳

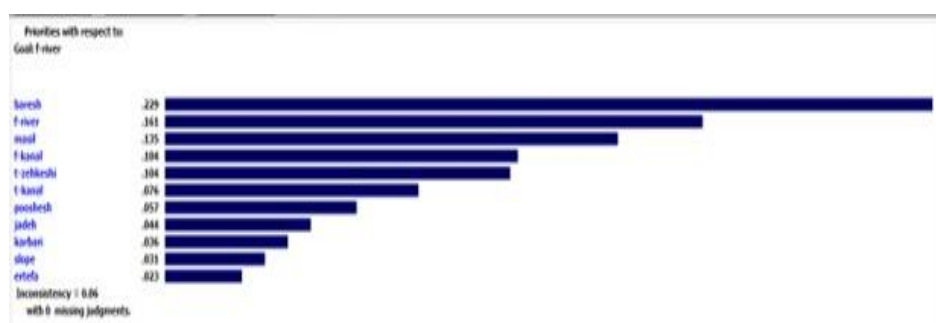
شدت اهمیت	تعریف
۴	اهمیت متوسط تا اهمیت قوی
۵	اهمیت قوی
۶	اهمیت قوی تا اهمیت خیلی قوی
۷	اهمیت خیلی قوی
۸	اهمیت خیلی قوی تا اهمیت فوق‌العاده قوی
۹	اهمیت فوق‌العاده قوی

۲.۳. محاسبه وزن معیارها

مرحله بعد از مقایسه زوجی پارامترها، محاسبه وزن عوامل است. برای محاسبه وزن عوامل، ابتدا اعداد متعلق به هر ستون ماتریس با یکدیگر جمع شده، سپس هر عضو ماتریس به جمع عوامل تقسیم می‌شود، که حاصل آن به وجود آمدن اعداد به صورت نرمال شده است. در آخر، میانگین هر ردیف محاسبه می‌شود و عدد به دست آمده معرف وزن هر عامل است.

۳.۳. نرم افزار Expert Choice

نرم افزار EC برای تحلیل مسائل تصمیم‌گیری چندمعیاره با استفاده از تکنیک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی طراحی شده است. این نرم‌افزار افزون بر امکان طراحی نمودار سلسله‌مراتبی، تصمیم‌گیری و طراحی سؤالات، تعیین ترجیح‌ها و اولویت‌ها و محاسبه وزن نهایی، قابلیت تحلیل حساسیت تصمیم‌گیری را نسبت به تغییرات در پارامترهای مسئله نیز دارد. همچنین با اهمیت‌ترین قابلیت آن، ایجاد نمودارها و گراف‌های مناسب برای ارائه نتایج و عملکردها است (شکل ۴).



شکل ۴. وزن معیارهای ارزیابی مورد استفاده در روش AHP با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice

نرخ ناسازگاری با تقسیم شاخص ناسازگاری ماتریس تصادفی (R.I) محاسبه می‌شود. R.I بیانگر شاخص تصادفی است. این همان شاخص پایداری از یک ماتریس مقایسه دو به دو است که به صورت تصادفی ایجاد شده است. نسبت پایداری به نحوی تعیین می‌شود که اگر $CR < 0/10$ باشد در آن صورت، این نسبت دلالت بر سطح قابل قبول پایداری در مقایسه‌های زوجی دارد و اگر $CR > 0/10$ باشد در آن صورت ارزش‌های نسبت، بیانگر قضاوت‌های ناپایده هستند (فرج‌زاده، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر نرخ ناسازگاری که از خروجی نرم‌افزار EC به دست آمده، برای جمع‌آوری آب‌های سطحی ۰/۰۴ است که از ۰/۰۱ خیلی کوچک‌تر است و پذیرفته شده است (Cimren و همکاران، ۲۰۰۷). وزن معیارهای فاصله از رودخانه، شیب، تراکم کانال‌ها، فاصله از کانال‌ها، بارش، پوشش گیاهی، طبقات ارتفاعی، جاده و راه ارتباطی، تراکم زهکشی، فاصله از مسیل‌ها و کاربری اراضی به ترتیب ۱۶، ۵، ۸، ۱۰، ۲۳، ۶، ۲، ۴، ۱۰، ۱۳ و ۳ به دست آمد؛ بنابراین، تأثیر بارش بیشتر از سایر عوامل است و بعد از آن، به ترتیب فاصله از رودخانه، فاصله از مسیل، فاصله از کانال‌ها، تراکم زهکشی، تراکم کانال‌ها، پوشش گیاهی، شیب، جاده و راه ارتباطی، کاربری اراضی و طبقات ارتفاعی دارای بیشترین اثر هستند. اولیایی و همکاران (۱۳۹۱) به منظور مکان‌یابی مناطق مستعد استحصال آب باران در حوضه سیح و آل از روش تحلیل سلسله‌مراتبی بر پایه GIS استفاده کردند. برای این منظور از پارامترهای شیب، کاربری اراضی، نفوذپذیری و بارندگی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر نفوذ و ذخیره آب باران در پروفیل خاک استفاده شد. نتایج نشان داد که اثر بارندگی در منطقه بیش از سایر عوامل است و بعد از آن، به ترتیب نفوذپذیری خاک، پوشش سطحی خاک و شیب، دارای بیشترین اثر هستند.

جدول ۳. مقایسه زوجی پارامترهای مستخرج از نرم افزار Expert Choice

کاربری اراضی	مسیل	تراکم زهکشی	جاده و راه ارتباطی	طبقات ارتفاعی	پوشش گیاهی	بارش	فاصله از کانال ها	تراکم کانال ها	شیب	فاصله از رودخانه	
										۱	فاصله از رودخانه
									۱	۱/۵	شیب
								۱	۱/۳	۱/۲	کانال ها تراکم
							۱	۲	۱/۳	۱/۲	فاصله از کانال ها
						۱	۳	۳	۶	۲	بارش
					۱	۱/۴	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	پوشش گیاهی
				۱	۱/۳	۱/۶	۱/۴	۱/۵	۱/۲	۱/۶	طبقات ارتفاعی
			۱	۳	۱/۳	۱/۴	۱/۲	۱/۳	۱/۵	۱/۴	جاده و راه ارتباطی
		۱	۲	۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۴	۱/۳	تراکم زهکشی
	۱	۳	۳	۴	۲	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۱/۲	مسیل
۱	۱/۳	۲	۲	۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۴	۱/۳	کاربری اراضی

جدول ۴. میزان ضرایب پارامترهای مورد بررسی

16	فاصله از رودخانه
5	شیب
8	تراکم کانال ها
10	فاصله از کانال ها
23	بارش
6	پوشش گیاهی
2	طبقات ارتفاعی

4	جاده و راه ارتباطی
10	تراکم زهکشی
13	مسیل
3	کاربری اراضی

۴.۳. تولید نقشه نهایی خطرپذیری سیلاب

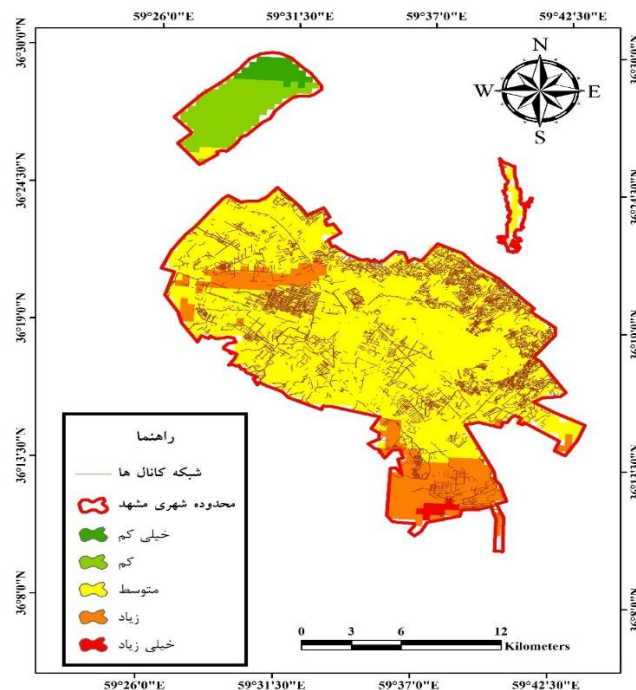
به منظور تهیه نقشه های معیار و نقشه نهایی پتانسیل جمع آوری آب های سطحی، از یک جعبه ابزار^۱ توسعه داده شده در محیط نرم افزار Arc GIS 10.3 استفاده شده است. در مدل تهیه شده تمامی اطلاعات متغیرهای ورودی، پردازش های لازم بر روی این متغیرها، روش تصمیم گیری چندمعیاره انتخابی (فرایند سلسله مراتبی) که شامل تولید معیارهای اصلی و شامل معیارهای فاصله از رودخانه، شیب، ارتفاع، پوشش گیاهی، تراکم زهکشی، بارش، کاربری اراضی، فاصله از مراکز جمعیتی و فاصله از معابر است، داده شده است. همچنین جعبه ابزار تهیه شده در قالب یک برنامه الحاقی در محیط نرم افزار Arc GIS 10.3 که بر مبنای یکی از روش های تصمیم گیری چندمعیاره (فرایند تحلیل سلسله مراتبی) استوار بوده، قابل اجرا است. همچنین فرایند تحلیل سلسله مراتبی به صورت یک فرمان، در نرم افزار GIS قابل اجرا بوده است. نحوه اجرای برنامه بالا به این ترتیب است که ابتدا لایه های برداری^۲ ورودی توسط برنامه خوانده شده و بعد از انجام پردازش های لازم بر روی آن، به فرمت اطلاعات رستری تبدیل می شوند. در مرحله بعد، ساختار سلسله مراتبی با توجه به هدف مسئله، شکل گرفته و در مرحله بعد نیز وزن معیارهای تصمیم گیری بر اساس ماتریس مقایسه زوجی محاسبه می شوند. در نهایت و در گام آخر برنامه، نقشه خروجی بعد از کلاسه بندی تولید می شود. با استفاده از روش وزن دهی روی هم گذاری لایه ها^۳ و نسبت دادن مقادیر وزن نهایی به متغیرهای ورودی که به لایه های رستری تبدیل شده اند، نقشه نهایی مناطق مستعد آب های سطحی تهیه شد. به طور کلی درباره کلاسه بندی معیارهای استفاده شده در این پژوهش، باید اشاره شود که معیارها به ۵ کلاس تقسیم شد و کلاس های به سمت عدد یک، نشان دهنده تأثیر کمتر در جمع آوری آب های سطحی و کلاس

1. Tool Box

2. Vector Layers

3. Weighted Overlay

به سمت اعداد بالاتر، بیانگر تأثیر کمتری در میزان پتانسیل سیل خیزی هستند. همچنین، این منطق درباره همه نقشه‌های معیار است. همچنین روش استاندارد کردن نقشه‌های معیار به این ترتیب است که اول در هر یک از نقشه‌های معیار، تصمیم‌گیری براساس اطلاعات خام اولیه است و پس از انجام پردازش‌های لازم بر روی این نقشه‌ها، آن‌ها تولید شدند. در ادامه با توجه به کلاس‌های هر یک از نقشه‌های معیار و تأثیر آن‌ها در میزان پتانسیل جمع‌آوری آب‌های سطحی، کلاسه‌بندی هریک از این معیارها صورت گرفت. برای نمونه، درباره استاندارد کردن نقشه معیار کاربری اراضی شهری باید اشاره شود که برای کاربری‌های مختلف شهری که در تخمین میزان رواناب مؤثر هستند، نحوه استاندارد کردن به این صورت است که با توجه به تأثیر هریک از کلاس‌های نقشه معیار کاربری اراضی در میزان رواناب و جمع‌آوری آب‌های سطحی، بین مقادیر یک الی پنج استاندارد می‌شوند؛ به این ترتیب که کلاس‌های به سمت اعداد پایین‌تر (یعنی عدد یک) نشان‌دهنده تأثیر بیشتری در میزان پتانسیل جمع‌آوری آب سطحی و کلاس‌های به سمت اعداد بالاتر (یعنی عدد پنج) بیانگر تأثیر کمتری در میزان پتانسیل جمع‌آوری آب سطحی هستند. نقشه نهایی مناطق مستعد جمع‌آوری آب سطحی یا استحصال آب باران به پنج کلاس مختلف از نظر مستعد بودن تقسیم شد. کلاس‌های یک، دو، سه، چهار و پنج به ترتیب نشان‌دهنده پتانسیل خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف و در نهایت کلاس پنج خیلی ضعیف است. تهیه نقشه‌های خطرپذیری سیلاب، می‌تواند به مثابه ابزاری مناسب، برای اصلاح زیرساخت‌های جمع‌آوری رواناب در حوضه‌های شهری برای استفاده طراحان و تصمیم‌گیرندگان در این زمینه مفید باشد.



شکل ۵- نقشه پهنه بندی خطر سیلاب در محدوده شهری مشهد

با توجه به شکل ۵، از کل مساحت محدوده شهری مشهد، در مجموع ۳۲ / ۶ کیلومتر مربع دارای خطر سیلاب خیلی کم، ۸۲ / ۲۳ کیلومتر مربع خطر کم، ۶ / ۲۶۰ کیلومتر مربع خطر متوسط، ۸۸ / ۴۱ کیلومتر مربع خطر زیاد و ۴ / ۲ کیلومتر مربع خطر خیلی زیاد است. به طور کلی می توان بیان کرد که حدود ۱٪ از کل محدوده شهری، دارای خطر خیلی کم، ۷٪ دارای خطر کم، حدود ۷۷٪ از کل محدوده شهری دارای خطر متوسط، ۱۲٪ دارای پتانسیل زیاد و ۳٪ از محدوده شهری مشهد دارای پتانسیل خیلی زیاد است. نتایج نشان می دهد که شیب های ۰ تا ۳ درجه که بیشتر کاربری شهری دارند مکان مناسبی برای استحصال هستند؛ بنابراین، مناطق با استحصال خیلی خوب، مناطقی هستند که از لحاظ شیب و پوشش شرایط مناسب تری دارند. با پیشروی به سمت مناطق جنوب، در محدوده شهری مشهد، احتمال وقوع سیلاب افزایش می یابد که همان طور که پیشتر نیز گفته شد در این مناطق بیشترین میزان بارش ثبت شده است.

بیشترین قسمت از سطح منطقه مورد مطالعه در طبقه متوسط قرار گرفته است. علت این امر را می‌توان نزدیکی به رودخانه، و افزون بر آن وضعیت شیب، ارتفاع و نیز میزان بارش‌ها در این نواحی با توجه به میزان وزنی که به معیار بارندگی اختصاص یافته است، دانست. همچنین وضعیت معیارهای تراکم زهکشی، فاصله از آبراهه، کاربری اراضی، فاصله از راه‌های ارتباطی و مهم‌تر از آن، وضعیت کانال‌های سیلابی نیز در این مناطق رضایت‌بخش بوده و در نتایج به‌دست‌آمده بی‌تأثیر نبوده‌اند. از نواحی مرکزی محدوده شهری مشهد، مشرف به نواحی جنوب و جنوب شرقی، به تدریج بر میزان خطر سیلاب افزوده می‌شود. دو طبقه خطر زیاد و خیلی زیاد نسبت به مساحت کل محدوده شهری، مساحت کمتری را داشته و در نواحی جنوب واقع شده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، مبین این مطلب است که روش مورد استفاده از اعتبار بالایی در پهنه‌بندی خطر سیلاب برخوردار بوده و به‌کارگیری فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی، به‌عنوان یک سیستم تصمیم‌یار مکانی، مؤثر در مکان‌یابی مناطق سیلابی است. همچنین با توجه به نقشه پتانسیل ذخیره و جمع‌آوری نزولات جوی، مناطق با پتانسیل مختلف، برای ذخیره آب‌های سطحی مشخص شده‌اند که در این صورت می‌توان پروژه‌های ذخیره نزولات را در این مناطق متمرکز کرد.

۴. نتیجه‌گیری

شهرها با توجه به موقعیت جغرافیایی که بر آن واقع شده‌اند، برای توسعه خود در آینده، با پدیده‌های ژئومورفیک مختلفی روبه‌رو هستند. شهرها از ترکیب واحدهای مختلف توپوگرافی و ژئومورفولوژیکی تشکیل شده‌اند، هرگونه اقدام برای توسعه و عمران شهرها، به طریقی با پویایی و دینامیسم محیط طبیعی و در نتیجه با پدیده‌های ژئومورفولوژی ارتباط دارد. از آنجایی که اغلب شهرهای ایران بر مخروط‌افکنه‌های آبرفتی گسترش یافته‌اند، حوضه یا حوضه‌های آبریز کوچک و بزرگی، از کوهستان‌های حاشیه‌ای به آن‌ها وارد می‌شوند. شهرنشینی با دخالت غیرمستقیم در داخل حوضه‌های بیان‌شده، سبب برهم زدن تعادل دامنه‌ها، از بین رفتن پوشش گیاهی، فشردگی خاک و تغییر در نیمرخ آبراهه‌ها، افزایش شدت سیلاب‌های ناگهانی و افزایش حجم رسوب تولیدی می‌شود. مسیل‌ها و رودخانه‌های شهری، به‌عنوان فضاها، پنهان شهری،

فرصتهایی هستند که بی توجه رها شده‌اند و با وجود پتانسیل‌های فراوانی که دارند، استفاده کامل و بهینه‌ای از آن‌ها نمی‌شود؛ به‌طوری که کارشناسان در بیشتر شهرها، آن‌ها را تهدیدی بر شهر به شمار آورده و به همین دلیل، به طرق مختلف کوشش در مهار آن‌ها می‌کنند. کاربری‌های مختلف شهری باعث شده تا آرایش طبیعی فرایندهای آبراهه‌ای که آب و رسوب را از مناطق کوهستانی به طرف حوضه‌های پایین‌دست انتقال می‌دهند، تحت تأثیر مداخلات انسانی قرار گرفته و یکی از مسائل اساسی مخاطره‌آمیز در این شهر را که همانا تغییرات ایجادشده در الگوی جریان‌های سطحی و شرایط طبیعی حوضه‌ها و تجاوز به حریم رودها و آبراهه‌ها است، به وجود آورد. از کل مساحت محدوده شهری مشهد، در مجموع $۶ / ۳۲$ کیلومتر مربع دارای خطر سیلاب خیلی کم، $۲۳ / ۸۲$ کیلومتر مربع خطر کم، $۲۶۰ / ۰۶$ کیلومتر مربع خطر متوسط، $۴۱ / ۸۸$ کیلومتر مربع خطر زیاد و $۲ / ۰۴$ کیلومتر مربع خطر خیلی زیاد است. به‌طور کلی حدود ۱% از کل محدوده شهری دارای خطر خیلی کم، ۷% دارای خطر کم، حدود ۷۷% از کل محدوده شهری دارای خطر متوسط، ۱۲% دارای پتانسیل زیاد و ۳% از محدوده شهری مشهد دارای پتانسیل خیلی زیاد است. به‌طور کلی نتیجه گرفته می‌شود که راهکارهای مدیریتی مناسبی برای آن بخش از پهنه‌های شهر که در معرض خطر بالای سیلاب قرار دارند باید به کار گرفته شود؛ مراکز خدماتی امدادی بحران مانند آتش‌نشانی، در نزدیکی مناطق خطر بالا مکان‌یابی شوند؛ توسعه شهر در این قسمت‌ها محدود شده و یا براساس ضوابطی باشد تا سبب تشدید سیلاب نشود؛ فضاهای سبز شهری با کارکرد حفاظت از خاک و جلوگیری از سیلاب‌های سهمگین احداث شود و در تحقیقات بعدی نیز پیشنهاد می‌شود قطعات و بلوک‌های شهری که در حریم مسیل‌ها هستند شناسایی شود و متناسب با ویژگی‌های آن‌ها منتقل شده، تغییر یابند و سازگاری / ناسازگاری کاربری‌ها بررسی شوند.

کتابنامه

۱. محمدی، ج.، پورقیومی، ح.، و قنبری، م. (۱۳۹۱). تلفیق مدل همپوشانی شاخص‌های IO و تحلیلی سلسله مراتبی (AHP) در مکان‌یابی مراکز آموزشی (نمونه موردی: مدارس راهنمایی شهر کازرون). *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، (۱)، ۱۱۳-۱۲۸.

۲. صحت، س. و پرزادی، ع. (۱۳۸۸). به کارگیری تکنیک فرایند تحلیل شبکه‌ای در تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید. نشریه مدیریت صنعتی، ۱(۲)، ۱۰۵-۱۲۰.
۳. عظیمی حسینی، م. نظری‌فر، ه. و مؤمنی، ر. (۱۳۹۰). کاربرد GIS در مکان‌یابی تهران: انتشارات مهرگان قلم.
۴. کرم، ا. (۱۳۸۷). کاربرد روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در ارزیابی زمین برای توسعه کالبدی بر پایه عوامل طبیعی (مطالعه موردی: مجموعه شهری شیراز). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱(۱۱)، ۳۳-۴۵.
۵. مالچفسکی، ی. (۱۳۸۵). سامانه اطلاعات جغرافیایی و تحلیل تصمیم چندمعیاری (ا). پرهیزکار، و ع. غفاری گیلاده، مترجمان). تهران: انتشارات سمت.
۶. قنوتی، ع.، حسین‌زاده، س. ر.، کرم، ا. و فرخ‌زاد، م. (۱۳۹۷). توسعه فیزیکی کلان‌شهر مشهد و تغییر در مورفولوژی سیستم‌های رودخانه‌ای. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۹(۴)، ۶۹-۸۸.
۷. رجایی، ع. (۱۳۸۲). کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه‌ریزی شهری و روستایی. تهران: انتشارات سمت.
۸. محمودی، ف. (۱۳۷۶). کاربرد ژئومورفولوژی در مطالعات محیط. در مجموعه مقالات همایش پژوهش‌ها و قابلیت‌های علم جغرافیا در عرصه سازندگی. تهران: مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران.
۹. قهرودی تالی، م.، مجیدی هروی، آ. و عبدلی، ا. (۱۳۹۵). آسیب‌پذیری ناشی از سیلاب شهری (مطالعه موردی: تهران، درکه تا کن). جغرافیا و مخاطرات محیطی، ۱(۱۷)، ۱۰-۱۸.
۱۰. رستمی، ن.، کرد، ل. و رمضانی، ف. (۱۳۹۵). تأثیر شهرسازی بر میزان دبی در مناطق شهری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز شهر ایلام). مقاله ارائه‌شده در همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در کشاورزی، کرج.
11. Bhattacharya, N. (2010). *Flood risk assessment in Barcelonate, France*. International Institute for Geo-Information Science and Earth Observation Enscheda (ITC), the Netherlands.
12. Cadier, E. (1996). Small watershed hydrology in Semi-Arid North Eastern Brazil Basin topography and transposition of annual runoff data. *Journal of Hydrology*, 182, 117-141.
13. Eastman, J. R. (1997). *Idrisi for windows, user's guide, version 2.0*: Clark labs for cartographic technology and geographic analysis. Clark University, Worcester.
14. ESCAP. (1984). *Proceedings of seminar on flood vulnerability analysis and on the principle of floodplain management for flood loss prevention*. Water Resources Series, No. 58, United Nations.

15. Fernandez, D. S., & Luz, M. A. (2010). Urban flood hazard zoning in Tucuman Province, Argentina, using GIS and multicriteria decision analysis. *Engineering Geology*, 111, 90-98.
16. Graham, A., Day, J., & Ohnray, B. (2014). Maximizing the potential for -people and wildlife- A guide for local authorities and developer sustainable drainage – systems. *Human Ecology*, 34, 155-183.
17. Karmen, P., & Rozman, C. (2005). Application of analytical hierarchy process I agriculture. *Poljoprivreda*, 11(2), 33-67.
18. Mackenzie, S. (2012). *Temporary diversion methods (TDM)*. Retrieved form <https://www.mhfd.org/wp-content/uploads/2014/07/SM-08-Temporary-Diversion-Methods.pdf>
19. Ozturk, D., & Batuk, F. (2011). Implementation of GIS-based multicriteria decision analysis with via in ArcGis. *International Journal of Information Technology & Decision Making*, 6, 1023-1042.
20. Napradean, I., & Chira, R. (2006). The hydrological modelling of the Ustturoi valley- Using two modelling programs–WetSpa and HecRas. *Carpathian Journal of Earth and Environmental Sciences*, 1(1), 53-62.
21. Richard, A., & Claytor, T. R., (2014). *Design of storm water filtering systems*. Center for Watershed Protection Press.
22. Sadeghi, Sh., & Akbarpoor, A. (2011). *Comparing two different strategies in locating prone area water harvesting using decision support system (DSS) based on GIS Case study: Birjand splain*. Paper presented at the 11th Seminar of Irrigation and reduce evaporation, Kerman.
23. Schick, A. P. Grodek, T., & Wolman, M. G. (1999). Hydrologic processes and geomorphic constraints on urbanization of alluvial fan slopes, *Geomorphology*, 31(1-4), 325-335.
24. Triantaphyllou, E., & Mann, S. H. (1995). Using the analytic hierarchy process for decision making in engineering applications: some challenges. *Inter'l Journal of Industrial Engineering; Applications and Practice*, 2(1), 35-44.
25. Waikar, M. L., & Aditya, P. (2014). Morphometric analysis of a drainage basin using geographical information system. *International Journal of Multidisciplinary and Current Research*, 12, 179-184.
26. Yahaya, S. (2008). *Multicriteria analysis for flood vulnerable areas in Hadejia-Jama are river Basin, Nigeria*. Paper presented at the Annual Conference Portland, Oregon.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.86844.1396>

Spatial and Temporal Changes of Tourism Climate in Ardabil Province using Physiological Equivalent Temperature (PET) and its Prediction Using Multivariable Regression Equation¹

Tohid Ahmadzadeh

PhD student in Climatology, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Parviz Rezaei²

Associate Professor of Climatology, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Youssef Zeinalabedin Amoghin

Associate Professor of Political Geography, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Received: 13 February 2024 Revised: 16 March 2024 Accepted: 13 April 2024

Abstract

Climate is one of the environmental factors that plays a seminal role in human activities including tourism. In this research, the human-biometeorological climatic conditions of Ardabil province have been investigated using physiological equivalent temperature (PET) based on body-atmosphere energy balance and multivariate regression. The data was collected from the National Meteorological Organization for 8 synoptic stations over 30 years (1991 to 2020). The results suggest that out of 9 climate classes of PET index, only 5 classes of “very cold, cold, relatively cool, cool and comfortable” can be found in this region and 4 classes of “relatively hot, hot, hot and very hot” do not exist in this province. In this regard, it turned out that very cold conditions prevail over the entire province in 5 months of the cold season, i.e., January, February, March, November and December, and the spatial distribution of these conditions is fully homogenous. This is relatively heterogeneous in the summer and the climatic conditions of this area are more variable in the hot season of the year. In general, in June, July and August, ideal

1. The article is extracted from the doctoral thesis of the first author of the article at Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

2. Corresponding Author: Email: rezaei@iaurasht.ac.ir

conditions prevail in parts of this province. As such, the it was found that the major controlling factor of comfortable climatic conditions among longitude, latitude and altitude was altitude, so that there is a strong inverse relationship between altitude and PET index in 12 months of the year at a significant level of $\alpha=0.05$ and $\alpha=0.01$. The multivariate regression relationship of longitude, latitude and altitude with the PET indicate that Adj.R2 value of PET from January to December for the reference period is 0.713, 0.820, 0.783, 0.807, 0.807, 0.559, 0.841, 0.693, 0.745, 0.731, 0.824 and 0.662. The highest variations in the dependent variable were observed in the regression model. In this model, altitude has an inverse relationship with PET so that its value declines as altitude increases. This is true for two variables of latitude and longitude, but the effect of longitude is less substantial than that of latitude, both of which are eclipsed by altitude.

Keywords: Human bioclimatic, Physiological equivalent temperature (PET), Comfort, Multiple Regression, Ardabil Province



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.86844.1396>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

تغییرات مکانی و زمانی اقلیم گردشگری استان اردبیل با استفاده از دمای معادل فیزیولوژیک (PET) و پیش‌بینی آن با استفاده از معادله رگرسیون چندمتغیره^۱

توحید احمدزاده (دانشجوی دکتری آب و هواشناسی، گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران)

tohidahmadzadeht@gmail.com

پرویز رضائی (دانشیار اقلیم‌شناسی، گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران، نویسنده مسئول)

rezaei@iaurasht.ac.ir

یوسف زین‌العابدین عموقین (دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران)

y.zeinolabedin@gmail.com

صص ۲۸۴ - ۲۵۳

چکیده

آب و هوا یکی از عوامل محیطی است که نقش مهمی در فعالیت‌های انسانی از جمله گردشگری ایفا می‌کند؛ از این رو، در این پژوهش شرایط اقلیمی انسانی - زیست‌هواشناختی استان اردبیل با استفاده از دمای معادل فیزیولوژیک (PET) براساس بیان انرژی بدن - جو و رگرسیون چندمتغیره بررسی شده است. داده‌های مورد نیاز از سازمان هواشناسی کشور برای ۸ ایستگاه همدید به مدت ۳۰ سال (۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰) دریافت گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که از ۹ طبقه اقلیمی شاخص PET، فقط ۵ طبقه خیلی سرد، سرد، نسبتاً خنک، خنک و آسایش در این ناحیه وجود داشته و ۴ طبقه نسبتاً گرم، گرم، داغ و خیلی داغ در این استان وجود ندارد. در همین راستا مشخص شد که شرایط خیلی سرد بر کل مساحت

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت است.

این استان در ۵ ماه فصل سرد سال یعنی ژانویه، فوریه، مارس، نوامبر و دسامبر حکمفرما بوده و توزیع مکانی این شرایط کاملاً یکنواخت است. این مهم در فصل تابستان نسبتاً ناهمگن بوده و تنوع شرایط اقلیمی این ناحیه در فصل گرم سال نیز بیشتر است. بطور کلی در ماه‌های ژوئن، ژولای و آگوست شرایط ایده‌آل در بخش‌هایی از این استان حاکم بوده است. در این راستا مهم‌ترین عامل کنترل‌کننده شرایط اقلیم آسایش از بین طول، عرض و ارتفاع نیز ارتفاع تعیین شد بطوریکه بین ارتفاع و مقدار شاخص PET رابطه معکوس قوی در ۱۲ ماه سال برقرار بوده و در سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ و $\alpha = 0.01$ به اثبات رسید. رابطه رگرسیونی چند متغیره بین طول، عرض و ارتفاع با مقدار PET بیانگر آن است که مقدار $Adj.R^2$ دمای معادل فیزیولوژیک (PET) از ماه ژانویه تا دسامبر برای دوره مرجع برابر با ۰/۷۱۳، ۰/۸۲۰، ۰/۷۸۳، ۰/۸۰۷، ۰/۸۰۷، ۰/۵۵۹، ۰/۸۴۱، ۰/۶۹۳، ۰/۷۴۵، ۰/۷۳۱، ۰/۸۲۴ و ۰/۶۶۲ بوده و بیشتر تغییرات متغیر وابسته در مدل رگرسیونی دیده شده است. در این مدل متغیر ارتفاع با متغیر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) رابطه معکوس داشته و با افزایش ارتفاع از مقدار آن کاسته می‌شود. این مهم در مورد دو متغیر طول و عرض جغرافیایی هم صدق می‌کند اما تاثیر طول جغرافیایی کمتر از عرض جغرافیایی بوده و تاثیر هر دو آنها از متغیر ارتفاع نیز کمتر می‌باشد.

واژگان کلیدی: بیوکلیماتیک انسانی، دمای معادل فیزیولوژیک (PET)، آسایش، رگرسیون چندگانه، استان اردبیل.

۱. مقدمه

صنعت گردشگری امروزه در چهارچوب طرح‌های آمایشی ملی، منطقه‌ای، و محلی یکی از ابزارها و مؤلفه‌های مهم توسعه و محرومیت‌زدایی به شمار می‌رود. گردشگری که از مهم‌ترین عوامل عمران ناحیه‌ای است، فعالیتی است که موجب توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه و توزیع عادلانه درآمد شده و همچنین بالا رفتن سطح اشتغال را به همراه دارد. توسعه صنعت گردشگری در ایران ضمن ایجاد اشتغال برای گروه‌های مختلف، رونق صنایع دستی، توسعه حمل و نقل وابسته به گردشگری را به دنبال دارد و این امر منبع قابل توجهی برای کسب درآمدهای ارزی و عامل بازدارنده مهم در مقابل خروج ارز از کشور است. امروزه درآمد حاصل گردشگری به صورت یکی از بزرگ‌ترین منابع درآمد کشورهاست که در جهان از آن به عنوان «صادرات نامرئی» نام می‌برند. از طرف دیگر صنعت گردشگری به طور مستقیم متأثر از شرایط

جوی و اقلیمی است. با توجه به تفاوت زیاد افراد با یکدیگر، احساس آن‌ها از یک وضعیت جوی یا اقلیمی ممکن است متفاوت باشد؛ ازاین‌رو، نه می‌توان هیچ اقلیمی را کاملاً نامطلوب و نه برای همه نوع فعالیت افراد، کاملاً مطلوب دانست. به دنبال تلاش‌های صورت گرفته برای پهنه‌بندی اقلیمی مناطق مختلف دنیا، اقلیم‌شناسان به ارزیابی و تقسیم‌بندی اقلیم از نظر انسانی گرایش پیدا کرده‌اند که بیشتر یک زمینه بین رشته‌ای است و حاصل همکاری رشته‌های اقلیم‌شناسی کاربردی و زیست‌هواشناسی انسانی و دستاوردهای مدرن اقلیم‌زیستی است. بنابراین شرایط آب و هوایی برای بیشتر گردشگران، برای انتخاب مقصد بسیار مهم بوده و درواقع اقلیم، بخش مهمی از ظرفیت گردشگری یک منطقه را به خود اختصاص می‌دهد.

نظر به اینکه ایران جزو ۱۰ کشور تاریخی جهان به شمار می‌رود، می‌تواند سالانه میلیون‌ها جهانگرد و گردشگر را جذب کند ولی از نظر میزان پذیرش گردشگر خارجی، جزو ۷۰ کشور جهان به شمار می‌رود. کشور ما می‌تواند با گسترش و توسعه امکانات و تسهیلات و برنامه‌ریزی مناسب جهت توریسم، به کسب درآمد هنگفتی برسد. به همین دلیل است که دولت به منظور ارائه الگوهای صحیح و همچنین کسب درآمد ارزی و شناسایی و ترویج فرهنگ اسلامی و ملی و همچنین معرفی جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی کشورمان، چند سالی است که به ایجاد امکانات و آمایش جاذبه‌های جهانگردی توجه می‌کند، ازاین‌رو، یکی از مسائلی که باید مد نظر باشد، مبحث اقلیم‌آسایش و در نتیجه یک برنامه‌ریزی مناسب برای اقلیم گردشگری در راستای توسعه گردشگری است.

از آنجاکه بخش اعظمی از گردشگری مدرن بر مبنای استفاده از ویژگی‌های طبیعی - فیزیکی استوار است، توسعه مکان‌های گردشگری متکی به یک منبع نبوده، بلکه مستلزم طیف گسترده‌ای از منابع و به‌ویژه منابع طبیعی است (تولایی، ۱۳۹۳)؛ به‌طوری که در بسیاری از کشورها، آب و هوا و اقلیم یک سرمایه با ارزش برای گردشگری به شمار می‌روند (اگنیو و پالوتیکاف، ۲۰۰۱). اطلاع از آسایش اقلیمی آن روزهایی که گردشگران به دیدن اماکن می‌روند، برای برنامه‌ریزان بسیار ارزشمند است و برنامه‌ریزان به اطلاعات اقلیمی قبل، بعد و در زمان بازدید اماکن نیاز دارند. بنابراین تعیین شاخصی برای آسایش هرچه بیشتر گردشگری اهمیت بسیاری دارد

(فریتاس^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). وضعیت آب و هوایی یک منطقه از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر برای جذب گردشگر و یا برعکس تضعیف آن است. یکی از اطلاعات مورد نیاز گردشگران برای سفر، شرایط اقلیمی مقصد است و بیشتر گردشگران برای انتخاب مقصد گردشگری، به ملاحظات اقلیمی توجه می‌کنند. اقلیم از دیدگاه برنامه‌ریزی گردشگری بسیار اهمیت دارد و گردشگران معمولاً در جستجوی اقلیم مطلوب یا اقلیم آسایش هستند که در آن، فرد هیچ گونه احساس نارضایتی و عدم آسایش حرارتی و اقلیمی ندارد و این عامل نقش مهمی در تصمیم‌گیری برای مقصد گردشگری دارد. به این منظور، برای بررسی هرچه بهتر تأثیر اقلیم بر گردشگری، مدل‌های گوناگونی تاکنون ارائه شده است که از بین آن‌ها می‌توان از شاخص‌های مرتبط با فیزیولوژی انسانی که از معادله بیلان انرژی بدن انسان مشتق شده‌اند، بهره جست که امروزه اعتبار بیشتری در مطالعات زیست اقلیم انسانی و همچنین آب و هواشناسی گردشگری دارد (ماتزاراکیس^۲ و همکاران، ۱۹۹۹). یکی از مدل‌های کارآمد درباره اقلیم - آسایش نیز دمای معادل فیزیولوژیک^۳ (PET) است. شاخص PET این مزیت را در مقایسه با سایر مدل‌های اقلیم گردشگری داراست که نه تنها دمای محیط را در داخل بافت ساختمان در نظر می‌گیرد بلکه دمای محیط را در خارج از ساختمان برای آسایش گردشگران لحاظ می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

در راستای اقلیم - آسایش مطالعات گسترده‌ای در داخل و خارج کشور انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. شاخص دمای معادل فیزیولوژیک (PET) از بیلان انرژی بدن انسان مشتق شده است. شاخص PET دمایی است که طی آن در یک محیط مرجع توازن حرارتی بین دمای پوست و دمای مرکزی بدن با محیط بیرون در تعادل باشد. محیط مرجع محیطی است که فشار بخار آب ۱۲ هکتوپاسکال (۵۰ درصد رطوبت نسبی در دمای ۲۰ درجه سانتی‌گراد)، سرعت باد ۰/۱ متر بر ثانیه، سوخت و ساز فعالیت ۸۰ وات، مقاومت حرارتی لباس ۰/۹ کلو (CLO) و دمای تابشی متوسط با دمای هوا برابر باشد. تأثیر رطوبت بر PET به شار گرمای نهان

1. Freitas

2. Matzarakis

3. Physiological Equivalent Temperature

از طریق تنفس و انتشار از پوست محدود شده است (هوپی^۱، ۱۹۸۴، ۱۹۹۹). نتایج بررسی شرایط زیست اقلیم حرارتی شهرهای کامپیناس، سائو پائولو و سانتوس برزیل با شاخص PET نشان داد که نه تنها تابش خورشید و سرعت باد در آسایش حرارتی تأثیر دارد، بلکه استرس گرما نیز باید در شرایط مختلف اقلیمی مد نظر باشد. علاوه بر این، می‌توان با مدیریت جنگل و فضای سبز، در راه‌های عابر پیاده و همچنین با استفاده از نماها، سایه بیشتری داشت و زیست اقلیم حرارتی در هر دو شهر را کنترل کرد؛ همچنین، باد می‌تواند آسایش حرارتی در داخل و خارج از ساختمان را بهبود بخشد. بهبود آسایش حرارتی در فضای باز با طراحی شهری مناسب یک گام مهم برای رسیدن به پایداری در فضاهای شهری است (آبروهاریچ^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). مناطق آسایش حرارتی برای برنامه‌ریزی تفریحی در فضای باز اربیل (عراق) بیانگر آن است که کمترین میزان PET در حدود ۷/۲ درجه سانتی‌گراد در ماه ژانویه و بالاترین مقدار PET در حدود ۵۶/۴ درجه سانتی‌گراد در ماه جولای بوده است. همچنین دو ماه مارس و نوامبر نیز بهترین ماه‌های آسایش در طول سال هستند و ماه‌های سپتامبر، ژانویه و فوریه به‌عنوان سردترین ماه‌های سال و ماه‌های می تا سپتامبر به‌عنوان گرم‌ترین ماه‌های سال (به‌ویژه در ماه جولای) شناسایی شدند (حمد و اوغوز^۳، ۲۰۲۰). ویژگی‌های شاخص آسایش حرارتی در فضای باز^۴ (OCTI) به روش دمای معادل فیزیولوژیک در سایت گردشگری منده^۵ نشان می‌دهد که ویژگی‌های OCTI سالانه در این منطقه تحت تسلط طبقه کمی گرم (۹۸٪) و آسایش (۲٪) است. همچنین در طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵، تغییر در PET رخ داده و روند در طبقه کمی گرم از نوع افزایشی و در طبقه آسایش از نوع کاهشی بوده است (وبلیس^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). استفاده از دمای معادل فیزیولوژیک (PET) برای تعیین اثرهای رخدادهای شدید گرمایی در آنکارا در تابستان ۲۰۲۰ بیانگر آن است که مقدار این شاخص بالای ۲۷ درجه سانتی‌گراد بوده و همچنین در یک روز بسیار گرم، مقدار آن بین ۲۹ تا ۳۲/۹ درجه سانتی‌گراد در طی ۲۴ ساعت تغییر می‌کند.

1. Hoppe
2. Abreu-Harbich
3. Hamad & Oguz
4. Outdoor Thermal Comfort Index
5. Mandeh
6. Willis

(نوری و همکاران، ۲۰۲۲). تحلیل شاخص آسایش حرارتی منطقه گردشگری ساحلی شهر پادانگ^۱ با استفاده از روش دمای معادل فیزیولوژیک (PET) نشان داد که احساس حرارتی شاخص PET برای منطقه ساحلی شهر پادانگ در طول سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ در طبقه «گرم» برای فعالیت‌های گردشگری گنجانده شده است. به همین ترتیب، اندازه‌گیری‌های مستقیم طبقه «بسیار داغ» را با مقدار PET برابر با ۴۰/۳ درجه سانتی‌گراد نشان می‌دهد. با این حال، مصاحبه با بازدیدکنندگان نشان داد که شرایط کلی آسایش «خشتی» بوده (۶۲٪)، و این به دلیل شرایط محیطی است که آسایش را برای بازدیدکنندگان فراهم می‌کند (سوهادا^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). ارزیابی شرایط آسایش حرارتی در فضای باز پیست اسکی بزرگ صربستان در ۳۰ سال گذشته وجود تنش سرمای غالب در تمام طول سال را با روش PET تایید می‌کند. همچنین روزهایی با تنش گرمایی متوسط، شدید و خیلی شدید ثبت نشده و تنش سرمای خیلی شدید و شدید در فصل زمستان و تنش سرمای خفیف و متوسط در تابستان بر این منطقه تسلط داشته است. فصول انتقالی بسیار سرد بوده، اما پاییز در مقایسه با بهار از آسایش بیشتری برخوردار است. همچنین با گرم شدن کره زمین، تعداد روزهای با گرمای مناسب سالانه افزایش و از تعداد روزهای با تنش سرمایی خیلی شدید و شدید کاسته می‌شود. تداوم این روند می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر گردشگری در آینده تأثیر بگذارد و از این رو برای سازگاری با تغییر اقلیم نیاز به استراتژی‌های جدیدی در پیست‌های اسکی خواهد بود (مالینوویچ-میلیسویچ^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین بررسی رابطه بین برنامه‌ریزی گردشگری و آسایش زیست اقلیم مناطق روستایی کوفچاز^۴، کرکلارلی^۵ به روش PET در ترکیه بیانگر تغییرات زمانی و مکانی شرایط آسایش زیست اقلیمی در آن‌ها است. به‌طوری که ماه‌های می، ژوئن و سپتامبر در طبقه آسایش قرار گرفته و از مناسب‌ترین ماه‌ها برای فعالیت‌های گردشگری بوده و ماه‌های دسامبر، ژانویه و فوریه در طبقه تنش سرمایی شدید واقع بوده و برای گردشگری نامناسب هستند (آتس^۶ و همکاران، ۲۰۲۳).

1. Padang

2. Suhada

3. Malinovic-Milicevic

4. Kofçaz

5. Kirklareli

6. Ates

در پژوهشی با عنوان «کمی سازی اقلیم گردشگری شمال غرب ایران» به روش دمای معادل فیزیولوژیک مشخص شد که در ماه های ژوئن، جولای و آگوست ساحل دریاچه ارومیه در طبقه آسایش قرار داشته و از مناسب ترین ماه ها برای فعالیت های گردشگری هستند (فرج زاده و ماتزاراکیس، ۲۰۰۹). این دو پژوهشگر با ارزیابی شرایط آسایش حرارتی دریاچه ارومیه به روش PET نشان دادند که مناسب ترین دوره برای گردشگری، ورزش و تفریح در این دریاچه بین خرداد تا شهریور است. تنش سرما (PET کمتر از ۴ درجه سانتی گراد) از انتهای اکتبر تا آغاز آوریل با بیشترین درصد فراوانی (در حدود ۹۶٪) اتفاق می افتد. همین طور تنش گرمایی (PET بیشتر از ۲۳ درجه سانتی گراد) از ژوئن تا اوایل اکتبر مشاهده می شود. از این رو، ماه های ژوئن، آگوست، سپتامبر و ژولای مناسب ترین دوره سال برای فعالیت های گردشگری در این منطقه به شمار می روند (فرج زاده و ماتزاراکیس^۱، ۲۰۱۲). به منظور تعیین برنامه مناسب گردشگری در گرگان با روش PET مشخص شد که دوره آسایش اقلیمی گرگان ۵۲ روز بوده و دو دوره، اول تا ۲۵ مارس و ۲۷ اکتبر تا ۱۵ نوامبر را شامل می شود. همچنین ماه دسامبر و ژانویه همراه با روزهای تنش سرمایی کم، ۲۵ مارس تا پایان ماه و از ابتدای اکتبر تا ۱۶ ژانویه با تنش گرمایی کم برای فعالیت های گردشگری قابل برنامه ریزی هستند. ماه ژوئن و جولای با تنش گرمایی بالا، آگوست با تنش گرمایی متوسط، روزهای آخر نوامبر و برخی از روزهای فوریه با تنش سرمایی متوسط از جمله محدودیت های زمانی برای فعالیت های گردشگری این ناحیه به شمار می روند (اسماعیلی و همکاران، ۲۰۱۵). شرایط زیست اقلیمی حرارتی برای گردشگران غرب و شمال غرب ایران با استفاده از دمای معادل فیزیولوژیک نشان می دهد که ماه های اسفند و آذر در غرب کرمانشاه، ماه های فروردین، اردیبهشت و مهر در کرمانشاه و کردستان و خرداد و شهریور در مناطق شمالی منطقه مانند آذربایجان و همدان در طبقه آسایش قرار گرفته اند که مناسب ترین ماه ها برای گردشگری و فعالیت های گردشگری به شمار می روند (حنفی و آتشگاهی، ۲۰۱۷). آسایش سنجی اقلیم - گردشگری با استفاده از شاخص PET در استان گیلان نشان می دهد که ۶ ماهه اول سال (فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد و شهریور) برای ورود گردشگر مناسب است. همچنین ماسوله با توجه به دارا بودن ۴ ماه بدون تنش (خرداد، تیر، مرداد و شهریور)، در

مقایسه با بقیه نقاط استان برای ورود گردشگر برتری دارد (داوودی و همکاران، ۱۳۹۹). در همین راستا، تحلیل مکانی شاخص PET در شرق استان گیلان حاکی از آن است که این شاخص در نواحی کوهستانی دارای کمترین مقدار و در نواحی جلگه‌ای دارای بیشترین مقدار است. همچنین تغییرات مکانی در شرایط مطلوب گردشگری از جلگه به کوهستان در فصل گرم و برعکس در فصول انتقالی اتفاق می‌افتد (خوشدل و همکاران، ۱۳۹۹). ارزیابی شرایط اقلیم گردشگری در سه ایستگاه نوشهر، رامسر و رشت به روش PET نشان می‌دهد که بهترین شرایط اقلیمی برای گذراندن اوقات فراغت و فعالیت‌های گردشگری در این منطقه در دو دوره مجزا یعنی اواسط بهار (اردیبهشت و خرداد) و آغاز فصل پاییز (مهر) است. همچنین تداوم تنش گرمایی متوسط از تیر تا مرداد و تنش سرما در دوره‌های مختلف از آبان تا پایان فصل زمستان عاملی برای محدودیت‌های گردشگری در این ماه‌ها است. ماه‌های دیگر در شرایط حرارتی کمی گرم و کمی خنک نیز شرایط آب و هوایی نسبتاً خوبی از نظر دما و رطوبت دارند (کاکوان و همکاران، ۲۰۲۰). بررسی تقویم اقلیم گردشگری شهرستان پل دختر به روش PET حاکی از آن است که شرایط مطلوب اقلیم گردشگری در مقیاس روزانه تنها در ماه آوریل و اکتبر فراهم می‌شود و انسان در این دو ماه نیاز به هیچ اقدامی برای تغییر شرایط دمای محیط ندارد و از وضعیت دمایی محیط، احساس رضایتمندی دارد. همچنین در ماه‌های نوامبر و مارس نیز با وجود تنش‌های گرمایی و سرمایی بسیار اندک، شرایط کم و بیش مطلوبی برای گردشگری ایجاد می‌شود. در مقیاس بلندمدت، تنش سرمایی بسیار شدید با کمترین فراوانی روزانه در هیچ کدام از ماه‌ها مشاهده نشد. در صورتی که تنش گرمایی بسیار شدید، متناظر با شاخص PET بیش از ۴۱ درجه سلسیوس از ژوئن تا سپتامبر رخ می‌دهد و شرایط غیرقابل تحملی در اقلیم گردشگری پلدختر پدید می‌آید (میرهاشمی و همکاران، ۱۴۰۰). در بندر چابهار وضعیت اقلیمی و شرایط حرارتی در بیشتر ماه‌های سال خارج از محدوده آسایش قرار دارد و بیشتر تنش‌های گرمایی، محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های گردشگری ایجاد می‌کند. براساس خروجی شاخص PET، بهترین زمان گردشگری در منطقه مورد مطالعه، اواسط پاییز و اواخر زمستان و در سه ماه دسامبر (آذر تا دی) و به‌ویژه نوامبر (آبان تا آذر) و مارس (اسفند تا فروردین) است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱).

در پژوهش حاضر اقلیم گردشگری استان اردبیل به روش شاخص دمای معادل فیزیولوژیک (PET) بررسی شده است؛ زیرا اقلیم با اثرات مستقیم خود، نه تنها باعث تنوع زیستی می‌شود، بلکه با اثرات اجتماعی مرتبط بوده و رشد اقتصادی و ثبات سیاسی کشورها را تضمین می‌کند. در نتیجه به علت رابطه مستقیم اقلیم گردشگری با شرایط اقلیمی هر مکان، اطلاع از شرایط اقلیم آن مکان می‌تواند متضمن زمان گردشگری پذیرای آن باشد و به مدیران اجرایی و دست‌اندرکاران مرتبط با این بخش، برای تدوین برنامه‌های اصولی در راستای درآمد اقتصادی از پتانسیل‌های گردشگری استان کمک بگیرد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

به منظور بررسی شرایط اقلیم گردشگری استان اردبیل از دمای معادل فیزیولوژیک استفاده شد. دمای معادل فیزیولوژیک از مدل بیلان انرژی بدن انسان مشتق شده است (هوپی، ۱۹۸۴، ۱۹۹۹). شاخص PET دمایی است که طی آن در یک محیط مرجع توازن حرارتی بین دمای پوست و دمای مرکزی بدن با محیط بیرون در تعادل باشد. محیط مرجع محیطی است که فشار بخار آب ۱۲ هکتوپاسکال (۵۰ درصد رطوبت نسبی در دمای ۲۰ درجه سانتی‌گراد)، سرعت باد ۰/۱ متر بر ثانیه، سوخت و ساز فعالیت ۸۰ وات، مقاومت حرارتی لباس ۰/۹ کلو (CLO) و دمای تابشی متوسط با دمای هوا برابر باشد. تأثیر رطوبت بر PET به شار گرمای نهان از طریق تنفس و انتشار از پوست محدود شده است (ماتزاراکیس^۱ و همکاران، ۱۹۹۹). مزیت مهم شاخص PET واحد درجه‌بندی آن است که برحسب درجه سانتی‌گراد است. در نتیجه فهم آن برای گردشگران، برنامه‌ریزان و سرمایه‌گذاران گردشگری آسان بوده و می‌تواند به عنوان یک شاخص آسایش حرارتی کاربردی به شمار رود (لین^۲ و ماتزاراکیس، ۲۰۰۸). داده‌های هواشناسی مورد نیاز این شاخص، دمای هوا، رطوبت نسبی، سرعت باد و جریان‌های تابش امواج کوتاه و بلند بوده و برای محاسبه آن از نرم‌افزار RayMan استفاده می‌شود (ماتزاراکیس و همکاران، ۲۰۱۷). در جدول ۱ وضعیت آسایش انسان براساس شاخص PET ارائه شده است.

1. Matzarakis

2. Lin

جدول ۱. آستانه‌های تعیین‌کننده در شاخص PET و شرایط آسایش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

PET	<۴	۴-۸	۸-۱۳	۱۳-۱۸	۱۸-۲۳	۲۳-۲۹	۲۹-۳۵	۳۵-۴۱	۴۱ >
درجه آسایش	خیلی سرد	سرد	خنک	نسبتاً خنک	آسایش	نسبتاً گرم	گرم	داغ	خیلی داغ

برای محاسبه PET از مدل بیلان انرژی برای افراد یا همان MEMI استفاده می‌شود که از طریق روابط ریاضی ۱ تا ۱۲ به دست می‌آید. در معادلات زیر M نرخ سوخت و ساز (وات بر متر مربع)، η کارایی مکانیکی، $f_{cl} * f_{cfe}$ نسبت مساحت شخص پوشیده به مساحت بدون پوشش، T_a دمای هوا به درجه سانتی‌گراد، T_{cl} دمای سطح لباس به درجه سانتی‌گراد، P_{vr} فشار بخار اشباع در دمای پوست، C_p, C_b, C_f گرمای ویژه هوا، غذا و خون به ترتیب، m_f معادل غذا در واحد وات، ε قابلیت انتشار پوست، I_{cl} مقاومت لباس در برابر انتقال حرارت، S حرارت خالص ذخیره‌شده در هسته، A_{sk} سطح پوست بر حسب متر مربع، T_{sk} دمای پوست، T_r دمای تابش متوسط به درجه سانتی‌گراد، P_a فشار بخار جزئی به پاسکال، hc ضریب انتقال حرارت همرفتی w/k ، r_{tm} جرم هوای تعریقی در هر ثانیه، δ ضریب ثابت استفان بولتزمن، r حرارت نهانی تبخیر و C_b حرارت ویژه خون است.

$$Q_b = (6/3 + 75 (T_c - 36 / 6)) / (1 + 0/5 (34 - t_{sk})) \quad (۱)$$

$$S_w = 8/4710^{-5} ((1t_{sk} + 0/9t_c) - 35/6) \text{ kg/sm}^2 \quad (۲)$$

$$H = M (1 - \eta) \quad (۳)$$

$$C = A_{sk} f_{cl} (T_a - T_{sk}) \quad (۴)$$

$$R = A_{sk} f_{cl} f_{cfe} \varepsilon \delta (T_r^4 - T_{sk}^4) \quad (۵)$$

$$E_D = m r (P_a - P_{vsk}) \quad (۶)$$

$$E_{sr} = r_{tm} C_p (T_a - T_r) \quad (۷)$$

$$E_{lr} = r_{tm} r (P_a - P_{vr}) / P_a \quad (۸)$$

$$E_{sr} = S_w r \quad (۹)$$

$$E_{sw} = A_{sk} r hc 0/622 / P_a (P_a - P_{vsk}) \quad (۱۰)$$

$$Ef = mf cf (Tf - Tc) \quad (۱۱)$$

$$Q_b = \rho_b C_b (T_{sk} - T_c) = (T_{sk} - T_{cl})/I_{cl} \quad (12)$$

برای محاسبه شاخص‌های حرارتی، تهیه داده‌های هواشناسی مثل دمای هوا، رطوبت هوا و سرعت باد به سادگی امکان پذیر است، ولی بعضی از داده‌ها مثل محاسبه متوسط دمای تابشی محیط (T_{mrt}) که یکی از مهم‌ترین پارامترهای ورودی هواشناسی در محاسبه بیلان انرژی بدن انسان در شرایط گرم تابستان است به سادگی در دسترس نیست. با توجه به اینکه دمای متوسط تابشی بیشترین تأثیر را بر شاخص‌های مهم دما - فیزیولوژیک مثل PMV و PET دارد، نحوه محاسبه آن توضیح داده می‌شود. برای محاسبه T_{mrt} ، خصوصیات مربوط به ابعاد سطوح تابشی و عامل منظر آسمان از یک سو و شرایط بدن انسان (نحوه نشستن و یا ایستادن) از دیگر سو باید معلوم شود. اطراف انسان به صورت n سطح حرارتی با درجه حرارت‌های ($T_i = 1, n$) و ضرایب انتشار ε_i و زاویه برخورد اشعه F_i ، نیز باید معلوم شود.

$$E_i = \varepsilon_i \delta T_{si}^4 \quad (13)$$

در معادله بالا، δ = ضریب ثابت استفان بولتزمن برابر با $5.67 \times 10^{-10} \text{ W/m}^2/\text{K}^4$ ، T_{si} = دمای سطح i ام. تابش طول موج کوتاه پخش شده (D_i) نیز از هر سطحی در محیط اطراف منتشر می‌شود و بدین ترتیب از معادله زیر می‌توان برای محاسبه T_{mrt} استفاده کرد.

$$T_{mrt} = \left[1.6 \sum (E_i + a_k - D_i/\varepsilon_p) F_i \right]^{0.25} \quad (14)$$

در این معادله، ε_p = ضریب انتشار بدن انسان (مقدار استاندارد برابر ۰/۹۷ است).

D_i = مجموع تابش خورشیدی پخش شده و تابش جهانی انعکاسی

a_k = ضریب جذب امواج کوتاه بازتابیده سطح بدن انسان (استاندارد برابر با ۰/۷). اگر

تابش مستقیم نیز وجود داشته باشد معادله به صورت زیر در می‌آید.

$$T_{mrt} = \left[T_{mrt}^4 + f_p a_k I / (\varepsilon_p \delta) \right]^{0.25} \quad (15)$$

I^* = شدت تابش خورشید در یک سطح عمود بر جهت تابش دریافتی و f_p نیز تابعی از جهت تابش دریافتی و وضع بدن انسان است. در کاربردهای عملی زیست اقلیم‌شناسی به طور معمول تعیین این عامل برای شخصی که در حال گردش و قدم زدن است، کافی است. دامنه f_p از ۰/۳۰۸ برای زاویه صفر تا ۰/۸۲ برای ۹۰ درجه ارتفاع خورشیدی تغییر می‌کند. مشکل

اساسی درباره تعیین عامل زاویه F_i است. در صورت وجود سطوح بزرگ‌تر و بدون حضور موانع افقی، تعیین کمیت F_i آسان‌تر است و در این صورت زاویه برخورد را می‌توان ۰/۵ در نظر گرفت. روش‌های متفاوتی برای برآورد شارهای تابشی پیشنهاد شده است. برآورد شارهای تابشی براساس پارامترهای هواشناسی مثل دمای هوا، رطوبت هوا، میزان ابرناکی آسمان، شفافیت هوا و روز و سال نیز از طرف محققان پیشنهاد شده است. بدیهی است ضریب انعکاس محیط اطراف، زاویه انعکاس تابش، همچنین خصوصیات ژئومتری ساختمان، پوشش گیاهی و غیره نیز نباید از نظر دور بماند. برای محاسبه رگرسیون چندمتغیره مقدار دمای فیزیولوژیک (متغیر وابسته) و ارتفاع، طول و عرض جغرافیایی (متغیرهای مستقل) از رابطه زیر استفاده شد.

$$y = \beta_0 + \beta_1 x_1 + \beta_2 x_2 + \dots + \beta_n x_n + \varepsilon \quad (16)$$

که در این رابطه، β_0 برابر با ثابت معادله، $\beta_1, \beta_2, \dots, \beta_n$ برابر با ضریب متغیر $x_1, x_2, \dots, x_n$ و ε نیز خطای مدل هستند. ضرایب این رابطه با استفاده از قاعده کرامر قابل محاسبه است (بالان و همکاران، ۱۹۹۹). این مدل در فرم ماتریسی به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$Y = X\beta + \varepsilon \quad (17)$$

که در آن β بردار ضرایب رگرسیون، ε ماتریس خطای برازش، Y نیز بردار نظیر متغیر وابسته و X نیز ماتریس متغیرهای مستقل است. ماتریس فوق به صورت زیر قابل تنظیم است.

$$Y = \begin{bmatrix} Y_1 \\ Y_2 \\ \vdots \\ Y_n \end{bmatrix}, \quad X = \begin{bmatrix} 1 & x_{11} & x_{12} & \dots & x_{1p} \\ 1 & x_{21} & x_{22} & \dots & x_{2p} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ 1 & x_{n1} & x_{n2} & \dots & x_{np} \end{bmatrix}, \quad \beta = \begin{bmatrix} \beta_0 \\ \beta_1 \\ \vdots \\ \beta_p \end{bmatrix}, \quad (18)$$

$$\varepsilon = \begin{bmatrix} \varepsilon_1 \\ \varepsilon_2 \\ \vdots \\ \varepsilon_n \end{bmatrix}$$

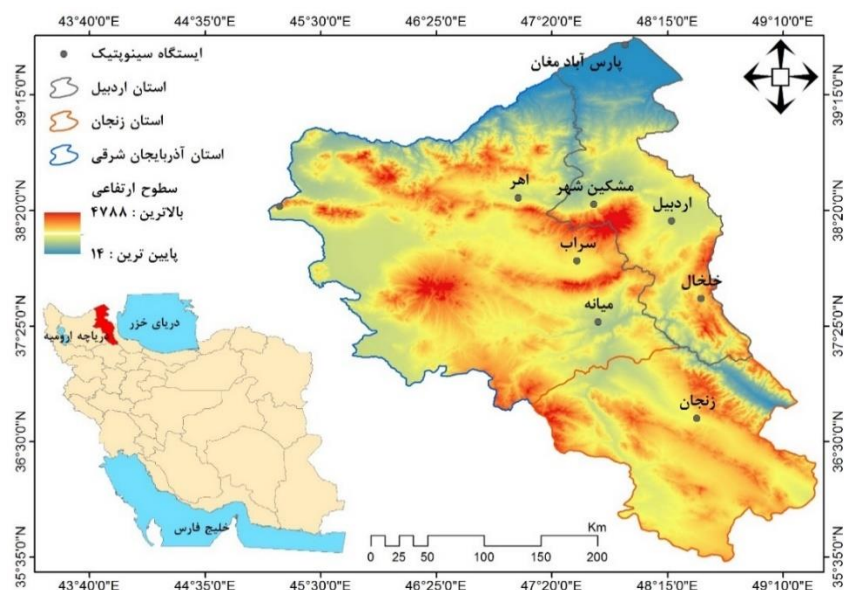
با حل رابطه بالا براساس β خواهیم داشت:

$$\hat{\beta} = (X'X)^{-1}(X'Y) \quad (19)$$

که در آن X' ترانهاده ماتریس X است. برای محاسبه معکوس ماتریس $(X'X)$ ، لازم است دترمینان عبارت بالا صفر نشود (خداشناس و همکاران، ۱۳۸۷؛ نوری و همکاران، ۱۳۸۷).

منطقه مورد مطالعه

استان اردبیل یکی از استان‌های ایران به مرکزیت شهر اردبیل است که در منطقه آذربایجان قرار دارد. مساحت این استان ۱۷۹۵۳ کیلومتر مربع است. این استان از شمال به جمهوری آذربایجان، از سمت غرب به استان آذربایجان شرقی، از سمت شرق به استان گیلان و از سمت جنوب به استان زنجان محدود شده است. استان اردبیل، طبق آخرین تقسیمات کشوری، از ۱۲ شهرستان، ۲۹ بخش، ۲۶ شهر و ۶۶ دهستان تشکیل شده است. چهره عمومی شهرستان اردبیل متأثر از ارتفاعات کوهستان‌های سبلان، طالش و بزغوش است که این عوامل طبیعی سبب محصور شدن آن شده‌اند. بیشتر زمین‌های این بخش از استان ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند. شمال غربی آن بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر بلندی دارد و رشته‌کوه سبلان با ۴۸۱۱ متر ارتفاع، در این قسمت واقع است. وجود کوهستان سبلان در غرب این شهرستان، در اعتدال هوای آن نقش عمده‌ای دارد و آب‌های جاری‌شده از این کوهستان سبب آبادی منطقه شده است. آثار فرعی آتشفشان سبلان به صورت چشمه‌های معدنی آب گرم سرعین و سردابه ظاهر شده است که سبب جذب انبوه مسافران می‌شود و یکی از زیباترین مناطق جهانگردی استان است. در این پژوهش برای تعیین شرایط اقلیم گردشگری استان اردبیل، از روش شاخص دمای معادل فیزیولوژیک (PET) استفاده شده است. بدین منظور از داده‌های ماهانه مربوط به ۸ ایستگاه همدید واقع در محدوده استان و استان‌های مجاور به مدت ۳۰ سال (۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰) استفاده شد که موقعیت جغرافیایی آن در شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه و موقعیت ایستگاه‌های سینوپتیک واقع در استان اردبیل و استان‌های مجاور

مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۴۰۲

۴. مبانی نظری تحقیق

امروزه اقلیم به‌عنوان یک جاذبه طبیعی در انتخاب مقصد گردشگری مطرح است و تأثیرات کلیدی بر اقتصاد یک منطقه در ارتباط با کاهش و یا افزایش میزان تقاضای گردشگری دارد (فریتاس، ۲۰۰۳). آب و هوا به‌عنوان یکی از جنبه‌های مهم رونق‌دهنده یا برعکس، ضعیف‌کننده گردشگری یک منطقه بوده که این خود می‌تواند تقاضای گردشگری را تحت تأثیر قرار دهد. بسیاری از کشورهای جهان با وجود دارا بودن جمعیت زیاد و شهرسازی‌های مدرن، به‌دلیل نبود وضعیت جوی مناسب، درآمدهای گردشگری قابل توجه ندارند. همچنین در بسیاری از مناطق دنیا، تغییرات جوی و تغییرات اقلیمی به‌وجودآمده نشان‌دهنده تغییرات قابل توجه در میزان گردشگران مناطق مورد نظر شده و روند اقتصادی بسیاری از آن‌ها را با تحولات وسیعی روبه‌رو کرده است. تقاضای گردشگری یک منطقه به‌طور عمده متأثر از متغیرهای اقتصادی منطقه، وضعیت آب و هوایی آن و همچنین جاذبه‌های گردشگری موجود در آن است. اما بهترین نوع مطالعات، آن دسته مطالعاتی است که همه جنبه‌های اقلیمی مؤثر بر آسایش گردشگران را مد

نظر قرار داده است (مادیسون^۱، ۲۰۰۱). مطالعات اخیر روشن کرده است که تعداد گردشگران در یک مکان بر اساس دو متغیر وضعیت شرایط جوی و اقلیم از یک طرف، و اطلاعات ارائه شده از این دو متغیر از طرف دیگر قابل تفسیر است. اقلیم در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و شرایط جوی در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت توریستی یک مکان نقش کلیدی ایفا می‌کنند. بنابراین نهادها و سازمان‌های توریستی به دلایل ذیل ملزم هستند مطابق شرایط جوی و اقلیم یک مکان، برای بهبود فعالیت‌های صنعت گردشگری برنامه‌ریزی کنند:

- اقلیم در یک فضایی شکل می‌گیرد که فعالیت‌های گردشگری در آن فضا انجام می‌شود. به‌عنوان مثال توریسم تابستانی تابع خورشید، دریا و ماسه بوده و در توریسم زمستانی برف یک عامل مهم اقلیمی، نقش تعیین‌کننده‌ای در فعالیت‌های توریستی دارد.
- اصلی‌ترین عامل موسمی شدن فعالیت‌های توریستی، اقلیم است و هر نوع فعالیتی نیازمند اقلیم مخصوص به خود است. بر این اساس توریسم آفتابی - ساحلی، توریسم سلامتی، ورزش‌های آبی و ... کاملاً با اقلیم یک مکان در ارتباط است و نقش کلیدی در انتخاب مقصد گردشگران ایفا می‌کند.
- در برنامه‌ریزی‌های توریستی باید شرایط فرین‌های جوی و اقلیمی یک مکان بررسی شده و به مخاطرات احتمالی این شرایط و ضرر و زیان‌های برآمده از آن به گردشگران و زیرساخت‌های گردشگری توجه ویژه‌ای شود.
- شرایط جوی و اقلیم تأثیر قابل توجهی بر زیرساخت‌های گردشگری مانند ساختمان‌های اقامتی، ابنیه تاریخی و فرهنگی، دستگاه‌های حمل و نقل (جاده، ماشین‌ها، فرودگاه‌ها و ...) دارد. بنابراین در ساخت، تعمیر و مرمت این زیرساخت‌ها باید به ویژگی‌های هواشناسی و اقلیم‌شناختی توجه کافی شود.
- شرایط جوی و اقلیم اساسی‌ترین عامل رضایتمندی گردشگران در منطقه است. در تحقیقی ۸۹ درصد گردشگران داخلی و ۹۳ درصد گردشگران خارجی رضایت خود از فعالیت‌های توریستی را وابسته به این دو عامل دانسته‌اند.

۴-۱. آسایش حرارتی و اقلیم

آسایش حرارتی شرایطی از ادراک است که در آن، محیط پیرامون از لحاظ حرارتی رضایت‌بخش باشد. تعریف آسایش حرارتی تعریف ساده‌ای نیست، چراکه عوامل محیطی و اختصاصی فراوانی در به وجود آمدن آن دخالت دارند. مطابق استاندارد اشری آسایش حرارتی هر شخص، شرایط ذهنی است که میزان رضایتمندی او از محیط دمایی را بیان می‌کند (حیدری، ۱۳۸۸).

از آنجایی که تفاوت‌هایی گوناگونی میان افراد درباره رضایت روانشناسی و فیزیولوژیکی وجود دارد، پیدا کردن دمای ایده‌آل برای هر فرد در یک فضای مشخص، کار سختی است. داده‌های آزمایشگاهی و میدانی برای شرایط تعریف‌شده برای آسایش درصد خاصی از ساکنان، جمع‌آوری شده‌اند. عواملی را که به‌طور مستقیم بر آسایش حرارتی تأثیر می‌گذارند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- عوامل شخصی شامل سن، جنس، میزان متابولیک، نوع کار و فعالیت و مقاومت حرارتی لباس است. به اعتقاد فانگر موقعیت جغرافیایی، سن و جنس، دخالت مؤثری بر آسایش حرارتی افراد ندارند. مشابه این یافته توسط کولین در سال ۱۹۷۹، چانگ و تونگ ۱۹۹۰، یانگ ۱۹۹۱، کاریونو ۱۹۹۶ و یانگ وی ۲۰۱۴ به دست آمده است. لباس مانند یک عایق عمل می‌کند. در هوای سرد با پوشیدن لباس می‌توانیم احساس راحتی داشته باشیم و از حرارت تولیدشده بدن استفاده کنیم. برای پیش‌بینی آسایش حرارتی باید از عادت‌های پوششی منطقه مورد نظر اطلاع داشت. برای هر واحد لباس، واحدی به نام کلو clo وجود دارد که نشان دهنده میزان عایق بودن آن است.

- عوامل محیطی که شامل دمای هوا، دمای میانگین تابشی، سرعت باد و رطوبت است. این پارامترها تأثیر قابل توجهی بر آسایش حرارتی انسان دارند، زیرا آن‌ها تعادل گرمایی بدن انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، برای مثال، فرایند متابولیک تعادل گرمایی تولید می‌کند و گرما را با فرایند هدایت، همرفت، تابش و تبخیر از دست می‌دهد. دمای هوا یک عامل مهم میکرو اقلیمی مؤثر بر آسایش حرارتی است. پاسخ اولیه بدن انسان به تغییرات دما است و آن به این صورت است که انسان در تلاش است که خود را در

شرایط آسایش نگه دارد. گرمای همرفتی و گرمای برآمده از تنفس ازدست رفته با افزایش دما کاهش می یابد. رطوبت کم، اثر مستقیم اندکی در آسایش حرارتی در شرایط سرد دارد. در حالی که در شرایط گرم، بدن انسان نیاز به افزایش تلفات حرارتی دارد تا آسایش حرارتی را حفظ کند. این تا حد زیادی با کاهش لباس، از طریق عرق کردن و تلفات حرارتی مرتبط با گرمای نهان تبخیر قابل دستیابی است. کاهش بازدهی تبخیر، همراه با افزایش رطوبت نسبی است، رطوبت نسبی یک پارامتر بسیار مهم در اقلیم گرم است. در تلفات همرفتی و تبخیری، اثرات دما و رطوبت، ارتباط نزدیک با شرایط باد دارد و نمی تواند جدا از سرعت باد باشد. دمای تابشی یکی از مهم ترین متغیرهای ارزیابی آسایش حرارتی در فضای باز است. به دلیل آنکه تأثیر دمای تابشی بر انسان چندجانبه است، میانگین دمای تابشی، مجموع تابش های جذب شده توسط بدن انسان از سطوح تابشی مختلف است. دمای تابشی متوسط را نمی توان به طور مستقیم اندازه گیری کرد، اما به طور تقریبی می توان به وسیله دماسنج کروی اندازه گیری کرد. دماسنج های کروی استاندارد در مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه با گرمای محیط به تعادل می رسند.

۴-۲. تفاوت آسایش حرارتی در فضای باز و بسته

احساس حرارتی خارج از منزل متفاوت تر از داخل خانه است و استانداردهای آسایش حرارتی داخل ساختمان قابل اجرا برای فضای بیرون نیست (پاتر و دی دیر^۱، ۲۰۰۰). در این زمینه سه جنبه تفاوت بین آسایش حرارتی در محیط داخلی و فضای باز که شامل روانی، ترمو - فیزیولوژیکی و تفاوت تعادل گرمایی است توسط هوپ شناسایی شد (هوپی، ۲۰۰۲). جنبه روانی تفاوت بین آسایش محیط داخلی و خارجی مربوط به انتظارات انسان است. انسان می تواند تنوع بزرگ تر از شرایط آب و هوایی را در خارج از منزل در مقایسه با داخل خانه تحمل کند. فضای باز، دارای امکانات بهتر برای سازگاری رفتار فرد و فضاهای اجتماعی مناسب است. تفاوت ترمو - فیزیولوژیکی حرارتی بین آسایش محیط داخلی و خارجی به دلیل تفاوت در لباس، سطح و زمان فعالیت است. سومین جنبه تفاوت بین آسایش حرارتی در محیط داخلی

و فضای باز تفاوت در تعادل گرمایی است. در حالی که شرایط پایدار در داخل خانه امکان‌پذیر است، اما به‌ندرت می‌توان این شرایط را در فضای باز ایجاد کرد. از تفاوت‌های بالا، می‌توان نتیجه گرفت که آسایش حرارتی در فضای باز با آسایش حرارتی در محیط داخلی متفاوت‌تر است و به‌علت پیچیدگی‌های خاصی که آسایش حرارتی در فضای باز دارد، نمی‌توان آن را با شاخص‌های آسایش حرارتی ساده یا شاخص‌هایی که به جنبه‌های روانی، ترمو- فیزیولوژیک و بیلان گرمایی توجه ندارد، ارزیابی کرد.

۵. یافته‌های تحقیق

در جدول ۲ تغییرات شرایط اقلیمی از جنبه گردشگری براساس مقادیر ماهانه دمای معادل فیزیولوژیک (PET) آورده شده است. مقدار این شاخص نیز به ۹ طبقه «خیلی سرد»، «سرد»، «خنک»، «نسبتاً خنک»، «آسایش»، «نسبتاً گرم»، «گرم»، «داغ» و «خیلی داغ» تقسیم می‌شود. چنانچه مشاهده می‌شود از ۹ طبقه، فقط ۵ طبقه آن در ایستگاه‌های استان اردبیل و ایستگاه‌های همجوار آن وجود دارد. یکی از دلایل اصلی نبود ۴ طبقه «نسبتاً گرم»، «گرم»، «داغ» و «خیلی داغ» نیز ارتفاع نسبتاً بالای ناحیه مورد مطالعه از سطح دریا است که از گرم شدن بیش از حد هوا در فصل گرم جلوگیری می‌کند. اما ارتفاع ایستگاه‌ها در فصل سرد باعث ایجاد شرایط «خیلی سرد» در استان اردبیل می‌شود. از این‌رو، در ماه‌های زمستان یعنی ژانویه، فوریه، مارس و ماه‌های نوامبر و دسامبر در فصل پاییز، شرایط این استان «خیلی سرد» با دمای کمتر از ۴ درجه سانتی‌گراد می‌شود. در ماه آوریل فصل بهار در ۶ ایستگاه منطقه شرایط «خیلی سرد» بوده و در دو ایستگاه پارس‌آباد مغان و میانه شرایط «سرد» برقرار است. در ماه‌های می و ژوئن نیز سه طبقه «سرد»، «خنک»، «نسبتاً خنک» و «آسایش» شرایط اقلیم گردشگری این منطقه را کنترل می‌کند. به عبارت دیگر، در ماه ژوئن شرایط «آسایش» در دو ایستگاه پارس‌آباد مغان و میانه پدیدار شده و گردشگران می‌توانند از نواحی پست شمالی این استان برای استفاده از آب و هوای مطلوب این ناحیه دیدن کنند. شرایط آسایش در دو ایستگاه بالا نیز در ماه‌های ژولای و آگوست فصل تابستان نیز برقرار بوده و در سایر ایستگاه‌ها شرایط «خنک» و «نسبتاً خنک» تسلط دارد. به‌طور کلی در ماه‌های ژوئن، ژولای و آگوست، شرایط برای گردشگری در این ناحیه از کشور برای گردشگران

از مطلوبیت خاصی برخوردار است. در ماه اکتبر، اقلیم منطقه به سمت شرایط «خنک»، «سرد» و «خیلی سرد» تغییر حالت داده و در نوامبر و دسامبر در کل استان شرایط سرد با دمای خیلی پایین حاکم می‌شود.

جدول ۲. درجهٔ آسایش دمای معادل فیزیولوژیک (PET) در ایستگاه‌های اردبیل و استان‌های مجاور

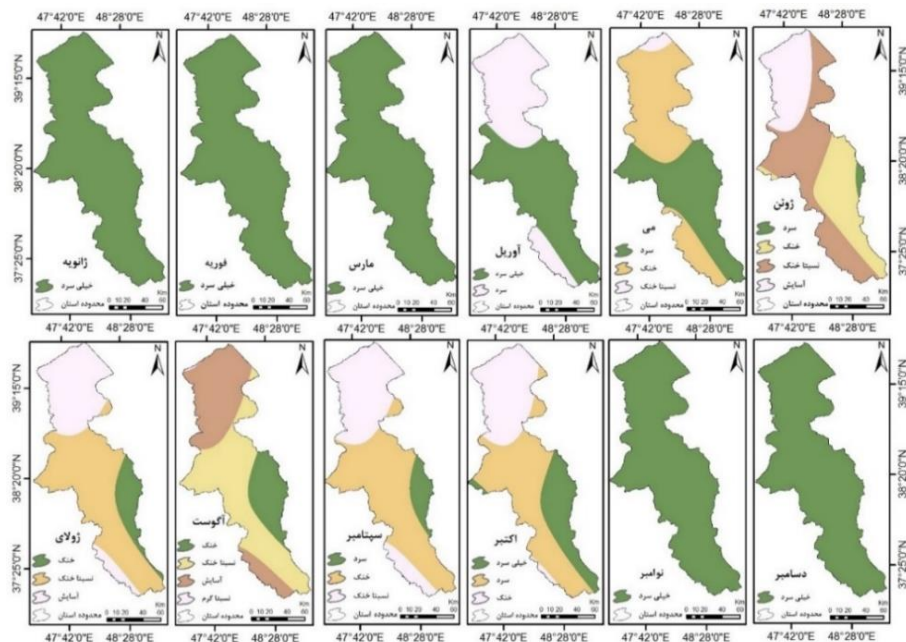
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

دسامبر	نوامبر	اکتبر	سپتامبر	آگوست	ژولای	ژوئن	می	آوریل	مارس	فوریه	ژانویه	متغیرها
خ-س	خ-س	خ	ن-خ	آ	آ	آ	ن-خ	س	خ-س	خ-س	خ-س	پارس آباد مغان
خ-س	خ-س	خ-س	خ	خ	ن-خ	خ	س	خ-س	خ-س	خ-س	خ-س	اردبیل
خ-س	خ-س	سرد	خ	ن-خ	ن-خ	ن-خ	س	خ-س	خ-س	خ-س	خ-س	مشکین شهر
خ-س	خ-س	خ-س	خ	ن-خ	ن-خ	خ	س	خ-س	خ-س	خ-س	خ-س	خلخال
خ-س	خ-س	س	خ	ن-خ	ن-خ	ن-خ	خ	خ-س	خ-س	خ-س	خ-س	اهر
خ-س	خ-س	خ-س	خ	ن-خ	ن-خ	خ	س	خ-س	خ-س	خ-س	خ-س	سراب
خ-س	خ-س	خ	ن-خ	آ	آ	آ	خ	س	خ-س	خ-س	خ-س	میانه
خ-س	خ-س	س	خ	ن-خ	ن-خ	خ	س	خ-س	خ-س	خ-س	خ-س	زنجان
خیلی سرد	سرد	خنک	نسبتاً خنک	آسایش	نسبتاً گرم	گرم	داغ	خیلی داغ	درجه آسایش			

در شکل ۲ پهنه‌بندی شرایط اقلیم گردشگری استان اردبیل براساس دمای معادل فیزیولوژیک (PET) به روش اسپلاین نشان داده شده است. براساس این شکل، در ماه ژانویه، تمام مساحت استان اردبیل در شرایط «خیلی سرد» قرار دارد. شرایط بالا نیز در ماه فوریه و مارس در این استان وجود دارد. در ماه آوریل کل پهنه استان به دو قسمت با شرایط اقلیمی «خیلی سرد» از مرکز تا جنوب و شرایط اقلیمی «سرد» از مرکز تا شمال و بخش کوچکی در منتهی‌الیه جنوبی آن تقسیم می‌شود. که از کل مساحت استان (۱۷۸۰۳/۳۸ کیلومتر مربع)، ۵۵/۲۶ و ۴۴/۷۴ درصد آن را شرایط «خیلی سرد» و «سرد» تشکیل می‌دهند. در ماه می بیشتر مناطق استان تحت پوشش شرایط اقلیمی «سرد» و «خنک» قرار دارد و فقط بخش کوچکی واقع در شمال آن از شرایط «نسبتاً خنک» برخوردار است. از ۱۰۰ درصد مساحت استان، ۴۴/۵۱، ۵۲/۹۵ و ۲/۵۵ درصد آن تحت

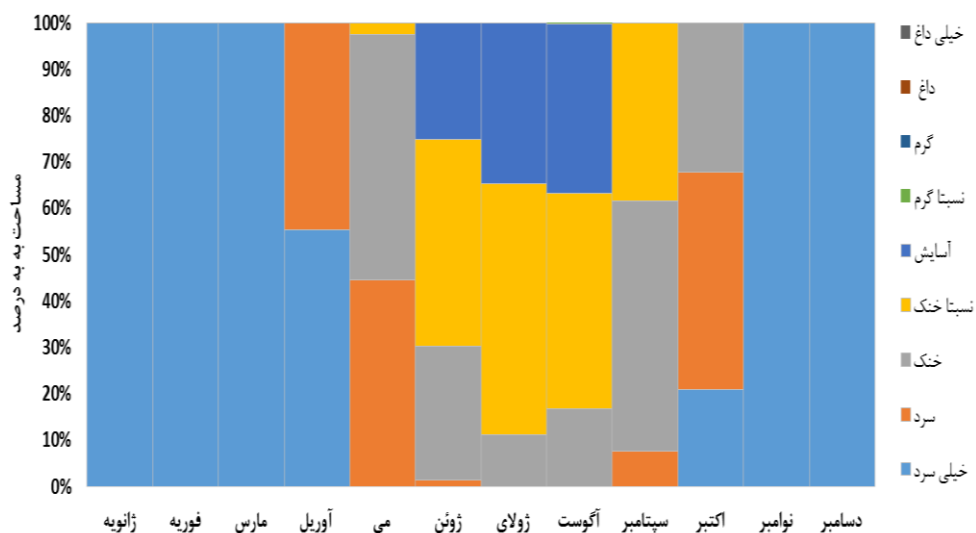
تسلط شرایط اقلیمی «سرد»، «خنک» و «خیلی خنک» هستند. در ماه آخر فصل بهار شرایط اقلیمی «آسایش» در بخش‌های نسبتاً کم‌ارتفاع شمالی استان برقرار شده و قسمت اعظم مساحت استان در سیطره شرایط «نسبتاً خنک» و «خنک» قرار داشته و بخش بسیار کوچکی واقع در شرق استان، دارای شرایط اقلیمی «سرد» است. در نتیجه از کل مساحت استان اردبیل، ۱/۴، ۲۸/۷۳، ۴۴/۶۲ و ۲۵/۲۵ درصد دارای شرایط اقلیمی «سرد»، «خنک»، «نسبتاً خنک» و «آسایش» هستند.

با شروع فصل تابستان شرایط اقلیم گردشگری «آسایش» علاوه بر بخش شمالی استان، در جنوب آن به صورت باریکه‌ای در ماه ژولای ظاهر می‌شود. علاوه بر این، شرایط «نسبتاً خنک» و «خنک» قسمت‌های مرکزی تا جنوب آن را تحت پوشش قرار می‌دهند. در مجموع محدوده «خنک»، «نسبتاً خنک» و «آسایش» در حدود ۱۱/۰۹، ۵۴/۲۴ و ۳۴/۶۷ درصد مساحت استان را در بر می‌گیرند. در ماه اگوست تعداد طبقات شرایط اقلیمی در این ناحیه به ۴ افزایش یافته و شامل شرایط «خنک»، «نسبتاً خنک»، «آسایش» و «نسبتاً گرم» با مساحت ۱۶/۷۸، ۴۶/۴۲، ۳۶/۵۵ و ۰/۲۴ است. شرایط «آسایش» در این ماه نیز همانند ماه ژولای علاوه بر بخش شمالی، به صورت باریکه‌ای در بخش جنوبی آن در راستای شمال غرب - جنوب شرق کشیده شده است. در ماه سپتامبر اثری از شرایط «آسایش» در استان اردبیل وجود نداشته و سه حالت «سرد»، «خنک» و «نسبتاً خنک» بر کل منطقه مستولی شده و به ترتیب ۷/۵۳، ۵۳/۹۸ و ۳۸/۴۹ درصد مساحت استان را در بر می‌گیرند. در ماه اکتبر شرایط اقلیمی استان به حالت «خیلی سرد»، «سرد» و «خنک» تغییر حالت داده و ۲۰/۹۴، ۴۶/۸۱ و ۳۲/۲۵ درصد از پهنه استان اردبیل را تحت سیطره خود دارند. در دو ماه نوامبر و دسامبر شرایط یک‌نواخت اقلیمی «خیلی سرد» بر این ناحیه مستولی شده و دمای خیلی پایین را تجربه می‌کند. در مجموع شرایط اقلیمی در اواخر فصل بهار و ماه‌های تابستان برای گردشگری بسیار مناسب بوده و در این موقع از سال گردشگران می‌توانند شرایط مطبوع اقلیمی را در استان اردبیل تجربه کنند (شکل ۲).



شکل ۲. تغییرات مکانی شاخص دمای معادل فیزیولوژیک (PET) در استان اردبیل در ماه‌های مختلف سال

مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۴۰۲



شکل ۳. درصد مساحت واقع در شرایط مختلف دمای معادل فیزیولوژیک (PET) در استان اردبیل

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

در جدول ۳ میزان ضریب همبستگی ارتفاع، طول و عرض جغرافیایی ایستگاه‌های مختلف با مقادیر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه‌های سال به روش پیرسون محاسبه و آورده شده است. میزان ضریب α برای تعیین معناداری رابطه نیز در دو سطح ۹۵ و ۹۹ درصد به ترتیب برابر با ۰/۰۵ و ۰/۰۱ در نظر گرفته شد. چنانچه از جدول پیداست رابطه بین طول جغرافیایی و مقدار PET ماه‌ها بیانگر نبود معناداری رابطه در هر دو سطح تعیین شده است. به عبارت دیگر، طول جغرافیایی تأثیر معناداری بر تغییرات دمای معادل فیزیولوژیک در استان اردبیل ندارد. اما بررسی رابطه بین عرض جغرافیایی و مقدار PET ماهانه ایستگاه نشان‌دهنده رابطه معنادار بین این دو متغیر در ماه ژانویه بوده و بین ضریب PET سایر ماه‌ها با عرض جغرافیایی رابطه معنادار قابل شناسایی نیست. اما رابطه بین ارتفاع و مقدار PET ماه‌های مختلف بیانگر رابطه معنادار بین این دو متغیر در ۱۲ ماه است. به عبارت دیگر، مقدار رابطه بین ارتفاع و دمای معادل فیزیولوژیک ماهانه، از ژانویه تا دسامبر به ترتیب برابر با ۰/۹۱، -۰/۹۴، -۰/۸۱، -۰/۸۵، -۰/۸۷، -۰/۷۷، -۰/۸۱، -۰/۷۲، -۰/۷۶، -۰/۷۹، -۰/۸۹ و -۰/۸۷ به دست آمد که معناداری رابطه در برخی از ماه‌ها در هر دو سطح تعیین شده و در برخی از ماه‌ها فقط در سطح ۰/۰۵ به اثبات رسید. در نتیجه باید گفت ارتفاع به طور معکوس بر مقدار PET تأثیرگذار است. در نتیجه با افزایش ارتفاع نیز مقدار PET کاهش یافته و با کاهش ارتفاع بر مقدار PET افزوده می‌شود. مقدار رابطه در ماه‌های سرد سال شدیدتر از ماه‌های گرم سال بوده و این موضوع نیز تأثیر افزایش ارتفاع بر کاهش مقدار PET را که بیانگر شرایط نامناسب اقلیم گردشگری است، ثابت می‌کند. البته رابطه معکوس ارتفاع و مقدار PET در فصل گرم از شدت کمتری برخوردار بوده و ایستگاه‌های دارای ارتفاع کمتر در این استان از شرایط مطلوب‌تری برای گردشگری در فصل گرم برخوردار هستند.

از ماه ژانویه تا دسامبر به ترتیب برابر با ۰/۹۱۴، ۰/۹۴۷، ۰/۹۳۶، ۰/۹۴۳، ۰/۹۴۳، ۰/۸۶۵، ۰/۹۵۳، ۰/۹۰۸، ۰/۹۲۴، ۰/۹۲۰، ۰/۹۴۸ و ۰/۸۹۸ به دست آمد، این در حالی است که ضریب تبیین این رابطه برای متغیرهای بالا به ترتیب برابر با ۰/۸۳۶، ۰/۸۹۷، ۰/۸۷۶، ۰/۸۹۰، ۰/۸۹۰، ۰/۷۴۸، ۰/۹۰۹، ۰/۸۲۵، ۰/۸۵۵، ۰/۸۴۷، ۰/۸۹۹ و ۰/۸۰۷ محاسبه شد. ضریب تبیین محاسبه شده نشان‌دهنده آن است که ۸۳/۶، ۸۹/۷، ۸۷/۶، ۸۹، ۸۹، ۷۴/۸، ۹۰/۹، ۸۲/۵، ۸۵/۵، ۸۴/۷ و ۸۹/۹ و ۸۰/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (مقدار PET) توسط متغیرهای مستقل مورد بررسی، قابل تبیین است؛ به عبارت دیگر، این مقدار نسبت تغییر در نظر گرفته شده مدل رگرسیونی در بالا و پایین میانگین است. اما تفاوت بین R^2 و $Adj.R^2$ را باید در نظر داشت زیرا R^2 نشان می‌دهد چه تعداد نقاط داده با خط رگرسیون با فرض اینکه هر تک متغیر، تغییر در متغیر وابسته را تبیین می‌کند متناسب است، این در حالی است که $Adj.R^2$ می‌گوید: «نقاط داده تا چه اندازه متناسب با یک خط رگرسیون هستند که در واقع درصد تغییرات را فقط با متغیرهای مستقلی که بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد نشان می‌دهد.» بنابراین $Adj.R^2$ نسبت به R^2 از کارایی بیشتری برخوردار بوده و از ورود متغیرهای غیر مؤثر در رابطه جلوگیری می‌کند. با این وصف مقدار $Adj.R^2$ نسبت به R^2 کوچک‌تر خواهد شد. به این ترتیب مقدار $Adj.R^2$ رابطه رگرسیونی چندجانبه مقدار دمای معادل فیزیولوژیک (PET) از ماه ژانویه تا دسامبر برای دوره مرجع برابر با ۰/۷۱۳، ۰/۸۲۰، ۰/۷۸۳، ۰/۸۰۷، ۰/۸۰۷، ۰/۵۵۹، ۰/۸۴۱، ۰/۶۹۳، ۰/۷۴۵، ۰/۷۳۱، ۰/۸۲۴ و ۰/۶۶۲ محاسبه شد. آزمون دوربین - واتسون در جدول‌های مورد نظر نشان‌دهنده استقلال باقی‌مانده‌ها است، زیرا مقدار این آزمون بین ۲/۴ تا ۲/۶ متغیر بوده و چون به عدد ۲ نزدیک است استقلال باقی‌مانده‌ها از آن استنتاج می‌شود. با توجه به بزرگ بودن مقدار F و مقدار $Sig = 0.000 < 0.05$ نتیجه می‌گیریم که مدل رگرسیونی مناسب بوده و بیشتر تغییرات متغیر وابسته در مدل رگرسیونی دیده شده است. با توجه به مدل رگرسیونی چندجانبه، کاملاً واضح است که متغیر ارتفاع با متغیر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) رابطه معکوس داشته و با افزایش ارتفاع از مقدار آن کاسته می‌شود. این مهم درباره دو متغیر طول و عرض جغرافیایی نیز صدق نمی‌کند. از این رو، رابطه بین طول و عرض جغرافیایی (به‌استثنای ماه ژولای برای عرض جغرافیایی) با مقدار دمای معادل فیزیولوژیک در تمامی ماه‌ها بی‌معنی است. در نتیجه متغیر دمای معادل فیزیولوژیک از متغیر

ارتفاع، بیشترین تأثیرپذیری را دارد و معناداری رابطه آن بر مقدار PET در تمامی ماه‌ها به اثبات می‌رسد.

جدول ۴. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه ژانویه در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.914, R2=0.836, Adjusted R2=0.713, Durbin-Watson=2.495, F=6.797 & Sig.=0.048							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	P-value	Collinearity Statistics	
		B	SE	Beta			Tolerance	VIF
ژانویه	ثابت معادله	۱۶/۱۶	۸۸/۸		۰/۱۸۲	۰/۸۶۴		
	طول جغرافیایی به	-۰/۵۵	۱/۲۸	-۰/۰۹۶	-۰/۴۲۷	۰/۶۹۲	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی	۰/۱۶۹	۱/۰۹	۰/۰۵۱	۰/۱۵۵	۰/۸۸۴	۰/۳۷۵	۲/۶۷
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	-۰/۸۵۷	-۲/۷۸	۰/۰۵	/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۵. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه فوریه در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.947, R2=0.897, Adjusted R2=0.820, Durbin-Watson=2.493, F=11.646 & Sig.=0.019							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	p- value	Collinearity Statistics	
		B	SE	Beta			Tolerance	VIF
فوریه	ثابت معادله	۴۷/۶۷	۶۵/۷۲		۰/۷۲۵	۰/۵۰۸		
	طول	-۰/۵۳۲	۰/۹۵	-۰/۱	-۰/۵۶	۰/۶۰۵	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض	-۰/۶۲۲	۰/۸۱	-۰/۲۰۱	-۰/۷۶۸	۰/۴۸۵	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۱/۰۷۳	-۴/۳۹۷	۰/۰۱۲	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۶. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه مارس در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.936, R2=0.876, Adjusted R2=0.783, Durbin-Watson=2.480, F=9.429 & Sig.=0.028							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE	Beta			Tolerance	VIF
مارس	ثابت معادله	۱۵۷/۷۱۶	۷۹/۳۹۶		۱/۹۸۶	۰/۱۱۸		
	طول جغرافیایی به	-۱/۱۰۸	۱/۱۴۸	-۰/۱۸۹	-۰/۹۶۵	۰/۳۸۹	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۲/۶	۰/۹۷۸	-۰/۷۶۴	-۲/۶۵۸	۰/۰۵۷	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	-۱/۳۴۸	-۵/۰۲۹	۰/۰۰۷	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۷. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه

آوریل در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.943, R2=0.890, Adjusted R2=0.807, Durbin-Watson=2.529, F=10.764 & Sig.=0.022							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE				Tolerance	VIF
آوریل	ثابت معادله	۱۴۷/۱۸۱	۶۳/۹۱		۲/۳۰۳	۰/۰۸۳		
	طول جغرافیایی به	-۱/۳۰۳	۰/۹۲۴	-۰/۲۶۱	-۱/۴۱	۰/۲۳۱	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۱/۹۲۸	۰/۷۸۷	-۰/۶۶۴	-۲/۴۴۹	۰/۰۷۱	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	-۱/۳۰۳	-۵/۱۵۵	۰/۰۰۷	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۸. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه می

در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.943, R2=0.890, Adjusted R2=0.807, Durbin-Watson=2.505, F=10.735 & Sig.=0.022							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE				Tolerance	VIF
می	ثابت معادله	۱۶۵/۱۰۹	۷۲/۴۶۶		۲/۲۷۸	۰/۰۸۵		
	طول جغرافیایی به	-۱/۵۷۴	۱/۰۴۸	-۰/۲۷۸	-۱/۵۰۳	۰/۲۰۷	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۱/۹۱۲	۰/۸۹۳	-۰/۵۸۲	-۲/۱۴۲	۰/۰۹۹	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	-۱/۲۵۸	-۴/۹۷۱	۰/۰۰۸	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۹. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه ژوئن

در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.865, R2=0.748, Adjusted R2=0.559, Durbin-Watson=2.459, F=3.955 & Sig.=0.109							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE				Tolerance	VIF
ژوئن	ثابت معادله	۲۲۱/۲۷۵	۱۲۶/۲۴۹		۱/۷۵۳	۰/۱۵۵		
	طول جغرافیایی به	-۲/۵۲	۱/۸۲۶	-۰/۳۸۶	-۱/۳۸	۰/۲۴	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۲/۰۴۸	۱/۵۵۵	-۰/۵۴	-۱/۳۱۷	۰/۲۵۸	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	-۱/۱۱۳	-۲/۹۱	۰/۰۴۴	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۱۰. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه

ژولای در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.953, R2=0.909, Adjusted R2=0.841, Durbin-Watson=2.493, F=13.312 & Sig.=0.015							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد		ضرایب	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE				Tolerance	VIF
ژولای	ثابت معادله	۲۷۸/۵۵۹	۸۴/۵۲۲		۳/۲۹۶	۰/۰۳		
	طول جغرافیایی به	-۲/۵۵	۱/۲۲۲	-۰/۳۵۱	-۲/۰۸۶	۰/۱۰۵	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۳/۳۷۱	۱/۰۴۱	-۰/۷۹۸	-۳/۲۳۷	۰/۰۳۲	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	-۱/۳۵۲	-۵/۸۸۲	۰/۰۰۴	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۱۱. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه

آگوست در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.908, R2=0.825, Adjusted R2=0.693, Durbin-Watson=2.596, F=6.276 & Sig.=0.054							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE				Tolerance	VIF
آگوست	ثابت معادله	۲۹۶/۰۷۹	۱۱۷/۸۸۳		۲/۵۱۲	۰/۰۶۶		
	طول جغرافیایی به	-۲/۶۲۲	۱/۷۰۵	-۰/۳۵۹	-۱/۵۳۸	۰/۱۹۹	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۳/۷۴۸	۱/۴۵۲	-۰/۸۸۲	-۲/۵۸۱	۰/۰۶۱	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۲	-۱/۳۲۵	-۴/۱۵۸	۰/۰۱۴	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۱۲. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه

سپتامبر در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.924, R2=0.855, Adjusted R2=0.745, Durbin-Watson=2.514, F=7.831 & Sig.=0.038							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE				Tolerance	VIF
سپتامبر	ثابت معادله	۲۵۱/۴۸۲	۹۱/۹۳۵		۲/۷۳۵	۰/۰۵۲		
	طول جغرافیایی به	-۲/۳۷۲	۱/۳۲۹	-۰/۳۷۹	-۱/۷۸۴	۰/۱۴۹	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۳/۰۵۴	۱/۱۳۳	-۰/۸۴	-۲/۶۹۶	۰/۰۵۴	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	-۱/۳۲۵	-۴/۵۶۲	۰/۰۱	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۱۳. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه

اکتبر در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.920, R2=0.847, Adjusted R2=0.731, Durbin-Watson=2.449, F=7.355 & Sig.=0.042							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد		ضرایب	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE				Tolerance	VIF
اکتبر	ثابت معادله	۱۸۸/۲۲۱	۸۰/۴۹۲		۲/۳۳۸	۰/۰۸		
	طول جغرافیایی به	-۱/۸۹۳	۱/۱۶۴	-۰/۳۵۵	-۱/۶۲۷	۰/۱۷۹	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۲/۲	۰/۹۹۲	-۰/۷۱	-۲/۲۱۸	۰/۰۹۱	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	-۱/۲۷۳	-۴/۲۶۸	۰/۰۱۳	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۱۴. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه

نوامبر در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.948, R2=0.899, Adjusted R2=0.824, Durbin-Watson=2.420, F=11.911 & Sig.=0.018							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	p-value	Collinearity Statistics	
		B	SE				Tolerance	VIF
نوامبر	ثابت معادله	۱۱۰/۴۱۲	۵۸/۷۸۶		۱/۸۷۸	۰/۱۳۴		
	طول جغرافیایی به	-۱/۱۰۳	۰/۸۵	-۰/۲۲۹	-۱/۲۹۷	۰/۲۶۴	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۱/۳۶۱	۰/۷۲۴	-۰/۴۸۷	-۱/۸۸	۰/۱۳۳	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۱/۲۲۵	-۵/۰۶۸	۰/۰۰۷	۰/۴۳۱	۲/۳۲

جدول ۱۵. نتایج مدل رگرسیون چندجانبه متغیرهای مؤثر بر دمای معادل فیزیولوژیک (PET) ماه

دسامبر در استان اردبیل مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

متغیر وابسته	R=0.898, R2=0.807, Adjusted R2=0.662, Durbin-Watson=2.482, F=5.580 &							
	ضریب ثابت و متغیرها	ضرایب استاندارد		ضرایب	t	p-value	Collinearity	
		B	SE				Tolerance	VIF
دسامبر	ثابت معادله	۷۴/۷۷۸	۸۰/۷۲۵		۰/۹۲۶	۰/۴۰۷		
	طول جغرافیایی به	-۰/۸۳۶	۱/۱۶۷	-۰/۱۸۱	-۰/۷۳۹	۰/۵۰۱	۰/۸۰۵	۱/۲۴۲
	عرض جغرافیایی به	-۰/۸۸۵	۰/۹۹۵	-۰/۳۱۹	-۰/۸۹	۰/۴۲۴	۰/۳۷۵	۲/۶۶۹
	ارتفاع به متر	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۱/۰۸۴	-۳/۲۴۱	۰/۰۳۲	۰/۴۳۱	۲/۳۲

۶. نتیجه گیری

در این پژوهش شرایط آسایش بیوکلیماتیک انسانی به روش دمای معادل فیزیولوژیک (PET) براساس داده‌های ۸ ایستگاه همدید واقع در استان اردبیل و استان‌های مجاور انجام شد. بدین منظور از مدل ریمن برای آسایش زیست اقلیمی و محاسبه PET استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده از محاسبه شاخص PET نشان داد که مقدار آن از لحاظ زمانی و مکانی تغییر می‌کند. به‌طوری که این وضعیت بر شرایط آسایش اقلیمی و ترجیحات افراد در انتخاب مکان و زمان گردشگری تأثیر گذاشته و عامل مهم در تحرک گردشگران بین مکان‌ها خواهد بود. درحقیقت یکی از آثار مستقیم اقلیم بر گردشگری نیز اثر فصلی است که در این پژوهش ماه‌های ژوئن، ژولای، اگوست و سپتامبر به‌عنوان ماه‌های مناسب اقلیمی با شرایط «نسبتاً خنک»، «خنک» و «آسایش» برای فعالیت‌های گردشگری در استان اردبیل شناسایی شدند. همچنین شرایط تنش سرمایی شدید نیز برای ماه‌های ژانویه، فوریه، مارس، اکتبر، نوامبر و دسامبر با شرایط «خیلی سرد» و «سرد» تعیین شد. بنابراین فصول سرد این ناحیه، برای گردشگری نامناسب و فصول گرم آن مناسب بوده و فقط در دو ایستگاه پارس‌آباد مغان و میانه در سه ماه تابستان شرایط «ایده‌آل» با دمای بین ۱۸ تا ۲۳ برای گردشگران وجود دارد. در این راستا، براساس نقشه‌های ماهانه دمای معادل فیزیولوژیک (PET) مشخص شد که تغییرات مکانی این شاخص در ماه‌های فصل سرد از تنوع طبقاتی کمتری در مقایسه با فصل گرم برخوردار است به‌طوری که در ماه‌های ژانویه، فوریه، مارس، نوامبر و دسامبر شرایط «خیلی سرد» با دمای کمتر از ۴ درجه سانتی‌گراد بر کل پهنه استان حکم‌فرما بوده و این مهم در ماه‌های فصل گرم بین چهار حالت «سرد»، «خنک»، «نسبتاً خنک» و «ایده‌آل» در تغییر است. از این‌رو، تنوع شرایط اقلیمی برای گردشگران در فصل گرم بیشتر از فصل سرد این ناحیه است؛ به عبارت دیگر، فصل گرم از لحاظ شرایط بیوکلیماتیک انسانی ناهمگن‌تر از فصل سرد (کاملاً همگن) است. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش با مطالعات خوشدل و همکاران (۱۳۹۹) و اسماعیلی و همکاران (۲۰۱۵) همسو بوده است و تغییرات زمانی و مکانی شرایط اقلیم گردشگری با روش دمای معادل فیزیولوژیک تأیید می‌شود. علاوه بر این، نقش ارتفاع بر شرایط اقلیم گردشگری این ناحیه، کاملاً محرز شناخته شد و ثابت شد که بین ارتفاع و میزان شاخص PET رابطه معکوس وجود داشته و به‌دلیل ارتفاع منطقه مورد بررسی، ۴

طبقه شاخص PET در این استان وجود ندارد. بنابراین دمای شاخص PET در تمامی ایام سال از ۲۳ درجه سانتی‌گراد کمتر است.

۷. پیشنهادها

در نهایت باید گفت نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌تواند برای تصمیم‌گیران در سطوح مختلف از جمله بخش سلامت، گردشگری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای بسیار مفید و مثمر ثمر باشد. همچنین آگاهی از شرایط آینده اقلیم گردشگری تحت سناریوهای تغییر اقلیم از جمله ضروریات مطالعاتی در این ناحیه و سایر نواحی کشور به شمار آمده و از جایگاه مناسبی برای مطالعات آینده برخوردار هستند.

کتابنامه

۱. تولایی، س. (۱۳۹۳). مروری بر صنعت گردشگری (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.
۲. حیدری، ش. (۱۳۸۸). دمای آسایش حرارتی مردم شهر تهران. *هنرهای زیبا*، ۳۸، ۵-۱۴.
۳. خداشناس، س. ر.، قهرمان، ب.، داوری، ک.، و ناظریان، ح. (۱۳۸۷). ارائه مدل‌های رگرسیونی چند متغیره برآورد رسوب در حوضه‌های شمال استان خراسان. *مجله آب و خاک*، ۲۲(۲)، ۶۷-۷۶.
۴. خوشدل، ن.، رضایی، پ.، متولی، ص.، و جانباز قبادی، غ. ر. (۱۳۹۹). تبیین اقلیم گردشگری شرق استان گیلان و طبقه‌بندی مکانی آن به روش آماری چند متغیره. *فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۵(۴)، ۱۱۱۹-۱۱۳۶.
۵. داوودی، م.، نظریور، ع.، و مشیری‌نژاد، ف. (۱۳۹۹). آسایش سنجی اقلیم-گردشگری با استفاده از شاخص‌های (PMV, PET, SET, TCI) (مطالعه موردی: استان گیلان). *اندیشه جغرافیایی*، ۱۲(۲۱)، ۴۶-۲۶.
۶. رضایی، ا.، رحیمی، م.، و محمودیان عطاآبادی، ح. (۱۴۰۱). تعیین زمان مناسب گردشگری در بندر چابهار بر اساس شرایط آب و هوایی. *مجله گردشگری فرهنگ*، ۳(۱)، ۵-۱۶.
۷. میرهاشمی، ح.، شرفی، س.، و آری‌ن‌تبار، ح. (۱۴۰۰). تعیین تقویم اقلیم گردشگری و آزمون روند تغییرات بر پایه مدل‌های RayMan و ITA (مطالعه موردی: شهرستان پلدختر). *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، ۲(۶)، ۶۷-۸۲.

۸. نوری، ر.، اشرفی، خ.، و اژدرپور، ا. (۱۳۸۷). مقایسه کاربرد روش‌های شبکه عصبی مصنوعی و رگرسیون خطی چندمتغیره براساس تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای پیش‌بینی غلظت میانگین روزانه کربن مونوکسید: بررسی موردی شهر تهران. *فیزیک زمین و فضا*، ۳۴(۱)، ۱۳۵-۱۵۲.

9. Abreu-Harbich, L. V., Labaki, L. C., & Matzarakis, A. (2014). Thermal bioclimate as a factor in urban and architectural planning in tropical climates- The case of Campinas, Brazil. *Urban Ecosystems*, 17(2), 489-500.
10. Agnew, M. D., & Palutikof, J. P. (2001). *Climate impacts on the demand for tourism*. Paper presented at the International Society of Biometeorology Proceedings of the First International Workshop on Climate, Tourism and Recreation. Retrieved from <http://www.mif.unifreiburg.de/isb/ws/report.htm>
11. Ateş, O., Kiper, T., & Uzun, O. (2023). The relationship between tourism planning and bioclimatic comfort in rural areas: The case of Kofçaz/Kirklareli/Türkiye. *Turkish Journal of Agriculture - Food Science and Technology*, 11(4), 883-896.
12. Balan, B., Mohaghegh, S., & Ameri, S. (1995). *State-Of-The-Art in permeability determination from well log data: Part 1- A comparative study, model development*. Paper presented at the SPE Eastern Regional Meeting, Morgantown, West Virginia.
13. de Freitas, C. R. (2003). Tourism climatology: Evaluating environmental information for decision making and business planning in the recreation and tourism sector. *International Journal of Biometeorology*, 48, 45-54.
14. Esmaeili, A., Zeidi, Z., & Bakhti, S. (2015). *Determining an appropriate tourism schedule in Gorgan using physiologic equivalent temperature (PET)*. Paper presented at the International conference on sustainable development, strategies and challenges with a focus on Agriculture, Natural Resources, Environment and Tourism, Tabriz, Iran.
15. Farajzadeh, H., & Matzarakis, A. (2009). Quantification of climate for tourism in the northwest of Iran. *Meteorological Applications*, 16, 545-555.
16. Farajzadeh, H., & Matzarakis, A. (2012). Evaluation of thermal comfort conditions in Ourmieh Lake, Iran. *Theoretical and Applied Climatology*, 107, 451-459.
17. Freitas, C. R. D., Scott, D., & McBoyle, G. (2008). A second generation climate index for tourism (CIT): Specification and verification. *International Journal of Biometeorology*, 52, 399-407.
18. Hamad, T. A., & Oguz, H. (2020). Determining thermal comfort zones for outdoor recreation planning: A case study of Erbil-Iraq. *Turkish Journal of Forest Science*, 4(1), 133-145.
19. Hanafi, A., & Atashgahi, H. (2017). Determination of thermal bioclimatic conditions for tourists in West and North West of Iran using PET. *International Journal of Environment, Agriculture and Biotechnology (IJEAB)*, 2(1), 61-71.

20. Höppe, P. (2002). Different aspects of assessing indoor and outdoor thermal comfort. *Energy and Buildings*, 34, 661-665.
21. Hoppe, P. (1984). *Die Energiebilanz des Menschen*. Wiss Mittl Meteorol Inst Uni München 49.
22. Hoppe, P. (1999). The physiological equivalent temperature-a universal index for the biometeorological assessment of the thermal environment. *International Journal of Biometeorology*, 43, 71-75.
23. Kakvan, R., Alijani B., & Saliqueh, M. (2020). Evaluation of tourism climate conditions at three stations of Noshahr, Ramsar and Rasht using the physiological equivalent temperature and average predicted polling index. *REGET, Santa Maria*, 24(13), 1-36.
24. Lin, T. P., & Matzarakis, A. (2008). Tourism climate and thermal comfort in Sun Moon Lake, Taiwan. *International Journal of Biometeorology*, 52, 281-290.
25. Maddison, D. (2001). In search of warmer climates? The impact of climate change on flows of British tourists. *Climatic Change*, 49(1/2), 193-208.
26. Malinović-Milićević, S., Petrović, M. D., & Radovanović, M. M. (2023). Evaluation of outdoor thermal comfort conditions: Evidence from the Serbian major ski resort over the last 30 years. *International Journal of Biometeorology*, 67, 807-819.
27. Matzarakis, A., Mayer, H., & Iziomon, M. G. (1999). Applications of a universal thermal index: Physiological equivalent temperature. *International Journal of Biometeorology*, 43, 76-84.
28. Matzarakis, A., Rutz, F., & Mayer, H. (2007). Modelling radiation fluxes in simple and complex environments-application of the RayMan model. *International Journal of Biometeorology*, 51, 323-334.
29. Spagnolo, J., & de Dear, R. (2000). Field study to calibrate an outdoor thermal comfort index. In R. de Dear, J. Kalma, T. Oke, & A. Auliciems (Eds.), *Biometeorology and urban climatology at the turn of the millennium* (pp. 315-320). Geneva: World Meteorological Organization.
30. Santos Nouri, A., Charalampopoulos I., & Matzarakis A. (2022). The application of the physiologically equivalent temperature to determine impacts of locally defined extreme heat events within vulnerable dwellings during the 2020 summer in Ankara. *Sustainable Cities and Society*, 81(2022), 103833.
31. Suhada, S. T., Sudiar, N. Y., Rifai, H., & Dwiridal, L. (2023). Thermal comfort index analysis of Padang city coastal tourism area using the Physiological Equivalent Temperature (PET) Method. *Journal of Climate Change Society (JCCS)*, 1(1), 29-40.
32. Wilis, R., Nugroho, S., Barlian, E., & Syah, N. (2020). Characteristics of Outdoor Thermal Comfort Index (OCTI) at Mandeh tourism site. *International Journal of Geomate*, 19(73), 250-256.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.86877.1398>

Analyzing the Impact of Spread of Terrorism in Iraq and Syrian Crises on World Peace and Security¹

Hadi Sharafi

Department of International Relations, Khorramshahr International Branch, Islamic Azad University, Khorramshahr, Iran

Fereydoun Akbarzadeh²

Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Hossein Karimifard

Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Shiva Jalalpour

Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Received: 14 February 2024 Revised: 6 June 2024 Accepted: 7 June 2024

Abstract

The Middle East is the center of crisis in the world. Multiple crises and conflicts in this region began in 2003 in the wake of the invasion of the United States of America to Iraq, followed by the escalation of protest movements in the Arab world, including the Syrian crisis. Meanwhile, one of the major crises that this region has been engulfed in the last two decades is the rise of terrorist groups. By launching terrorist attacks and provoking instability, these groups have compromised the security of many countries in the world. The main question raised in this research is “What implications do the spread of terrorist groups have for global peace and security?” The results suggest that the rise of terrorist groups such as Al-Qaeda, the Islamic State of Iraq and Syria (ISIS), Jabhat al-Nusra, etc., have guided the defense policy of the Middle East countries towards amplifying their arms purchases, thereby fueling the rivalry of powers in this region. Furthermore, it has drawn in new members from other regions such as Europe and Central Asia. More importantly, as the foreign members of these groups began return to their home countries, it has ignited terrorist attacks in other Middle Eastern countries and some European countries such as England and Germany. This paper seeks to explore this issue using a descriptive-analytical method through the study of library resources.

Keywords: Iraq and Syria Crises, Middle East, world Peace and Security, Terrorist groups

1. The article is extracted from the doctoral thesis of the first author of the article at Khorramshahr International Branch, Islamic Azad University, Khorramshahr, Iran

2. Corresponding Author: Email: fereidunakbarzadeh@gmail.com



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.86877.1398>

مقاله پژوهشی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

واکاوی تأثیر گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه بر صلح و امنیت جهانی^۱

هادی شرفی (گروه روابط بین الملل، واحد بین المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران)

sharafihadi0@gmail.com

فریدون اکبرزاده (گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، نویسنده مسئول)

fereidunakbarzadeh@gmail.com

حسین کریمی فرد (گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران)

hkarimifard@yahoo.com

شیوا جلال پور (گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران)

shiva_jalalpoor@yahoo.com

صص ۳۱۴ – ۲۸۵

چکیده

منطقه خاورمیانه مهم‌ترین منطقه بحران‌خیز در دنیا است. وجود بحران‌ها و منازعه‌های متعدد در این منطقه از سال ۲۰۰۳ بعد از حملات ایالات متحده آمریکا به عراق آغاز شد و پس از آن نیز با آغاز جنبش‌های اعتراضی در جهان عرب از جمله بحران سوریه به اوج خود رسید. در این میان، یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که این منطقه در دو دهه گذشته با آن مواجه است، تشکیل گروه‌های تروریستی است. این گروه‌ها با انجام حملات تروریستی و ایجاد بی‌ثباتی، امنیت کشورهای مختلف در سطح جهان را به خطر انداخته‌اند. پرسش اصلی این پژوهش این است که مهم‌ترین تأثیرهای گسترش گروه‌های تروریستی بر صلح و امنیت جهانی چیست؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد و گسترش گروه‌های تروریستی مانند القاعده، دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، جبهه النصره و ... از یک طرف منجر به سوق یافتن سیاست دفاعی کشورهای خاورمیانه به سوی افزایش خریدهای تسلیحاتی شده و رقابت

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی خرمشهر است.

قطب‌های قدرت در این منطقه را افزایش داده است؛ از سوی دیگر، منجر به جذب اعضای جدید از سایر مناطق مانند اروپا و آسیای مرکزی شده و در نهایت به دلیل بازگشت اعضای خارجی این گروه‌ها به کشورهای موطن خود منجر به افزایش حملات تروریستی در دیگر کشورهای خاورمیانه و برخی از کشورهای اروپایی مانند انگلیس و آلمان شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای این موضوع را مطالعه کرده است.

واژگان کلیدی: بحران‌های عراق و سوریه، خاورمیانه، صلح و امنیت جهانی، گروه‌های تروریستی

۱. مقدمه

تروریسم از مهم‌ترین تهدیداتی است که صلح و امنیت بین‌المللی با آن مواجه است. تروریسم را می‌توان به عنوان بازیگری ژئوپلیتیکی ارزیابی کرد که توانسته به تدریج دامنه نفوذ خود را افزایش دهد و حتی پیروان جدیدی را از مناطق مختلف جهان به سوی خود جذب کند. طی سال‌های بعد از ۲۰۰۳ فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در مسائل امنیتی خاورمیانه و جهان به موضوع بسیار مهمی مبدل شد (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۷). سابقه مربوط به گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد که مذهب، فرهنگ‌های مبدأ و عوامل محیطی نقش اصلی را در ظهور این گروه‌ها از این منطقه در سراسر جهان دارند. درواقع تروریسم از سوی این گروه‌ها از خشونت و تهدید برای ایجاد ترس و ارباب مردم و دولت‌ها برای تعقیب اهداف مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیک خود استفاده می‌کنند (بن ادت^۱، ۲۰۲۲). هدف اصلی در این پژوهش، بررسی مهم‌ترین تأثیرهای گسترش تروریسم به دلیل بحران‌های عراق و سوریه بر امنیت جهانی است. خاورمیانه در حال حاضر بحرانی‌ترین منطقه در دنیا به شمار می‌رود که تنش، رقابت و منازعه در حوزه‌های داخلی و خارجی مهم‌ترین ویژگی‌های آن هستند.

یکی از مهم‌ترین بحران‌های این منطقه از جمله در عراق و سوریه در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ که تأثیری بنیادی بر امنیت جهانی داشته است، برآمدن گروه‌های تروریستی همچون القاعده، جبهه‌النصره و داعش است. ریشه تشکیل این گروه‌ها به همراه فرایند گسترش آن‌ها به دوره بعد از سرنگونی دولت عراق و پس از آن جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ در پی فضا سازی‌های

1. Ben-Edet

خارجی در حمایت از آن‌ها برمی‌گردد (کاتزمن^۱، ۲۰۱۹، صص. ۱۰-۱۱). ضرورت پرداختن به این موضوع در این است که به نظر می‌رسد تروریسم در این منطقه بعد از سال ۲۰۰۳ و به‌ویژه در پی تحولات و آشفتگی‌های بعد از سال ۲۰۱۱ که تحولات سیاسی - امنیتی و ژئوپلیتیکی بسیاری را به‌همراه داشت، وارد فاز جهانی گردید. درحالی که تا سال ۲۰۰۳ تنها گروه القاعده عملیات تروریستی در ابعاد جهانی انجام می‌داد، اما بی‌ثباتی و هرج و مرج عراق و تحولات بعدی در سوریه باعث شد تا از درون این گروه انشعاب‌های مختلفی در منطقه خاورمیانه و سایر نقاط جهان با اعضای جدید شکل بگیرد. در درجه بعدی همچنین، عملیات تروریستی که در این دوره محدود به خاورمیانه و شمال آفریقا بود، بعد از این تحولات ابعاد جهانی بیشتری یافت و به عبارت دیگر امنیت در سطح جهانی را تحت تأثیر قرار داد. درواقع افزایش گروه‌های تروریستی باعث شد تا اعضای آن‌ها با پخش شدن در سراسر جهان، افزون بر تأثیر بر سازوکارهای امنیتی بین‌المللی حملات متعددی را نیز در مناطق مختلف ترتیب دادند که نتیجه آن مواجهه امنیت در سطح جهان با چالش‌ها و تهدیدهای مختلف بود.

۲. پیشینه تحقیق

به‌طور کلی آثار منتشره به موضوعات مختلفی در گسترش تروریسم به‌دلیل بحران‌های خاورمیانه امنیت جهانی اشاره دارند. مبینی و طالعی (۱۴۰۰) در مقاله «کودکان داعش و امنیت بین‌الملل» معتقدند که گروه تروریستی داعش با هدف بقاء و تداوم اهداف خود در آینده اقدام به جذب داوطلبانه و اجباری کودکان به‌عنوان حافظان ایدئولوژی خود کرده و می‌تواند آینده امنیت بین‌الملل را تهدید کند.

شریعتی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «نشانگان پیدایش موج پنجم تروریسم بین‌المللی در غرب آسیا» معتقدند که موج جدیدی از تروریسم بین‌المللی با ماهیتی وابسته، مدرن، غیربومی، فراملی و شبه‌مذهبی و در عین حال متمایز از بنیادگرایی اسلامی در غرب آسیا ظهور کرده که تحقق آن، چشم‌انداز متفاوتی را بر تحولات نظام بین‌الملل به نمایش می‌گذارد.

بن‌ادت (۲۰۲۲) در مقاله «تروریسم: مطالعه موردی تهدید امنیتی جهانی بوکوحرام و ائتلاف

1. Katzman

داعش در نیجریه» به اتحاد دو گروه تروریستی بوکوحرام و داعش در آفریقا و پیامدهای آن بر تهدیدهای امنیتی جهانی را در وضعیت آنومیک در نیجریه و بی‌ثباتی بر اثر فروپاشی هنجارهای اجتماعی بررسی کرده است.

کوردمن^۱ (۲۰۲۰) در مقاله «توانایی‌های واقعی داعش در جهان: تهدید ادامه دارد» ضمن بررسی وضعیت داعش در عراق و سوریه معتقد است که به دلیل باقی ماندن تهدیدهای این گروه علیه امنیت جهانی، باوجود از بین رفتن حاکمیت آن، آمریکا همچنان باید حضور نظامی خود را در عراق و سوریه به عنوان بسترهای شکل‌گیری این گروه ادامه دهد.

اسپکارد و النبرگ^۲ (۲۰۲۰) در مقاله «داعش از درون؛ تاریخچه استخدام، انگیزه‌های پیوستن، سفر، تجربیات داعش و سرخوردگی اعضاء در طول زمان» تلاش کرده‌اند با مصاحبه عمیق با ۲۲۰ نفر از فراریان و کادرهای زندانی داعش در ترکیه، عراق، سوریه، بالکان، اروپا و آسیای مرکزی به بررسی ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای، نقش آن‌ها در حمله‌ها در سراسر جهان، انگیزه‌های پیوستن و سایر گونه‌های کیفی آن‌ها پرداخته‌اند.

با بررسی پیشینه تحقیق مشخص شد که آثار بیان‌شده درباره زمینه‌های گسترش و فراگیری گروه‌های تروریستی در پی بحران‌های عراق و سوریه به نکاتی اشاره کرده‌اند. همچنین تمرکز بیشتر آن‌ها بر زمینه‌های شکل‌گیری و روندهای طی شده از سوی برخی از این گروه‌ها و بیش از همه داعش است. برخی نیز با بررسی مهم‌ترین تحولات بین‌المللی چشم‌انداز ادامه فعالیت گروه‌های تروریستی را در بستر این تحولات مطالعه کرده‌اند. با این وجود بیش از همه موضوع تأثیر گروه‌های تروریستی بر موضوع‌های مختلف امنیت جهانی مغفول مانده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با عنوان «واکاوی تأثیر گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه بر امنیت جهانی» با روش کیفی توصیفی - تحلیلی انجام شده است. منابع استفاده‌شده در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، فیش‌برداری است. متغیر مستقل «تروریسم» و متغیر وابسته «امنیت جهانی» است.

1. Cordesman

2. Speckhard & Ellenberg

۴. مبانی نظری تحقیق

امنیت جهانی از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه بیش از هر چیز دیگر در معرض تهدید بوده است، همواره تلاش انسان‌ها به لحاظ نظری و عملی و راه‌حل‌های مقطعی برای رسیدن به آن بوده است. امنیت و صلح جهانی در واقع ایده‌ای برای پرهیز از خشونت است که ملل جهان با میل خویش برای رسیدن به آن همکاری می‌کنند. این ایده با تأسیس سازمان ملل برای حل و فصل مسائل بین دولت‌ها شکل گرفت و ماده اول منشور ملل متحد درباره حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز به همین موضوع اختصاص دارد (اوزگر سین^۱، ۲۰۰۴، ص. ۲). صلح و امنیت جهانی بیش از همه در حوزه روابط بین‌الملل دارای معنا و مفهوم است. از دیرباز مهم‌ترین هدف روابط بین‌الملل، حفظ و برقراری صلح و امنیت در جهان بوده و نظریه‌های روابط بین‌الملل تبیین‌های متفاوتی از آن ارائه داده‌اند. از جمله «واقع‌گرایی» در روابط بین‌الملل، دولت‌ها را دارای ماهیت عقلانی یکپارچه در محیط بی‌نظم بین‌المللی می‌داند که دارای ترجیحات متضاد و قابلیت نابرابر هستند (لگرو و موراوچیک^۲، ۱۹۹۹). این نظریه عنصر اصلی صلح و امنیت جهانی را کسب و حفظ قدرت، خودیاری و بقا می‌داند که تحقق آن‌ها در هر عصر و دوره‌ای با راهبرد خاص آن دوره امکان دارد. برای مثال در یک دوره امنیت از طریق صلح مسلح و هژمونی حاصل می‌شود. از این نظر اساساً تأمین امنیت در نظام خودیار و آنارشیک تنها از طریق تلاش دائمی برای تقویت قدرت به‌ویژه قدرت نظامی امکان‌پذیر است و موازنه، بازدارندگی و دستیابی به قدرت هژمون ابزارهای اصلی آن هستند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲، ص. ۵۵). نوواقع‌گرایی نیز گرچه بسیاری از مفروضه‌های واقع‌گرایی را پذیرفته است، اما اصل را ساختار نظام بین‌الملل می‌داند. از این منظر، ناامنی به دلیل پویایی نظام بین‌الملل اجتناب‌ناپذیر است. والتز معتقد است برای اینکه واحدها در وضعیت آنارشی، بتوانند به اهداف خود دست یابند و امنیت خود را حفظ کنند باید به امکانات تولیدشده خود و ترتیباتی که ایجاد می‌کنند تکیه کنند؛ خودیاری به‌ضرورت، اساس عمل در یک وضعیت آنارشیک است. موازنه قوا و جنگ نتیجه رقابت امنیتی در وضعیت آنارشیک است. از این رو، دولت‌ها همواره به دنبال افزایش قدرت برای

1. Ozgercin

2. Legro & Moravcik

تأمین امنیت خود هستند (قیصری، ۱۳۹۳، صص. ۳۳-۳۴). در نظریه «لیبرالیستی» روابط بین‌الملل امنیت جهانی مبتنی بر نظم منفعت‌محور و هماهنگی منافع داخل مرزهای ملی به عرصه بین‌الملل است. در نظم منفعت‌محور در اثر نهادینه شدن اصول و رفتار لیبرال در نهادهای ملی و بین‌المللی استقرار یافته و حفظ می‌شود. بنابراین این نظریه نظام بین‌الملل را در کنار توزیع قدرت، بر مبنای فرایندهای سیاسی مانند نهادهای بین‌المللی می‌بیند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶، ص. ۶۷). لیبرال‌ها برای امنیت جهانی راهکارهایی را در نظر گرفته‌اند. امانوئل کانت و جرمی بنتهام بر وجود نظم طبیعی در شالوده جامعه انسانی تأکید دارند. از نظر بنتام «بین منافع ملت‌ها در هیچ جا تضاد واقعی وجود ندارد». یک راهکار لیبرال‌ها برای گذار به امنیت جهانی، ایجاد تعادل طبیعی میان بازیگران و امنیت مبتنی بر نظم طبیعی است که هرگونه مداخله در چرخه نظم طبیعی را آسیب‌زننده بر امنیت بازیگران می‌داند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹، صص. ۹۶-۹۸).

در طرف دیگر در نظریه «هنجاری» که نماینده اصلی آن سازه‌انگاری است نیز سرچشمه امنیت و ناامنی در نحوه تفکر بازیگران درباره پدیده‌ها و موضوعات از جمله منافع و تهدیدها است. از این منظر امنیت جهانی بیش از عوامل مادی بر میزان فهم و درک مشترک بازیگران این عرصه مبتنی است (ونت، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۷). «سازه‌انگاری» در بررسی امنیت جهانی بر هنجارمحوری و برخاستگی آن از مصالح، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک انسانی و اجتماعی در سطح بین‌المللی و جهانی تأکید دارد. از این نظر امنیت جهانی معلول ساختارهای هنجاری و انگاره‌ای مشترک بین‌دهنی است که از طریق رویه‌ها و رفتارهای متقابل کشورها خلق می‌شوند. کشورها می‌توانند با تغییر ساختار هنجاری و فرهنگ بین‌دهنی مشترک تکوین‌دهنده نظام بین‌الملل که باعث جنگ و منازعه می‌شود و جایگزین کردن آن با فرهنگ مسالمت‌آمیز، صلح و امنیت را برسانند و نظام بین‌الملل هابزی را به یک جامعه جهانی کانتی تبدیل کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶، ص. ۸۴). در مجموع به نظر می‌رسد که هرکدام از نظریه‌های واقع‌گرا، لیبرال و سازه‌انگار روابط بین‌الملل با توجه به مفروضات اصلی خود، تبیین خاصی از صلح و امنیت جهانی ارائه می‌دهند.

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. گسترش تروریسم در سطح بین‌المللی به دلیل بحران‌های عراق و سوریه

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تهدید علیه امنیت جهانی، گسترش تروریسم به صورت‌های فردی، گروهی، دولتی و جهانی است (کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۸). با تغییرات برآمده از فرایند جهانی شدن و همچنین رشد گروه‌های بنیادگرا و خشونت‌گرا و نیز تکیه آن‌ها به امکانات جدید فناوریانه و ارتباطی، با طرح مفهوم قدرت نامتقارن این برداشت مطرح شد که به‌رغم کوچکی و قدرت محدود این گروه‌ها از نظر عوامل قدرت متعارف، آن‌ها در عمل می‌توانند به تهدیدی جدی برای امنیت ملی کشورها و امنیت جهانی تبدیل شوند. ظهور القاعده و عملیات متعدد آن در دهه ۱۹۹۰ و نیز انجام عملیات ۱۱ سپتامبر، خطر تروریسم را بیش از پیش به بخشی از گفتمان امنیت ملی آمریکا تبدیل کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۶، صص. ۱۷۴-۱۷۵).

تشکیل و گسترش هسته‌های تروریستی در خاورمیانه از مهم‌ترین پیامدهای بحران عراق از سال ۲۰۰۳ است. سازمان القاعده در عراق که از ابتدای فروپاشی صدام در بین جامعه سنی و بازماندگان حزب بعث گسترش یافت، با انحلال ارتش و سازمان‌های نظامی این کشور گسترش بیشتری یافت. این گروه در ادامه با مشارکت بازماندگان حزب بعث و نفوذ در نیروهای مسلح به ناامنی در استان‌های سنی‌نشین دامن زد. گروه القاعده در ابتدا هدف خود را مقابله با نیروهای اشغالگر عنوان کرد، اما در ادامه ناامنی گسترده و بی‌ثبات‌سازی عراق در شرایط تأسیس دولت جدید را پی گرفت (سیمبر و مرادی کلارده، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۶). بن‌لادن رهبر جهانی سابق سازمان القاعده و الزرقاوی رهبر وقت القاعده عراق، مقاومت در عراق را به‌عنوان نبرد محوری در جنگ جهانی ائتلاف مسیحی - صهیونیستی علیه امت اسلام نام بردند. القاعده در سال ۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ مجموعه‌ای از نظامیان خارجی، سربازان عراقی و مردم غیرنظامی را آماج حمله‌های خود کرده است.

طبق آمار ارائه‌شده در سایت مؤسسه شمارش اجساد عراق^۱، این کشور در سال ۲۰۰۶ با بیشترین تلفات غیرنظامی برآمده از حمله‌های گروه‌های تروریستی روبه‌رو بوده است (مؤسسه شمارش اجساد عراق، ۲۰۱۲، ص. ۱). در سال ۲۰۰۶ با هلاکت الزرقاوی رهبر القاعده، ارتش

1. Iraq Body Count

آمریکا شروع به عضوگیری از قبایل سنی در استان الانبار و شورشیان سابق برای مقابله با القاعده در قالب «شوراهای بیداری» کرد مناطق اطراف آن کردند. در سپتامبر ۲۰۰۸، ارتش آمریکا مسئولیت امنیتی استان انبار را به پلیس عراق سپرد و اولین گام را برای خروج از این کشور برداشت. در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹، خروج نیروهای آمریکایی از بغداد و سایر شهرهای عراق براساس توافق دو کشور آغاز شد و در نهایت تا ۱۸ دسامبر ۲۰۱۱ نیروهای اشغالگر خاک عراق را ترک کردند (پروژه مبارزه با افراط‌گرایی^۱، ۲۰۲۲، صص. ۸-۱۰). با خروج نیروهای خارجی، نیروهای القاعده در عراق جان تازه‌ای گرفتند و با خارج ساختن کنترل بخش‌هایی از کشور از دست دولت مرکزی و اعلام دولت اسلامی عراق خواستار همکاری با قبایل عراق شدند. خلا امنیتی خروج نیروهای آمریکا و ضعف نیروهای امنیتی عراق به همراه آغاز بحران سوریه، سبب قدرت گرفتن این گروه و تغییر راهبرد آن‌ها به تشکیل «دولت اسلامی» شد. در این زمان، گروه‌های تروریستی در تلاش برای گسترش ارزش‌های تکفیری به عنوان هنجارهای دینی غالب در عراق و سوریه برآمدند. بحران سوریه از دو منظر موجب ایجاد فرصت برای گروه تروریستی دولت اسلامی در عراق شد. نخست سوریه با توجه به همسایگی با عراق فضای عملیاتی مناسبی را برای افزایش قدرت و نقش‌آفرینی این گروه فراهم کرد. دوم با گسترش بحران و افزایش تنش‌های مذهبی در منطقه، منابع انسانی و مالی فراوانی را برای گروه دولت اسلامی فراهم کرد. این گروه در سال ۲۰۱۳ دیگر گروه تروریستی در سوریه یعنی جبهه‌النصره را امتداد دولت اسلامی عراق دانست و با ادغام دو گروه، دولت اسلامی در عراق و شام شکل گرفت. این دو گروه چندین عملیات مشترک را در عراق و سوریه انجام دادند اما به تدریج دامنه اختلافات آن‌ها افزایش یافت. اختلاف‌ها بر سر غنائم، طرز تفکر و شیوه عملکرد در میدان نبرد موجب شد که این سازمان از جانب همه گروه‌های فعال در سوریه متهم شود. با گسترش اختلاف‌ها، دولت اسلامی توانست با سرازیر شدن بیعت‌هایی از شاخه‌های دیگر القاعده و پشت سر گذاشتن گروه مادر، به موفقیت برسد (نجات، ۱۳۹۴، صص. ۵۳-۵۱).

دولت اسلامی از ژانویه تا ژوئن ۲۰۱۴ سه شهر مهم فلوجه، موصل و تکریت در عراق را تصرف و ضمن صدور بیانیه تشکیل خلافت اسلامی، ابوبکر البغدادی را خلیفه تعیین کرد. داعش

از این زمان، دست به وضع و اجرای قوانین، صدور گذرنامه، ضرب سکه، چاپ اسکناس و صدور نفت کرد و روزانه دو میلیون دلار از صدور نفت درآمد به دست آورد و سرزمینی به وسعت ۵۰۰ کیلومتر را تصرف کرد. خلیفه یک نماینده در شام و نماینده‌ای دیگر در عراق داشت که در مجموع الاماره را تشکیل می‌دادند و تصمیم‌های کلیدی می‌گرفتند. این نمایندگان در مناطق تحت تصرف، ۱۲ حاکم منصوب کردند (۵ حاکم در سوریه و ۷ حاکم در عراق) (محمودی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۹). داعش با تثبیت موقعیت در عراق، ساختار نوینی را بر سه عنصر چابکی، انعطاف‌پذیری و تکیه نکردن به مرکزیت ایجاد کرد. حملات نظامی به مانورها و هجوم امنیتی تغییر یافت و با تلاش برای خودکفایی مالی، همزمان مصالحه با مناطق دارای اکثریت اهل تسنن در دستور قرار گرفت. استفاده از وسایل ارتباط الکترونیکی به دلیل سهولت نفوذ در آن محدود شد. کاهش تعداد ولایت‌ها از ۳۴ به ۱۴، کاهش تعداد دیوان‌ها از ۱۴ به ۵، توجه به تمرکززدایی در اجرای دستورها، خودکفایی مالی ولایت‌ها، کاهش حقوق نیروهای اجرایی و پشتیبان، کاهش تعداد عملیات انتحاری، لغو کارگاه‌های ساخت و توسعه سلاح شیمیایی و بیولوژیک از دیگر تغییرات این گروه بودند (امیری مقدم و همکاران، ۱۴۰۰، صص. ۶۲-۶۳). در این مدت داعش دست به جنایات بسیاری علیه شیعیان و اقلیت‌ها زد. دو بمب‌گذاری در ژوئیه ۲۰۱۶ در محله‌های شیعه‌نشین بغداد بیش از ۲۰۰ کشته برجا گذاشت. عفو بین‌الملل در سپتامبر ۲۰۱۴ گزارش داد که «داعش پاکسازی قومی را در مقیاسی تاریخی در شمال عراق انجام داده است.» در فوریه ۲۰۱۵ شبه‌نظامیان داعش، کتابخانه عمومی موصل شامل بیش از ۸۰۰۰ کتاب و نسخه خطی کمیاب را به آتش کشیدند. این گروه در مارس ۲۰۱۵ شهر آشوری نمرود و شهر باستانی حترا را در شمال عراق با خاک یکسان کرد. از ژوئن تا سپتامبر ۲۰۱۴، داعش بیش از ۸۳۰ هزار نفر را در شمال عراق مجبور به کوچ اجباری کرد. شبه‌نظامیان این گروه در آگوست ۲۰۱۴ با حمله به ساکنان ایزدی در شمال سنجار، حدود ۵۰۰۰ مرد ایزدی را کشتند و هزاران زن و کودک را به اسارت گرفتند. در نتیجه حملات داعش حدود ۴۰۰ هزار ایزدی آواره شدند و برخی مسیحیان عراقی با تهدید مرگ مجبور به گرویدن به اسلام شدند. به این دلیل شمار مسیحیان عراق از ۱.۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۳ به حدود ۱۵۰ تا ۲۷۵ هزار نفر در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت (پروژه مبارزه با افراط گرایی، ۲۰۲۲، صص. ۱۰-۱۴). از سوی دیگر در سوریه نیز فعالیت آشکار

نیروهای مسلح اسلام‌گرا از ویژگی‌های بارز بحران بوده است. رهبران این گروه‌ها نظام سیاسی حاکم بر سوریه را لائیک و منتسب به اقلیت علوی دانستند و جهاد علیه آن را هم به لحاظ سیاسی و هم مذهبی واجب شرعی شمردند. برخی از مهم‌ترین گروه‌های جهادی - تکفیری در سوریه شامل جبهه‌النصره، داعش، احرار الشام، جیش الاسلام (ترکیبی از احرار الشام، لواء الحق، حرکه الفجر الاسلامیه، جماعه الطلیعه الاسلامیه، انصار الشام، کتیه مصعب بن عمیر، جیش التوحید، صفور الاسلام، کتائب الایمان المقاتله، سرايا المهام الخاصه و کتیه حمزه بن عبدالمطلب)، جیش الفتح و جبهه اسلامی است مجموعه اقدام‌های این گروه‌ها در سوریه، زمینه را برای گسترش جنگ طایفه‌ای، مذهبی و تسری آن به فراسوی مرزها فراهم کرد (نجات، ۱۳۹۶، صص. ۷۵-۸۱).

در بین گروه‌های تروریستی که در یک دهه اخیر در سوریه فعال بوده‌اند، جبهه‌النصره به دلیل مانایی آن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. هرچند این گروه بیشتر در سوریه فعال بوده است، اما ریشه در تحولات عراق دارد. در ابتدای دهه ۲۰۰۰، ابومحمد الجولانی رهبر جبهه‌النصره در زندان آمریکایی کمپ بوکا در عراق زندانی بود. پس از آزادی در سال ۲۰۰۸، جولانی در کنار ابوبکر البغدادی که او هم در بوکا زندانی شده بود، فعالیت خود را با القاعده در عراق از سر گرفت. در سال ۲۰۱۱، بغدادی، جولانی و دیگر مبارزان القاعده را به سوریه فرستاد تا از خلأ قدرت برآمده از جنگ داخلی استفاده کنند. جبهه‌النصره به رهبری جولانی در یک ویدئو در ژانویه ۲۰۱۲ موجودیت خود را اعلام کرد. در آوریل ۲۰۱۳، پس از اینکه بغدادی به طور یک‌جانبه ادعا کرد که جبهه‌النصره به گروه دولت اسلامی در عراق پیوسته است، جولانی روابط خود را با داعش قطع کرد و بر وفاداری خود به مرکز القاعده تأکید کرد (پروژه مبارزه با افراط گرایی، ۲۰۲۲، ص. ۳).

جولانی در ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۶ بنابر دلایلی از جمله فشارهای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، توافق روسیه و آمریکا درباره بمباران پایگاه‌های داعش و النصره در سوریه و شناخت و درک صحیح رهبران النصره از شرایط و تحولات میدانی نبرد داخلی، جدایی جبهه‌النصره را به طور رسمی از القاعده اعلام کرد. به دنبال این امر جبهه‌النصره نام خود را به جبهه فتح الشام و پرچم خود را نیز به پرچمی سفید تغییر داد. درباره جدایی جبهه‌النصره از القاعده باید گفت که این

جدایی به صورت ایدئولوژیکی نبود. زیرا تفکرها و عقاید جهادی - تکفیری جبهه النصره و القاعده تفاوت قابل توجهی با یکدیگر ندارند. بلکه این جدایی با هدف در امان ماندن از حملات روسیه و آمریکا و کسب حمایت بیشتر بازیگران منطقه‌ای صورت گرفت. در ژانویه ۲۰۱۷، به دلیل افزایش حمله‌های هوایی آمریکا علیه جبهه فتح الشام، تنش‌ها در میان گروه‌های مخالف سوریه افزایش یافت. این حمله‌ها بخشی از تلاش برای منصرف کردن گروه‌های مخالف در ادلب از ادغام با فتح الشام بود. با این حال، خشونت میان اپوزیسیون زمانی تشدید شد که فتح الشام شروع به حمله به گروه‌های شبه نظامی در استان‌های حلب و ادلب کرد و نمایندگان را برای گفت‌وگوهای صلح با رژیم اسد در قزاقستان فرستادند. در نتیجه این حملات، جیش المجاهدین در حلب و جیش الاسلام در ادلب با احرار الشام ادغام شدند. به دنبال این ادغام‌ها، احرار الشام اعلام کرد که هرگونه حمله به جناح‌های جدید این گروه «اعلان جنگ» تلقی می‌شود. به دنبال این حملات، فتح الشام به عنوان «حیات تحریر الشام» تغییر نام داد. این سازمان با گروه‌های مخالف سنی مانند جیش الاحرار به رهبری شیخ هاشم الشیخ ادغام شد. در پی این ادغام، سمت ابومحمد الجولانی از رهبری این گروه، به فرمانده ارشد نظامی هیئت تحریر الشام تغییر کرد. مدتی بعد در اکتبر ۲۰۱۷، هاشم الشیخ از رهبری این گروه استعفا داد و دوباره الجولانی به ریاست این گروه رسید (نجات، ۱۳۹۶، ص. ۸۳).

در سال ۲۰۱۷ اختلاف بین هیئت تحریر الشام با رهبری القاعده بر سر انحراف‌های هیئت از ایدئولوژی اصلی جهادی و تمرکز بر ابعاد ناسیونالیستی جهاد و روابط با ترکیه شدت گرفت. در فوریه ۲۰۱۸، چندین واحد رزمی و شخصیت‌های وفادار به القاعده از هیئت تحریر الشام جدا شدند و در ادغام با بقایای احرار الشام، گروهی با عنوان حراس الدین را تشکیل دادند. در این دوره، هیئت سعی کرد تا در مقابل مواضع تند و پیوندهای پایدار حراس الدین با القاعده، خود را یک گروه معتدل برای افزایش جایگاه خود در مناطق تحت کنترل خود نشان دهد. در سال ۲۰۱۷، هیئت تحریر الشام و چندین گروه متحد نقش مهمی را در ایجاد دولت نجات ملی سوریه برای تحکیم قدرت خود در مناطق تحت کنترل ایفا کردند. این دولت که در استان ادلب و مناطق روستایی اطراف حلب مستقر شد، با هدف تثبیت اقتدار خود در بین شورشیان و جلوگیری از استفاده دولت اسد از اختلافات میان مخالفان، با رقابت با دولت موقت میانه‌رو سوریه که با

ارتش آزاد سوریه بود مخالفت کرد. در طول سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، هیئت تحریرالشام عملیات تهاجمی را علیه جبهه ملی برای آزادی که ائتلاف تحت حمایت ترکیه متشکل از یازده گروه شورشی در شمال غرب سوریه بود، صورت داد و توانست مناطق تحت تصرف این گروه را به اشغال خود درآورد. هیئت تحریرالشام در طول دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۷ توانست با تقویت هژمونی نظامی و سیاسی خود در ادلب و مناطق اطراف آن، با شکست گروه‌های احرار الشام و حراس الدین، مهم‌ترین رقبای خود در ادلب، نهادهای حکومتی کلیدی را در این استان تأسیس کند. از ژوئن ۲۰۲۱، ناظران تخمین می‌زنند که هیئت تحریرالشام نه تنها قدرتمندترین گروه در استان ادلب است، بلکه قدرتمندترین گروه مخالف غیردولتی در سوریه است (مرکز امنیت و همکاری بین‌المللی^۱، ۲۰۲۱، صص. ۷-۸). به‌طور کلی تروریسم در منطقه خاورمیانه به‌ویژه در دو دهه گذشته افزایش چشم‌گیری یافته است. در جدول ۱ تحولات افزایش یافته تروریسم در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. روند آغاز تروریسم در خاورمیانه تا فروپاشی داعش در سال ۲۰۱۸ م

مأخذ: یافته‌های پژوهش

سال (میلادی)	تحولات افزایش یافته تروریسم
۲۰۰۳-۲۰۰۴	سقوط دولت بعثی در عراق و تشکیل هسته‌های اولیه تروریسم و القاعده عراق
۲۰۰۵-۲۰۰۶	قدرت‌گیری دولت به رهبری شیعیان در عراق، افزایش حملات تروریستی در عراق، مرگ ابومصعب الزرقاوی رهبر القاعده عراق
۲۰۰۷-۲۰۰۸	درگیری‌های فرقه‌ای در عراق و افزایش حملات تروریستی در جهت ایجاد چالش بین شیعه و سنی
۲۰۰۹-۲۰۱۱	تقسیم القاعده عراق به شاخه‌های مختلف از جمله گروه انصارالسنه و توحید و جهاد و افزایش حملات تروریستی بعد از خروج نیروهای آمریکایی از عراق
۲۰۱۱-۲۰۱۳	آغاز تحولات بیداری اسلامی و گسیل شدن بسیاری از تروریست‌ها از عراق به سوریه و تشکیل گروه‌های جبهه‌النصره و دولت اسلامی در این کشور

سال (میلادی)	تحولات افزایش یافته تروریسم
۲۰۱۴	حملات برق‌آسای داعش به غرب و شمال غرب عراق، اشغال شهرهای موصل، تکریت و رمادی و ایجاد خلافت داعش در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴، تشکیل نیروی بسیج مردمی برای مقابله با داعش
۲۰۱۵-۲۰۱۶	اوج‌گیری حضور داعش در عراق و سوریه به‌همراه سایر گروه‌های تروریستی، کشتن ۶۱۴۰ نفر در سال ۲۰۱۵ و ۹۱۵۰ نفر در عراق و سوریه، آزادسازی شهر کردنشین کوبانی، تشکیل ائتلاف ضد داعش از سوی آمریکا و متحدانش، ایجاد ائتلاف بین ایران - روسیه - سوریه و آغاز شکست‌های داعش
۲۰۱۷-۲۰۱۸	شکست‌های پی در پی داعش، از دست دادن شهرهای اشغالی، بازپس‌گیری منطقه البوکمال در مرز عراق و سوریه از سوی نیروهای عراقی در سال ۲۰۱۷ و بازپس‌گیری رقه در سوریه توسط نیروهای ارتش سوریه

۵. ۲. تأثیرهای گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه بر امنیت جهانی

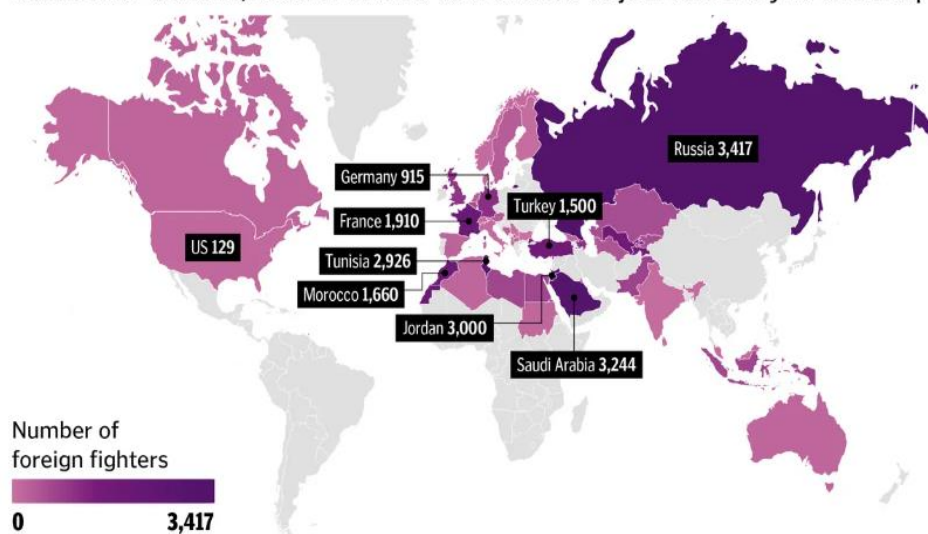
چنانچه دیده می‌شود در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ گروه‌های تروریستی از مهم‌ترین بحران‌های خاورمیانه ازجمله عراق و سوریه است که به نظر می‌رسد در موضوع‌های زیر امنیت و صلح جهانی را با تهدید مواجه کرده است.

۵. ۲. ۱. گسترش تروریسم با افزایش عضوگیری گروه‌های تروریستی از سراسر جهان

از سال ۲۰۰۳ و با تشکیل هسته‌های تروریستی در عراق تا بحران سال ۲۰۱۱ در سوریه، تعداد زیادی از کشورهای دیگر به این گروه‌ها پیوستند. این گروه‌ها در طول دو دهه اخیر افزون بر اعضای خاورمیانه‌ای از سایر منطقه نیز نیرو پذیرفتند. طبق گزارش سازمان ملل در مارس ۲۰۲۲ تعداد جنگجویان خارجی در عراق و سوریه را بین ۲۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نفر تخمین زد. طبق این گزارش شکست خلافت داعش بهترین راه برای ریشه‌کن کردن آن نیست؛ بلکه این واقعیت که داعش در حال تبدیل به یک بدنه نظامی غیرمکانی است، آن را قادر می‌سازد تا با واقعیت‌های جدید سازگار شود و در شرایط نامطلوب قدرت خود را نشان دهد و همزمان حضور گسترده

جغرافیایی خود را نیز تثبیت کند (الحاج^۱، ۲۰۲۲، صص. ۱-۲). هرچند نمی‌توان آمار دقیقی از اعضای گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه به تفکیک ارائه کرد، اما برای نمونه تا دسامبر ۲۰۱۵ حدود ۳۰۰۰۰ جنگجو از حداقل ۸۵ کشور به داعش در عراق و سوریه پیوستند. جذب جنگجویان خارجی از سوی داعش یک پدیده جهانی بوده است که سرمایه انسانی مورد نیاز این سازمان را برای فعالیت در خارج از خاورمیانه فراهم کرده است. اگرچه شمار فراوانی از نیروهای داعش از خاورمیانه و جهان عرب بودند، اما تعداد زیادی از کشورهای غربی از جمله اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ایالات متحده، کانادا، استرالیا و نیوزلند نیز در آن عضو بوده‌اند. هزاران جنگجوی روسی و آسیای مرکزی و صدها تن از اندونزی و تاجیکستان نیز به آن پیوسته‌اند (دفتر ملی تحقیقات اقتصادی^۲، ۲۰۱۶، صص. ۴-۵).

Number of citizens/residents who've travelled to join ISIS in Syria and Iraq



شکل ۱. تعداد اعضای داعش از کشورهای مختلف

مأخذ: فوسکو و دبینسکی^۳، ۲۰۱۹، ص. ۴

1. Al-hajj

2. National Bureau of Economic Research

3. Fusco & Debinski

از جمله مهم‌ترین اعضای خارجی داعش اعضای اروپایی و چچنی آن بوده‌اند. از ابتدای بحران در سوریه برخی از جوانان مسلمان مقیم اروپا و اروپایی‌هایی که به تازگی به اسلام گرویده بودند، به گروه‌های جهادی پیوستند. براساس برآوردهای صورت گرفته اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴ حدود ۲۰۰۰ شهروند اروپایی به گروه‌های جهادی ملحق شده‌اند، اما براساس سایر برآوردها این رقم تا ۵۰۰۰ نفر نیز رسید. بیشترین نفرها از فرانسه، انگلیس و آلمان به سوریه رفتند. همچنین افرادی از کشورهای دیگر اروپایی مانند بلژیک، هلند، دانمارک و ایرلند به گروه‌های جهادی ملحق شدند. با این حال در سال‌های بعد این هراس به وجود آمد که این افراد دیدگاه‌های رادیکال‌تری پیدا کرده و پس از بازگشت به کشور خود، با توجه به اینکه با کاربرد سلاح و تاکتیک‌های چریکی آشنایی بیشتری پیدا کرده‌اند، تهدیدی جدی متوجه امنیت داخلی کشورهای خود کنند. این امر واکنش‌هایی را در میان مقام‌های کشورهای اروپا برانگیخت و آنها نگرانی خود را از تهدید امنیتی بلندمدت جهادیون پس از بازگشت ابراز داشتند. در این باره ژیل دوکرشوف هماهنگ‌کننده ضد تروریسم اتحادی اروپا در سال ۲۰۱۳ بیان کرد که برخی از افرادی که از نبرد سوریه بازگردند، حمله‌های تروریستی در اروپا انجام خواهند داد (ایزدی، ۱۳۹۳، صص. ۱۶۰-۱۶۱).

جنگجویان چچنی نیز براساس دشمنی با روسیه، گرایش‌های سلفی و همسویی با القاعده از پایگاه‌های آموزشی به سوریه و عراق اعزام شدند. این جنگجویان بیشتر به گروه تروریستی غیرقانونی امارت قفقاز در روسیه وابسته بوده‌اند. دوکو عمروف رهبر سابق امارت قفقاز در اوت ۲۰۱۱ گروه خود را در راستای اهداف سازمان جهانی القاعده معرفی کرد و اعلام کرد که این گروه جزء تجزیه‌ناپذیر امت اسلامی است. چچنی‌ها و داغستانی‌ها که در داعش حضور داشته‌اند، مهم‌ترین نیروهای پیش‌تاز آن به شمار می‌روند. اکثر نیروهای چچنی ساکن در اروپا در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ عازم میدان نبرد سوریه شدند. آنها همچنین باتجربه‌ترین تروریست‌های حاضر در سوریه و عراق بوده‌اند که بیشتر به چهار گروه ارتش المهاجرین و الانصار، ارتش المهاجرین و الانصار امارت اسلامی قفقاز، جیش الخلافة الاسلامیه و جند الشام تقسیم می‌شوند. برخی از این گروه‌ها مستقل و بعضی دیگر وابسته به داعش یا جبهه‌النصره بوده‌اند. مهم‌ترین تحول در حضور چچنی‌ها در داعش در سال ۲۰۱۳ با پیوستن ابو عمر الشیشانی و گروهش انجام شد.

الشیشانی ابتدا فرمانده عملیات داعش در مناطق شمال سوریه شد و سپس به فرماندهی کل نیروهای داعش در سوریه منصوب شد (نجات، ۱۳۹۴، صص. ۱۵۵-۱۶۰).

افزون بر تأثیرگذاری‌های این گروه‌ها، چگونگی ارتباط ویژگی‌های کشور با جریان‌های استخدام داعش دارای اهمیت است. یافته‌های پژوهشی با عنوان «چه چیزی جریان جنگجویان خارجی به داعش را توضیح می‌دهد؟» در سال ۲۰۱۶ م. نشان داد که این شرایط بد اقتصادی نیست که باعث مشارکت در داعش می‌شود؛ بلکه تعداد جنگجویان داعش از یک کشور خاص با سرانه تولید ناخالص داخلی آن کشور و جایگاه آن در شاخص توسعه انسانی همبستگی مثبت دارد. بسیاری از جنگجویان خارجی از کشورهایی با سطوح بالای توسعه اقتصادی، نابرابری کم درآمد و نهادهای سیاسی بسیار توسعه‌یافته سرچشمه می‌گیرند. عوامل دیگری که تعداد جنگجویان خارجی داعش را توضیح می‌دهد، اندازه جمعیت مسلمان یک کشور و همگن بودن آن است. ویژگی‌های سیاسی یک کشور با تعداد جنگجویان داعش که تولید می‌کند، ارتباطی ندارد (بنملک و کلور^۱، ۲۰۱۶، ص. ۱).

استخدام‌های خارجی در سازمان‌های تروریستی بیشتر از کشورهای مرفه، قومی و زبانی همگن است. این پژوهش با تکیه بر تحقیق‌های قبلی که نشان داده‌اند که استخدام با ایدئولوژی مذهبی و سیاسی انجام می‌شود، دریافته‌اند که هرچه کشور میزبان یکدست‌تر باشد، مهاجران مسلمان در روند همسان‌سازی مشکلات بیشتری دارند. بنابراین این انزوای اجتماعی باعث افراط‌گرایی شده و عرضه نیروهای بالقوه را افزایش می‌دهد. همچنین گرچه به‌صورت دقیق نمی‌توان علت پیوستن مردم به داعش را تعیین کرد، اما دشواری جذب در کشورهای همگن غربی و جذابیت داعش برای جوانان تأثیرپذیر از طریق دستگاه تبلیغاتی پیچیده و رسانه‌های اجتماعی از عوامل اصلی آن به شمار می‌روند (بنملک و کلور، ۲۰۱۶، صص. ۲-۳).

۵.۲.۲. گسترش حملات تروریستی در خاورمیانه

یکی از مهم‌ترین اثرهای برآمده از گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۰۳، افزایش حمله‌های تروریستی در کشورهای همجوار در خاورمیانه است.

1. Benmelech & Klor

اردن یکی از مهم‌ترین کشورهایی است که در معرض گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه است. دولت اردن از ابتدای تحولات سوریه بیم آن داشت که حضور عناصر اسلام‌گرای مخالف حکومت، این کشور را در معرض اعتراض‌های سیاسی بهار عربی بگذارد. تروریسم از زمان حمله‌های سال ۲۰۰۵ به سه هتل در امان در زمره مهم‌ترین نگرانی‌های این کشور بوده است. در همین راستا از ابتدای بحران سوریه، دولت اردن پناهیجویان بدون مجوزی را که وارد این کشور شده‌اند شناسایی و پناهیجویان بدون مدارک را از نظر عضویت در گروه‌های افراطی اسلام‌گرا بررسی کرد. بعد از عضویت اردن در ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم در سپتامبر ۲۰۱۴، گروه داعش در بیانیه‌ای اعلام کرد که از اعضای ائتلاف که در حمله‌های هوایی به مواضع این گروه مشارکت دارند، انتقام می‌گیرد. پس از آن، دولت اردن ۷۰ نفر از شهروندان خود را به دلیل ارتباط با گروه‌های رادیکال دستگیر کرد. این افراد از طریق اینترنت و به صورت شخصی با این گروه‌ها مرتبط بودند (سپاراگا^۱، ۲۰۱۴، ص. ۱۴).

برخی دیگر از کشورهای این منطقه نیز هدف حمله‌های تروریستی داعش بوده‌اند که از جمله آن‌ها ترکیه است. در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ در بیرون مرکز فرهنگی آمارا در منطقه سوروج در استان شانلی اورفه ترکیه بمب‌گذاری از سوی داعش انجام شد که در آن ۳۲ نفر کشته و ۱۰۴ نفر زخمی شدند. در ۱۰ اکتبر دو بمب‌گذار انتحاری خود را در یک راهپیمایی صلح برای دموکراسی در ایستگاه مرکزی راه‌آهن آنکارا منفجر کردند که در جریان آن ۱۰۵ نفر کشته شدند. در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۶ یک مهاجم، انتحاری خود را در نزدیک مسجد کبود منفجر کرد که در آن ۱۰ نفر کشته شدند. در ۱۷ فوریه در انفجار یک بمب در نزدیک اتوبوس حامل نظامیان در نزدیکی مجلس ترکیه ۲۸ نفر کشته شدند. در ۱۹ مارس ۲۰۱۶ نیز در انفجاری انتحاری در خیابان استقلال ترکیه ۵ نفر کشته شدند. در ژوئن ۲۰۱۶ در تیراندازی عوامل داعش در فرودگاه بین‌المللی آتاتورک استانبول ۴۵ نفر کشته شدند (گروه بحران^۲، ۲۰۱۹، ص. ۴). داعش در ۲۶ ژوئن سال ۲۰۱۵ یک مسجد شیعیان در کویت را هدف انفجار انتحاری قرار داد که در آن ۲۷ نفر کشته شدند. در حمله‌های داعش به منطقه ضاحیه در جنوب بیروت در سال ۲۰۱۵ ۴۵ نفر کشته شدند. این گروه

1. Szparaga
2. Crisis Group

همچنین در سال ۲۰۱۶ با حمله انتحاری به مسجد امام علی در شهرک قدیح در استان قطیف عربستان، ۲۲ نمازگزار را کشت. از سوی دیگر در حمله‌های نیروهای داعش به مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی در سال ۲۰۱۷-۱۷ نفر کشته و ۵۲ نفر زخمی شدند. همچنین در حمله نیروهای داعش در اکتبر ۲۰۲۲ به حرم شاهچراغ در شیراز ۱۵ نفر کشته شدند.

۵.۲.۳. افزایش حمله‌های تروریستی در اروپا و آفریقا

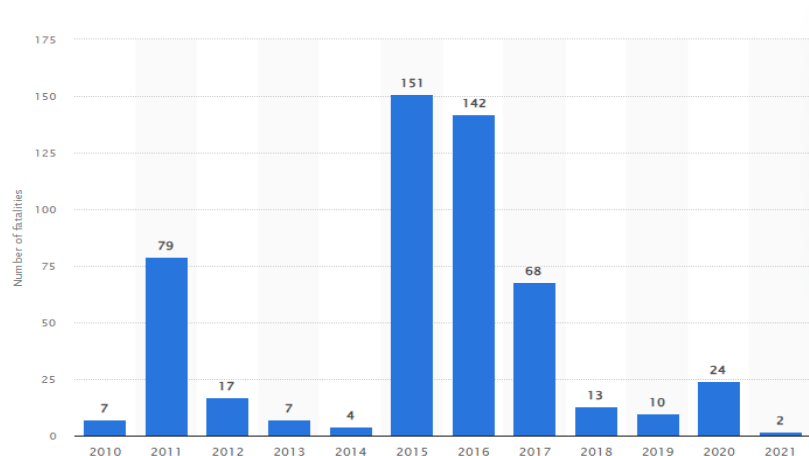
از زمان تشدید منازعات در خاورمیانه، حمله‌های تروریستی در شهرهای مختلف اروپا نظیر لندن، پاریس، برلین و بروکسل افزایش چشم‌گیری یافت که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد شد. تهدیدهای تروریستی به گونه‌ای افزایش یافت که رئیس اداره پلیس اتحادیه اروپا بیان کرد که تهدید تروریستی در اروپا به بالاترین سطح در یک دهه گذشته رسیده است. درباره منشأ تهدیدهای تروریستی در اروپا دو موضوع دارای اهمیت است. نخست ورود تروریست‌ها از طریق سیل مهاجران به کشورهای اروپایی. مسئله دوم بازگشت تروریست‌های اروپایی عضو داعش از خاورمیانه به کشورهای خود است (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۸۳). به‌طور کلی از زمان تشکیل گروه تروریستی داعش، نیروهای این گروه در کشورهای اروپایی بلژیک، فرانسه، آلمان، بریتانیا عملیات تروریستی انجام دادند که اولین آن‌ها به کشته شدن ۱۲ نفر در تیراندازی در محله شارلی ابدو در فرانسه بود و مهم‌ترین آن نیز در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس واقع شد. در این حمله ۱۳۰ نفر کشته شدند. بیشتر این حمله‌ها از سوی اعضای اروپایی داعش که به کشور خود بازگشته بودند انجام شده است. از جمله در سال ۲۰۱۴ یک افراطی فرانسوی - الجزایری پس از گذراندن یک سال در زندان‌های فرانسه، به سوریه عزیمت کرد. او در بازگشت به اروپا به موزه یهودیان در بروکسل حمله کرد و موجب کشته شدن چهار نفر شد. پس از دستگیری مشخص شد که او عضو داعش بوده است. علاوه بر اعضای گروه‌های تروریستی، برخی از افراد نیز در اروپا تحت تأثیر افکار جهادی دست به اقدامات تروریستی زده‌اند. از نمونه‌های این امر می‌توان به اقدام برینگ بریویک^۱ تروریست دست راستی ضد مسلمان در نروژ در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱ که ۶۹ نفر را به قتل رساند و نیز اقدام محمد مراح اسلام‌گرای فرانسوی الجزایری تبار که در مارس ۲۰۱۲ هفت نفر نظامی و یهودی را در دو شهر تولوز و

1. Behring Breivik

مونتوبان در فرانسه به قتل رساند، اشاره کرد (ایزدی، ۱۳۹۳، صص. ۱۶۲-۱۶۳).

در همین زمینه پلیس اتحادیه اروپا هر ساله گزارش وضعیت حمله‌های تروریستی و دستگیری‌های مرتبط با تروریسم را در اتحادیه اروپا براساس اطلاعات ارائه‌شده از سوی کشورهای عضو ارائه می‌دهد. طبق گزارش سال ۲۰۲۲، در سال ۲۰۲۱، ۱۵ حادثه تروریستی در اتحادیه اروپا روی داد. همچنین در سال‌های ۲۰۲۱ - ۲۰۱۹، ۲۹ توطئه جهادی یا راست افراطی در سراسر اتحادیه خنثی شد و ۱۵۶۰ نفر به ظن جرایم تروریستی دستگیر شدند. در سال ۲۰۲۱، بیشترین جرم‌های منجر به دستگیری را عضویت در گروه تروریستی، برنامه‌ریزی یا تدارک حمله، تأمین مالی تروریسم، استخدام و تحریک به تروریسم تشکیل داده است. در همین سال فرانسه با ۵ مورد، بیشترین تعداد حمله‌های تروریستی را داشته و آلمان ۳، سوئد ۲، اتریش، دانمارک، مجارستان، بلژیک و اسپانیا هر کدام یک حمله را گزارش کردند. در نتیجه حمله‌های جهادی در سال ۲۰۲۱ دو نفر در اسپانیا و فرانسه کشته شدند (شورای اتحادیه اروپا^۱، ۲۰۲۲، صص. ۳-۴).

در شکل ۲ تعداد تلفات حمله‌های تروریستی در اروپا در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ آمده است. بیشترین میزان تلفات نیز در سال‌های قدرت‌گیری داعش در خاورمیانه و تسلط این گروه تروریستی بر مناطقی ما بین موصل در عراق و رقه در سوریه رخ داده است.

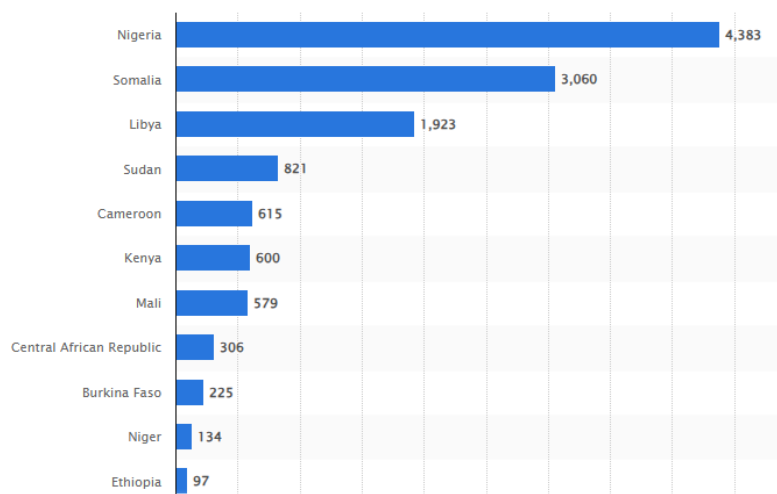


شکل ۲. تعداد تلفات غیرنظامی از سوی داعش در عراق و سوریه در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۱ م

مأخذ: استاتیس‌تا^۲، ۲۰۲۴

1. European Council of the European Union,
2. Statista

برخی از کشورهای آفریقایی و ایالات متحده آمریکا نیز زیر حملات گروه‌های تروریستی داعش قرار گرفته است. نیروهای داعش در دوم دسامبر ۲۰۱۵ در تیراندازی در برناردینو ۱۴ نفر را کشتند و ۱۸ نفر را مجروح کردند. همچنین در حمله ۱۲ ژوئن ۲۰۱۶ به یک باشگاه شبانه در شهر اورلاندو آمریکا ۴۹ نفر کشته شدند. در آفریقا نیز در سال ۲۰۱۴ در حمله به موزه ملی باردو در تونس ۲۴ نفر کشته شدند. در آوریل ۲۰۱۷ دو مهاجم انتحاری خود را در کلیسای ارتدوکس قطبی سنت مارک منفجر کردند که در نتیجه آن ۴۵ تن کشته شدند. در دوم می ۲۰۱۸ در پی حمله انتحاری اعضای داعش به کمیسیون عالی ملی انتخابات در طرابلس ۱۶ نفر کشته شدند. هسته اصلی فعالیت‌های تروریستی داعش در ساحل آفریقا متشکل از بورکینافاسو، کامرون، چاد، گامبیا، گینه، موریتانی، مالی، نیجر، نیجریه و سنگال بوده است. مرگ و میر به دلیل تروریسم در این کشورها از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ بیش از ۱۰۰۰ درصد افزایش یافته و حدود نیمی از کل مرگ و میر برخاسته از تروریسم در جهان در سال ۲۰۲۱ در جنوب صحرای آفریقا به‌ویژه در ساحل رخ داد (اودانل^۱، ۲۰۲۲، ص. ۶). در شکل ۳ تعداد حمله‌های تروریستی به بعضی از کشورهای آفریقایی آورده شده است.



شکل ۳. تعداد حملات تروریستی در بعضی از کشورهای آفریقایی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۹

مأخذ: استاتیستا، ۲۰۲۰

1. O'Donnell

2. Statista

۵. ۴. ۲. سرازیر شدن سلاح به خاورمیانه

گسترش گروه‌های تروریستی در خاورمیانه از جمله در بحران سوریه به سرازیر شدن حجم گسترده‌ای از سلاح به منطقه منجر شده است. بخش زیادی از صادرات کل آمریکا، روسیه، چین و کشورهای اروپایی از فروش سلاح به کشورهای خاورمیانه است. جدول ۲ داده‌های مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم درباره سهم فروش‌های سلاح در صادرات کلی این دولت‌ها را در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد.

جدول ۲. سهم فروش‌های سلاح در صادرات کلی دولت‌ها

مأخذ: سِپِری^۱، ۲۰۱۸، ص. ۵

کشورهای صادرکننده سلاح	درصد کل صادرات ۲۰۱۷
ایالات متحده آمریکا	۳۴
روسیه	۲۲
فرانسه	۶.۷
آلمان	۵.۸
چین	۵.۷
انگلیس	۴.۸
اسپانیا	۲.۹
اسرائیل	۲.۹
ایتالیا	۲.۵
هلند	۲.۱

طبق نظریه «نواقع گرایی»، خاورمیانه با محیط ژئوپلیتیک، موقعیت ژئواکونومیک و جغرافیای انسانی، از مناطق جذابی است که نقش محوری در نظام بین‌الملل دارد و میزان توجه قدرت‌های خارج از منطقه به آن بالا است (قاسمی و پورجم، ۱۳۹۴، ص. ۹۱). گسترش تروریسم در بحران سوریه، مهم‌ترین زمینه کسب درآمد از محموله‌های تسلیحاتی کوچک از جمله برای روسیه بوده است. در سال ۲۰۱۱ میزان صدور سلاح مسکو به دمشق به یک میلیارد دلار رسید و چهار میلیارد دلار قرارداد نظامی دیگر میان دو کشور منعقد شد. طبق بعضی ارزیابی‌ها نزدیک ۱۰ درصد

1. Sipri

فروش جهانی سلاح روسیه بعد از ۲۰۱۱ به سوریه اختصاص یافت (قاسمیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۵). روسیه از این طریق کوشید تا توازن قوا را در شرق مدیترانه به نفع خود تغییر دهد. به‌ویژه فروش سیستم موشکی اس ۴۰۰ نقش مهمی در تثبیت و بقای دولت اسد بالاخص درمقابل تلاش‌های ناتو و آمریکا برای اعمال مناطق پرواز ممنوع، مناطق امن و مسیرهای تدارکاتی برای تروریست‌ها ایفا کرد. ژنرال مارتین دمپسی رئیس ستاد ارتش آمریکا در سال ۲۰۱۳، اعلام کرد که آمریکا گزینه‌هایی برای جلوگیری از تحویل سلاح به سوری‌ها ندارد (کوهن^۱، ۲۰۱۳، ص. ۱۱). اقدام آمریکا در مسلح کردن گروه‌های معارض در سوریه و عراق را که بر مبنای راهبرد مدیریت بی‌ثباتی انجام شده است، می‌توان از مهم‌ترین تهدیدها علیه امنیت جهانی به شمار آورد. در این راهبرد با ایجاد سطح مشخص ناامنی کنترل‌شده، تحرک سیاسی هر بازیگر قابل مدیریت است. بروس رایدل^۲ کارشناس اندیشکده بروکینگز^۳ تصمیم دولت بوش را در حمله به عراق، سرآغاز تنش در منطقه دانست. نوام چامسکی^۴، متفکر آمریکایی، نیز سیاست آمریکا در عراق را منجر به شکل‌گیری داعش ارزیابی کرد. گره خوردن منافع قدرت‌های جهانی با بی‌ثباتی در خاورمیانه، تهدیدی مستقیم علیه امنیت جهانی است و خلأ امنیتی در این منطقه نیاز به حضور قدرت‌های جهانی را توجیه می‌کند (نجات، ۱۳۹۴، صص. ۶۷-۶۹). در آوریل ۲۰۱۸ و در هنگامه حمله ارتش سوریه به استان ادلب، واشنگتن تلاش کرد نیروهای خود را در آنجا حفظ کند؛ چراکه فتح این استان کنترل مجدد بشار اسد بر سوریه به غیر از مناطق کردی را در پی داشت و برای آمریکا که سال‌ها سلاح را برای گروه‌های مخالف ارسال می‌کرد شکست بود (قاسمیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۶).

۵.۲.۵. افزایش رقابت قطب‌های قدرت منطقه‌ای

از نظر الگوی روابط حاکم بر واحدها، الگوهای مختلف روابط تخاصمی در خاورمیانه وجود دارد که از جمله الگوی تعارضی بین ایران - اسرائیل، لبنان - اسرائیل، سوریه - اسرائیل و ایران - عربستان - ترکیه - اسرائیل است (قاسمی و پورجم، ۱۳۹۴، ص. ۹۲). در این راستا بحران‌های

1. Cohen

2. Bruce Riedel

3. Brookings Institute

4. Noam Chomsky

خاورمیانه از سال ۲۰۰۳ زمینه رقابت ژئوپلیتیک قطب‌های قدرت منطقه‌ای را فراهم کرده است. محوریت نفوذ ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران، حضور نظامی ترکیه در شمال عراق و سوریه از سال ۲۰۱۳، حمایت اقتصادی و ایدئولوژیکی عربستان و کشورهای عربی از طیف‌های مخالف صدام و حمایت علنی اسرائیل از گروه‌های تروریستی همگی در این راستا هستند (فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۸، صص. ۱۰۸-۱۰۹). این کشورها با تأکید بر اهدافی چون افزایش قدرت، تأثیر بر سایر واحدها و ایجاد بازدارندگی می‌کوشند از گروه‌های تروریستی به مثابه ابزار سیاست خارجی استفاده کنند یا مانند تهدید آن‌ها را از سر راه بردارند و به این ترتیب در چرخه گریزناپذیر حمایت یا نابودی این گروه‌ها قدم بردارند.

در این چهارچوب ناکامی عربستان، اسرائیل و ترکیه در جلوگیری از توسعه نفوذ ایران در خاورمیانه در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۵ موجب شد آن‌ها پس از خیزش‌های جهان عرب با تشدید فرقه‌گرایی و حمایت از تروریسم تکفیری در سوریه و داعش، در عراق به سمت ایجاد موازنه منطقه‌ای با هدف تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران پیش روند (برزگر و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۳). گروهی مانند داعش با حجم بالای عملیات نظامی و انفجارهای تروریستی، بدون حمایت قدرت‌های خارجی قادر به ایفای این نقش نیست. در حامیان منطقه‌ای داعش بیش از همه نام عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل مطرح است. در اولین روزهای حمله داعش به عراق، رسانه‌های عراق مانند المسله از ورود ۱۴۰ نیروی اطلاعاتی عربستانی به موصل خبر دادند (امیری مقدم و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۶۲). حضور داعش در سوریه در ابعاد ژئوپلیتیک به نفع رژیم صهیونیستی ارزیابی می‌شود. هدف اصلی داعش نابودی سوریه و سرنگونی دولت قانونی آن بود تا از این طریق، یکی از بازیگران مهم جبهه مقاومت را که پل ارتباطی میان ایران و حزب الله و گروه‌های فلسطینی است، قطع کند. شائل بن افریم، تحلیل‌گر اسرائیلی در سال ۲۰۱۴ درباره همگرایی این بازیگران در حمایت از داعش گفت: «از داعش می‌توان در ایجاد نوعی موازنه قوا در منطقه استفاده کرد و قدرت ایران را که با سقوط صدام و به قدرت رسیدن دولت شیعی در این کشور و تقویت محور مقاومت، شامل حزب الله و حماس، گسترش یافت، تعدیل کند.» اسرائیل از ابتدا داعش را نه تهدید، بلکه فرصتی مهم برای مقابله با مقاومت برشمرده (رضایی و موسوی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۹). نقش و جایگاه ترکیه نیز در حمایت از گروه‌های جهادی

همچون القاعده و داعش برجسته است. تحقیقی با عنوان «ارتباط ترکیه و داعش» که از سوی مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۱۵ انجام شد، ضمن اشاره به عبور آزادانه تروریست‌های داعش از ترکیه به سوی عراق و ترکیه، از قول این تروریست‌ها از مرز ترکیه و سوریه با عنوان دروازه جهاد یاد کرده است (فیلیپس^۱، ۲۰۱۴، ص. ۸). ترکیه همچنین بعد از سال ۲۰۱۶، وقتی دو گروه احرار الشام و فیلق الشام در عملیات «سپر فرات ترکیه» شرکت کردند، حمایت و پشتیبانی مالی و نظامی از این گروه‌ها را افزایش داد. سه موج عملیات نظامی ترکیه در شمال سوریه در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ و حمایت قوی آن از گروه‌های سنی لشکر سلطان مراد، لشکر الحمزات و احرار الشریقه در ارتش ملی سوریه، باعث تشدید بیشتر بحران در سوریه شد. همچنین به دنبال همکاری بین آنکارا و گروه تروریستی، هیئت تحریر الشام، محقق معروف جهادی، ابوقتاده الفلستانی، از اردوغان تجلیل کرد و فتوایی صادر کرد که اشکال خاصی از تعامل با ترک‌ها را مشروعیت می‌بخشد (بوتوبکوف^۲، ۲۰۲۳). هرچند با طولانی شدن بحران سوریه و افزایش هزینه‌های حفظ موازنه قوای منطقه‌ای، ترکیه با تغییر سیاست منطقه‌ای خود از جمله در روندهای آستانه به سمت تعامل با روسیه و ایران پیش رفت، اما نمی‌توان حمایت‌های این کشور را از گروه‌های تروریستی نادیده گرفت.

۶. نتیجه‌گیری

منطقه خاورمیانه در طول دو دهه اخیر بر صلح و امنیت جهانی در ابعاد مختلف خود اثر گذاشته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و افزایش فعالیت تروریستی در اقصی نقاط جهان است. این بحران‌ها با ایجاد بی‌ثباتی، هرج و مرج و اوج‌گیری علقه‌های قومی و مذهبی علاوه بر شکل‌دهی به این گروه‌ها، افراد مختلف از سراسر دنیا را به سوی این دو کشور و عضویت در این گروه‌ها کشاند. گروه‌های تروریستی از جمله القاعده در عراق بعد از سقوط صدام و ناتوانی نیروهای خارجی در تأمین امنیت این کشور به همراه ناکارآمدی دولت عراق توانست هسته‌های ترور را به‌ویژه در استان‌های سنی‌نشین این کشور گسترش داده و یکی از نقش‌های اصلی را در ایجاد بی‌ثباتی در عراق قبل و بعد از خروج آمریکا

1. Phillips

2. Botobekov

در سال ۲۰۱۱ ایفا کند. وقوع قیام‌های عربی از سال ۲۰۱۱، میدان عمل وسیع‌تری را ازجمله در سوریه برای القاعده ایجاد کرد و این گروه توانست انشعاب‌های مختلفی را در عراق و سوریه همچون داعش، جبهه‌النصره و تحریرالشام تشکیل دهد. تلاقی این بحران با حمله‌های گروه داعش به عراق در سال ۲۰۱۴ که نتیجه آن در اختیار گرفتن یک سوم از خاک عراق و نیمی از سوریه بود، قدرت بیشتری به این گروه‌ها بخشید که امنیت و صلح جهانی را به مقابله می‌طلبید. در طول این سال‌ها با تبلیغات و گستردگی پیام این گروه‌ها، افراد مختلفی از کشورهای خاورمیانه، اروپا و آسیا به این گروه‌ها ازجمله داعش و جبهه‌النصره پیوستند. این افراد با آشنایی با تاکتیک‌های ترور و خشونت در بازگشت به موطن خود دست به حمله‌های تروریستی متعددی در این سال‌ها زدند که تهدیدهای امنیتی برای کشورهای مختلف از خاورمیانه و آفریقا گرفته تا اروپا به شمار می‌آمد. همچنین گسترش تروریسم موجب سرازیر شدن انواع تسلیحات برای مقابله با این گروه‌ها و حمایت از آن‌ها در این منطقه شد. به گونه‌ای که از سال ۲۰۱۱ و گسترش بحران در سوریه، روسیه و آمریکا محموله مختلف سلاح را در اختیار طرف‌های بحران قرار داده‌اند. ایجاد رقابت بین قطب‌های مختلف قدرت در خاورمیانه در پیرامون این گروه‌ها، زمینه دیگر تهدید علیه صلح و امنیت جهانی را ایجاد کرده است. درواقع شکل‌گیری این گروه‌ها را می‌توان ابزار موازنه ازسوی بازیگرانی همچون عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه برای مقابله با ایران به‌عنوان نیروهای اصلی مقابله با گروه‌های تروریستی نگریست. در جدول ۳ مهم‌ترین تأثیرگذاری‌های گروه‌های تروریستی بر امنیت جهانی به‌دلیل بحران‌های عراق و سوریه آمده است.

جدول ۳. مهم‌ترین پیامدهای گروه‌های تروریستی به دلیل بحران‌های عراق و سوریه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱

تأثیرها	پیامدها	نتایج
گسترش حمله‌های تروریستی در خاورمیانه	افزایش عملیات تروریستی در ایران، اردن، ترکیه، کویت، عربستان و لبنان	افزایش سیاست‌های امنیتی و نظامی، گسترش دستگیری‌های داخلی، افزایش سطح تهدیدهای داعش و گسترش مشارکت کشورهای عربی در ائتلاف ضد داعش
سرازیر شدن انواع سلاح در خاورمیانه	افزایش خرید سلاح از سوی کشورهای عربی از جمله حاشیه جنوبی خلیج فارس و افزایش فروش سلاح از سوی کشورهای اصلی صادرکننده آمریکا، روسیه، آلمان، چین	تغییر موازنه قوا در مناطقی نظیر شرق مدیترانه و اقدام آمریکا برای تسلیح بیشتر گروه‌های معارض سوریه به ویژه در ادلب در آوریل ۲۰۱۸
افزایش رقابت قطب‌های قدرت منطقه‌ای	تلاش دو قطب قدرت در منطقه (ایران، عراق و سوریه) و (عربستان، ترکیه و اسرائیل) برای سوق دادن موازنه قدرت به نفع خویش	سیاست حمایتی عربستان، ترکیه و اسرائیل از گروه‌های تروریستی و معارضان سوری در مقابل افزایش سیاست‌های ضد تروریستی در راهبرد دفاعی ایران و روسیه
افزایش تعداد اعضای خارجی (غیربومی) گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه	گسیل شدن افراط‌گرایان از مرزهای روسیه، چین، آسیای مرکزی، کشورهای اروپایی، کانادا و استرالیا برای عضویت در داعش و جبهه‌النصره	افزایش سطح تهدید در کشورهای مبدأ مانند روسیه، فرانسه و انگلیس
افزایش میزان حمله‌های تروریستی در اروپا و آفریقا	افزایش سطح تهدیدها به بالاترین حد در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۴، افزایش حمله‌ها به مراکزهای فرهنگی و سیاسی در فرانسه و انگلیس، گسترش افکار جهادی در اروپا و آفریقا، افزایش توان گروه تروریستی بوکو حرام در شمال و ساحل غربی آفریقا، افزایش هسته‌های تروریستی و گرگ‌های تنها در سوئد، آلمان و دانمارک	تشدید سیاست‌های ضد مهاجرتی، افزایش دستگیری افراد به ظن عضویت در گروه‌های تروریستی، قدرت‌گیری گروه‌های راست افراطی در اروپا

کتابنامه

۱. اختیاری امیری، ر.، رفیع، ح.، و عارفی، ع. (۱۳۹۷). مهاجران خاورمیانه‌ای و امنیت اروپا. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱ (۴۲)، ۷۳-۱۰۱.
۲. امیری مقدم، ا.، زارعی، س.، عقیلی، س.، و رفیعی، م. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل ظهور داعش در عراق و سقوط موصل از منظر غافل‌گیری نظامی امنیتی. فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک، ۱۹ (۸۶)، ۷۸-۵۳.
۳. ایزدی، پ. (۱۳۹۳). جهادیون افراطی و امنیت اروپا. فصلنامه روابط خارجی، ۶ (۴)، ۱۵۷-۱۸۵.
۴. برزگر، ک.، قوام، ع.، ذاکریان، م.، و موسوی، س. (۱۳۹۷). تحولات اخیر جهان عرب، موازنه قوا و گروه‌بندی‌های منطقه‌ای جدید در خاورمیانه. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۴ (۳)، ۱۲۸-۱۴۲.
۵. دوثرتی، ج.، و فالتزگراف، ر. (۱۳۹۰). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل (ع. ر. طیب، و. و. بزرگی، مترجمان). تهران: نشر قومس.
۶. دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۹۶). اصول و مبانی روابط بین‌الملل ۱، تهران: نشر سمت.
۷. رضایی، ر.، و موسوی، ص. (۱۳۹۶). ظهور داعش و تاثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به وجود آمده برای ایران. دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱۱ (۵)، ۱۴۹-۱۷۴.
۸. سیمبر، ر.، و مرادی کلارده، س. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل درونی گسترش جریان‌های افراطی در خاورمیانه: مطالعه موردی عراق. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹ (۲)، ۵۳-۸۰.
۹. شریعتی، ش.، وکیلی، ب. و قربانی شیخ‌نشین، ا. (۱۳۹۹). نشانگان پیدایش موج پنجم تروریسم بین‌المللی در غرب آسیا. فصلنامه امنیت ملی، ۱۰ (۳۸)، ۷-۳۴.
۱۰. عبدالله‌خانی، ع. (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
۱۱. علیزاده، م.، و رحمانی، ا. (۱۳۹۷). ظرفیت‌های جامعه بین‌المللی برای رویارویی با گروه تروریستی داعش (چالش‌ها و امیدها). فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۸ (۴)، ۷۶۳-۷۴۷.
۱۲. فروزان، ی.، و عالی‌شاهی، ع. (۱۳۹۸). جریان‌شناسی بی‌ثباتی سیاسی در عراق بر اساس نظریه دیوید ایستون: از پساصدام تا پساداعش. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰ (۳)، ۹۴-۱۱۳.
۱۳. قاسمی، ف.، و پورجم، ب. (۱۳۹۴). مسابقه تسلیحاتی، ثبات راهبردی و نظم منطقه‌ای خاورمیانه. فصلنامه سیاست دفاعی، ۲۶ (۹)، ۷۹-۱۰۸.
۱۴. قاسمیان، ر.، سیمبر، ر.، و جانسیز، ا. (۱۳۹۷). بحران سوریه و جنگ سرد جدید. فصلنامه

- پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام، ۱(۱)، ۱۵۹-۱۹۵.
۱۵. قیصری، ن. (۱۳۹۳). مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین. فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۲)، ۲۷-۵۵.
۱۶. کریمی، غ. (۱۳۸۹). ارزش‌ها و تهدیدات در گذار از امنیت بین‌المللی به امنیت جهانی. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰(۴)، ۱۹۷-۲۱۵.
۱۷. مبینی، ز. و طالعی، ر. (۱۴۰۰). کودکان داعش و امنیت بین‌الملل. فصلنامه امنیت ملی، ۱۱(۳۹)، ۴۳۱-۴۶۶.
۱۸. محمودی، ه. (۱۳۹۵). داعش و مسئله تشکیل دولت مطابق با نظم وستفالیایی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۹(۷۵)، ۱۷۵-۲۰۰.
۱۹. مشیرزاده، ح. (۱۳۸۶). چرخش در سیاست خارجی ایالات متحده و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمانی داخلی. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۷(۲)، ۱۹۰-۱۵۳.
۲۰. نجات، ع. (۱۳۹۴). کالبدشکافی داعش ماهیت، ساختار تشکیلاتی و راهبردها و پیامدها. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
۲۱. نجات، ع. (۱۳۹۶). بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
۲۲. ونت، ا. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل (ح. مشیرزاده، مترجم). تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

23. Al-Hajj, T. (2022). *The insurgency of ISIS in Syria*. Retrieved from <https://carnegieendowment.org/sada/86643>
24. Ben-Edet, E. (2022). *Terrorism: A case study of the global security threat of Boko Haram and The ISIS Alliance in Nigeria*. Texas Southern: Texas Southern University.
25. Benmelech, E., & Klor, E. F. (2016). *What Explains the Flow of Foreign Fighters to ISIS?* Retrieved from <https://www.nber.org/papers/w22190>
26. Botobekov, U. (2023). *How ISIS and al-Qaeda Exploit the Earthquake in Turkey to Mobilize Support, Border security Expo, May 10 – 11*. Retrieved from <https://www.hstoday.us/featured/how-isis-and-al-qaeda-exploit-the-earthquake-in-turkey-to-mobilize-support>
27. Centre for International Security and Cooperation. (2021). *Hayat tahrir al – sham*. Retrieved from <https://cisac.fsi.stanford.edu/mappingmilitants/profiles/hayat-tahrir-al-sham>
28. Cohen, A. (2013). *Russian missiles to Syria endanger U.S. foreign policy goals*. Retrieved from <https://www.heritage.org/middle-east/report/russian-missiles->

- syria-endanger-us-foreign-policy-goals
29. Cordesman, A. (2020). *The real world capabilities of ISIS: The threat continues*. Centre for Strategic & International Studies.
 30. Counter Extremism Project. (2022). *Iraq: Extremism and Terrorism*. Retrieved from <https://www.counterextremism.com/countries/iraq-extremism-and-terrorism>
 31. Crisis Group. (2019). *ISIS attacks turkey and corresponding court cases*. Retrieved from <https://www.crisisgroup.org/timeline-isis-attacks-turkey-and-corresponding-court-cases>
 32. European Council of the European Union. (2022). *Terrorism in the EU: Facts and figures*. Retrieved from <https://www.consilium.europa.eu/en/infographics/terrorism-eu-facts-figures/>
 33. Fusco, P., & Debinski, G. (2019). *Graphic truth: Where are ISIS' foreign fighters from?* Retrieved from <https://www.gzeromedia.com/graphic-truth-where-are-isis-foreign-fighters-from>
 34. Iraq Body Count. (2012). *Iraqi death from violence 2003-2011*. Retrieved from <https://www.iraqbodycount.org/analysis/numbers/2011/>
 35. Katzman, K. (2019). Iraq and Al-Qaeda. *Congressional Research Service*. Retrieved from www.crs.gov
 36. Legro, J. W., & Moravcsik, A. (1999). Is anybody still a realist? *International Security*, 24(2), 5-55.
 37. National Bureau of Economic Research. (2016). *Where Are ISIS's foreign fighters coming from?* Retrieved from <https://www.nber.org/digest/jun16/where-are-isis-foreign-fighters-coming>
 38. O'Donnell, L. (2022). *Terrorism is making a comeback, and Africa is the hot spot*. Retrieved from <https://foreignpolicy.com/2022/05/06/terrorism-africa-hotspot-isis-boko-haram/>
 39. Ozgercin, K. (2004). *Collective security and the United Nations, the work of the high – level panel on threats, challenges and change, fredrich Ebert Stiftung*. Retrieved from <https://library.fes.de/pdf-files/iez/global/50102.pdf>
 40. Phillips, D. (2014). *ISIS–Turkey*. Retrieved from https://www.huffpost.com/entry/research-paper-isis-turke_b_6128950
 41. SIPRI. (2018). *Trends in international arms transfers 2017*. Retrieved from <https://reliefweb.int/report/world/trends-international-arms-transfers-2017>
 42. Speckhard, A., & Ellenberg, M. D. (2020). ISIS in their own words: recruitment history, motivations for joining, travel, experiences in ISIS, and disillusionment over time – Analysis of 220 in-depth interviews of ISIS returnees, defectors and prisoners. *Journal of Strategic Security*, 13(1), 82–127
 43. Statista. (2021). *Number of terrorist attacks in African countries between 2007 and 2019*. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/1197878/number-of-attacks-from-terrorism-in-africa-by-country/>
 44. Statista. (2024). *Number of fatalities due to terrorist attacks in the European Union from 2010 to 2021*. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/1178596/number-of-fatalities-from->

terrorism-eu/

45. Szparaga, A. (2014). The effect of the Syrian crisis on Jordanian internal security. *Independent Study Project (ISP) Collection*. 1929. Retrieved from https://digitalcollections.sit.edu/isp_collection/1929



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.86985.140>

Mental Models of Local Managers Regarding Environmental Risk Management Strategies (Case Study: Peri-Urban Settlements of Birjand)

Mohammad Hajipour¹

Assistant Professor of Geography and Rural Planning, Department of Geography,
Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran

Mobina Osmani

MA student in Environmental Hazards, Department of Geography, Faculty of
Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran

Received: 21 February 2024 Revised: 20 May 2024 Accepted: 15 June 2024

Abstract

Environmental risks are an inseparable part of the interplay between humans and the environment, which, due to its growing consequences, has come under spotlight in planning and decision-making systems of countries, especially in the developing world. Peri-urban spaces can be subject to irreparable damages inflicted by environmental risks, as they have become a destination for a growing population of migrants to large cities (regional and national) or urban escapees. It is because risky behavior has wreaked havoc on natural and man-made foundations in peri-urban areas. Within the framework of risk management, identifying the types of risks, measuring them, making decisions to address them (countermeasures) and monitoring are some of basic measures. Awareness of local strategies for managing environmental risks is a strategic priority for sustainable planning. Given the role of executive managers in dealing with risks, this research attempts to investigate the mental models of local managers (Dehyaran) about strategies for dealing with environmental risks in the peri-urban area of Birjand. In this applied nature, a descriptive method had been adopted. Data collection involved documentary studies, interviews, and a survey of the managers' views. The findings were analyzed using the Q method in SPSS software. According to the results, 18 types of risks (both natural and human-induced) have emerged in the peri-urban area of Birjand. According to local managers, 26 propositions (solutions) can be considered in the form of three mental models for tackling environmental risks. The themes of the identified models include "improving issues in the physical dimension", "enhancing factors that strengthen the sense of security in the residential pathways", and "growth of financial and human capital in the local community". Ultimately, local managers

1. Corresponding Author: Email: mhajipour@birjand.ac.ir

posit that the management of environmental hazards in the peri-urban areas of Birjand is contingent upon the tactfulness and problem-solving of human issues.

Keywords: Environmental Risks, Peri-Urban Settlements, Birjand, Q Analysis.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.86985.1403>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

الگوهای ذهنی مدیران محلی درباره راهکارهای مدیریت مخاطرات محیطی (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند)

محمد حجی‌پور (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

بیرجند، بیرجند، ایران، نویسنده مسئول)

mhajipour@birjand.ac.ir

مبینا عثمانی (دانشجوی کارشناسی ارشد مخاطرات محیطی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

بیرجند، بیرجند، ایران)

mobinaosmani@birjand.ac.ir

صص ۳۳۶ - ۳۱۵

چکیده

مخاطرات بخش جدایی‌ناپذیر رابطه بین انسان و محیط است که به دلیل عواقب روزافزون آن، در کانون توجه نظام‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کشورها به‌ویژه جوامع روبه‌پیشرفت است. از عرصه‌هایی که مخاطرات محیطی سبب خسارت‌های جبران‌ناپذیر می‌شود، فضاهای پیراشهری است که به دلایل متعدد، مقصد جمعیت عظیم مهاجران به شهرهای بزرگ (منطقه‌ای و ملی) یا شهرگیزان است؛ زیرا تاکنون رفتار مخاطرات به مرور منجر به تخریب بنیان‌های طبیعی و انسان‌ساخت نقاط پیراشهری شده است. در چارچوب مدیریت ریسک، شناسایی انواع مخاطره، اندازه‌گیری، تصمیم‌گیری برای مواجهه با آن (راهکارهای مقابله) و نظارت از مجموعه اقدامات اساسی است؛ بدین‌سان، آگاهی از راهکارهای محلی برای مدیریت مخاطرات محیطی، اولویتی راهبردی برای برنامه‌ریزی آینده در سکونتگاه‌های پیراشهری دارد. با در نظر گرفتن نقش مدیران اجرایی در مقابله با مخاطرات، در این تحقیق کوشش شده به بررسی الگوهای ذهنی مدیران محلی (دهیاران) درباره راهکارهای مواجهه با مخاطرات محیطی شناخته‌شده در پیراشهر بیرجند پرداخته شود. نوع تحقیق کاربردی و دارای ماهیت توصیفی است. برای

گردآوری داده‌ها از مطالعات اسنادی، مصاحبه و پیمایش دیدگاه مدیران استفاده شده است. تحلیل یافته‌ها در چارچوب روش‌شناسی کیو با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. بنا به نتایج، ۱۸ نوع مخاطره (شامل طبیعی و انسانی) در عرصه پیراشهر بیرجند پدید آمده است. از دیدگاه مدیران محلی، ۲۶ گزاره (راهکار) در قالب سه الگوی ذهنی می‌توان برای مقابله با مخاطرات محیطی و مدیریت ریسک آن در نظر داشت. مضامین الگوهای شناخته‌شده شامل «بهبود مسائل در بعد کالبدی»، «ارتقاء عوامل تقویت‌کننده احساس امنیت در معابر سکونتگاه» و «رشد سرمایه‌های مالی و انسانی در جامعه محلی» بوده است. در نهایت اینکه مدیریت مخاطرات محیطی در پیراشهر بیرجند از منظر مدیران محلی در گرو تدبیر و چاره‌اندیشی مسائل انسانی است.

واژگان کلیدی: مخاطرات محیطی، سکونتگاه‌های پیراشهری، بیرجند، تحلیل کیو.

۱. مقدمه

در عصر حاضر، از موضوعات خطیر و پرتکرار که می‌توان در متون علمی، محتوای گفتاری سیاستمداران و برنامه‌ریزان و حتی بحث‌های داغ مردم عادی شاهد آن بود، زمینه مخاطرات (طبیعی یا انسانی) است. مخاطرات، دغدغه‌ای فراگیر است که برحسب عوامل عدیده‌ای از جمله موقعیت قرارگیری مکان‌های جغرافیایی و سطح توسعه‌یافتگی فضا می‌توان اهمیت گفتمانی آن را تعیین کرد. آسیب‌های مکرر که نسل بشر از رخداد مخاطرات متحمل شده، آشکارکننده آن است که مخاطرات، بخش جدایی‌ناپذیر رابطه بین مردم و محیط است و همان‌گونه که هیوت^۱ اذعان داشته، بیشتر مخاطرات طبیعی، نشان‌دهنده ویژگی‌های مکان‌ها و جوامعی است که این حوادث در آنجا رخ می‌دهد؛ اولیوه اسمیت^۲ در تکمیل مفهوم مخاطرات، آن را شامل روابط بین نیروها یا عوامل طبیعی، ساختار قدرت، قراردادهای اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و منعکس‌کننده ویژگی‌های اساسی اجتماعی و فرهنگی می‌داند (دانفورد^۳ و همکاران، ۲۰۱۱).

روند بروز مخاطرات آشکار می‌کند که غالباً در نتیجه آن زندگی انسان‌ها دچار تنش می‌شود. با وقوع مخاطرات طبیعی همچون سیل، زلزله، فرونشست یا خشکسالی می‌توان دریافت که نه تنها باعث ایجاد اختلال در زندگی بشر می‌شود بلکه عواقب آن در درازمدت باقی است و

1. Hewitt

2. Olive-Smith

3. Dunford

خسارت‌های طولانی‌مدت به‌همراه دارد (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴). مطالعات گذشته نشان می‌دهد که مخاطرات محیطی در سکونتگاه‌های انسانی دارای تبعات مختلف محیطی، کالبدی، اجتماعی، روانشناختی و اقتصادی است که برای سالیان متمادی در محیط باقی می‌ماند. گونه مخاطرات و اثرات آن در مکان‌ها، جوامع و مناطق متفاوت است و میزان تاب‌آوری و آسیب‌پذیری جامعه محلی در برابر آن با یکدیگر فرق می‌کند و بیشتر، کشورهای توسعه‌یافته به‌دلیل داشتن امکانات بیشتر در برابر مخاطرات در مقایسه با کشورهای در حال توسعه کمتر آسیب می‌بینند.

مواجهه و مقابله با مخاطرات محیطی از چالش‌های اصلی بیشتر کشورهای در حال توسعه است (کاتر^۱، ۲۰۱۵) که باعث ایجاد چالش‌های اقتصادی و عقب ماندن از روند توسعه می‌شود؛ از این رو، محور اصلی سیاست‌گذاری‌ها، ارائه چهارچوب‌هایی برای توجه به الزامات راهبردی کاهش تأثیرات مخاطرات محیطی در طرح‌های توسعه ملی و منطقه‌ای است (فیگ^۲، ۲۰۰۶). کشورهای جهان سوم دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که از آن‌ها می‌توان به نداشتن شکل‌یابی تغییر و تحولات کالبدی براساس بنیان‌های قاعده‌مند و ساختاریافته اشاره کرد، که این ویژگی منجر به بروز مسائل متعددی برای نظام‌های برنامه‌ریزی و جریان‌های هدایت‌گر سیاسی تصمیماتی می‌شود و ریشه آن‌ها در نظم نگرفتن و بی‌برنامه بودن تغییرات فضایی کالبدی در سکونتگاه‌های انسانی است؛ بنابراین، این مسائل باعث ایجاد تغییرات متعدد در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فضایی و کالبدی مناطق روستایی اطراف شهرها می‌شود و اغلب این جریان‌ها به‌صورت موجی واقع می‌شود و بین میزان تأثیرپذیری روستاها و فاصله آن‌ها با شهرها ارتباط معکوسی است (افراخته و حجبی‌پور، ۱۳۹۲).

سکونتگاه‌های انسانی پیرامون شهرها در نتیجه افزایش جمعیت شهری در سده اخیر که آن نیز به دنبال مهاجرت‌های روستا - شهری گسترده و مهاجرت‌های شهرگزیز (مهاجرت از کلان‌شهرها) بوده (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۳)، منجر به رویارویی «شهر - روستا» شده، هویت و کالبد متفاوتی یافته است و منجر به خلق فضاهای جدید سکونتی و به‌شدت متأثر از فضاهای

1. Cutter

2. Fig

شهری شده است؛ این گونه فضاهای سکونتی «پیراشهر» نامیده می‌شود. کناره و لبه‌شهری، مکان دخالت فعالیت‌ها، سازمان‌ها، مناظر شهری و روستایی و نیز گذار از نواحی روستایی به شهری، فرآیند پیراشهرنشینی را شکل می‌دهد (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵).

در سال‌های اخیر سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرهای بزرگ در جریان دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی دچار تحولات کالبدی - فضایی زیادی شده‌اند؛ به عبارتی روستاهای واقع در پیرامون شهر به دلیل نزدیکی مکانی و وابستگی فضایی کالبدی با شهر، از امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برخوردار هستند که در دیگر روستاهای کشور به چنین فراوانی نیست. بنابراین هر سکونتگاهی که حاشیه و پیرامون مراکز شهری استقرار یابد در معرض تحولات ویژه‌ای است (صرافی، ۱۳۷۷).

طبق گزارش‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی در سال ۲۰۱۴، بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهانی، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم هنوز در مخروبه‌های ناامن با مصالح نامناسب و بدون رعایت قوانین مهندسی سکونت دارند که فضاهای روستایی و پیراشهری برجسته‌ترین آن است؛ از این رو، موضوع مخاطرات محیطی و برنامه‌ریزی و مدیریت آن‌ها یک اصل اساسی و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (نوری و نوروزی، ۱۳۹۶). موقعیت جغرافیایی و شرایط محیطی ایران سبب شده است که این کشور همواره در معرض مخاطرات مختلف باشد. بدین سان در زمره کشورهای است که آسیب‌پذیری بسیار زیادی در برابر مخاطرات محیطی دارد؛ به‌طوری که ۳۷/۷ درصد از کل مساحت آن در مناطق در معرض خطر مخاطرات محیطی بوده و ۷۰ درصد از جمعیت کشور در مناطق در معرض مخاطرات محیطی، سکونت دارند. اسکاپ^۱ نیز در گزارش سوانح مرتبط با مخاطرات تکنونیک، ایران را جزو ده کشور اول از حیث مرگ و میر برآمده از این مخاطرات دانسته و جایگاه ایران را بین رتبه اول تا سوم جهان بیان کرده است (فرزاد بهتاش و همکاران، ۱۳۹۲).

بررسی نسبت تغییرات جمعیتی سکونتگاه‌های شهری و روستایی ایران، طی نیم قرن اخیر نشان می‌دهد که سهم جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت کشور به‌صورت معکوس دگرگون شده و نسبت جمعیت روستایی و شهری به‌ترتیب از ۶۸/۵ و ۳۱/۵ درصد در سال

1. Scap

۱۳۳۵ به ۲۵/۹ و ۷۴/۱ در سال ۱۳۹۵ تغییر یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در استان خراسان جنوبی، شهر بیرجند به عنوان مادرشهر منطقه‌ای طی دهه ۱۳۸۰ رشد شتابانی را تجربه کرده است و تاکنون روستاهای متعددی در حاشیه آن به طور مستقیم متأثر از این گسترش فیزیکی قرار گرفته‌اند که ازجمله آن می‌توان به روستاهای علی‌آباد، چهکنند و حاجی‌آباد اشاره کرد (افراخته و حجب‌پور، ۱۳۹۲). باتوجه به اینکه مخاطرات محیطی برآمده از علل آب و هوایی نظیر خشکسالی، سیلاب و ریزگرد و امواج گرمایی یا انواع مخاطرات انسانی نظیر وندالیسم (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۹)، چالش‌های جدی مدیریت سکونتگاه‌های انسانی در خراسان جنوبی است، تلاش برای مدیریت ریسک مخاطرات محیطی در فضای مذکور دارای ارجحیت بنیادین است و در این تحقیق کوشش شده ازمنظر مدیریتی، با بررسی الگوهای ذهنی مدیران محلی (سطح اجرایی مدیریت ریسک) درباره راهکارهای مواجهه با مخاطرات محیطی شناخته شده، گامی برای اصلاح و اقدامات برنامه‌ای در آینده برداشته شود.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون درباره مدیریت مخاطرات محیطی پژوهشی‌های بسیاری انجام شده که نزدیک‌ترین آن‌ها به موضوع این مقاله به شرح زیر است:

خورشید دوست و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نقش فرایندهای ژئومورفیک رودخانه‌ای در ایجاد مخاطرات محیطی شهر سنقر در استان کرمانشاه» به این نتیجه رسیدند که شهر سنقر به دلیل قرارگیری بر روی دشت سیلابی، از طرف آبراهه‌ها و رودخانه سنقر چای از یک طرف و به دلیل قرارگیری قسمت‌هایی از شهر بر روی مخروط‌افکنه‌های شرقی و جنوبی و عواملی چون تعرض به حریم رودخانه و وجود مواد کوهرفتی و سست در حاشیه رودخانه سنقر چای، ابعاد و ارتفاع نامناسب پل سنقر چای از طرف دیگر، در معرض مخاطرات محیطی برآمده از فرایندهای رودخانه‌ای و عوامل انسان‌ساخت است.

بلادپس (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی در مخاطرات محیطی و ژئومورفولوژیکی سکونتگاه‌های روستایی شمال منطقه مرند (دشت هلاکو)» به این نتیجه رسید که منطقه از نظر فعالیت‌های درون‌زا به‌ویژه زلزله تهدید جدی می‌شود و زلزله پرخطرترین عامل در این منطقه

به شمار می‌رود. به دلیل مخاطرات برون‌زدا، ناپایداری دامنه‌ها و سیل روستاها را تهدید می‌کند و بحرانی‌ترین و مخاطره‌آمیزه‌ترین وضعیت را در روستاهای مرتفع کوهستانی، به‌ویژه روستای هرزند عتیق می‌توان مشاهده کرد.

فرج‌زاده اصل و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی ایمنی جاده‌ای با رویکرد مخاطرات محیطی مسیر سنندج - مریوان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی»^۱ نشان دادند ۶۵ درصد از طول محور ارتباطی مورد نظر از نقاط با خطر بسیار زیاد، ۲۵ درصد از نقاط با خطر زیاد و ۱۰ درصد از نقاط با خطر متوسط است.

یگانه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاب‌آوری خانوارهای روستایی در برابر خشکسالی در دهستان ترجان - شهرستان سقز» به این نتیجه اشاره دارند که سطح تاب‌آوری خانوارهای روستایی منطقه در وضعیت قابل قبولی نیست و در برابر مخاطره مورد نظر آسیب‌پذیرند.

نوری و سپهوند (۱۳۹۵) در پژوهشی تاب‌آوری سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی را با تأکید بر زلزله در دهستان شیروان شهرستان بروجرد تحلیل کرده‌اند. نتایج، نشان از سطح متوسط تاب‌آوری در روستاها دارد؛ اما تفاوت معناداری بین روستاها وجود نداشت. به‌علاوه سرمایه اجتماعی، بیشترین نقش را بر میزان تاب‌آوری روستایی ایفا می‌کند.

سلمانی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود با عنوان «شناسایی و تحلیل تأثیر متغیرها و شاخص‌های تاب‌آوری شواهدی از شمال و شمال شرقی تهران» دو متغیر اجتماعی و نهادی را تأثیرگذارترین متغیرها در افزایش سطح تاب‌آوری معرفی کرده‌اند.

برقی و همکاران (۱۳۹۶) نیز تاب‌آوری محیطی را در روستاهای در معرض خطر دهستان معجزات بررسی کرده و به این نتیجه اشاره دارند که تاب‌آوری اجتماعی در سطح مطلوب، اما تاب‌آوری نهادی - سازمانی در سطح تاحدی مطلوب است.

ساسان‌پور و موسی‌وند (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل انسان‌ساخت در تشدید پیامدهای مخاطرات طبیعی در محیط‌های کلان شهری با کاربرد منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی» نشان دادند میزان آسیب‌پذیری برآمده از زلزله، در منطقه پنج کلان‌شهر تهران شامل

۴/۸۲ درصد با آسیب‌پذیری خیلی کم، ۲۶/۹۴ درصد با آسیب‌پذیری کم، ۳۵/۱۶ درصد با آسیب‌پذیری متوسط، ۲۷/۹۶ درصد با آسیب‌پذیری قابل توجه، ۲/۸۸ با آسیب‌پذیری زیاد ۱/۳۳ درصد با آسیب‌پذیری خیلی زیاد و ۰/۹۱ درصد از ساختمان‌ها کاملاً آسیب‌پذیر هستند. افزاینده و یوسفی (۱۳۸۳)، در پژوهشی با عنوان «مخاطرات محیطی در نواحی شهری، مطالعه موردی: رباط کریم»، در نشریه علمی - پژوهشی انجمن - جغرافیایی ایران نشان دادند که رباط کریم مانند بسیاری از شهرهای مهاجرپذیر کشور، مهاجرانی را جذب کرده است که در شرایط حاضر توان پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی آنان را ندارند، تنگناهای شهری در شرایط کمبود مؤسسات فرهنگ متعالی و تضادهای طبقاتی توان تحلیل واقعی مسائل را از بیشتر افراد جامعه، به‌ویژه جوانان سلب کرده است و این مسئله از مهم‌ترین خطرات محیطی جامعه است.

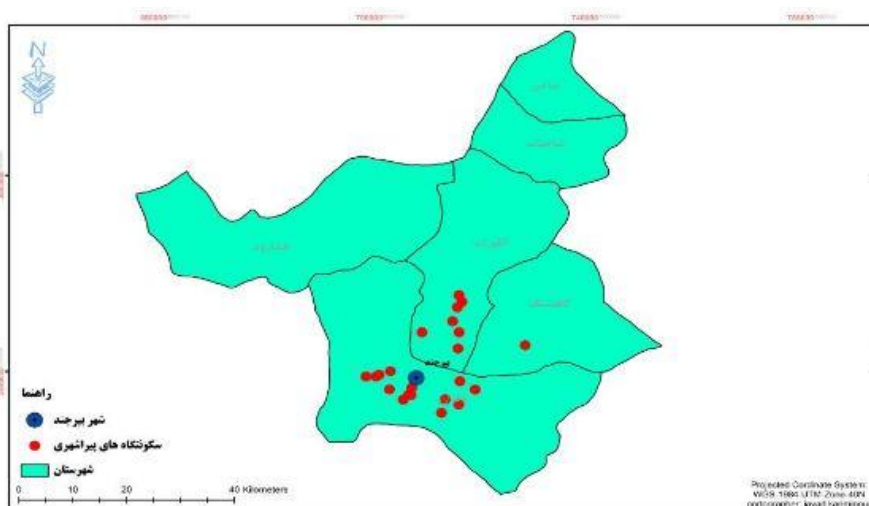
کاویانی راد (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی در ایران» نشان داد که روند تخریب محیط در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته است. بیشتر این آمارها، محصول برآیند موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی سرزمین ایران، کم‌توجهی به نقش جستار پایداری محیط در طراحی و اجرای سازه‌ها و فضاها، ناآگاهی عمومی و کم‌توجهی سازمان‌های دولتی است؛ تداوم این وضعیت دست کم در دو دهه آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی محیط‌محور پرهزینه و زمان‌بر روبه‌رو خواهد کرد.

واکوی متون و پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که باتوجه به عمومیت یافتن مباحث مدیریت مخاطرات در بین علوم، طیف وسیعی از رویکردها در این زمینه پدید آمده است. با وجود این، تاکنون پژوهشی با موضوع «الگوهای ذهنی مدیران فضاهای پیراشهری درباره مدیریت مخاطرات محیطی» انجام نشده است. این موضوع، یک شکاف تحقیقاتی به لحاظ نقد رویکرد مدیریت حاکم بر فضاهای پیراشهری به شمار می‌رود و می‌تواند مبنایی برای انجام این تحقیق باشد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

شهرستان بیرجند مرکز شهرستان بیرجند و مرکز استان خراسان جنوبی است. شهرستان بیرجند بین مدار ۳۲ درجه و ۳۹ دقیقه و ۳۳ درجه و ۳۱ دقیقه عرض شمالی و مدار ۵۸ درجه و ۴۰ دقیقه و ۵۹ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است. شهرستان بیرجند، با ۴۰۲۷

کیلومتر مربع مساحت ۶/۲ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است. جمعیت شهر بیرجند، برابر ۲۰۳۶۳۶ نفر بوده است و مساحت این شهر ۴۰۰۴ کیلومتر مربع است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی، ۱۴۰۱). درباره موقعیت مکانی سکونتگاه‌های پیراشهری مورد مطالعه نیز چهار روستای حاجی‌آباد، امیرآباد، شمس‌آباد و چهکنند در جنوب غرب، روستاهای علی‌آباد و حسین‌آباد در جنوب شرق شهر بیرجند، روستای رقویی پایین در جنوب، روستاهای شوکت‌آباد و بجد در شرق و روستای شکراب در شمال شهر بیرجند واقع شده‌اند. شکل ۱، پراکندگی جامعه مورد مطالعه را براساس متغیر فاصله نسبت به مرکز شهر بیرجند نشان می‌دهد که متوسط فاصله هرکدام از روستاها تا مرکز شهر بیرجند کمتر از ۱۰ کیلومتر است. شکل ۱ موقعیت روستاهای مورد مطالعه را نسبت به شهر بیرجند نشان می‌دهد.



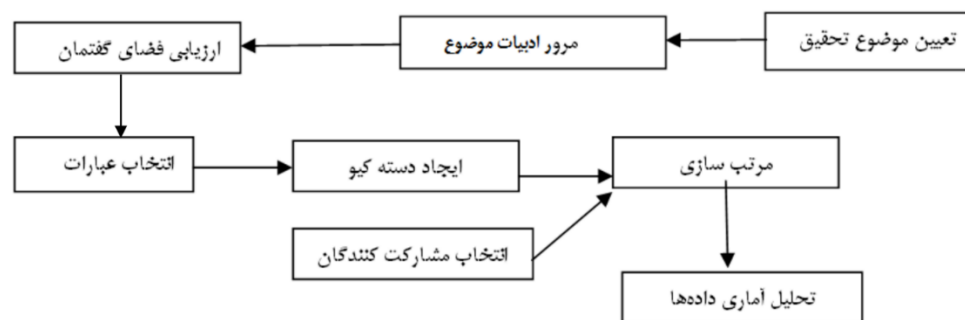
شکل ۱. نقشه موقعیت سکونتگاه‌های مورد مطالعه

مأخذ: فال سلیمان و همکاران، ۱۴۰۲

این پژوهش براساس هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت مطالعه اسنادی و پیمایشی (مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه بین جامعه هدف) انجام گرفته است. راهکارهای محلی مدیران برای مواجهه با مخاطرات موجود در فضای پیراشهر بیرجند، ابتدا از طریق مصاحبه در گام اول و تکمیل پرسش‌نامه محقق‌ساخته در گام دوم،

گردآوری و امتیازدهی شد. جامعه مورد مطالعه (مدیران محلی) شامل ۱۰ دهیار روستاهای پیراشهر بیرجند بوده که تمام شماری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در چارچوب روش‌شناسی کیو و با کمک نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

روش کیو (Q) از نوع آمیخته بوده و در مرحله گردآوری نظرات مشارکت‌کنندگان از روش کیفی و جهت دست‌یابی به ذهنیت آنان از رویکرد کمی به شیوه تحلیل عاملی بهره گرفته می‌شود. با توجه به اینکه این روش برای درک آسان ارزش‌ها، سلیقه‌ها و دیدگاه‌های افراد به کار رفته، بر پایه تحلیل‌های آماری است و افراد با ذهنیت مشترک را شناسایی می‌کند. در این باره می‌توان چارچوب فرایندی شکل زیر را مد نظر داشت.



شکل ۲. مراحل انجام تحلیل کیو

مأخذ: سلامت و همکاران، ۱۳۹۹

۴. مبانی نظری تحقیق

اصطلاح مخاطرات محیطی به معنای وقوع یک پدیده یا شرایط طبیعی است که در زمان و مکان معین تهدید ایجاد کند و مخاطره‌آمیز شود (الیوریا^۱، ۲۰۰۸). پژوهش‌های آکادمیک درباره مخاطرات محیطی از دهه پایانی قرن بیستم آغاز شد و در ایران نیز مطالعات مرتبط با این موضوع مربوط به دهه ۴۰، بعد از وقوع زلزله بوئین‌زهرها بوده است. براساس گزارش جهانی مخاطرات، روزانه به‌طور متوسط ۱۳۰۰ نفر بر اثر مخاطرات طبیعی کشته می‌شوند که ۹۸ درصد این رقم، مربوط به کشورهای در حال توسعه و سکونتگاه‌های روستایی و غیرشهری است (نشریه هلال

1. Oliveria

احمر^۱، ۲۰۰۱)؛ از این رو، برقراری پیوند، میان توسعه جامعه، مدیریت و مدیریت سوانح، برای ایجاد جامعه تاب‌آور در برابر مخاطرات، امری ضروری است (ویکستروم^۲، ۲۰۱۳).

مدیریت به‌عنوان یکی از فعالیت‌های اجتماعی بشر، سابقه‌ای بسیار دیرینه دارد، شاید مدیریت را بتوان یکی از مهمترین فعالیت‌ها در زندگی اجتماعی بشر امروز دانست. در عصر حاضر به مدد این فعالیت است که مأموریت و اهداف سازمان‌ها (ازجمله فضاهای جغرافیایی) محقق می‌شود، از منابع و امکانات موجود بهره‌برداری می‌شود و توانایی و استعداد های انسان‌ها از قوه به فعل درمی‌آید (رضوانی و هرائینی، ۱۳۹۶). مدیریت مخاطرات محیطی ازجمله موضوعات محوری در دانش مخاطرات است که نیازمند مجموعه اقدامات و مطالعات پیوسته‌ای در چهارچوب یک الگوی مدیریتی است که از گام‌های متعددی تشکیل شده است (ایمانی، ۱۴۰۰). هدف اصلی مدیریت مخاطرات محیطی، کاهش ریسک و پیامدهای این مخاطرات بر انسان، محیط زیست و دارایی‌ها است. دستیابی به این اهداف، مستلزم ارزیابی و شناسایی مخاطرات، کاهش آسیب‌پذیری در برابر این مخاطرات، آمادگی و واکنش مناسب در زمان بروز مخاطرات، بازسازی و بازیابی پس از وقوع مخاطرات و مشارکت و همکاری ذی‌نفعان در همه مراحل است (پاشاپور و پوراکرمی، ۱۳۹۵؛ نوری و سپهوند، ۱۳۹۵).

مدیران به‌سبب جایگاهی که دارند می‌توانند توفیقات ارزشمند و نیز ناکامی‌هایی را برای سامانه تحت مدیریت خویش به وجود آورند. آنان با برنامه‌ریزی راهبردی، تخصیص منابع، سازماندهی افراد، رهبری و مدیریت عملکرد، ارزیابی و کنترل، نقش مهمی در مسیر تعالی سازمان (فضا) دارند (آرمسترانگ، ۲۰۰۸، ص. ۱۲). به عبارتی، مدیران محلی دارای نقشی راهبردی و اثرگذار هستند. چراکه بیشتر، در محیط‌های غیرشهری کشورهای درحال توسعه، مطالعات اکتشافی و جامع برای تمامی سکونتگاه‌ها وجود ندارد تا مقوله‌های شناسایی، ارزیابی و اقدام متناظر با وضع موجود، بر پایه مطالعات قبلی صورت گیرد؛ بنابراین مدیران محلی و در وهله بعدی مردم، نقش کلیدی در برنامه‌ریزی برای مدیریت مخاطرات محیطی سکونتگاه‌های پیراشهری و روستایی دارند.

1. Red, C
2. Wikstrom

در بین مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح‌شده در مسیر کاهش آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی (غیرشهری و روستایی) در برابر مخاطرات محیطی می‌توان به رویکردهای سازه‌ای (متمرکز) و غیرسازه‌ای (نامتمرکز) و یکپارچه اشاره داشت. از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد، به نگرش تلفیق رویکردهای غیرسازه‌ای و ساختاری به‌عنوان یک تلاش جامع برای دستیابی به اهداف کاهش مخاطرات و مدیریت آن توجه شد. برای کاهش ریسک انواع بلایای محیطی (مدیریت مخاطرات) ارتقای مهارت‌ها، دانش و آگاهی از اهمیت اساسی برخورددار است؛ چراکه موارد بیان‌شده، توان مقابله و پاسخگویی به مخاطرات و اثرات آن را به‌طور شایسته‌ای افزایش می‌دهد (پریشان، ۱۳۹۹). به این ترتیب، مدیران محلی که دارای جایگاه کلیدی در نظام مدیریت بحران و مخاطرات محیطی فضاها و جغرافیایی هستند، سطح مهارت، دانش و آگاهی آنان یک مؤلفه کلیدی برای توفیقات برنامه‌ریزی و مدیریت در آینده است.

فضاهای پیراشهری بخشی در منطقه رفت و آمد یک ناحیه شهری تعریف شده است که بیشتر در قلمرو سیاسی متمایزی از شهر هستند. بنا به تعریف سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۷، واژه پیراشهر در دهه ۸۰ میلادی، در اروپا وارد عرصه عمومی شده و به‌طور وسیعی از آن استفاده شده است. این سازمان برای این مناطق، اصطلاح «مناطق خاکستری» را به کار می‌برد (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷). پدیده پیراشهری در اروپا و مفهوم جدیدی از پیوندهای روستا شهری در پروژه‌ای با عنوان روابط کاربری زمین پیراشهری از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ با همکاری ۱۴ کشور اروپایی، چین و همراهی دانشگاه کپنهاگ مطرح شده که چشم‌اندازی بلندمدت برای توسعه نواحی پیراشهری تبیین کرده است. توسعه پیراشهری، ضرورتاً به توسعه کالبدی با ویژگی‌های شهری محدود نیست بلکه از طریق ظهور ویژگی‌های شهری در نواحی روستایی مانند خانه دوم و ویلایی نیز مشخص می‌شود. این چنین دگرگونی ساختار شهری که بیرون از شهر رخ می‌دهد، پیرا شهرنشینی تعریف می‌شود (افراخته، ۱۳۹۹). با توجه به اینکه سکونتگاه‌های پیراشهری محل تجمع اقشار کم‌درآمد و سرریز جمعیت شهر مرکزی است، بنابراین مسائل مدیریت مخاطرات محیطی از جمله دیدگاه مدیران، یک مقوله مهم و اساسی برای برنامه‌ریزی توسعه است.

۵. یافته‌های تحقیق

۱.۵. شناسایی مخاطرات و راهکارهای مقابله با آن

بررسی مهم‌ترین مخاطرات محیطی در فضای پیراشهر بیرجند را که دغدغه مدیران محلی (اجرایی) است، می‌توان در جدول شماره ۱ ملاحظه کرد. برطبق اطلاعات این جدول که حاصل پرسش از مشارکت‌کنندگان در تحقیق بوده، مخاطرات طبیعی غالب و مشهور در سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند به ترتیب شامل مواردی نظیر خشکسالی، در معرض سیل بودن، کمبود منابع آب و طوفان شدید است. از بارزترین مخاطرات انسانی در محدوده مورد مطالعه، می‌توان رفتارهای مصادیق وندالیسم (ازجمله رفتارهای هنجارشکنانه اجتماعی، تخریب اموال عمومی و غیره)، کمبود بهداشت و فقر را نام برد.

جدول ۱. مخاطرات محیطی (طبیعی و انسانی) بارز در سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

عنوان مخاطرات	منشأ مخاطره
خشکسالی	طبیعی
در معرض سیل بودن	
کمبود منابع آب	
طوفان شدید	
ریزگردها	
سرمزدگی	
رائش زمین	
زلزله	
بیکاری	انسانی
رفتارهای مصادیق وندالیسم	
کمبود بهداشت مناسب و مراکز درمانی	
فقر	
تغییر کاربری اراضی	
وابستگی دارویی و اعتیاد	
پایین بودن نرخ امید به زندگی	
مخاطرات شغلی	
پسماند و آلودگی‌های زیست‌محیطی	
تردد ماشین سنگین	

کاوش دیدگاه مدیران محلی درباره راهکارهای مناسب برای رویارویی با مخاطرات محیطی در سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند، منجر به معرفی ۱۱ عنوان راهکار شد که در جدول شماره ۲ مصادیق آن نشان داده شده است.

جدول ۲. راهکارهای مقابله با مخاطرات محیطی در سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند از دیدگاه مدیران محلی (دهیاران)

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

ردیف	راهکارها
۱	ذخیره‌سازی آب باران
۲	سازگاری با شرایط خشکی و خشکسالی و پذیرش آن
۳	جدول‌کشی معابر و احداث کانال برای هدایت آب‌های سطحی
۴	جدول‌کشی و آسفالت حریم رودخانه در محدوده طرح هادی توسط دهیاری
۵	به حداقل رساندن ساخت و ساز در نواحی پرخطر و زلزله‌خیز
۶	تشویق اهالی به ساخت و سازهای اصولی و مهندسی
۷	سامان‌دهی معابر فرسوده
۸	نظارت بر اجرای طرح هادی
۹	واگذاری تسهیلات مسکن روستایی
۱۰	همکاری و مشارکت پلیس برای گشت شبانه
۱۱	راه‌اندازی دوربین پایش تصویری و ثبت پلاک خودرو
۱۲	روشنایی معابر
۱۳	جمع‌آوری سگ‌های بدون صاحب و انتقال به پناهگاه شهرداری
۱۴	مکانیزه کردن جمع‌آوری پسماندها
۱۵	رفت و روب معابر و کانال‌های آب
۱۶	برگزاری کارگاه آموزش کودکان در زمان خطر
۱۷	مشارکت اهالی روستا و ادارات در تسریع ترکیدگی شبکه آب
۱۸	مشارکت اداره آب در تعویض و اصلاح شبکه‌های فرسوده
۱۹	ساخت فضای سبز و سالن‌های ورزشی برای جوانان و نوجوانان
۲۰	پرداخت جریمه برای ساخت و ساز غیرمجاز
۲۱	تحويل اختطاریه به ساخت و ساز غیرمجاز
۲۲	برگزاری جلسات یاریگران زندگی
۲۳	نصب تابلوهای پارک ممنوع در معابر کم‌عرض
۲۴	نصب تابلو محدوده سرعت
۲۵	احداث خروجی جدید تسهیل در خروج ماشین‌های سنگین از روستا
۲۶	احداث سیل‌بند در مسیر سیل

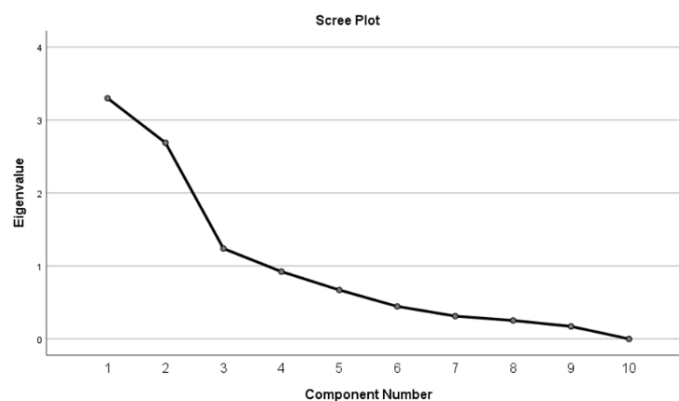
۲.۵. الگوی ذهنی مدیران درباره راهکارهای محلی مقابله با مخاطرات

براساس معیار کاریز گاتمن، عواملی که مقدار ویژه آن بیشتر از ۱ باشد، به عنوان عامل‌های اصلی انتخاب می‌شود که براساس یافته‌های این تحقیق، سه الگوی ذهنی (کیو) برای مدیران پیراشهر بیرجند درباره راهکارهای مدیریت ریسک مخاطرات محیطی، شناسایی شده است. براساس جدول شماره ۳، الگوهای ذهنی شناسایی شده در مجموع ۷۲/۲۴۱ درصد از تغییرات را تبیین می‌کند. به گونه‌ای که الگوی ذهنی اول (کیو الف) ۳۲/۹۸۷ درصد از تغییرات، الگوی ذهنی دوم (کیو ب) ۲۶/۸۷۰ درصد از تغییرات و الگوی ذهنی سوم (کیو ج) ۱۲/۳۸۴ درصد از تغییرات را تبیین می‌کند.

جدول ۳. ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

عامل (الگوی ذهنی)	مقادیر ویژه اولیه			مجموع مقادیر عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش		
	مجموع	درصد واریانس	درصد تجمعی	مجموع	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۳/۲۹۹	۳۲/۹۸۷	۳۲/۹۸۷	۳/۲۹۹	۳۲/۹۸۷	۳۲/۹۸۷
۲	۲/۶۸۷	۲۶/۸۷۰	۵۹/۸۵۷	۲/۶۸۷	۲۶/۸۷۰	۵۹/۸۵۷
۳	۱/۲۳۸	۱۲/۳۸۴	۷۲/۲۴۱	۱/۲۳۸	۱۲/۳۸۴	۷۲/۲۴۱



شکل ۳. نمودار سنگ‌ریزه^۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

پس از چرخش عامل‌ها بر پایه مدل تحلیل مؤلفه‌های اصلی، به منظور مشخص کردن معناداری بار عاملی هر یک از الگوهای ذهنی، باید از قدر مطلق استفاده $\left| \frac{1.96}{\sqrt{n}} \right|$ کرد. درواقع $\sqrt{n}$ اشاره به گزاره‌های شناسایی شده کیو دارد (بینش‌نیان و همکاران ۱۳۹۹: ۱۱۳). در این پژوهش با توجه به تعداد گزاره‌های شناسایی شده، مقدار بار عاملی باید بیش از 0.384 انتخاب شود. به این دلیل، شرکت‌کنندگان شماره‌های ۲، ۷، ۳، ۶ و ۱ کیو الف (الگوی ذهنی اول)، شرکت‌کنندگان شماره‌های ۴، ۵ و ۸ کیو ب (الگوی ذهنی دوم) و شرکت‌کنندگان شماره‌های ۹ و ۱۰ کیو ج (الگوی ذهنی سوم) را تشکیل داده‌اند (جدول شماره ۴).

جدول ۴. ماتریس چرخش یافته عامل‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

الگوی ذهنی			شرکت‌کنندگان
سوم	دوم	اول	
-۰/۴۳۵	-۰/۱۷۳	۰/۸۳۴	۲
۰/۱۹۴	۰/۲۵۹	۰/۸۱	۷
-۰/۴۱۱	-۰/۱۳	۰/۷۹۳	۳
-۰/۲۵۲	۰/۳۳۵	۰/۷۶۶	۶
-۰/۳۰۵	-۰/۱۱۴	۰/۶۸۵	۱
-۰/۱۳۴	۰/۹۷۹	-۰/۱۱	۴
۰/۳۲۷	۰/۸۹۲	-۰/۱۰۴	۵
۰/۸۷۹	-	-۰/۴۷۵	۹
-۰/۳۷۴	۰/۵۲۲	۰/۳۶۲	۸
۰/۶۱۴	-۰/۲۳۶	۰/۲۳۵	۱۰

روش استخراج: تحلیل مؤلفه‌های اصلی. / روش چرخش: واریماکس با کایزر. / همگرایی با ۴ چرخش.

در گام بعدی امتیازهای عاملی برای هر یک از گزاره‌های کیو مشخص شد. امتیاز عاملی، امتیازی است که از دیدگاه هر عامل شناسایی شده (ذهنیت‌های مشترک شناسایی شده) به هر یک از عبارت‌های کیو داده می‌شود؛ به عبارت دیگر، امتیاز عاملی میزان اهمیت هر یک از عبارت‌ها را در هر عامل (الگوی ذهنی) مشخص می‌کند. سپس بر پایه بیشترین امتیاز تا کمترین امتیاز، گزاره‌ها (گویه‌ها) رتبه‌بندی می‌شود؛ در جدول شماره ۵، عدد ۱ به معنای بالاترین رتبه (امتیاز

عاملی) و عدد ۲۶ معرف کمترین رتبه (امتیاز عاملی) است؛ ازاین‌رو، اطلاعات نشان می‌دهد که سه گزاره پررنگ در الگوی ذهنی گروه الف، به ترتیب شامل «تحويل خطاریه به ساخت و ساز غیرمجاز»، «تشویق اهالی به ساخت و سازهای اصولی و مهندسی» و «احداث سیل‌بند در مسیر سیل» است. سه گزاره نخست در الگوی ذهنی ب شامل «راه اندازی دوربین پایش تصویری و ثبت پلاک خودرو»، «همکاری و مشارکت پلیس برای گشت شبانه» و «جمع‌آوری سگ‌های بدون صاحب و انتقال به پناهگاه» است. سه گزاره نخست الگوی ذهنی ج شامل «واگذاری تسهیلات مسکن روستایی»، «برگزاری کارگاه آموزش کودکان در زمان خطر» و «برگزاری جلسات یاریگران زندگی» است.

جدول ۵. رتبه گزاره‌ها در هر ذهنیت (الگوی ذهنی) براساس امتیازهای عاملی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

الگوی ذهنی			گزاره‌ها
اول	دوم	سوم	
۲۰	۸	۱۵	ذخیره‌سازی آب باران
۱۲	۲۶	۵	سازگاری با شرایط خشکی و خشکسالی و پذیرش آن
۸	۴	۸	جدول‌کشی معابر و احداث کانال برای هدایت آب‌های سطحی
۱۸	۲۱	۲۶	جدول‌کشی و آسفالت حریم رودخانه در محدوده طرح هادی ازسوی دهیاری
۵	۵	۱۹	حداقل ساخت و ساز در نواحی پرخطر و زلزله‌خیز
۲	۱۲	۲۱	تشویق اهالی به ساخت و سازهای اصولی و مهندسی
۱۶	۱۶	۹	ساماندهی معابر فرسوده
۱۰	۱۵	۱۸	نظارت بر اجرای طرح هادی
۲۳	۹	۱	واگذاری تسهیلات مسکن روستایی
۱۵	۲	۲۳	همکاری و مشارکت پلیس برای گشت شبانه
۲۴	۱	۲۴	راه‌اندازی دوربین پایش تصویری و ثبت پلاک خودرو
۲۱	۸	۱۰	روشنایی معابر
۱۹	۳	۶	جمع‌آوری سگ‌های بدون صاحب و انتقال به پناهگاه شهرداری
۷	۲۳	۲۱	مکانیزه کردن جمع‌آوری پسماندها
۱۳	۱۸	۱۶	رفت و روب معابر و کانال‌های آب
۲۱	۲۴	۲	برگزاری کارگاه آموزش کودکان در زمان خطر
۹	۱۷	۱۴	مشارکت اهالی روستا و ادارات در تسریع ترکیب‌گی شبکه آب

الگوی ذهنی			گزاره‌ها
اول	دوم	سوم	
۱۴	۷	۴	مشارکت اداره آب در تعویض و اصلاح شبکه‌های فرسوده
۱۱	۲۰	۲۲	ساخت فضای سبز و سالن‌های ورزشی برای جوانان و نوجوانان
۶	۶	۱۱	پرداخت جریمه برای ساخت و ساز غیرمجاز
۱	۱۴	۱۳	تحويل اختاریه به ساخت و ساز غیرمجاز
۲۶	۲۵	۳	برگزاری جلسات یاریگران زندگی
۲۵	۱۰	۱۷	نصب تابلوهای پارک ممنوع در معابر کم عرض
۱۷	۱۹	۷	نصب تابلو محدوده سرعت
۲۲	۲۲	۲۵	احداث خروجی جدید تسهیل در خروج ماشین‌های سنگین از روستا
۳	۱۴	۱۳	احداث سیل‌بند در مسیر سیل

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با روش کیو الگوهای ذهنی مدیران سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند، در زمینه مخاطرات محیطی بررسی شده است؛ به‌طوری که ابتدا با گردآوری مطالعه‌ها در سه فاز مرور سیستماتیک یا نظام‌مند، مرور حوزه پژوهش و مصاحبه، فضای گفتمانی ایجاد شد و سپس با انتخاب عبارت‌های کیو از بین همه عبارت‌های استخراج‌شده، میزان اهمیت این عوامل به قضاوت مدیران رسانه‌ای واگذار شد تا دیدگاه‌های مختلف موجود را در این زمینه بین آنان شناسایی شود. یافته‌های این پژوهش، با توجه به گروه‌بندی‌ها نشان می‌دهد دامنه عقاید مشارکت‌کنندگان (مدیران سکونتگاه‌های پیراشهری) درباره راهکارهای مقابله با مخاطرات محیطی، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند. عبارت‌های مرتبط با هر یک از الگوهای ذهنی از میان آرایه‌ها و عبارت‌هایی انتخاب شد که اندازه بار عاملی آن‌ها بیشتر بود و با تفسیر عامل‌ها، ذهنیت‌ها و عقاید مدیران رسانه‌ای دسته‌بندی شدند. از کل مشارکت‌کنندگان این پژوهش T با توجه به مشابهت‌ها و اختلاف‌های موجود در دیدگاه‌ها و نظر‌ها، سه الگوی ذهنی شناسایی و دسته‌بندی شد. الگوی ذهنی نخست، اهمیت بالاتری در مقایسه با دو الگوی ذهنی دیگر دارد و الگوی ذهنی غالب شناسایی شده است. می‌توان گفت در این مطالعه، دسته‌بندی جدیدی به ادبیات موجود اضافه و ذهنیت‌های مختلف بررسی شده است. پیش‌فرض این مطالعه، گزاره «تصور و ذهنیت مدیران بر مدیریت ریسک مخاطرات محیطی تأثیرگذار است» بود.

براساس تحلیل آماری از ۲۶ گزاره ایجادشده برای راهکارهای مخاطرات محیطی در سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند، با مشارکت ۱۰ نفر از مدیران سکونتگاه‌های پیراشهری بیرجند (دهیاران) که در این زمینه انجام گرفته است مشخص شد سه الگوی ذهنی غالب درباره راهکارهای مخاطرات محیطی در منطقه مورد مطالعه وجود دارد که از بین ۱۰ نفر شرکت‌کننده در این پژوهش، پنج شرکت‌کننده، در الگوی ذهنی «الف»، سه شرکت‌کننده، در الگوی ذهنی «ب» و دو شرکت‌کننده، در الگوی ذهنی «ج» دسته‌بندی می‌شوند.

براساس نتایج کسب‌شده، در الگوی ذهنی الف، محوریت راهکارهای مقابله و مدیریت مخاطرات محیطی در پیراشهر بیرجند «بهبود مسائل در بعد کالبدی» است. به دلیل نقش مرکزیت شهر و شهرستان بیرجند در استان، بیرجند همواره مقصد مهاجران درون‌استانی و حتی برون‌استانی (با مبدأ کشور افغانستان) است؛ به‌طوری که در دوره سرشماری ۱۳۹۵ - ۱۳۹۰ نرخ خالص مهاجرت در شهرستان ۳/۱۵ درصد (سازمان مدیریت و برنامه استان خراسان جنوبی، ۱۴۰۱ب) بوده است. از آنجاکه تورم، به‌ویژه در زمینه مستغلات، در شهر بیرجند مانع اصلی ورود جمعیت مهاجر به سکونت در این شهر است، بخش قابل توجهی از جمعیت مهاجر در سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند مکان‌گزینی می‌کنند. فرصت خلق‌شده از این جریان، برای مالکان اراضی و رونق یافتن بازار معاملات مسکن و اجاره آن در پیراشهر بیرجند، رخنه‌هایی در قالب آشفته‌گی کالبدی فضا پدیدار کرده است؛ مدیران محلی در ابتدا باید سامان‌دهی جدی این بعد را در دستور کار برای مدیریت مخاطرات محیطی بگذارند.

دومین الگوی ذهنی شناخته‌شده از دیدگاه مدیران محلی، با مفهوم «ارتقاء عوامل تقویت‌کننده احساس امنیت در معابر سکونتگاه» بوده است، چراکه عرصه پیراشهر بیرجند را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست؛ سکونتگاه‌هایی که بیشتر، مقصد سرمایه‌داران شهر بیرجند برای ساخت ویلا و خانه دوم است (مانند روستاهایی بجد، رقبی، حسین آباد)، و دوم؛ سکونتگاه‌هایی که مقصد مهاجران کم‌درآمد پس‌زده از شهر بیرجند یا جویندگان کار از شهرها و روستاهای مختلف استان و اتباع افغانستانی است (مانند روستای حاجی آباد). در هر دو گونه معرفی‌شده، بروز رفتارهایی که منجر به برهم زدن امنیت اجتماعی و احساس امنیت در فضا می‌شود، از سوی نوآمدگان در قالب انواع بزه‌ها (رجوع کنید به: سجاسی قیداری و همکاران،

۱۳۹۹) مشاهده شده است که از نظر مدیران محلی باید در گروه دوم راهکارهای مخاطرات محیطی دسته‌بندی شود.

الگوی ذهنی سوم را می‌توان «رشد سرمایه‌های مالی و انسانی در جامعه محلی» تفسیر کرد. به دلیل کمبود منابع مالی در دسترس و کثرتاری جامعه محلی با مخاطرات محیطی که حاصل ناآگاهی و دانش و مهارت اندک ایشان هنگام مواجهه با بلایای محیطی و طبیعی است، که به نظر مدیران محلی باید گام‌هایی در این باره برداشته شود. این امر از منظر رویکردهای نوین و یکپارچه کاهش مخاطرات و مدیریت آن نیز توجیه‌پذیر است. در مجموع مدیریت مخاطرات محیطی در پیراشهر بیرجند، از منظر مدیران محلی تابع سه الگوی ذهنی است که بنیان آن، تدبیر و چاره‌اندیشی مسائل انسانی است.

کتابنامه

۱. افراخته، ح. (۱۳۹۹). فضاهای پیراشهری: الگوها، عوامل و پساایندها. توسعه فضاهای پیراشهری، ۱۸-۱، (۱)۲.
۲. افراخته، ح.، و حجی‌پور، م. (۱۳۹۲). خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند). جغرافیا، ۱۱(۳۹)، ۱۵۸-۱۸۵.
۳. افراخته، ح.، و یوسفی، ع. (۱۳۸۳). مخاطرات محیطی در نواحی شهری (مطالعه موردی: رباط کریم). جغرافیا، ۲(۳)، ۱۴۷-۱۶۱.
۴. ایمانی، ب. (۱۴۰۰). تدوین الگویی برای مدیریت مخاطرات طبیعی و پایداری نواحی شهری و روستایی نمونه: زمین‌لغزش در منطقه رودبار. جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۳۲(۳)، ۱۰۵-۱۲۸.
۵. برقی، ح.، هاشمی، ص.، و جعفری، ن. (۱۳۹۶). سنجش تاب‌آوری محیطی روستاهای در معرض خطر زلزله (مطالعه موردی: دهستان معجزات در شهرستان زنجان). پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۶(۱)، ۸۱-۹۷.
۶. بلادپس، ع. (۱۳۹۰). تحلیلی در مخاطرات محیطی و ژئومورفولوژیکی سکونتگاه‌های روستایی شمال منطقه مرند (دشت هالاکو). فضای جغرافیایی، ۱۱(۳۶)، ۱-۲۳.
۷. پاشاپور، ح.، و پوراکرمی، م. (۱۳۹۶). سنجش ابعاد کالبدی تاب‌آوری شهری در برابر مخاطرات طبیعی (زلزله) (مطالعه موردی منطقه ۱۲ شهر تهران). مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)، ۱۲، ۹۸۵-۱۰۰۲.

۸. پریشان، م. (۱۳۹۹). ارزیابی میزان مهارت مدیریت بحران زلزله در بین مدیران محلی و خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین). مدیریت بحران، ۹(۱۷)، ۱۴۱-۱۵۵.
۹. خراسانی، م. ا. و رجایی، س. ع. (۱۳۹۳). نگرشی بر پوشش جمعیتی در روستاهای پیراشهری. مقاله ارائه شده در همایش ملی توسعه پایدار روستایی در افق ۱۴۰۴، اصفهان.
۱۰. خورشیددوست، ع. م.، رضایی مقدم، م. ح.، احمدی، م. و خالقی، س. (۱۳۹۰). نقش فرایندهای ژئومورفیک رودخانه‌ای در ایجاد مخاطرات محیطی شهر سنقر در استان کرمانشاه. فضای جغرافیایی، ۱۱(۳۵)، ۲۰۹-۲۳۴.
۱۱. دانشپور سیدعبداله‌ادی؛ صرافی، مظفر؛ آشنایی، تکتم (۱۳۹۵). تحولات پیرا شهر نشینی در هاله کلان شهری تهران در دوره ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵ خورشیدی به سوی توسعه‌ای سازنده یا گسترشی پراکنده؟ معماری و شهرسازی. ۱(۱۶)، ۵-۳۳.
۱۲. رضوانی، م. ر. و هرائینی، م. (۱۳۹۶). نقش مدیران محلی در مدیریت انتظامی مناطق روستایی پیرامون کلان شهر تهران (مورد مطالعه: بخش آفتاب تهران). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۵(۱۹)، ۱-۲۴.
۱۳. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی. (۱۴۰۱ الف). سالنامه آماری استان خراسان جنوبی.
۱۴. سازمان مدیریت و برنامه استان خراسان جنوبی. (۱۴۰۱ ب). سیمای جمعیت استان خراسان جنوبی تا افق ۱۴۱۵. معاونت آمار و اطلاعات.
۱۵. ساسان‌پور، ف. و موسی‌وند، ج. (۱۳۸۹). تأثیر عوامل انسان ساخت در تشدید پیامدهای مخاطرات طبیعی در محیط‌های کلان شهری با کاربرد منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۰(۱۶)، ۲۹-۵۰.
۱۶. سجاسی قیداری، ح. ا.، خیرآبادی، ح.، محمودی، ح. و، حجبی‌پور، م. (۱۳۹۹). وندالیسم و حس تعلق مکانی در نواحی روستایی پیراشهر بیرجند. مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۸۹-۱۲۲.
۱۷. سلامت، ف. و، ودیعه، س. و، حضرتی صومعه، ز. (۱۴۰۰). تعیین الگوهای ذهنی فعالان حزبی استان ایلام در زمینه موانع اجتماعی- فرهنگی، فعالیت‌های حزبی در استان ایلام. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۴(۲)، ۲۰۳-۲۲۸.

۱۸. سلمانی، م.، بدری، س. ع.، مطوف، ش.، و کاظمی ثانی عطااله، ن. (۱۳۹۴). ارزیابی رویکرد تاب‌آوری جامعه در برابر مخاطرات طبیعی مورد مطالعه: شهرستان دماوند. مدیریت مخاطرات محیطی، ۲(۴)، ۳۹۳-۴۰۹.
۱۹. سلمانی، م.، کاظمی ثانی عطااله، ن.، بدری، س. ع.، و مطوف، ش. (۱۳۹۵). شناسایی و تحلیل تأثیر متغیرها و شاخص‌های تاب‌آوری: شواهدی از شمال و شمال شرقی تهران. تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، ۳(۲)، ۱-۲۲.
۲۰. صرافی، م. (۱۳۷۷). مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۲۱. فال سلیمان، م.، حجی‌پور، م.، و کریمی‌پور، ج. (۱۴۰۲). بازتاب کالبدی و فضایی سیاست‌های نولبرالیسم در سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند. برنامه ریزی توسعه کالبدی، ۱۰(۱)، ۷۳-۸۸.
۲۲. فرج‌زاده اصل، م.، شایان، س.، و باقدم، ع. (۱۳۸۴). ارزیابی ایمنی جاده‌ای با رویکرد مخاطرات محیطی: مسیر سندج مریوان با استفاده از GIS. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۹(۱)، ۱-۱۵.
۲۳. فرزادبهباش، م.، ر.، کی‌نژاد، م. ع.، پیربابایی، م. ت.، و عسگری، ع. (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری کلان‌شهر تبریز. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۸(۳)، ۳۳-۴۴.
۲۴. کاظمیان، غ. ر.، ضیایی، م.، امیری، م.، و مرادی، ح. (۱۳۹۷). ارائه الگویی برای مدیریت مناطق پیراشهری کلان‌شهر تهران. جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، ۸(۳۰)، ۳۶۱-۳۷۸.
۲۵. کاویانی، م. (۱۳۸۹). تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی در ایران. مطالعات راهبردی، ۱۳(۲)، ۳۴-۵۷.
۲۶. محمدی یگانه، ب.، چراغی، م.، و کریم‌پور، ن. (۱۳۹۴). بررسی تاب‌آوری خانوارهای روستایی در برابر خشکسالی (مطالعه موردی: دهستان ترجان، شهرستان سقز). مقاله ارائه‌شده در دومین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط‌زیست پاک، همدان.
۲۷. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. بازیابی از www.amar.org.ir
۲۸. نوری، س. ه.، و نوروزی، ا. (۱۳۹۶). مبانی برنامه ریزی محیطی برای توسعه پایدار روستایی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۲۹. نوری، س. ه.، و سپهوند، ف. (۱۳۹۵). تحلیل تاب‌آوری سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی با تأکید بر زلزله (مورد مطالعه: دهستان شیروان شهرستان بروجرد). پژوهش‌های روستایی، ۱۷(۲)، ۲۸۵-۲۷۲.

30. Armstrong, M. (2008). *Strategic human resource management: A Guide to action*. Kogan Page Series.
31. Cutter, S. L., Ash, K. D., & Emrich, C. T. (2014). The geographies of community disaster resilience. *Global Environmental Change*, 29, 65-77.
32. Dunford, M., & Li, L. (2011). Earthquake reconstruction in Wenchuan: Assessing the state overall plan and addressing the 'forgotten phase'. *Applied Geography*, 31(3), 998-1009.
33. Fig, D. (2006). Political fission: South Africa's nuclear programmed. *Energy & Environment*, 17(3), 457-467.
34. Oliveria, C. S., Roca, A., & Goula, X. (2008). *Assessing and managing earthquake risk, geo-scientific and engineering knowledge for earthquake risk mitigation: Development, tools, techniques*. Cham: Springer.
35. Red, C. (2001). *World disaster report*. Red Crescent Publication.
36. Wikstrom, A. (2013). *The challenge of change: planning for social urban resilience: An analysis of contemporary planning aims and practices* (Master's thesis in Urban and Regional Planning). Stockholm University.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.87729.1426>

Analyzing the Physical-Spatial Development Pattern of City Using Spatial Analysis Methods¹

Mehdi Ehsanikhah

PhD student in Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Keramatalah Zayyari²

Professor of the Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Abbas Rajaei

Associate Professor of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Ahmed Pourahmad

Professor of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Hataminejad

Professor of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 21 April 2024 Revised: 5 June 2024 Accepted: 15 June 2024

Abstract

Understanding the physical condition of the city and analyzing the pattern of physical development to achieve sustainable urban development is vital, because today the bulk of researchers assume that there is a significant relationship between the pattern of physical development of the city and sustainability. Accordingly, the primary goal of this study is to analyze the physical-spatial development pattern of Yasuj using spatial analysis methods such as local spatial autocorrelation (Moran), directional distribution, standard elliptic distribution and hot spots. The research methodology draws on both deductive and inductive methods. The former was employed to explore theoretical foundations and research literature, and the latter was adopted to gain insights into the pattern of physical development of Yasuj by tapping into statistics and information obtained from secondary data. The results of

1. This article is extracted from Mehdi Ehsanikhah's doctoral dissertation entitled "Physical development model of Yasuj with a future study approach" presented in the Faculty of Geography, University of Tehran.

2. Corresponding Author: Email: zayyari@ut.ac.ir

spatial analysis suggest that in population, residential and construction indices, density displays a pattern of cluster distribution and spatial autocorrelation. As such, the Z-Score was 54.58 for population density, 57.48 for residential density and 51.12 for construction density in 2015, exhibiting a significant surge compared to 1996 and 2006. The results of hot spots for 1996-2016 span in Yasuj city show dispersed and low-density physical expansion of the city, which has laid the ground for the spiral and unplanned growth of the city, especially in the northwest area. The highest hot spatial clusters of varying densities in Yasuj were observed in western blocks of the city with 99% significance and the highest cold spatial clusters were recorded in the northwestern blocks. Therefore, controlling and monitoring urban constructions and deterring the destruction of agricultural lands in the west and northwest areas of this city can serve as a key strategy in guiding the physical development of Yasuj.

Keywords: Physical Development Pattern, Spatial Analysis, Yasuj



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.87729.1426>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج با استفاده از روش های تحلیل فضایی^۱

مهدی احساسی خواه (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

mehdiehsas212@gmail.com

کرامت اله زیاری (استاد گروه جغرافیای انسانی و برنامه ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران،

نویسنده مسئول)

zayyari@ut.ac.ir

عباس رجایی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

sarajaei@ut.ac.ir

احمد پوراحمد (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

apoura@ut.ac.ir

حسین حاتمی نژاد (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

hataminejad@ut.ac.ir

صص ۳۶۲ - ۳۳۷

چکیده

شناخت وضعیت کالبدی شهر و ارزیابی الگوی توسعه کالبدی برای هدایت آن در راستای توسعه پایدار شهری امری حیاتی است، چراکه امروزه اغلب پژوهشگران اعتقاد دارند ارتباط معناداری بین الگوی توسعه کالبدی شهر با پایداری وجود دارد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش، تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج با استفاده از روش های آنالیز فضایی همچون خودهمبستگی فضایی محلی (موران)، توزیع جهت دار، توزیع بیضوی استاندارد و لکه های داغ است. روش شناسی تحقیق،

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری مهدی احساسی خواه با عنوان: «الگوی توسعه کالبدی شهر یاسوج با رویکرد آینده پژوهی» است که در دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران ارائه گردیده است.

ترکیبی از روش‌های قیاسی و استقرایی است. از روش قیاسی در مطالعه مبانی نظری و ادبیات تحقیق و از روش استقرایی نیز برای شناخت الگوی توسعه کالبدی شهر یاسوج با استفاده از آمارها و اطلاعات حاصل از داده‌های ثانویه استفاده شد. نتایج تحلیل فضایی نشان می‌دهد که تراکم در هر سه شاخص جمعیت، مسکونی و ساختمانی، الگوی توزیع خوشه و خودهمبستگی فضایی دارد. به‌طوری که مقدار آماره Z_Score در سال ۱۳۹۵ برای تراکم جمعیت ۵۴/۵۸، تراکم مسکونی ۵۷/۴۸ و تراکم ساختمانی ۵۱/۱۲ در مقایسه با سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ افزایش چشمگیری داشته است. نتایج لکه‌های داغ برای سال‌های ۱۳۹۵ - ۱۳۷۵ در شهر یاسوج نشان می‌دهد که طی این دوره، گسترش فیزیکی شهر به‌صورت پراکنده و غیر متراکم بوده و زمینه را برای رشد اسپرال و بدون برنامه شهر به‌ویژه در محور شمال غربی آماده کرده است. بیشترین میزان خوشه‌های داغ فضایی تراکم‌های مختلف شهر یاسوج با ۹۹ درصد معناداری مربوط به بلوک‌های غربی شهر و بیشترین میزان خوشه‌های سرد فضایی مربوط به بلوک‌های شمال غربی شهر است؛ ازاین‌رو، کنترل و نظارت بر ساخت و سازهای شهری و جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی در محور غرب و شمال غرب این شهر می‌تواند راهبرد مهمی در هدایت توسعه کالبدی شهر یاسوج باشد.

واژگان کلیدی: الگوی توسعه کالبدی، تحلیل فضایی، شهر یاسوج

۱. مقدمه

رشد بی‌سابقه جمعیت شهری یک پدیده اجتماعی - اقتصادی جهانی است که به‌عنوان یک مانع مهم برای توسعه شهری پایدار جهانی دانسته می‌شود (ژان لیانگ^۱، ۲۰۱۸، ص. ۴۸). افزایش میزان شهرنشینی منجر به تغییرات قابل توجه در کشورهای توسعه‌یافته (مجیدی و احمد^۲، ۲۰۱۹، ص. ۳۳۵) و به‌ویژه کشورهای درحال توسعه شده است (ژائو^۳، ۲۰۲۰، ص. ۱؛ تادسا ادوسا^۴، ۲۰۲۴، ص. ۲). شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه به‌دلیل رشد بالای جمعیت و مهاجرت است در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر به‌دلیل مهاجرت است (هیتات^۵، ۲۰۱۶). عامل اصلی افزایش چشمگیر رشد شهری، رشد سریع جمعیت و تقاضای زیاد زمین شهری برای

-
1. Xun Liang
 2. Magidi & Ahmed
 3. Zhao
 4. Tadesa Edosa
 5. UNHABITAT

سکونت بوده است (سوماری^۱ و همکاران، ۲۰۲۰؛ باقری و سلطانی، ۲۰۲۳)؛ به سخن دیگر، هجوم گسترده مردم از مناطق پیرامونی شهرها با انگیزه یافتن شغل، امکانات رفاهی و دسترسی بهتر (چیکوور و ویلیامز^۲، ۲۰۱۷)، منجر به رشد بی‌نظم شهرها شده است که تهدیدی جدی برای منابع، محیط زیست و بقای شهر است (شافیا^۳، ۲۰۱۸، ص. ۲). درحقیقت از آنجایی که رشد کالبدی شهر با یکی از محدودترین منابع در دسترس انسان، یعنی زمین سروکار دارد، یکی از مباحث کلیدی قرن بیست و یکم در ارتباط با برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار (مبارکی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۷۶)، نحوه توسعه کالبدی شهر در فضا است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۲). نمود فضایی گسترش کالبدی شهر، در نحوه چیدمان کاربری اراضی شهر، تراکم جمعیتی و ساختمان، دسترسی به تأسیسات و خدمات شهری بارز می‌شود (رودریگو^۴، ۲۰۱۶، ص. ۴۳). بی‌شک نتیجه اجتناب‌ناپذیر این روند، گسترش فضایی شهرها فراتر از حد مرزها به مناطق پیرامونی و ظهور پدیده پراکنده‌رویی شهری است (احدنژاد روشتی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۳). روند سریع شهرنشینی و رشد افقی شهرها به‌طور چشمگیری پوشش کاربری زمین را در مناطق تغییر داده است (وانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۸؛ داداش پور و همکاران، ۲۰۱۹). گسترش افقی شهرها یا پراکنده‌رویی، پدیده‌ای است که طی دهه‌های اخیر در بیشتر کشورهای دنیا با رشد چشمگیری اتفاق افتاده است (حسان^۶ و همکاران، ۲۰۱۶؛ گناردیس^۷ و همکاران، ۲۰۱۸؛ مختاری و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۶۶) و منجر به بسیاری از مشکل‌های اجتماعی و زیست‌محیطی شده است (جیا^۸ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱). پراکنده‌رویی شهری یک الگوی ناهماهنگ از رشد شهری است که اثراتی همچون تراکم کم، استفاده تک‌منظوره از زمین و ارتباط ضعیف میان کاربری‌ها را به‌همراه دارد (یو^۹ و همکاران، ۲۰۱۶؛ حمیدی و همکاران، ۲۰۱۶). از دهه ۱۹۷۰ میلادی به این سو، بسیاری از اندیشمندان و برنامه‌ریزان شهری به پراکنده‌رویی شهری به‌دلیل

1. Sumari
2. Chikowore & Willemse
3. Shafia
4. Rodrigue
5. Wang
6. Hassan
5. Gounaridis
6. Jia
7. Yue

هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن توجه کرده‌اند (لیو^۱، ۲۰۱۸، ص. ۹۳). این فرم از گسترش شهری، در حوزه دانش شهرسازی موافقان و مخالفانی دارد که بیشترین تأکید بر تأثیرهای منفی آن به‌ویژه در موضوع ناپایدار ساختن شهرها و محیط‌زیست متمرکز است (پریزادی و صالحی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۰). در سراسر جهان، پراکنده‌رویی شهری، معضلی در راه استفاده پایدار از زمین شهری دانسته می‌شود (هنوگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۵) که منابع طبیعی را از طریق استفاده وسیع از زمین‌ها تهدید کرده است (زبردست و قانونی، ۱۳۹۸، ص. ۶۰). از پیامدهای پراکنده‌رویی شهری می‌توان به از بین رفتن اجتماع‌های محلی، جدایی‌گزینی اجتماعی، افزایش هزینه خدمات شهری و زیرساخت‌ها، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و باغ‌های اطراف شهر، آلودگی هوا، تخریب و آلودگی منابع آب و ... اشاره کرد (آروین و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۴۶). در کشور ایران تا زمانی که الگوی رشد شهرها، ارگانیک و تعیین‌کننده رشد شهری، عوامل درون‌زا بوده‌اند، زمین شهری برای کاربری‌های سنتی شهری کافی بوده و حسب اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، فضای شهر را به‌طور ارگانیک سامان می‌داده است. لیکن از زمانی که مبنای توسعه و گسترش شهرها ماهیتی برون‌زا به خود گرفت و درآمدهای حاصل از نفت در اقتصاد شهری تزریق شد و شهرهای ما در اقتصاد جهانی قرار گرفت، سرمایه‌گذاری در زمین شهری تشدید شد (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۶) و این امر باعث نابسامانی بازار زمین شهری و به‌ویژه بی‌استفاده ماندن بخش وسیعی از اراضی محدوده و عارضه منفی گسترش افقی شهرها شده است (ستاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۰). شهر یاسوج از لحاظ جغرافیایی میان سه کلان‌شهر شیراز، اهواز و اصفهان قرار گرفته است و به دلایل امنیتی - سیاسی و به‌منظور ایجاد پایگاهی برای استقرار اداره‌ها و سازمان‌های دولتی در سال ۱۳۴۳ به وجود آمده است. بررسی تحولات جمعیت این شهر، نشان‌دهنده نوسان‌های گسترده رشد شهر بوده، به‌نحوی که جمعیت و مساحت شهر یاسوج طی سال‌های اخیر، همواره روند صعودی داشته است. تغییرات شاخص تراکم جمعیت شهر از ۲ / ۶ نفر در هکتار در سال ۱۳۴۵ به ۴ / ۵۷ نفر در هکتار در سال ۱۳۹۰ رسیده است. این روند افزایشی نشان می‌دهد که روزانه ۱۳۶۲ مترمربع به مساحت شهر یاسوج اضافه شده است؛ این

1. Liu

2. Hennug

درحالی است که به جمعیت شهر به طور متوسط روزانه ۸ نفر اضافه شده است (عبدالی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۳)؛ بنابراین تعادل نداشتن بین رشد مساحت و جمعیت شهر باعث شده است که الگوی توسعه فیزیکی و کالبدی این شهر بیشتر از نوع الگوی پراکنش افقی بی رویه باشد (نوروزی و محمدی دوست، ۱۳۹۷، ص. ۸۲). این امر ضرورت برنامه ریزی، سازماندهی اساسی و هدایت آگاهانه توسعه شهری را به منظور جلوگیری از ساخت و ساز در اراضی کشاورزی و توسعه پراکنده و ناموزون شهری افزایش داده است؛ بنابراین مطالعه دقیق و شناخت همه جانبه الگوی فضایی گسترش کالبدی - فضایی شهر بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. این پژوهش درصدد تعیین الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج است که نتایج آن می تواند راهکارهای مناسبی را در اختیار مدیران شهری برای برنامه ریزی های آینده و گسترش کالبدی - فضایی مطلوب و پایدار شهر فراهم کند. درباره موضوع پژوهش، تحقیقات گسترده ای در سطح داخلی و خارجی انجام شده است که می توان به اختصار به چندین مورد اشاره کرد.

جدول ۱. تجربیات و مطالعات داخلی و خارجی درباره موضوع پژوهش

مأخذ: یافته های نگارندگان، ۱۴۰۰

محقق	سال	عنوان	روش	یافته
مطالعات داخلی	۱۴۰۱	تحلیل مکانی پراکنده رویی شهری و اثرات آن بر برابری دسترسی به بیمارستان ها در کلان شهر تهران	شاخص گسترش وزن دار شهری، ضریب جینی و منحنی لورنز	کاهش پراکنده رویی شهری می تواند منجر به ارتقاء استانداردها و کاهش نابرابری دسترسی به سرویس ها شود.
	۱۴۰۰	تحلیل ارتباط پراکنده رویی شهری و آسیب پذیری اجتماعی شهر قزوین	تحلیل عاملی اکتشافی	مشخص شد که از میان ۴ عامل پراکنده رویی، تنها تراکم است که رابطه معناداری (۰/۸۰۱) را با آسیب پذیری اجتماعی نشان می دهد.

محقق	سال	عنوان	روش	یافته
مجربی کرمانی	۱۴۰۰	تعیین خصوصیات شکل شهری پایدار: فشردگی در برابر پراکنده‌رویی	روش تحلیلی	با توجه به شرایط کالبدی، اقتصادی و اجتماعی هر شهر، فشردگی شهری می‌بایست فقط به‌عنوان یک‌راه حل برای رسیدن به شکل پایدار شهری مدنظر باشد.
منصوریان و همکاران	۱۴۰۰	تحلیل فضایی - زمانی فرم شهری در کلان‌شهرهای ایران	تحلیل جمعیت‌شناسی و پردازش تصاویر ماهواره‌ای	در بیشتر کلان‌شهرهای ایران، میان رشد جمعیت و رشد اراضی شهری، تناسبی وجود ندارد و در سه دهه اخیر کلان‌شهرهای شیراز و تبریز بیشترین میزان پراکنده‌رویی شهری را تجربه کرده‌اند.
میثاق و همکاران	۱۳۹۹	بررسی الگوی فضایی پراکنده‌رویی شهر تبریز از سال ۱۳۵۱-۱۳۹۲	پردازش تصاویر ماهواره‌ای، تحلیل فضایی و آنتروپی شانون	این شهر از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۹۲ به حداکثر آنتروپی نزدیک شده و شکاف دو برابری در رشد مناطق شهری و جمعیت را موجب شده است.
ستاری و همکاران	۱۳۹۹	ارزیابی اثرات پراکنده‌رویی در تغییر کاربری اراضی کلان‌شهر تهران	مدل FUZZY CA- Markov	تغییر کاربری طبیعی به کاربری‌های ساخته‌شده، روند رو به گسترشی داشته است و بیشترین درصد تغییرات، در زمین‌های مفید شهر تهران مربوط به اراضی آبی و اراضی پوشش گیاهی است.
کیانی و سالاری سردری	۱۳۹۹	تحلیل ساختار و توسعه فضایی- کالبدی پراکنده‌رویی شهر لامرد	روش تحلیل مکانی و شاخص‌های تراکم	عدم کاهش شدید تراکم ناخالص جمعیتی، بیان‌گر گستردگی بیش‌ازحد شهر و خالی ماندن فضاهاى زیاد شهر لامرد و درنهایت توسعه افقی و گسترده - پراکنده محلات شهر لامرد است.
شعبانی و همکاران	۱۳۹۹	زوال هویت در روند تغییر و گسترش پراکنده‌رویی شهری	تحلیل ساختاری	گسترش و پراکنده‌رویی شهر منجر به زوال هویت شهری در ابعاد کالبدی و ادراکی شده است.

محقق	سال	عنوان	روش	یافته
الزهرانی ^۱ و همکاران	۲۰۲۴	ارزیابی تغییرات توسعه کالبدی شهر البهاء	پردازش تصاویر ماهواره‌ای	از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۱، مساحت شهر ۲۲۱٪ افزایش یافته است که نشان از رشد کاذب شهری است. پیشنهاد می‌شود که با تعیین مقررات برنامه‌ریزی از تغییرات کاربری اراضی و تخریب زمین‌های کشاورزی جلوگیری شود.
ژو ^۲ و همکاران	۲۰۲۴	تأثیر کمربند سبز در گسترش پراکنده‌رویی شهری	شاخص ارزیابی محدودیت، شاخص الگوی منظر	سرعت پراکنده‌رویی شهری از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به میزان ۱۰.۹۰ درصد کاهش یافته است.
دینگ ^۳ و همکاران	۲۰۲۴	پراکنده‌رویی شهری و اثرات آن بر رقابت آب بین صنعت ساختمان و ساکنان: ۳۱ استان چین	بیمبوسی استاندارد، خودهمبستگی فضایی	همبستگی فضایی بالا، بین پراکندگی شهری و رقابت آب مرکز ثقل پراکندگی شهری چین با حرکت از شمال به جنوب وجود دارد.
الدوساری ^۴ و همکاران	۲۰۲۳	ارتباط تغییر کاربری زمین و توسعه پراکنده شهر کویت	شبکه عصبی پرسپترون چندلایه (MLPNN)	پیش‌بینی شد که طی سال‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۱، نزدیک به ۱۵ درصد توسعه پراکنده در غرب و جنوب این شهر رخ خواهد داد.
ماریانو دی الیورا ^۵ و همکاران	۲۰۲۳	اثرات پراکنده‌رویی شهری در منطقه اداری ریبریائو پرتو برزیل	پردازش تصاویر ماهواره‌ای	افزایش توسعه پراکنده‌رویی شهری طی دهه‌های اخیر باعث از بین رفتن محیط‌زیست و اراضی کشاورزی در این منطقه شده است.

مطالعات کاربردی

1. Alzahrani
2. Zhou
3. Ding
4. Al-Dousari
5. Marianno de Olivera

محقق	سال	عنوان	روش	یافته
جیا ^۱ و همکاران	۲۰۲۲	الگوهای رشد شهری پکن	کارایی کاربری اراضی، الگوهای توزیع فضایی	ساختار فضایی شهری با گسترش شهرهای کوچک، از نظر فضایی پراکنده و غیرمتمرکز می‌شوند، اما رشد شهرهای بزرگ‌تر تأثیر منفی بیشتری بر محیط طبیعی دارد.
چن ^۲ و همکاران	۲۰۲۱	اثرگذاری پراکنده‌رویی شهری بر کیفیت محیط‌زیست ۳۰ استان چین	خودهمبستگی فضایی	رشد پراکنده کاربری زمین بیشترین تأثیر را بر کیفیت زیست‌محیطی نشان داد و به دنبال آن پراکنده‌رویی جمعیت و حمل و نقل در مراتب بعدی قرار گرفت.
باینی و بوآکیه ^۳	۲۰۲۱	پراکنده‌رویی شهری و تأثیر آن بر پویایی کاربری زمین مجمع کلان‌شهر سکوندی - تاکورادی، غنا	پردازش تصاویر ماهواره‌ای	این کلان‌شهر در طی سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۹۱ به میزان ۲۵ درصد توسعه پراکنده داشته است و زمین‌های خالی به شدت کاهش یافته است.
سیمونه ساس و الوز پورسه ^۴	۲۰۲۱	پراکنده‌رویی شهری و هزینه ارائه خدمات عمومی در شهرداری‌های برزیل	اقتصادسنجی فضایی	ارتباط بین پراکنده‌رویی شهری و هزینه ارائه خدمات عمومی دارای یک اثر آستانه‌ای است که با اندازه مرکز شهر مرتبط است.
ساسنگ گیت ^۵	۲۰۱۹	ارزیابی توسعه پراکنده شهر باتیندا هند	پردازش تصاویر ماهواره‌ای	توسعه پراکنده این شهر نتیجه رشد بخش خرده‌فروشی است.

1. Jia

2. Chen

3. Biney & Boakye

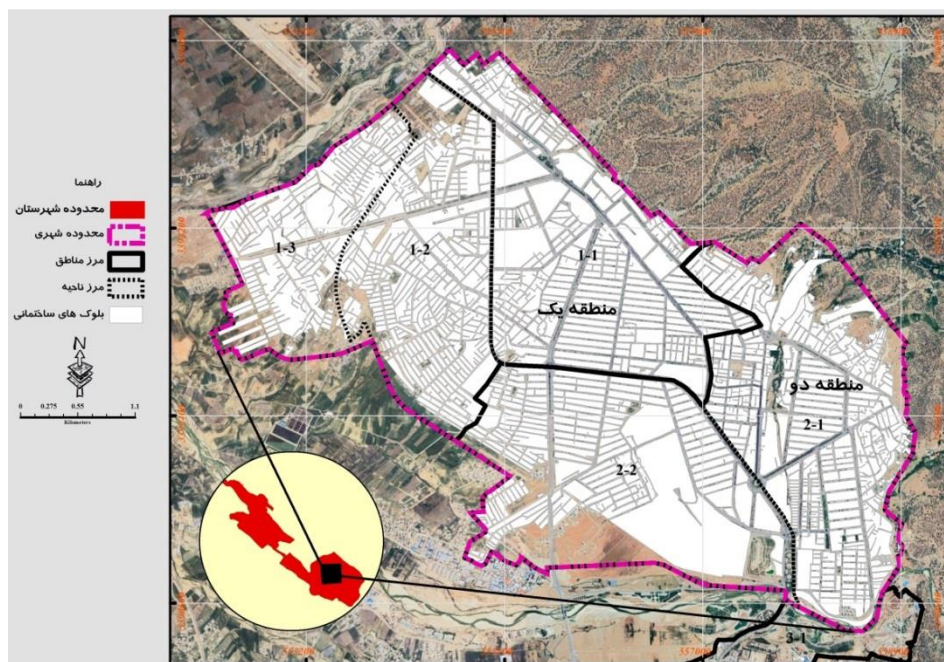
4. Simone Sass & Alves Porsse

5. Sasang Guite

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. معرفی محدوده مطالعاتی پژوهش

شهر یاسوج در موقعیت جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۴۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. ارتفاع شهر از سطح دریا به‌طور نسبی برابر با ۱۸۰۰ متر و به‌نوعی یکی از شهرهای پربارش در حوزه زاگرس با میانگین بارندگی برابر با ۸۳۴ میلی‌متر است؛ از این رو، این شهر دارای هوای معتدل متمایل به سرد است و در فصل زمستان بیشتر شاهد بارش برف زیادی است. براساس آخرین سرشماری انجام‌گرفته در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر یاسوج برابر با ۱۳۴۵۳۲ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شهر یاسوج تا سال ۱۳۵۰ دارای توسعه شهری ضعیف و محدود به احداث چند خیابان، خانه‌سازی و ... بوده است اما از دهه ۶۰ به بعد همراه با افزایش شهرنشینی گسترده، وسعت شهر نیز رشد چشمگیری داشته است.



شکل ۲. محدوده مطالعاتی

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۲.۲. روش تحقیق

نوع پژوهش پیش رو، از لحاظ ماهیت، کاربردی و روش پژوهش آن توصیفی - تحلیلی است. همچنین برای گردآوری دیدگاه‌ها، نظریات و تجربیات موجود از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. داده‌ها و اطلاعات به‌کاررفته در این پژوهش، از بلوک‌های آماری سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران به دست آمده است. برای استخراج و آنالیز داده‌ها از نرم‌افزار ARCGIS، برای تعیین ساختار کالبدی شهر یاسوج از شاخص تراکم جمعیت، تراکم مسکونی و تراکم ساختمانی و به‌منظور تحلیل فضایی وضعیت توسعه کالبدی تراکم‌ها، از روش خودهمبستگی فضایی جهانی و لکه‌های داغ استفاده شده است. همچنین در راستای تبیین ساختار کالبدی شهر یاسوج، بر مبنای مدل‌های شناخت ساختار فضایی - کالبدی براساس سه شاخص توزیع (نحوه توزیع تراکم‌ها) با بهره‌گیری تابع بیضوی استاندارد، شاخص خوشه‌بندی (میزان تجمع و یا عدم تجمع) در تابع K-Ripley و شاخص تجمع (میزان تمرکز و یا پراکندگی تراکم‌ها) با استفاده از شاخص خودهمبستگی فضایی جهانی (موران) به ارزیابی ساختار فضایی شهر پرداخته شده است.

۳. مبانی نظری تحقیق

۳.۱. پراکنده‌رویی شهری

گسترش افقی شهر که در قالب اصطلاح اسپرال در ادبیات پژوهش‌های شهری مطرح شده است (تقوایی و سرائی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۹)، به‌عنوان یکی از قابل‌توجه‌ترین ویژگی شهرنشینی برای مدت طولانی، کانون تحقیقاتی برای اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و بوم‌شناسان بوده است (لیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). پراکنده‌رویی شهری به معنای گسترش جمعیت انسانی دور از مناطق مرکزی شهر به مناطق کم‌تراکم است که بیشتر جوامع وابسته به خودرو هستند (ساسانگ گیت^۲، ۲۰۱۹، ص. ۱۹۵). پراکنده‌رویی شهری، که برای اولین بار در شهرهای آمریکای شمالی از آن بحث شد (استورر و بایر^۳، ۲۰۲۰) به چالش بزرگی برای شهرهای سراسر جهان، به‌ویژه در

1. Liu

2. Sasang Guite

3. Steurer & Bayr

کشورهای در حال توسعه مانند چین (ژانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۹)، هند (میشا و آریا^۲، ۲۰۲۰) و برزیل (وانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۷) تبدیل شده است. اگرچه هیچ تعریف مشترکی از پراکندگی شهری وجود ندارد، برخی از مطالعات اتفاق نظر دارند که پراکندگی شهری به پدیده گسترش نامنظم مناطق شهری اشاره دارد (چن^۴ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۲) که با دگرگونی اجتماعی، ساختار اقتصادی و سیستم حمل و نقل شهری همراه است (لیانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). مطالعات انجام گرفته نشان می دهد که معمولاً توسعه حومه ای با تراکم کم، ساختار شهری پراکنده، طراحی سیستم حمل و نقل مبتنی بر وسایل نقلیه موتوری و زمین های تکه تکه شده به عنوان ویژگی های کلیدی پراکندگی شهری توصیف می شود (اوینگ^۶، ۲۰۰۸؛ فرنکل و اشکنازی^۷، ۲۰۰۸؛ حمیدی و اوینگ^۸، ۲۰۱۴). این پدیده، منجر به طیف گسترده ای از اثرات منفی، مانند افزایش آلودگی هوا و آب (میشرا^۹ و همکاران، ۲۰۲۱)، از دست دادن زمین های کشاورزی و افزایش تراکم هو و همکاران، ترافیک شده است (هو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۲)؛ افزون بر این، منجر به افزایش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی می شود، زیرا اغلب منجر به جابه جایی جوامع کم درآمد و دسترسی نداشتن به خدمات ضروری مانند مراقبت های بهداشتی و آموزش می شود (چاکرابورتی^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۲). کلیدی ترین علت رشد پراکنده شهر، افزایش جمعیت شهرنشین (بر اثر رشد طبیعی یا مهاجرت) و یا کمبود یا قابل دسترس نبودن فضای لازم برای زندگی در داخل فضای موجود شهر و در نتیجه نیاز مبرم به فضای بیشتر برای اسکان است (نظم فر و همکاران، ۲۰۱۷). طی سال های اخیر، بسیاری از اندیشمندان از پراکنده رویی شهری به دلیل ایجاد تخریب محیطی و تضعیف مناطق شهری و گسترش حاشیه نشینی انتقاد کرده اند (ویلسون

1. Zhang
2. Misha & Arya
3. Wang
4. Chen
5. Liang
6. Ewing
7. Frenkel & Ashkenazi
8. Hamidi & Ewing
9. Mishra
10. Hou
11. Chakraborty

و چاکرابورتی^۱، ۲۰۱۳؛ ازاین‌رو، آن‌ها ضرورت به‌کارگیری استراتژی‌های مدیریت شهری مؤثر برای رسیدگی به موضوع پراکنده‌رویی شهری در تمامی شهرهای جهان را مطرح می‌کنند (الدوساری^۲ و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۳۸۲). این استراتژی‌ها شامل توسعه سیاست‌های توسعه پایدار شهری، تقویت اجرای مقررات موجود، و ترویج شکل شهری فشرده و پایدار است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ ژوانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). با بررسی پژوهش‌های مختلف، مجموعه عواملی که بیشترین تأثیر را بر پراکنده‌رویی شهری دارند، شامل موارد ذیل است:

جدول ۲. علل و فاکتورهای مؤثر بر پراکنش فضایی - کالبدی شهر

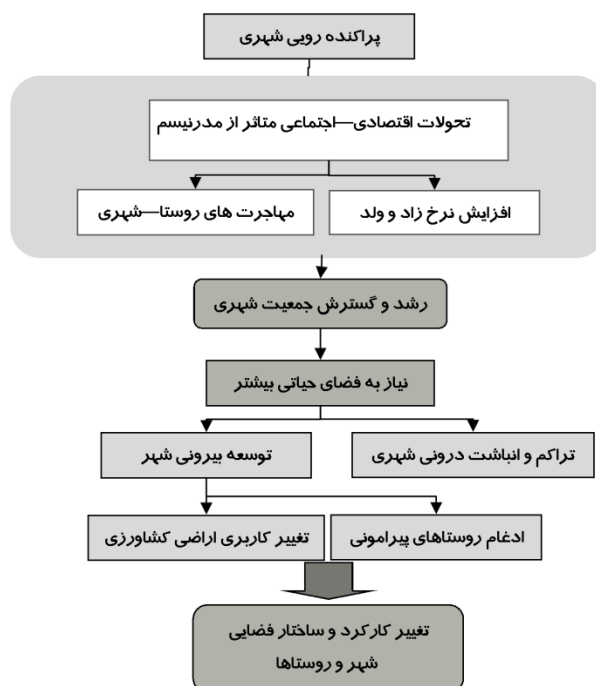
مأخذ: عبدالی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۵

علت	فاکتور	چگونگی عمل	مأخذ
اقتصادی	قیمت زمین	به دلیل ارزان بودن قیمت زمین و مسکن در حاشیه شهر، مهاجران تازه‌وارد به‌ناچار زمین‌های حاشیه شهر را برای سکونت برمی‌گزینند و ساخت و سازهای آن‌ها معمولاً بدون مجوز و غیرقانونی است.	وانگ ^۴ (۲۰۰۲)
	کمک‌های دولتی به ساخت بزرگراه	بزرگراه‌هایی که در اطراف شهرها و به‌سمت روستا و شهرهای دیگر ساخته می‌شوند، سبب توسعه نواری و خطی که یکی از ویژگی‌های اسپرال است، می‌شوند.	گوردن و ریچاردسون ^۵ (۱۹۹۷)
برنامه‌ریزی	طرح‌ها و برنامه‌های شهری	وانگ و لی بر نقش کارآمدی طرح‌ها، برنامه‌ها، سیاست‌ها و مقررات مربوط به محدوده‌های ساخت و ساز شهری در ایجاد یا کنترل پراکنده‌رویی تأکید می‌کنند.	وانگ و لی ^۶ (۲۰۱۴)
سیاسی	نقش دولت	دیلمن و وگنر معتقد هستند که علل اسپرال به دو گروه اصلی تقسیم‌بندی می‌شود: تمایل عمومی به تغییر - اقتصادی اجتماعی در جوامع توسعه‌یافته و سیاست برنامه‌ریزی فضایی دولت؛ در نتیجه مداخلات برنامه‌ریزی قوی در سطوح محلی و منطقه‌ای و تمرکززدایی شهری انجام می‌شود.	دیلمن و ونگ ^۷ (۲۰۰۴)

1. Wilson & Chakraborty
2. Al-Dousari
3. Zhuang
4. Wang
5. Gordon & Richardson
6. Wang & Lai
7. Dieleman & Wegner

علت	فاکتور	چگونگی عمل	مأخذ
جغرافیایی و محیطی	نابودی و زوال مرکز شهر	مراکز شهری زمانی مکان‌های مطلوب برای زندگی مردم بودند و مسائلی مانند تراکم، ترافیک، تخریب محیطی مسکن بی‌رونق، کیفیت ضعیف مدارس، نبود دسترسی به فضای باز و نابودی زیرساخت‌ها در هسته مرکزی شهر اتفاق افتاد و مرکز شهر به‌سوی نابودی و بدتر شدن رفت و طبقات بالا و متوسط در جستجوی زندگی بهتر به خارج محدوده و حومه‌ها مهاجرت می‌کنند.	هایوارد ^۱ (۲۰۰۰)
فناوری	پیشرفت تکنولوژی حمل و نقل	اسپرال پدیده‌ای مبتنی بر حمل و نقل است. الگوی کاربری اراضی با رشد استفاده از اتومبیل تغییر پیدا کرد؛ افزون بر این، سرمایه‌گذاری دولت‌ها در ساخت بزرگراه‌ها از دهه ۱۹۳۰ به بعد این پدیده را تشدید کرد.	هارتگن ^۲ (۲۰۰۲)

پراکنده‌رویی شهری و متنوع شدن هرچه بیشتر جمعیت، مجموعه پیچیده‌ای از ناهماهنگی‌های فضایی را در محل سکونت، اشتغال و حمل و نقل ایجاد کرده و باعث پیامدهای نامطلوب بر تمام ابعاد زندگی سکونتگاه‌های انسانی شده است. این روند رشد شتابان شهرها، موجب جذب جمعیت روستاهای پیرامون و انتقال بسیاری از ویژگی‌های شهری به روستاها شده است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). شواهد بسیاری نشان می‌دهد که این روند روبه‌رشد غیرمنطقی شهرها با از میان بردن اراضی زراعی، نابودی فضای سبز، تغییر کارکرد و هویت روستایی و افزایش حومه‌نشینی، موجب دگرگونی و تغییرات قابل توجهی در کاربری اراضی حومه می‌شود (امینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵)؛ به سخن دیگر، شهرها در فرایند پراکنده‌رویی، در کنار بلعیدن زمین‌های کشاورزی، موجب ادغام و الحاق و تغییر کارکرد و ساختارهای فضایی و عملکردی شهر و روستاهای پیرامونی خود می‌شوند (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

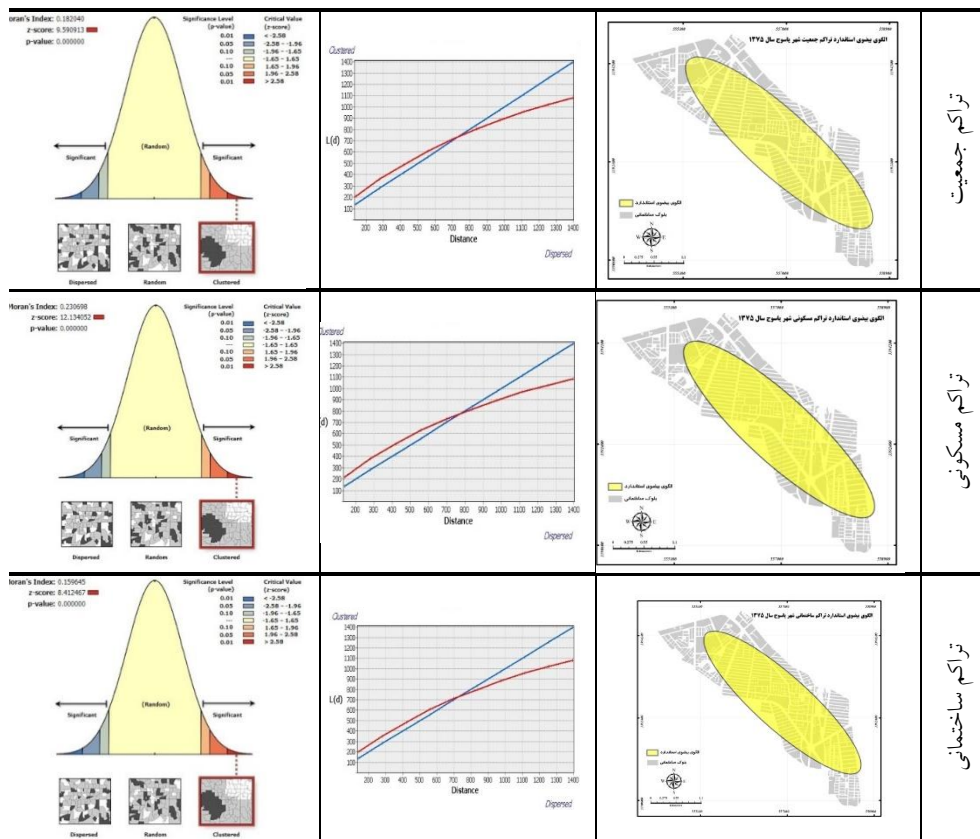
مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. تحلیل فضایی توسعه کالبدی شهر یاسوج (۱۳۷۵)

در قسمت اول یافته‌های پژوهش براساس سه شاخص توزیع، خوشه‌بندی و تجمع براساس اطلاعات و داده‌های تراکم جمعیت، تراکم مسکونی و تراکم ساختمانی وضعیت ساختار کالبدی شهر یاسوج بررسی شد. محاسبه توزیع جهت‌دار بیانگر گرایش انواع تراکم به توزیع و تمرکز در حول محور جنوب شرقی و شمالی شهر یاسوج در سال ۱۳۷۵ است. روش خوشه‌بندی K-Ripley نشان‌دهنده حرکت به سمت تمرکز تراکم‌های مختلف و شکل‌گیری الگوی توزیع خوشه‌ای در سطح شهر است. در بررسی شاخص تجمع با استفاده از الگوی خودهمبستگی فضایی جهانی (ضریب موران) می‌توان گفت که ضریب موران انواع تراکم شهر یاسوج در سال ۱۳۷۵ مثبت و بیشتر از مقدار صفر محاسبه شده است که نشان از خودهمبستگی فضایی انواع تراکم است. آماره Z_Score برای تراکم جمعیت برابر با ۹/۵۹، تراکم مسکونی برابر با ۱۲/۱۳ و تراکم ساختمانی برابر با ۸/۴۱ در سطح اطمینان ۰.۰۰۰، بزرگ‌تر از مقدار مورد انتظار (۱/۶۵)

محاسبه شده است. در مجموع، براساس موران جهانی می‌توان استنباط کرد که انواع تراکم (جمعیت، مسکونی و ساختمانی) شهر یاسوج در سال ۱۳۷۵ از الگوی خوشه‌ای پیروی می‌کند؛ یعنی بلوک‌های با تراکم بالا یا پایین در مجاورت یکدیگر و همسایه هستند؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که تراکم‌های مختلف شهر یاسوج در سال ۱۳۷۵ دارای الگوی خوشه‌ای است و تمرکز جمعیت و بلوک‌های ساختمانی و مسکونی را نشان می‌دهد. این امر می‌تواند به علت تمرکز فعالیت‌های خدماتی و زیرساختی در سطح شهر یاسوج و به‌ویژه در نواحی اصلی شهر باشد.

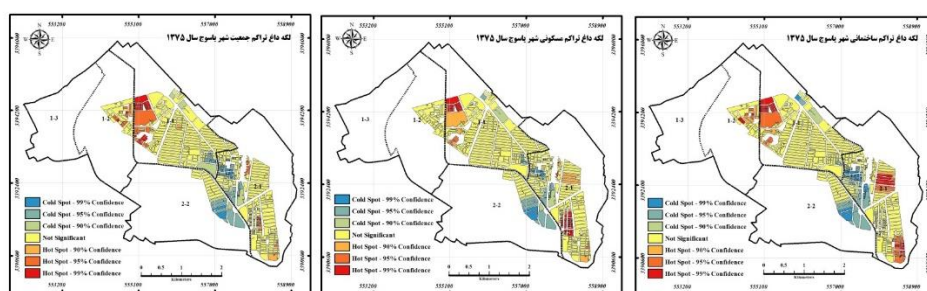


شکل ۳. ساختار کالبدی انواع تراکم شهر یاسوج سال ۱۳۷۵

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۰

نتایج لکه‌های داغ تراکم‌های مختلف شهر یاسوج در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که الگوی خوشه‌ای تأیید شده این شهر با ۹۹ درصد معناداری بیشتر در نواحی شمالی و جنوب شرقی شهر

است. این امر بیانگر تمرکز بلوک‌های ساختمانی با تراکم‌های بالا در دو محور مذکور است. همچنین می‌توان گفت که بیشترین میزان تمرکز لکه‌های سرد انواع تراکم‌های شهر یاسوج (جمعیت، مسکونی و ساختمانی) با ۹۹ و ۹۵ درصد معناداری مربوط به محور جنوبی شهر (نواحی ۲-۱ و ۲-۲) است. به تعبیری دیگر، بلوک‌های ساختمانی با تراکم بسیار پایین در نواحی بیان شده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که الگوی خوشه‌ای و تمرکز این شهر در سال ۱۳۷۵ مربوط به هسته اصلی شهر است و تراکم‌های مختلف در بیشتر سطح شهر دارای الگوی تصادفی و پراکنده است. به‌نحوی که میزان تمرکز و الگوی خوشه‌ای تراکم‌ها در محدوده کوچکی از شهر دیده می‌شود و الگوی توسعه پراکنده‌رویی تمامی تراکم‌ها در محور جنوبی و هسته‌ای شهر مشاهده می‌شود که این موضوع می‌تواند تأییدکننده آغاز الگوی رشد اسپرال و پراکنده در این محورها باشد.



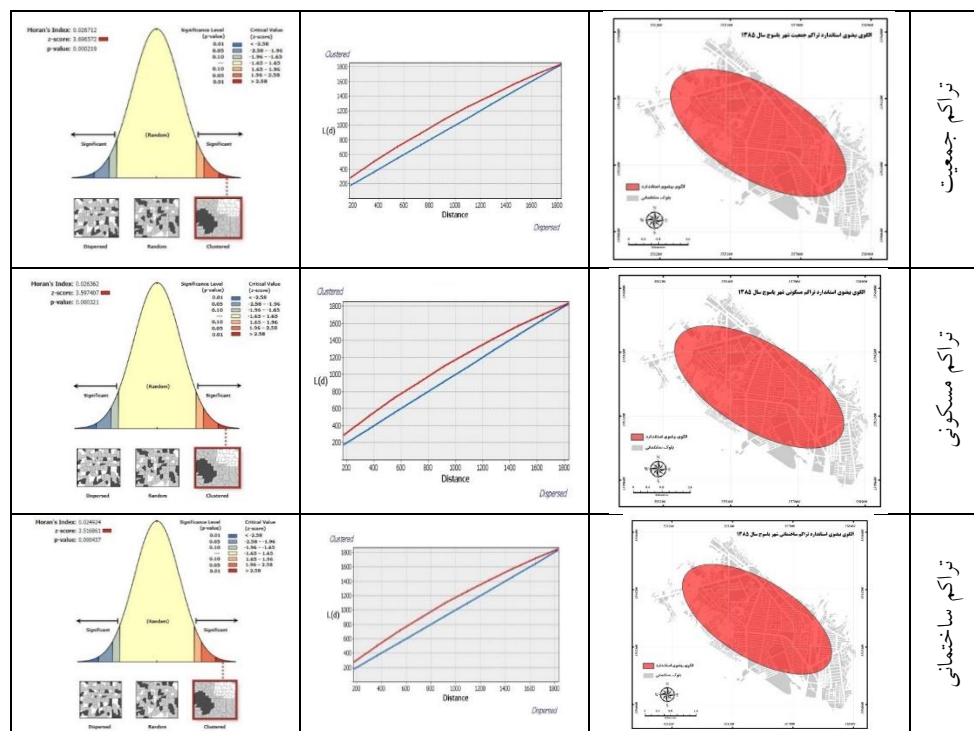
شکل ۴. لکه‌های داغ انواع تراکم در سطح بلوک‌های شهر یاسوج ۱۳۷۵

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۲.۴. تحلیل فضایی توسعه کالبدی شهر یاسوج (۱۳۸۵)

محاسبه توزیع جهت‌دار، گرایش انواع تراکم به توزیع و تمرکز در حول نواحی شمال، شمال غربی و غرب شهر یاسوج در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. روش خوشه‌بندی K-Ripley نشان‌دهنده شکل‌گیری الگوی توزیع خوشه‌ای تراکم‌های مورد بررسی در سطح نواحی شهر است. به‌نحوی که مقادیر مشاهده‌شده میزان تمرکز از مقادیر مورد انتظار نسبت به سال ۱۳۷۵ فراتر رفته است. الگوی خودهمبستگی فضایی جهانی (ضریب موران) نشان می‌دهد که ضریب موران انواع تراکم بلوک‌های شهر یاسوج در سال ۱۳۸۵ مثبت و بیشتر از مقدار صفر است و تراکم‌ها دارای

خودهمبستگی فضایی هستند. مقدار آماره Z_Score برای تراکم جمعیت برابر با ۳/۶۹، تراکم مسکونی برابر با ۳/۵۹ و تراکم ساختمانی برابر با ۳/۵۱ در سطح اطمینان ۰.۰۰۰، بزرگ‌تر از مقدار مورد انتظار (۱/۶۵) محاسبه شده است. براساس موران جهانی می‌توان استنباط کرد انواع تراکم شهر یاسوج در سال ۱۳۸۵ از الگوی خوشه‌ای پیروی می‌کند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تراکم‌های مختلف شهر یاسوج در سال ۱۳۸۵ همانند سال ۱۳۷۵ دارای الگوی خوشه‌ای است. از سوی دیگر، میزان الگوی خوشه‌ای تراکم‌های مختلف شهر یاسوج نسبت به سال ۱۳۷۵ دارای مقداری بسیار پایین‌تری است که این موضوع نشان‌دهنده استقرار و گرایش جمعیت به سکونت در دیگر نواحی شهر است که به‌نوعی نشان از تغییر روند الگوی توسعه کالبدی این شهر به سمت الگوی رشد اسپرال یا پراکنده شهری دارد.

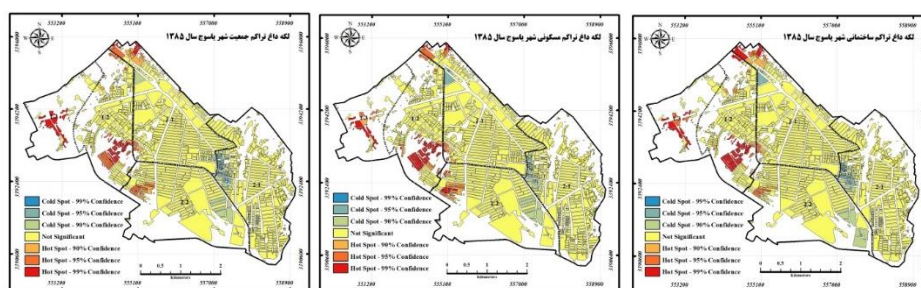


شکل ۵. ساختار کالبدی انواع تراکم شهر یاسوج سال ۱۳۸۵

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

نتایج لکه‌های داغ تراکم‌های مختلف (جمعیت، مسکونی و ساختمانی) شهر یاسوج در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که الگوی خوشه‌ای تأیید شده این شهر با ۹۹ درصد معناداری اغلب در

نواحی شمالی، شمال غربی و غرب شهر و مربوط به نواحی ۱-۱، ۲-۱ و ۳-۱ است. این امر بیانگر تمرکز بلوک‌های ساختمانی با تراکم بالا در نواحی جدید و به‌ویژه اراضی ارزان‌قیمت است. به سخنی دیگر، در سال ۱۳۸۵ جمعیت اضافه‌شده به شهر یاسوج و همچنین مهاجران واردشده تمایل بیشتری به سکونت در محور شمال غربی و غربی شهر داشته‌اند که این موضوع می‌تواند به دلیل وجود اراضی ارزان‌قیمت و الحاق روستاهای پیرامونی در محورهای مذکور به شهر یاسوج باشد. بیشترین میزان تمرکز لکه‌های سرد انواع تراکم‌های شهر یاسوج (جمعیت، مسکونی و ساختمانی) با ۹۹ و ۹۵ درصد معناداری مربوط به بلوک‌های مرکزی شهر (ناحیه ۱-۲) است؛ به تعبیری دیگر، تراکم پایین در هسته مرکزی در مقایسه با سایر محورهای شهر خود گویای تمرکز الگوی سکونتی در دیگر محورها است. درباره تغییرات تراکم‌های مختلف شهر یاسوج در مقایسه با سال ۱۳۷۵ می‌توان به صورت خلاصه گفت که در این دوره توسعه کالبدی شهر به سمت نواحی حاشیه شهری و به‌ویژه محور غربی شهر سوق پیدا کرده است و این امر تأییدکننده رشد اسپرال و پراکنده‌رویی شهر در محورهای بیان شده است.



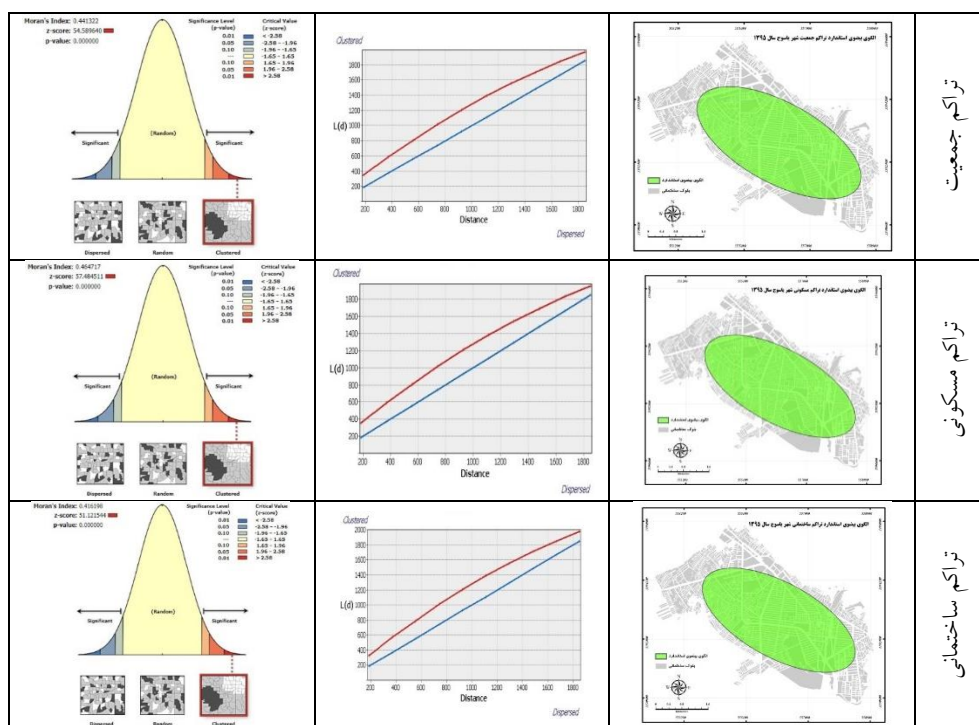
شکل ۶. لکه‌های داغ انواع تراکم در سطح بلوک‌های شهر یاسوج ۱۳۸۵

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۳.۴. تحلیل فضایی توسعه کالبدی شهر یاسوج (۱۳۹۵)

محاسبه توزیع جهت‌دار، بیانگر گرایش انواع تراکم به توزیع و تمرکز در حول نواحی غربی شهر یاسوج در سال ۱۳۹۵ است. روش خوشه‌بندی K-Ripley نشان‌دهنده الگوی خوشه‌ای تراکم‌های مورد بررسی در سطح نواحی شهر همچون سال ۱۳۸۵ است. به نحوی که در مقادیر مشاهده‌شده میزان تمرکز از مقادیر مورد انتظار بیشتر بوده است. همچنین میزان تمرکز و الگوی

خوشه‌ای شکل گرفته در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال ۱۳۸۵ افزایش چشم‌گیری داشته است. الگوی خودهمبستگی فضایی جهانی (ضریب موران) نشان‌دهنده مثبت بودن ضریب موران برای تراکم‌های مختلف شهر یاسوج و خودهمبستگی فضایی بالا است. مقدار آماره Z_Score تراکم جمعیت برابر با ۵۴/۵۸، تراکم مسکونی برابر با ۵۷/۴۸ و تراکم ساختمانی برابر با ۵۱/۱۲ در سطح اطمینان ۰.۰۰۰۰، بزرگ‌تر از مقدار مورد انتظار (۱/۶۵) محاسبه شده است. براساس موران جهانی می‌توان استنباط کرد تراکم‌های مختلف شهر یاسوج در سال ۱۳۹۵ کاملاً از الگوی خوشه‌ای پیروی می‌کند. از سوی دیگر، میزان الگوی خوشه‌ای تراکم‌های مختلف شهر یاسوج سال ۱۳۹۵ در مقایسه با دو دوره قبل دارای مقدار بسیار بالاتری است که این امر نشان از افزایش چشمگیر الگوی رشد اسپرال و پراکنده شهر در برخی از محورها است.

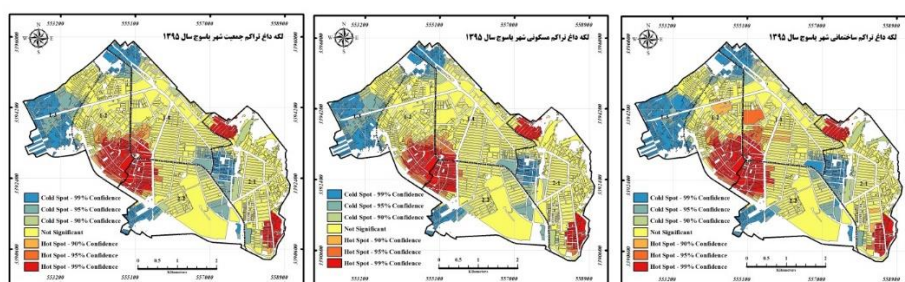


شکل ۷. ساختار کالبدی انواع تراکم شهر یاسوج سال ۱۳۹۵

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

نتایج لکه‌های داغ تراکم‌های مختلف (جمعیت، مسکونی و ساختمانی) شهر یاسوج در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که الگوی خوشه‌ای تأییدشده این شهر با ۹۹ درصد معناداری بیشتر در

نواحی غربی شهر و مربوط به نواحی ۱-۲ و ۲-۲ است. این امر بیانگر تمرکز بلوک‌های ساختمانی با تراکم بالا در نواحی مذکور است. می‌توان گفت که بیشترین میزان تمرکز لکه‌های سرد انواع تراکم‌های شهر یاسوج (جمعیت، مسکونی و ساختمانی) با ۹۹ و ۹۵ درصد معناداری مربوط به بلوک‌های شمالی (ناحیه ۱-۱) و بلوک‌های شمال غربی (ناحیه ۱-۳) است. این نتایج گویای این موضوع است که در طی سه دهه اخیر، توسعه کالبدی شهر یاسوج بیشتر در نواحی غربی، شمال و شمال غربی شهر واقع شده است؛ به نحوی که محور غربی به دلیل وجود اراضی ارزان قیمت و الحاق روستاهای پیرامونی، همچون شرف آباد سفلا، شرف آباد علیا، شرف آباد وسطا و بلکور، پذیرای مهاجرین و جمعیت اضافی شهر بوده است؛ بنابراین، همان‌طور که در شکل ۸ آمده، بیشترین میزان الگوی رشد اسپرال و پراکنده شهر یاسوج با احتساب پایین‌ترین میزان تراکم‌های جمعیت، مسکونی و ساختمانی در نواحی شمال غربی شهر یاسوج شکل گرفته است.



شکل ۸. لکه‌های داغ انواع تراکم در سطح بلوک‌های شهر یاسوج ۱۳۹۵

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۵. نتیجه‌گیری

در توسعه کالبدی شهر، عوامل گوناگونی مؤثر است. شرایط متفاوت مکانی و زمانی شهرها باعث می‌شود که در بیشتر موارد، عوامل متفاوت و متنوعی در توسعه کالبدی هر شهری تأثیرگذار شود. درباره تعیین وضعیت توسعه کالبدی شهر، تحلیل فضایی الگوی ساختار فضایی - کالبدی در برنامه‌ریزی شهری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ پژوهش حاضر بر مبنای تحلیل فضایی وضعیت توسعه انواع تراکم‌های کالبدی شهر یاسوج پی‌ریزی شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که توزیع جهت‌دار انواع تراکم‌های مختلف طی سه دوره مورد بررسی، نشان‌دهنده گرایش نحوه

توزیع فضایی انواع تراکم‌های مختلف به سمت الگوی تمرکز است. روش خوشه‌بندی K-Ripley بیانگر شکل‌گیری الگوی توزیع خوشه‌ای تراکم‌های مورد بررسی در سطح نواحی شهر است. همچنین شاخص تجمع نشان می‌دهد که ضریب موران انواع تراکم شهر یاسوج مثبت و بیشتر از مقدار صفر محاسبه شده است که نشان‌دهنده خودهمبستگی فضایی انواع تراکم و تبعیت از الگوی فضایی خوشه‌ای است؛ یعنی بلوک‌های با تراکم بالا یا پایین در مجاورت یکدیگر قرار دارند و همسایه هستند. الگوی توزیع فضایی لکه‌های داغ تراکم‌های مختلف (جمعیت، مسکونی و ساختمانی) شهر یاسوج طی سه دهه اخیر با ۹۹ درصد معناداری مربوط به نواحی غربی شهر است. بیشترین میزان تمرکز لکه‌های سرد انواع تراکم‌های شهر با ۹۹ و ۹۵ درصد معناداری مربوط به بلوک‌های شمال غربی است؛ بنابراین، در طی سه دهه اخیر توسعه کالبدی شهر یاسوج بیشتر در نواحی غربی، شمال و شمال غربی شهر واقع شده و بیشترین میزان الگوی رشد اسپرال و پراکنده شهر یاسوج با احتساب پایین‌ترین میزان تراکم‌های جمعیت، مسکونی و ساختمانی در نواحی شمال غربی شهر یاسوج شکل گرفته است. یافته‌های این پژوهش با بیشتر تحقیقات انجام گرفته درباره پراکنده‌رویی شهری در ایران همچون احدی رشتی و همکاران، ۱۳۹۸؛ ایران‌دوست و همکاران، ۱۳۹۷؛ نیک‌پور و یاراحمدی، ۱۴۰۱؛ اسماعیل‌پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵؛ عبدی تریقان و همکاران، ۱۳۹۹؛ ایمان‌پور نمین و همکاران، ۱۴۰۲، قدمی و همکاران، ۱۳۹۹، خداداد بناب، ۱۳۹۸ و ... مطابقت دارد و شهر یاسوج همانند دیگر شهرهای کشور طی دهه‌های اخیر با پراکنده‌رویی شهری روبه‌رو بوده است. بنابراین در راستای مدیریت خردمندانه توسعه کالبدی این شهر، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

- هدایت توسعه شهر به زمین‌های غیر کشاورزی و جلوگیری از ساخت و ساز در محور غربی شهر
- اولویت قرار دادن زمین‌های فاقد ساخت و ساز و اراضی بایر درون شهر
- نظارت‌های دقیق و مکرر مدیریت شهری در راستای جلوگیری از ساخت و ساز در محدوده قانونی شهر
- مدیریت مهاجران تازه‌وارد و اتخاذ استراتژی مناسب برای اسکان این افراد در بخش‌های غربی و شمال غربی شهر.

کتابنامه

۱. آروین، م.، پوراحمد، ا.، و زنگنه شهرکی، س. (۱۳۹۵). سنجش الگوی پراکنده رویی و شناسایی حوزه‌های عمل توسعه درونی شهر (نمونه موردی: شهر اهواز). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۱۷ (۵)، ۴۵-۶۲.
۲. احدنژاد روشتی، م.، طهماسبی مقدم، م.، شامی، ف.، و محرمی، س. (۱۳۹۸). تبیین فضایی پدیده پراکنده رویی شهری (مطالعه موردی: شهر قائم‌شهر). *دوفصلنامه علمی جغرافیای اجتماعی شهری*، ۶ (۱)، ۱-۱۳.
۳. امینی، س.، رحمانی، ب.، و مجیدی خامنه، ب. (۱۳۹۶). پیامدهای اقتصادی تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری-مورد: روستاهای دهستان جی در شهرستان اصفهان. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۶ (۲)، ۴۰-۱۷.
۴. پریزادی، ط.، و صالحی، ع. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر ناپایداری الگوی توسعه شهری. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۷ (۲۶)، ۱۱۴-۱۰۰.
۵. تقوایی، م.، و سرائی، م. ح. (۱۳۸۳). گسترش افقی شهرها و ظرفیت‌های موجود زمین (مورد شهر یزد). *تحقیقات جغرافیایی*، ۱۹ (۲)، ۲۱۰-۱۸۷.
۶. زبردست، ا.، و قانونی، ح. (۱۴۰۰). تحلیل ارتباط پراکنده رویی شهری و آسیب‌پذیری اجتماعی (مورد پژوهی: نواحی شهر قزوین). *توسعه پایدار شهری*، ۲ (۴)، ۳۴-۱۵.
۷. ستاری، م. ح.، سرور، ر.، و مهدوی، م. (۱۳۹۹). ارزیابی اثرات پراکنده رویی در تغییر کاربری اراضی شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران). *شهر پایدار*، ۳ (۴)، ۱۲۱-۱۰۷.
۸. شعبانی، ف.، سجادی، ژ.، و توکلی‌نیا، ج. (۱۳۹۹). زوال هویت در روند تغییر و گسترش پراکنده‌رویی شهری. *مطالعات ملی*، ۲۱ (۳)، ۱۲۲-۱۰۵.
۹. عبدالی، ا.، کلانتری خلیل‌آباد، ح.، و پیوسته‌گر، ی. (۱۳۹۸). تحلیلی بر عوامل مؤثر در پراکنده رویی نواحی شهری (نمونه موردی: شهر یاسوج). *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰ (۱)، ۱۱۶-۱۰۱.
۱۰. علی‌محمدی، ع.، و قائمی‌راد، ط. (۱۴۰۱). تحلیل مکانی پراکنده‌رویی شهری و اثرات آن بر برابری دسترسی به بیمارستان‌ها در کلان‌شهر تهران. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)*، ۱۷، ۱۷-۱.

۱۱. قدیری معصوم، م.، سلمانی، م.، بدری، س. ع.، فرجی سبکبار، ح. ع.، و قنبری نسب، ع. (۱۳۹۳). دگرگونی اقتصاد کشاورزی و شکل‌گیری پدیده روستانشینی شهری و روستاگرایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان رباط کریم). *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۳(۳)، ۸۱-۶۳.
۱۲. کیانی، ا.، و سالاری سردری، ف. (۱۳۹۹). تحلیل ساختار و توسعه فضایی-کالبدی پراکنده رویی شهر لامرد. *پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی*، ۱(۱)، ۳۲-۴۸.
۱۳. لطفی، ص.، منوچهری میاندوآب، ا.، و آهار، ح. (۱۳۹۲). تحلیل الگوی گسترش کالبدی - فضایی شهر مراغه با استفاده از مدل‌های کمی. *جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۷(۴۳)، ۲۳۲-۱۹۱.
۱۴. ماجدی، ح.، زیردست، ا.، و مجربی کرمانی، ب. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی رشد کالبدی شهرهای بزرگ ایران (نمونه مطالعه: الگوی رشد کالبدی شهر رشت). *هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی*، ۱۷(۳)، ۴۹-۶۰.
۱۵. مبارکی، ا.، و زنگی‌آبادی، ع. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن (مطالعه موردی: محلات احمدآباد، کوی بهشت، خلیل‌آباد). *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۳(۱)، ۸۰-۶۷.
۱۶. مجربی کرمانی، ب. (۱۴۰۰). تعیین خصوصیات شکل شهری پایدار: فشردگی در برابر پراکنده‌رویی. *پژوهش‌های مکانی فضایی*، ۶(۱)، ۵-۱۳.
۱۷. منصوریان، ح.، نقدی‌زادگان جهرمی، م.، و گومه، ز. (۱۴۰۰). تحلیل فضایی-زمانی فرم شهری در کلان‌شهرهای ایران. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۲)، ۵۰۶-۴۸۷.
۱۸. میثاق، ن.، میثاق، ف.، مردانه، ع.، و مددی، س. (۱۳۹۹). بررسی الگوی فضایی و بصری‌سازی پراکنده‌رویی شهری با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و آنتروپی شانون در GIS (مطالعه موردی: شهر تبریز از سال ۱۳۵۱-۱۳۹۲). *بوم‌شناسی شهری*، ۱۱(۲۱)، ۲۰۸-۱۹۵.
۱۹. نوروزی، ح.، و محمدی‌دوست، س. (۱۳۹۷). بررسی ابعاد مختلف توسعه افقی شهر یاسوج و تأثیر آن بر اراضی کشاورزی پیرامون (با استفاده از مدل آنتروپی شانون و ضریب موران). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۸(۳۲)، ۸۱-۹۲.

20. Al-Dousari, A., Mishra, A., & Singh, S. (2023). Land use land cover change detection and urban sprawl prediction for Kuwait metropolitan region, using multi-layer perceptron neural networks (MLPNN). *The Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Sciences*, 26, 381-392.

21. Alzahrani, A., Aldossary, N., & Alghamdi, J. (2024). Observing the dynamics of urban growth of Al-Baha City using GIS (2006–2021). *Alexandria Engineering Journal*, 95, 114–131.
22. Bagheri, B., & Soltani, A. (2023). The spatio-temporal dynamics of urban growth and population in metropolitan regions of Iran. *Habitat International*, 136, 102797.
23. Biney, S., & Boakye, E. (2021). Urban sprawl and its impact on land use land cover dynamics of Sekondi-Takoradi metropolitan assembly, Ghana. *Environmental Challenges*, 4, 100168.
24. Chakraborty, A., Sikder, S., Omrani, H., & Teller, J. (2022). Cellular automata in modeling and predicting urban densification: revisiting the literature since 1971. *Land*, 11(7), 1113.
25. Chen, D., Lu, X., Hu, W., Zhang, Ch., & Lin, Y. (2021). How urban sprawl influences eco-environmental quality: Empirical research in China by using the Spatial Durbin model. *Ecological Indicators*, 131, 108113.
26. Chikowore, T., & Willemse, L. (2017). Identifying the changes in the quality of life of Southern African Development Community (SADC) migrants in South Africa from 2001 to 2011. *South African Geographical Journal*, 99, 86–112.
27. Dadashpoor, H., Azizi, P., & Moghadasi, M. (2019). Land use change, urbanization, and change in landscape pattern in a metropolitan area. *Science of the Total Environment*, 655, 707–719.
28. Ding, Y., Jia, L., Wang, Ch., & Wang, P. (2024). Urban sprawl and its effects on water competition between building industry and residents: Evidence from 31 provinces in China. *Water-Energy Nexus*, 7, 26–38.
29. Ewing, R. H. (2008). Characteristics, causes, and effects of sprawl: A literature review. In J. M. Marzluff, et al. (Eds.), *Urban ecology* (pp. 519–535). Berlin: Springer.
30. Frenkel, A., & Ashkenazi, M. (2008). Measuring urban sprawl: How can we deal with it? *Environment and Planning B: Planning and Design*, 35(1), 56-79.
31. Gounaridis, G., Symeonakis, E., Chorianopoulos, I., & Koukoulas, S. (2018). Incorporating density in spatiotemporal land use/cover change patterns: the case of Attica, Greece, *Remote Sensing*, 10(7), 1034.
32. Hamidi, S., & Ewing, R. (2014). A longitudinal study of changes in urban sprawl between 2000 and 2010 in the United States. *Landscape Urban Planning*, 128, 72–82.
33. Hamidi, S., Ewing, R., Preuss, I. Dodds, A. (2015). Measuring sprawl and its impacts: An update. *Journal of Planning Education and Research*, 35(1), 35-50.
34. Hassan, Z., Shabbir, R., Ahmad, S. S., Malik, A. H., Butt, A., & Erum, S. (2016). Dynamics of land use and land cover change (LULCC) using geospatial techniques: a case study of Islamabad Pakistan, *SpringerPlus*, 5, 1–11.
35. Hou, W., Zhou, W., Li, J., & Li, C. (2022). Simulation of the potential impact of urban expansion on regional ecological corridors: A case study of Taiyuan, China. *Sustainable Cities and Society*, 83, 103933.

36. Jia, M., Zhang, H., & Yang, Zh. (2022). Compactness or sprawl: Multi-dimensional approach to understanding the urban growth patterns in Beijing-Tianjin-Hebei region, China. *Ecological Indicators*, 138, 108816.
37. Liang, L., Wang, Z., & Li, J. (2019). The effect of urbanization on environmental pollution in rapidly developing urban agglomerations. *Journal of Cleaner Production*, 237, 117649.
38. Liu, N., Liu, C., Xia, Y., & Da, B. (2018). Examining the coordination between urbanization and eco-environment using coupling and spatial analyses: A case study in China. *Ecological Indicators*, 93, 1163–1175.
39. Liu, Z., Liu, S., Qi, W., & Jin, H. (2018). Urban sprawl among Chinese cities of different population sizes. *Habitat International*, 79, 89-98.
40. Magidi, J., & Ahmed, F. (2019). Assessing urban sprawl using remote sensing and landscape metrics: A case study of City of Tshwane, South Africa (1984–2015). *The Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Sciences*, 22, 335–346.
41. Marianno de Olivera, L., Costa de Mendonca, G., Costa, R. C. A., Leite de Camargo, R. A., Fernandes, L. F. S., Pacheco, A. L. F., & Pissarra, T. C. T. (2023). Impacts of urban sprawl in the Administrative Region of Ribeirão Preto (Brazil) and measures to restore improved landscapes. *Land Use Policy*, 124, 106439.
42. Mishra, A., & Arya, D. S. (2020). *Development of Decision Support System (DSS) for urban flood management: A review of methodologies and results*. Paper presented at the World Environmental and Water Resources Congress, Henderson, Nevada.
43. Mishra, A., Sharma, I., & Mehrotra, R. (2021). *Optimal design of water distribution network by reliability considerations*. Singapore: Springer.
44. Nazmfar, H., Esmaili, A., & Eshghi Chahar Burj, A. (2017). Investigating the trend of sparwl urban growth with an emphasis on density indicators of smart growth (Case study: The four regions of Urmia city). *Journal of Geography and Environmental Studies*, 6(22), 7-20
45. Rodrigue, J. P. (2016). *The geography of transport systems*. New York: Taylor & Francis.
46. Sasang Guite, L.T. (2019). Assessment of urban sprawl in Bathinda city, India. *Journal of Urban Management*, 8, 195–205.
47. Shafia, A. (2018). Urban growth modeling using Cellular Automata coupled with land cover indices for Kolkata Metropolitan region. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (pp. 1–9). Purposed-Led Publishing.
48. Simone Sass, K., & Alves Porsse, A. (2021). Urban sprawl and the cost of providing local public services: Empirical evidence for Brazilian municipalities. *Regional Science Policy & Practice*, 13, 1371–1387.
49. Steurer, M., & Bayr, C. (2020) Measuring urban sprawl using land use data. *Land Use Policy*, 97, 104799.
50. Tadesa Edosa, B., Geleta Erena, M., Nagasa Wolteji, B., Tolossa Werati, G., & Dangia Nagasa, M. (2024). Urban growth assessment using machine learning

- algorithms, GIS techniques, and its impact on biodiversity: The case of Sululta sub-city, Central Oromia, Ethiopia. *City and Environment Interactions*, 23, 100151.
51. United Nations. (2018). *World urbanization prospects*. Retrieved from <https://population.un.org/wup/Publications/Files/WUP2018-Report.pdf>
 52. Ujoh, F., Sumari, N. S., & Xu, G. (2020). On the absurdity of rapid urbanization: Spatio-temporal analysis of land-use changes in Morogoro, Tanzania, *Cities*, 107(102876), 1-12.
 53. UNHABITAT. (2016). *World cities report 2016: Urbanization and development-Emerging futures*. Retrieved from <https://unhabitat.org/world-cities-report-2016>
 54. Wang, C., Yu, M., & Gao, Q. (2017). Continued reforestation and urban expansion in the new century of a tropical Island in the Caribbean. *Remote Sensing*, 9(7), 731.
 55. Wang, R., Hou, H., & Murayama, Y. (2018). Scenario-based simulation of Tianjin city using a Cellular Automata-Markov model. *Sustainability*, 10(8), 2633.
 56. Wang, S. W., Munkhnasan, L., & Lee, W. K. (2021). Land use and land cover change detection and prediction in Bhutan's high altitude city of Thimphu, using cellular automata and Markov chain. *Environmental Challenge*, 2, 100017.
 57. Wilson, B., & Chakraborty, A. (2013). The environmental impacts of sprawl: Emergent themes from the past decade of planning research. *Sustainability*, 5(8), 3302–3327.
 58. Xun Liang, X. L. (2018). Delineating multi-scenario urban growth boundaries with a CA-based FLUS model and morphological method. *Landscape Urban Plan*, 2018, 47–63.
 59. Yue, W., Zhang, L., & Liu, Y. (2016). Measuring sprawl in large Chinese cities along the Yangtze River via combined single and multidimensional metrics. *Habitat International*, 57, 43-52.
 60. Zhang, D., Liu, X., Wu, X., Yao, Y., Wu, X., & Chen, Y. (2019). Multiple intra-urban land use simulations and driving factors analysis: A case study in Huicheng, China. *GI Science and Remote Sensing* 56(2), 282–308.
 61. Zhao, M., Zhou, Y., Li, X., Cheng, W., Zhou, Ch., Ma, T., Li, M., & Huang, K. (2020). Mapping urban dynamics (1992–2018) in Southeast Asia using consistent nighttime light data from DMSP and VIIRS. *Remote Sensing of Environment*, 248, 111980.
 62. Zhou, L., Gong, Y., Lopez-Carr, D., & Hunag, Ch. (2024). A critical role of the capital green belt in constraining urban sprawl and its fragmentation measurement. *Land Use Policy*, 141, 107148.
 63. Zhuang, Z., Li, K., Liu, J., Cheng, Q., Gao, Y., Shan, J., ..., & Chen, D. (2017). China's new urban space regulation policies: A study of urban development boundary delineations. *Sustainability*, 9(1), 45.



Contents	Page
▪ Spatial Analysis of the Feasibility of the Plan for Organizing Rural Spaces and Centers of Mashhad and its Implications	1
Hamid Shayan, Majidreza Katebi, Tahereh Sadeghlou, Khadijeh B-Ouzarjomehri	
▪ Evaluating the Effects of Diversity of Economic Activities on Eesilience of Rural Communities to Climate Change (Study Area: Tourism Villages of Saman County)	2
Sadegh Mokhtari Cholche, Hossein Farahani, Jamshid Einali, Mehdi Cheraghi	
▪ Justifying the Status of Good Urban Governance Using the Mixed Method in the New City of Golbahar	3
Hamed Roshaneri, Mohammad Ali Ahmadian, Omid Ali Kharazmi	
▪ Explaining the Indicators of Urban Tourism Development Model	4
Aminollah Balideh, Massoud Taqvaei	
▪ Determinants of Management Approach to Sustainable Branding of Coastal Tourism Destinations (Case Study: Bushehr Port)	5
Valiollah Nazari, Mohammad Gholami, Gholamreza Amininejad, Hossein Mozafari	
▪ India's Strategy to Mitigate China's Growing Threats in South Asia	6
Hamid Dorj	
▪ Analysis of the Role of Factors Affecting the Efficiency of National Division System in Iran (Case Study: Kermanshah Province)	7
Negin Rasouli, Hojat Mahkouei, Amir Gandomkar	
▪ Analysis of Flood Risk in the Urban Area of Mashhad Using GIS Techniques	8
Ahmad Zakarian, Abolghasem Amirahmadi, Leila Goli Mokhtari	
▪ Spatial and Temporal Changes of Tourism Climate in Ardabil Province using Physiological Equivalent Temperature (PET) and its Prediction Using Multivariable Regression Equation	9
Tohid Ahmadzadeh, Parviz Rezaei, Youssef Zeinalabedin Amoghin	
▪ Analyzing the Impact of Spread of Terrorism in Iraq and Syrian Crises on World Peace and Security	10
Hadi Sharafi, Fereydoun Akbarzadeh, Hossein Karimifard, Shiva Jalalpour	
▪ Mental Models of Local Managers Regarding Environmental Risk Management Strategies (Case Study: Peri-Urban Settlements of Birjand)	11
Mohammad Hajipour, Mobina Osmani	
▪ Analyzing the Physical-Spatial Development Pattern of City Using Spatial Analysis Methods	12
Mehdi Ehsanikhah, Keramatallah Zayyari, Abbas Rajaei, Ahmed Pourahmad, Hossein Hataminejad	

EXTENDED ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Regional
Development

**Vol 22, No. 1, Spring 2024,
Serial Number 46**

License Holder
Ferdowsi University of Mashhad

General Director
Dr. M. R. Rahnama

Editor-in-Chief
Dr. H. Shayan

Editorial Board

Dr. M. Ahmadiyan
Islamic Azad University Mashhad
Branch

Dr. A. Roknoddin Eftekhari
Tarbiat Modarres University, Tehran

Dr. M. Pourtahari
Tarbiat Modares University, Tehran

Dr. S. R. Hoseinzadeh
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. K. Hoseinzade Dalir
University of Tabriz, Tabriz

Dr. M. R. Rahnama
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. S. Roostaei
University of Tabriz, Tabriz

Dr. H. Sojasi Qeydari
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Shayan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Kamran
University of Tehran, Tehran

Dr. H. Lashkari
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. G. Mozafari
Yazd University, Yazd

Dr. S. Velayati
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. V. Ghasemi
Universidade Europeia, Lisboa, Portugal

Dr. K. Muhabbatov
Academy of Sciences of the Republic of
Tajikistan

Internal Editor:
Dr. R. Doostan
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

English Language Editor:
Dr. V. Mardani Kalate Gheshlagh

Editing References:
Dr. S. M. Fazaeli

Persian Editing of Articles:
Z. Darvishi

Excutive Manager:
Z. Baniasad

Typesetting:
M. Iranpak

Publisher:
Ferdowsi University of Mashhad Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 \$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad-Iran
Postal Code:
9177948883

Tel: (+98 513) 8806724
Fax: (+98 513) 8807060

E-mail:
jrd@ferdowsi.um.ac.ir

Website:
<http://jgrd.um.ac.ir/>



FERDOWSI UNIVERSITY OF MASHHAD

Journal of Geography and Regional Development

(Peer-reviewed Journal)

Vol 22, No. 1, Spring 2024, Serial Number 46

- **Spatial Analysis of the Feasibility of the Plan for Organizing Rural Spaces and Centers of Mashhad and its Implications**.....1
Hamid Shayan, Majidreza Katebi, Tahereh Sadeghlou, Khadijeh Bouzarjomehri
- **Evaluating the Effects of Diversity of Economic Activities on Resilience of Rural Communities to Climate Change (Study Area: Tourism Villages of Saman County)**.....2
Sadeq Mokhtari Cholche, Hossein Farahani, Jamshid Fimali, Mehdi Cheraghi
- **Justifying the Status of Good Urban Governance Using the Mixed Method in the New City of Golbahar**3
Hamed Roshaneri, Mohammad Ali Ahmadian, Omid Ali Kharazmi
- **Explaining the Indicators of Urban Tourism Development Model**.....4
Aminollah Balideh, Massoud Taqvaei
- **Determinants of Management Approach to Sustainable Branding of Coastal Tourism Destinations (Case Study: Bushehr Port)**.....5
Valiollah Nazari, Mohammad Gholami, Gholamreza Amininejad, Hossein Mozafari
- **India's Strategy to Mitigate China's Growing Threats in South Asia**6
Hamid Dorj
- **Analysis of the Role of Factors Affecting the Efficiency of National Division System in Iran (Case Study: Kermanshah Province)**.....7
Negin Rasouli, Hojat Mahkouei, Amir Gandomkar
- **Analysis of Flood Risk in the Urban Area of Mashhad Using GIS Techniques**.....8
Ahmad Zakarian, Abolghasem Amirahmadi, Leila Goli Mokhtari
- **Spatial and Temporal Changes of Tourism Climate in Ardabil Province using Physiological Equivalent Temperature (PET) and its Prediction Using Multivariable Regression Equation**.....9
Tohid Ahmadzadeh, Parviz Rezaei, Youssef Zeinalabedin Amoghini
- **Analyzing the Impact of Spread of Terrorism in Iraq and Syrian Crises on World Peace and Security**10
Hadi Sharafi, Fereydoun Akbarzadeh, Hossein Karimifard, Shiva Jalalpour
- **Mental Models of Local Managers Regarding Environmental Risk Management Strategies (Case Study: Peri-Urban Settlements of Birjand)**.....11
Mohammad Hajipour, Mobina Osmari
- **Analyzing the Physical-Spatial Development Pattern of City Using Spatial Analysis Methods**.....12
Mehdi Ehsanikhah, Keramatallah Zayyari, Abbas Rajaei, Ahmed Pourahmad, Hossein Hataminejad

ISSN: 2008-1391